



فرهنگ ریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی

تألیف: دکتر ملوچیر آربانبور کاشانی

پیشگفتار

هدف این کتاب نشان دادن ریشه‌ی هند و اروپایی واژه‌های فارسی ناب است. این هدف موجب ریثگی‌های زیر شده است:

۱- هیچ واژه‌ی فارسی که ریشه‌ی هند و اروپایی آن ناشناخته است آورده نشده است. صدها

واژه‌ی فارسی وجود دارد که ریشه‌یابی آنها تا حد پهلوی و اوستایی و حتی پارسی‌باستان پیگیری شده است ولی ریشه‌ی هند و اروپایی آنها شناخته نیست. ممکن است برخی از آنها هند و اروپایی و بسیاری از آنها غیر هند و اروپایی باشند. بهمین دلیل از آوردن اینگونه واژه‌ها خودداری کرده‌ام.

۲- کوشش کرده‌ام که پیگیری واژه‌های فارسی را در این مسیر انجام دهم: فارسی ← پهلوی ← اوستایی ← پارسی‌باستان ← هند و اروپایی. ولی به دلائلی که در دیباچه آمده همیشه توانسته‌ام شاهد

اوستایی یا پارسی‌باستان (و گهگان حتی شاهد پهلوی) واژه را ارائه دهم.

۳- هرجا که توانسته‌ام واژه‌های هم‌ریشه‌ی کردی و بلوچی و افغانی و اوستی و سغدی و ختنی را نیز آورده‌ام تا خویشی زبان‌های ایرانی امروز و رابطه‌ی آنها با پهلوی و اوستایی و پارسی‌باستان و هند و اروپایی آشکارتر گردد.

۴- برای نشان دادن خویشی زبان‌های هند و اروپایی و ریشه‌گیری آنها از یک سرچشم‌می مشترک، واژه‌های هم‌ریشه در زبان‌های سانسکریت و ارمنی و یونانی و لاتین و آلمانی و انگلیسی و روسی وغیره را نیز ارائه داده‌ام. هر آینه، این واژه‌ها (با وجود هم‌ریشه بودن) همیشه هم معنی نیستند.

۵- هرجا در درستی ریشه‌یابی‌ها شک داشته‌ام، با آوردن واژه‌ی "شاید" به خواننده هشدار داده‌ام.

۶- بسیاری از ریشه‌یابی‌های موجود در این کتاب متکی به پژوهش‌های دانشمندان پیشین (به ویژه J.POKORNÝ و محمد معین) است. ولی شمار واژه‌هایی که توسط خودم پیگیری و برای نخستین بار ارائه شده است نیز کم نیست. مسئولیت درستی اینگونه واژه‌ها و به طور کلی همه مطالب این کتاب را بهده می‌گیرم.

امیدوارم که این کتاب دوست‌داران زبان پارسی و زبان‌شناسی را خوش آید.

منوچهر آریان‌پور کاشانی

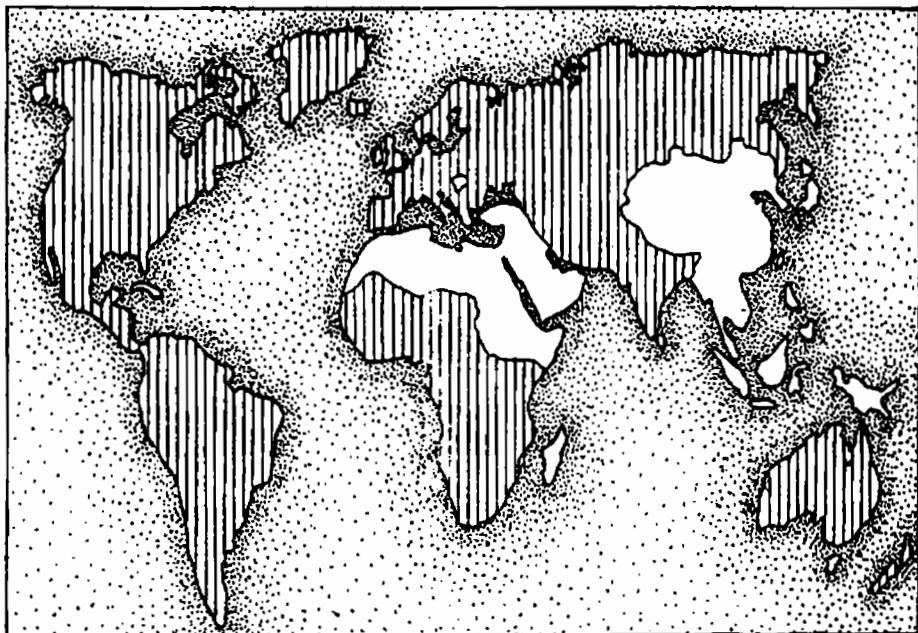
با سپاس از

دکتر ایدرج آریان ھور کاشانی (بازخوانی متن)

مهندس دسین فلاح (بازخوانی متن پرینت دوم)

دیباچه

«هند و اروپایی» نامی است که به خانواده‌ی بزرگی از زبانها داده می‌شود. این خانواده شامل تقریباً همه‌ی زبانهای اروپا و فلات ایران و بخش شمالی شبه قاروی هند می‌شود. کوچک‌تر اروپائیان در پانصد سال گذشته دامنه‌ی زبانهای هند و اروپایی را در سرتاسر آمریکای شمالی و جنوبی و مرکزی و همچنین در استرالیا گسترش داده است. ضمناً در گذشته، زبان مردم آذربایجان و آسیای صغیر و آسیای مرکزی و چین باختصار (ایالت سین‌کیانگ) نیز هند و اروپایی بوده ولی هجوم قبایل ترک زبان (از حدود سده‌ی پنجم میلادی به بعد) موجب از میان رفتن آن زبانهای محلی گردیده است.



بخش‌های جهان که زبان بومی یا زبان رسمی آنها یکی از زبان‌های هند و اروپایی است.

چرا هند و اروپایی؟

نام «هند و اروپایی» (INDO-EUROPEAN) بدین دلیل نوآوری شده که زبانهای این خانواده‌ی بزرگ از هندوستان و فلات ایران تا باختر اروپا و بریتانیای کبیر گسترش دارند. برخی دانشمندان اروپایی (به ویژه آلمانی زبانان) نام «هندوژرمنی» (INDO-GERMANISCH) یا INDO-GERMANIC را بکار می‌برند. در گذشته واژه‌ی «آریایی» (ARYAN) نیز بکار گرفته می‌شد ولی امروزه این نام بیشتر برای اشاره به زبانهای بخش شمالی شبه قاره‌ی هند و به صورت ترکیب (هند و آریایی) INDO-ARYAN بکار می‌رود.

علت از رونق افتادن واژه‌های «آریا» و «آرین» و «آریایی» چه بود؟

در چند دهه‌ی قبل از جنگ جهانی دوم، برخی از دانشمندان اروپایی واژه‌ی «آریایی» را نه تنها در اشاره به یک خانواده‌ی بزرگ زبانها بلکه در اشاره به تیره‌ی بخصوص از نژاد سفید بکار می‌بردند و ویژگی‌های بدنی و اجتماعی و فرهنگی آنان را مورد ستایش قرار می‌دادند. در دوران سلطنت نازی‌ها در آلمان، واژه‌ی «آریایی» (ARYAN) اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. نازی‌ها و فاشیست‌ها باور می‌کردند که آریایی‌های راستین مردمی بلند قامت با چشمان آبی و موی طلایی بودند که از نظر نژادی بر سایرین برتری کامل داشتند. چون در آلمان و اسکاندیناوی اینگونه مردم فراوان ترند، آنها معتقد بودند که گهواره‌ی آریایی‌های ابرنژاد شمال باختری اروپا بوده و از آنجا به سرزمین‌های دیگر کوچ کرده‌اند. طی این کوچ‌های متوالی، آریایی‌ها با بومیان هر محل درآمیختند و در نتیجه پاکی و برتری نژادی آنها کم شد. هر چه این کوچ‌گران از آلمان دورتر شدند، میزان آمیختگی خون آنها با نژادهای «پست‌تر» بیشتر شد. بهمین دلیل در سرزمین‌های دور از آلمان درصد مردم چشم آبی و موطلایی بسیار کمتر است.

به عبارت دیگر، نازی‌ها واژه‌ی «آریایی» را که قبلاً به خانواده‌ای از زبانها اطلاق می‌شد به عنوان یک برچسب نژادی و به منظور تأکید برتری خودشان مورد تحریف قرار دادند. مثلاً در نظر این نژادپرستان حتی «اسلاوهای» که به زبان‌های هند و اروپایی تکلم می‌کنند از نظر «پاکی نژادی» پست‌تر از آریایی‌های ناب (یعنی آلمانی‌ها و اسکاندیناوی‌ها) بودند، تا چه رسید به ایرانی‌ها و هندی‌ها!

بهمین دلیل پس از شکست نازی‌ها در پایان جنگ جهانی دوم، واژه‌ی «آریایی» کمتر مورد کاربرد قرار گرفت و همانطور که در بالا گفته شد امروزه فقط برای اشاره به زبانهای ناشی از

سانسکریت در هندوستان و (به طور نادرتر) برای اشاره به زبانهای ایرانی و هندی (INDO-IRANIAN) بکار می‌رود.

نکته‌ای که باید مورد تأکید قرار گیرد این است که منظور از «هند و اروپایی» تزاد بخصوصی نیست. بیشتر مردم افریقای جنوبی به زبان انگلیسی (یعنی یک زبان هند و اروپایی) نکلم می‌کنند ولی تزاد برخی از آنها سفید و برخی دیگر هندی و بقیه افریقایی است. اکثر مردم کشور پرو از تزاد سرخ پوست هستند ولی زبان مادری بیشتر آنها یک زبان هند و اروپایی (یعنی اسپانیایی) است.

سرزمین آغازین هند و اروپاییان

در چند دهه‌ی اخیر، برخی از دانشمندان (به ویژه دانشمندان روسی: T. GAMKRELIDZE V. IVANO) چنین فرض کرده‌اند که گهواره‌ی مردمان هند و اروپایی کردستان و سرزمین‌های اطراف آن است چون در این نواحی بود که در حدود ده هزار سال پیش کشاورزی و اهل‌سازی دام‌ها نوآوری شد و این نوآوری‌ها شهرزیستی و ازدیاد جمعیت و ایجاد ارتش و فناوری و گسترش از راه کوچگری را می‌ساخت. بنابراین دیدمان (THEORY)، مردمان این سرزمین کم از یک سو به فلات ایران و شمال هندوستان و از سوی دیگر به آسیای صغیر و از آنجا به اروپا کوچ کردند.

نکات زیر درستی دیدمان فوق را مورد تردید قرار می‌دهد: ۱- کردستان و ارمنستان و نواحی اطراف آنها دارای وسعت نسبتاً کمی هستند و بعيد است سرچشم‌های کوچک‌های بزرگی باشند که تا مرکز هند و باخترا اروپا گسترش داشته باشد. ۲- بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که زبان‌های هند و اروپایی این نواحی (هیت HITTITE، لرویان LUWIAN، پالایک PALAIC) هم‌جوار لاقل دو زبان غیر هند و اروپایی (هیک HATTIC و هوریان HURRIAN) بودند. این واقعیت، بودن آنها در حاشیه‌ی سرزمین‌های هند و اروپایی را محقق می‌کند و بعيد است که جنبش کوچگری هند و اروپاییان از حاشیه آغاز شده باشد. ضمناً دیگر قرائن نشان می‌دهند که زبان‌های هند و اروپایی این نواحی زبان‌های اولیه‌ای می‌سرزمین‌های نبوده‌اند و توسط کوچگران به آنجا برده شده‌اند. ۳- بیاری از واژه‌های هند و اروپایی آغازین (PROTO-INDO-EUROPEAN) وابسته به جانوران و گیاهانی مستند که در این نواحی یافت نمی‌شوند.

دیدمان دیگر درباره‌ی گهواره‌ی آغازین هند و اروپایی‌ها این است که زادگاه آنان شمال اروپا (به ویژه آلمان) بود. همانطور که در بالاگفته شد، نازی‌های آلمان (URHEIMAT)

این دیدمان را تحریف کرده و برای اثبات برتری نژادی خود ادعا می‌کردند که اقوام هند و اروپایی از آلمان به خارج مهاجرت کردند ولی هر چه از آلمان دورتر شدند آمیزش آنان با اقوام محلی موجب پست شدن نژادی و تیرگی نسبی رنگ مو و چشم آنها شد. موضوع برتری‌های نژادی (که امروزه کاملاً مردود شده است) از عهده‌ی بحث ما خارج است. بطور کلی کوچکی نسبی آلمان و یا بش‌های باستانشناسی و ویژگی‌های زبان شناختی زبان‌های ژرمینیک، دیدمان گهواره بودن آلمان را نیز غیرتحمل می‌نماید.



گهواره‌ی هند و اروپاییان از دیدگاه هواداران «آلمان مرکزی»

آیا خاستگاه مردمان هند و اروپایی در سرزمین‌های گستردگی شمال دریای سیاه و دریای خزر بود؟

اگر پذیریم که زبانهای هند و اروپایی از یک زبان واحد سرچشمه گرفته‌اند که می‌توان واژگان کهن آنرا از راه ردیابی قهقرایی تعیین نمود، پرسشی که طبیعتاً پیش می‌آید این است که گهواره‌گاه این مردم هند و اروپایی کجا بود؟ واضح است که زبان هند و اروپایی خود یکی از زبانهای متعدد دوران نوسنگی بود و این زبانها مرحله‌ای از تطور زبانهای بشری بودند. زبان هند و اروپایی زبان واحد مردمی بود که حدود چهار تا شش هزار سال پیش در ناحیه‌ی نسبتاً محدودی زندگی می‌کردند و بهمین دلیل زبان آنها یا فاقد گوییش‌های گوناگون بود و یا گوییش‌های آن بهم بسیار

نزدیک بودند. علت محدود بودن گستره‌ی آنها این است که طبق اصل «پیشنهای گستره‌ی مجاز» (MAXIMUM PERMISSIBLE AREA) اگر حوزه‌ی گسترش یک زبان زیاد شود، گویش‌های فرعی آن هر یک تبدیل به زبان جداگانه‌ای می‌شوند (همانطور که مثلاً لاتین تبدیل شد به فرانسه و اسپانیایی و غیره).

ولی چون هند و اروپایی‌ها در اصل از طریق شکار و دامداری و شبانی زیست می‌کردند و دارای ارابه و اسب بودند، تحرک آنها از کشاورزان روستائیان بیشتر بود و در ناحیه‌ی وسیع تری کوچ می‌کردند. بدین دلیل، فرض بر این است که گهواره هند و اروپایی‌ها وسیع تر از حد معمول بود و شامل سرزمین‌های شمال دریای سیاه و دریای خزر می‌شد. همین خوی کوچگری و تحرک (به علاوه‌ی مجهز بودن به اسب و ارابه و سلاح‌ها و ترفندهای رز می‌پیشرفته و دارا بودن خصلت رزم‌آوری) آنها را قادر کرد که طی موج‌های متوالی در ظرف حدود دو هزار سال اروپا و آسیا صغیر و فلات ایران و هندوستان را زیر مهیب خود درآوردند.

طی این کوچ‌های مرکزگریزانه (CENTRIFUGAL MIGRATIONS) هندواروپایی‌ها زبان خود را در نواحی تسخیر شده رواج دادند. ولی در هر ناحیه، زبان مردم بومی (و ویژگی‌های دستوری و آوایی و واژگان آن) زبان کوچگران هند و اروپایی را متقابلاً تحت تأثیر قرار داد. این کشن و واکنش یکی از دلایل عمدی تقسیم زبان واحد هندو اروپایی ابتدا به گویش‌ها و سپس به زبان‌های گوناگون شد. (وجود واژه‌های مشترک میان هند و اروپایی و زبان سامی آغازین [PROTO-SEMITIC] از یک سو و زبان هندو اروپایی و زبان فینو-وگریک [FINNO-UGRIC] از سوی دیگر مؤید این نکته است. بازگشت به: J. P. MALLORY, PP. 146-9)

از جزئیات کوچگری هند و اروپاییان در چند هزاره‌ی قبل اطلاعی در دست نداریم ولی بررسی جنبش‌های کوچگرانه‌ی دیگر در دوران‌های تاریخی الگوی کلی این کوچ‌ها و پیامدهای فرهنگی و زبانشناصی آنها را روشن می‌کند. بررسی کوچگری مردمان ترک زبان مثال بسیار مفیدی است: در قرن ششم پس از میلاد، مردم ترک زبان فقط در ناحیه‌ی نسبتاً کوچکی در شمال مغولستان و خاور دریاچه‌ی بایکال زندگی می‌کردند. آنها نیز مثل هندواروپاییان زندگی شبانی و دامداری داشتند و اسب سواران ماهری بودند. این مردم در طی هفت قرن (از سده‌ی ششم تا سیزدهم پس از میلاد) طی یک سلسله تهاجم‌ها و کوچ‌های متوالی در بخش عظیمی از آسیای مرکزی و آسیای صغیر ساکن شدند. مردمان این نواحی (مثلاً ساکنان آذربایجان و ترکیه) همه به زبان‌های هند و اروپایی تکلم می‌کردند ولی سلطه‌ی ترک زبانان موجب شد که طی چند قرن زبان آنها ترکی بشود ولی زبان ترکی

این نواحی نیز متفاپلأ تحت تأثیر زبانهای محلی قرار گرفت و کم کم به چندگویش تبدیل شد (ترکی اسلامبولی و ترکمنی و آذری وغیره).

یک پژوهش اخیر (مجله‌ی SCIENCE جلد ۳۰۰، صفحه‌ی ۵۹۹، ۲۵ آوریل ۲۰۰۳) نشان می‌دهد که مردم ترکیه (و شاید مردم آذربایجان) از نظر زادشناسنی (GENETICS) فقط دارای سی درصد ژن ترک (نژاد خاور دور یا زرد) و هفتاد درصد ژن هندو اروپایی وغیره هستند.



گسترش سریع قبائل ترک نشان می‌دهد که سرعت تهاجم و تصاحب می‌تواند بسیار زیاد باشد (تاریخ‌های فوق میلادی هستند).

از بررسی زیالشناختی برای پالست گپواره‌ی هندو اروپائیان چه نتایجی گرفته می‌شود؟

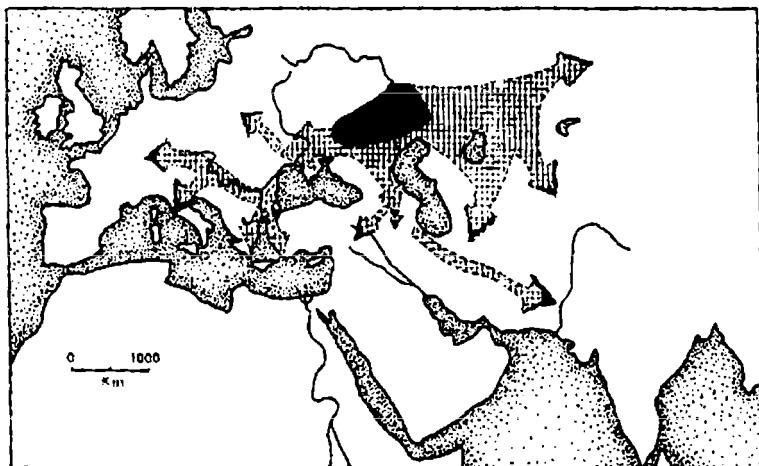
زبانهای هندو اروپایی به دو دسته بخش می‌شوند: زبانهای «ساتم» SATEM (ارمنی، ایرانی، هندی، اسلاوی، بالتیک) و زبانهای ستم CENTUM (زرمنی، لاتین، یونانی، سلتیک). در زبانهای «ساتم» نخستین وات واژه‌ی «صد» سایشی (FRICATIVE) یعنی «S» یا «K» است. در زبانهای «ستم» واژه‌ی «صد» معمولاً حاوی حرف «N» است. (مثلاً در فرانسه CENT و یا انگلیسی HUNDRED). مرز میان این دو دسته زبان هند و اروپائی خطی است که حدوداً در مرکز اروپا قرار دارد. حال اگر پذیریم که کوچ هند و اروپائیان به صورت موج‌های متواالی مرکز گریز انجام شده، به این نتیجه خواهیم رسید که مرکز ثقل یا گرانیگاه (CENTER OF GRAVITY) این موج‌ها در حدود مرز میان این دو دسته زبان (نواحی شمال دریایی سیاه) بوده است. آنچه این بیش را تا اندازه‌ای مورد

نردید قرار می‌دهد این است: زبان هند و اروپایی تخاری (TOCHARIAN) که در ترکستان چین یعنی در خاوری ترین سرحد زبانهای هند و اروپایی قرار داشت. یک زبان ستم بودا آیا آنها از اروپا به جلگه‌ی تارم (باختر چین) کوچ کردند و علت شbahat زبان آنها با یونانی و سلتی همین است؛ آیا به همین علت است که نقش‌های دیواری یافت شده در تورفان و تارم آنها را با می‌سرخ و چشمان آبی و پوست سفید تجسم می‌کنند (MALLORY, 56-63)? فعلاً برای این پرسش‌ها پاسخ قاطعی در دست نیست. وی علت تعیین محل گهواره در نواحی شمال دریاهای سیاه و خزر منحصر به بیش بالا نیست. دلیل دیگر، واژه‌ی «مار» در اکثر زبانهای «ستم» مشترک است (لاتین: NATRIX؛ ایرلندی NATARA؛ انگلیسی کهن: NADRE؛ گوتیک: NAEDDRE؛ آلمانی کهن: NATHIR؛ بازگشت به: POKORNY, 767).

ولی این واژه (که ریشه‌ی هندواروپایی آن NETR است) در زبان‌های «ساتم» وجود ندارد. مثلاً در زبان‌های هند و ایرانی این واژه بدین صورت است (فارسی: مار؛ کردی: MAR؛ پهلوی: MAR؛ اوستایی: MAIRYA؛ سانسکریت: MIARA). بازگشت به برهان قاطع، صفحه‌ی ۱۹۳۶ ممکن است علت این تفاوت این باشد که زبان‌های «ساتم» در اثر تماس با اقوام محلی، این واژه را از آنها اخذ کردند و یا اینکه چون مارهای فلات ایران و هند مهلک‌اند (ومارهای اروپای شمالی زهرين نیستند) این واژه کم نوآوری شده. امکان ثانی محتمل‌تر است چون ریشه‌ی واژه‌ی «مار» با ریشه‌ی «مردن» و «میراندن» بکی است. در هر حال، شکاف میان زبانهای «ساتم» و «ستم» و واژگان وابسته به این دو گروه حاکی از وجود خاستگاه هند و اروپاییان در حدود مرز میان این دو گروه است.

همسانی‌های واژگانی و آوازی دیگری نیز میان زبانهای هند و اروپایی باختり وجود دارد که اندیشه‌ی فوق را تأیید می‌کند: زبانهای ژرمونی همسانی‌های نسبتاً زیادی با زبان‌های واقع در باختر خود (یعنی سلتی و لاتین دارند). از سوی دیگر همین زبان‌های ژرمونی شbahat نسبتاً زیادی با زبانی‌های واقع در خاور خود (یعنی بالتیک و اسلاوی) دارند. به عبارت دیگر ترتیب جغرافیایی شbahat‌ها چنین است: اسلاوی ← بالتیک ← ژرمونی ← سلتی ← لاتین. این واقعیت می‌تواند مبنی دو چیز باشد: ۱- کوچ موجی هندو اروپاییان از خاستگاهی واقع در مرکز به سوی حاشیه بوده است (از خاور اروپا به باختر و جنوب آن). ضمناً همسانی چشمگیری نیز میان زبانهای اسلاوی و زبانهای واقع در خاور آنها (یعنی این زبانهای ایرانی: سکایی Scythian و سارمانی Sarmatian و اوستی Ossetic) وجود دارد و این زبانها نیز (به ویژه پارسی کهن و اوستایی) شbahat زیادی با زبانهای شیوه قاروی هند (سانسکریت و غیره) دارند. به عبارت دیگر ترتیب جغرافی این زبانها چنین است: سکایی

سارماتی → سغدی → خوازمی → فارسی → پشتو → زبانهای هندوستان شمالی. جهت این موج‌های مرکزگریز از شمال دریاهای سیاه و خزر به سوی خاور و جنوب بوده است — از مرکز به حاشیه.



نقشه‌ی گسترش هند و اروپاییان از خاستگاه (بخش سیاه) به سوی باخته و خاور و جنوب از حدود ۴۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد.

۲- همسانی‌های فوق‌الذکر (از گهواره به سوی باخته و اروپایی باخته‌ی و جنوبی و همچنین از گهواره به سوی خاور و فلات ایران و هند) مضافاً نشان می‌دهند که مکان جغرافیایی این زبانها در دو هزاره‌ی گذشته (به استثنای هجوم و ماندگری قبائل ترک و مجار و فنلاندی) تغییر زیادی نکرده است و الامیزان همسانی زبانهای مجاور به گونه‌ای دیگر می‌بود.

اصل جغرافیای زبانشناسی (LINGUISTIC GEOGRAPHY) چیست؟

این اصل چنین است: زبانهای درون‌گهواره و اطراف آن بیشتر دستخوش نوآوری و دگرگونی می‌شوند و زبانهای پیرامون بیشتر محافظه کارند و دارای واژه‌های کهن ترند. مثلاً زبان فرانسه‌ی رایج در ایالت کبک در کانادا (یک زبان پیرامون) از زبان فرانسه‌ی رایج در کشور فرانسه کمتر تغییر کرده است و شباهت بیشتر به فرانسه‌ی قرن هفدهم دارد. یکی از علت‌های این تفاوت این است که زبانهای حاشیه یا پیرامون حاوی واژه‌هایی هستند که قبل از خروج از گهواره جزو زبان هند و اروپایی آغازین بوده‌اند. آنها این واژگان و ویژگی‌های زبانی دیگر را با خود به سرزمین‌های دیگر بردنده‌اند. اثر قطع تماس با گهواره، این واژگان و ویژگی‌های زبانی عتیق به اصطلاح منجمد شدند. ممکن است گفته شود که علت انجماد و بی تغییری این زبانها (مثلاً تخاری و هیت و سغدی) این است که این

زبان‌ها قرن‌هاست که مرده‌اند و زبان مرده تغییر نمی‌کند. ولی این انجماد نسبی و محافظه‌گری در زبانهای حاشیه‌ای دیگر (مثلاً سلتی و لیتوانی و ایسلندی) نیز دیده می‌شود. زبان‌های مرکزی‌تر (به ویژه سکایی و سارماتی و اوستی)، برعکس لیتوانی و سلتی، دستخوش نوآوری و دگرگونی بیشتری شده‌اند. اصل جغرافیای زبانشناسی فوق‌الذکر مورد قبول همه‌ی دانشمندان نیست ولی در نظر کسانی که آنرا می‌پذیرند، خود دلیل دیگریست در تأیید مکان‌گهواره در مبدأ موجهای کوچگری مرکز گریز (یعنی شمال دریاهای سیاه و خزر).

دیرین‌شناسی زیالی (LINGUISTIC PALAEONTOLOGY) چیست؟

دیرین‌شناسی زبانی و سیله‌ی دیگری است برای شناخت هند و اروپایی آغازین و خاستگاه آن. بررسی واژگان هند و اروپایی و شواهد تاریخی و اسطوره‌ای و باستان‌شناسی نشان می‌دهد که جامعه‌ی هند و اروپایی حدود چهارهزار سال پیش از میلاد در ناحیه‌ی معینی وجود داشته و زبانهای هند و اروپایی آسیای صغیر و زبان‌های ایرانی و هندی حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد از آن منشعب شده‌اند. این جامعه در آغاز شکارگر-گردآور (HUNTER-GATHERER) بوده و کم کم شبانی و کشاورزی شده است. چون واژه‌های «اسب» و «ارابه» و «چرخ» در اکثر زبانهای هند و اروپایی همراهی‌اند می‌توان نتیجه گرفت که آنان در رام کردن اسب و استفاده از ترابرهای چرخدار پیشگام بوده‌اند و تحرک و تفوقی که سوارکاری و ترابری به آنها داده عامل بزرگی در گسترش آنها بوده است. واژه‌های همراهی دیگر نیز در شناخت ماهیت هند و اروپائیان سودمنداند: واژه‌های مشترک «شخم» و «آهن» و «جو» و «گاو» و «بز» و «خوک» نشان می‌دهد که این مردم به کشاورزی هم اشتغال داشتند. واژه‌های همراهی «خرس» و «گرگ» و «فاز» و «راش» (BEECH) و «غان» (BIRCH) و «ماهی آزاد» (SALMON) و «بید» (WILLOW) و «بلوط» (OAK) و «زنبور» (BEE) و «اردک» (DUCK) نشان می‌دهد که خاستگاه این مردم در یک ناحیه نسبتاً سردسیر بود. چون اگر مثلاً خاستگاه آنها در ناحیه‌ی گرم‌سیر یا استوایی بود واژه‌های همراهی آنها وابسته به گیاهان و جانوران گرم‌سیری می‌بود، در حالیکه تقریباً همه‌ی واژه‌های گرم‌سیری و استوایی از ریشه‌ی هند و اروپایی نبوده و در چند سده‌ی اخیر وارد زبانهای هند و اروپایی شده‌اند. البته واژه‌های هند و اروپایی همراهی، همگی دارای یک معنی نیستند. واژه‌های محدودی مانند «مادر» و «ماه» و «گاو» در همه زبانهای هند و اروپایی هم معنی هستند ولی اکثر واژه‌های همراهی معنی‌های متفاوتی پیدا کرده‌اند. مثلاً واژه‌ی هند و اروپایی BHURGO (فارسی «غان»؛ سانسکریت: BHURJA؛ اوستی BARZ)

آلمنی BIRCH؛ لتوانی BERZS؛ روسی БЕРЕЗА (BEREZA) در برخی زبانها (مثلاً فارسی) ازین رفته است و در زبانهای دیگر به گیاهان متفاوتی اطلاق می‌شود. علت این دگرگونی آشکار است. کوچگران وقتی به گیاه یا جانور تازه‌ای برمی‌خورند یا نام محلی را می‌پذیرفتند، یا نام جدیدی را نوآوری می‌کردند و یا نام هند و اروپایی قدیمی را برای آن بکار می‌بردند. این فرآیند امروز نیز صادق است. واژه‌ی «یخچال» (چاله‌ی بخ) را برای ابزار سرد ساز برقی بکار می‌بریم. واژه‌ی «سپر» را که مدت‌ها عملکار برد روزمره نداشت برای بخشی از اتومبیل بکار می‌بریم. اصولاً ردیابی واژگانی بیشتر روی هم‌ریشگی تا کید دارد نه هم‌چمی.

ضمناً همه‌ی واژه‌های هم‌ریشه (COGNATE) در تعیین خاستگاه هند و اروپائیان رهنمای نیستند. مثلاً ریشه‌ی هند و اروپایی -KOU- (فارسی: کوه؛ اوستایی: KUOFA؛ پارسی کهن KAUFA؛ گرتیک: KAUFA؛ ایرلندی کهن: KUAN؛ لیتوانی: KAPAS؛ اسلاوی کهن: KUPO؛ هلندی: HOOP؛ کردي: KUWI؛ بلوجي: KOPAK؛ افغانی: KVAB؛ انگلیسي: HEAP) نمی‌تواند به طور قاطع نشانگر آن باشد که خاستگاه هند و اروپائیان ناحیه‌ای کوهستانی بوده است چون مشتقان این ریشه در زبانهای مختلف دارای معنی «کوه» یا «تپه» و یا «پسته» و یا «انباشه» هستند.

‘

از آثار باستانشناسی چه دستگیرمان می‌شود؟

کاوش‌های باستانشناسی و بررسی گنجانه‌های سفالی نیز می‌توانند گواه خوبی باشند. در اوکراین و استپ‌های آسیای مرکزی گورهایی یافت شده که دارای ویژگی‌های خاصی هستند. جسد یا اجساد در درون گور ساخته شده از سنگ‌های تراشیده شده قرار دارند و روی گور تپه‌ی کوچکی (KURGAN) ساخته شده. در کنار جسد گنجانه‌ی سفالی (و در مورد بزرگان قوم) اسلحه و سپر قرار دارد. استخوان اسب موجود در کنار برخی جسد‌ها نشان می‌دهد که اسب بزرگان را با جسد آنها دفن می‌کردند. جسد‌ها معمولاً بر پشت خوابید و پاهای آنها به یک سو خم شده است.

نوع جمجمه‌ها (رأس و پیشانی بلند و استخوان‌های گونه‌ی برجسته) و شاخص سر آنها (DOLICHOCRANIAN CEPHALIC INDEX) نشان می‌دهد که سفید پوست و «دراز سر» (KURGANS) بودند. یافت گورهای تقریباً مشابه این گورکان‌ها در سایر نواحی هند و اروپایی نشین اروپا و آسیا نشانه‌ی دیگری از مسیر کوچ هند و اروپائیان است.

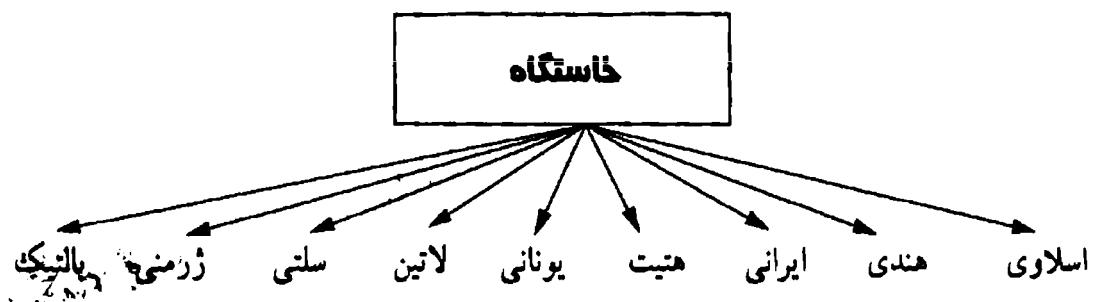
اصلًا از کجا میدلایم که هند و اروپائیان بومی محل‌های فعلی خود نبودند و از جای دیگری کوچ کردند؟

این پرسش منطقی نیاز به جواب دارد: کوشش‌های باستانشناسی و واژگان غیر هند و اروپائی قدیمی که در زبان‌های هند و اروپائی باستانی دیده شده نشان می‌دهد که قبل از ورود هند و اروپائیان، بسیاری از بخش‌های اروپا و آسیا دارای بومیان اولیه بوده‌اند. در آبخشت‌سانه‌ی (شبه جزیره) ایبری (اسپانیا و پرتغال) سنگ نبشته‌هایی بدست آمده که به یک زبان غیر هند و اروپائی قبل از دوران آهن تعلق دارد.

(ENCYCLOPEDIA OF INDO-EUROPEAN CULTURE, PP. 290-299)

زبان «باسک» (BASQUE) که امروزه در بخش کوچکی از شمال خاوری اسپانیا و جنوب باختری فرانسه نکلم می‌شود در گذشته بخش عمده‌ی اسپانیا را زیر پوشش داشته است. شواهد فراوان نشان می‌دهد که پس از آمدن هند و اروپائیان، دامنه‌ی گسترش این زبان غیر هند و اروپائی به تدریج کم شده است. در شمال و مرکز ایتالیا «اتروسکان‌ها» (ETRUSCANS) تمدن درخشنادی را به وجود آورده بودند که آثار هنری آن در بسیاری از موزه‌ها دیده می‌شود. ورود هند و اروپائیان از شمال باعث شد که این زبان و فرهنگ غیر هند و اروپائی نابود گردد. مدارک موجود نشان می‌دهد که در آسیای صغیر نیز اقوام غیر هند و اروپائی («هوریان‌ها» HURRIANS و «هتبک‌ها» HATTICS توسط هند و اروپائیان تازه وارد ("هنتی‌ها" HITTITES و «فریجیان‌ها» PHRYGIANS و «ارمنی‌ها» و «یونانی‌ها») برآنداخته شدند.

در جنوب هندوستان نیز زبان‌های غیر هند و اروپائی (مثلًا «دراویدی» DRAVIDIAN و «موندا» MUNDA) هنوز رایج‌اند. قراین نشان می‌دهند که در شمال هندوستان هم زبان‌های غیر هند و اروپائی تا حدود ۲۵۰ سال قبل از میلاد رواج داشته‌اند ولی ورود اقوام هند و اروپائی از شمال باختری موجب نابودی این زبان‌ها گردیده است. در ایران نیز هند و اروپائیان به تدریج در سرزمین‌های «ایلام» ELAM رسونخ کردند و آن زبان غیر هند و اروپائی را برآنداختند. جهت حرکت هند و اروپائیان در تمام سرزمین‌های فوق تقریباً از شمال به جنوب (واز خارج به داخل) بوده است. این واقعیت نشان می‌دهد که هند و اروپائیان نه تنها ساکن اولیه‌ی این سرزمین‌ها بوده‌اند بلکه از محلی که گراینگاه آن در مرکز این موجهات کوچک‌تری (یعنی شمال دریاها خزر و سیاه) بوده به حواشی نفوذ کرده‌اند.



هشدار در مورد خاستگاه هند و اروپایان

برخی از دانشمندان معتقدند که یافتن خاستگاه هند و اروپایان نه فعلًاً میسر است و نه دارای اهمیت. مثلاً ENRICO CAMPANILE چنین می‌نویسد:

«صحت از «خاستگاه اولیه» مستلزم این است که فرض کنیم که تا ۴۰۰۰ یا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد، هند و اروپایان مردمانی نشیمند بوده و در محل ثابتی ساکن بودند و در لحظه‌ی معینی ناگهان تبدیل به کشورگشایان کوچگر شدند!»

هیچ دلیل مستندی برای چنین فرضیه‌ای وجود ندارد.... در مورد هند و اروپایان هیچ گواه و مدرکی دال بر وجود یک «خاستگاه اولیه» در دست نیست....

(RAMAT, A.G & PAOLO, 20-21)

شاید در آینده گواهان قطعی در پاره‌ی خاستگاه هند و اروپایان پیدا شود. تا آن‌زمان، همه‌ی دیدمانها بر پایه‌ی قرایین و احتمالات استوارند و بس.

داستان برج بابل چه بود؟

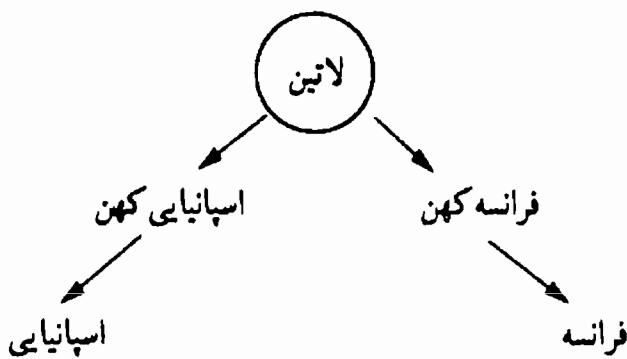
در انجیل آمده است که مردم بابل (BABEL) آغاز به ساختن برجی کردند که قرار بود بلندی آن به عرش برسد. خداوند از این گستاخی آنان به خشم آمد و ناگهان زبان آنها را که عربی بود تبدیل به زبانهای متفاوت کرد به طوری که آنان دیگر حرف‌های هم‌دیگر را درک نمی‌کردند و مجبور شدند از ساختن برج دست بکشند. این داستان اخلاقی عواقب غرور را نشان می‌دهد ولی طی قرون متعددی بعنوان یک واقعیت زبانشناسی نیز مورد تاکید بود. دانشمندان عهد عتیق معتقد بودند که آغاز ساختمنان برج بابل ۲۳۵۰ سال قبل از میلاد (یعنی ۱۶۵۶ سال بعد از خلقت) بود. تا آن سال همه‌ی مردم جهان به زبان عربی سخن می‌گفتند ولی از آن پس زبانهای مختلف (که در واقع نوعی تنبیه

محسوب می‌شدند) به وجود آمدند. به همین دلیل این زبانها «پست» هستند و مرتباً دگرگون می‌شوند بطوریکه مثلاً یک نفر انگلیسی یا فرانسوی نمی‌تواند زبان انگلیسی یا فرانسوی کهن را درک کند. بر عکس، عبری زبانی والا و اصیل است که طی قرون تغییر نکرده است و هر کسی که عبری بدانند خواهد توانست متون کهن را هم بخواند.

این دیدمان وابسته به انشعاب همه‌ی زبانها از زبان عبری قرن‌ها مورد قبول بود و موجب رکود پیشرفت شاخه‌ی عمدۀ‌ای از زبانشناسی شد. ضمناً چون این دیدمان به مذهب و کتاب مقدس منکی بود، کسی آنرا مورد تردید و بررسی علمی قرار نمی‌داد.

در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی که طی آن آموزش زبانهای خارجی رونق گرفته بود، شماری از دانشمندان اروپایی متوجه شباهت‌هایی میان برخی از زبان‌ها شدند. آنچه که کم کم واضح شد این بود که در اروپا چند خانواده‌ی زبان وجود دارد (ژرمنی و لاتین و اسلامی و غیره) و هر یک از این خانواده‌ها شامل چند زبان‌اند. مثلاً خانواده‌ی لاتین شامل ایتالیایی و فرانسه و اسپانیایی و پرتغالی و رومانی است. زبانهای ژرمنی عبارتند از آلمانی و انگلیسی و هلندی و دانمارکی و سوئدی و نروژی و ایسلندی. خانواده‌ی اسلامی شامل روسی و لهستانی و چک و صربستانی و اسلواکی و بلغارستانی و غیره است. بدین روش اکثر زبانهای اروپایی دسته‌بندی شدند. ضمناً بررسی نوشتارهای کهن آنها را متوجه زبانهایی کرد که دیگر وجود نداشتند (مانند گوتیک و ایسلندی کهن). نکته دیگری که کم مشهود شد این بود که هر یک از زبانهای معاصر پیامد زبانهای قدیمی تری هستند. مثلاً انگلیسی بر می‌گردد به انگلیسی میانه (از ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ میلادی) و انگلیسی میانه منشعب است از انگلیسی کهن (از ۱۴۰۰ تا ۱۱۰۰ میلادی). همین طور فرانسه بر می‌گردد به فرانسه‌ی میانه (از ۱۶۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی) و فرانسه‌ی میانه منشعب است از فرانسه‌ی کهن (از ۹۰۰ تا ۶۰۰ میلادی). ضمناً دریافتند که انگلیسی کهن خود منشعب از یک زبان کهن ژرمنی است که سرچشمه‌ی آلمانی و هلندی و غیره هم هست. همین طور دریافتند که فرانسه‌ی کهن نیز خود ناشی از زبان لاتین است و این زبان کهن مادر زبانهای اسپانیایی و ایتالیایی و پرتغالی و غیره هم هست. بدین روش کم کم بیشتر زبانهای اروپایی ردبایی و دسته‌بندی شدند.

چیز دیگری که دریافتند این بود که هر چه به عقب برویم شباهت زبانها بهم بیشتر می‌شود. مثلاً شباهت میان انگلیسی کهن و آلمانی کهن بیشتر است تا شباهت میان انگلیسی و آلمانی معاصر. شباهت میان فرانسه‌ی کهن و اسپانیایی کهن بیشتر است تا شباهت میان فرانسه و اسپانیایی معاصر.



موضوع دیگری نیز که به تدریج برایشان مشهود شد این بود: خانواده‌های زبان‌های اروپایی با هم شباهت‌های فراوان دارند در صورتیکه شباهتی میان این زبان‌ها و عبری (HEBREW) وجود ندارد. ولی چون هنوز پایین‌داستان برج بابل بودند این عدم شباهت را ناشی از «انحراف» و «پستی» زبان‌های معاصر می‌دانستند.

سلط انگلستان بر هندوستان و پافت نوشتارهای کهن هندی

در سده‌ی هیجدهم میلادی انگلستان هندوستان را تصرف کرد. یکی از پیامدهای تماش نزدیک شرق و غرب در هند برخورد انگلیسی‌ها با نوشتارهای کهن هندی به ویژه سانسکریت بود. برخی از آنان که فرهیخته‌تر بودند با شگفتی دریافتند که شباهت عجیبی میان سانسکریت و زبان‌های اروپایی به ویژه زبان‌های کهن اروپایی وجود دارد. کمی بعد که به بررسی نوشتارهای کهن ایرانی (به ویژه اوستایی) پرداختند شگفتی آنان بیشتر شد چون ایرانی باستان نیز هم با سانسکریت و هم با زبان‌های کهن اروپایی قرابت دارد.

اولین کسی که موضوع قرابت احتمالی زبان‌های اروپایی و آسیایی را به تفصیل مورد بررسی قرار داد جیمز پارسونز انگلیسی (JAMES PARSONS) بود. او در کتاب قطور خود (*THE REMAINS OF JAPHET..., 1767*) نه تنها خویشی برخی زبانها را نشان داد بلکه فهرست مفصلی از واژه‌های همسان برخی زبانها را نیز به منظور اثبات نظریات خود ارائه داد. فهرست زیر که اعداد از یک تا ده و سپس صد را در چندین زبان نشان می‌دهد نخستین بار توسط پارسونز ارائه شد (زبانها لیتوانی و آلبانی و ارمنی و تخاری بعداً توسط دیگران شناسایی و به فهرست وی افزوده گردید):

فارسی	فرانسه	آلمانی	هلندی	سوئدی
Persian	French	German	Dutch	Swedish
۱ yak	un	ein	een	en
۲ do	deux	zwei	tween	två
۳ se	trois	drei	drie	tre
۴ chahar	quatre	vier	vier	fyr
۵ panj	cinq	funf	vijf	fem
۶ shesh	six	sechs	zes	sex
۷ haft	sept	sieben	zeven	sju
۸ hasht	huit	acht	acht	atta
۹ noh	neuf	neun	negen	nio
۱۰ dah	dix	zehn	tien	tio
۱۰۰ sad	cent	hundert	honderd	hundra

ایرلندی	ولزی	یونانی	لاتین	ایتالیائی
Irish	Welsh	Greek	Latin	Italian
۱ aon	un	hen	unus	uno
۲ do	dau	duo	duo	due
۳ tri	tri	treis	tres	tre
۴ ceathair	pedwar	tettares	quattuor	quattro
۵ cuig	pump	pente	quinque	cinque
۶ se	chwech	hex	sex	sei
۷ seacht	saith	hepta	septem	sette
۸ ocht	wyth	okto	octo	otto
۹ naoi	naw	ennea	novem	nove
۱۰ Deich	deg	deka	decem	dieci
۱۰۰ cead	cant	hekaton	centum	cento

دانمارکی	انگلیسی	لهستانی	روسی	بنگالی
Danish	English	Polish	Russian	Bangali

۱	en	one	jeden	odin	ek
۲	to	two	dwie	dva	dvi
۳	tre	three	trzy	tri	tri
۴	fire	four	cztery	chetyre	car
۵	sem	five	piec	pyat	pac
۶	seks	six	szesc	shesht	chay
۷	syv	seven	siedem	sem	sat
۸	otte	eight	osiem	vosem	at
۹	ni	nine	dziewiec	devyat	nay
۱۰	ti	ten	dziesiec	desyat	das
	hundrede	hundred	sto	sto	sa
	۱۰۰				.

اسپانیایی	لیتوانی	البانی	ارمنی	تخاری A
Spanish	Lithuanian	albanian	Armenian	Tocharian A
۱ uno	vienas	nje	mi	sas
۲ dos	du	dy	erku	wu
۳ tres	trys	tre	erek	tre
۴ cuatro	keturi	katér	cork	stwar
۵ cinco	penkti	pesë	hing	pān
۶ seis	sesi	giashtë	vec	sāk
۷ siete	septyni	shtatë	ewt'n	spät
۸ ocho	astuoni	tetë	ut	okät
۹ nueve	devyni	nentë	ian	nu
۱۰ diez	destimt	dhjetë	tasn	sak
ciento	simtas	qind	hariwr	kant
۱۰۰				

اندیشه‌ی همبستگی برخی زبانهای هند و اروپایی باز دیگر توسط حقوقدان و زبانشناس

انگلیسی سر ویلیام جونز (SIR WILLIAM JONES, 1746-94) رسماً بیان شد. او در نطق معروفی که در دوم فوریه ۱۷۸۶ ایراد کرد و گفت:

«زبان سانسکریت که قدمت آن معلوم نیست، دارای ساختار شگفت انگیزی است: از یونانی کامل‌تر و از لاتین پروازه‌تر و از هر دو به طور چشم‌گیری پالوده‌تر است. در عین حال شباهت آن با این دو زبان هم از نظر ریشه‌ی واژه‌ها و هم از نظر دستور زبان بیشتر از آن است که ناشی از تصادف باشد در واقع این شباهت بقدری است که هیچ زبان‌شناسی نمی‌تواند هر سه را بررسی کرده و به این نتیجه نرسد که هر سه از سرچشمه‌ی مشترکی ناشی شده‌اند که شاید امروزه از بین رفته باشد. دلیل مشابهی وجود دارد که شاید گوتیک و سلتیک هم... با سانسکریت دارای ریشه‌ی مشترکی باشند. همچنین زبان پارسی کهن را نیز می‌توان جزو این خانواده محسوب نمود.

(MALLORY,12)

سر ویلیام جونز به ریشه‌ی مشترک این زبانها اشاره کرد ولی او هم مانند جیمز پارسونز به داستان برج بابل اعتقاد داشت و فکر می‌کرد این زبانها همه از زبان واحدی سرچشمه گرفته‌اند و این زبان واحد خود از عبری ناشی شده است. همچنین او نیز معتقد بود که پس از توفان نوح، سه پسر او آوردن. حام (HAM) در اقیمی ساکن شدند و نسل و زبان جداگانه‌ای را به وجود آوردند. حام (HAM) در افریقا ساکن شد و نژادها و زبانهای حامی افریقا (HAMITIC) را به وجود آورد. سام (SHEM) در بخشی از آسیا قرار گرفت و نسل و زبانهای سامی (SEMITIC) را بوجود آورد. یافث (JAPHETH) در اروپا ساکن شد و نژادها و زبانهای یافثی (JAPHETIC) را بوجود آورد. طبق این باور مردود کلیه زبانهای دنیا متعلق به یکی از این سه خانواده‌اند.

سر ویلیام جونز منکر این طبقه‌بندی سه‌گانه نبود ولی معتقد بود که زبانهای ایرانی و هندی نیز با زبانهای یافثی اروپا خویشی دارند. این وضع ادامه داشت تا اینکه دیدمان فرگشت چارلز داروین (CHARLES DARWIN, 1809-1882) که در سال ۱۸۵۹ در اروپا و امریکا و لوله ایجاد کرد، بنیاد پندارهای قدیمی در مورد سرچشمه‌ی زبانها را متزلزل کرد. جنبشی که در دانش زبان‌شناسی ایجاد شد از آنروز تا کنون ادامه دارد و موجب تحول عظیمی در شناخت زبانهای هند و اروپایی گردیده است. اسموس راسک (RASMUS RASK, 1787-1832) دانشمند دانمارکی اولین کسی بود که استدلال کرد شباهت‌های ظاهری میان واژه‌ها همیشه ملاک همیشه بودن آنها نیست و خویشی واژه‌ها

باید به طور علمی و سامانمند بررسی و اثبات گردد. مثلاً آوای یونانی PH برابر است با آوای ژرمنی B چون واژه‌ی «بردن» در یونانی PHERO و در انگلیسی BEAR است. واژه‌ی «برادر» در یونانی PHRATER و در انگلیسی BROTHER است. پس از دادن چند مثال دیگر، راسموس راسک نتیجه گرفت که طبق این اصل (یونانی $\text{PH} = \text{ژرمنی B}$) واژه‌ی یونانی PHEGOS (به معنی درخت بلوط) با واژه‌ای انگلیسی BEECH (به معنی درخت راش) هم‌ریشه است ولی معنی آنها دگرگون شده است. چندی بعد از راسموس راسک و دانشمند آلمانی بنام باپ (FRANZ BOPP, 1791-1887) علاوه بر همسانی‌های آوایی و واژگانی، شباهت‌های دستوری را نیز مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که مثلاً واژه‌ی سانسکریت "AGNIS" (به معنی «آذر» یا «آتش») و واژه‌ی لاتین "IGNIS" نه تنها همسانی آوایی دارند بلکه از نظر دستوری نیز دارای همسانی هستند:

سانسکریت	لاتین
(NOMINATIVE SINGULAR): AGNIS	IGNIS
(ACCUSATIVE SINGULAR): AGNIM	IGNEM
(DATIVE / ABLATIVE PLURAL): AGNIBHYAS	IGNIBUS
واسطه و مفعول به جمع	

در سال ۱۸۱۳، تاماس یانگ (THOMAS YOUNG) واژه‌ی «هند و اروپایی» (INDO-EUROPEAN) را نوآوری کرد. ضمناً آنگک پیشرفت دانش زبانشناسی و پژوهش درباره زبانهای هند و اروپایی نیز کم سرعت بیشتری گرفت.

اگوست شلایکر (AUGUST SCHLEICHER, 1821-1868) این اندیشه را پیش کشید که چون هریک از واژه‌های زبانهای هند و اروپایی از واژه‌ی معینی در زبان هند و اروپایی ناشی شده‌اند. قادر تا باید بتوان از طریق «بازسازی زبانشناختی» (LINGUISTIC RECONSTRUCTION) این واژه‌ی بنیادین را احیا کرد. مثلاً پس از تعیین برابرهای واژه‌ی «زمین» (سانسکریت: AJRAS؛ یونانی: AGER؛ لاتین: AGROS؛ گوتیک: AKRS) شلایکر چنین استدلال کرد: این فهرست و فهرست‌های مشابه آن نشان می‌دهند که در زبان گوتیک "G" تبدیل به "K" شده است ولی شکل پیشین آن "AGRAS" بوده است. همچنین همسنجی واژه‌های سانسکریت با سایر واژه‌های بنیادین هند و

اروپایی نشان می‌دهد که در سانسکریت "G" تبدیل به "J" شده است. لذا واژه‌ی بنیادین هند و اروپایی که همه‌ی این واژه‌ها از آن مشتق شده‌اند محتملاً "AGRAS" بوده است. (امروز معتقد‌ند که این واژه‌های بنیادین "AGROS" بوده است). طی صد سال گذشته بازسازی واژه‌های بنیادین هند و اروپایی پیشرفت بسیاری کرده است و داشمندان ریشه مشترک اکثر واژه‌های هند و اروپایی را (از طریق پیگیری پسگرایانه‌ی شکل واژه‌ها) تعیین کرده‌اند. نمونه‌ی زیر مسیر اینگونه بازسازی‌ها را در مورد واژه‌ی «زانو» در زبان فارسی و زبان آلمانی نشان می‌دهد:

۱- فارسی: زانو → پهلوی: ZANUK - پارسی کهن: SHNU - اوستایی: هند و اروپایی: *GENU

۲- آلمانی: KNIE - آلمانی میانه: KNEO - آلمانی کهن: KNIU - هند و اروپایی: *GENU چون در دوران هند و اروپایی‌های اولیه (۳ تا ۴ هزار سال پیش از میلاد) الفباء و خط وجود نداشته تعیین دقیق آوا و معنی واژه‌های هند و اروپایی بنیادین فقط از روی پیگیری پسگرایانه و حدس و قیاس و مقایسه‌ی دستگاه‌های آوایی میسر است. بهمین دلیل در اکثر فهرست‌ها و کتاب‌هایی که با این موضوع سروکار دارند جلو واژه‌های بازسازی شده این نشان «*» را می‌گذارند تا فرضی بودن واژه‌ی بازسازی شده را نشان دهند. (در کتاب حاضر نیز از این رسم پیروی شده است).

با این وجود، شماری از داشمندان معتقد‌ند که این واژه‌های بازسازی شده واقعاً وجود نداشته‌اند و چیزی جز نشانه‌های مصنوعی برای نشان دادن فرگشت زبان‌های مختلف نیستند. برخی دیگر از زبان‌شناسان معتقد‌ند که واژه‌های بازسازی شده با پیروی از اصول اثبات شده‌ی زبان‌شناختی و پژوهش‌های مکرر شناسایی شده‌اند و آنقدر شبیه واژه‌های بنیادین هند و اروپایی هستند که بک زبان‌شناس می‌تواند (در صورت امکان بازگشت به ۶ هزار سال پیش) با هند و اروپائیان آن‌زمان صحبت کند. واقعیت هر چه که باشد، امروزه رسم این است که واژه‌ها از دوران معاصر تا مرحله‌ی هند و اروپایی بنیادین (یعنی حدود ۶ هزار سال پیش) پیگیری می‌شوند و اگر برای یک واژه‌ی معاصر واژه‌بنیادین پیدا نشود، در هند و اروپایی بودن آن واژه تردید است.

در اوائل قرن پیشتم، کشف زبان‌های هند و اروپایی آسیای صغیر (به ویژه "هتیت" HITTITE و زبان‌های "تخاری الف و ب" (TOCHARIAN A, B)) در کامل‌سازی شجره‌ی زبان‌های هند و اروپایی و شناخت واژه‌های بنیادین کمک زیادی کرد. این زبان‌های مرده (تخاری مریوط به قرن‌های هفتم تا نهم میلادی و هتیت مریوط به ۲۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد) بیش ما در باره‌ی زبان‌های هند و اروپایی را کامل تر کرده‌اند. هنوز کار خواندن هزاران لوح و خشت هتیت به پایان نرسیده است

و باستان شناسان هر سال اشیاء و مدارک جدیدی را در ارتباط با هندو اروپاییان کهنه ارائه می‌دهند. از این رو آینده‌ی پژوهشها وابسته به هند و اروپاییان نوید بخش است.

شاخه‌های زبانهای هند و اروپایی

کهنه ترین نوشتارها به زبانهای هند و اروپایی نشان می‌دهند که در حدود ۳ هزار سال پیش از این زبانها به چند شاخه‌ی مختلف منشعب شده بودند. در زیر عمدۀ ترین این شاخه‌ها به ترتیب قدمت متون آنها معرفی می‌گردد:

زبانهای آسیای صغیر یا آناتولی (ANATOLIAN)

این زبان‌ها کهنه ترین زبانهای هند و اروپایی که از آنها مدارک و نوشتار در دست داریم هستند. لوحه‌های موجود به زبان غیر هند و اروپایی آسوری (Assyrian) به مردمی اشاره می‌کنند که در مرکز آناتومی زندگی می‌کردند و طرف تجارت بازرگانان آسوری بودند. نام‌های آنان و شهرهایشان نشان می‌دهد که آنها همان هتیت‌ها و لوویان‌ها (LUWIANS) و پالائیک‌ها (PALAICS) و لیسیان‌ها (LYCIANS) که همگی هند و اروپایی بودند می‌باشند. بعلاوه از هتیت‌ها حدود ۲۵ هزار لوح و خشت مکتوب (برنوشته) در دست است. این خشت‌ها و لوحه‌ها به حروف میخی (CUNEIFORM) و به زبان‌های هتیت‌کهنه (حدود ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد) و هتیت میانه (حدود ۱۵۰۰ تا ۱۳۵۰ پیش از میلاد) و هتیت نو (حدود ۱۳۵۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد) نوشته شده‌اند. خواندن این لوحه‌ها و خشت‌ها هنوز ادامه دارد. از لوویان‌ها و پالائیک‌ها و لیسیان‌ها مدارک کمتری یافته شده است. این مدارک وابسته به دوران برنز بوده و منحصرند به نوشتارهای روی سنگ قبر و روی گنجانه‌های سفالین. وجود گورهای بر جسته (KURGAN) و آثار ویرانی ساختمان‌ها و جابجایی جمعیت حاکی از این است که این ناحیه در اوائل دوران برنز (حدود ۲۶۰۰ تا ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد) مورد هجوم یا کوچ هند و اروپایی‌ها قرار گرفته است.

زبانهای هندی (INDO-ARYAN) یا هند و آریایی

پیشین ترین نوشتارها به این زبانها «ریگ و دا» (RIG-VEDA) است که قدمت آن به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. «وداه‌ها» (VEDAS) و «براهمانا» (BRAHMANS) و «سوтра» (SUTRA) در سده‌های بعدی نگاشته شده‌اند. دستور زبان پانینی (PANINI) که در حدود ۵۰۰ سال پیش از

میلاد نوشته شده اولین اثری است که اصول صرف و نحو یک زبان هند و اروپایی را تشریع می‌کند. کیفیت والای این اثر در سطحی است که امروزه هم برای شناخت زبان سانسکریت از آن استفاده می‌شود. نوشتارهای هند و آریایی کامل‌ترین و پیشین‌ترین تصویر را از یک زبان کهن هند و اروپایی که فاصله‌ی آن با زبان بین‌المللی هند و اروپایی نسبتاً قلیل است ارائه می‌دهند. بهمین دلیل در بین‌المللی یابی واژه‌های مختلف زبانهای هند و اروپایی، وجود یا عدم وجود شهود هند و آریایی (به ویژه سانسکریت) اهمیت ویژه دارد. ضمناً امروزه دهها زبان (اردو، هندی، گجراتی، بنگالی، پنجابی، مرانی وغیره) که در شمال و مرکز شبیه قاره‌ی هند رواج دارند از ریشه‌ی هند و آریایی هستند و از نظر شمار سخنگویان (بیش از یک میلیارد نفر) بزرگترین خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی محسوب می‌شوند. خوبشی نزدیک زبانهای هندی با زبان‌های ایرانی موجب شده است که در برخی کتابها این دو خانواده‌ی بزرگ را با هم تحت عنوان «زبانهای هند و ایرانی» (INDO-IRANIAN) مورد بحث قرار بدهند. طبق برآورده‌ی که شده (RENFRO, 193) حدود ۸۵ درصد واژه‌های ایرانی کهن و هندی کهن هستند. پژوهش‌های اخیر همچنان نشان می‌دهد که زبانهای هند و ایرانی نسبتاً دیر به جایگاه‌های فعلی خود سرایت کردند، چون تا پیش از ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد واژه‌های هندی و ایرانی در زبان‌های مردم بین‌النهرین بسیار نادراند ولی پس از آن تاریخ شمار این واژه‌ها کم کم زیاد می‌شود.

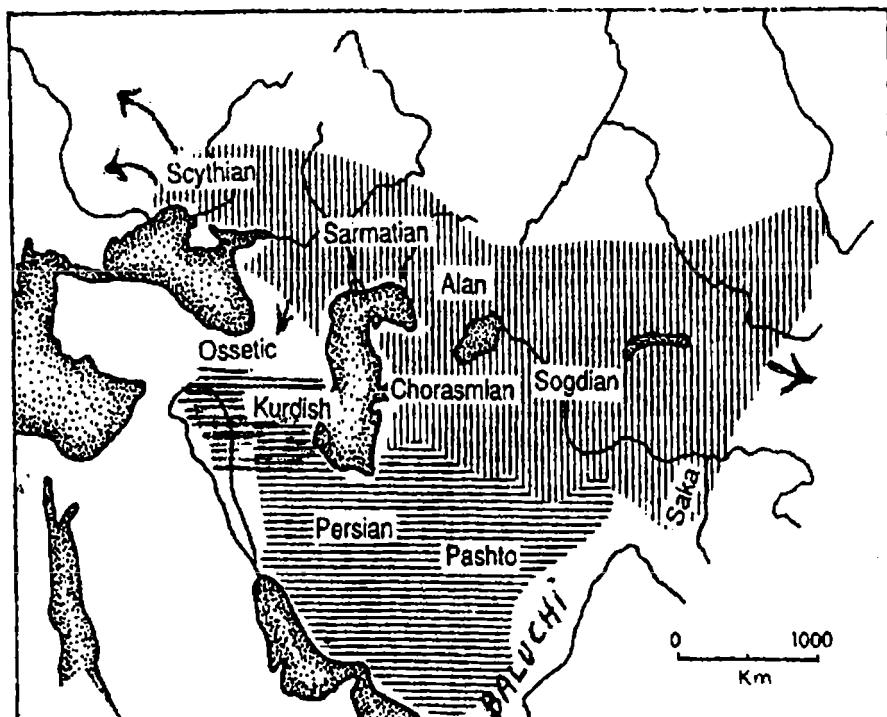
وجود واژه‌های هندی در زبانهای کهن مردم غیر آریایی بین‌النهرین موجب شده است که برخی دانشمندان معتقد شوند که کوچکران هندی قبل از ایرانیان وارد فلات ایران شده و در سرزمین وسیعی از بین‌النهرین تا شمال شبه قاره‌ی هند ماندگار شدند. پس کوچکران ایرانی آمدند و فلات ایران را گرفتند ولی آثار و بقایای زبان هندی در بین‌النهرین بجا ماند.

(بالهای ایرانی) (IRANIAN LANGUAGES)

امروزه زبانهای ایرانی محدود به ایران و افغانستان و تاجیکستان و بخش‌های باختری پاکستان و شمال عراق و خاور ترکیه و سوریه‌اند ولی در زمانهای باستان اقوام ایرانی در سرتاسر آسیا مرکزی و سرزمین‌های شمال دریایی خزر و سیاه مستقر بودند. مهارت آنان در سوارکاری و کاربرد ارابه‌ی مجهز به چرخهای پره‌دار (سبک و سریع) و زندگانی شبانی و کوچکری (یادآور ایل‌های بختیاری ولر) به آنها تحرک و گسترش پذیری شگفت‌انگیزی داده بود. ایل‌های سارمانی (SARMATIAN) نه تنها در کرانه‌های رود دانوب کوچ نشین شدند بلکه در قرن دوم میلادی برای

پاسداری مرزهای امپراتوری روم در شمال انگلستان، به استخدام رومیان درآمدند (MALLORY, 48-49). قوم ایرانی دیگر، الانها (ALANS) فرانسه و اسپانیا را زیر مهیز کشیده و در شمال افریقا کشور ایجاد کردند. در خاور دریایی خزر نیز قوم ایرانی دیگر (سغدیان یا سغدیانها (SOGDIANS) ساکن بودند ولی امروز اعقاب آنها فقط در بخشی از تاجیکستان باقیمانده‌اند. در مرکز آسیا (ترکستان چین امروزی) ساکاهای ختنی (KHOTANESE SAKA) نشیمند بودند ~~و متمدن~~ مذهبی آن دیار از قرن هفتم تا دهم به زبان آنها نگاشته شده است و اعقاب آنها امروزه در پامیر زندگی می‌کنند.

گسترش اقوام ترک زبان (سده‌های ششم تا سیزدهم میلادی) موجب آمیزش آنها با ایرانیان و حایگزینی زبان ترکی شد، بطوری که امروزه زبانهای ایرانی در سرزمین‌های خاور دریایی خزر و شمال دریایی سیاه برآفتدند. فقط در شمال کوه‌های قفقاز اوست‌ها (OSSETES) که اعقاب الانها هستند و جمعیت آنها بالغ بر حدود ۸۰۰ هزار است، به صورت جمهوری خود مختار (جزء روسیه) وجود دارند. زبان آنها (زبان اوستی) که برخی از ویژگی‌های ایرانی کهن را حفظ کرده است از نظر شناخت زبان‌های ایرانی بسیار جالب توجه است.



گسترش زبان‌ها و اقوام ایرانی تا حدود قرن ششم میلادی

(خطهای عمود گستره‌ی پیشین اقوام ایرانی را در سرزمین‌های شمالی شان می‌دهند و خطهای موازی نمودار

گستره‌ی کوئی زبانهای ایرانی‌اند).

نخستین اشاره به اقوام ایرانی (مادها و پارس‌ها) در متون آسودی وابسته به قرن نهم پیش از میلاد آمده است. در این متون ذکر شده است که شاهان پارسی به «شلمنسر» (SHALMANESSER III) سلطان آسور (۸۵۸ تا ۸۲۴ قبل از میلاد) خراج می‌دادند. از فحوای این متون چنین برداشت می‌شود که مادها و پارس‌ها تازه‌واردانی بودند که قبل از حدود قرن نهم پیش از میلاد در سرزمین‌های شمال کوه‌های زاگرس نشیمند شده بودند. گیرشمن (R. GIRSHMAN) و برخی از دانشمندان دیگر معتقدند که مردمان ایرانی (در حدود ۱۲۰۰ - ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد) از شمال دریای سیاه و از طریق قفقاز به فلات ایران راه یافته‌اند ولی هندیان از شمال خاوری دریای خزر و از طریق آسیای مرکزی وارد فلات ایران و شمال هند شدند. وجود واژه‌های ایرانی کهن در زبانهای قفقاز و گورهای سبک کورگان (KURGAN) در شمال آذربایجان مسیر کوچ این اقوام ایرانی را نشان می‌دهد. گورهای آذربایجان (مثل کورگان‌های اوکرائین) دارای دیواره‌ی چوبی بوده و تپه‌های کوچکی بر فراز آنها قرار دارد. در درون آنها استخوان انسان و اسب و گهگاهه اجاق و اسلحه وجود دارد. ضمناً مسیر قفقاز در دوران‌های تاریخی نیز توسط یک قوم ایرانی دیگر، سکاها (SCYTHIANS) مورد استفاده قرار گرفت. آنان از شمال دریای سیاه به قفقاز و از آنجا به جنوب باختり آسیا هجوم برداشتند.

برخی دیگر از دانشمندان (به ویژه دیاکانوف DIAKONOV) معتقدند که مسیر قفقاز به خاطر وجود کوه‌های صعب‌العبور غیرمتحمل است. ضمناً آنان همسانی‌های فرهنگ ایران باستان با فرهنگ مردم شمال دریای سیاه را ناچیزتر از شباهت‌های فرهنگی میان ایرانیان و مردمان شمال و خاور دریای خزر می‌دانند. آنان همچنین معتقدند که نبود موانع طبیعی در سرزمین‌های خاور دریای خزر و همسانی اقلیمی این سرزمین‌ها با فلات ایران، کوچ اقوام ایرانی از مسیر آسیای مرکزی به سمت جنوب را مختتم نمی‌نماید. مضارفاً به اینکه قبل از آنان، نیاکان هندیان نیز در همین راستا کوچ کرده بودند.

کهن‌ترین نوشتار به زبان‌های ایرانی، بخش نخست اوستا یعنی «گاتها» است. برخی این کتاب را وابسته به خود زرتشت می‌دانند و تاریخ حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد را برای زرتشت و کتابش قایل شده‌اند. ولی بعضی ویژگی‌های گاتها حاکی از زندگانی در آسیای مرکزی و خاور ایران در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد (یعنی تاریخ احتمالی کوچ ایرانیان) است. خویشی بسیار

نزدیک واژگان گاتها با واژگان کتاب هندوان (ودا VEDAS) نیز می‌تواند حاکی از این باشد که اقوام هندی و ایرانی در فاصله زمانی کمی از یکدیگر از خاستگاه هند و اروپایان به سوی جنوب کوچ کردند. (RENFRO, 192-4)

بخش‌های دیگر اوستا در سده‌های بعدی نگاشته شده‌اند. رویهم رفته اوستای ایرانیان و ودای هندیان، باستانی‌ترین نوشتارهای هند و اروپایی بوده و پل مهمی میان زبانهای هند و اروپایی سده‌های نوین و زبان هند و اروپایی بنیادین محسوب می‌شوند. دانش ما درباره فارسی کهن بیشتر ناشی از سنگ‌نوشته‌ها و سکه‌ها و لوحه‌های دوران هخامنشی از سده‌ی ششم تا چهارم پیش از میلاد است ولی چون شمار اینان محدود است شمار واژگان پارسی کهن نیز بهمان نسبت محدود است. پس از گذشت زمان، پارسی کهن تبدیل به پارسی میانه (پهلوی) شد. پهلوی زبان ایرانیان در دوران ساسانی و چند دهه‌ی اول و دوران اسلامی بود. در اثر آمیزش شمار زیادی از واژه‌های عربی (و بعداً ترکی) و همچنین بواسطه‌ی تطور طبیعی زبان، زبان پهلوی تبدیل به فارسی نوین شد. امروزه عده‌های زبان‌های ایرانی عبارتند از فارسی، کردی، پشتو (یا افغانی)، بلوجی، تاجیکی، و اوستی. شمار سخنگویان به این زبان‌ها بیش از ۱۳۰ میلیون نفر است.

(زبان یونانی) (GREEK)

خط نویسی در اروپا چند سده پس از آسیا مرسوم شد و نوشتارهای وابسته به هند و اروپایان در اروپا قدمت نسبتاً کمتری دارند. بهمین دلیل (جز آثار باستانشناسی و حدسیات مورخان باستانی) اطلاع موئی درباره کوچ هندو اروپایان به اروپا و تاریخ آن در دست نیست.

چندین دهه قبل، کاوشگران حدود سه هزار خشت سفالی دارای نوشتار در جزیره‌ی کرت و جنوب آبخست سانه‌ی یونان پیدا کردند، شماری از این خشت‌ها که تدبیی ترند (بنام LINEAR A) هنوز بطور قطعی خوانده و تفسیر نشده‌اند و احتمال می‌رود که اصلاً هند و اروپایی نباشند. تعداد دیگری از این خشت‌ها (LINEAR B) که قدمت آنها به حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد به یکی از گویش‌های یونانی کهن به نام «مایسینی» (MYCENAEAN) نوشته شده‌اند. این نوشته‌ها و آثار باستانشناسی وجود واژه‌های غیر هند و اروپایی (به ویژه نام مکان‌ها) در زبان یونانی کهن نشان می‌دهد که یونانیان بومیان اصلی آن سرزمین نبوده و به آنجا کوچ کرده‌اند.

بعد از حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد به نوشته‌های فراوانی به زبان یونانی کلاسیک (CLASSICAL GREEK) برمی‌خوریم. این متون تصویر کاملی از زبان و فرهنگ و ساختار

اجتماعی یونانیان را ارائه می‌دهند و جزو شاهکارهای ادبی و فرهنگی جهان محسب می‌شوند. مهمترین این نوشتارها عبارتند از دو حماسه‌ی هومر به نام‌های «ایلیاد» و «اویدیس» و نمایشنامه‌ها و آثار فلسفی و تاریخی گوناگون. زبان یونانی کلاسیک به تدریج تبدیل به یونانی نوین شد. سخنگویان این زبان حدود ده میلیون نفراند.

(زبان لاتین) (ITALIC) پایتالیایی

شواهد متعدد حاکی از این است که ساکنان اصلی ایتالیا غیر اروپایی بودند. (اتراسکان‌ها، ETRUSCANS) مردمی غیر هند و اروپایی بودند که در شمال ایتالیا تمدن درخشانی به وجود آورده بودند. آثار باستانشناسی وجود واژه‌های غیر هند و اروپایی به ویژه "اتراسکان" در زبان لاتین نشان می‌دهد که لاتین زبانان نیز مانند یونانیان از خارج به ایتالیا کوچ کردند.

کهن‌ترین نوشتارهای هند و اروپایی در ایتالیا وابسته به حدود ۴۰۰ - ۳۰۰ سال قبل از میلاد است. از میان چندین گویش هند و اروپایی رایج در ایتالیای باستان، زبان لاتین (زبان شهر رم و اطراف آن) کم کم رواج یشتری پیدا کرد و زبان امپراتوری روم (که سرتاسر سواحل دریای مدیترانه را تحت تصرف داشت) گردید. کم کم زبان لاتین در بخش‌های مختلف امپراتوری تبدیل به گویش‌های گوناگون گردید. پس از فروپاشی امپراتوری روم و قطع تماس میان نواحی لاتین زبان طی قرون وسطی، این گویش‌ها تبدیل به زبانهای «رومانت» (ROMANCE) یعنی فرانسه و ایتالیایی و اسپانیایی و پرتغالی و رومانی و غیره گردیدند. کوچک‌گران زبان‌های رومانس را به امریکای جنوبی و مرکزی و بخشی از امریکای شمالی برداشتند. امروزه شمار سخنگویان این زبان‌ها به حدود ۶۰۰ میلیون نفر می‌رسد و زبان اسپانیایی (بعد از انگلیسی) یکی از عمده‌ترین زبانهای بین‌المللی شده است.

(زبان سلتی) (CELTIC)

سلتها (CELTTS) مردمانی جنگجو بودند که از حدود ۵۰۰ تا ۵۰ سال پیش از میلاد در سرتاسر اروپای غربی (انگلیسی و فرانسه و اسپانیا) و اروپای مرکزی نشیمند بودند و شکرهای آنان تا مرکز آسیای صغیر پیش رفتند. در اثر ورود اقوام هند و اروپایی دیگر، کم کم گستره‌ی مردم سلت زبان محدودتر شد به طوریکه امروزه زبانهای سلتی فقط در باخترا اسکاتلند (زبان گیلیک GAELIC) و در ولز زبان ولش (WELSH) و در باخترا ایرلند زبان (IRISH) و در شمال فرانسه زبان برتونی (BRETON) منکلم دارد. یکی از مهمترین زبانهای سلتی، زبان ایرلندی کهن است (حدود

۶۰۰ تا ۹۰۰ میلادی). بعدها این زبان به ایرلندی میانه (۱۲۰۰ - ۹۰۰ میلادی) و سپس به ایرلندی نو (IRISH) تبدیل شد.

زبانهای ژرمنی (GERMANIC LANGUAGES)

زبانهای ژرمنی به دو دسته بخش می‌شوند: ۱- زبانهای ژرمنی باختری: انگلیسی (که حدود ۵۰۰ میلیون نفر به آن سخن می‌گویند و زبان رسمی چندین کشور دیگر و زبان بین‌المللی جهان است)، آلمانی (۱۲۵ میلیون)، هلندی و آفریکانیز (حدود ۳۵ میلیون). ۲- زبانهای ژرمنی شمالی یا اسکاندیناوی: دانمارکی، نروژی، سوئدی، و ایسلندی (با هم حدود ۲۰ میلیون نفر). کهن‌ترین متون ژرمنی به زبان مرده‌ی «گوتیک» (GOTHIC) نوشته شده است. گوت‌ها (GOTH) از شمال به نواحی دریای سیاه کوچ کرده بودند ولی در قرن چهارم میلادی توسط اقوام «هان» (HONS) به شبه جزیره‌ی بالکان رانده شدند. در بالکان با استفاده از الفبای یونانی، انجیل به زبان گوتیک ترجمه شد. ضمناً سنگ نوشته‌هایی به الفبای رونیک (RUNIC) از آنها در شمال اروپا کشف شده است. این زبان در قرن ششم میلادی از میان رفت ولی بررسی ساختار دستوری و واژگان آن در شناخت زبان‌های ژرمنی نوین نقش اساسی دارد. از قرون وسطی به بعد متون زیادی به انگلیسی کهن و آلمانی کهن و ایسلندی کهن در دست داریم. علاوه بر این نوشتارها، آثار نویسنده‌گان رومی نیز اشاره‌های زیادی به مردم آلمانی نژاد دارند. «تاسیتوس» (TACITUS) مورخ رومی در حدود سال ۱۰۰ میلادی سرحد مردم آلمانی نژاد را خاور رود «راین» (RHINE) و باختر رود «ادر» (ODER) تعیین کرده است.

سه تیره از مردم ژرمن (به نام‌های: انگل‌ها ANGLES و ساکسون‌ها SAXONS و جوت‌ها JUTES) در قرن پنجم میلادی از شمال آلمان و دانمارک به انگلستان هجوم برداشت و ظرف چندین دهه انگلیس را تسخیر کردند. ساکنان پیشین انگلیس یک قوم هند و اروپایی دیگر یعنی سلت‌ها بودند که به تدریج با مهاجمان آمیخته شدند. در نتیجه‌ی این آمیزش، ملت انگلیس و زبان انگلیسی کهن به وجود آمد. اطلاق واژه‌ی "انگلوساکسون" به مردمان انگلیسی زبان بهمین دلیل است. بعدها انگلیسی کهن (۴۵۰ تا ۱۱۰۰ میلادی) تبدیل شد به انگلیسی میانه (۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰) و سپس به انگلیسی نوین (۱۵۰۰ به بعد). مشابهآً آلمانی کهن (۹۰۰ تا ۱۱۰۰) تبدیل شد به آلمانی میانه (۱۱۰۰ تا ۱۶۰۰) و آلمانی نوین (از ۱۶۰۰ به بعد). دیگر زبان‌های کهن ژرمنی عبارتند از: ایسلندی کهن یا نورس کهن (۱۱۰۰ تا ۱۶۵۰) و نوروژی کهن (۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی).

زبان ارمنی (ARMENIAN)

در گذشته تصور می شد که زبان ارمنی همبسته‌ی نزدیک زبانهای ایرانی است ولی امروزه بیشتر اهل فن معتقدند که ارمنی‌ها حدود هزار سال پیش از میلاد از جنوب آبخشت‌سنه‌ی (یعنی شبه‌جزیره) بالکان به زیستگاه کونی خود کوچ کردند چون علاوه بر شواهد باستان‌شناسی و زبان‌شناسی که در مسیر خود در آسیای صغیر بجا گذاشتند، بررسی‌های متعدد نشان داده است که زبان آنها با زبان یونانی خویشی نزدیکتری دارد تا با زبانهای ایرانی.

باستانی‌ترین اشاره به زبان ارمنی در کتاب هرودوت (مورخ یونانی) آمده که می‌گوید ارتش خشاپارشاه (۵۱۹ تا ۴۶۵ پیش از میلاد) دارای شماری ارمنی نیز بوده است.

کهن‌ترین متن به زبان ارمنی ترجمه‌ی انجبل است که در سده‌ی پنجم میلادی انجام شده است. امروزه ارمنی‌ها که شمار آنها بیش از پنج میلیون نفر است در جمهوری ارمنستان زندگی می‌کنند ولی در گذشته‌ی نزدیک بخش بزرگی از شمال خاوری ترکیه هم ارمنی نشین بود.

زبانهای تخاری (TOCHARIAN)

این زبانها که امروزه معدهم هستند، مشتمل‌اند بر تخاری A (TOCHARIAN A) و تخاری B (TOCHARIAN B). بیشتر نوشتارهای تخاری عبارتند از ترجمه‌ی متون بودایی که به الفبای هندی نگاشته شده‌اند. این دو زبان که متون و آثار تاریخی وابسته به آنها حدود صد سال پیش در ترکمنستان چن (یعنی خاوری‌ترین مرکز گسترش زبانهای هندو اروپایی) کشف شد دو زبان مجزا هستند که شاید در حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد از زبان واحدی (PROTO-TOCHARIAN) شاخه گرفته باشند.

نکته‌ی جالب درباره‌ی این دو زبان این است که آنها جزو زبان‌های «ستم» (CENTUM) هستند در صورتی‌که زبان‌های اطراف آنها (ایرانی و هندی) همه «ساتم» (SATEM) (اند. واژه‌ی «صد» در تخاری A) و در تخاری B (KANTE) است. ضمناً خویشی این دو زبان از نظر واژگانی و ساختاری با زبان‌های ژرمنی و سلتی و یونانی بیشتر است تا با زبان‌های ایرانی و هندی. بدین دلیل برخی از دانشمندان بر این عقیده‌اند که تخاری‌ها در آغاز زیستمند مرکز اروپا بودند و به علت نامعلومی حدود سه هزار کیلومتر راه پیموده و خود را به دره‌ی تارم در ترکستان چین رساندند. به احتمال زیاد تاریخ این کوچ حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ سال پیش از میلاد بود. در حدود ۶۰۰ میلادی نواحی تورفان و دره‌ی تارم مورد تاخت و تاز اقوام ترک قرار گرفت و زبانهای تخاری (مانند زبانهای ایرانی آذربایجان و آسیای صغیر و آسیای مرکزی) جای خود را به زبان ترکی دادند.

زبانهای اسلاویک (SLAVIC LANGUAGES)

پیشین ترین متن به زبان‌های اسلاوی عبارتست از ترجمه انجیل در سده‌ی نهم میلادی. این متن به زبان اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) است. زبانهای اسلاوی نوین که هم‌از لهجه زبان شاخه گرفته‌اند عبارتند از: ۱- زبان‌های اسلاوی خاوری (روسی، اوکرائینی، بیلوروسی). ۲- زبانهای اسلاوی باختری (لهستانی، چک، اسلواکی). ۳- زبان‌های اسلاوی جنوبی (بلغاری، اسلوینی، صربی، کرواتی، مقدونی). جمع سخنگویان به این زبان‌ها حدود ۴۵۰ میلیون نفر است.

از خاستگاه نخستین اسلواها اطلاع قطعی در دست نیست. حدس این است که آنها در شمال و شمال خاوری دریای سیاه در اثر آمیزش اقوام ایرانی (سکاها) و مردمان ناشناخته دیگر به وجود آمدند. ولی رشد آنها آنقدر سریع بود که از قرن چهارم تا قرن نهم میلادی از خاور تا کوه‌های اورال و از باختر تا مرز باختری لهستان و از جنوب تا بلغارستان و مقدونیه را تصرف کردند. تاریخ احتمالی انشعاب زبانهای نوین اسلاوی از زبان اسلاوی کهن، قرن پنجم میلادی یعنی همان دورانی است که امپراتوری روم فروریز شد و زبانهای رومانی کم کم از لاتین جدا شدند.

زبان‌های اسلاوی با زبان‌های ایرانی خوبیشی نسبتاً نزدیکی دارند. بسیاری از واژه‌های اسلاوی (مثلًاً پارسی کهن "BAGA" به معنی و خدا اسلاوی کهن "BOĞU" و یا اوستایی "SPANTA" به معنی مقدس اسلاوی کهن "SVETO") از ایرانی اخذ شده‌اند. نام‌های محلی فراوانی نیز از ریشه‌ی ایرانی هستند. مثلًاً نام رودهای «دن» (DON) و «دونتز» (DONETS) و «دونپر» (DANUBE) و شاید «دانوب» (DANIEPER) از واژه‌ی ایرانی کهن - DANU به معنی رودخانه گرفته شده‌اند.

زبانهای بالتیک (BALTIC LANGUAGES)

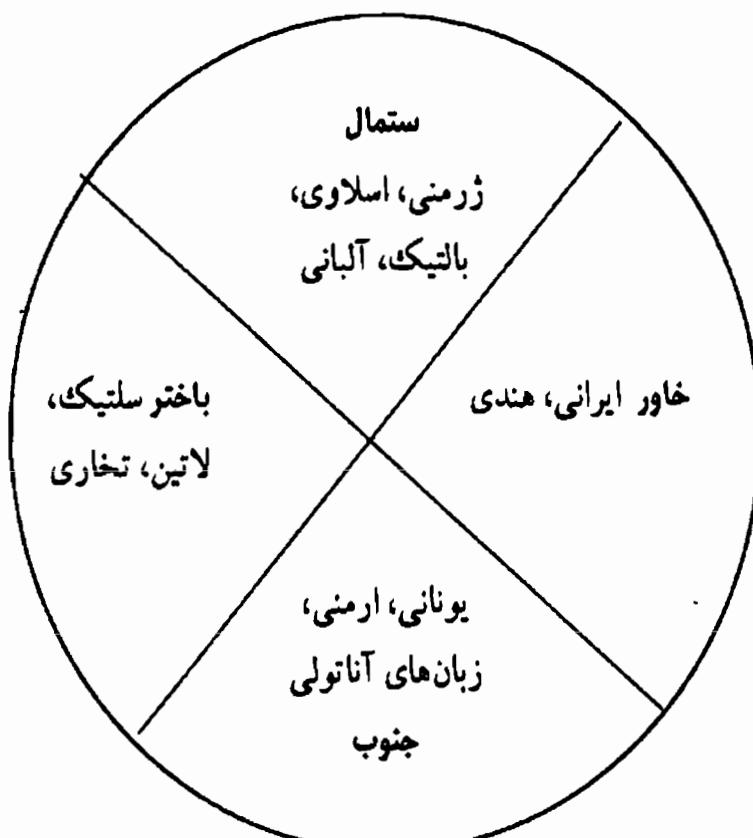
نوشتارهای وابسته به این زبان‌ها فقط حدود پانصد سال قدمت دارند ولی جالب این است که این زبانها از نظر آوازی و واژگانی دستخوش دگرگونی زیادی نشده‌اند و شbahat آنها با زبانهای هند و اروپایی کهن به ویژه سانسکریت و اوستایی چشمگیر است. بهمین دلیل در همسنجی‌های زبانشناسی تاریخی، وجود هم‌ریشه‌های بالتیکی (به ویژه لیتوانی) از اهمیت خاصی برخوردار است.

از میان سه زبان بالتیکی، زبان پروسی کهن، امروزه معروم شده است ولی زبانهای لیتوانی (LITHUANIAN) و لتونی (LATVIAN) در جمهوری لیتوانی و لتونی رایج هستند. جمعاً حدود

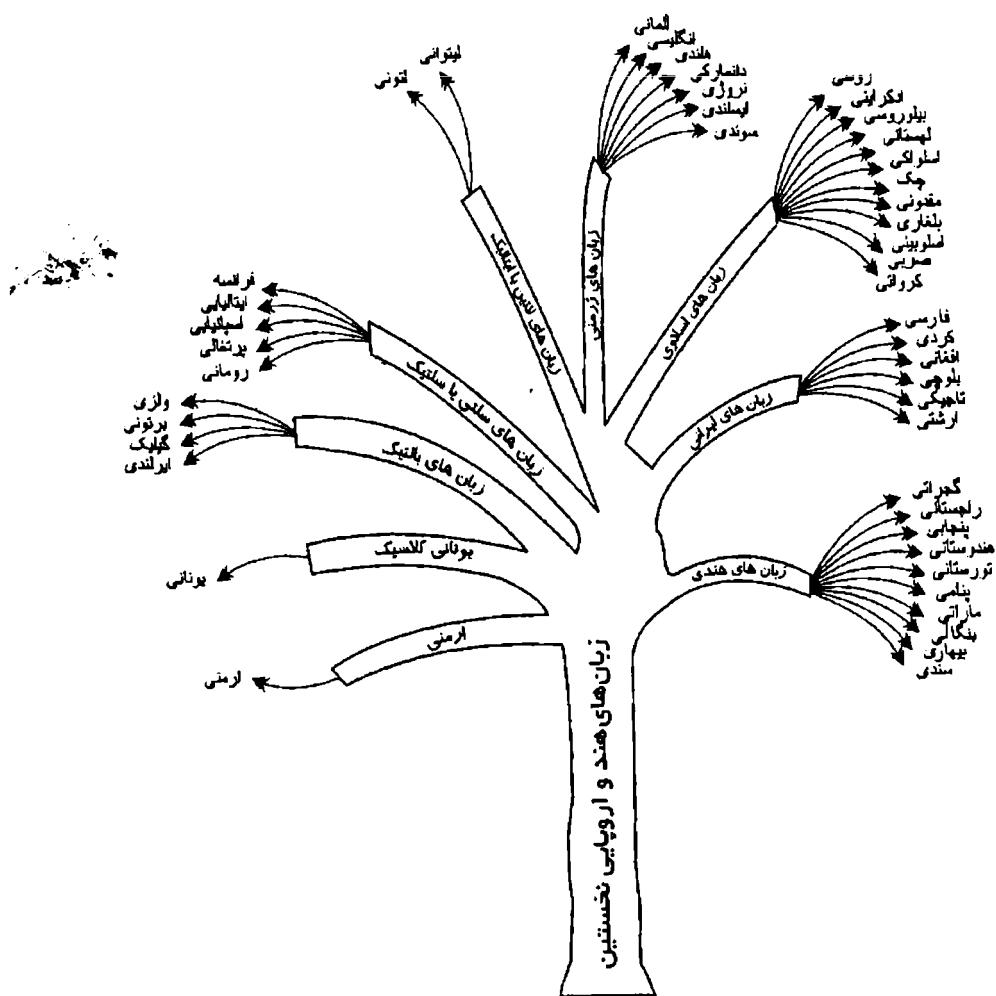
شش میلیون نفر به این دو زبان سخن می‌گویند.
برخی از زبانشناسان زبان‌های بالتیک و اسلاوی را با هم تحت عنوان بالتواسلاویک (BALTO-SLAVIC) مورد بررسی قرار می‌دهند.

(زبان آلبانی) (ALBANIAN)

نوشتارهای این زبان فقط ۵۰۰ سال قدمت دارند. این زبان در کشور آلبانی و برخی نواحی مجاور آن رواج دارد و شامل است بر دو گویش، گویش شمالی یا «کگ» (CEG) و گویش جنوبی یا «تسک» (TOSK). احتمال دارد که زبان آلبانی از زبان هندو اروپایی ایلیریان (ILLYRIAN) که در دوران باستان در همین سرزمین رواج داشته، مشتق شده باشد. امروزه حدود شش میلیون نفر به این زبان سخن می‌گویند.



تقسیم بندی زبانهای هند و اروپایی از نظر مکان جغرافیایی



نمودار درختی زبان‌های هند و اروپایی امروز

بازسازی فرهنگ هند و اروپایی

برای بازسازی فرهنگ مردمان هند و اروپایی از دو روش استفاده می‌شود. روش اول عبارت است از مقایسه‌ی جنبه‌های مشابه فرهنگ‌های مردمان هند و اروپایی و رسیدن به این نتیجه که این همسانی‌ها از ویژگی‌های فرهنگ هند و اروپایی اولیه (PROTO-INDO-EUROPEAN CULTURE) هستند. مثلاً ویژگی‌های جنگجویان هند و

اروپایی و روابط اجتماعی آنها از دیرباز مورد علاقه‌ی پژوهندگان بوده است:

ویژگی‌های این جنگجویان از هند باستان گرفته تا آلمان، یونان و روم کهن چنین بوده است.

۱- برابری و اخوت. ۲- رفتار نیمه جنون‌آمیز و سرمستانه هنگام نبرد یا تهاجم یا مراسم وابسته به

پیروزی. ۳- بکار بردن نماد حیوانات وحشی (به ویژه گرگ) بعنوان نشان و عامل الهام‌بخش. ۴- گرایش به تجاوز از حریم‌های قانونی و سنتی که اغلب موجب برخورد و اختلاف آنان با سران حکومتی و مذهبی می‌شد. انتقادی که از این روش مقایسه‌ای می‌شود این است که این ویژگی‌ها منحصر به اقوام هند و اروپایی نیست. رزم آوران سرخپوست در آمریکا و سیاهپستان در افریقا نیز کم و پیش همین خصوصیات را دارا بودند.

روش دوم بازسازی فرهنگی عبارت است از بکارگیری اصول دیرین‌شناسی زبان‌شناختی (LINGUISTIC PALAEONTOLOGY). هم‌ریشگی واژه‌های زبان‌های گوناگون نشان می‌دهد که مفاهیم وابسته به این واژه‌ها در زبان هند و اروپایی نخستین هم وجود داشته و هویت فرهنگ مشترک هند و اروپایان را مشخص می‌کنند. مثلاً واژه‌ی «گوسفند» در چند زبان هند و اروپایی چنین است: هند و اروپایی نخستین: OWIS؛ سانسکریت: AVIS؛ یونانی: Ovis؛ لاتین: Ovis؛ گوییک: AVINAS؛ آلمانی کهن: OUVI؛ ایرلندی کهن: OI؛ آیسلندی کهن: AER؛ لیتوانی: AVISTR؛ اسلاوی کهن: OViNU. این هم‌ریشگی نشان می‌دهد که هند و اروپایان نخستین گوسفند را می‌شناختند. پهلوی هم‌گذاری و همسنجی صدعاً واژه‌ی مشابه دیگر، دانشمندان را قادر کرده است که تصویر کلی فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی حدود شش هزار سال پیش را به تقریب ترسیم کنند. طبق این تصویر هند و اروپایان برخی در یک محل ساکن بودند (به دلیل هم‌ریشگی واژه‌های وابسته به «خانه» و «قلعه» و «دهکده») و برخی گله‌دار بودند و بیلاق و قشلاق می‌کردند (به دلیل واژه‌های هم‌ریشه‌ی مربوط به «اسب» و «گاو» و «گوسفند» و «سگ» و «خوک»). هم‌ریشگی واژه‌های متعدد دیگر نشان می‌دهد که آنان دارای پادشاه و نظام حکومتی اولیه بودند و مذهب آنها بر پایه‌ی ایزداسازی عوامل طبیعی (ماه و خورشید و توفان و غیره) استوار بود. مثلاً واژه‌ی «شاه» در شش زبان کهن هند و اروپایی چنین است: سانسکریت: RAJ؛ لاتین: REX؛ گالی: RIX؛ اسلاوی کهن: KRALI؛ ایرلندی کهن: RIG؛ گوتیگ: REIKS.

مثال دیگر: پیاری از زبانها هند و اروپایی دارای واژه‌ی هم‌ریشه برای «گرگ» هستند (بازگشت به واژه‌ی گرگ ذر متن این کتاب). ولی در اکثر این زبان‌ها این واژه دارای معنی‌های ثانوی مشابهی نیز هست. در ایرلندی کهن به شخص «غريبه و خطرناک» می‌گفتند «گرگ آبي رنگ». در زبان‌های آلمانی کهن به کسی که از قبیله طرد می‌شد می‌گفتند «گرگ». در زبان هفتاد «گرگ» به کسی اطلاق می‌شد که به زنی تجاوز کرده و لذا منفور است. بنابراین شاید بتوان نتیجه گرفت که در میان هند و اروپایان نخستین نیز هر کسی که گرگ خوانده می‌شد به نحوی منفور قبیله بوده است.

نمونه‌ای دیگر از روش بازسازی فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی: انگارگان سه‌گانه داشمند فرانسوی دومزیل (G. DUMEZIL) پس از بررسی واژگان همراه به این نتیجه رسید که اساس فرهنگ و جامعه‌ی هند و اروپایی بر سه اندیشه استوار است: ۱-روحانی و یزدانی ۲- رزمی ۳- کشاورزی و بازرگانی. این انگارگان سه‌گانه پس از انشاعاب هند و اروپائیان به زبانها و جوامع مختلف دستخوش دگرگونی سطحی شد ولی ماهیت بنیادین خود را از دست نداده‌اند اسطوره‌های رومی به نام سه شاه برمی‌خوریم که یکی پس از دیگری حکومت کردند و هر یک مظہر یکی از سه اندیشه‌ی بالا بودند. ۱- نوما پامپیلیوس (NUMA POMPILIUS) که بنیانگذار گروه‌های کشیشی و آئین‌های مذهبی بود. ۲- تولوس هوستیلیوس (TULUS HOSTILIUS) که جنگاور خشن و خون‌آشامی بود. ۳- رومولوس (ROMULUS) که حامی شبانان و رمه بود و برای مردان خود همسر بدست آورد و بدینوسیله موجب ازدیاد جمعیت و رونق کشاورزی و بازرگانی شد.

همین سه‌گانگی در اسطوره‌های یونانی نیز دیده می‌شود: «جو» یا «زوپیتر» (JOVE) خدای خدایان و مظہر دین بود. «مارس» یا «آرس» (ARES) خدای جنگ بود. «آتنا» یا «مینروا» (ATHENA) الهی خرد و دانش و فنوری بود. در هند نیز سه «کست» (CASTE) (به نام‌های «برهمان» BRAHMAN (روحانیون) و «کشاتریا» KASHATRIYA (جنگاوران) و «ویسیا» VAISYA کشاورزان و شبانان و سوداگران) وجود داشتند که نقش اجتماعی آنها با الگوی سه‌گانه‌ی فوق مشابه داشت. لازم به یادآوری است که در ایران باستان نیز سه طبقه‌ی اصلی عبارت بودند از: ۱- روحانیون زرتشتی ۲- جنگاوران ۳- دهگانان.

لهادهای بلیادین هند و اروپائیان نخستین

۱- مذهب: قبله‌گفته‌یم که وجود واژه‌های همراه به ای «خدا» (هند و اروپایی: DJEWS؛ سانسکریت: DYAU؛ فارسی «دیو» و «زاوش»؛ لاتین: (PETER SHUISH) نشان می‌دهد که هند و اروپائیان به خدایان اعتقاد داشتند. ولی رابطه‌ی آنها با خدایان بیشتر جنبه‌ی داد و ستد را داشت تا عشق و پرستش. انسان موظف به اجرای اعمالی بود و در مقابل خدایان متعهد به انجام اعمالی نسبت به بشر بودند. مثلاً قربانی حیوانات (و گهگاه انسان) در راه خدایان نوعی «تهاتر» بود که طبق آن طرفین متعهد به انجام کارهای مشخصی بودند.

۲- قربانی کردن انسان و حیوان: قربانی کردن حیوان در میان هند و اروپائیان کهن رواج داشت و امروزه نیز در میان برخی از آنها ادامه دارد. ولی هند و اروپائیان نیز (مانند اقوام سامي و

سرخپوستان امریکای مرکزی) مرتکب قربانی کردن انسان نیز می‌شدند. در متون سانسکریت در چند مورد به قربانی کردن انسان اشاره شده است. ظاهراً در نظر هندیان باستان، انسان والاترین جانداری بود که می‌توان برای تراضی خدایان قربانی کرد. در زمانهای تاریخی نیز رسم قربانی کردن انسان در میان هند و اروپائیان ادامه داشت. مورخان یونانی و رومی مکرراً و با اشتمتاز به این رسم در میان اقوام ژرمنی و اسلامی اشاره می‌کنند. شواهد نشان می‌دهد که خود یونانی‌ها و رومیان هم در ایام کهن نر همین کار را می‌کردند. مثلاً در داستان جنگ تروا آمده است که آقامنون (AGAMEMNON) فرماندهی کل یونانیان، دختر خود را قربانی کرد تا خدایان باد مساعد برای حرکت ناوگان یونان بسوی تروا بفرستند. دو سورخ کهن، لیوی (LIVY) و پلوتارک (PLUTARCH) گزارش می‌دهند که حتی در قرن سوم پیش از میلاد نیز رومیان هنگام احساس خطر برای استعمال خدایان انسان قربانی می‌کردند.

۳- آنديشه‌های وابسته به پس از مرگ: بررسی های زبانشناسی و باستانشناسی نشان می‌دهد که هدف مذهب هند و اروپایی‌ها بیشتر تضمین رفاه و سعادت دنیوی بود و سروکار زیادی با پرستهای فلسفی و امور فراجهانی نداشت. در اسطوره‌های ژرمن‌ها و سلت‌ها و یونانیان و رومیان، محل انسانها (حتی انسانهای خوب) پس از مرگ جایی سرد و تاریک است که در آن نه شادی وجود دارد نه امید. تصویر دنیای پس از مرگ که در آثار هومر منعکس شده نمونه‌ی خوبی است: سرزمین مردگان در زیرزمین قوار دارد و تاریک و غم‌انگیز است. حتی آشیل، قهرمان بزرگ یونانیان، پس از مرگ اظهار می‌کند که زنده بودن و نوکری کردن را به سلطنت در جهان مردگان ترجیح می‌دهد.

۴- خانواده: بررسی واژگان همراهی زبانهای هند و اروپایی نشان می‌دهد که سازگان خانوادگی آنها بر پایه‌ی خانواده (پدر و مادر و فرزندان)، خانواده‌ی گسترده (پدر بزرگ‌ها و دایی‌ها و عموها)، وايل (مرکب از چند خانواده‌ی گسترده و يك سرور) استوار بود. پدر در رأس خانواده و سرور یا پدر بزرگ در رأس ايل قرار داشت. مقام پدر به قدری اهمیت داشت که نه تنها رئیس خانواده و ایل بلکه خدایان نیز «پدر» نامیده می‌شدند. مثلاً نام خدای خدایان در لاتین این است: JU (JOVE) به معنی «خدا» و PITAR (PITER) به معنی «پدر». ساختار پدرسالاری خانواده و قبیله‌ای هند و اروپایی از طریق چندین واژه‌ی همراهی واژگانی دیگر کاملاً مشهود می‌گردد:

واژه‌ای وابسته به «خانه» و «خانواده» در زبان هند و اروپایی نخستین DOM^۰ بود. سرپرست با رئیس خانواده DOMS-POTIS (پدر خانواده یا خانسالار) نامیده می‌شد. در برخی دیگر از زبانهای

کهن هند و اروپایی این واژه چنین است: سانسکریت: DENG PAITI؛ اوستایی DESPÓTES؛ یونانی: NEPOTUS؛ مثال دیگر واژه‌ی «نوه» است که هم‌ریشه‌های آن در زبان هند و اروپایی چنین است: هند و اروپایی نخستین: NEPAT؛ سانسکریت: NAPAT؛ اوستایی NAPAT؛ لاتین: NEPOS؛ آلمانی: NEFFE؛ انگلیسی: NEPHEW؛ ایسلندی کهن: NEFI؛ ایرلندی کهن: NIAE؛ هلندی NEEF؛ ایتالیایی: NIPOTE؛ لیتوانی: NEPOTIS؛ کردی: NEVI؛ ساکسونی کهن: NEBO؛ این واژه‌های هم‌ریشه و واژه‌های مشابه دیگر رابطه‌ی خانوادگی هند و اروپائیان نخستین را بطور تقریبی مشخص می‌کنند.

۵- زناشویی: واژگان هم‌ریشه‌ی هند و اروپایی و متون کهن ایرلندی و ولزی و همچنین افسانه‌های یونانی و رومی نشان می‌دهند که هند و اروپایی‌ها دارای گونه‌ای ازدواج و مراسم زناشویی بودند که با تأیید و تحت نظر کاهنان انجام می‌شد. ضمناً ازدواج نوعی معامله هم بود: داماد یا ایل او به پدر عروس یا ایل عروس «هدیه» (مثلاً چند رأس گاو) می‌دادند. در مقابل پدر عروس موظف بود که جهیزیه عروس را تهیه کند. معمولاً مذاکرات وابسته به زناشویی طولانی بود.

ضمناً متون حقوقی گال‌ها و ایرلندی‌های کهن و همچنین حمامه‌های باستانی (مانند آثار هومر) نشان می‌دهند که رسم چند زنی نیز در میان توانگران هند و اروپایی رایج بوده است. ژول سزار (J. CAESAR) در کتاب خود (DE BELLO CALLICO) گزارش می‌دهد که تعدد زوجات در میان اعیان گال رواج داشت و اگر شوهر به طرز اسرارآمیزی می‌مرد، زن‌های او مورد شکنجه قرار می‌گرفتند. در حمامه‌ی ایلیاد (ILIAS) اثر هومر آمده است که پریام (PRIAM) شاه تروا دو زن داشت. اولی هکوبا (HECUBA) بود که برایش نوزده پسر زاید. دومی لانتو (LAOTHOE) بود که برایش دو پسر زاید.

۶- سازمان ایل و امت: همانطور که در بالا گفتیم DOM واژه‌ی «خانه» بود و واژه‌ی رئیس خانواده یا خانسالار عبارت بود از DOM-POTIS (پدر خانه یا خانسالار). همچنین واژه‌ی هند و اروپایی Wik^{*} به معنی «ایل» یا «تیره» بکار می‌رفت و رئیس ایل WIK-POTIS (پدر قبیله) نامیده می‌شد. (برابرها این واژه چنین‌اند - سانسکریت: VISHPATI؛ لیتوانی: VIESHPATS؛ اوستی: PATCAX؛ پارسی باستان: PATIXSHAYATHIYA).

یکان بزرگتر از ایل یا تیره عبارت بود از TOUTA^{*} (ایرلندی کهن: TUATH؛ گوتیک: TOTUS؛ لاتین: DIOTA؛ آلمانی کهن: THEOD؛ لیتوانی: THIUDA؛ ایرلندی کهن: TUAH؛ پروسی کهن: TAUTO؛ فارسی: توده). ظاهرآ TAUTA^{*} به

مجموع چند ایل اتلاق می شد و رئیس TAUTA^{*} که شاه شاهان بود RÉGS^{*} نامیده می شد (سانسکریت: RAJ؛ لاتین: REX؛ گالی: RIX؛ گوتیک: THIUDANS).

وفاداری شخص در مرحله‌ی نخست نسبت به پدر خانواده و در مرحله‌ی بعدی نسبت به رئیس ایل بود. تبعید یا طرد از ایل شدیدترین نوع تنبیه محسوب می شد.

یکی از بارزترین ره‌آوردهای زبانشناسی، شناخت نقش شاه در جامعه‌ی هند و اروپایی نخستین بود. شاه یا پادشاه نقش نظامی عمدتی نداشت. مهمترین نقش او میانجیگری میان انسانها و خدایان بود. او نیاز انسان‌ها را (همراه با نیایش و قربانی) به خدایان اظهار می‌کرد و آنان در مقابل برکات و عنایات خود را بر انسان‌ها ارزانی می‌داشتند. متون ایرلندی و یونانی و هندی باستان نه تنها موضوع فوق را تأیید می‌کنند بلکه حاکمی از آنند که شاه با سرپرستی مراسم نیایش و دارا بودن ویژگی‌های ابر انسانی ضامن خوبی محصول و زایندگی دام‌ها و پر ماہی بودن رودها و فراوانی فرزندان و دورداری دشمنان و یماری‌ها می‌بود. نیمه خدایی بودن شاه (معمولًاً یا مادرش الله بود یا همسرش) پیامد دیگری نیز داشت: مقام او والا اتر از مقام پدر و رئیس ایل بود ولی آنها را کاملاً تحت الشاعع قرار نمی‌داد. شاه در بالای هرم قدرت قرار داشت ولی پدر و رئیس ایل نیز هر یک اختیارات ویژه‌ی خود را داشتند و در رأس هرم‌های کوچکتری قرار داشتند.

هند و اروپایان محتملًا دارای جرگه یا شوراهای مرکب از ریش سفیدان یا اعیان و اشراف بودند که نه تنها در بسیاری از امور مورد مشورت شاه قرار می‌گرفتند بلکه گهگاه نیز در برگزاری سازی شاهان بی‌لیاقت نقش اساسی داشتند. مجلس سنای روم باستان (THE SENATE) و شورای گروسیا (GEROUSIA) در یونان باستان و سینگا (THINGA) در آلمان کهن تداوم این رسم را در سده‌های بعدی نشان می‌دهند. در میان ایلات ایران (به ویژه در میان لرها و کردّها) نیز رسم تشکیل شورا جهت رایزنی و اتخاذ تصمیمات مهم از دیرباز رایج بود.

-۸- برده‌داری: تقریباً همه‌ی دانشمندان بر این عقیده‌اند که هند و اروپایان برده‌دار بودند و زنان بیشتر برده‌های آنها را تشکیل می‌دادند. شاید علت این باشد که در روزگاران کهن که راه برده‌گیری جنگ و پیروزی بر دشمن بود. نگهداری برده‌گان مرد مخاطراتی را به مرأه داشت. (شورش برده‌گان به سرکردگی اسپارتاكوس SPARTACUS که پایه‌های امپراتوری روم را به لرزه درآورد، نمونه‌ی خوبی از این مخاطرات است). لذا رسم بر این بود که مردان و پسران را بکشند و زن‌ها و دختران را به اسیری ببرند. از این اسیران یا برده‌گان هم بعنوان هم‌خواه و هم خدمتکار استفاده می‌شد. در آثار هومر یونانی آمده است که برده‌گان زن مستول انجام کارهای شاق (مثلاً آرد کردن گندم و جو

با آسیاب دستی) بودند. وقتی یونانیان شهر تروا را گشودند، زنان خانواده سلطنتی (مثلاً اندروماک ANDROMACHE و کاساندرا CASSANDRA) همه به اسارت گرفته شدند ولی مردان و حتی پسر بچه‌ها (مثلاً استیاناکس ASTYANAX) را از دم تبع گذراندند.

۹- رزمجویی: ویژگی دیگر هند و اروپائیان جنگاوری بود. مردمی که طی چند سده از کوه‌های پامیر و آسیای مرکزی و هند تا اسکاندیناوی و بریتانیا و اسپانیا (نیمی از آسیا و همه‌ی اروپا) را اشغال کردند نه تنها از برتری فنی (اسب و اربابه) برخوردار بودند بلکه از نظر جنگجویی و رزم آرایی نیز بر دیگران برتری داشتند چون گسترش سریع در چنین سرزمین‌های وسیعی بدون تفویق نظامی غیر متحمل است. ظاهراً در جامعه‌ی هند و اروپائیان هر مرد هم کشاورز یا شبان بود و هم رزم آور، هم عضو خانواده و هم مدافعان آن. این ویژگی در جوامع هند و اروپائی بعدی نیز دیده می‌شد. در روم باستان، هنگام جنگ کشاورزان عادی تبدیل به سربازان ماهر می‌شدند. در اسپارت (SPARTA) اکثر مردان سرباز بودند و بر دگان و زنان کشاورزی و دامداری می‌کردند.

بررسی قهرمانان حماسه‌های هومر و فردوسی و ورجیل (VIRGIL) و همچنین اسطوره‌های یونانی و رومی و ایرانی و هندی و آلمانی و ایسلندی ویژگی‌های مشترکی را آشکار می‌کند. دلاوران هند و اروپائی تنها بخاطر زمین و ثروت جنگ نمی‌کردند. انگیزه‌ی اصلی آنها بدست آوردن افتخار ابدی بود. آنان با پیروی از آرمان‌هایی که در صدر آن جوانمردی و مروت و شجاعت قرار داشت در بی آن بودند که با به خطر انداختن جان خود (حتی با از دست دادن آن) بتوانند برای همیشه با افتخار در یاد مردمان خود باقی بمانند. رستم قهرمان حماسه‌ی شاهنامه در زمرة‌ی اینگونه قهرمانان است. بیولف (BEOWULF) و رولند (ROLAND) و دهه‌ها دلاور حماسی دیگر همین سان بودند. شاید بهترین نمونه‌ی این دلاوران هند و اروپائی آشیل (ACHILLES) قهرمان حماسه‌ی ایلیاد باشد که می‌گوید «اگر اینجا بمانم و با مردم شهر تراوا جنگ کنم، زنده به دیار خود برخواهم گشت ولی افتخار ابدی خواهم داشت. از سوی دیگر، اگر به میهن خود برگردم عمر طولانی خواهم داشت ولی هرگز به افتخار جاودانی نخواهم رسید. (ILIAD, 9, 412-418). آشیل به جنگ پشت دروازه‌های تروا ادامه داد تاکشته شد. او هم مانند دیگر قهرمانان هند و اروپائی در پی نیک بود نه سرای زرنگار.

۱۰- لییدی (نقالی): در حماسه‌های کهن هند و اروپائی (مثلاً حماسه‌های یونان و روم و نورس و ایرلند و انگلسو ساسون و ایران باستان) به مردانی بر می‌خوریم که نه تنها گنجینه‌ی دانسته‌ها و تاریخ مردم خود هستند بلکه کاهن و حکیم و داور و دادگر نیز می‌باشند. دمودکوس (DEMODOCUS)

شاعر و داستان‌گزار دربار شاه السینوس (ALCINOUS) در حماسه ادیسه (ODYSSEY) نمونه خوبی از اینگونه لیدهای است. گسترده‌گی و تداوم حرفة لیدی در میان ملت‌های هند و اروپایی نمایشگر این احتمال است که هند و اروپایان نخستین دارای لیدانی بودند که قبل از اختراع الفبا و خط نویسی، افسانه‌ها و تاریخ مردم خود را در حافظه خود جا داده و در بزم‌ها یا مراسم رسمی با صدای موزون می‌خواندند. آنها بمنزله گنجینه‌ی حافظه همگانی قوم خود بودند و نقالی آنان نه تنها مردم را به سرگذشت نیاکان و تاریخ خود آشنا می‌کرد بلکه وظایف آنها را یادآور شده و روحیه آنها را برای برخورد با دشواری‌های زندگی تقویت می‌کرد.

تا چند قرن پیش نیز لیدان در میان اکثر اقوام هند و اروپایی وجود داشتند. برای مثال، در فرانسه و اسپانیا قرن‌های بازدهم و دوازدهم میلادی مینترل‌ها (MINSTRELS) و تروبادورها (TROUBADOURS) شعر عشقی یا رزمی می‌سرودند و در بزم‌ها با صدای آهنگین می‌خواندند. امروزه شمار لیدهای بسیار کم شده است ولی باز هم در برخی نقاط به آنها برمی‌خوریم. در برخی از نواحی ایران و افغانستان و صربستان هنوز هم کسانی هستند که از راه نقالی امارات معاش می‌کنند ولی البته ارج اجتماعی آنها با مقام والای لیدهای باستانی قابل مقایسه نیست. متاسفانه اختراع رادیو و تلویزیون کار لیدهای قهوه‌خانه‌ای ایران و افغانستان را آنقدر کساد کرده است که شاید تا چند دهه دیگر همه ناپدید شوند.

اهمیت شناخت زبانهای هند باستان در شناخت زبانهای ایرانی

بررسی نوشتارهای اوستایی و پارسی کهن از یک سو و متون سانسکریت و هندی باستان از سوی دیگر نشان می‌دهد که این دو تیره از مردم هند و اروپایی در اوائل کوچ خود به فلات ایران و هندوستان به یک زبان واحد تکلم می‌کردند ولی در اثر گذشت زمان کم‌دارای دوگویش و سپس دارای دو زبان جداگانه شدند.

پیشین‌ترین نوشتارها به زبانهای ایرانی عبارتند از متون اوستایی (به ویژه گات‌ها) و پارسی کهن. داشن ما درباره‌ی پارسی کهن محدود است به شمار کمی سنگ نوشته و خشت سفالی که به وانگان میخی نگاشته شده‌اند. این نوشتارها اطلاع کمی درباره‌ی پارسی کهن و واژگان آن ارائه می‌دهند. نوشتارهای اوستایی بسیار متعددترند و نمای کامل‌تری از زبان ایرانی کهن را نمایان می‌سازند. ولی این نوشتارها هم از نظر شمار و گویایی به پای متون هندی باستان (VEDIC) نمی‌رسند. SANSKRIT).

نوشتارهای هندی باستان با حروف آوازی ساده و دقیق نگاشته شده و ویژگی‌های دستوری و واژگانی این زبان را بهترین وجه نشان می‌دهند. مزیت دیگر این نوشتارها این است که آنها نه تنها کهن‌ترین نوشتار به یک زبان هند و اروپایی هستند بلکه به خاطر خویشی و همانی زیادی که با زبان‌های ایرانی کهن دارند می‌توانند رهمنوونهای خوبی برای روشن سازی برخی از نکات و ویژگی‌های ناشناخته‌ی زبانهای ایرانی کهن باشند. مثلاً میزان همانی سانسکریت و اوستایی به اندازه‌ای است که برخی از واژه‌ها و جمله‌های سانسکریت کاملاً مشابه برابرهاي اوستایی خود هستند. بهمین دلیل در متن این کتاب پس از واژه‌ی فارسی و ریشه‌ی هند و اروپایی و ریشه‌های ایرانی کهن و واژه‌های زبانهای ایرانی دیگر، اولین زبان خارجی که از آن شاهد آورده می‌شود زبان سانسکریت است.

زبانهای ایرانی کهن از دیدگاه متون باستانی

کهن‌ترین نوشتارهای ایرانی کهن به اوستایی و پارسی کهن هستند. اوستایی زبان متون زرتشتی است. بخش قدیمی‌تر آن (گاتها) در سده‌های یازدهم تا ششم پیش از میلاد یعنی دوران کوچ ایرانیان به فلات ایران، تصنیف شده است. بخش متأخرتر اوستا «یسنا»

(YASNA HAPTANHATI) نام دارد و شامل هفت فصل است. یانا از گانهای بسیار بزرگتر است و حاوی سرودهای نیايش آمیز بنام «بشت‌ها» (YASHTS) و وردهایی برای طرد دوها بنام «ویدیوداد» (VIDEVDAD) است. متن موجود اوستا در سده‌های نخست بطور شفاهی حفظ می‌شد و در دوران ساسانیان (۲۲۴-۶ میلادی) به رشته تحریر درآمده است.

زبان پارسی کهن کمی متأخرتر از زبان اوستایی است و اصولاً از نظر گویش با اوستایی فرق دارد. همانطور که در پیش گفته شد، نمونه‌های محدود این زبان در سنگ نوشته‌های دوران هخامنشی و سلوکی (به خط میخی) و در تعدادی خشت‌های سفالی یافت می‌شود. در برخی متون مردمان بین‌النهرین نیز شمار اندکی واژه‌های پارسی کهن به طور جسته گریخته ذکر شده است.

در دوران اشکانیان و ساسانیان زبان‌های ایرانی کهن به تدریج تبدیل به زبان‌های ایرانی میانه شدند. مهمترین این زبان‌ها عبارتند از: فارسی میانه یا پهلوی (که محتملاً از پارسی کهن مشتق شده است); پارتی (زبان مردم سرزمین‌های شمال خاوری فلات ایران); ختنی (KHOSTANESE)؛ تومنشگی (TUMSHHUGUESE)؛ سغدی (SOGDIAN)؛ باکتریایی (BACTRIAN)؛ خوارزمی (CHORESMIAN)؛ سارماتی (SARMATIAN). برخی از این زبان‌ها مرده‌اند و بقیه (مانند همهی

زبانی‌ها) دستخوش دگرگونی شده‌اند.

هجوم اعراب و استیلای طولانی آنها بر فلات ایران بزرگترین عامل دگرگونی آوابی و واژگانی زبانهای ایرانی بود. هجوم اقوام ترک و تاتار نیز نه تنها موجب نابودی زبان‌های ایرانی در آسیای مرکزی و آذربایجان شد بلکه زبان‌های ایرانی موجود را نیز تحت تأثیر قرار داد. در نتیجه، امروزه حدود نیمی از واژگان زبان فارسی عربی یا ترکی است. در چند دهه‌ی اخیر نفوذ فرهنگی و علمی و فنوری کشورهای غربی نیز زبان‌های ایرانی را با موج جدیدی از واژه‌های انگلیسی و فرانسه وغیره مواجه کرده است. ولی علیرغم همه‌ی پستی و بلندی‌ها، زبان‌های ایرانی امروز (فارسی، کردی و بلوچی و پشتو وغیره) ماهیت نهادین هند و اروپایی خود را حفظ کرده و یکی از شاخه‌های پویای خانواده‌ی بزرگ زبان‌های هند و اروپایی را تشکیل می‌دهند.

آرمان این کتاب

هدف این کتاب بررسی واژه‌های ناب پارسی و ردیابی مسیر آنها از زبان هند و اروپایی نخستین به زبان‌های اوستایی و پارسی کهن و بهلوی و بالاخره فارسی نوین است. همانطور که در پیش ذکر شد، نوشتاری از هند و اروپایی نخستی (PROTO-INDO-EUROPEAN) در دست نیست چون در آن هنگام هنوز الفبا اختراع نشده بود. ولی بررسی واژگان کهن ترین متون سانسکریت و اوستایی و یونانی و لاتین و اسکاندیناوی، پژوهشگران را قادر کرده است که تصویر کلی زبان هند و اروپایی نخستین را ترسیم نمایند. در چند دهه‌ی اخیر نیز زبان‌شناسان توانسته‌اند از راه همسنجی واژه‌های هم معنی و هم‌ریشه (COGNATES) و همسانی آوابی

(SOUND CORRESPONDENCE) و شناخت دگرگونی‌های آوابی در زبان‌های گوناگون، واژه‌های هند و اروپایی نخستین را «بازسازی» کنند. تاکنون صدها واژه‌ی هند و اروپایی نخستین بازسازی شده‌اند و این واژه‌ها که در سابق «حلقه‌ی مفقود» زبان‌شناسی تاریخی محضوب می‌شدند، کار «بنایانی» و ردیابی واژه‌های هند و اروپایی را آسان تر کرده‌اند.

در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی، ردیابی واژه‌ها تا سرچشم‌های هند و اروپایی آنها از دیرباز آغاز شده است. مثلاً در زبان انگلیسی صدها کتاب و مقاله و واژه‌نامه در این باره منتشر شده است و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به یکی از آنها، ریشه‌ی اکثر واژه‌های انگلیسی را تا سرچشم‌های هند و اروپایی آنها ردیابی کند. در سایر زبان‌های اروپایی نیز (به ویژه آلمانی و فرانسه) اینگونه

پژوهشها از مدت‌ها پیش آغاز شده است.

نخستین پژوهش‌های واجریشه‌شناسی در زبان‌های ایرانی به طور اعم و زبان فارسی به طور اخص توسط دانشمندان برومنزی (بارتولومه، یونکر، هینینگ، نیرگ) در چند دهه قبل آغاز شد. استادان ایرانی نیز (به ویژه معین و خانلری و پورداود) با بهره گیری از پژوهش‌های برومنزیان این پژوهش‌ها را ادامه داده و برای فارسی‌زبانان و به زبان فارسی ارائه داده‌اند. ویراست فرنگی برهان قاطع که به اهتمام مرحوم دکتر معین در سال ۱۳۴۵ در پنج جلد چاپ شد نمونه‌ی خوبی از اینگونه پژوهشها محسوب می‌شود. در پانوشت‌های این کتاب بسیاری از واژه‌های فارسی ناب تا حد اوستایی و گهگاه تا حد پارسی‌باستان و پهلوی رديابی شده‌اند و معمولاً واژه‌های هم‌ريشه‌ی آنان در زبان‌های کردی و پشتو و بلوجی و غیره نیز داده شده است. در برخی از موارد واژه‌ی هم‌ريشه در زبان سانسکریت هم ذکر شده است. چون در رديابی واژه‌ها، مرحوم معین با دقت و امانت کامل مراجع خود را ذکر می‌کند، کتاب او عملأً خواننده را از پسگشت به مأخذ او (که برخی امروزه نایاب هستند) بی‌نیاز می‌کند.

ولی کتاب‌هایی که تاکنون به فارسی نگاشته شده است دو مطلب مهم را مورد مطالعه قرار نمی‌دهند: ۱- برابر نمایی واژه‌های فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی با زبان‌های اروپایی (مثلًاً یونانی و لاتین و آلمانی و انگلیسی و فرانسه) ۲- پیگیری واژه‌های فارسی نوین نه تنها تا اوستایی و پارسی کهن بلکه تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی آنها. در آن سرچشمه‌ی همه زبان واحدی را تشکیل می‌دادند که طی قرن‌ها تبدیل به زبان‌های کنونی شده‌اند. تنها از راه نشان دادن خویشاوندی واژه‌های ایرانی با واژه‌های دیگر زبان‌های هند و اروپایی و رديابی همه‌ی آنها تا سرچشمه‌ی هند و اروپایی است که خواهیم توانست تصویر کاملی از زبان فارسی و تطور آن داشته باشیم.

تا آنجائیکه می‌دانم، این کتاب نخستین پژوهش گسترده‌ای است که به منظور رديابی واژه‌های فارسی تا سرچشمه هند و اروپایی آنها به زبان فارسی انجام شده است. مرحوم پدرم، دکتر عباس آربیان پور کاشانی، سال‌های آخر عمر خود را وقف پژوهش در باره‌ی رابطه‌ی زبان فارسی با دیگر زبان‌های هند و اروپایی نمود. بخشی از پژوهش‌های او تحت عنوان «برگزیده‌ای از زبان‌های آریایی» در مقدمه‌ی فرنگ نوین پیوسته فارسی-انگلیسی-انگلیسی-فارسی. انتشارات مزدا، لوس آنجلس، ۱۹۸۶) چاپ شده است. هدف ایشان بیشتر نشان دادن خویشی فارسی با زبان‌های اروپایی بود و رابطه‌ی واژه‌های فارسی با هند و اروپایی نخستین را شامل نمی‌شد.

در چند دهه‌ی اخیر رابطه‌ی زبان‌های اروپایی با یکدیگر به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته

است و کسانیکه با یکی از زبان‌های اروپایی (به ویژه آلمانی یا انگلیسی یا فرانسه) آشنایی داشته باشند می‌توانند از یکی از آثار متعدد در این زمینه استفاده کنند.

رابطه‌ی زبانهای ایرانی با یکدیگر نیز (همانطور که در بالاگفته شد) در آثار دانشمندانی همچون بارتولومه و معین بطور نسبتاً کامل بازتاب شده است. کوشش من در کتاب حاضر این بوده است که توجه خود را بیشتر متوجه سه کار بکنم.

اول - بهره‌گیری کامل از پژوهش‌های پیشین و منعکس سازی آنها به طور کوتاه‌وار.

دوم - برابریابی و تطبیق واژه‌های ایرانی با واژه‌های سانسکریت از یک سو و واژه‌های اروپایی از سوی دیگر. در مورد بسیاری از واژه‌های کتاب حاضر این تطابق‌ها قبلاً توسط دیگران انجام شده است و من با سپاسمندی و ذکر هر یک از مراجع خود، از این پژوهشها بهره‌گرفته‌ام. ولی چون بیشتر این پژوهش‌ها توسط برونمر زبانی انجام شده که سلط‌کافی به زبان فارسی نداشته‌اند، اغلب فهرست‌های آنها فاقد برابرها فارسی نوین هستند. اصولاً پژوهش‌های ایشان از دیدگاه یک زبان اروپایی انجام شده است نه از دیدگاه زبان فارسی و ارائه‌ی الفبایی واژه‌های فارسی بعنوان سرواژه. به همین دلیل بخش عمده‌ی کوشش من در این کتاب صرف یافتن واژه‌های فارسی نوین که با واژه‌های اروپایی همراهی‌اند شده است. دشواری عمدۀ در این مورد عبارت است از تغییر معنی واژه‌ها در زبانهای مختلف. مثلاً دو واژه‌ی «بُز» فارسی و BUCK انگلیسی و یا دو واژه‌ی «پوسیدن» فارسی و FOUL انگلیسی همراهی‌اند ولی معنی‌های آنها یکی نیست. واژه‌ی «دیو» فارسی با واژه‌ی DIEU در فرانسه همراه است ولی در فرانسه این واژه یعنی «خداآوند» در صورتیکه در فارسی این معنی را ندارد.

دشواری دیگر این است که برخی شباهت‌ها اتفاقی هستند. مثلاً واژه‌ی لاتین -PONEU (به معنی دمیدن) بسیار شبیه واژه‌ی - PNIW (در زبان سرخپستان ایالت اورگان در امریکا) است ولی این دو واژه اصلًا با هم همراهی نیستند.

دشواری دیگر این است که شباهت برخی واژه‌های دو زبان ممکن است به خاطر این باشد که یکی از آنها این واژه را از زبان دیگر قرض کرده است.

دشواری نهایی دگرگونی آوایی است. مثلاً واژه‌ی «خریدن» فارسی با واژه‌ی KAUFFN آلمانی همراه است. همینطور واژه‌ی فارسی «دندان» با واژه‌ی آلمانی ZAHN همراه است ولی دگرگونی تلفظ آنها، شناخت خوبی نزدیک آنها را مشکل می‌کند.

با وجود همه‌ی این دشواری‌ها کوشیده‌ام که تا آنجا که از دستم برمی‌آمده همه‌ی واژه‌های

همریشه‌ی هند و اروپایی را در این کتاب گردآوری نمایم ولی لازم می‌دانم توجه خواننده را به یک نکه جلب کنم: شعار واژه‌هایی که همریشگی آنها با زبان‌های دیگر برای اولین بار در این کتاب داده شد کم نیست. پژوهش‌های پیشانگانه معمولاً هم راهگشا هستند و هم محتمل به داشتن لغزش. امید من این است که در آینده پژوهشگران دیگر بتوانند کارهای انجام شده در این کتاب را پالوده‌تر و مسجل‌تر کنند و برگسترش آن بیافزایند. این تازه اول کار است.

سوم - بخش دیگری از کوشش‌های من در این کتاب صرف یافتن ریشه‌های هند و اروپایی واژه‌های فارسی شده است. این کاری است که قبل انجام نشده بود و انجام آن مستلزم صرف وقت زیاد و مراجعه به متن‌های فارسی و انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و آلمانی بود. آنچه که در مورد رابطه‌ی واژه‌های فارسی و هند و اروپایی نخستین در این کتاب انجام شده به دو دسته بخش پذیر است: ۱- واژه‌های فارسی که ریشه‌ی هند و اروپایی آنها توسط دیگران (به ویژه دانشمند آلمانی جولیوس پکرنی POKORNY) داده شده است. بیشتر ردیابی این کتاب از این دسته است. ۲- واژه‌های فارسی بسیاری که ریشه‌ی هند و اروپایی آنها برای نخستین بار در این کتاب ارائه شده است. مسئولیت صحت ردیابی‌های دسته دوم مستقیماً به عهده‌ی من است. البته هر کجا که کاملاً مطمئن نبوده‌ام با بکار بردن «شاید» در جلو واژه به خواننده هشدار داده‌ام. امید غایبی من این است که در این زمینه هم پژوهشگران آینده بتوانند کاری را که این کتاب آغاز کرده است دنبال کنند و جایگاه راستین زبان فارسی در درخت خانوادگی زبان‌های هند و اروپایی را مشخص‌تر و کامل‌تر نمایند. این کتاب فقط گامی در این سفر دراز و پر شگفتی است.

برخی از واژگانی‌های دیگر این کتاب

۱- در این کتاب از ذکر معنی(های) هر واژه خودداری شده است. علت این است: واژه‌های هند و اروپایی نخستین (مانند واژگان هر زبان دیگر) هر یک دارای معنی (یا معانی) خاصی بودند. ولی تعیین این معنی‌ها با ابهام فراوان همراه است چون اگر در زبان‌های هند و اروپایی امروزین واژه‌های همریشه همه دارای معنی همسانی بودند آنگاه می‌توانستیم با اطمینان بیشتر نتیجه بگیریم که در هند و اروپایی نخستین هم همین معنی را داشته‌اند. ولی به استثنای موارد محدود (مثلًاً واژه‌ی «مادر» یا «گاو» یا «بیوغ») معنی واژه‌های همریشه در زبانهای هند و اروپایی امروزی کاملاً یکی نیست. گذشت زمان و برخورد با پرگیرها و گیاهان و جانوران متفاوت موجب دگرگونی واژه‌ها شده است. مثلاً ریشه‌ی هند و اروپایی KAK^{*} یا KEK^{*} در فارسی نوین شده است («سخت»، در

سانسکریت شده است SAKNOTI (به معنی توانستن)، در ایرلندی کهن شده است CÉCHT (به معنی فدرت). پکرنی (POKORNY, 522) معتقد است که شاید واژه‌های انگلیسی HATCH و آلمانی HECKEN (به معنی هستی دادن و یا روی تخم نشتن و جوجه آوردن) نیز از همین ریشه باشد. مثال دیگر: هند و اروپایی DHEIGH در فارسی نوین شده است «دژ»، در سانسکریت شده است DEHA (به معنی دیوار)، در آلمانی کهن شده است TEIG (به معنی خمیر)؛ در یونانی شده است TOICHOS (به معنی کل)، در ارمنی شده است DEZ (به معنی توده). البته تعیین معنی واژه‌های امروزین نسبتاً آسان است ولی هر چه عقب برویم تعیین معنی دشوارتر و آمیخته با ابهام بیشتری می‌شود. لذا در این کتاب تاکید روی ردبایی واژه‌های فارسی تا سرچشمی هند و اروپایی آنها و همچنین نشان داد خوبی واژه‌های فارسی با واژگان سایر زبانهای هند و اروپایی است. معنی واژه‌های مختلف فقط در برخی موارد صرفاً به منظور نشان دادن برخی جنبه‌های معنایی واژگان هند و اروپایی آورده شده است.

۲- مراجع متعدد این کتاب هر یک برای نشان دادن املا و آوای واژه‌ها از نشانه‌ها و حروف متفاوتی استفاده می‌کند. در این کتاب کوشش شده است تا حد امکان املای واژه‌ها یکدست بشود. فقط در موارد نادر که تفاوت املایی حاکی از دو تلفظ مختلف است یک واژه‌ی بخصوص به بیش از یک صورت املا شده است.

۳- در این کتاب:

به جای Č از CH استفاده شده است.

به جای Š از SH استفاده شده است.

به جای Θ از TH استفاده شده است.

به جای Ž از ZH استفاده شده است.

برای آوای «خ» از X استفاده شده است.

برای آوای «آ» از A آستفاده شده است.

برای آوای «آ» (مثلاً در «آرج») از A استفاده شده است.

برای آوای «او» (مثلاً «و» در «خوب») از U آستفاده شده است.

۴- املای واژه‌های هند و اروپایی نیز در کابهای مختلف متفاوت است. در این کتاب بیشتر از طرز املای The BARNHART DICTIONARY OF ETYMOLOGY استفاده شده است. ضمناً چون این واژه‌ها از راه بازسازی به وجود آمده‌اند. طبق رسم معمول جلو آنها یک ستاره (*)

قرار گرفته است.

روشن پیکری واژه‌ها در زبان‌های گوناگون

روش معمول برای ریشه‌یابی واژه‌ها (که در این کتاب نیز از آن پیروی شده) چنین است:

- ۱- ریشه‌یابی باید از بررسی شکل‌های کنونی واژه آغاز شود و تا حد و اجریشه‌ی هند و اروپایی به عقب برود (فارسی نوین \leftarrow پهلوی \leftarrow پارسی باستان \leftarrow اوستایی \leftarrow هند و اروپایی). ضمناً واژه‌های همراهه در دیگر زبان‌های ایرانی و همچنین واژه‌های همراهه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی نیز باید داده شود.

البته انجام این کار همیشه میسر نیست. مثلاً شمار واژه‌های باقی مانده از پارسی باستان محدود است و در اکثر موارد نمی‌توان شاهدی از آن زبان ارائه داد از سوی دیگر، در اثر گذشت زمان برخی از زبان‌های هند و اروپایی بعضی از واژه‌های همراهه را از دست داده‌اند. با این وجود این اصل را باید همیشه در نظر داشت: هر چه شمار واژه‌های همراهه‌ی ارائه شده بیشتر باشد، صحت و اجریشه‌یابی مسجل‌تر است.

- ۲- باید واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی را در نظر گرفت. مثلاً شباهت یک واژه‌ی ژاپنی با یک واژه‌ی پارسی باستان یا شباهت یک واژه‌ی انگلیسی کهن با یک واژه‌ی تبتی یا ظاهری و اتفاقی است و یا واژه از یک زبان به زبان دیگر به عاریت گرفته شده است چون زبان‌های پارسی باستان و انگلیسی کهن هند و اروپایی هستند در حالی که زبان‌های ژاپنی و تبتی غیر هند و اروپایی می‌باشند. ضمناً فاصله‌ی جغرافیایی زیاد و نبودن رابطه میان این زبان‌ها در عهد کهن نیز امکان هرگونه همراهیکی را نمی‌کند.

- ۳- باید اصول آواتی و قوانین دگرگونی آواتی در زبان‌های گوناگون را مد نظر داشت. مثلاً چون حرف آغازین C در واژه‌های انگلیسی کهن تبدیل به H شده است می‌توان نتیجه گرفت که واژه‌ی لاتین CELARE و واژه‌ی انگلیسی کهن HELON (به چم «پنهان کردن») همراهه‌اند ولی واژه‌ی لاتین CURA با واژه‌ی انگلیسی کهن CARE (انگلیسی نوین CARE) علیرغم شباهت ظاهری، همراهه نیست.

- ۴- در همسنجی و ریشه‌یابی واژه‌ها باید تمام اجزاء واژه را مورد بررسی قرار داد و هرگونه دگرگونی آواتی را طبق قوانین فونتیک توجیه کرد.

- ۵- توضیحات افسانه مانند درباره‌ی ریشه‌ی واژه‌ها را باید با شک و تردید فراوان مورد

بررسی قرار داد. این گونه توضیحات که معمولاً همراه با یک داستان ارائه می‌شوند جالب‌اند ولی افسوس که درست نیستند! مثلاً گفته می‌شود که وجه تسمیه «تبریز»، این است که در آنجا شاهزاده‌ای که سخت بیمار بود خوب شد و تب او (ریخت) و لذانام شهر را «تبریز» نهادند! باید پرسید قبل از این رویداد نام تبریز چه بود؟

امید برای پژوهش‌های آینده

همانطور که در بالا گفته شد، این کتاب عبارت است از گامی نخستین در راه یافتن همه‌ی واجریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی. گام‌های نخستین معمولاً خالی از کاستی و لغزش نیستند. امید من این است که پژوهشگران دیگر به تدریج کاستی‌ها را برطرف کرده و فرهنگ‌های کاملتری از ریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی ارائه دهند.

هنوز صدھا واژه‌ی ناب فارسی وجود دارند که یافتن واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها به بن‌بست برخورده است. برای مثال به واژه‌های زیر توجه کنید:

۱- واژه‌ی «هاله» (یونانی: ALOS؛ لاتین: HALOS؛ انگلیسی: HALO؛ فرانسه: HALO؛ آلمانی: HOF) از کجا آمده و واجریشه‌ی هند و اروپایی آن چیست؟

۲- آیا واژه‌ی «شور» (پهلوی: SOR) با واژه‌های انگلیسی: SOUR و آلمانی: SAUER (واجریشه‌ی هند و اروپایی: SUROS^{*} - POKORNY: 1039) هم‌ریشه است؟

۳- واژه‌ی «لوج» فارسی با واژه‌های LOUCHE فرانسوی و LUSCUS لاتین همانی جالبی دارد. آیا این همانی اتفاقی است؟

۴- گفته شده است که واژه‌ی فارسی «شیرین» از واژه‌ی فارسی «شیر» درست شده است (همانگونه که «سنگین» از «سنگ» آمده) ولی همانی نسبی آن با واژه‌های سانسکریت SVADOS و انگلیسی SWEET و آلمانی SÜSS کنجکاوی‌انگیز است.

۵- واژه‌ی فارسی «فرار» با واژه‌های انگلیسی FLEE و آلمانی FLIEHEN و دانمارکی FLYGTE (از واجریشه‌ی هند و اروپایی PLEUK^{*} - POKORNY: 837) همانی‌های جالبی دارد ولی هیچکدام از پسگشتهای در دسترس من اشاره‌ای هم‌ریشه‌های ایرانی و سانسکریت این واژه‌ها نمی‌کنند. آیا میان این واژه‌ها خویشی وجود دارد؟

- ۲- واژه‌ی «نازک» فارسی با واژه‌های انگلیسی NARROW و آلمانی کهن NARWA و هلندی NAAR همسانی دارد ولی واجریشه‌ی هند و اروپایی این واژه‌ها هنوز تعیین نشده است.
- ۳- واژه‌ی فارسی «پیشاب» با واژه‌های انگلیسی PISS و آلمانی PISSEN و دانمارکی PIS و هلندی PISSEN و نروژی PISS همسانی نسبی دارد ولی واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها معلوم نیست و گفته می‌شود که همه‌ی آنها «نام آوا» (ONOMATOPOIC) هستند.
- ۴- واژه‌های فارسی «پف» و «پف کردن» با واژه‌های انگلیسی PUFF و آلمانی PAFF و فرانسوی BOUFFÉE و دانمارکی PUST و هلندی PAFFEN همسانی نسبی دارند. آیا این واژه‌ها همراهیه‌اند؟ واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها چیست؟
- ۵- آیا همسانی آشکار معنایی و آوایی واژه‌های «پندار» و «پنداشتن» با واژه‌های لاتین PENSARE و فرانسوی PENSER و اسپانیایی PENSAR و ایتالیایی PENSARE اتفاقی است؟
- ۶- واژه‌ی فارسی «چیز» با واژه‌های فرانسوی CHOSE و اسپانیایی COSA و پرتغالی COISA از نظر آوایی و معنایی همسانی دارد. آیا این واژه‌ها نیز همراهیه‌اند؟ واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها چیست؟
- واجریشه‌یابی این واژه‌ها و صدها واژه‌ی دیگر را به پژوهشگران جوانتر و اگذار می‌کنم.

خداگهدار

ĀB	آب (PERSIAN)
WATER	چم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی:
*ĀP	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
APE : (OLD PRUSSIAN)	اوستایی (AVESTAN)
ABANN : (OLD IRISH)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
	پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ: .	51-52
MACKENZIE: .	(WATER) 139
BUCK: .	(WATER) 34-35
MALLORY	129
۱	برهان قاطع :
۳۵	لغت نامه دهخدا:
ĀP, APAM	: (KURDISH)
ĀPI, APUS	: (SANSKRIT)
ĀB , ĀP	: (GREEK)
ĀV, DJYRAV	: (LATIN)
ĀP, ĀPA	: (FRENCH)
APIA	: (LITHUANIAN)
AMNIS	: (LATVIAN)
EAV	: (ARMENIAN)
ŪPĒ	: (GREEK)
UPĒ	: (IRISH)

ĀTASH	آتش (PERSIAN)
FIRE	چم انگلیسی سر واژه‌ی فارسی:
*ĀTER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ: .	69
DELAMARRE: .	(FEU) 179
MACKENZIE: .	(FIRE) 114
BUCK: .	71
AMINDAROV: .	(FIRE) 247
۱۳-۱۴	برهان قاطع :
۶۵-۶۶	لغت نامه دهخدا:
ĀTER, ATARSH	: (AVESTAN)
ĀTUR, ĀTAXSH	: (PAHLAVI)
AGIR	: (KURDISH)
ĀTHARVAN,	: (SANSKRIT)
EDHOS, HUTASH	: (LATIN)
AIREM	: (ARMENIAN)
AITHOS	: (GREEK)
ATER	: (LATIN)
EIT	: (OLD FRISIAN)
AITH	: (OLD IRISH)

یادداشت:

- چم این واژه در ایرلندی کهن: تور.
- چم این واژه در لاتین: سیاه، تیره.
- شاید واژه‌ی لاتین ATER با واژه لاتین ARDENT ← ARID ← ARDERE هم‌ریشه باشد.

ĀZAR		فارسی (PERSIAN) آذر
FIRE		چشم انگلیبسی سر واژه‌ی فارسی:
*EGNIS, *OGNIS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
UGNUS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	اوستایی (OLD PERSIAN) ATHRAVAN, ĀDAR, : (AVESTAN)
ZJARR	: (ALBANIAN) آلبانی	ATUR, ATHRA-
AGNIS	: (HITTITE) هفت	ĀTER : (OLD PERSIAN) پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES	پسگشت‌ها	ADUR : (KURDISH) گردی (AGAR) : (SANSKRIT) سانسکریت (AGNI, AGNIS) : (LATIN) لاتین (IGNIS) : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن (OGNÍ) روسی (OHĒM) : (CZECH) چک (OHĒŇ) : (SLOVAK) اسلواکی (UGNIS) : (LITHUANIAN) لیتوانی
POKORNY:	239	
BARNHART:	(IGNEOUS) 506	
DELAMARRE:	(LE FEU) 182	
MACKENZIE:	5, (FIRE) 114	
BUCK:	72	
ONIONS:	(IGNEOUS) 461	
SKEAT:	(IGNEOUS) 286	
RAMAT:	11	
برهان قاطع (خاکستر) ۷۰۲ و ۲۲ و (اگر) ۵۳		

بادداشت:

معین (در پانوشت برهان قاطع) این واژه را با "آتش" همراهی می‌داند.

ĀRĀSTAN		فارسی (PERSIAN) آراستن- آرا
ADORN, ARRANGE		چشم انگلیبسی سر واژه‌ی فارسی:
*RĒDH, *RŌDH		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
RATAN		اوستایی (AVESTAN) ĀRĀDH, -RADH
RATEN	: (GERMAN) آلمانی	پهلوی (PAHLAVI) ĀRĀSTAN
RADAN, : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	سانسکریت (SANSKRIT) RADHNOTI, RĀHYATI, RĀDH-
RĒDAN, RĒD		
READ	: (ENGLISH) انگلیسی	لاتین (LATIN) PĒRI
(TIL)RĀDE	: (DANISH) دانمارکی	گوئیک (GOTHIC) GAREDN, RĒDAN
RĀDEN	: (DUTCH) هلندی	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) RĀDHA
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	
RADITI		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

REFERENCES	پشت‌ها
POKORNY:	59-60
BARNHART:	(READ) 891
MACKENZIE:	(ADORN) 101
BUCK:	1285
ONIONS:	(READ) 743
SKEAT:	(READ) 502
۳۰	برهان قاطع:

RADIETE	: (RUSSIAN)
RADIT	: (CZECH)
RADIT	: (SLOVAK)
IMMRĀDIM	: (OLD IRISH)
AMRAUD	: (WELSH)

یادداشت:

- معنی این واژه در زبان‌های آلمانی و اسکاندیناوی و اسلاوی: پند دادن.
 معنی این واژه در زبان انگلیسی: خواندن.
 معنی این واژه در زبان سانسکریت: موفق شدن.
 معنی این واژه در زبان لاتین: محاسبه کردن.

ĀRĀM, ĀRAMIDAN	آرام، آرامیدن، آرمیدن، رام، رامیدن : (PERSIAN)
QUIET, EASE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*REM-, *REMYŌ	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

RIM	: (ENGLISH) انگلیسی (شاید)	RAMYEITI, RAMAN, : (AVESTAN) اوستایی
RANDE	: (NORWEGIAN) نروژی (شاید)	RAMYAT, RAM
RAMTIS, RIMTI, : (LITHUANIAN) لیتوانی		ĀRĀMITAN, : (PAHLAVI) پهلوی
RAMDITI		ĀRĀMISHN, RĀM, RĀMĒNITAN
RAMS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	RĀM, RAM : (TOKHARIAN A) A تخاری A
RIM	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	RĀM : (TOKHARIAN B) B تخاری B

REFERENCES	پشت‌ها
POKORNY:	864
BARNHART:	930
DELAMARRE:	(SE CALMER) 276
MACKENZIE:	79, (EASE) 112
۹۳۰ و ۳۰	برهان قاطع:

ERĒMA	: (GREEK) یونانی
RIMIS	: (GOTHIC) گریتیک (شاید)
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن (شاید)
RIMI	
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن (شاید)
RAMA	
RIMA	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (شاید)

یادداشت:

۱- معنی این واژه در لیتوانی: آرام کردن.
معنی این واژه در ایرلندی کهن: قرار دادن.

معنی این واژه در انگلیسی: حاشبه، لبه.

۲- **BARNHART** واژه‌های ژرمنی این فهرست را از یک ریشه ناشناخته می‌پندارد.

ARENJ	فارسی (PERSIAN) :	آرنج، آرنگ، آران
ELBOW	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*EL-, *ELĒI-, *OLENA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	

LAK-		ARETHNA	: (AVESTAN)
LOKIEC	: (POLISH)	ARASHNISH	: (OLD PERSIAN)
LÖKOT	: (RUSSIAN)	ARANJ	: (PAHLAVI)
LOKET	: (CZECH)	ENITHK	: (KURDISH) (شاید)
LAKET	: (SLOVAK)	ARATNI	: (SANSKRIT)
ALKUNI	: (LITHUANIAN)	OLN, ALELN	: (ARMENIAN)
ELKUONS	: (LATVIAN)	ÖLÉN	: (GREEK)
UILENN	: (OLD IRISH)	ULNA	: (LATIN)
ELIN	: (WELSH)	ALEINA	: (GOTHIC)
ILIN	: (BRETON)		: (OLD SCANDINAVIAN)
		ELNOGI	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	309, 309
BARNHART:	319
DELAMARRE:	105
MACKENZIE:	11, (ELBOW) 112
BUCKL:	237-283
ONIONS:	(ELBOW) 305
SKEAT:	(ELBOW) 190
DICTIONARY:	(EL-) 2027
۳۱۹	برهان قاطع :

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	309, 309
BARNHART:	319
DELAMARRE:	105
MACKENZIE:	11, (ELBOW) 112
BUCKL:	237-283
ONIONS:	(ELBOW) 305
SKEAT:	(ELBOW) 190
DICTIONARY:	(EL-) 2027
۳۱۹	برهان قاطع :

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	309, 309
BARNHART:	319
DELAMARRE:	105
MACKENZIE:	11, (ELBOW) 112
BUCKL:	237-283
ONIONS:	(ELBOW) 305
SKEAT:	(ELBOW) 190
DICTIONARY:	(EL-) 2027
۳۱۹	برهان قاطع :

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	309, 309
BARNHART:	319
DELAMARRE:	105
MACKENZIE:	11, (ELBOW) 112
BUCKL:	237-283
ONIONS:	(ELBOW) 305
SKEAT:	(ELBOW) 190
DICTIONARY:	(EL-) 2027
۳۱۹	برهان قاطع :

یادداشت:

- ۱- برهان قاطع: و دمحداً و معین ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.
- ۲- فقط ریشه‌های ژرمنی این واژه را می‌دهند **BARNHART, ONIONS**.
- ۳- ریشه‌ی سانسکریت این واژه را می‌دهد ولی ریشه‌ی اوستایی آن را نمی‌دهد.
- ۴- معنی این واژه در برخی زبان‌های رومانس: زند زبرین، استخوان آرنج.

ĀRVĀRÉ, ĀRÉ	فارسی (<i>PERSIAN</i>): آرواره، آره
JAW	چم انگلیسی سرووازه فارسی:
*AULOS-	هند و اروپایی (<i>INDO-EUROPEAN</i>):
AULYS : (LITHUANIAN) لیتوانی	اوستایی (<i>AVESTAN</i>):
AULINI : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	پهلوی (<i>PAHLAVI</i>):
REFERENCES	پونانی (<i>GREEK</i>):
POKORNY: 88	لانین (<i>LATIN</i>):
BARNHART: (ALVEOLUS) 27	فرانسه (<i>FRENCH</i>):
MACKENZIE: (JAW) 120	اسپانیایی (<i>SPANISH</i>):
ONIONS: (ALVEOUS) 29	ایتالیایی (<i>ITALIAN</i>):
SKEAT: (ALVEOLAR) 17	پرتغالی (<i>PORTUGUESE</i>):
۳۲ برهان قاطع:	انگلیسی (از لاتین) (<i>ENGLISH</i>):
۱۰۹ لغت‌نامه دمحداً:	اسلاوی کهن (<i>OLD CHURCH SLAVIC</i>):
	ULYJ

یادداشت:

- ۱- شکل این واژه در گوشن خونساری چنین است: **ELVĀRA** (و شباهت آن با هم‌ریشه‌های لاتین و یونانی آن نسبتاً آشکار است). لازم به توضیح است که در هیچ کدام از مراجع اشاره‌ای به رابطه‌ی "آرواره" با این واژه‌ی هند و اروپایی نشده است ولی در لغت‌نامه‌ی دمحداً (صفحه ۱۰۹) به این خوبی احتمالی اشاره شده است.
- ۲- چم این واژه در زبان یونانی و لاتین: حفره، لوله، حفره‌ی فک که دندان در آن قرار دارد.
- چم این واژه در زبان لیتوانی: لانه زنبور.

ĀROGH	فارسی (<i>PERSIAN</i>): آروغ، آروق، روغ، اغ (اغ زدن)
BELCH	چم انگلیسی سرووازه فارسی:
*REU-, *REUG-, *HREUG-	هند و اروپایی (<i>INDO-EUROPEAN</i>):
EREŪGOMAI : (GREEK) یونانی	ارمنی (<i>ARMENIAN</i>): ORCAM, ORUCAM

ASLAUOYI KHEN	:(OLD CHURCH SLAVIC)	لاتین (LATIN) :
RYGAJO		ERUCTUS, RUCTARE, ERUCTARE- ERŪGŌ
RYGATI	: (RUSSIAN)	فرانسه (FRENCH) :
RUAUGMI	: (LITHUANIAN)	ERUCTION
RÜGIU		اسپانیایی (SPANISH) :
RUBENIS	: (LATVIAN)	ERUCTARE
RUCTAN	: (OLD PRUSSIAN)	ERUTTO, RUTTARE : (ITALIAN) :
REFERENCES		ARROTO : (PORTUGUESE) :
POKORNY:	871-872	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
DELAMARRE:	(ROTER) 277	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ONIONS:	(ERUCTATE) 324	ROPA, RYPTA
SKEAT:	(ERUCTATE) 119	RUFEZZEN
TAUPMAN:	(BELCH) 470	RÜLPSEN
MALLORY & ADAMS:	HREUG	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
		ROCKETTAN
		ERUCTATE
		RYPE, RJUPTA : (NORWEGIAN)

بادداشت:

- معنی این واژه در یونانی: قی کردن.
- دهخدا و میم و برهان قاطع: ریشه این واژه رانی دهند.
- این واژه را تا ریشه هند و اروپایی پیگیری نمی کنند. SKEAT, ONIONS

ĀRYĀ, ĀRYĀN		فارسی (PERSIAN) :
ARYAN		چم انگلیسی سرووازه فارسی :
*ARYOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ARIA	: (GREEK)	اوستایی (AVESTAN) :
ARIANA	: (LATIN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
ARYEN	: (FRENCH)	پهلوی (PAHLAVI) :
	: (OLD SCANDINAVIAN)	اوستی (OSSETIC) :
IRAR		санسکریت (SANSKRIT) :
IRAS	: (OLD ENGLISH)	ARYA-

REFERENCES	پسکشت‌ها
BARNHART:	(ARYAN) 54, (IRISH) 544
DELAMARRE:	47
MACKENZIE:	30, (ARYAN) 103
ONIONS:	485
RAMAT:	126
194 و ۳۳	برهان قاطع:

انگلیسی (ENGLISH) : ARYAN

ایرلندی کهن (OLD IRISH) : AIRE, ERIU

ایرلندی (IRISH) : ERIN

یادداشت:

۱- RAMAT و شماری دیگر معتقدند که این واژه با واژه‌ی IRISH, IRLAND همراهه نیست و اصولاً مسکن است واژه‌ی "آریا" هند و اروپایی ناشد.

۲- شمار بیشتری از دانشمندان معتقدند که "آریا" نام چند قوم از هند و اروپاپان بوده که در هند (ARYAS) و در ایرلند (IROE, IRON) ساکن شدند و نام خود را به آن سرزمین‌ها دادند.

۳- واژه‌ی "ایران" نیز از همین ریشه است (همان‌جا AIRYA، پهلوی ĀRĀN، برگانی AREIA)، لاتین (ARIANUS).

۴- معتقد است که مسکن این واژه با واژه‌های لاتین ALIENOS, ALI-QUIS (انگلیسی ALIEN) همراهه باشد.

ĀZ	آز (به چم حرص، خواهش شدید)	فارسی (PERSIAN) :
GREED		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*AGH, *AIGH, *IGH-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	ĀZI, ĀZA, ĀZASH, : (AVESTAN) اوستایی	
AGI	ASI, AZISH	
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن (شاید)	ĀZ, AZWARĪH, : (PAHLAVI) پهلوی	
EGI	ĀKĀL, : (TOKHARIAN A) A تخاری A	
: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (شاید)	AKĀLK, ĀK, : (TOKHARIAN B) B تخاری B	
EGLAN	ĪHATĒ, īHĀ, ĀJI, : (SANSKRIT) سانسکریت	
AIL, AWE	: (ENGLISH) انگلیسی (شاید)	: (GREEK) یونانی
		ACHEN, ICHAO, ACHOS
		-AGLJAN : (GOTHIC) گوتبک (شاید)

ONIONS:	(AIL) 21	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(AIL) 11-12, (AGH) 754	POKORNY:	14,7
۳۴	برهان قاطع :	BARNHART:	(AIL) 21, (AWE) 68
		MACKENZIE:	15, 16(GREED) 116.

یادداشت:

- *AGH در صفحه ۱۶ واژه‌های "آز" را می‌دهد (*A(I)GH-) و در صفحه ۷ نیز واژه‌های POKORNY را برای واژه‌های AIL و غیره می‌دهد. به پندران این دو واژه‌بکی هستند ولی برای مزید اطمینان جلو واژه‌های مشکرک نوشته‌ام (شاید).
- ۲- معنی این واژه در سانسکریت: آرزو، نبرد.
معنی این واژه در یونانی: نیاز، مشقت.
معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: ترس، درکشیدن.

ĀZĀD	آزاد : (PERSIAN)
FREE	چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی :
*GEN-, *GEGONA	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
KIND	آلمانی : (GERMAN)
-KUND	انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)
	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)
ZETŪ, ZĒT	لیتوانی : (LITHUANIAN)
ZHÉNTAS	گالی : (GALISH)
-GNĀTUS	ولزی : (WELSH)
GENETH	
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	373-374
DELAMARRE:	(NAITRE) 256
MACKENZIE:	(FREE) 115
AMINDAROV:	(FREE) 227
۳۴	برهان قاطع :
Ā-ZĀTA	اوستایی : (AVESTAN)
ĀZĀT, ĀZĀD	پهلوی : (PAHLAVI)
AZAD	کردی : (KURDISH)
ĀZĀD	بلوچی : (BALUCHI)
ĀZĀD	افغانی (پشتون) : (AFGHANI)
AJANĀNTA	سانسکریت : (SANSKRIT)
GNŌTOS	يونانی : (GREEK)
NĀTUS, GIGNŌ	لانین : (LATIN)
-KUNDS	گوتیک : (GOTHIC)
	ابسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
KUNDR	
KIND	ساکسونی کهن : (OLD SAXON)
	آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)
KIND	

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های این فهرست: آزاد، فرزند، دختر، پسر، زن، همسر، زاده.

ĀZĀR, AZORDAN, ĀZARDAN	فارسی (PERSIAN) : آزار، آزرن، آزاردن
INJURE, TORMENT, INJURY, HARM	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*ANGH-, *ANGHOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ANGER	انگلیسی (ENGLISH) :
ANGSTELSE	دانمارکی (DANISH) :
ÄNGSLAN	سوئدی (SWEDISH) :
ANGS, ENG	هلندی (DUTCH) :
OZOSTU	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :
ANKSHTAS	لیتوانی (LITHUANIAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	42-43
BARNHART:	(ANGST) 35, (ANGER) 34
DELAMARRE:	(ANGOISSE) 87
MACKENZIE:	(TORMENT) 137, (INJURE) 119
BUCK:	1121
ONIONS:	(ANGER, ANGUISH) 37
SKEAT:	(ANGER) 22
۳۵	برهان قاطع :
ĀZĀR, AZARDAN	اوستایی (AVESTAN) :
ĀZĀR, ĀZARITAN,	پهلوی (PAHLAVI) :
ĀZĀRISHN, ĀZĀRDAN	سanskrit (SANSKRIT) :
ĀNHAS, ANHÓS	يونانی (GREEK) :
ANCHEIN	لانین (LATIN) :
ANGOR, ANGORIS,	ANGERE, ANGUSTUS
ANGOISSE	فرانسه (FRENCH) :
ANISA, ANSIEDAD	اسپانیایی (SPANISH) :
ANGWUS	گوتیک (GOTHIC) :
ANGR, ONGR	ابسلندي کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
ANGOST	فریزی کهن (OLD FRISIAN) :
ANGUST, ENGI	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
ANGST, ENG	آلمانی (GERMAN) :
ENGE,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
ANGNES	

بادداشت:

۱- واژه‌های انگلیسی ANXIETY, ANXIOUS, ANGUISH هم از همین ریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان انگلیسی: خشم.

چم این واژه در زبان‌های لرمنی: نگرانی، عذاب درونی، دلواپسی، تنگ، تنگنا.

ĀZAGH, ĀZOGH	فارسی (PERSIAN) : آزغ، آزوغ، آزغ، آزک، ازگ(به چم شاخه)
BRANCH	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*OZGO, *HOSGOS, *OZDOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
OST	ارمنی (ARMENIAN) :
ÖDCHOS, OZOS	يونانی (GREEK) :
ASG	پهلوی (PAHLAVI) :
ADGU, ÁDGA	sanskrit (SANSKRIT) :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORYN:	786
DELAMARRE:	(BRANCHE) 171
MACKENZIE:	(BRANCH) 105
BUCK:	523-524
۱۱۴ و ۳۷	برهان قاطع:
۲۱۹	فرهنگ معین:
۱۹۸۹	لخت نامه دموده:

ASTS	: (GOTHIC) آلمانی کهن
AST	
AST	: (GERMAN) آلمانی
OST	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
ODB	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
ODDF	: (WELSH) ولزی

یادداشت:

POKORYN دو واژه‌ی هند و اروپایی *OZGHO, *OZDOS را به صورت دو قلم مجزا می‌دهد (POKORYN: 785-787).

ĀZMĀYESH, ĀZMŪDAN, ĀZMŪN	فارسی (PERSIAN): آزمایش، آزمودن، آزمون
TEST, EXAMINE, EXAMINATION	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*ŪD-, *UDTəMOS+MĒ-, *MET-, *MĒNO-, *MĒTŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AZMISHT	AZIMA	: (AVESTAN) اوستایی
ŪD-+MATI	Sanskrit (SANSKRIT)	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

US.+MĀTAR-	: (PAHLAVI) پهلوی
AZMĀYISHN, UZMŪDAN, ŪZMĀY,	
AZMĀYISHN, UZMŪDAN, ŪZMĀY,	
ĀZMŪN	: (KURDISH) کردی
AZMOYANA,	: (AFGHANI) افغانی (پشتون)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORYN:	1102-1103, 703-704
MACKENZIE:	(TEST) 136
۳۷	برهان قاطع:
۴۹	فرهنگ معین:

یادداشت:

واژه‌ی اوستایی این فهرست مرکب است از دو واژه‌ی هند و اروپایی: -1 (با UDTəMOS) که وندهای زیر نیز از همین واژه‌ی اند: سانسکریت -ŪD-, یونانی: -U-, لاتین: -ŪS-, ایرلندی کهن: USS, آلمانی: -ŪT-, گوتیک: -ŪZ-, آلمانی: AUS, انگلیسی کهن: -ŪT-, انگلیسی: OUT (POKORYN: 1103-1104).
 -2 (با MET-) که وندهای زیر نیز از همین واژه‌ی اند: سانسکریت -MATI-, یونانی: MĒTIS, لاتین: MĒL, آلمانی: MĀL, اسلندی کهن: MĒTIOR, انگلیسی کهن: MĒTRON).

AS	آس(به چم سنگ آسیاب) : (PERSIAN)	فارسی (PERSIAN)
MILL STONE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*AK, *OK, *HEK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
OSTŪ, OSLA		اوستایی (AVESTAN) :
OSELKA	: (POLISH) لهستانی	پهلوی (PAHLAVI) :
OSĚLOK	: (RUSSIAN) روسی	سانسکریت (SANSKRIT) :
OSINA	: (CZECH) چک	ارمنی (ARMENIAN) :
	: (LITHUANIAN) لیتوانی	یونانی (GREEK) :
ASHTRUS, AKSHTIS		لاتین (LATIN) :
ASHS	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)	ACIDUS, ACERE, ACUS
ACKONS	: (OLD PRUSSIAN) هروسی کهن	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
HOGI	: (OLD WELSH) ولزی کهن	ساکسونی کهن (OLD SAXON) :
ATHĒTE	: (ALBANIAN) آلبانی	فریزی کهن (OLD FRISIAN) : آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	18	ECKA
BARNHART:	(EDGE) 315	ECKE آلمانی (GERMAN) :
MACKENZIE:	13, (MILLSTONE) 123	ECG انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
BUCK:	32	EDGE انگلیسی (ENGLISH) :
ONIONS:	(EDGE) 301	GE دانمارکی (DANISH) :
SKEAT:	(AK-) 752, (EDGE) 188	EGG سوئدی (SWEDISH) :
MALLORY & ADAMS:	ĀS	AGGE, UGG نروژی (NORWEGIAN) :
۳۹	برهان قاطع :	EGGE هلندی (DUTCH) :

- یادداشت:
- ۱- معنی این واژه در زبان آرمنی: سوزن.
- معنی این واژه در زبان یونانی: نوک.
- معنی این واژه در زبان آلمانی و زبانهای اسکاندیناوی: گوش، کُنج.
- معنی این واژه در زبان لاتین: تند، قیز، برنده.
- معنی این واژه در زبان انگلیسی: لبه.
- ۲- بازگشت به "سنگ".

ASTAR	آستر	: (PERSIAN)
LINING, COATING, UNDERCOAT, UNDERCOATING	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*WES-, *WESMN-, *WESTIS	هند و اروپایی (<i>INDO-EUROPEAN</i>) (شاید):	
: (<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن	VASTE, VASTRA-,	: (<i>AVESTAN</i>) اوستایی
WERIEN, WESTER	VANHAN ∂ M, WASTR ∂ M	
WERIAN : (<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن	WASTAR,	: (<i>PAHLAVI</i>) پهلوی
WEAR : (<i>ENGLISH</i>) انگلیسی	WASTARAG-, ĀSTAR	
GWISG : (<i>WELSH</i>) ولزی	WSĀL	: (<i>TOKHARIAN A</i>) A تخاری
GWISK : (<i>BRETON</i>) برتونی	WASTSI	: (<i>TOKHARIAN B</i>) B تخاری
WASSIYA-, WESSIYA-, : (<i>HITTITE</i>) هتیت	VÁSTE, VAS,	: (<i>SANSKRIT</i>) سانسکریت
WESTRA	VASTRAM	
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	1172	
BARNHART: (WEAR) 1224, (VEST) 1207		
DELAMARRE: (VÊTEMENT) 112		
MACKENZIE: (CLOTHING) 107 (CLOTHING, CLOTHES)		
BUCK: 394-396		
ONIONS: (WEAR) 996		
SKEAT: (WEAR) 707-705		
۱۳۴-۱۳۵ لفت نامه دم خدا:		
۴۱ برهان قاطع:		
۵۳ فرمونگ معین:		

بادداشت:

- ۱- رابطه‌ی واژه‌ی "آستر" (پهلوی *ĀSTAR*) با دیگر واژه‌های این فهرست در هیچ کدام از پسگشت‌ها (مراجع) من داده نشده است و لذا در جلو و اجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.
- ۲- چم همه‌ی واژه‌های این فهرست (به جز واژه‌ی پهلوی *ĀSTAR*: جامه، پرشاک، پوشیدن.

ĀSMĀN		فارسی (PERSIAN) :	آسمان
SKY		چم انگلیسی سروازه فارسی:	
*AKMON, *KAMR, *AK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
HAMER	: (DUTCH) هولندی	ASMAN	: (AVESTAN) اوستایی
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)		: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
KAMY		ATHANGAINA	
KAMIEN	: (POLISH) لهستانی	ASMĀN	: (PAHLAVI) پهلوی
KÁMEN	: (RUSSIAN) روسی	E'SMAN	: (KURDISH) کردی
KÁMEN	: (CZECH) چک	ĀSMĀN	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
KAMEŇ	: (BULGARIAN) بلغاری	ASHMAN,	: (SANSKRIT) سانسکریت
AKMŪÖ,	: (LITHUANIAN) لیتوانی	ĀSMAN	
ASHMENS		ĀKMÖN	: (GREEK) یونانی
		HIMINS	: (GOTHIC) گوتیک
REFERENCES	پسگشت‌ها		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
POKORNÝ:	18-19	HAMMARR	
BARNHART:	(EDEG) 315,	HAMUR	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
(HAMMER) 463		HOMER	: (OLD FRISIAN) فربزی کهن
DELAMARRE:	(PIERRE, CIEL) 178		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MACKENZIE:	(SKY) 133	HAMMAR	
BUCK:	52	HAMMER	: (GERMAN) آلمانی
SKEAT:	(HAMMER) 259,	HAMOR	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
(AK-) 752, (EDGE) 188,		HAMMER	: (ENGLISH) انگلیسی
۱۳۴ و ۲۹	برهان قاطع:	HAMMAR	: (DANISH) دانمارکی
۰۰	فرهنگ معین:	HAMMARE	: (SWEDISH) سوئدی
		HAMMAR	: (NORWEGIAN) نروژی

بادداشت:

- ۱- معنی این واژه در سانسکریت و اوستایی و زبان‌های اسلامی: سنگ.
- معنی این واژه در ژرمنی: چکش.
- معنی این واژه در یونانی: سندان.
- ۲- همراهی و اجریشه‌ی هند و اروپایی ASRIS به معنی "له" یا "حاشیه" است.
- ۳- فقط واژه‌های ژرمنی را می‌دهد و معتقد است که سرچشمه‌ی این واژه ناشناخته است.

ĀSÉ	آسه (به چم محوّر) : (PERSIAN)	فارسی
AXIS, AXLE	چم انگلیسی سروازه فارسی :	
*ASKSĀ, *AKS, *AKSIS, *AKSEN	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)	
AS ,	: (DUTCH) هولندی	اوستایی : (AVESTAN)
	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)	سانسکریت : (SANSKRIT)
OST	: (POLISH) لهستانی	ارمنی : (ARMENIAN)
OS	: (RUSSIAN) روسی	يونانی : (GREEK)
OSA	: (CZECH) چک	لاتین : (LATIN)
OS	: (SLOVAK) اسلواکی	فرانسه : (FRENCH)
ASSIS	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	اسپانیایی : (SPANISH)
AIS	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	ایتالیایی : (ITALIAN)
ECHEL	: (GAULISH) گالی	رومانی : (RUMANIAN)
		گوتیک : (GOTHIC)
		ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	OXULL
POKORNY:	6	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
BARNHART:	(AXIS) 69	AHSA
DELAMARRE:	(ESSIEU) 125	ACHSE
BUCK:	725	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
ONIONS:	(AXIS, AXLE) 66	EAX, OXULL
SKEAT:	(AXIS, AXLE) 42	AXIS, AXLE
ØY	فرهنگ معین : آسه	AKSEL
		AXEL

ĀSH	آش : (PERSIAN)	فارسی
AASH (PERSIAN VEGETABLE SOUP)	چم انگلیسی سروازه فارسی :	
*ED-, *OD-, *ĒDTO-, *ĒDO-, *ĒDĀ	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)	
ITAN	گوتیک : (GOTHIC)	اوستایی : (AVESTAN)
	ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)	سانسکریت : (SANSKRIT)
ETA		ارمنی : (ARMENIAN)
ETAN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	يونانی : (GREEK)
ĪTA	: (OLD FRISIAN) فربزی کهن	لاتین : (LATIN)

لیتوانی (LITHUANIAN)	: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ESTI, ĖDU, ĖDMI	EZZAN
ĒST, EDŪ	لترنی (لتی) : (LATVIAN)
ESSE, ITH	ایرلندی کهن (OLD IRISH)
YS	گالی (GAULISH)
YSU	ولزی (WELSH)
ETMI, ETIR, ET-	هیبت (HITTITE)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	287-288
BARNHART:	(EAT) 312
DELAMARRE:	(MANGER) 254
BUCK:	(EAT) 327-328
ONIONS:	(EAT) 298
SKEAT:	(EAT) 187
۴۴	برهان قاطع :

آلمانی (GERMAN)	: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ESSEN	ETAN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	EAT
انگلیسی (ENGLISH)	ÆDE
دانمارکی (DANISH)	ÄTA
سوئدی (SWEDISH)	ETEN
هلندی (DUTCH)	
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	
JASTŪ, ĖSTI, JAMI	
JESČ	لهستانی (POLISH)
JEST	روسی (RUSSIAN)
JÍST	چک (CZECH)
JESTY	صریبی (SERBIAN)
JISTY	بوهمی (BOHEMIAN)
JEST	اسلواکی (SLOVAK)

یادداشت:

- ۱- چم اصلی واژه‌ی "آش": خورش (مثلاً در واژه‌ی "آشهز").
- ۲- واژه‌های همیشه‌ی "آش" در زبان‌های دیگر همه به صورت شکل‌های گوناگون فعل "خوردن" هستند (مثلاً واژه‌ی انگلیسی EAT بمعنی "خوردن" و واژه‌ی هفت ETMI بمعنی "می‌خورم").

فارسی (PERSIAN)	آشکار، آشکارا
چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*AWIS-, *ĀWIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
AIEIN	برونانی (GREEK)
AUDITUS, AUDIRE	لاتین (LATIN)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
AVITI, AVĒ, JAVĒ	
OVYTIS	لیتوانی (LITHUANIAN)
USHK-	هیبت (HITTITE)
AVISHYA, ĀVISHA, ĀVISHĀ	اوستایی (AVESTĀN)
ĀVISH	
ĀSHKĀRĀG,	پهلوی (PAHLAVI)
	تخاری B (TOKHARIAN B)
OM-PALOKONNE	
ĀVIS, - AVATI,	санسکریت (SANSKRIT)
AVISTYĀ	

ONIONS:	(AUDIBLE) 62	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(AUDIBLE) 38	POKORNY:	78
۴۵	برهان قاطع:	BARNHART:	(AUDIBLE) 64
۶۰		MACKENZIE:	13, (EVIDENT) 113

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در هند و اروپایی و سانکریت و اوستایی: فهمیدن، فهم.
 معنی این واژه در لاتین و زبان‌های رومانس، یونانی: شبیدن.
 معنی این واژه در تخاری B: تفکر روحانی.
- ۲- واژه‌های AUDIENCE, AUDIT و مشتقات آنها در انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و ایتالیایی از ریشه‌ی لاتین این واژه برگرفته شده‌اند.

ĀSHŪB, ĀSHOFTAN	فارسی (PERSIAN): آشوب، آشفتن، آشوفتن
DISTURBANCE	چم انگلیسی سروواژه فارسی:
*KSEUBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	اوستایی
POKORNY: 625	ASHĀB : (PAHLAVI)
MACKENZIE: (DISTURBANCE) 111	KSŪBHA-, : (SANSKRIT)
۱۰۵-۱۰۶ لفت نامه دموده:	KSUBHYATI
	CHYBAC : (POLISH)

ĀGHĀRDAN, ĀGHĀRIDAN	فارسی (PERSIAN): آغاردن، آغاریدن (به چم خیساندن)
SOAK	چم انگلیسی سروواژه فارسی:
*GHERTO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	سانکریت (SANSKRIT)
POKORNY: 445	GHRTĀM, : (SANSKRIT)
BUCK: 388	JIGHARTI
۴۷ برهان قاطع:	GERT : (MIDDLE IRISH)
۱۰۹ لفت نامه دموده:	ایرلندی مبانه (MIDDLE IRISH)
۱۲۱ فرهنگ بزرگ سخن:	

فارسی (PERSIAN): آکندن، آکنده، آکنش، آکنش، -آگین	AKANDAN, AKANDÉ, AKANESH
چم انگلیسی سروازه فارسی:	STUFF
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	*GWHEN-, *GWHN-, *GWHONOS
پهلوی (PAHLAVI)	GONĒJETE, GANA-, GONĒTI,
санскربت (SANSKRIT)	GANAS, GANDETI : (LITHUANIAN) لیتوانی
AHAND, HAND	AHAND, HAND
ارمنی (ARMENIAN)	YOGN
یونانی (GREEK)	EUTHENĒS
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	: (OLD CHURCH SLAVIC)
برهان قاطع :	
یادداشت:	

- ۱- معنی این واژه در اسلامی کهن و لیتوانی: کافی بودن.
 ۲- این واژه در اینجا عیناً مانند واژه های هند و اروپایی "GWHEN" به معنی "زدن" و "کشتن" است.
 (بازگشت به "زدن").

فارسی (PERSIAN): آگاه	ĀGĀH
چم انگلیسی سروازه فارسی:	AWARE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	*KWEK-, *KWŌK-, *KWEKS
اوستایی (AVESTAN)	ĀKAS, AKASAT
پهلوی (PAHLAVI)	ĀKĀS, ĀGĀH
اوستی (OSSETIC)	KASIN
کردی (KURDISH)	AGAH
سانسکربت (SANSKRIT)	KĀSATĒ
یونانی (GREEK)	TECHMAŌ
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	: (OLD CHURCH SLAVIC)
برهان قاطع :	
یادداشت:	

ابن واژه با واژه های "نگاه" و "چشم" هم ریشه است. بازگشت به: نگاه.

فارسی (PERSIAN): آله، آلوه، الوه (به چم عقاب)	ALÉ, ĀLUH
چم انگلیسی سروازه فارسی:	EAGLE
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	*REG-, *(ER-)

EAGLE	: (ENGLISH) انگلیسی (شاید)	ARVA, EREZI-THIA : (AVESTAN) اوستایی
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن (شاید)	پارسی باستان : (OLD PERSIAN)
ORILŪ		ĀLUH : (PAHLAVI) پهلوی
OREL	: (RUSSIAN) روسی (شاید)	HALU, ALEH, EYLO : (KURDISH) کردی
ERĒLIS,	: (LITHUANIAN) لیتوانی (شاید)	RJRĀ- سانسکریت
ARELIS, ĄRAS		ARCIV : (ARMENIAN) ارمنی
ERGLIS,	: (LATVIAN) لتونی (لتی) (شاید)	AIGUPIOS : (GREEK) یونانی
ERDLIS		AQUILA : (LATIN) لاتین
	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن (شاید)	AIGLE : (FRENCH) فرانسه
ARELIE		AGUILA : (SPANISH) اسپانیایی
HARAS,	: (HITTITE) هتب (شاید)	AGUILA : (ITALIAN) ایتالیایی
HARANASH		ACERD : (RUMANIAN) رومانی

REFERENCES	بسگشت‌ها
POKORYN:	854-855
MACKENZIE:	(ALUH) 7, (EAGLE) 112
ONIONS:	(EAGLE) 297
SKEAT:	(EAGLE) 310
۵۸	برهان قاطع :
۲۳۲۱	فرهنگ معین :

EGLE

یادداشت:

- ۱ این واژه با واژه‌ی "راست" هم‌ریشه است.
- ۲ فقط تا ریشه‌ی لاتین AQUILA به عقب می‌روند.
- ۳ BARNHART معتقد است که شاید این واژه با واژه‌ی لاتین AQUA (آب) هم‌ریشه باشد.
- ۴ فقط واژه‌های ایرانی و ارمنی و یونانی این فهرست را از واجریشه‌ی -REG- * می‌داند و بقیه را از واجریشه‌ی -ER- * می‌دانند.
- ۵ DELAMARRE بیشتر واژه‌های این فهرست را از واجریشه‌ی -ORN- * یا -OROS- * می‌داند.
- ۶ هندار نویسنده‌ی کتاب حاضر این است که این واژه‌ها به احتمال زیاد همه از یک واجریشه‌اند ولی برای آگاهی خواننده، جلو واژه‌های مشکوک (شاید) آورده است.

ĀLEEZ, ĀLEEZEEDAN	آلیز، آلیزیدن، آلیختن (به چم "جفتک انداختن")	فارسی (PERSIAN):
(HORSE) REAR, BUCK		چم انگلیسی سروازه فارسی:
*LEIG-, *LOIG		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
LAIGYTI,	: (LITHUANIAN) لیوانی	کردی (KURDISH):
LAIGYMAS		سانکریت (SANSKRIT):
LOIG	: (IRISH) ایرلندی	یونانی (GREEK):
LÜE	: (BRETON) برتونی	گوئیک (GOTHIC):
		اسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
REFERENCES		پسگشت ها
POKORNÝ:		667-668
MALLORY & ADAMS:	HLEIG	
۵۸	برهان قاطع:	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
۲۰۲	لغت نامه دمحد:	LEIKA
		LEIH, LEICHEN
		LAICH
		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
		LĀC, LĀCAN

بادداشت:

معنی این واژه در کردی: بازی.

معنی این واژه در ایرلندی: گرساله.

معنی این واژه در گوئیک: جست و خیز کردن، رقصیدن.

معنی این واژه در انگلیسی کهن و آلمانی کهن: پریدن.

معنی این واژه در آلمانی: (ماهی) تخم ریزی کردن، بچه آوردن.

معنی این واژه در سانکریت: لرزیدن.

ĀMĀJ	آماج (به چم سپار و آهن جفت و آهن گاو آهن)	فارسی (PERSIAN):
TARGET	-	چم انگلیسی سروازه فارسی:
*MAT		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MATTEA	: (RUMANIAN) رومانی	سانکریت (SANSKRIT):
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	
MEDELA		لاتین (LATIN):
MATTOC	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	فرانسه (FRENCH):
MATTOCK	: (ENGLISH) انگلیسی	اسپانیایی (SPANISH):
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	ایتالیایی (ITALIAN):

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNÝ:	700
BARNHART:	
(MATTOCK) 642, (MACE) 619,	
BUCK:	504-505, 596
ONIONS:	(MACE) 543
SKEAT:	(MACE) 353, (MATTOCK) 366
MALLORY & ADAMS:	MAT-
٥٩	برهان قاطع:
٧٠	لخت نامه دم خدا:
٨٦	فرهنگ معین:

MOTYKA

روسی (RUSSIAN)

MATUINKA

لیتوانی (LITHUANIAN)

MADAG

ایرلندی کهن (OLD IRISH)

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در هند و اروپایی و اکثر زبان‌های دیگر: گلنگ، پنکنه، معنی این واژه در سانسکریت: خیش، چنگک زمین صاف کنی.
- معنی این واژه در رومانی: چماق.
- معنی این واژه در آلمانی کهن: شخم.
- ۲- ONIONS، SKEAT این واژه را فقط تاریخی لاتین پیگیری می‌کنند.

ĀMADAN	فارسی (PERSIAN): آمدن
COME	چشم‌گلیبسی سرووازه فارسی:
*GWA, *GWEM-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
BAINŌ, BAINIEN, (GREEK) یونانی	اوستایی (AVESTAN):
BAŠKŌ (LATIN) لاتین (شاید)	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
VENIRE (FRENCH) فرانسه (شاید)	A-GAMATA, Ā-JAM, JAMJA, GAM
VENIR (SPANISH) اسپانیایی (شاید)	پهلوی (PAHLAVI): MADAN, ĀMATAN
VENIR (ITALIAN) ایتالیایی (شاید)	تخاری A (TOKHARIAN A): KĀM, KAM
VENI (RUMANIAN) رومانی (شاید)	تخاری B (TOKHARIAN B): KĀM, KAM
VHR (PORTUGUESE) پرتغالی (شاید)	санسکریت (SANSKRIT): JIGATI, GAMATI, GAM, ĀGAN
QUIJMAN (GOTHIC) گوته‌یک	
KOMA (OLD NORSE) نورس کهن	ارمنی (ARMENIAN): KAM, EKN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

REFERENCES	پسکشت ها
POKORNY:	464-465
BARNHART:	(COME) 192
DELAMARRE:	(VENIR) 259
MACKENZIE:	53, (COME) 107
BUCK:	693-696
ONIONS:	(COME) 193
SKEAT:	(COME) 122
۶۰	برهان قاطع :

QUEMAN

KOMMEN	: (GERMAN)
CUMAN	: (OLD ENGLISH)
COME	: (ENGLISH)
KOMME	: (DANISH)
KOMMA	: (SWEDISH)
KOMME	: (NORWEGIAN)
KOMEN	: (DUTCH)
GÖTLI, GEMŪ	: (LITHUANIAN)
GAJU	: (LATVIAN)

یادداشت:

- ۱- ایسن واجسری‌شده فنندوار و پایی بسا و اجری‌شده‌های و *GHEI و *EI (POKORNY :418) و *GHEI (POKORNY :853) RĒBH-، (POKORNY :293) از نظر معنی خوبی دارد.
- ۲- بازگشت به "رفن" و "آنند".

AMIXTAN, ĀMĒZ, ĀMĒGH, ĀMĒZE	فارسی (PERSIAN)	آمیختن، - آمیز، آمیغ، آمیزه
MIX	چم انگلیسی سروازه فارسی:	
*MIK-, *MEIK-, *MEIGHO-, *MINGHŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
: (OLD HIGH GERMAN)	اوستایی (AVESTAN)	
MISCAN	پهلوی (PAHLAVI)	
MISCHEN	سanskrit (SANSKRIT)	
MISCIAN	ارمنی (ARMENIAN)	
MIX	یرنایی (GREEK)	
MENGEN	LAZ (LAZ)	
: (OLD CHURCH SLAVIC)	MEIKSŌ, MEIGNÝNAI	
MĒSHITI	لاتین (LATIN)	
MIESZAC	فرانسه (FRENCH)	
MESHAT	اسپانیایی (SPANISH)	
MÍCHAT	ایتالیایی (ITALIAN)	
MESHO	رومانی (RUMANIAN)	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	714-715
BARNHART:	(MIX) 668
DELAMARRE:	
MÈLER, MÉLANGER	268
MACKENZIE:	8, (MIX) 124
BUCK:	335
ONIONS:	(MIX) 582
SKEAT:	(MIX) 381
۴۲	برهان قاطع:
۹۳	فرهنگ معین:

MICHTI	: (BOHEMIAN)
MIESHAT	: (SLOVAK)
MISHRAS,	: (LITHUANIAN)
MIESHIU	
MĀISU	: (LATVIAN) پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)
MAYSOTAN	
MESCAIM	: (OLD IRISH)
MEASG	: (GAULISH)
MESKA	: (BRETON)

بادداشت:

ONIONS معتقد است که همهٔ واژه‌های ژرمنی وابسته به "آمیختن" از واژهٔ لاتین MISCERE مشتق شده‌اند.

ĀN	فارسی (PERSIAN): آن (در برابر "این")
THAT	چم انگلیسی سر واژه فارسی:
*ANIOS-, *ANTEROS-, *AN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ŌTHAR	اوستایی (AVESTAN)
ŌTHER	فارسی باستان (OLD PERSIAN): آن (در برابر "این")
ANDAR	پهلوی (PAHLAVI)
ANDER	اوستی (OSSETIC)
ŌTHER	کردی (KURDISH)
OTHER	санسکریت (SANSKRIT)
ANDEN	ANYA-, ANYAS, ANA: (AVESTAN)
ANDRA	يونانی (GREER)
ANNEN	لاتین (LATIN)
ANDER	گوتیک (GOTHIC)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
OTERU, ONŪ	ساکسونی کهن (OLD SAXON)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	319, 37
BARNHART:	(OTHER) 739
MACKENZIE:	(THAT) 136 (OTHER) 126,
ONIONS:	(OTHER) 635
SKEAT:	(OTHER) 417
AMINDAROV:	(OTHER) 264
۶۳	برهان قاطع :

ANTRAS,	: LITHUANIAN
ANTARAS	
UOTRS	: LATVIAN (لتی)
ANTERS,	: OLD PRUSSIAN (بروسی کهن)
ANTARS	

یادداشت:

چم این واژه در زبان های اوستایی و هارسی کهن و بهلوی و دیگر واژه های این فهرست: دیگر.

ĀVĀZ	آواز : (PERSIAN)
VOICE, SINGING, SOUND	چم انگلیسی سروازه‌ی هارسی :
*WEKW.	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
WACKITWEI, EN-WACKEMAI	: (AVESTAN) اوستایی
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
FŪAIM, FOCCUL	ŪXTA-, VAC, Ā-VĀXSH بهلوی : (PAHLAVI)
	: (SANSKRIT) سانسکریت
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1135-1136
DELAMARRE:	(VOIX) 110
MACKENZIE:	(VOICE) 139
BUCK:	(VOICE) 1248
۶۵	برهان قاطع :

ĀVĀCI, VAVĀCA, VĀCAYATI, AVOCAM	یونانی : (GREEK)
ŌPA	لاتین : (LATIN)
VOX, VOCARE	
VOISER	: (FRENCH) فرانسه
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
OMUN	
	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)

یادداشت:

بازگشت به: واژه.

ĀVIXTAN	فارسی (PERSIAN) : آویختن
HANG, SUSPEND	چم انگلیسی سروازه فارسی :
*WEIK-, *WEIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
EIKHŌ	یونانی (GREEK) : اوستایی (AVESTAN)
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1130-1131
٦٧	برهان قاطع :
١٠٢	فرهنگ معین :

VAĒG-, NIWIXTA-, Ā-VAEG	پهلوی (PAHLAVI) :
ĀVIXTAN, ĀPIXTAN	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
AWISHTĒL	سانسکریت (SANSKRIT) :
VĒJATE, ABHI-VÍJ-	

ĀHAN	فارسی (PERSIAN) : آهن
IRON	چم انگلیسی سروازه فارسی :
*EIS-, *AIOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

JERN	سوئدی (SWEDISH) : سرمه	AYAH, AYĀ-	اوستایی (AVESTAN) :
JERN	نروژی (NORWEGIAN) :	ĀSIN, ĀHĒN,	پهلوی (PAHLAVI) :
IJZER	هلندی (DUTCH) :	ĀSĒNĒN, ĀHĀN	
IARN	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :	HESIN	کردی (KUORDISH) :
ISARNON	سلنی (کلنی) (CELTIC) :	ISTRĪ	افغانی (AFGHANI) :
ISARNO	گالی (GAULISH) :	AYAS.	سانسکریت (SANSKRIT) :
HAEARN	ولزی کهن (OLD WELSH) :	HIERO	یونانی (GREEK) :
HOUARN	برتونی (BRETON) :	AES, AIS	لاتین (LATIN) :

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	299-300, 15
BARNHART:	(IRON) 544
MACKENZIE:	6, (IRON) 120
BUCK:	613
ONIONS:	(IRON) 485
SKEAT:	(IRON) 308
AMINDAROV:	241
MALLORY	121
٧٠	برهان قاطع :

ĀSARN, EIR, JARN	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
ISARN	ساکسونی کهن (OLD SAXON) :
	آلمنی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
ĀSARN, ĒR	آلمنی (GERMAN) :
EISEN, ERZ	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
IREN	
IRON	انگلیسی (ENGLISH) :
JERN	دانمارکی (DANISH) :

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: فلز.

چم این واژه در زبان لاتین: برنز.

-ĀYAND, -ĀYAD, ĀYANDÉ	فارسی (PERSIAN) : آیند، آید، آینده
FUTURE, COMING	چم انگلیسی سروازه فارسی:
*EI-, *EIMI-	هندو اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	اوستاینی (AVESTAN) :
IDŌ, IDI, ITI	AITI; I- (AVESTAN)
EITI, EI-MĒ	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
EUNT, EIMI	پهلوی (PAHLAVI) :
ĒIT	لیتوانی (LITHUANIAN) :
EIMU, IET	تخاری A (TOKHARIAN A) :
	تخاری B (TOKHARIAN B) :
	سانسکریت (SANSKRIT) :
I-IT, E-HU, PA-IMI, IM-	برنائی (GREEK) :
REFERENCES	پسکشتها
POKORNY:	293-296
BARNHART:	(WEND) 1228
DELAMARRE:	(ALLER) 254
MACKENZIE:	14, (COME) 107
SKEAT:	(EI-) 256
۲۶۳	لغت نامه دهخدا:

یادداشت:

بازگشت به "رفن" و "آمدن".

ABAR	فارسی (PERSIAN) : آبر
SUPER, OVER	چم انگلیسی سروازه فارسی:
*UPER-, *UPĒRI-	هندو اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
APAR, ABAR, ABRAG, (PAHLAVI)	اوستاینی (AVESTAN) :
ABARAGĀN, ABARĪGĀN	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
UPĀRI, UPARA (SANSKRIT)	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :

OVER	: (NORWEGIAN)	نروژی	VER	: (ARMENIAN)	ارمنی
OVER	: (DUTCH)	هلندی	HUPĒR, HYPER	: (GREEK)	یونانی
FOR-	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن	SUPER	: (LATIN)	لاتین
VERTAMO	: (CELTIC)	سلتی (کلتی)	UFAR, UFARŌ	: (GOTHIC)	گوتبک
VER-	: (GAULISH)	گالی		: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1105-1106
BARNHART:	(OVER) 742
DELAMARRE:	(SUR, AU-DESSUS) 303
MACKENZIE:	1, (OVER) 126, (SUPERIOR) 135
ONIONS:	(OVER) 637
SKEAT:	(OVER) 418-419
۷۹	برهان قاطع :

YFIR	: (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
UBAR, UVER		
UVER, OVER	: (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
UBAR		
ÜBER	: (GERMAN)	آلمانی
OFER	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
OVER	: (ENGLISH)	انگلیسی
OVER	: (DANISH)	دانمارکی
ÖVER	: (SWEDISH)	سوئدی

ABR	فارسی (PERSIAN)	: (PERSIAN)	ابر (به چم "دمهی باران")
CLOUD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی		
*OMBH-, *MBH-, *MBHRO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)		
SOMBRA	: (SPANISH)	اسپانیایی	اوستایی (AVESTAN)
OMBRA	: (ITALIAN)	ایتالیایی	پهلوی (PAHLAVI)
UMBRĀ	: (RUMANIAN)	رومانی	کردی (KURISH)
SOMOBRA	: (PORTUGUESE)	پرتغالی	بلوچی (BALUCHI)
AMMER, AMPER,	: (GERMAN)	آلمانی	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
EMMER			санسکریت (SANSKRIT)
AMBER	: (ENGLISH)	انگلیسی	ارمنی (ARMENIAN)
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	یونانی (GREEK)
OBLAKU			لاتین (LATIN)
OBLOK	: (POLISH)	لهستانی	فرانسه (FRENCH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	315-316
BARNHART:	(NEBULA) 697
MACKENZIE:	(CLOUD) 107
BUCK:	35
۷۱	برهان قاطع :

OBLAKO	: (RUSSIAN)
OBLAK	: (CZECH)
OBLAK	: (BOHEMIAN)
OBLAK	: (SLOVAK)
AMBRIĀ	: (CELTIC)
AMBRĀ	: (GAULISH)
AMIR, AMYR	: (WELSH)

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های رمانس (به جز لاتین): سایه.
- ۲- در زبان‌های آلمانی و انگلیسی و سلتی و گالی و ولزی این واژه به صورت نام رودخانه (اسم خاص) باقی مانده است.
- ۳- واژه "ابر" با واژه‌ی "نم" خوبی دارد.

ABRŪ	ابرو، برو	فارسی (PERSIAN) :
EYEBROW		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*BHRŪ, *BHRŪS-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
OJENBRYN	: (DANISH) دانمارکی	اوستایی (AVESTAN) :
ÖGONBRYN	: (SWEDISH) سوئدی	پهلوی (PAHLAVI) :
OYENBRYN	: (NORWEGIAN) نروژی	سانسکریت (SANSKRIT) :
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	يونانی (GREEK) :
BRŪVI		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
BRWI	: (POLISH) لهستانی	BRŪN, BRĀ
BROV	: (RUSSIAN) روسی	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
OBOČI	: (CZECH) چک	BRŪS, BRĀWA
OBRVA	: (SERBIAN) صربی	AUGENBRAVE, آلمانی (GERMAN) :
OBRV	: (BOHEMIAN) بوهمی	BRAVE
OBOČI	: (SLOVAK) اسلواکی	BRŪ, انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
BRUVIS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	OFARBRŪ
BRAUD	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	EYEBROW, BROW انگلیسی (ENGLISH) :

BUCK:	219	REFERENCES	پسکشت‌ها
ONIONS:	(BROW) 121	POKORNY:	172
SKEAT:	(BROW) 76	BARNHART:	(BROW) 120-121
	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(SOURCIL) 97
		MACKENZIE:	20, (BROW) 105

یادداشت:

این واژه در برخی زیان‌های هند و اروپایی معنی "پشانی" را هم دارد.

ARRABE	ارابه	فارسی (PERSIAN)
CHARIOT		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*RET-, *ROOTOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
RAD	: (DUTCH)	اوستایی (AVESTAN)
RÖTHAS	: (LITHUANIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
RATS	: (LATVIAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
ROTH	: (OLD IRISH)	لاتین (LATIN)
RETO-	: (CELTIC)	فرانسه (FRENCH)
RHOD	: (GAULISH)	اسپانیایی (SPANISH)
REFERENCES		ایتالیایی (ITALIAN)
POKORNY:	866-867	رومانی (RUMANIAN)
DELAMARRE:	(ROUE) 126, (CHARIOT) 106	پرتغالی (PORTUGUESE)
MACKENZIE:	(WAGON) 139	گوتبک (GOTHIC)
ONIONS:	(ROTA) 773	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
SKEAT:	(RET) 757	آلمانی (GERMAN)
	برهان قاطع:	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
	۹۶	RODOR

یادداشت:

در برهان قاطع (به صورت نقل قول) آمده است که واژه‌ی فارسی "ارابه" از یونانی ARMA آمده است (برهان قاطع:

ARD, ART, ARTA	فارسی (PERSIAN) :	ارد، ارت، ازتا(به چم "ارض")
EARTH	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*ERT-, *ERTA-, *ERU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
JORD	سوئدی (SWEDISH)	اوستایی (AVESTAN)
JORD	نروژی (NORWEGIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
ARRD	هلندی (DUTCH)	کردنی (KURDISH)
ĒRDVE	لیتوانی (LITHUANIAN)	ارمنی (شاید) (ARMENIAN)
ERW	گالی (GAULISH)	یونانی (GREEK)
ERW	ولزی (WELSH)	گوتیک (GOTHIC)
		ایسلندی‌گهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	332	JORTH
BARNHART:	(EARTH) 311	JORTH : (OLD NORSE) نورس کهن
DELAMARRE:	(LA TERRE) 182	ERTHA : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
BUCK:	15-16	ERTHE : (OLD FRISIAN) فربزی کهن
ONIONS:	(EARTH) 298	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
SKEAT:	(EARTH) 187	ERDA, ERO آلمانی (GERMAN)
AMINDAROV:	55	EORTHE : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
۹۸	برهان قاطع:	EARTH : (ENGLISH) انگلیسی
		JORD : (DANISH) دانمارکی

یادداشت:

- ۱- واژه‌های "ارد" و "ارت" و "ارتا" در اوستایی به معنی "پاکی" و "تقدس" و "جای مقدس" نیز به کار فته‌اند.
 ۲- واژه‌های هند و اروپایی و هند و ایرانی این واژه را نمی‌دهند.

ARJ	فارسی (PERSIAN) :	ارج
VALUE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*ERKŪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
YARKE	: (TOKHARIAN B) B تخاری	اوستایی (AVESTAN)
ERC-, ARKĀ,	: (SANSKRIT) سانسکریت	پهلوی (PAHLAVI)
ĀRCATI		YÄRK, YÜRK : (TOKHARIAN A) A تخاری

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	340
DELAMARRE:	(HONORER) 255
•Y	برهان قاطع:

ERG	:ARMENIAN
ERC	:OLD IRISH
ARKU-	:HITTITE

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: سرود.
چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: آسمان، عرش.

ARZ, ARZESH, ARZIDAN	فارسی (PERSIAN): ارز، ارزش، ارزیدن
WORTH	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*ALGwHĀ, *ALGUH, *ALGwOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	32-33
DELAMARRE:	(VALEUR) 199
MACKENZIE:	11
BUCK:	825-826
۱۰۲	برهان قاطع:

AREJAITI, AREJAH	:AVESTAN
ARZ, ARZIDAN,	:PAHLAVI
ARZISHN	
ARG	:OSSETIC
ALPHE, ALPHEIN	:GREEK
ALGÁ	:LITHUANIAN
ALGÁ	:LATVIAN
ALGAS	:OLD PRUSSIAN

یادداشت:

معنی این واژه در زبان یونانی: فایده.
معنی این واژه در زبان‌های بالتیک (لیتوانی و لتونی و بروسی کهن): دستمزد.

ARZIZ	فارسی (PERSIAN): ارزیز (به چم قلع، فلز سپید و نقره قام)
TIN	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*AREG-, *ARG-, *ARGU-, *RGHI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ĀRKYANT, : (TOKHARIAN A) A	تخاری آوستایی (AVESTAN)
ARKI	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
ĀRKWI : (TOKHARIAN B) B	تخاری پهلوی (PAHLAVI)

REFERENCES	پشت ها
POKORNÝ:	64-65
BARNHART:	(ARGENT) 49-50
DELAMARRE:	(ARGENT) 179
MACKENZIE:	(TIN) 137
BUCK:	(SILVER) 610-611
ONIONS:	(ARGILLACEOUS) 49 (ARGENT) 49,
SKEAT:	(ARGENT) 30
۱۹۹-۲۰۰	فرهنگ معین:
۱۰۳	برهان قاطع:
۱۸۲۹	لغت نامه دهخدا:

ARJUNAH	: (SANSKRIT)
RAJATA-, RAJATAM	
ARCATH	: (ARMENIAN)
ÁRGYROS, *ARGRÓS	: (GREEK)
ARGENTUM	: (LATIN)
ARGENT	: (FRENCH)
ARGENTO	: (ITALIAN)
ARGINT	: (RUMANIAN)
ARGGAT,	: (OLD IRISH) کهن
ARGAT	
ARCANTO-	: (GAULISH) گالی
ARIANT, ARIAN	: (WELSH) ولزی
ARGANT	: (BRETON) برتونی
HARKIS	: (HITTITE) هتیت

یادداشت:

چم های این واژه در زبان های این فهرست: فلز سبید، نقره، سبید.

ARASH	فارسی (PERSIAN): آرش، رش، آرش (یکان قدیمی برای سنجش دراز)
ELL	چشم انگلیسی سروواله‌ی فارسی:
*EL, OLÍNA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
	اوستایی (AVESTAN) :
ELINA	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
ELLE	پهلوی (PAHLAVI) :
ELN	سanskrit (SANSKRIT) :
ELL	ارمنی (ARMENIAN) :
ALEN	يونانی (GREEK) :
ALN	فرانسه (FRENCH) :
ALEN	گوتیک (GOTHIC) :
ELLE	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
ELIN	OLN, ALIN
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	
آلمانی (GERMAN)	
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	
انگلیسی (ENGLISH)	
دانمارکی (DANISH)	
سوئدی (SWEDISH)	
نروژی (NORWEGIAN)	
هلندی (DUTCH)	
ولزی (WELSH)	
ارمنی کهن (ARMENIAN)	
پهلوی (PAHLAVI)	
اوستایی (AVESTAN)	
پارسی باستان (OLD PERSIAN)	
يونانی (GREEK)	
فرانسه (FRENCH)	
گوتیک (GOTHIC)	
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	

ONIONS:	(ELL) 306	REFERENCES	پسگشت ها
SKEAT:	(ELL) 190	POKORNY:	37
برهان قاطع:	(رش) ۹۵۱، (ارش) ۱۰۴	BARNHART:	(ELL) 322
		MACKENZIE:	11

یادداشت:

این واژه با "آرنج" از یک واژه مشابه است.

ARVAND	اروند(به چم "تند و تیز و چالاک و دلیر") فارسی (PERSIAN)
FAST, SPEEDY, SWIFT	چم انگلیسی سروواژه فارسی:
*EREU-, *ER-NU-, *OR-UO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
EARU : (OLD ENGLISH)	اوستایی (AVESTAN)
RÜAE, RÜE : (OLD IRISH)	پهلوی (PAHLAVI)
	санسکریت (SANSKRIT)
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	331-332
MACKENZIE:	(SWIFT) 135
BUCK:	969
۱۹۳۷	لخت نامه دهخدا:
۲۰۹	فرهنگ معین:
۱۱۲	برهان قاطع:
AURVANT, AURVA-	: (AVESTAN)
ARVAND	: (PAHLAVI)
	санسکریت (SANSKRIT)
ÁRVAN-, ÁRVANT	
ORNUMI	: (GREEK)
RUŌ , UĒRE	: (LATIN)
ARWJO	: (GOTHIC)
ORR : (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
	آلمنی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ERNUST	

یادداشت:

واژه "aronnd رود" نیز از همین ریشه است و در برهان قاطع: برابر با "دجله" شناخته شده است ولی امروز هم چم "شط العرب" است.

AZAK, AZAG	ازک، آزگ(به چم بز ماده) فارسی (PERSIAN)
FEMALE GOAT	چم انگلیسی سروواژه فارسی:
* AG-, *AGVOS, *AIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
AJINAM	پهلوی (PAHLAVI)
AIC	ارمنی (ARMENIAN)
	санسکریت (SANSKRIT)
AZAK	: (PAHLAVI)
AJĀS, AJĀ,	

REFERENCES	پسکت ها
POKORNY:	6
DELAMARRE:	31
MALLORY & ADAMS:	AG-
	.

AIX, AIGÓS	: (GREEK)
AZYS, AZKA	: (LITHUANIAN)
WOSEE,	: (OLD PRUSSIAN)
WOSUX	
DHI	: (ALBANIAN)

بادداشت:

(صفحه ۶) می‌گوید این واژه در فارسی میانه AZAK و در فارسی نوین AZG است ولی نتوانستم این واژه را در فرهنگ‌های فارسی (حتی در لغت‌نامه دهخدا؛ و فرهنگ معین و برهان قاطع): پیدا کنم. در لغت‌نامه دهخدا (صفحه ۱۹۸۶) واژه‌ی "ازرک" آورده شده است.

AZ	فارسی (PERSIAN) : از
FROM, SINCE, AS OF	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*SEKW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسکت ها
POKORNY:	896
DELAMARRE:	(LE LONG DE) 301
MACKENZIE:	(FROM) 115
۱۱۳	برهان قاطع :
HACHĀ	اوستایی (AVESTAN)
HACHĀ	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
HAC, AZ	پهلوی (PAHLAVI)
SÁCA, SÁKAM	санскربت (SANSKRIT)
SECUS	لاتین (LATIN)
SEC, SECEN	لتونی (لتی) (LATVIAN)
SECH	ابرلنگی کهن (OLD IRISH)

AZHDAHĀ	ازدها (مرکب از از به چم مار و دهابه چم گزنه)	فارسی (PERSIAN) :
DRAGON		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
* ANGw-, *ANGwHIS, *ONGwHIS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ŌPHIS		اوستایی (AVESTAN)
ANGUIS	(LATIN) لاتین	AZHI
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	پهلوی (PAHLAVI)
IGIL		санскربت (SANSKRIT)
IGEL	(GERMAN) آلمانی	ارمنی (ARMENIAN)
IGIL	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	یونانی (GREEK)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	43-44
BARNHART:	(EEL) 315
DELAMARRE:	(SERPENT) 143
MACKENZIE:	(DRAGON) 111
BUCK:	(SNAKE) 194-195
ONIONS:	(OPHIDIAN) 628
SKEAT:	(EEL) 188
۲۲۳	فرهنگ معین:
۱۱۶	برهان قاطع:

اسلاوی کهن	:(OLD CHURCH SLAVIC)
JEZHŪ, *AZI	
WAZH	: (POLISH)
UZH	: (RUSSIAN)
ANGIS	: (LITHUANIAN)
UODZE	: (LATVIAN)
ANGIS	: (OLD PRUSSIAN)
ESC-UNG	: (OLD IRISH)
EUOD	: (WELSH)

یادداشت:

چم این واژه در آلمانی کهن و آلمانی و انگلیسی کهن: خاریشت.

ASB	فارسی (PERSIAN) :	اسب
HORSE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*EKWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	

IAPĀ	روماني (RUMANIAN) :	اوستاني (AVESTAN)
AIHVA	گوتیک (GOTHIC) :	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
JOR	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :	ASPA-
JOR	نورس کهن (OLD NORSE) :	ASP
ASPA, EHU-	ساکسونی کهن (OLD SAXON) :	پهلوی (PAHLAVI)
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :	اوستني (OSSETIC)
EHR-		کردی (KURDISH)
EOH	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
ASHVA, ASVA	لیتوانی (LITHUANIAN) :	تخاری A (TOKHARIAN A)
ASWINAN	بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) :	تخاری B (TOKHARIAN B)
ECH	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :	санسکریت (SANSKRIT)
EPO-	گالی (GAULISH) :	ارمنی (ARMENIAN)
		يونانی (GREEK)
		لاتین (LATIN)
		اسپانیایی (SPANISH)

ONIONS:	(EQUINE) 321	REFERENCES	پسگشت ها
SKEAT:	(EQUINE) 198	POKORYN:	301
RAMAT:	34	BARNHART:	(EQUINE) 338,
AMINDAROV:	72	(HIPPODROME) 483	
MALLORY:	119	DELAMARRE:	(CHEVAL) 132
برهان قاطع:		MACKENZIE:	12
۱۱۸		BUCK:	167-171

یادداشت:

- ۱- این واژه در کلیه زبان های هند و اروپایی کهن (به جز زبان های اسلامی) وجود داشته است ولی امروز فقط در زبان های ایرانی و محدود زبان های دیگر وجود دارد.
- ۲- معنی این واژه در اسپانیایی: مادیان.

ASPEST, ASBEST	فارسی (PERSIAN): اسپست، اسپست(به چم "بونجه")
CLOVER	چم انگلیسی سروازه دی فارسی:
*EKWOS- +ED-, *OD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت ها
POKORYN:	301, 287
MACKENZIE:	(CLOVER) 107
THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE:	
	(ALFALFA) 43
۲۳۳	فرهنگ معین:
۱۱۹-۱۲۰	برهان قاطع:
*ASPO-ASTI	اوستایی (AVESTAN)
*ASPO-,	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
ASTI	
ASPAST	پهلوی (PAHLAVI)
ĀSVAS-ADMI	санسکریت (SANSKRIT)
ASPŌ-UTEM	ارمنی (ARMENIAN)

یادداشت:

- این واژه فارسی مرکب است از دو واژه اوستایی و پارسی باستان ASPO (به چم "اسب") و -AST- یا -AD- (به چم "خوردن"). چم اصلی این واژه را مرحوم معین چنین معلوم کرده است: اسب می خورد. این واژه به زبان عربی رفت (صفصه) و از راه اسپانیایی وارد انگلیسی شد (ALFALFA).
- ریشه اوستایی و پارسی کهن -AD- با واژه های آلمانی ESEN و انگلیسی EAT همراه است:
- (BARNHART: (EAT) 312

ESTĀK, SETĀK	فارسی (PERSIAN) : استاک، ستاک (به چم شاخه)
TWIG, BRANCH	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
* STEL-, *STOL-, *STELG	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
STALK	انگلیسی (ENGLISH) : (DANISH) دانمارکی
STILK	سوئدی (SWEDISH) : (NORWEGIAN) نروژی
STJÄLK	هلندی (DUTCH) : (LITHUANIAN) لیتوانی
STJELJ, STILK	آلبانی (ALBANIAN) : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
STELE	فرانسوی (FRENCH) : (SPANISH) اسپانیایی
STELGTI	بریتانی (BRITISH) : (ITALIAN) ایتالیایی
SHTJELJ	ایرلندی (IRISH) : (RUMANIAN) رومانی
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1019-1020
BARNHART:	(STALK) 1057
ONIONS:	(STALK) 861
SKEAT:	(STALK) 596
1097 و 122	برهان قاطع :

STĀHLĀ,	سنسکریت (SANSKRIT) : (ARMENIAN) ارمنی
STHALI, STHALATI	
STELN, STEDUNK,	: (GREEK) بونانی
STELCANEM	
STELEĀ, STELEŌN,	: (LATIN) لاتین
STÉLECHOS	
STULTUS, STODIDUS	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
STILKUR, STĀL, STJOLR	
STELK	فریزی کهن (OLD FRISIAN) : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
STAL	
STIEL	: (GERMAN) آلمانی
STELA,	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
STALU	

باده‌اشت:

معنی این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی امروزی‌زن: تیر، متون، دسته، ساقه، شاخه.

OSTĀN,- STAN	فارسی (PERSIAN) : استان، -ستان
PROVINCE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
* STE-, *STĀ-, *STEL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
STATHMOS	يونانی (GREEK) : (LATIN) لاتین
LOCUS, STABULUM	فرانسه (FRENCH) : (SPANISH) اسپانیایی
ETABLE	ایتالیایی (ITALIAN) : (RUMANIAN) رومانی
ESTABLO	
STALLA	
STAUL	
STĀNA	اوستایی (AVESTAN) : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
STANA-	: (PAHLAVI) پهلوی
STAN, ESTAN	: (SANSKRIT) سنسکریت
STHA-, STHALA-,	: (ARMENIAN) ارمنی
STHANA	
STAN, STEL, STELN	: (ARMENIAN)

استخر(نام شهری در استان فارسی به چم مستحکم) / ۸۷

SLAJNIA	: (POLISH)	لهستانی	-ISTR	: (GOTHIC)	گوتیک
STAJLO	: (RUSSIAN)	روسی		: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
STAJ	: (CZECH)	چک	STALL-, STALLR		
STAJA	: (SERBIAN)	صربی		: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
SLÁJ	: (BOHEMIAN)	بوهمی	STAL		
STALLIS	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)	STALL, STELLEN	: (GERMAN)	آلمانی
STAOL	: (BRETON)	برتونی	STEAL,-	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
SHTUARE	: (ALBANIAN)	آلبانی	ESTRE		
REFERENCES		پسگشت ها	STALL	: (ENGLISH)	انگلیسی
POKORNY:		1008	STALD, STED	: (DANISH)	دانمارکی
BUCK:		150-151	STALL	: (SWEDISH)	سوئدی
برهان قاطع:	۱۰۹۷-۱۰۹۸ و ۱۲۴		STALL	: (NORWEGIAN)	نروژی
			STAL	: (DUTCH)	هلندی

یادداشت:

- ۱- این واژه یا واژه های "استاک" و "ایستادن" هم ریشه است.
- ۲- معنی این واژه در برخی زبان های هند و اروپایی: اسطبل، محل نگهداری دام.
- ۳- واژه فارسی "استبل" از واژه لاتین STABULUM آمده و این واژه لاتین خود با واژه های اوستایی ASPO-STANA (محل نگهداری اسب ها) و GAVO-STANA (محل نگهداری گاوها) از یک ریشه است.
- ۴- برای واژه های این فهرست دو واجریه را می دهد یکی *STE (STĀ) (۱۰۱۹) به معنی "ایستادن" و "قرار گرفتن" و دیگری *STEL (۱۰۱۹) به معنی "ایستاندن" و "قرار دادن".
- ۵- واژه انگلیسی STEAD هم از همین ریشه *STA- آمده است.

ESTAXR	استخر(نام شهری در استان فارسی به چم مستحکم)	فارسی (PERSIAN)
ESTAKHR	(NAME OF A CITY IN FARS), STRONGHOLD, CITADEL	چم انگلیسی سرو واژه فارسی:
* STAK-, *STEK-, *STOK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
	آلمنی کهن (OLD HIGH GERMAN)	اوستایی (AVESTAN)
STAHAL		санسکریت (SANSKRIT)
STAHL	آلمنی (GERMAN)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
STYLE,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	STAL
STELE		ساکسونی کهن (OLD SAXON)

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	1011
BARNHART:	(STEEL) 1064
ONIONS:	(STEEL) 866
SKEAT:	(STEEL) 600
AMINDAROV:	برهان قاطع:
۱۲۴	

STEEL	: انگلیسی (ENGLISH)
STAAL	: دانمارکی (DANISH)
STÅL	: سوئدی (SWEDISH)
STÅL	: نروژی (NORWEGIAN)
STAAL	: هلندی (DUTCH)
-STAKLA,	: بروسی کهن (OLD PRUSSIAN)
STACLAN	

یادداشت:

- چم این واژه در اوستایی: مستحکم، محکم، نیرومند.
 چم این واژه در سانسکریت: ہایداری، مقاومت (می کند).
 چم این واژه در زبان های ژرمنی: ہولاد.

OSTOXAN, OST	فارسی (PERSIAN): استخوان، است
BONE	چم انگلیسی سرو واژه فارسی:
*OST-, *OSTH, *OSTNES	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

KOST	: (BOHEMIAN) بوهمی	ASTI-, AST-	: (AVESTAN) اوستایی
KOST	: (SLOVAK) اسلواکی	AST, ASTAG,	: (PAHLAVI) پهلوی
KAULAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	ASTUXĀN, ASTAXVĀN	
ASIL	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	STÄG	: (OSSETIC) اوستی
ASKOURN	: (BRETON) برتونی	SŪQĀN, HESTĪ	: (KURDISH) کردی
ASHT, ASKTE	: (ALBANIAN) آلبانی	ASTHI,	: (SANSKRIT) سانسکریت
HASTAI	: (HITTITE) هتب	ASTHNAS	

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	783
BARNHART:	(OSSEOUS) 739
DELAMARRE:	(OS) 106
MACKENZIE:	12
BUCK:	207
ONIONS:	(OSSEOUS) 635
SKEAT:	(OSSEOUS) 416
AMINDAROV:	72
AMINDAROV:	برهان قاطع:
۱۲۴	

OSKR	: (ARMENIAN) ارمنی
OSTÉON	: (GREEK) یونانی
OS, OSS, OSSEUM	: (LATIN) لاتین
OS	: (FRENCH) فرانسه
HUESO	: (SPANISH) اسپانیایی
OSSO	: (ITALIAN) ایتالیایی
OS	: (RUMANIAN) رومانی
OSSO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
KÓSC	: (POLISH) لهستانی
KOST	: (RUSSIAN) روسی
KOST	: (CZECH) چک
KOST	: (SERBIAN) صربی

یادداشت:

واژه‌ی فارسی "سته" (پهلوی ASTAG, AST به چم "استخران" و "سته‌ی مبوه" نیز از همین واجریشه است . AST(AG) :MACKENZIE ۱۲ (برهان قاطع: ۲۳۳۷).

OSTOVĀR	فارسی (PERSIAN) : استوار
UPRIGHT, STRAIGHT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*STA-, *STEU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
STEUER, STEUERN آلمانی (GERMAN)	اوستایی (AVESTAN) : STAYOĀ, STUI-,
STEOR, کهن (OLD ENGLISH) انگلیسی	پهلوی (PAHLAVI) : STROYĀ
STIERAN	پهلوی (PAHLAVI) : HŌSTUBĀR
STEER انگلیسی (ENGLISH)	اوستی (OSSETIC) : ASTOBAR
STYRE دانمارکی (DANISH)	سانسکریت (SANSKRIT) : STHĀVIYAS,
STYRA سوئدی (SWEDISH)	STHĀVARĀ
STYRE نروژی (NORWEGIAN)	ارمنی (ARMENIAN) : STVAR
STUUR هلندی (DUTCH)	یونانی (GREEK) : STAURÓS, STOA
REFERENCES پسگشت‌ها	
POKORNY:	1009
BARNHART:	(STEER) 1064
ONIONS:	(STEER) 866
SKEAT:	(STEU-, STHEU-) 759
برهان قاطع:	127

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "ستور" هم از همین ریشه است.
- ۲- معنی این واژه در ارمنی: ضخیم.
- معنی این واژه در یونانی: ستون، تیر.
- معنی این واژه در اکثر زبان‌های ژرمنی: سکان، راهبری کردن، راندن.

ASHK, ARS, SERESHK	اشک، ارس، سرشك	فارسي (PERSIAN)
TEARS	چم انگليسى سروازه‌ي فارسي:	
*AKRU, *DAKRU-		هند و اروپايي (INDO-EUROPEAN)
TEAR, : (OLD ENGLISH)	انگلبي کهن	اوستايني (AVESTAN)
TEAGAR		پهلوی (PAHLAVI)
TEAR	انگلبي (ENGLISH)	كردي (KURDISH)
TĀRE	دانبارکي (DANISH)	افغانى (پشتون) (AFGHANI)
TĀR	سوئدي (SWEDISH)	سانسكريت (SANSKRIT)
TĀRE	نروزى (NORWEGIAN)	ÁCHRU, ASHARA
TRAAN	هلندى (DUTCH)	ارمنى (ARMENIAN)
ASHARĀ	ليتواني (LITHUANIAN)	ARTASUK
ASARA	لتونى (LATVIAN)	DÁKRU, DÁKRYON, : (GREEK)
DĒR	ايرلندي کهن (OLD IRISH)	DÁKRY
DEIGR	ولزى (WELSH)	LACRIMA, LACRUMA : (LATIN)
DAERAOUENN	برتونى (BRETON)	فريانه (FRENCH)
REFERENCES	پسگشت ها	اسپانياي (SPANISH)
POKORNÝ:	179	LAGRIMA : (ITALIAN)
BARNHART:	(TEAR) 1119	LACRIMĀ : (RUMANIAN)
DELAMARRE:	(LARME) 97	LÁGRIMA : (PORTUGUESE)
MACKENZIE:	11	TAGR : (GOTHIC)
BUCK:	(TEAR) 1130	ایسلندى کهن (OLD SCANDINAVIAN)
ONIONS:	(TEAR) 906	TĀR
SKEAT:	(TEAR) 633	TÄR : (OLD NORSE)
AMINDAROV:	(TEAR) 297	TĀR : (OLD FRISIAN)
برهان قاطع:	: ۱۰۳ و ۱۳۹	آلماني کهن (OLD HIGH GERMAN)
ZAHAR, ZAHOR, TRAHAN		ZAHAR, ZAHOR, TRAHAN
ZÄHE, TRÄNE		آلماني (GERMAN)

يادداشت:

ريشه‌های هند و ايراني اين واژه را نمى دهند.

ESHNŪSÉ, ESHNŪSIDAN	اشنوسه، شنوسه، اشنوسیدن	: (PERSIAN)
SNEEZE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SKĒU-, *KSĒU-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

CHICHAT	: (RUSSIAN) روسی	SHNŌSHAG	: (PAHLAVI) پهلوی
KÝCHAT	: (CZECH) چک	KSUTA, KSUĀTI,: (SANSKRIT) سانسکریت	
KIHATI	: (SERBIAN) صربی	KSHŪ	
KYCHATI	: (BOHEMIAN) بوهمی		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
KYCHAT	: (SLOVAK) اسلواکی		HNĒRI, HNJŌSA
SHINAŪKTI,	: (LITHUANIAN) لیتوانی	HNJOSA	: (OLD NORSE) نورس کهن
SKIAUDZHIV			: (OLD HIGH GERMAN) آلانی کهن
SHKAUT,	: (LATVIAN) لونی (لتی)	NIOSAN, FNEHAN	
SHKAUJU, SHKAVU		NIESEN	: (GERMAN) آلمانی
			: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

REFERENCES	پشت ما
POKORNY:	953
BARNHART:	(SNEEZE) 1026
DELAMARRE:	(ETENUER) 281
MACKENZIE:	80
BUCK:	263
ONIONS:	(SNEEZE) 84
SKEAT:	(SNEEZE) 576
۱۴۱	برهان قاطع:

HNORA, FENESE	
SNEEZE	: (ENGLISH) انگلیسی
NYSE	: (DANISH) دانمارکی
NYSA	: (SWEDISH) سوئدی
NYSE	: (NORWEGIAN) نروژی
NIEZEN	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاموی کهن
HNJOSA	
KICHAC	: (POLISH) لهستانی

بادا شست:

- ۱- SKEAT و BARNHART این واژه را مشتق از واژه‌ی هند و اروپایی - *PNEU- (به معنی "دمزدن") می‌دانند.
- ۲- محتملاً - *SKEW- و *PNEU- با هم خویشی نزدیک دارند.

AFSORDAN, HFSORDÉ	فارسی (PERSIAN): افسردن، افسرده (به چم "پژمرده"، "دلسرد"، "سرد")
WITHER, WITHERED, COOL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*AP, *ĀP, ...	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNÝ:	52
MACKENZIE:	(COOL) 108
۳۱۶	فرهنگ معین:
۱۴۹	برهان قاطع:

AFSHA	اوستایی (AVESTAN)
AWSARTAN,	پهلوی (PAHLAVI)
AFŠARDAN, AFSARISHN	
APVĀ	سانسکریت (SANSKRIT)
EPEDANŌS	يونانی (GREEK)
OPŪS	لیتوانی (LITHUANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: بیماری.

AKNŪN, KONŪN, NŪN	فارسی (PERSIAN): اکنون، کنون، نون (به چم "حال")
NOW	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NU-, *NŪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
NU, NAÚH	اوستایی (GOthic) گوتیک : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
NŪ	پهلوی (PAHLAVI) : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
NŪ	اوستی (OSSETIC) : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
NŪ	کردی (KURDISH) : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NŪ, NU	بلوچی (BALUCHI) : (AFGHANI) افغani (پشتو)
NUN	تخاری A (TOKHARIAN A) : (GERMAN) آلمانی
NŪ	تخاری B (TOKHARIAN B) : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
NOW	سانسکریت (SANSKRIT) : (ENGLISH) انگلیسی
NŪ	يونانی (GREEK) : (SWEDISH) سوئدی
NU	لاتین (LATIN) : (NORWEGIAN) نروژی
NU	فرانسه (FRENCH) : (DUTCH) هلندی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	770
BARNHART:	(NOW) 712
DELAMARRE:	(MAINTENANT) 298
MACKENZIE:	(NOW) 125
BUCK:	962-963
ONIONS:	(NOW) 616
SKEAT:	(NOW) 404
AMINDAROV:	(NOW) 261
۱۵۵ و ۱۷۱۴ و ۲۲۰۶	برهان قاطع:

املاوی کهن	:(OLD CHURCH SLAVIC)
NYNÉ, NU	
NYNI	: (BOHEMIAN)
NŪ, NŪNAJ	: (LITHUANIAN)
NU	: (LATVIAN)
(TEI) NU	: (OLD PRUSSIAN)
INDORSA	: (OLD IRISH)
NU, KI-NUN	: (HITTITE)

یادداشت:

چم این واژه در زبان افغانی یا پشتو: امروز.

چم این واژه در زبان تخاری A و هتیت: سپس.

AMORDĀD	امداداد (به چم "جاویدان، نمردنی")	فارسی (PERSIAN)
IMMORTAL		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*N-MORTŌS, *N-MER		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

UN-KUNTHS	: (GOTHIC)	گوتیک
AM-MIYANT	: (HITTITE)	هتیت

AMERETĀT	: (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
AMURDĀD	: (PAHLAVI)	پهلوی
Ā-KNATS	: (TOKHARIAN A)	تخاری A
Á-MARTA	: (SANSKRIT)	санسکریت
AN-CANAWF	: (ARMENIAN)	ارمنی
Á-MOROTOS	: (GREEK)	یونانی
IM-MORTĀLIS	: (LATIN)	لاتین

REFERENCES	پسگشت‌ها
DELAMARRE:	(MORT) 229
MACKENZIE:	8
RAMAT:	45

یادداشت:

بازگشت به "مرگ".

ANDAR, ANDARŪN	فارسی (PERSIAN) : <u>اندر، اندرون</u>
IN, INSIDE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*ENTER, *NTÉR	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ENTRE	برتونی (BRETON) : آوستایی (AVESTAN)
NDER, NDJER	آلانی (ALBANIAN) : پارسی باستان (OLD PERSIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	313
BARNHART:	(UNDER) 1184
DELAMARRE:	(ENTRE) 300
MACKENZIE:	119-120
BUCK:	252
ONIONS:	(UNDER) 958
۱۶۹	برهان قاطع :

ANTAR, ANTARŌ	: (AVESTAN)
ANTAR	: (OLD PERSIAN)
ANDAR, ANDARAG	: (PAHLAVI)
HONDOR	: (KURDISH)
ANTĀR	: (SANSKRIT)
ÉENTERON	: (GREEK)
INTER, INTERUS	: (LATIN)
	: (OLD SCANDINAVIAN)
IDHRAR	
ETER	: (OLD IRISH)
INTER	: (GAULISH)

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: در، میان.
 ۲- این واژه با واژه‌ی **NDHERI**-**NDHOS** خویشی نزدیک دارد (بازگشت به "زیر").

ANDARŪNÉ	فارسی (PERSIAN) : <u>اندرونه (برگرفته از "اندرون")</u>
ENTAILS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
* ENTROM, *ENTEROM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
IDHRAR	اوستایی (AVESTAN) :
ENTRAILS	پهلوی (PAHLAVI) :
: (OLD CHURCH SLAVIC)	سانسکریت (SANSKRIT) :
JETRO, ATRI	ارمنی (ARMENIAN) :
WATROBA	يونانی (GREEK) :
JETRA	لاتین (LATIN) :
JĀTRA	فرانسه (FRENCH) :
لهستانی (POLISH) :	اسپانیایی (SPANISH) :
صربی (SERBIAN) :	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
بوهی (BOHEMIAN) :	

پسگشتهای	REFERENCES	
ONIONS:	(ENTRALIS) 317	
SKEAT:	(ENTRAILS) 197	POKORNY: 313
۳۷۴	فرهنگ معین:	BARNHART: (ENTRAILS) 334
۳۰۲۱	لغت نامه دهخدا:	DELAMARRE: (VISCERES) 146
		BUCK: 252

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "اندرونه" از پیشنهادهای فرهنگستان ایران است ولی با واژه‌های پیشین ایرانی خوبی‌تر و هماهنگی دارد.
- ۲- بازگشت به: اندرون.

ANGOSHT	فارسی (PERSIAN): <u>انگشت</u>
FINGER	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
* ANG-, *ANK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

ONELEOW : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	ANGUSHTA : (AVESTAN)	اوستایی
ANKLE : (ENGLISH)	انگلیسی	ANGST : (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
ANKEL : (DANISH)	دانمارکی	ANGUST : (PAHLAVI)	پهلوی
ANKEL : (SWEDISH)	سوئدی	ANGAM, : (SANSKRIT)	санسکریت
ANKEL : (NORWEGIAN)	نروژی	ANGULI, ANGA, ANKÁ	
ENKEL : (DUTCH)	هلندی	ANGIUN, ANKIUN : (ARMENIAN)	ارمنی
MYKSHTIS : (LITHUANIAN)	لیتوانی	ĀNKOS, ĀGKOS, : (GREEK)	یونانی
		ANKULŪS	

REFERENCES	پسگشتهای
POKORNY: (AMGILAR) 35, (ANKLE)	46-47
BARNHART: 36	
BUCK: 240	
ONIONS: (ANGLE) 37, (ANKLE) 38	
MALLORY & ADAMS: ANG-	
۱۷۵	برهان قاطع:

ANGULUS : (LATIN)	لاتین
	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
OKKLA	
ANKUL, : (OLD NORSE)	نورس کهن
OKKLA	
ONKEL : (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
	آلمنی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ENKA, ANCHAL, ENCHIL	
ENKEL : (GERMAN)	آلمنی

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: قوزک، مج‌پا.

معنی این واژه در سانسکریت: اندام، عضو بدن.

معنی این واژه در زبان‌های ارمنی و یونانی و رومانی: گوش، خمی.

Ū, OO, VAY	فارسی (PERSIAN) : او، وی
HE, SHE	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*AU-, *Ū-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	اوستایی (AVESTAN) :
OVƏ-, OVOGDA	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
ON, ONA	لهستانی (POLISH) :
ON, ONA	چک (CZECH) :
ÓVAJ	صربی (SERBIAN) :
ON, ONA	اسلوواکی (SLOVAK) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	73-74
MACKENZIE:	(HE) 117
۱۸۰	برهان قاطع:

AVA-, HĀU	: (AVESTAN)
AVA-, HAUVE (OLD PERSIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
AVE, ŌĒ, ŌY, HŌ	پهلوی (PAHLAVI) :
UI	اوستی (OSSETIC) :
EW	کردی (KURDISH) :
DAY, DĀ	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
OK	تخاری A (TOKHARIAN A) A :
UK	تخاری B (TOKHARIAN B) B :
AVA-	سانسکریت (SANSKRIT) :
INK	ارمنی (ARMENIAN) :
-U	یونانی (GREEK) :
-U, -U-QUE	گوتیک (GOTHIC) :

ŪORĀ, ŪDRAG	فارسی (PERSIAN) : اوورا، اودرگ (به چشم سبور آبی)
OTTER	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*UDROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
OTR : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	اوستایی (AVESTAN) :
OTR : (OLD NORSE) نورس کهن	پهلوی (PAHLAVI) :
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	سانسکریت (SANSKRIT) :
OTTAR	یونانی (GREEK) :
OTTER : (GERMAN) آلمانی	لاتین (LATIN) :
OTOR : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	فرانسه (FRENCH) :
OTTER : (ENGLISH) انگلیسی	اسپانیایی (SPANISH) :
ODDER : (DANISH) دانمارکی	پرتغالی (PORTUGUESE) :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	78-79
BARNHART:	(OTTER) 740
DELAMARRE:	(LOUTRE) 137
MACKENZIE:	84
ONIONS:	(OTTER) 635
SKEAT:	(OTTER) 417

UTTER	: (SWEDISH)
OTER	: (NORWEGIAN)
OTTER	: (DUTCH)
	اسلاوی کهن
VYDRA, VODA	
VIODRA	: (RUSSIAN)
ŪDRA	: (LITHUANIAN)
UDENS	: (LATVIAN)
ODOIRNE	: (OLD IRISH)

یادداشت:

این واژه را در هیچ فرهنگ فارسی نباشم ولی واژه‌های اوستایی UDRA و پهلوی UDRAG بنای روابطی هنوز در برخی از روستاهای مازندران و گیلان به کار می‌رود. شاید علت از میان رفن این واژه در دیگر نواحی فلات ایران این باشد که در اثر خشک شدن آب و هوا، این جانور معدوم شده و لذانام آن هم از باد رفته است. واژه‌ی "دارموک" هم مسکن است از همین ریشه باشد گواینکه امروزه معنی آن عوض شده است.

ӮZĀR, AFZĀR, ABZĀR	اوزار، افزار، ابزار
TOOL, INSTRUMENT, FOOTWEAR, SHOES	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی
*EU-, *OUTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)

AUT	: (LATVIAN)	اوستایی (AVESTAN)
FUAN	: (OLD IRISH)	پهلوی (PAHLAVI)
GWN	: (WELSH)	ABZĀR, AWBZĀR
UNUUĀ, UNUUĀI	: (HITTITE)	افغانی (بشنو)
		ARMENIAN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	346
MACKENZIE:	(INSTRUMEN) 120
BUCK:	(SHOE) 428-429
SKEAT:	(OWL) 420
۱۶۸	برهان قاطع :
۱۲۵	فرهنگ معین :

AOTHRĀ	: (AVESTAN)
AFZĀR, AFCĀR,	: (PAHLAVI)
ABZĀR, AWBZĀR	
AWZĀR	: (AFGHANI)
AGANI	: (ARMENIAN)
(SUB)ŪCULA,- UŪ, UVŪ	: (LATIN)
	اسلاوی کهن
IZUJU, IZUTI, OBUJO, OBUTI	
IRZEWIK	: (POLISH)
OBUTIJ, IZUJU	: (RUSSIAN)
AVIŪ, AUNŪ	: (LITHUANIAN)
AŪTI	

یادداشت:

- ۱- چون هیچکدام از پسگشت‌ها به رابطه‌ی واژه‌های فارسی و بهلوی و کردی این فهرست با واژه‌ی اوستایی و دیگر واژه‌های آن اشاره‌ای نکرده‌اند، در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.
- ۲- واژه‌های لاتین IND-UVIAE (به چم "باس" و "پوشک") و EXUVIAE (به چم "پوست مار و همیرجه" و "باس") نیز از همین ریشه‌اند.
- ۳- چم اکثر واژه‌های غیرایرانی این فهرست: پوشک، پوشیدن، کفش.

AHRIMAN	فارسی (PERSIAN): اهریمن
AHRIMAN	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*ANGHUS+MEN- * (MENDH-)	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	اوستایی (AVESTAN) ANGRO,
ANGI, ENGI	MAINIUSH, ANGRA MAINYAVA
ENG آلمانی (GERMAN)	بهلوی (PAHLAVI)
ENGE : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	AHRIMAN, AHREMAN
ANGER انگلیسی (ENGLISH)	санскрит (SANSKRIT) AMHŌH,
ENG هلندی (DUTCH)	AMHURA, AMHU- (AMHU-BHEDI),
: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	ÁNHAS, ANHÚ
CUMCAE, CUMUNG	ارمنی (ARMENIAN) ANJUK
EHAUG, EAUG : (CELTIC) سلتی (کلتی)	یونانی (GREEK) ÁNCHIEN, ÁGKHEIN : (LATIN) لاتین
REPERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	42, 726, 730
BARNHART:	(ANGER) 34
MACKENZIE:	(AHREMAN) 7
ONIONS:	
(ANGER, ANGUISH) 37	
۱۸۹	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های رومانی: تنگی خاطر، شویش.
- چم این واژه در زبان‌های ژرمانی: تنگی، تنگ، باریک.
- چم این واژه در زبان انگلیسی نوین: خشم.

چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: اندوه، غم.
۲- ریشه اوستایی این واژه دارای دو بخش نخست آن در این فهرست پیگیری شده است، برای شناخت بخش دوم آن به "منش" بازگشت شود.

AHŪRĀ, HORMOZ	اهورا، هرمز، اهورامزدا (PERSIAN)
GOD	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*NSUS, *ANSUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ÓSS	اوستایی (AVESTAN): AHU-, AHURA-,
ÁSS	نورس کهن (OLD NORSE): ANHU
OS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): AURA-, : (OLD PERSIAN) AURAMAZDAH
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	48
MACKENZIE:	61
AMERICAN HERITAGE DICTIONARY:	
	(ANSU-) 2021
109	برهان قاطع:

OHRMAZD,	پهلوی (PAHLAVI):
OHARMAZD	
ASU-, ÁSUS-,	санسکریت (SANSKRIT):
ÁSURĀ	
ANSĒS	یونانی (GREEK):
ANSĒS, ASE	گوتیک (GOTHIC):
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

ÉDAR	ایدر (به چم این جا، در این): (PERSIAN)
HERE, HEREIN	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*IDHA-, *IDHE	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
AQUI	اوستایی (AVESTAN): IDHA
-ID-	پارسی باستان (OLD PERSIAN): AINA
YD	پهلوی (PAHLAVI): ÉTAR, ÉDAR, EN-
	کردی (KURDISH): HIRA, IREDA, VIRA
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	609
DELAMARRE:	(ICI) 297
MACKENZIE:	30
AMINDAROV:	(HERE) 235
193	برهان قاطع:

IDHA	اوستایی (AVESTAN):
AINA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ÉTAR, ÉDAR, EN-	پهلوی (PAHLAVI):
HIRA, IREDA, VIRA	کردی (KURDISH):
ITARHI, IHA,	سانسکریت (SANSKRIT):
ENA-	
ITHA	یونانی (GREEK):
IBI	لاتین (LATIN):
ICI	فرانسه (FRENCH):
AQUI	اسپانیایی (SPANISH):
QUI	ایتالیایی (ITALIAN):

IRMĀN	فارسی (PERSIAN) : ایرمان (به چم "مهман" ، "دوست")
GUEST, FRIEND	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*AL-, *ALNOS-, *OLNOS-, *ARIO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پشتکش
POKORNÝ:	24, 67
MACKENZIE:	(FRIEND) 115
۱۹۶	برهان قاطع :
۴۱۵	فرهنگ معین :
۳۷۰۷	لفت نامه دخدا:
AIRYAMAN, AIRYŌ : (AVESTAN)	اوستایی
ĀRIYA : (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
ĀĒRMĀN, ĒRMĀN : (PAHLAVI)	پهلوی
IRON, IR : (OSSETIC)	اوستی
ARIYAMAN : (SANSKRIT)	санскریت
AIRE, AIRECH : (OLD IRISH)	ایرلندی کهن

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در ایرلندی کهن: اشرافی، رادرد. (جالب اینکه در پهلوی نیز واژه‌ی ER به چم "رادرد" و "فهرمان" بود).
- چم این واژه در زبان اوستایی: پیشوای دینی.
- ۲- چم واژه‌ی ĒRMANIH در زبان پهلوی: دوستی.

ĒSTĀNDAN, SETĀDAN	فارسی (PERSIAN) : ایستادن، ایستادن، ستادن
STAND	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
* STĀ-, *STE-, *STH-, *STHI-, *STET-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
SISTŌ, STŌ,- STINĀRE, : (LATIN)	اوستایی (AVESTAN)
STĀRE, STANARE	-STANVANTI, STĀ-, TISHATI
STANDAN : (GOTHIC)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
گرتک	HISTATI,
ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)	AVO-SHTA
STANDA, STADHAR	پهلوی (PAHLAVI)
STANDA : (OLD NORSE)	ĒSTĀTAN, AWISHTĀDAN
نورس کهن	SEKININ : (KURDISH) (شاید)
STANDAN, : (OLD SAXON)	STĀM, STE : (TOKHARIAN B) B
ساکونی کهن	TISHATI, STHĀ : (SANSKRIT)
STĀN	STANAM : (ARMENIAN)
FRIZI : (OLD FRISIAN)	HISTĒMI, HISTĀNAI, : (GREEK)
STĀN	STATUS
آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)	
STĀN, STANTAN, STĒN	

SÓTJU, STÓTI,	: (LITHUANIAN)	لیتوانی
SLOVETI		
STAVIT	: (LATVIAN)	لتوانی (لتی)
	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
-ISSIUR, AD-TÁU		

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	1004
BARNHART:	(STAND) 1059
DELAMARRE:	(ÉTRE DÉBUT) 285
MACKENZIE:	(STAND) 134
BUCK:	835
ONIONS:	(STAND) 862-863
SKEAT:	(STAND) 597
۱۹۷	برهان قاطع :

STEHEN	: (GERMAN)	آلمانی
STONDAN	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
STAND	: (ENGLISH)	انگلیسی
STAAN	: (DANISH)	دانمارکی
STĀ	: (SWEDISH)	سوئدی
STAND	: (NORWEGIAN)	نروژی
STAAN	: (DUTCH)	هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
STATI, STANO, STOJATI		
STAC	: (POLISH)	لهستانی
STOJAT	: (RUSSIAN)	روسی
STÁT	: (CZECH)	چک
STATI	: (BOHEMIAN)	برهمی
STAT	: (SLOVAK)	اسلواکی

یادداشت:

"ایستادن" و زمان‌های گوناگون آن در اکثر زبان‌های هند و اروپایی معنی خود را کم و بیش حفظ کرده‌اند و اشتقاق همه آنها از واژرهای هند و اروپایی این فهرست است.

BA	فارسی (PERSIAN) : با(به "چم" به همراه و "مع")
WITH	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHĒ, *BHŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
BA	: (CZECH) چک
BEI, BÁ	: (LITHUANIAN) لیتوانی
BHE	: (OLD PRUSSIAN) هروسی کهن
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	113
MACKENZIE:	(WITH) 140
AMINDAROV:	(WITH) 311
۷۶	برهان قاطع: (ابا)
۴۲۶	فرهنگ معین :

BA, BĀT, BĒ	: (AVESTAN)	اوستانی
APĀK, ABĀG	: (PAHLAVI)	پهلوی
BI	: (KURDISH)	کردی
BADHAM	: (SANSKRIT)	санسکریت
BA, BAY	: (AREMENIAN)	ارمنی
BA	: (GOTHIC)	گوتیک
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
IBU, OBA		
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
BO		
BA	: (POLISH)	لهستانی

یادداشت:

معین این واژه‌ش در برخی زبان‌های هند و اروپایی: با، برای، سپس.

BĀBĀ	بابا (واژه‌ی کودکانه به چم "پدر")	فارسی (PERSIAN) :
DADDY		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*PAPA, *PAPPA		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
TATO	: (POLISH) لهستانی	کردی (KURDISH)
TĀTA	: (SZECLL) چک	یونانی (GREEK)
REFERENCES	پسگشت‌ها	لانین (LATIN)
POKORNÝ:	789	فرانسه (FRENCH)
AMINDAROV:	(FATHER) 123	اسپانیایی (SPANISH)
۲۰۱-۲۰۲	برهان قاطع:	پرتغالی (PORTUGUESE)

BĀD		فارسی (PERSIAN) :
WIND		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*WĒ, *WENTOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
VENTO	: (ITALIAN) ایتالیایی	اوستایی (AVESTAN)
VÍNT	: (RUMANIAN) رومانی	VĀRĀ, VĀTŌ, VĀTI, VĀTA
VENTO	: (PORTUGUESE) پرتغالی	پهلوی (PAHLAVI)
WIVDS	: (GOTHIC) گوتیک	کردی (KURDISH)
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	بلوچی (BALUCHI)
VJNDR		افغانی (پشتو) (AFGHANI)
VINDR	: (OLD NORSE) نورس کهن	تخاری (TOKHARIAN A) A
WIND	: (OLD SAXON) ساکونی کهن	تخاری (TOKHARIAN B) B
WIND	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	санسکریت (SANSKRIT)
WIND, : (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن	VĀTI
WINT		یونانی (GREEK)
WIND	: (GERMAN) آلمانی	VĀTMÓS, DĒSI
WIND	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	لاتین (LATIN)
WIND	: (ENGLISH) انگلیسی	فرانسه (FRENCH)
VIND	: (DANISH) دانمارکی	اسپانیایی (SPANISH)

GWYNT	: <i>(WELSH)</i> ولزی	VIND	: <i>(SWEDISH)</i> سوئدی
GWENT	: <i>(BRETON)</i> برتونی	VIND	: <i>(NORWEGIAN)</i> نروژی
HUWANTES	: <i>(HITTITE)</i> هبٹ	WIND	: <i>(DUTCH)</i> هلندی

اسلاوی کهن :*(OLD CHURCH)*

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	82-83
BARNHART:	(WIND) 1238
DELAMARRE:	(VENT) 192
MACKENZIE:	(WIND) 140
ONIONS:	67, 683 (WIND) 1007
BUCK:	67, 683
SKEAT:	(WIND) 717
۲۰۵	برهان قاطع :

VĒTRU, VĒJO, VĒJATI

WIATR	: <i>(POLISH)</i> لهستانی
VETER	: <i>(RUSSIAN)</i> روسی
VITR	: <i>(CZECH)</i> چک
VITR	: <i>(BOHEMIAN)</i> بومی
VIETOR	: <i>(SLOVAK)</i> اسلواکی
VĒJAS	: <i>(LITHUANIAN)</i> لیتوانی
VĒJSH	: <i>(LATVIAN)</i> لتونی (لتی)
WINS	: <i>(OLD PRUSSIAN)</i> پروسی کهن
FETH	: <i>(OLD IRISH)</i> ایرلندی کهن

BĀR	فارسی : <i>(PERSIAN)</i> بار (به چم "دفعه" و "نوبت")
(EACH) TIME	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*WEL-, *WLE-	هند و اروپایی : <i>(INDO-EUROPEAN)</i>

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1140
MACKENZIE:	17
۲۱۴	برهان قاطع :

VAREMIS	: <i>(AVESTAN)</i> اوستایی
BĀR	: <i>(PAHLAVI)</i> پهلوی
	: <i>(SANSKRIT)</i> سانسکریت
VÁLATI, VALÁ, VARA-	
	: <i>(OLD HIGH GERMAN)</i> آلمانی کهن
WALLON, WALT	

BĀR	فارسی : <i>(PERSIAN)</i> بار (به چم "محموله" و "وزن سنگین")
LOAD, BURDEN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHER-, *BHRI-, *BHRT-	هند و اروپایی : <i>(INDO-EUROPEAN)</i>

BER, BAR	: <i>(KURDISH)</i> کردی	BAR, BERETI,	: <i>(AVESTAN)</i> اوستایی
	: <i>(SANSKRIT)</i> سانسکریت	BƏRƏTİSH	
BHĀRMAN,	BHRTIS	BĀR	: <i>(PAHLAVI)</i> پهلوی

BRĒME,		ارمنی (ARMENIAN)
BRZENIE	: (POLISH) لهستانی	يونانی (GREEK)
BERÚ, BERÉMJA	: (RUSSIAN) روسی	لاتین (LATIN)
BEREMENO	: (CZECH) چک	گوتیک (GOTHIC)
BREMENO	: (SLOVAK) اسلواکی	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پسخته ما
PLKORNY:	128
BARNHART: (BEAR) 87, (BURDEN) 126	
DELAMARRE: (LE FAUT DE PORTER) 199	
MACKENZIE:	17
ONIONS: (BURDEN) 127	
SKEAT: (BURDEN) 80	
MALLORYE & ADAMS: BHERMN	
AMINDAROV:	15
۲۱۴	برهان قاطع:

BARD	:(ARMENIAN)
PHÉRMA	:(GREEK)
FORS	:(LATIN)
BAÚRTHEI	:(GOTHIC)
BYRDHR	
BURTHR	: (OLD NORSE) نورس کهن
	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
BURTHINNIA	
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
BURDI,	
BÜRDE	:(GERMAN) آلمانی
BYRTHEIV	:(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
BURDEN	:(ENGLISH) انگلیسی
BYRDE	:(DANISH) دانمارکی
BÖRDA	:(SWEDISH) سوئدی
BYRDE	:(NORWEGIAN) نروژی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

یادداشت:

- ۱- واژه "بار" با واژه‌ی "بر" (برچم "میوه") از یک ریشه‌اند.
 ۲- معنی این واژه در زبان لاتین: شناس، بخت خوش.

BĀRĀN	باران	فارسی (PERSIAN)
RAIN		چشم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی
*WER, *WĒR-, *WĒRI		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
VĀRI, VĀRSHA	: (SANSKRIT) سانسکریت	اوستایی (AVESTAN)
GAYR	: (ARMENIAN) ارمنی	پهلوی (PAHLAVI)
OŪRON	: (GREEK) یونانی	کردی (KURDISH)
URINA	: (LATIN) لاتین	انغافی (بشن) (AFGHANI)
URINE	: (FRENCH) فرانسه	نخاری A (TOKHARIAN A)
ORINA	: (SPANISH) اسپانیایی	نخاری B (TOKHARIAN B)

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNY:	80
BARNHART:	(URINE) 1188-1189
DELAMARRE:	(EAU) 193
MACKENZIE:	(RAIN) 129
BUCK:	67-68, 273-274
ONIONS:	(URINE) 965
SKEAT:	(URINE) 681
۲۱۵	برهان قاطع:

ORINA	: (ITALIAN)
URINA	: (RUMANIAN)
	: (OLD SCANDINAVIAN)
VER, VARI	
ŪR, VARI	: (OLD NORSE)
URIG, WAR	: (OLD ENGLISH)
JURA	: (LATVIAN)
WURS	: (OLD PRUSSIAN)
ABANN	: (OLD IRISH)
WRËNDË	: (ALBANIAN)

یادداشت:

معنی این واژه در زبان ارمنی: باتلاق.

معنی این واژه در زبان‌های تخاری: آب.

معنی این واژه در زبان ہروسی کهن: استخر.

معنی این واژه در زبان انگلیسی کهن: مرطوب، دریا.

معنی این واژه در زبان‌های رمانس و یونانی: پیشاب.

BAZ	باز (به چم "گونه‌ای پرندگان شکاری")	فارسی (PERSIAN):
RAIN		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*BHĀSŌ-, *BHĒSO		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسکشت‌ها	
POKORNY:	111	اوستایی (AVESTAN):
BUCK:	18	پهلوی (PAHLAVI):
۲۱۷	برهان قاطع:	санسکریت (SANSKRIT):
		بُناني (GREEK):

BAZŪ	بازو	فارسی (PERSIAN):
ARM		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*BHAGH-, *BHAGHUS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
پارسی باستان (OLD PERSIAN):		اوستایی (AVESTAN):
BĀZUSH, BĀSAUSH, BĀZŪ-		BĀZU, BĀZĀUSH, BĀZĀU.

BUOG, BÖGR	
BÖGR	:(<i>OLD NORSE</i>) نورس کهن
BUOG	:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن
BUG	:(<i>GERMAN</i>) آلمانی
BÖG	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
BRECH	:(<i>BRETON</i>) برتونی

REFERENCES	پشت ها
POKORYN:	108
MACKENZIE:	102
BUCK:	236-237
۲۴۰	برهان قاطع:

BĀZĀ	:(<i>PAHLAVI</i>) پهلوی
POKE	:(<i>TOKHARIAN A</i>) A تخاری
PAUK, POKE	:(<i>TOKHARIAN B</i>) B تخاری
BĀHU,	:(<i>SANSKRIT</i>) سانسکریت
BĀHŪH, BĀHUS	
BES, BAZUK	:(<i>ARMENIAN</i>) ارمنی
PEKHUS	:(<i>GREEK</i>) یونانی
BRACCHIUM	:(<i>LATIN</i>) لاتین (شاید)
BRAS	:(<i>FRENCH</i>) فرانسه (شاید)
BRAZD	:(<i>SPANISH</i>) اسپانیایی (شاید)
BRACCIO	:(<i>ITALIAN</i>) ایتالیایی (شاید)
BRAT	:(<i>RUMANIAN</i>) رومانی (شاید)
BRACO	:(<i>PORTUGUESE</i>) پرتغالی (شاید)
	:(<i>OLD SCANDINAVIAN</i>) ایسلندی کهن

یادداشت:

- ۱- در برخی از زبان‌های هند و اروپائی این واژه به چم "شانه" و "دوش" هم به کار می‌رود.
- ۲- POKORYN , BARNHART و دیگران) واژه‌ی لاتین **BRACCHIUM** و مشتق‌های رسانس آن را از واژه‌ی هند و اروپایی *MREGH-U می‌دانند.

BAFTAN	فارسی (<i>PERSIAN</i>): بافت، بافت
WEAVE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*WEBH, *WOBH-	هند و اروپایی (<i>INDO-EUROPEAN</i>):
VEFA	:(<i>OLD NORSE</i>) نورس کهن
WEVA	:(<i>OLD FRISIAN</i>) فریزی کهن
	:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن
WEBAN	
WEBEN	:(<i>GERMAN</i>) آلمانی
WEFAN	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
WEAVE, WEB	:(<i>ENGLISH</i>) انگلیسی
VAVE	:(<i>DANISH</i>) دانمارکی
VÄVA	:(<i>SWEDISH</i>) سوئدی
VEVE	:(<i>NORWEGIAN</i>) نروژی
UBDAENA	:(<i>AVESTAN</i>) اوستایی
VAF-, WAFISHN	:(<i>PAHLAVI</i>) پهلوی
WĀP	:(<i>TOKHARIAN A</i>) A تخاری
WAR	:(<i>TOKHARIAN B</i>) B تخاری
UBHNĀTI-,	:(<i>SANSKRIT</i>) سانسکریت
VABHI, UBHNÁ, UMHATI	
	:(<i>GREEK</i>) یونانی
HÝPHUS, HUPHAINŌ, UPHN	لاتین
VĒLUM	:(<i>LATIN</i>)
VEFA, : <i>OLDSCANDINAVIAN</i>	ایسلندی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1114
BARNHART:	(WEAVE) 1224-1225
DELAMARRE:	(TISSEUR) 290
MACKENZIE:	(WEAVE) 140
BUCK:	409-410
ONIONS:	(WEAVE) 996-997
SKEAT:	(WEAVE) 705
MALLORY Z ADAMS:	WEBH-
۴۲۶	فرهنگ معین:

WEVEN	: (DUTCH)
FIGID	: (OLD IRISH)
GUEETIC	: (WELSH)
VENJ	: (ALBANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: پارچه

BAK	باک (به چم "ترس، بیم") فارسی (PERSIAN)
FEAR	چم انگلیسی سروالزهی فارسی:
*BHŌI, *BHEI-, *BHĪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

: (AVESTAN) اوستایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	161-162
DELAMARRE:	(CRAINDRE) 247
BUCK:	1153-1155
۴۲۳	برهان قاطع:
۴۲۳۴	لفت نامه دخدا:

BAYENTE, BYENTE, BIWIVA	
BHĀYAKA	: (PAHLAVI) بهلوی
BHĀYATĒ	: (SANSKRIT) سانسکریت
BIBHEITI	
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
BIBĒN, BIBON, BISA	
BIATWEI	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

یادداشت:

واژه‌ی "بیم" نیز از همین ریشه است.

BĀLĀ, VĀLĀ	فارسی (PERSIAN) : بالا، والا
TOP, HEIGHT, STATURE, ABOVE	چم انگلیسی سروالهای فارسی:
*BHEREG, *BHERGHQS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
BJERG	: (DANISH) دانمارکی
BERG	: (SWEDISH) سوئدی
BERG	: (NORWEGIAN) نروژی
BERGH	: (DUTCH) هلندی
BEREG	: (RUSSIAN) روسی
BRIG	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
PARKUS	: (HITTITE) هتب
BEREZAITI, BEREZ-	اوستایی (AVESTAN)
BEREZANT	پهلوی (PAHLAVI)
BĀLĀ, BĀLĀY	تخاری A (TOKHARIAN A)
PÄRK-	: (TAJIC) تاجیکی
BOLAN	: (SANSKRIT) سانسکریت
BARHÁYATI	: (ARMENIAN) ارمنی
BARJR, BERJ	: (LATIN) لاتین
BURGUS	: (FRENCH) فرانسه
-BURG	: (GOTHIC) گوتیک
BAURGS	: (OLD SAXON) ساسکونی کهن
BJARG	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
BERG, BERGAZ,	آلمانی (GERMAN)
BERG, BURG	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
BEORG	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	140
DELAMARRE:	(HAUT) 220
MACKENZIE:	(STATURE) 134, (HEIGHT) 117
BUCK:	23, 852
برهان قاطع:	۳۰۰ و ۲۵۴ و ۲۲۴

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در زبان های ژرمنی: کوه.
- ۲- واژه "برز" هم از همین واژه است.
- ۳- بازگشت به: بلند، بزر.

BĀLESHT, NĀZBĀLESHT, BĀLESHT	فارسی (PERSIAN) : بالش، ناز بالش، بالشت
PILLOW, CUSHION	چم انگلیسی سروالهای فارسی:
*BHELGH-, *BHOOLGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
BĀLESHT	اوستایی (AVESTAN)
: (AFGHANI)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
: (SANSKRIT)	
BARHISH, BĀRISHN	پهلوی (PAHLAVI)
BULGA	بوئانی (GREEK): شاید
BALGS	گوتیک (GOTHIC)
BAREZHISH	اوستی (OSSETIC)
BĀLISH	
BAZ	

POLSHTÁR, PODUSHKA

BLÁZINA	: (SERBLAN) صربی
BALNAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
PABÁLSTS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
BALSINIS	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن (بروسی) آیرلندی کهن (ایرلندی)
BOLG, BOLGAIM	
BOLY, BOLA	: (WELSH) ولزی

REFERENCES	پسکشتهای
POKORNY:	125-126
BARNHART (BELLOWS, BELLY)	88
DELAMARRE:	(COUSSIN) 117
MACKENZIE:	(PILLOW) 127
BUCK:	252-254
ONIONS:	(BELLY) 87-88
SKEAT:	(BELLY) 55
۲۲۵	برهان قاطع:

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

BELGR, BOLSTR

BELER	: (OLD NORSE) نورس کهن
BELGAN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
-BULGEN	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
BALG	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
BALG	: (GERMAN) آلمانی
BIELG,	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
BELIG, BALG, BALIG	

BELLY	: (ENGLISH) انگلیسی
BUG	: (DANISH) دانمارکی
BUK, BÄLG	: (SWEDISH) سوئدی
BUK	: (NORWEGIAN) نروژی
BALG	: (DUTCH) هلندی
POLSHTÁR,	: (POLISH) لهستانی
PODUSHKA	
BOLOZEN	: (RUSSIAN) روسی
	: (CZECH) چک

بادداشت:

معنی این واژه در زبان ژرمنی: کبه، شکم.

معنی این واژه در زبان گوتیک: مشک شراب.

معنی این واژه در زبان ساکسونی کهن: خشمگین شدن.

BĀLŪ	بالو (به چم "زگیل", "آذخ")	فارسی (PERSIAN):
WART		چشم انگلیسی سروارده فارسی:
*WERD-, *WORDĀ, *WERS-, *WRS-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
	نورس کهن (OLD NORSE)	پهلوی (PAHLAVI)
WARTA	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	سانسکریت (SANSKRIT)
WARTE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن (آلمانی کهن) (OLD HIGH GERMAN)	ارمنی (ARMENIAN)
WARZA		لاتین (LATIN)
WARZE	: (GERMAN) آلمانی	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
		VARTA

FERBB	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
GUEBLE	: (BRETON) برتونی

REFERENCES	سکشت‌ها
POKORNY:	1151
BARNHART	(WART) 1220
SKEAT:	(WART) 702
MALLORY & ADAMS:	(UORHO)
۲۲۴	برهان قاطع:
۴۹۷	فرهنگ معین:

WEART,	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
WART	: (ENGLISH) انگلیسی
VORTE	: (DANISH) دانمارکی
VÄRTA	: (SWEDISH) سوئدی
VORTE	: (NORWEGIAN) نروژی
WRAT	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
VRICHŪ	
VERED	: (RUSSIAN) روسی
VIRSHUS, VARLĒ	: (LITHUANIAN) لیتوانی
VARDE	: (LATVIAN) لتونی (لتی)

یادداشت:

- ۱- ریشه‌های غیرزمنی این واژه نمی‌دهند.
- ۲- فرنگ معین و برهان قاطع: و لغت‌نامه‌دهخدا ریشه‌های این واژه را نمی‌دهند.
- ۳- معنی این واژه در برتونی: دمل
- ۴- معنی این واژه در لیتوانی و لتونی: وزغ

BAVAR	فارسی (PERSIAN) : باور
BELIEF	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*WEL-, *WLEI-, *WLÉ-, *WELMI	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
VOĽ, VREA	اوستایی (:AVESTAN)
WILJA, WILJAN	VAR-, VARATĀ, VAIRYA
: (OLD SCANDINAVIAN)	پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
VILL, VILJA, VAL	پهلوی (:PAHLAVI)
: (OLD SAXON)	WĀBAR, VĀVAR, VAR
WILLIO, WILLIAN	افغانی (پشتو) (:AFGHANI)
: (OLD FRISIAN)	санسکریت (:SANSKRIT)
WILLA, WELLIA	VĀRASA, VARĀYATI, VRTA, VRNĀTI
: (OLD HIGH GERMAN)	ارمنی (:ARMENIAN)
WILLE, WOLLEN, WAHL	یونانی (:GREEK)
: (OLD ENGLISH)	لاتین (:LATIN)
WILLA, WILL, WILLAN	فرانسه (:FRENCH)
WILL	ایتالیایی (:ITALIAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	1137
BARNHART:	(WILL) 1236-1237
DELAMARRE:	
(VOULOIR; CHOISIR)	292
MACKENZIE:	(BELIEF) 104
BUCK:	
(WILL)	1160-1161
ONIONS:	
(WILL)	1006-1007, (WELL) 999
SKEAT:	(WILL) 716
۲۳۰	برهان قاطع :

VILLIE, VILLE	: (DANISH)
VILJA	: (SWEDISH)
VILJE, VILLE	: (NORWEGIAN)
WIL, WILLEN	: (DUTCH)
	اسلاوی کهن
VOLITI, VELJO	
WOLA	: (POLISH)
VOLIT, VOLBA	: (CZECH)
VOLBA, VOLIT	: (SLOVAK)
	لیتوانی
VĒLYTI, PA-VELTI	
GWELL	: (WELSH)
GUELL	: (BRETON)

پادداشت:

چم این واژه در زبان های غیر ایرانی: خواستن، ترجیح دادن، بهتر داشتن، گزیدن.

BAHŪ	با هو (به چم چوبدستی بزرگ : دیرک)	فارسی (PERSIAN)
CLUB, BEAM		چم انگلیسی سرو ازاهی فارسی:
*BHRŪ, *BHRĒU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
BRO, BRYGGA	: (SWEDISH)	اوستایی (AVESTAN)
BRUG	: (DUTCH)	سانسکریت (SANSKRIT)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BRŪVŪNO		
BREVNO	: (RUSSIAN)	نورس کهن (OLD NORSE)
BRU	: (SERBIAN)	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BRIVA	: (GAULISH)	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
	گالی	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
REFERENCES	پسگشت ها	
POKORNÝ:	173	
BARNHART	(BRIDGE) 116	آلمانی (GERMAN)
BUCK:	721- 722	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
ONIONS:	(BAIDGE) 117	
SKEAT:	(BRIDGE) 74	انگلیسی (ENGLISH)
۲۳۰	برهان قاطع :	دانمارکی (DANISH)

پادداشت:

- ۱- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی و گالی: هُل
- ۲- این واژه‌شی هند و اروپایی به چم "دیرک" و "تیر" بوده است و شاید علت دیگرگونی معنی آن در برخی زبان‌ها این باشد که هُل‌های اولیه را از تبرهای چوبی می‌ساختند.

BABR, VABAR	بَبَر، وَبَر (به چم "بیداستر" یا "سگ آبی")	فارسی (PERSIAN)
BEAVER		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BHEBRUS, *BHIBRUS, *BHEBHRUS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
:(<i>OLD CHURCH SLOVIC</i>)	اسلاوی کهن	:(<i>AVESTAN</i>)
BEBRŪ		پهلوی (PAHLAVI)
BÓBR	:(<i>POLISH</i>) لهستانی	BAVARAK
BOBR	:(<i>RUSSIAN</i>) روسی	PARNO :(<i>TOKHARIAN A</i>) A
BOBR	:(<i>CZECH</i>) چک	PERNE :(<i>TOKHARIAN B</i>) B
BOBOR	:(<i>SLOVAK</i>) اسلواکی	BABHRŪS :(<i>SANSKRIT</i>)
BABRUS,	:(<i>LITHUANIAN</i>) لیتوانی	FIBER :(<i>LATIN</i>) لاتین
BĒBRUS		BIÈVRE :(<i>FRENCH</i>) فرانسه
BEBRUS	:(<i>OLD PRUSSIAN</i>) هروسی کهن	:(<i>OLD SCANDINAVIAN</i>) ایسلندی کهن
BEBRINUS, BIBRU-	: (<i>GAULISH</i>) گالی	BIORR,
REFERENCES	پسکشت‌ها	
POKORNÝ:	136-137	BJORR :(<i>OLD NORSE</i>) نورس کهن
BARNHART	(BEAVER) 85	BIBAR :(<i>OLD SAXON</i>) ساکسونی کهن
DELAMARRE:	(CASTOR) 131	:(<i>OLD HIGH (GERMAN)</i>) آلمانی کهن
MACKENZIE:	16, (BEAVER) 104	BIBAR
ONIONS:	(BEAVER) 83	BIBER :(<i>GERMAN</i>) آلمانی
SKEAT:	(BEAVER) 52	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
۲۳۱	برهان قاطع:	BEOFORE, BEFOR
۴۹۷۷ و ۴۷۱	فرهنگ معین:	BEAVER :(<i>ENGLISH</i>) انگلیسی
۴۳۴۶	لغت نامه دهخدا:	BAVER :(<i>DANISH</i>) دانمارکی
		BEVER :(<i>DUTCH</i>) هلندی

پادداشت:

واژه "بَبَر" (BABR) که جانور درنده‌ی بومی هند است نیز به احتمال زیاد از همین ریشه است و پهلوی آن بوده است (فرهنگ معین: ۴۷۱). MACKENZIE این واژه را به صورت "BABR" داده است . (MACKENZIE: (TIGER) 137)

BABA, BÉBÉ	بیه، بیه (به چم "بچه‌ی کوچک" ، "نی نی")	فارسی (PERSIAN)
BABY		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BABABA		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
BABINĀT	: (LATVIAN) لتونی (لنی)	санسکریت (SANSKRIT)
BEBINT	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	برونانی (GREEK)
BABAN	: (CELTIC) سلتی (کلتی)	لاتین (LATIN)
BABAN	: (WELSH) ولزی	فرانسی (FRENCH)
BABAN	: (GAELIC) گالیک	اسپانیایی (SPANISH)
BEBE	: (ALBANIAN) آلبانی	ایتالیایی (ITALIAN) آلمانی میانه (MIDDLE GERMAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	91	
BARNHART	(BABE, BABY) 70	
ONIONS:	(BABY) 67	
SKEAT:	(BABE, BABYE) 70	
۴۳۴۹	لغت‌نامه دهخدا:	
BÖBE, BÄBE		
BABY		آلمانی (GERMAN)
BABY, BABE		انگلیسی (ENGLISH)
		اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
BABLUS		
BABA, BÖBOCEM		صربی (SERBIAN)
BÖBA,		لیتوانی (LITHUANIAN)

BAT	بیه، بیه (به چم "مرغابی")	فارسی (PERSIAN)
DUCK		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PAD-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
MALLORY & ADAMS:	PAD-	
۲۳۳	برهان قاطع:	
BAD		ارمنی (ARMENIAN)
PATO		اسپانیایی (SPANISH)
PATKA		صربی (SERBIAN)

BACHÉ	بچه	فارسی (PERSIAN)
CHILD		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHERE- *BHRĒ, *BHOR-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
BICHUKTI		پهلوی (PAHLAVI)
CHICHU,	санسکریت (SANSKRIT)	کردی (KURDISH)
VACHAK, WACHAG		
CHUCHIK,		

BERNIÁKAS

BÉRNS : (LATVIAN) (شاید)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	131
BARNHART	(BAIRN) 71
MACKENZIE:	(CHILD) 106
BUCK:	87-93
ONIONS:	(BAIRN) 69
SKEAT:	(BAIRN) 44
AMINDAROV:	(CHILD) 199
۲۳۷	برهان قاطع :
۴۷۳-۴۷۴	فرهنگ معین :

BALI-

BARN, BAÚR گوتیک (GOTHIC) (شاید)

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)

BURR, BARN

BARN ساکسونی کهن (OLD SAXON) (شاید)

آلمانی کهن (OLD HIGH ENGLISH) (شاید)

BOR, BURIAN, BARN

BYRE, (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (شاید)

BARN, BEARN

BAIRN انگلیسی (ENGLISH) (شاید)

BARN دانمارکی (DANISH) (شاید)

BARN سوئدی (SWEDISH) (شاید)

BÉRNAS, لیتوانی (LITHUANIAN) (شاید)

BAXT

فارسی (PERSIAN) : بخت

CHANCE, FORTUNE

چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :

*BHAG-, *BHAGOS

هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

BOGE

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	107
DELAMARRE:	71
MACKENZIE:	(FORTUNE) 115
BUCK:	1095
AMINDAROV:	13
۲۱۰	برهان قاطع :

اوستایی (AVESTAN) :

BAXTA, BAXSHAITI بهلوی (PAHLAVI) :

BEXT کردی (KURDISH) :

PAK تخاری A (TOKHARIAN A) :

PAKE تخاری B (TOKHARIAN B) :

BHAKSHATI سانسکریت (SANSKRIT) :

BOGATE ارمنی (ARMENIAN) :

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :

بادداشت:

بازگشت به: تهر و بخش.

BAXSH, BAXSHIDAN, BAXSHEH	فارسی (PERSIAN) : بخش، بخشیدن، بخشش
PORTION, BESTOW, FORGIVE, BESTOWAL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHAG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
PHAGEIN	يونانی (GREEK) : اومتایی (AVESTAN)
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
BOGU, UBOGU	
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	107
MACKENZIE:	17, (BESTOWAL) 104
۲۴۱ و ۲۴۰	برهان قاطع :

BREH, BRAY, BAG,	اوستایی (AVESTAN) :
BAXSHAITI, BAGHA-	
BAXSH, BRIN,	پهلوی (PAHLAVI) :
BAXTAN, BAXSHISHN, BHAJ-,	
BAXSHITAN	
	санسکریت (SANSKRIT) :
BHIKSHATE, BHAJI-,	
BHAG, BHAGAH, BHAJATI	
BOGATU	ارمنی (ARMENIAN) :

یادداشت:

- ۱- بازگشت به "بخت" و "بیخ".
- ۲- چم این واژه در زبان یونانی: خوردن.
- ۳- واژه‌های فارسی "برخ" و "برخه" مم از معین و اجریشه‌اند.

BAD	فارسی (PERSIAN) : بد
BAD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHOIDH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	161
BARNHART	(BAD) 71
MACKENZIE:	103
BUCK:	1177-1179
ONIONS:	(BAD) 68
SKEAT:	(BAD) 43
AMINDAROV:	24
۲۴۳	برهان قاطع :
۴۷۸	فرهنگ معین :
۴۴۲۹	لخت نامه دهخدا:

WAD, VAT, VATTAR	پهلوی (PAHLAVI) :
BĒTER	کردی (KURDISH) :
FOEDARE,	لاتین (LATIN) : (شاید)
FOEDUS	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : (شاید)
BADDLE	
BAD	آلمانی (GERMAN) : (شاید)
BĒDA	لیتوانی (LITHUANIAN) : (شاید)

یادداشت:

شایعه واژه‌ی فارسی "بد" با واژه‌ی انگلیسی **BAD** هم از نظر معنی و هم از نظر آوا شگفت‌انگیز است ولی پسگشت‌های گوناگون همانی این دو واژه را مورد بحث قرار نمی‌دهد. آیا این همانی تصادفی است؟ ضمناً واجریشه‌ی هند و اروپایی -^{*}**BHU** دارای این مشتقات است: آلمانی کهن: **BOSE**; آلمانی: **BOOS** (به چم "بُوس")؛ هندی: **BOOS** (به چم "عصبانی")؛ نروژی: **BAUS** (به چم "مغورو")؛ فریزی کهن: **BÜSEN** (به چم "جنجالی بودن")؛ انگلیسی میانه: **BOSTE**؛ انگلیسی: **BOAST** (به چم "پر دادن"). میزان خوبی و اجریشه‌های -^{*}**BHU** و ^{*}**BHOIDH** معلوم نیست.

BAR	فارسی (PERSIAN): بز (به چم "سینه و پستان")
BREAST	چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*BHREUS-, *BHRUS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
BRÖST	: (SWEDISH) سوئدی اومانی (AVESTAN)
BORST	: (DUTCH) هلندی VARANG, VARANGH, VARAH پهلوی
BRJUKHO	: (RUSSIAN) روسی BAR, WAR : (PAHLAVI)
BRŪ	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن BERŪK, BEROK : (KURDISH) کردی
BROA	: (WELSH) ولزی VRAS سانسکریت (SANSKRIT)
	BRUSTS گوتیک (GOTHIC) ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	170
BARNHART	(BREAST) 115
MACKENZIE:	(BREAST) 105
BUCK:	244-248
ONIONS:	(BEAST) 116
SKEAT:	(BREAST) 73
AMINDAROV:	(BREAST) 194
۲۴۵	برهان قاطع:

یادداشت:

-۱- معنی این واژه در روسی و چند زبان دیگر: شکم.

-۲- فقط واژه‌های ژرمنی این واجریشه را می‌دهد و معتقد است که ریشه‌ی این واژه‌های ژرمنی ناشناخته است.

-۳- به همراههای ایرانی و سانسکریت این واژه اشاره‌ای نمی‌کند.

BAR, BĀR	فارسی (PERSIAN) : بُر، بَر (به چم "میوه")
FRUIT (ON A TREE)	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHORO-, *BHERMN, *BHRTIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : آلمانی	اوستایی (AVESTAN) : BERETI, BARA
GIBURT, -BĀRI	BARO-
GEBURT, -BAR	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : BARANTY
BIRTHE, : (OLD ENGLISH) : انگلیسی کهن	پهلوی (PAHLAVI) : BAR, BĀR
-BĀR	کردی (KURDISH) : -BER
BIRTH	تخاری A (TOKHARIAN A) : PARE
: (OLD CHURCH SLAVIC) : اسلاوی کهن	تخاری B (TOKHARIAN B) : PERT
BRĒME	санسکریت (SANSKRIT) : BHĀRATI, BHĀRA
پسکشتهای معرفی شده در اینجا	BHRTI, BHĀRA
REFERENCES	
POKORNÝ: 128-132	یونانی (GREEK) : PHERAM, PHOROS
MACKENZIE: 17, (FRVIT) 115	لاتین (LATIN) : FUR
MALLORY & ADAMS: BHERMN	گوتیک (GOTHIC) : GABAÚRTHS
۲۴۵	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : BÁRR
۴۸۹	نورس کهن (OLD NORSE) : BURTHR
برهان قاطع :	فریزی کهن (OLD FRISIAN) : GE BYRD
فرهنگ معین :	

بادداشت:

- ۱- این واژه با واژه‌ی "بار" (به چم "وزن سنگین" همراه است.
- ۲- معنی این واژه در زیان‌های ژرمنی: زایش، زادآوری (البته در فارسی نیز این معنی وجود دارد، مثلاً "زن باردار")
- ۳- ریشه‌ی واژه‌ی انگلیسی BARROW نیز از همین واجریشه است.

BARĀDAR	فارسی (PERSIAN) : بُرادر
BROTHER	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHRĀTER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
افغانی (پشتو) (APGHANI) : WROR	اوستایی (AVESTAN) : BRĀTAR
تخاری (TOKHARIAN A) A : PRACAR	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : BRĀTĀ
تخاری (TOKHARIAN B) B : PROCER	پهلوی (PAHLAVI) : BRĀD, BRĀDAR,
سانسکریت (SANSKRIT) : BEHRĀTAR,	کردی (KURDISH) : BARĀT, BARĀTAR
BHRĀTĀ	BIRA

BRAT	: <i>(POLISH)</i> لهستانی	PHRĀTĒR	: <i>(GREEK)</i> یونانی
BRAT	: <i>(RUSSIAN)</i> روسی	FRĀTER	: <i>(LATIN)</i> لاتین
BRAT	: <i>(SERBIAN)</i> صربی	FRÈRE	: <i>(FRENCH)</i> فرانسه
BRATR	: <i>(BOHEMIAN)</i> بوهمی	FRATELLO	: <i>(ITALIAN)</i> ایتالیایی
BROTERELIS,	: <i>(LITUANIAN)</i> لیتوانی	F RATE	: <i>(RUMANIAN)</i> رومانی
BRÖLIS		BRÖTHAR	: <i>(GOTHIC)</i> گرتیک
BRĀLIS	: <i>(LATVIAN)</i> لتونی (لتی)		: <i>(OLD SCANDINAVIAN)</i> ایسلندی کهن
BRATI	: <i>(OLD PRUSSIAN)</i> پروسی کهن	BRODHIR	
BRĀTHAIR	: <i>(OLD IRISH)</i> ایرلندی کهن	BRÖTHIR	: <i>(OLD NORSE)</i> نورس کهن
BRAWD	: <i>(WELSH)</i> ولزی	BRÖTHAR	: <i>(OLD SAXON)</i> ساکسونی کهن
BREUR	: <i>(BRETON)</i> برتونی	BÖTHER	: <i>(OLD FRISIAN)</i> فربزی کهن
BRATHAIR	: <i>(GAELIC)</i> گالیک		: <i>(OLD HIGH GERMAN)</i> آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	163
BARNHART	(BAOTHER) 120
DELAMARRE	(FRÈRE) 38
MACKENZIE:	(BROTHER) 105
BUCK:	107-108
ONIONS:	(BROTHER) 121
AMINDAROV:	(BROTHER) 194
۲۴۶	برهان قاطع :

BRUODAR	
BRUDER	: <i>(GERMAN)</i> آلمانی
BRÖTHOR , : <i>(OLD ENGLISH)</i>	انگلیسی کهن
BROTHER	: <i>(ENGLISH)</i> انگلیسی
BRÖDER	: <i>(DANISH)</i> دانمارکی
BRODER	: <i>(SWEDISH)</i> سوئدی
BROR	: <i>(NORWEGIAN)</i> نروژی
BRODER, BROEDER	: <i>(DUTCH)</i> هلندی
	: <i>(OLD CHURCH SLAVIC)</i> اسلاوی کهن
BRATRŪ, BRATŪ	

BARĀZIDAN, BARĀZ, BARĀZANDEGI	فارسی : برازیدن، براز، برازنده‌گی
BE PROPER, BE BECOMING	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :
*BHEREG- *BHRĒGH, *BHLĒGMI, *BHLIG-	هند و اروپایی : <i>(INDO-EUROPEAN)</i>
PÄLK	: <i>(TOKHARIAN B) B</i> تخاری
BHRAJATEM,	: <i>(SANSKRIT)</i> سانسکریت
BIRIAHA, BHARGAS	
PHLÉGO	: <i>(GREEK)</i> یونانی
PULGO	: <i>(LATIN)</i> لاتین
BRĀZAITI, BRĀZA,	: <i>(AVESTAN)</i> اوستایی
BARAZA	
BRAZAITI	: <i>(OLD PERSIAN)</i> پارسی باستان
BRĀZIDAN, BRĀZ	: <i>(PAHLAVI)</i> پهلوی
PÄLK	: <i>(TOKHARIAN A) A</i> تخاری

BLESK	چک : <i>(CZECH)</i>	BAÍRHTS	گوتیک : <i>(GOTHIC)</i>
BRĒSK	اسلسوینی : <i>(SLOVENIAN)</i>		ایسلندی کهن : <i>(OLD SCANDINAVIAN)</i>
BREKSHA,	لیتوانی : <i>(LITHUANIAN)</i>	BJARTR, BLIK BLIK	
BLIZGU		BJARTR	نورس کهن : <i>(OLD NORSE)</i>
BREKSHA,	لتونی (لتی) : <i>(LATVIAN)</i>	BERHT,	ساکسونی کهن : <i>(OLD SAXON)</i>
BLIZGU		BERAHT	
BERTH	: <i>(WELSH)</i>		آلمانی کهن : <i>(OLD HIGH GERMAN)</i>
REFERENCES		پسکت ها	
POKORNY:	139		
BARNHART:	(BRIGHT) 116		
DELAMARRE:	249		
MACKENZIE:	19, (GLEAM) 116		
BUCK:	1048-1050		
ONIONS:	(BRIGH) 118		
SKEAT:	(BRIGHT) 74		
۲۴۶	برهان ناطع :		

داده اشت:

این واژه در زبان های ایرانی کهن و زبان سانسکریت و زبان های ژرمنی و اکثر زبان های دیگر به معنی "درخشش" و "درخشیدن" است. حتی معنی برگرفته های پهلوی این واژه (**BARĀZ-**, **BRAZĪDAN**) دارای چم "درخشیدن" بوده اند (**MACKENZIE**)

BARBAR	فارسی : <i>(PERSIAN)</i>	بربر(به چم هرزه گویی : "یاوه")
BABBLE	چم انگلیسی سروازه هی فارسی :	
*BALBAL-, *BABAL-	هند و اروپایی : <i>(INDO-EUROPEAN)</i>	
: <i>(OLD SCANDINAVIAN)</i>		
ایسلندی کهن		
BABBLA		BERBER : <i>(KURDISH)</i>
: <i>(OLD HIGH GERMAN)</i>		
آلمانی کهن		BALBÓL- سانسکریت : <i>(SANSKRIT)</i>
BABELN		BALBALA-
: <i>(GERMAN)</i>		
آلمانی		BABAI : <i>(GREEK)</i>
PLAPPERN		BABULUS, BALBUS لاتین : <i>(LATIN)</i>
: <i>(GERMAN)</i>		
آلمانی		

BALBĀSYTL, لیتوانی (LITHUANIAN)
BLABOSITI

REFERENCES	پشت ها
POKORNY:	91-92
BARNHART:	(BABBLE) 70
ONIONS:	(BABBLE) 67
SKEAT:	(BABBLE) 42
AMINDARON:	16
۲۴۸	برهان قاطع:
۴۰۱۷	لغت نامه دهخدا:

BABLEN,	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
BABELEN		
BABBLE	: (ENGLISH)	انگلیسی
BABLE	: (DANISH)	دانمارکی
BABBLA	: (SWEDISH)	سوئدی
BABEL	: (NORWEGIAN)	نروژی
BABBELEN	: (DUTCH)	هلندی
BOLOBÓLTV,	: (RUSSIAN)	روسی
BALÁKATV		
BEBLATI, BLBLATI	: (CZECH)	چک
BLABÓL	: (BULGARIAN)	بلغاری
BLEBÉTATI	: (SERBIAN)	صربی

یادداشت:

این واژه در زیانهای مختلف هند و اروپایی این چمها را دارد: یاوه گری، گفت و شرد: گپ زنی.

BARBARI	فارسی (PERSIAN) : بربری (به چم "نامتمدن")
BARBARIAN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BARBAR, *BABAL	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
BAR-BAR, BAL-BAL	چک (CZECH)
BRBOLJITI,	صربی (SERBIAN)
BRBLJATI	
BALBĀSYTL,	لیتوانی (LITHUANIAN)
BARBARAS,	санسکریت (SANSKRIT)
BALBALĀ, BABALĀKR	
BARBAROS	يونانی (GREEK)
BARBARUS, BARBAR	لانین (LATIN)
	: (FRENCH) فرانسه

REFERENCES	پشت ها
POKORNY:	92
BARNHART:	(BARBARIAN) 76
ONIONS:	(BARBARIC) 74
SKEAT:	(BARBAROUS) 47
۴۰۱۸	لغت نامه دهخدا:

BARBARIEN, BARBARE	
BARBARO	: (SPANISH)
	: (OLD ENGLISH)
	انگلیسی کهن
BARBARYN	
BARBARIAN	: (ENGLISH)
BARBARZYNCA	: (POLISH)
BOLOBOLIT	: (RUSSIAN)

یادداشت:

- ۱- ظاهراً این واژه را مردمان هند و اروپایی برای غیر هند و اروپاییان به کار می بردند: آریایی‌های هند برای غیرآریایی‌ها، یونانیان برای غیریونانیان به ویژه ساکنان افريقای شمالی.
- ۲- معنی این واژه در اکثر زبان‌های هند و اروپایی: بیگانه، دارای لکن زبان، نامتمدن.

BORDAN	فارسی (PERSIAN): بردن (به چم حمل کردن)
CARRY, BEAR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی: چم
*BHER- *BHERTIS, *BHERŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
BEAR	انگلیسی (ENGLISH):
BARE	دانمارکی (DANISH):
BÄRA	سوئدی (SWEDISH):
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن
BIRATI, BERO	
BERÚ	روسی (RUSSIAN):
BERIŪ	لیتوانی (LITHUANIAN):
BERU	لتونی (LATVIAN):
BIE	آلбанی (ALBANIAN):
BERETIS,	اوستایی (AVESTAN):
BARAITI, BAR-	
BARANTYI,	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
BAR-	
BURDAN, BURTAN	پهلوی (PAHLAVI):
BIRĒN	کردی (KURDISH):
PÄR	تخاری (TOKHARIAN A): A
PÄR	تخاری (TOKHARIAN B): B
BHRTIS,	санسکریت (SANSKRIT):
BHÁRATI, BHR-	
REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	128
BARNHART:	(BEAR) 84
DELAMARRE:	60
MACKENZIE:	(BEAR) 104
BUCK:	707
ONIONS:	(BEAR) 83
SKEAT:	(BHER) 753, (BEAR) 52
RAMAT:	47
MALLORY & ADAMS:	BHR-
AMINDAROV:	(CARRY) 197
۲۵۳	برهان قاطع:
BEREM, BARD	ارمنی (ARMENIAN):
PHEREIN	یونانی (GREEK):
FERRE, FERŌ	لانین (LATIN):
BAIRAN	گوتیک (GOTHIC):
BERA	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
BERA	نورس کهن (OLD NORSE):
BERAN,	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
BEREN, BOREN	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
BERAN	
GEBAREN	آلمانی (GERMAN):
BERAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

- ۱- این واژه در اکثر زبان‌های هند و اروپائی دو چم دارد: بُرْدَن، گرفتن.
 ۲- چم این واژه در آلمانی و انگلیسی: زادن، بارآوردن.
 ۳- بازگشت به: باد

BORZ	بُرْز (به چم بلندی، "ارتفاع") (PERSIAN)
HEIGHT, ALTITUDE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BHEREGH, *BHERGHOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

BURG	اوستایی (AVESTAN)
-BURG	انگلیسی (ENGLISH)
BEREG	روسی (RUSSIAN)
BRAIG	ايرلندي کهن (OLD IRISH)
PARKUS, PARK-	هتیت (HITTITE)
BEREZ, BEREZAITI	: پهلوی (PAHLAVI)
BÄRK	: تخاری (TOKHARIAN A)
BRHANT-	: سانسکریت (SANSKRIT)
BRAHÁYATI	
BERJ, BARJR	: ارمنی (ARMENIAN)
BURGUS, FORCTI	: لاتین (LATIN)
BOURGS	: گوتیک (GOTHIC)
BURG, BERG, BERGAZ	: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BURG, BERG	: آلمانی (GERMAN)
BEORG	: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

REFERENCES	پسگشتهای
POKORNÝ:	140
DELAMARRE:	220
MACKENZIE:	19
۲۵۴	برهان قاطع:
۰۳	فرهنگ معین:

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: بالا
 ۲- شاید واژه‌ی "برج" که در همهٔ فرهنگ‌ها به عنوان واژه عربی آورده شده است نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی باشد. مضافاً به این که در پهلوی واژه‌ی "برج" به این صورت بوده است: BURG در ارمنی نیز واژه‌ی BERG بسیار شبیه به نظر می‌رسد. در دوران پیش از اسلام عرب‌های عربستان دارای برج و بارو نبودند و می‌دانیم که سلمان فارسی حفر "کندک" (خندق) را به آنها آموخت.

BERESHTAN, BERYAN	پوشتن، بربان	فارسی (PERSIAN) :
BROIL		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHER-, *BHRAZ-, *BURŪG-, *BHEREG		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
BARGIEL	لهستانی (POLISH)	پهلوی (PAHLAVI)
BERGLÉZU	روسی (RUSSIAN)	
BÍRGELAS	لیتوانی (LITHUANIAN)	کردی (KURDISH)
BIRGA,	لتونی (لتی) (LATVIAN)	افغانی (پشتون) (AFGHANI)
(AU)BIRGO	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)	санسکریت (SANSKRIT)
FRITA	برتونی (BRETON)	BHURAJANTA
REFERENCES		بیونانی (GREEK)
POKORNY:	137	FRIGO, FRIGERE, (LATIN)
BARNHART:	(FRY) 412	FERTUM
MACKENZIE:	(ROAST) 131	FRIRE, FRITE (FRENCH)
BUCK:	336-339	FREIR (SPANISH)
ONIONS:	(FRY) 379	FRIGGERE (ITALIAN)
SKEAT:	(FRY) 228	FRIGE, FRAJI (RUMANIAN)
AMINOAROV:	(FRY) 228	FRIGIR (PORTUGUESE)
۲۰۸	برهان قاطع :	انگلیسی میانه (MIDDLE ENGLISH)
REFERENCES		FRIEN, FRYE

BARF	برف	فارسی (PERSIAN) :
SNOW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*WEP-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
VEPRIS	لتونی (لتی) (LATVIAN)	اوستایی (AVESTAN)
		پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES		کردی (KURDISH)
POKORNY:	1149	افغانی (پشتون) (AFGHANI)
MACKENZIE:	(SNOW) 133	سانسکریت (SANSKRIT)
BUCK:	68-69	لاتین (LATIN)
AMINDAROV:	288	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
۲۰۹	برهان قاطع :	VEPRU

یادداشت:

ضمای در زبان‌های اوستایی (SNAOATHA) و پهلوی (SNÉZAG, SNÉXR) چم "برف" را داشته‌اند و ممکن است امروزه هم در گویش‌های محلی فلات ایران وجود داشته باشد. شاخه‌گیری این واژه‌ها چنین است: SNAOATHA هند و اروپایی: *SNIGWH-، *SNIGWH سانسکریت (پراکریت): SINEHA اوستایی: SNÉZA، یونانی: NIPHA، لاتین: NIVIS، NIX انگلیسی کهن: SNAW (انگلیس: SNOW)، آلمانی کهن: SNÉO (آلمانی: SHNEE)، فربزی کهن: SNÉO ساکسونی کهن: SNAR گوتیک: SNÉG (آلمانی: SNIEGAS)، اسلاوی کهن: SNÉGÜ هروسی کهن: SNAIWS ایرلندی کهن: SNECHTAE هلندی: SNEEUW نروژی: SNO دانمارکی: SNEF روسی: SNAYGIS فرانسه: NEIGE اسپانیایی: NIEVE ایتالیایی: NEVE بولهی: SNIH.

BARG	برگ (PERSIAN):
LEAF	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BHOL-, *BHEL-, *BHLET-, *BHLĒ-, *BHLŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BLADE	: انگلیسی (ENGLISH)	VAREKA	: اوستایی (AVESTAN)
BLAD	: دانمارکی (DANISH)	WARG, VALG	: پهلوی (PAHLAVI)
BLAD	: (SWEDISH)	BELG, BELCHIM,	: کردی (KURDISH)
BLAD	: (NORWEGIAN)	BERU	
BLAD	: (DUTCH)	PÄLT	: تخاری A (TOKHARIAN A) A
LAPAS	: (LITHUANIAN)	PHILLON	: یونانی (GREEK)
BILE, BLATH	: (OLD IRISH)	FOLIUM	: لاتین (LATIN)
BLAWD	: (GAULISH)	FEUILLE	: فرانسه (FRENCH)
		FOGLIA	: ایتالیایی (ITALIAN)
		LAUFS	: گوتیک (GOTHIC)
			: ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	122-123
	(BLADE) 97, (FOLIAGE)
BARNHART:	397
DELAMARRE:	(FEUILLE) 156
MACKENZIE:	(LEAF) 121
BUCK:	(LEAF) 525
SKEAT:	(FOLIAGE) 220
AMINDAROV:	(LEAF) 248
برهان قاطع:	۲۶۰

BLADH	
BLATH	: نورس کهن (OLD NORSE)
BLAD	: ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BLED	: فربزی کهن (OLD FRISIAN)
	: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BLUOT, BLAT	
BLATT	: آلمانی (GERMAN)
BLAD	: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

یادداشت:

واژه‌های انگلیسی BLOSSOM، BLOOM (و همراه‌های ژرمنی آنها) نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی آمده‌اند.

فارسی (PERSIAN) : بَرَمُوز، بَرَمُور، بَرَمَز، بَرَمَر، بَرَمَو، بَوْز (به چم "زنبور")		
BARMŪZ, BARMŪR, BARMĀZ, BARMŪ, BOOZ		
BEE		چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHEI-, *BHI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
BITIS, BĪTE	: (LITHUANIAN) لیتوانی	-BĒN (ANGŪBĒN) : (PAHLAVI) پهلوی
BITE	: (LATVIAN) لترنی (لتی)	BHRAMARA : (SANSKRIT) سانسکرت
BITTE	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	BAMBHARA
BECH	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	FŪCUS : (LATIN) لاتین
BEKOS	: (GAULISH) گالی	BY : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
BYDAF	: (WELSH) ولزی	:(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
BINI		
REFERENCES		
POKORNÝ:	116	BIENE : (GERMAN) آلمانی
BARNHART:	(BEE) 85	BÉO : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
DELAMARRE:	142	BEE : (ENGLISH) انگلیسی
MACKENZIE:	(BEE) 104	BI : (DANISH) دانمارکی
BUCK:	192	BI : (SWEDISH) سوئدی
ONIONS:	(BEE) 84	BIJ : (NORWEGIAN) نروژی
SKEAT:	(BEE) 53	: (DUTCH) هلندی
۳۱۶ و ۲۶۳	برهان قاطع :	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
۴۶۳۹	لخت نامه دخدا:	BICHELA
		VCHELA : (CZECH) چک
		VCHELA : (SLOVAK) اسلواکی

یادداشت:

۱- واژه‌ی "انگین" فارسی از "انگ" به چم "شیره و عسل" است (برهان قاطع :: ۱۷۴). واجریشه‌ی BEN از هند و اروپایی *BHI- به چم "زنبور" است. واژه‌های "انگدان" و "انجبار" و "انگوڑه" نشان می‌دهد که "انگ" به چم "شیره و شهد" است. لذا "انگین" یا "انگوین" یعنی "شیره یا شهد" زنبور.

BORNA	فارسی (PERSIAN) : برنا (به چم "جوان" و "نوجه")
YOUNG PERSON	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHORN-, *BHER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
BARN	اوستایی (AVESTAN) : سوئدی (SWEDISH)
BARN	APƏRƏNĀYU, PƏRƏNĀYU نروژی (NORWEGIAN)
BERNIÁKAS,	پهلوی (PAHLAVI) لیتوانی (LITHUANIAN)
BÉRNAS	ABURNĀY, ABURNĀYAG
BĒRNS	کردی (KURDISH) لتونی (LATVIAN) (لتی)
REFERENCES	گوتیک (GOTHIC) ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
POKORNÝ:	ساکسونی کهن (OLD SAXON) آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BARNHART:	BARN (BAIRN) 71
MACKENZIE:	(CHILD) 106
ONIONS:	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) BEARN (BAIRN) 69
SKEAT:	انگلیسی (ENGLISH) BARN (BAIRN) 44
۲۹۴	دانمارکی (DANISH) برهان قاطع :

یادداشت:

- ریشه‌ی این واژه با ریشه‌ی واژه‌ی "بردن" خوبیشی دارد.
- چم این واژه در اوستایی و پهلوی و زبان‌های زرمنی و لیتوانی و لتونی و کردی: بچه، نوباده.

BARRÉ	فارسی (PERSIAN) : برزه
SHEEP	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*WEREN, *URHEN, *URHNOS, *URNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ŪRAN, ŪRANA, VURAN	اوستایی (AVESTAN) URA-, VAREN, VAREN
GARN, GARIN	ارمنی (ARMENIAN) URAN
ARONS, WAREN	پارسی باستان (OLD IRANIAN) VARMAK, VARMAK
VERVEX	لاتین (LATIN) VARANA
BEDE	پهلوی (PAHLAVI) VARAK, WARRAG,
BARAN, BARANEK	لختانی (POLISH) VARRAN
BARRAN	اوستی (OSSETIC) WAR
BERĀNEK	سانسکریت (SANSKRIT) (RUSSIAN) چک (CZECH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1170
MACKENZIE:	(LAMB) 121
BUCK:	156-160
(MALLORY & ADAMS:	URHEN
۲۷۸	برهان قاطع:

BARANCHEK	: (SLOVAK)
VĒRAS	: (LITHUANIAN)
VAN	: (OLD IRISH)

یادداشت:

معنی این واژه در لاتین: گوپنداخته شده.

BORIDAN	فارسی (PERSIAN): بریدن
CUT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BHER-, *BHOR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	اوستایی (AVESTAN)
BORÖN, BORA	BRI-, BRAY
BOHREN, BHOR	BURIDAN, BRITAN, (PAHLAVI)
BORIAN,	پهلوی (GERMAN) : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
BOR	BRIN
BORE	BRITI
BOR	کردمی (ENGLISH) : (DANISH) دانمارکی
BORR, BORRA	BHRI-
BOR	BHRNĀTI, BHARVATI, BHRINATI
: (NORWEGIAN) نروژی	ارمنی (ARMENIAN)
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	یونانی (GREEK)
BRITI, BRETVÁ	لاتین (LATIN)
BRITI	FORARE, FERIRE
BĀRAS	FRIARE
BARS	FORARE
BIE, BORIJ	ایتالیایی (ITALIAN)
: (ALBANIAN) آلبانی	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
	BORA, BORR
	BORR, BERJA : (OLD NORSE) نورس کهن
	BER
	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن

پسگشت‌ها	REFERENCES	
(BORE) 108	POKORNY:	133
(BORE) 68, (BHER) 752	BARNHART:	(BORE) 107-108
208	MACKENZIE:	(CUT) 109
برهان قاطع:	BUCK:	(CUT) 556, (BORE) 592

یادداشت:

معنی این واژه در سانسکریت: صدمه زدن، زخمی کردن.

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: سوراخ کردن، سفتان، مته.

معنی این واژه در زبان بونانی: شخم.

فارسی (PERSIAN)	بز	
چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:		
*BHUG-, *BHŪGO-, *BHUKKOS		: (INDO-EUROPEAN)
BOCK	: (SWEDISH)	اوستایی (AVESTAN)
BUK	: (NORWEGIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
BOK	: (DUTCH)	کردی (KURDISH)
BOCC	: (OLD IRISH)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
BWCH	: (WELSH)	ارمنی (ARMENIAN)
BOC	: (GAELIC)	لاتین (LATIN)
BOUCH	: (BRETON)	فرانسه (FRENCH)
		اسپانیایی (SPANISH)
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

پسگشت‌ها	REFERENCES
174	POKORNY:
(BUCK) 122	BARNHART:
132	DELAMARRE:
(GOAT) 116	MACKENZIE:
164-166	BUCK:
(BUCK) 122-123	ONIONS:
(BUCK) 77	SKEAT:
(GOAT) 231	AMINDAROV:
BHUGOS	MALLORY & ADAMS:
برهان قاطع:	۲۷۱-۲۷۲

نورس کهن (OLD NORSE)	BUKKR
ساکسونی کهن (OLD SAXON)	BUKRR
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	BOCK
آلمانی (GERMAN)	BOC, BUKKA
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	BUCK
انگلیسی (ENGLISH)	BUCCA
دانمارکی (DANISH)	BUCK

BOZORG		بزرگ	فارسی (PERSIAN)
BIG, GREAT		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*WEG-, *WOG-, *WÖG- *WEGE-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
WACAN, : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	VAZRA : (AVESTAN)	اوستایی (AVESTAN)
WECCAN		VAZRaka, : (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
WAKE	: (ENGLISH) انگلیسی	VAZARKA	
VAAGE	: (DANISH) دانمارکی	WUZURG, BAZURG : (PAHLAVI)	پهلوی
VAKA	: (SWEDISH) سوئدی	WAŚIR : (TOKHARIAN A) A	تخاری A
VAKE	: (NORWEGIAN) نروژی	WASIR : (TOKHARIAN B) B	تخاری B
WAKEN	: (DUTCH) هلندی	VĀJA, VAJRA : (SANSKRIT)	санسکریت
		VZRUK, VZURK : (ARMENIAN)	ارمنی
REFERENCES	پسگشت ها	VEGÈRE : (LATIN)	لاتین
POKORNÝ:	1117	WAKAN : (GOTHIC)	گوتیک
BARNHART:	(WAKE) 1216	VAK : (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
MACKENZIE:	(BIG) 104	WAKÖN : (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
BUCK:	878-880	WAKIA, : (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
SKEAT:	(WAKE) 698	WAKA	
MALLORY:	49		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
۲۷۲	برهان قاطع :	WAKEN, WAHHEN	
		WACHEN	آلمانی (GERMAN)

بادداشت:

معنی این واژه در سانسکریت: نیرو، سرعت.

معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: بیدار، بیدار شدن، نظاره کردن.

معنی این واژه در زبان لاتین: شاد و خرم کردن.

BASTAN		بسقن	فارسی (PERSIAN)
BIND		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*BHENDH-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
BASTAN	: (PAHLAVI) پهلوی	BANDH-, : (AVESTAN)	اوستایی (AVESTAN)
WEBESTE	: (KURDISH) کردی	BADHNĀTI, BÁNDHANA,	
BANDAYAITI	: (SANSKRIT) سانسکریت	BASTA : (OLD PERSIAN)	پارسی باستان

BINDEN	: (DUTCH)	هلندی
BENDRAS	: (LITHUANIAN)	لیتوانی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	127
BARNHART:	(BIND) 94
DELAMARRE:	248
MACKENZIE:	(BIND) 104
BUCK:	545-546
ONIONS:	(BIND) 95
SKEAT:	(BIND) 60
AMINDAROV:	(TIED) 299
۲۷۸	برهان قاطع:

PEISMA	: (GREEK)	یونانی
-FEN- (OFFENDIX)	: (LATIN)	لانین
BINDAN	: (GOTHIC)	گوتیک
BINDA: (OLD SCANDINAVIAN)		ابسلندی کهن
BINDA	: (OLD NORSE)	نورس کهن
BINDA	: (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلانی کهن
BINTAN		
BINDEN	: (GERMAN)	آلانی
BINDAN	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
BIND	: (ENGLISH)	انگلیسی
BINDE	: (DANISH)	دانمارکی
BINDA	: (SWEDISH)	سوئدی
BINDE	: (NORWEGIAN)	نروژی

یادداشت:

۱- چم این واژه در لیتوانی: ولد، پدر یا مادر.

BA, BA-BA	فارسی (PERSIAN)	: بَعْ، بَعْ، بَعْ
BLEAT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*BLĒK- *BLĒKŌ, *BHLĒYŌ, *BHLĒD	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
BRAGE	دانمارکی (DANISH)	سانسکرت (SANSKRIT)
BLAKTA	نروژی (NORWEGIAN)	
BLATEN	هلندی (DUTCH)	یونانی (GREEK)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	لانین (LATIN)
BLĒJU		فرانسه (FRENCH)
BECZEĆ	لهستانی (POLISH)	آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BLEYAT, BLEKATI	روسی (RUSSIAN)	آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BLET, BLEJU	لتونی (LATVIAN)	BLĀZAN
		آلانی (GERMAN)
		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
		انگلیسی (ENGLISH)

پسگشت‌ها	REFERENCES	
ONIONS:	(BLEAT) 99	
SKEAT:	(BLEAT) 63	POKORNY: 155
۴۸۷۷	لغت‌نامه دهخدا:	BARNHART: (BLEAT) 98
		DELAMARRE: (PLEURER, BÈLER) 249

یادداشت:

برخی معتقدند که این واژه‌ی "آوانامی" (ONOMATOPOETIC) است ولی همانی آن در زبان‌های هند و اروپایی موجب شده که در برخی بررسی‌های واژه‌شناسی این واژه نیز پیگیری گردد.

BAGH	فارسی (PERSIAN) :	بَغْ (به چم "خدا")
GOD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*BHAGOS-, *BHAG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
BOG, BOGU	: (RUSSIAN) روسی	AVESTAN اوستایی
BŪH	: (CZECH) چک	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
BOG	: (SERBIAN) صربی	BAGA, BAGHA
BŪH	: (BOHEMIAN) بوهمی	BAK, BAGH, BAY پهلوی (PAHLAVI)
BOH	: (SLOVAK) اسلواکی	BEG کردی (KURDISH)
		BHAGA-, سانسکریت (SANSKRIT)
REFERENCES	پسگشت‌ها	BHAGVAD(-GITA)
POKORNY:	107	ARMENIAN ارمنی
MACKENZIE: (GOD) 116, (LORD) 122		PHAGOS یونانی (GREEK)
BUCK: 1464-1465		: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن
AMINDAROV: (LORD) 250		BOGŪ
۲۸۸-۲۸۹	برهان قاطع:	BÓG لهستانی (POLISH)

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "بغداد" (خداداد) نیز از همین واژه‌ی است.
- ۲- معنی این واژه در سانسکریت: بخشنده، خدا، تقسیم‌کننده.
- معنی این واژه در یونانی: ارباب
- ۳- بازگشت به: بخش

BOLAND		فارسی (PERSIAN) : بلند
HIGH, TALL		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHEREGH, *BHERGHOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
FORTIS	: (LATIN) لاتین	اوستایی (AVESTAN) :
REFERENCES	پسگشت ما	
POKorny:	140	پهلوی (PAHLAVI) :
MACKENZIE:	(HIGH) 118	کردی (KURDISH) :
۳۰۰	برهان قاطع :	سانسکریت (SANSKRIT) :
BURZ, BEREZ		BRHANT
BÜLAND		BERJ
BILIND		ARMENIAN) :
BARHA,		
BRHANT		
BERJ		

بادداشت:

بازگشت به: بالا، بزر.

BON	بن (به چم ته، بیخ درخت)	فارسی (PERSIAN) :
STEM, BASE, BOTTOM		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHUDH, *BHUNDH.		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

BODEM	: (OLD FRISIAN) فربزی کهن :(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	BŪNĀ	: (AVESTAN) اوستایی
BODAM		BUN, BŪN	: (PAHLAVI) پهلوی
BODEN	: (GERMAN) آلمانی	BUDHNĀ,	: (SANSKRIT) سانسکریت
BOTM	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	BHUDHNO, BŪNA	: (ARMENIAN) ارمنی
BOOTEN	: (ENGLISH) انگلیسی	PYTHMEN, PUTHMEN	: (GREEK) یونانی
BUND	: (DANISH) دانمارکی	FUNDUS	: (LATIN) لاتین
BOTTEN	: (SWEDISH) سوئدی	FOND	: (FRENCH) فرانسه
BODEM	: (DUTCH) هلندی	FONDO	: (SPANISH) اسپانیایی
BUN, BOND	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	FONDO	: (ITALIAN) ایتالیایی
BON	: (WELSH) ولزی	FUND	: (RUMANIAN) رومانی
BONN, BOND	: (GAELIC) گالیک	BOTN, : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	: (OLD NORSE) نورس کهن
		BYTNA	
		BOTN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
		BODAM	

<i>BUCK:</i>	855-856	<i>REFERENCES</i>	پسگشت‌ها
<i>ONIONS:</i>	(BOTTOM) 109	<i>POKORNÝ:</i>	174
<i>SKEAT:</i>	(BOTTOM) 69	<i>BARNHART:</i>	(BOTTOM) 109
<i>AMINDAROV</i>	(BOTTOM) 193	<i>DELAMARRE:</i>	(LE SOL,
۲۰۴	برهان قاطع :	<i>E FONDEMENT</i>) 49	
		<i>MACKENZIE:</i>	20,(BASE) 103

یادداشت:

۱- معنی این واژه در ایرلندی کهن: پاشنی پا.

معنی این واژه در ولزی: تنی درخت.

معنی این واژه در آلمانی: زمین، خاک.

۲- واژه‌های انگلیسی **FOUNDATION** و **FUNDAMENT** هم از همین واژه شدند.

BAND	بند (به چم "ریسمان" ، "طناب" ، "وسلیه‌ی بستن") فارسی (PERSIAN):
BAND	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*BHENDH-, *BHONDHOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
BAND	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن (AVESTAN) اوستایی
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن (OLD PERSIAN) پارسی باستان
BANT, BANTA	(PAHLAVI) پهلوی
BAND	: (GERMAN) آلمانی (KURDISH) کردی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (AFGHANI) افغانی (پشتو)
BEND, BINDAN	: (SANSKRIT) سانسکریت
BAND	: (ENGLISH) انگلیسی (BANDHA)
BAAND	: (DANISH) دانمارکی (PEISMA, PÁSM) یونانی (GREEK)
BAND	: (SWEDISH) سوئدی (-FEND (DÉFENDÓ)) لاتین (LATIN)
BAND	: (NORWEGIAN) نروژی (OFFENDÓ)
BAND	: (DUTCH) هلندی (BANDE) فرانسه (FRENCH)
BANDÁ	: (LITHUANIAN) لیتوانی (BAND) اسپانیایی (SPANISH)
BUINNE	: (IRISH) ایرلندی (BANDO) ایتالیایی (ITALIAN)
	: (BANDI) گوتیک (GOTHIC)
	BAND : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

AMINDAROV:	(BAND) 188,15	REFERENCES	پسگشت ها
۳۰۵	برهان قاطع :	POKORNY:	127
		MACKENZIE: (BAND) 17, (BOND) 105	

یادداشت:

۱- واژه ای انگلیسی BEND (انگلیسی کهن: BENDAN) نیز از معین ریشه است.

۲- بازگشت به: بتن.

BÜDAN, BÜD	فارسی (PERSIAN): بودن، بود
BE	چه انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BHEW-, *BHW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
BIM	فریزی کهن (OLD FRISIAN) : آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BIM	اوستایی (AVESTAN) : پارسی باستان (OLD PERSIAN)
BIN	آلمانی (GERMAN) : باری (BAVARIAN)
BĒON,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : بولک (BAUTA)
BĒOM	پهلوی (PAHLAVI) : کردی (KURDISH)
BE, BEEN	انگلیسی (ENGLISH) : افغانی (پشتو) (YĀST)
BEN	سانسکریت (SANSKRIT) : سانسکریت (SANSKRIT)
	ارمنی (ARMENIAN) : یونانی (GREEK)
BYTI, BYVATI	PHYEIN, PHUEIN, : (GREEK)
BYC	EATI, EIUI : لاتین (LATIN)
BYT, BIT, BYTU	FUI, FIO, ESSE : فرانسه (FRENCH)
BÍN, BÝT	FUS, ÊTRE : اسپانیایی (SPANISH)
BITI	FUI, ESTAR : ایتالیایی (ITALIAN)
BYTI	FUI, É, ESSERE : رومانی (RUMANIAN)
BÍ, BÍN, BYT	FI, FUI : پرتغالی (PORTUGUESE)
BÚTI, BÚTU	ESTAR : گوته‌یک (GOTHIC)
BÚT	BAVAN : ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BOUT,	ER, : بودن (BUD)
BÚTON	BIUM, : ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BUITH, BIUU	BIOM, : ولزی (WELSH)
BOD	

MACKENZIE:	(BE) 103
BUCK:	635-636
ONIONS:	(BE) 81
SKEAT:	(BE) 82
AMINDAROV:	(BE) 189
۳۱۴	برهان ناطع :

برونوی (BRETON) :
آلبانی (ALBANIAN) :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	146
BARNHART:	(BE) 82-83
DELAMARRE:	(ETRE) 255

یادداشت:

در اکثر زبان‌های هند و اروپائی برای صرف فعل (کارواز) "بودن" از دو واژه‌ی *ESTI- و *ES- هم امتناده می‌شود (بازگشت به: هست).

BŪS, BŪSÉ, BŪSIDAN	فارسی (PERSIAN) :	بوس، بوسه، بوسیدن
KISS, BUSS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :	
*BU-, *BHU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
BUCH		لانین (LATIN) : (شاید)
BUCHUOT	: (LATVIAN)	لتوانی (لتی) : (شاید)
BUS,	: (MIDDLE IRISH)	ایرلندی میانه
BUSÓC		
BUS	: (WELSH)	ولزی
BUS	: (GAELIC)	گالیک
BUZË	: (ALBANIAN)	آلبانی
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	103	
BUCK:	1113-1115	
ONIONS:	(BUSS) 130	
SKEAT:	(BUSS) 82	
۳۱۷	برهان ناطع :	

BASIATIO, لاتین (LATIN) : (شاید)
 BĀSIĀRE, فرانسه (FRENCH) : (شاید)
 BAISER, اسپانیایی (SPANISH) : (شاید)
 BUZ, BESO, ایتالیایی (ITALIAN) : (شاید)
 BACIO, رومانی (RUMANIAN) : (شاید)
 BACIARE, پرتغالی (PORTUGUESE) : (شاید)
 BUZĂ, بروگی (BULGARIAN) : (شاید)
 BEIJAR, آلمانی (GERMAN) : (شاید)
 BUSS, BUSSEN, انگلیسی (ENGLISH) : (شاید)
 PUSS, سوئدی (SWEDISH) : (شاید)
 BUZIA, لهستانی (POLISH) : (شاید)
 BUCHIUOTI, لیتوانی (LITHUANIAN) : (شاید)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانی و ولزی: لب، لب و لوچه.

BŪF, BŪM	فارسی (PERSIAN) : بوف، بوم (به چم "جفده")
OWL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*ULŪKOS, *BH(E)U-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
VIL : (DUTCH) هندی (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	پهلوی (PAHLAVI) سانسکریت (SANSKRIT)
BUK-	ارمنی (ARMENIAN)
BAKAC : (POLISH) لهستانی	یونانی (GREEK)
BUH : (BULGARIAN) بلغاری	لاتین (LATIN)
BÚHNUTI : (SERBIAN) صربی	فرانسه (FRENCH)
HULULER, : (LITHUANIAN) لیتوانی	اسپانیایی (SPANISH)
BAUBLIS	ایتالیایی (ITALIAN)
BÜKSHKĒT : (LATVIAN) لتونی (لتی)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	97-98
BARNHART:	(OWL) 793
DELAMARRE:	(HIBOU) 141
MACKENZIE:	(OWL) 126
ONIONS:	(OWL) 638
SKEAT:	(OWL) 420
MALLORY & ADAMS:	B(E)U-
۴۱۹	برهان قاطع:

یادداشت:

- ۱- ریشه‌ی این واژه در هیچ‌گدام از مراجع فارسی در دسترس من پیگیری نشده است.
- ۲- برخی از واژریشه شناسان اصل این واژه را "گونه‌ای "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) می‌دانند، یعنی این واژه به تقلید از آوای جفده به وجود آمده است. در هر حال، برداشت زبان‌های هند و اروپایی از این آوا ویژه‌ی آنهاست و با واژه‌های موجود در زبان‌های غیرهند و اروپایی فرق دارد.

BŪM	بوم (به چم "سرزمین" ، "زمینه")	: (PERSIAN)
LAND, COUNTRY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*BHŪ-, *BHEU-, *BHOU-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	147	اوستایی (:AVESTAN)
MACKENZIE:	20, (LAND) 121 (COUNTRY) 108	پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
BUCK:	15-17	پهلوی (:PAHLAVI)
٣٢٠	برهان قاطع :	санسکریت (:SANSKRIT)
		BHUMAN
		BOIS, BUSOY
		: (ARMENIAN) ارمنی

یادداشت:

معنی این واژه در سانسکریت: زمین، جهان.

BŪIDAN, BŪ	بوییدن، بو	: (PERSIAN)
SMELL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*BHU-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
BUNDRÚS, : (LITHUANIAN)	لیتوانی	اوستایی (:AVESTAN)
BUNDÚ		BAODHA, BAODHÍ, BAOITHÍ
BAUMA, BAŪME : (LATVIAN)	لتونی (لنی)	پهلوی (:PAHLAVI)
BUIDE : (OLD IRISH)	ایرلندی کهن	BŌDH
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	150-151	BIHNL, BON, : (KURDISH) کردی
MACKENZIE:	(SMELL) 133	BONKIRDIN
BUCK:	1022-25	BUY : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
٣١١	برهان قاطع :	BUDH- سانسکریت (:SANSKRIT)
		BOI : (ARMENIAN) ارمنی
		PYSTIS : (GREEK) یونانی

یادداشت:

- معنی این واژه در سانسکریت و یونانی: بو بردن، آگاه شدن، بررسی کردن
- به احتمال زیاد این راجربیشه با راجربیشه BHEUDH- است (به چم "بیدار شدن" و "آگاه شدن") خویشی نزدیک دارد (بازگشت به: 92 .(ONIONS: 93, SKEAT: 59, BARNHART:

BEH	فارسی (PERSIAN) : به- (مثلًا در "بهتر" یا "روزبه")
BENE- (AS IN BENEFATOR)	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*BHĀD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	VATHU-, VOHU, اوستایی (AVESTAN)
VESELU	VAHYA, VANGHA
VESELÝ : (CZECH) چک	VAHYAH, پارسی باستان (OLD PERSIAN)
VESELS : (LATVIAN) لتوانی (لتی)	VAHU
FÓ, FEB : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	VEH, BĒH, WEH پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES	BI-, BI(JARE) کردی (KURDISH)
POKORNY: 106	BEH, : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
BARNHART: (BENEFATOR) 88	BEH(TAR)
DELAMARRE: (BON, BIEN) 237	WSE : تخاری A (TOKHARIAN A)
MACKENZIE: (BETTER) 104	YASI, WESŪ : تخاری B (TOKHARIAN B)
AMINDAROV: (BETTER) 191	VĀSU, سانسکریت (SANSKRIT)
۳۲۳	VASTĪYĀN
برهان قاطع :	FUROS یونانی (GREEK) : (شاد) شابد
	BENE-, BONUS لاتین (LATIN) : (شاد) شابد

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: بهتر
- ۲- بازگشت به: هو

BAHĀR	فارسی (PERSIAN) : بهار
SPRING (TIME)	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*VES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
GARUN, GARNAN : (ARMENIAN) ارمنی	VANRI, VĀHAR, اوستایی (AVESTAN)
ÉAR, EATH : (GREEK) یونانی	VAHRI, VASRI
VĒR, VĒRIS : (LATIN) لاتین	·VAHĀRA : (OLD PERSIAN)
: (OLD FRENCH) فرانسه کهن	WAHAR, VAHĀR پهلوی (PAHLAVI)
PRIMEVOIRE	BIHAR کردی (KURDISH)
PRIMAVERA : (SPANISH) اسپانیایی	VĀSAR, VASAN, سانسکریت (SANSKRIT)
PRIMAVERA : (ITALIAN) ایتالیایی	VASANTĀS

VĀSARA	لیتوانی : (LITHUANIAN)
VASARĀ,	لتونی (لتی) : (LATVIAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1174
DELAMARRE:	(PRINTEMPS) 196
MACKENZIE:	(SPRING) 134
BUCK:	1013-1016
AMINDAROV	291
۳۲۳	برهان قاطع :

PRIMAVERA	رومانی : (RUMANIAN)
VĀR	نورس کهن : (OLD NORSE)
VAAR	دانمارکی : (DANISH)
VÄR	سوئدی : (SWEDISH)
VAR	نروژی : (NORWEGIAN)
	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)
VESNA	
WIOSNA, WIOSENNY	لهستانی : (POLISH)
VESÉNNIJ	روسی : (RUSSIAN)
VESNA	بوهمی : (BOHEMIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان های لیتوانی و لتونی؛ تابستان.

BAHTAR	فارسی (PERSIAN) : بهتر
BEHTAR	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*BHAD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : (شاید)	BETERA,BET,
انگلیسی (ENGLISH) : (شاید)	BETTER
دانمارکی (DANISH) : (شاید)	BEDR
سوئدی (SWEDISH) : (شاید)	BÄTTRE
هلندی (DUTCH) : (شاید)	BETER

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1175
BARNHART:	(BETTER) 91
DELAMARRE:	(BON, BIEN) 237
MACKENZIE:	(BETTER) 104
ONIONS:	(BETTER) 91
SKEAT:	(BETTER) 58
۵۱۰۸	لخت نامه دخدا:

HUBATHRA	اوستایی (AVESTAN) :
WEH, VEH	پهلوی (PAHLAVI) :
BIJARE	کردی (KURDISH) :
BETAR	بلوچی (BALUCHI) :
BEHTAR	افغانی (پشتر) (AFGHANI) :
BATIZA	گریتک (GOTHIC) : (شاید)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : (شاید)
BETRI, BETR	
BETRI	نورس کهن (OLD NORSE) : (شاید)
BETIRO	ساکسونی کهن (OLD SAXON) : (شاید)
	فریزی کهن (OLD FRISIAN) : (شاید)
BETERA, BET	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : (شاید)
BEZZIRO, BAL	
BESSER	آلمانی (GERMAN) : (شاید)

یادداشت:

۱- بازگشت به: به.

۲- نقط ریشه‌های ژرمنی این واژه را پیگیری نمی‌کند.

BAHR	بهر (به چم "سهم"؛ "قسمت" و "حصه") فارسی (PERSIAN)
PORTION, PART	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BHAG-, *BHAGOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
BOGU	BAG-, BHAGA اوستانی (AVESTAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	107
DELAMARRE:	71
MACKENZIE:	(PART) 126
BUCK:	1097
AMINDAROV:	(PART) 265
۳۲۴	برهان قاطع:

BAXTRA	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
BAHR, BAHAG	پهلوی (PAHLAVI)
BEHR	کردی (KURDISH)
PĀK	تخاری A (TOKHARIAN A)
PĀKE	تخاری B (TOKHARIAN B)
BHĀGA-	санسکریت (SANSKRIT)
BHAJ, BHAJATI, BHADRĀ, BHAGYA	
BOGATU	ارمنی (ARMENIAN)
PHAGOS	يونانی (GREEK)

یادداشت:

واژه‌های "برخ" و "برخه" و "بخش" نیز از همین ریشه‌اند.

BI	بی (به چم بدون) فارسی (PERSIAN)
WITHOUT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*BHE-, *BHEGHIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	112-113
DELAMARRE:	(SANS) 299
MACKENZIE:	(WITHOUT) 140
۳۲۰	برهان قاطع:

BĒ, ABĒ, BĒAS	پهلوی (PAHLAVI)
BAHIS	سانسکریت (SANSKRIT)
BĒ	يونانی (GREEK)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
BĒZ	
BĒ	لیتوانی (LITHUANIAN)
BEZ	لتونی (LATVIAN)

BĒD, BID		بید	: (PERSIAN) فارسی
WILLOW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*WEGH-, *WET-		هند و اروپایی	: (INDO-EUROPEAN)
VĒTVA		VAĒITY	: (AVESTAN) اوستایی
VĒTVINA	: (RUSSIAN) روسی	WĒD, VĒT	: (PAHLAVI) پهلوی
VĒTEV	: (CZECH) چک	BI	: (KURDISH) کردي
VETVA	: (SLOVAK) اسلواکی	VĒTĀ, VĒTASĀ-,	: (SANSKRIT) سانسکریت
VÝTLI, VYTÍS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	VITÁ, VEĒTRA	
VĪTUOLS	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)	ITÉA	: (GREEK) یونانی
WITWAN, : (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن		VITIS	: (LATIN) لاتین
WITAN		VIDIR	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
FEITH	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	WILGIA	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
GWDEN	: (WELSH) ولزی	WILIG	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
			: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
REFERENCES		پسگشت ها	
POKORNY:		1122	
BARNHART:	(WILLOW)	1237	
DELAMARRE:	(SAULE)	172	
MACKENZIE:	(WILLOW)	140	
ONIONS:	(WILLOW)	1007	
SKEAT:	(WILLOW)	716	
۳۳۲	برهان قاطع :		

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های لاتین و ایرلندی کهن و ولزی: درخت انگور، تاک.
چم این واژه در زبان اسلاوی: شاخه

۲- DELAMARRE, SKEAT, BARNHART ریشه‌ی واژه‌های ژرمی این واژه را از واژه راجه شاهی هند و اروپایی *WELIKYA یا *WEL می‌دانند ولی POKORNY ضمن بحث در مورد واژه شاهی *WET (صفحه ۱۱۴۰) ذکری از واژه‌های ژرمی این فهرست نمی‌کند و آنها را وابسته به واژه شاهی *WET می‌داند (صفحه ۱۱۲۲).

BĒDĀR	فارسی (PERSIAN) : بیدار
AWAKE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*BHEUDH-, *BHU-, *BHEDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : (شاید)
BID	: (ENGLISH) انگلیسی
BEDE	: (DANISH) دانمارکی
BEDJA	: (SWEDISH) سوئدی
BIDDED	: (DUTCH) هلندی
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
BUDITI	
BUZHŪ, BUDITU	: (RUSSIAN) روسی
BUNDU	: (LITHUANIAN) لیتوانی
BUIDE	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
REFERENCES	پیگشت‌ها
<i>POKORNY:</i>	114, 150
<i>BARNHART:</i>	(BID) 92
<i>MACKENZIE:</i>	(WIGRAD) 103
<i>ONIONS:</i>	(BID) 93
<i>SKEAT:</i>	(BHEUDH) 752, (BID) 59
۶۲۱	فرهنگ معین :
۵۱۶۳	لغت‌نامه دهخدا :
BIA	نورس کهن (OLD NORSE)
BIODAN	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BIDDA,	فربزی کهن (OLD FRISIAN)
BIADA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BIOTAN, BITTEN	آلمانی (GERMAN)
BITTEN, BIETEN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
BIDAN	

یادداشت:

- ۱- پیگیری واجریشه‌ها و واژه‌های فهرست فوق احتمالی است و واژه‌ی "شاید" که در صدر فهرست بکار رفته باید شامل همهٔ واژه‌های فهرست (به جز پهلوی) گردد.
- ۲- **BARNHART** واجریشه‌های ***BHEUDH**, ***BHEDH** را به طور توانمداده است ولی **POKORNY** و دیگران آنها را جداگانه داده‌اند.

BIST		بیست	فارسی (PERSIAN) :
TWENTY		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*WIKMATI, *WIKMTI		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
ZWANZIG	: (GERMAN) آلمانی	VISAITI	: (AVESTAN) اوستایی
TWENTIG	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	WIST, VIST	: (PAHLAVI) پهلوی
TWENTY	: (ENGLISH) انگلیسی	INSÄI	: (OSSETIC) اوستی
TYVE	: (DANISH) دانمارکی	BIST	: (KURDISH) کردی
TJUE, TYVENDE	: (NORWEGIAN) نروژی	WIKI	: (TOKHARIAN A) A تخاری
TWINTIG	: (DUTCH) هلندی	IKE	: (TOKHARIAN B) B تخاری
DWADZIESCIA	: (POLISH) لهستانی	VIMŚATÍ	: (SANSKRIT) سانسکریت
DVACET	: (CZECH) چک	KSAN	: (ARMENIAN) ارمنی
DVADSAT	: (SLOVAK) اسلواکی	DECAS, EÍCHOSI	: (GREEK) یونانی
FICHE,	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	VIGNITI, VI-GINTI	: (LATIN) لاتین
FICHET		VINGT	: (FRENCH) فرانسه
UCIENT	: (WELSH) ولزی	VEINTE	: (SPANISH) اسپانیایی
REFERENCES	پسگشت‌ها	VENTI	: (ITALIAN) ایتالیایی
POKORNÝ:	1177	DOUĀZECI	: (RUMANIAN) رومانی
BARNHART:	(TWENTY) 1178	VINTE	: (PORTUGUESE) پرتغالی
DELAMARRE:	(VINGT) 215	TIGJUS,	: (GOTHIC) گریک
MACKENZIE:	(TWENTY) 137	TWAITIGJUS	
ONIONS:	(TWENTY) 951		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
SKEAT:	(TWENTY) 674	TUTTUGU	
AMINDAROV:	(TWENTY) 302	TWĒNTIG	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
TRAUPMAN:	(TWENTY) 677	TWINTICH	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
۳۳۶	برهان قاطع:	ZUEINZUC	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

BĒSH	بیش (به چم گیاهی زهرین، «زهر»)	فارسی (PERSIAN) :	
POISONOUS PLANT, POISON		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
* WEIS-, * WISO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
BĒSH, WISH	: (PAHLAVI) پهلوی	VISHA, VISH-	: (AVESTAN) اوستایی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	1137
MACKENZIE:	(POISON) 127
BUCK:	لخت نامه دخدا:
۳۳۸	برهان قاطع:
۶۲۷	فرهنگ معین:

VISA, VIS-	: (SANSKRIT)
GĒSH	: (ARMENIAN)
ĪOS	: (GREEK)
VİRUS	: (LATIN)
FI	: (MIDDLE IRISH)

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: لاش، جد.

BĒM	فارسی (PERSIAN): بیم (به چم ترس، "باک")
FEAR	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*BHI-, *BHEI-, *BHEYŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

BOJAZN	: (POLISH)	لهستانی	BYAH-, BAYENTE, : (AVESTAN)
BOJAZN	: (RUSSIAN)	روسی	BYENTE, BIWIVA
BOJAZAN	: (SERBIAN)	صربی	BIĀTWEI : (OLD PERSIAN)
BÁZEN	: (BOHEMIAN)	برهمی	BĪM, BIMGĒN, : (PAHLAVI)
BAIMÉ, BAILÉ,	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	BĒSĀND
BIJOTI, BIJOS			سانسکریت (SANSKRIT)
BAILES,	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)	BHIA-, BHIMA, BIBHÉTI, BHAYÁTE
BITIËS BIJUOS, BISTUOS			پیرانی (GREEK) : (ثابد)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	161
DELAMARRE:	(CRAINDRE) 247
MACKENZIE:	(BIM) 18
BUCK:	1153
۳۴۰	برهان قاطع:

BEDSE, BOJANI BAJATI, BOJETU	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BIFA, BIFRA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BIBĒN, BIBET	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
BEOFIAN	: (OLD CHURCH SLAVIC)
	اسلاوی کهن

یادداشت:
بازگشت به: باک

BĒNĒ		بینی	: (PERSIAN)
NOSE		چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*NAS-, *NĀS-, *NES-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
NŌS	: (NORWEGIAN)	نروژی	: اوستایی (AVESTAN)
NEUS	: (DUTCH)	هلندی	: پارسی باستان (OLD PERSIAN)
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	: پهلوی (PAHLAVI)
NOSŪ, NĀS-			: کردی (KURDISH)
NOS	: (POLISH)	لهستانی	: سغدی (SOGHDLAN)
NOS	: (RUSSIAN)	روسی	: سانسکریت (SANSKRIT)
NOS	: (CZECH)	چک	: یونانی (GREEK)؛ (شاید)
NOS	: (SERBIAN)	صربی	: لاتین (LATIN)
NOS	: (BOHEMIAN)	بوهمی	: فرانسه (FRENCH)
NOS	: (SLOVAK)	اسلواکی	: اسپانیایی (SPANISH)
NŌSIS	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	: ایتالیایی (ITALIAN)
NOZY	: (OLD PRUSSIAN)	پروسی کهن	: رومانی (RUMANIAN)
			: پرتغالی (PORTUGUESE)
			: ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES		پسگشت‌ها	
POKORNÝ:		755	
BARNHART:	(NOSE)	710	نورس کهن (OLD NORSE)
DELAMARRE:	(NEZ)	104	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
MACKENZIE:	(NOSE)	125	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BUCK:		227	
ONIONS:	(NOSE)	615	آلمانی (GERMAN)
SKEAT:	(NOSE)	403	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
AMINDAROV:	(NOSE)	260	
۲۱۳۵-۲۱۳۶ و ۳۴۱	برهان قاطع:		انگلیسی (ENGLISH)
۵۲۹۳	لغت نامه دهخدا:		دانمارکی (DANISH)
			سوئدی (SWEDISH)

BAYŪGANI, VAYŪGANI	بیوگانی، ویوگانی (به چم "عروسی")	فارسی (PERSIAN)
WEDDING, MARRIAGE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*WADH-, *WEDHŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)	
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) (شاید)	VADHUPA	: AVESTAN
VEDQ	VAYŪDAGĀN	: PAHLAVI
VESTI روسی (RUSSIAN) (شاید)	BŪK	: KURDISH
VADAS, لیتوانی (LITHUANIAN) (شاید)	WĀDE	: AFGHANI (پشتون)
VEDU, VĀDUOTI	VADHŪS, VAH-	: SANSKRIT
VAUŌT لتونی (لتی) (LATVIAN) (شاید)	VĀDHAYEITI	
FEDID ایرلندی کهن (OLD IRISH) (شاید)	VAS, VADIS	: LATIN (شاید)
UWATE هتیت (HITTIE) (شاید)	WADI,	: GOTHIC (گوتیک) (شاید)
	GAWADJON	
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	1109	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)
BARNHART:	(WED) 1225	VEDJA, VEDH
DELAMARRE:	291	آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)
MACKENZIE:	89, (MARRIAGE) 123	WETTI, WETTON
(BUCK):	101-102	آلانی (GERMAN) (شاید)
ONIONS:	(WED) 997	WETTE, WETTEN
SKEAT:	(WED) 705	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)
AMINDAROV:	(BRIDE) 197	WED,
۲۳۰۲ و ۳۴۲	برهان قاطع:	انگلیسی (ENGLISH) (شاید)

یادداشت:

- به جز واژه‌های هند و ایرانی، بقیه‌ی واژه‌های این فهرست محتمل هستند و به همین دلیل جلو آنها (شاید) آمده است.
- واژه‌های فارسی "بیوگ" و "بیوگ" و "بیو" و بهمچنین واژه‌ی کردی BŪK با واژه‌های هند و ایرانی فهرست فوق خوبیشی نزدیک دارند.

BÉVÉ		بیوه	فارسی (PERSIAN) :
WIDOW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*WIDHÉWĀ, *WIDHOWĀ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
WDOVA	: (POLISH) لهستانی	VITHAVA, VIDHAVA: (AVESTAN)	اوستایی
VDOVA	: (RUSSIAN) روسی	WĒWAG, VĒVAG : (PAHLAVI)	پهلوی
VDOVA	: (CZECH) چک	BĒWE, BĒWEJIN : (KURDISH)	کردی
VDOVA	: (SERBIAN) صربی	VIDHÁVĀ : (SANSKRIT)	سانسکریت
VDOVA	: (BOHEMIAN) برهمنی	ĒITHEOS : (GREEK)	یرنانی
VDOVA	: (SLOVAK) اسلواکی	VIDVA, VIDVUS : (LATIN)	لاتین
WIDDEWŪ : (OLD PRUSSIAN)	پروسی کهن	VEUVE : (FRENCH)	فرانسه
FEDB	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	VIUDA : (SPANISH)	اسپانیایی
GWEDDW	: (WELSH) ولزی	VEDOVA : (ITALIAN)	ایتالیایی
		VADUVĀ : (RUMANIAN)	رومانی
		VIUVA : (PORTUGUESE)	پرتغالی
		WIDUWŌ : (GOTHIC)	گوتیک
			آلمانی کهن
		WITUWA	آلمانی
		WITWE : (GERMAN)	
		WIDEWE : (OLD ENGLISH) کهن	انگلیسی کهن
		WIDOW : (ENGLISH)	انگلیسی
		WEDUWE, WEEUW : (DUTCH)	هلندی
			اسلاوی کهن
		VIDOVA	
REFERENCES		پسگشت ها	
POKORNY:		1127-1128	
BARNHART:	(WIDOW)	1235	
DELAMARRE:	(VEUVE)	43	
MACKENZIE:	(WIDOW)	140	
BUCK:		131	
ONIONS:	(WIDOW)	1006	
SKEAT:	(WIDOW)	7/5	
۳۴۳	برهان قاطع :		

PA		پا	فارسی (PERSIAN) :
FOOT		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*PED-, *PĒD-, *POD-, *PÔD-, *PÔT-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
PSHA	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)	PÄDHA : (AVESTAN)	اوستایی
PE, PEM	: (TOKHARIAN A) A تخاری A	PÄD : (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
PAI, PAINE	: (TOKHARIAN B) B تخاری B	PAY, PÄY, PÄD : (PAHLAVI)	پهلوی
	سانسکریت (SANSKRIT)	FAD : (OSSETIC)	اوستی
PÄT, PADÁS, PAP		PAI, PĒ : (KURDISH)	کردی

FOT	: (NORWEGEAN)	نروژی	: (ARMENIAN)	ارمنی
VOET	: (DUTCH)	هلندی	: (GREEK)	يونانی
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن		: (LATIN)	لاتین
PESHT			: (FRENCH)	فرانسه
PEDĀ	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	: (SPANISH)	اسپانیایی
PĒDA	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)	: (ITALIAN)	ایتالیایی
ÍS	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن	: (RUMANIAN)	رومانی
POSH	: (ALBANIAN)	آلбанی	: (PORTUGUESE)	پرتغالی
PATA, PADAN	: (HITTITE)	هتب	: (GOTHIC)	گوتیک
			: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
FÖTR				
POKORNY:	790		نورس کهن	(OLD NORSE)
BARNHART:	(FOOT) 398		ساکسونی کهن	(OLD SAXON)
DELAMARRE:	(PIED) 107		فریزی کهن	(OLD FRISIAN)
MACKENZIE:	(FOOT) 115		آلمانی کهن	(OLD HIGH GERMAN)
BUCK:	243-244		آلمانی	(GERMAN)
ONIONS:	(FOOT) 368		انگلیسی کهن	(OLD ENGLISH)
SKEAT:	(FOOT) 220		انگلیسی	(ENGLISH)
۲۴۴	برهان قاطع:		دانمارکی	(DANISH)
			سوئدی	(SWEDISH)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	790
BARNHART:	(FOOT) 398
DELAMARRE:	(PIED) 107
MACKENZIE:	(FOOT) 115
BUCK:	243-244
ONIONS:	(FOOT) 368
SKEAT:	(FOOT) 220
۲۴۴	برهان قاطع:

یادداشت:

معنی این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: جای پا، رد پا.

معنی این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن: زیر، نخت.

yad ≠ yar

PAḌ, PAD	پاد، پد (به چم "مخالف"، "ضد" مثلاً در واژه‌ی "پادزهر")	فارسی (PERSIAN)
ANTI-		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*PRETI-, *PROTI-, *POTI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت ها	
POKORNY:	842	اوستایی (AVESTAN)
DELAMARRE:	(CONTRE) 301	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
MACKENZIE:	(ANTIDOTE) 102	پهلوی (PAHLAVI)
۶۴۸	فرهنگ معین: ۰۶۴۷ (پادزهر)	санسکریت (SANSKRIT)
۵۳۲۹	لغت نامه دمخدا:	يونانی (GREEK)
		لیتوانی (LITHUANIAN)

PĀD	فارسی (PERSIAN) : پاد-، پات. (مثلاً در "پادشاه")	
POWER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :	
* PATA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : (اُز فرانسه کهن)	اوستایی (AVESTAN) : PATHNI-, PAITI-	
POĒR, POUAIR	(از فرانسه کهن)	(OLD PERSIAN) : پارسی باستان
POWER	انگلیسی (ENGLISH) : (OLD CHURCH SLAVIC) : اسلامی کهن	پهلوی (PAHLAVI) : PADIXSHAYA-, PATI-
GOSPADE		اوستی (OSSETIC) : PATCAX
PATĪ, PĀTS	لیتوانی (LITHUANIAN) : (LATVIAN) : (تُونی (لتی))	تخاری A (TOKHARIAN A) : PATS
PATS, PATI		سانسکریت (SANSKRIT) : (SANSKRIT)
PATTIN-	: (OLD PRUSSIAN) : (پروسی کهن)	PĀTIS, PATNI, PATI-
-PAT	هیت (HITTITE) : (HITTITE)	یونانی (GREEK) : POSIS
REFERENCES	پگشت‌ها	
POKORNY:	842	
MACKENZIE:	63, (RULER) 131	
BUCK:	295-298	
SKEAT:	(POWER) 469	
۳۴۸	برهان قاطع :	

PĀR, PĀSĀL, PĀRIN	فارسی (PERSIAN) : پار، پارساں، پارین (به چم "سال گذشته")	
LAST YEAR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :	
*PERUT-, *PERUTI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
VERT : (OLD HIGH GERMAN) : (آلمانی کهن)	اوستایی (AVESTAN) : PAURVA	
PÉRNAI	لیتوانی (LITHUANIAN) : (پرسنی)	پارسی بورستان (BLD PERSIAN) : PARUVA-
ONN-URID	: (OLD IRISH) : (ایرلندی کهن)	اوستی (OSSETIC) : FARĀ, FARON
REFERENCES	پگشت‌ها	
DELAMARRE:		
(L'AN DERNIER) 298		
۳۴۹	برهان قاطع :	
۵۳۳۷ - ۵۳۳۸ و ۵۳۵۲	لغت نامه دمحدا :	

PRS, PALANG	پارس، پلنگ	فارسی (PERSIAN):
PANTHER, LEOPARD		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PERD, *PERKS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پنگشت‌ها	
BARNHART:		پهلوی (PAHLAVI)
(PARD) 757, (LEOPARD) 589		کردي (KURDISH)
MACKENZIE:	(LEOPARD) 121	انغاني (پشتو) (AFGHANI)
ONIONS:		سانسکريت (SANSKRIT)
(PARD) 651, (LEOPARD) 523		يوناني (GREEK)
SKEAT:		لاتين (LATIN)
(PARD) 429, (LEOPARD) 337		فرانسه (FRENCH)
MALLORY & ADAMS:	PERD	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
۴۱۶ و ۳۵۰	برهان قاطع:	انگلیسی (ENGLISH)

یادداشت:

- ۱- بیشتر واجریشه شناسان معتقدند که این واژه از زبان‌های هند و ایرانی به یونانی و سپس به لاتین و غیره رفته است.
 ۲- در اکثر زبان‌های اروپایی واژه‌های PARD جای خود را به LEOPARD (LION + PARD) داده است.

PARÉ	پاره (به چم نخش، قطعه)	فارسی (PERSIAN):
PART, PORTION, PIECE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PER-, *PER_θ, *PR-TIS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
PARTE, PARTIR	: (SPANISH)	اوستاني (AVESTAN)
اسپانیایی		
PARTE, PARTIRE	: (ITALIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
ایتالیایی		
PARTE	: (RUMANIAN)	بلوچی (BALUCHI)
روماني		
PARTE, PARTIR	: (PORTUGUESE)	انغاني (پشتو) (AFGHANI)
برتغالی		
PART	: (ENGLISH) (از فرانسه)	سانسکريت (SANSKRIT)
انگلیسی		
PERKŪ, PIRKTI	: (LITHUANIAN)	<u>PURTÁ-</u> , <u>PURTIS</u>
لیتوانی		
RANN	: (OLD IRISH)	يوناني (GREEK)
ایرلندی کهن		
PHAN	: (WELSH)	<u>PERÁSÓ, EPERASA</u>
ولزی		
RANNOU	: (BRETON)	لاتين (LATIN)
برتونی		
PARSH-, PARSIYA	: (HITTITE)	فرانسه (FRENCH)
هبت (HITTITE)		
		PART, PARTIE, PARTIR

BUCK:	(PART) 933-934	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:		POKORNY:	817
(PART) 653-654, (PORTION) 698		BARNHART:	
SKEAT:	· (PART) 431	(PART) 759, (PROPORTION) 850	
AMINDAROV:	(PART) 265	DELAMARRE:	
۳۰۱	برهان قاطع:	(PART, SALAIRE) 203	
		MACKENZIE:	(PART) 126

بادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: پاداش، مزد.

چم این واژه در زبان لیتوانی: خریدن.

چم این واژه در زبان یونانی: فروختن.

PAS	پاس (مثلاً در واژه‌های "پاسبان" و "پاسدار" و "پاس دادن")	فارسی (PERSIAN):
GUARD, WATCH, LOOKOUT		چشم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*SPEK-, *SPEKYÖ-, *SPEÖN-, *SPOK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SPAHEN	: (GERMAN) آلمانی	: (AVESTAN) اوستایی
ESPY, SPY	: (ENGLISH) انگلیسی (از فرانسه)	
SPAA	: (DANISH) دانمارکی	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
SPĀ	: (SWEDISH) سوئدی	: (PAHLAVI) پهلوی
SPĀ	: (NORWEGIAN) نروژی	: (PAHLAVI) پهلوی
SPIEDEN	: (DUTCH) هلندی	: (KURDISH) کردی
PASHË	: (ALBANIAN) آلبانی	: (TOKHARIAN B) بخاری
		: (SANSKRIT) سانسکریت
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	984	SPÁSATI, PÁSYATI, SPÁS-, PAS-
BARNHART:	(SPY) 1053	SPASEM : (ARMENIAN) ارمنی
DELAMARRE:		: (GREEK) یونانی
	(OBSERVER, ÉPIER) 283	SKOPEIN, SKEPTOMAI, :
MACKENZIE:	(PAS, PÄSBÄN) 65	SPECIÖ, SPECERB : (LATIN) لاتین
ONIONS:	(SPY) 858	EPIER : (FRENCH) فرانسه
SKEAT:	(SPY) 593	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
۳۰۲	برهان قاطع:	SPA, SPEJA : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
		SPEHÖN

PĀSHNĒ, PĀSHNĀ	پاشنه، پاشنا (به چم "پاشنه‌ی پا") فارسی (PERSIAN):
HEEL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PERSNĀ, *SNI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
PIERSIN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	PĀSHNA : (AVESTAN) اوستایی
REFERENCES	پسگشت‌ها
DELAMARRE:	106
MACKENZIE:	(HEEL) 117
AMINDAROV:	(HEEL) 235
۳۰۴-۳۰۰	برهان قاطع:
۶۶۴	فرهنگ معین:
PUNDA : (AFGHANI) افغانی (پشتو)	PĀSHNAG, PĀSHNAK : (PAHLAVI) پهلوی
PERNA : (LATIN) لاتین	KRD : (KURDISH) کردی
FAIRSNA : (GOTHIC) گوتیک	PE'NI, PEHNI, PĀSŪNE
PĀRSNI, PARSHNI,	

PĀK, PĀKIIÉ	پاک، پاکیزه فارسی (PERSIAN):
PURE, CLEAN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PŪ-, *PEU-, *PEWE-, *PUTOS, *PUROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
VAWEN : (MIDDLE GERMAN) آلمانی میانه	PŪITIKA : (AVESTAN) اوستایی
ŪR : (MIDDLE PERSIAN) ایرانی میانه	PĀK : (PAHLAVI) پهلوی
IR : (WELSH) ولزی	PAVĀ, PĀK, PAVAK, PAVAG
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	827
BARNHART:	(PURE) 865
DELAMARRE:	(PUR) 232
MACKENZIE:	(CLEAN) 107
BUCK:	(FIRE) 71-72
ONIONS:	(PURE) 724
SKEAT:	
(PURE) 486, (FIRE) 214	
AMINDAROV:	(CLEAN) 128
۳۰۰	برهان قاطع:
PŪTA, PAVITAR, PAVAK, PUNATI	
PŪR, PIVON : (GREEK) یونانی	
PŪRUS, PUTUS : (LATIN) لاتین	
PUR : (FRENCH) فرانسه	
PURO : (SPANISH) اسپانیایی	
PURO : (ITALIAN) ایتالیایی	
PUR : (RUMANIAN) رومانی	
PURO : (PORTUGUESE) پرتغالی	
FOWEN	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

بادداشت:

- ۱- معنی این واژه در ایرلندی میانه و ولزی: تازه.
- ۲- معنی این واژه در آلسانی کهن و میانه: سرند کردن، (غله را) برجاری کردن.
- ۳- بازگشت به: هور، پالیدن.

PĀLIDAN, PĀLUDAN, PĀLAIDAN	فارسی (PERSIAN) : پالیدن، پالودن، پالاییدن
PURIFY, FILTER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PŪ-, *PEU-, *PEWE-, *PUNĀML	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : (AVESTAN) اوستایی (AVESTAN)

آلسانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)

FOWEN

PURIFY انگلیسی (ENGLISH) : (از فرانس):

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNÝ:	826-7
BARNHART:	(PURIFY) 865
DELAMARRE:	(PURIFIER) 274
MACKENZIE:	(PURIFY) 129
ONIONS:	(PURE) 724
SKEAT:	(PURE) 756
۲۰۸	برهان قاطع :

PĀLAIDAN, PĀLAIDAN,

PĀLUTAK, PĀLŪTAN : (PAHLAVI) پهلوی

PAK KIRIN : (KURDISH) کردی

PĀLĒAG, PĀLĀYAG : (BALUCHI) بلوجی

PĀKAWĒL : (AFGHANI) افغانی (پشتون) سانسکریت (SANSKRIT)

PAVATE, PĀVAYATI, PUNATI, PAVITAR

PŪRIFICARE : (LATIN) لاتین

PURIFIER : (FRENCH) فرانس

PURIFICAR : (SPANISH) اسپانیایی

PURIFICARE : (ITALIAN) ایتالیایی

بادداشت:

بازگشت بد: پاک.

PĀLIDAN (به چم "جستجو و تفحص نمودن": (شاید) "پوییدن") (PERSIAN) : پالیدن (به چم "جستجو و تفحص نمودن": (شاید) "پوییدن") (PERSIAN) : پالیدن	فارسی (PERSIAN) : پالیدن (به چم "جستجو و تفحص نمودن": (شاید) "پوییدن") (PERSIAN) : پالیدن
SEARCH, SEEK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*POLO-, *PŌL-, *PEL-, *PAL-, *PL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : (AVESTAN) اوستایی (AVESTAN)

PIPAI : (RUMANIAN) رومانی (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

FALMA : (OLD NORSE) نورس کهن (OLD SAXON) ساکسونی کهن

FALM, AFÖLIAN, :

PĀLLEIN : (GREEK) یونانی (LATIN) لاتین

PALPARE, PELLERE, PALPō : (FRENCH) فرانس

PALPER : (SPANISH) اسپانیایی (ITALIAN) ایتالیایی

LÁM ایرلندی کهن (OLD IRISH)

REFERENCES	پشت ها
POKORNÝ:	840-841
BARNHART:	(FEEL) 374
BUCK:	1060-1064
ONIONS:	(FEE) 349
SKEAT:	(FEEL) 210
MALLORY & ADAMS:	PÓLIK
۳۰۹	برهان قاطع :
۶۸۰	فرهنگ معین :
۵۳۸۸	لخت نامه دهداد :

FÉLA, FÉLAN فریزی کهن (FRISIAN)
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

FUOLEN

FÜLEN	آلمانی (GERMAN)
FÉLAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
FEEL	انگلیسی (ENGLISH)
FOLE	دانمارکی (DANISH)
VOELEN	هلندی (DUTCH) اسلاوی کهن (OLD SLAVIC) CHURCH
PALICI, PALE	
BEZ-PALEIJ, PALEC	روسی (RUSSIAN)
PALAM	بلغاری (BULGARIAN)
PIPATI	صربی (SERBIAN)

یادداشت:

- ۱- معنی این واژه در ایرلندی کهن: کف دست.
- ۲- معنی این واژه در زبان های زرمنی: احساس کردن، ہرماسیدن.
- ۳- واژه "ہرماس" ہرماسیدن (پہلوی: PAHRMĀH) به چم "با دست احساس کردن" نیز به احوال ضعیف با این واجریه خوبی دارد.
- ۴- واژه لاتین POLLEX به چم "انگشت شست" نیز از همین ریشه است.

فارسی (PERSIAN): پالیز، فالیز، جالیز، پردیس (به چم "باغ"، "بوستان")

PĀLIZ, FĀLIZ, JALIZ, PARDIS

GARDEN, FIELD, PATCH

چم انگلیسی سروواژه فارسی:

*PER-, *PERI-, *PRO-, *PERĀ+DHEIGH

ہند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

PARÁDÍSUS	لاتین (LATIN)	PAIRIDAĒZA	اوستایی (AVESTAN)
PARADIS	فرانسه (FRENCH)		پارسی باستان (OLD PERSIAN)
PARAISO	اسپانیایی (SPANISH)	PARÁHEISOS	
PARADISO	ایتالیایی (ITALIAN)	PRĒS, PARĪZ	کردی (KURDISH)
PARADIS	رومانی (RUMANIAN)	*PĀRI+DĒHMI	санسکریت (SANSKRIT)
PARAISO	پرتغالی (PORTUGUESE)	PARTĒZ, BARDEZ	ارمنی (ARMENIAN)
PARADIES	آلمانی (GERMAN)		يونانی (GREEK)
PARADISE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	PARÁDEISOS, PERI+TOÍCHOS	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	810,244
BARNHART:	(PARDISE) 754, (PERI-) 777
BUCK:	(GARDEN) 490-491
SKEAT:	(PARDOSE) 428
AMINDAROV:	(GARDEN) 229
۶۸۰	فرهنگ معین:
۳۵۹	برهان قاطع:
۵۴۹۵ و ۵۳۸۹	لغت‌نامه دهخدا:

PARADISE	: (ENGLISH)	انگلیسی
PARADIS	: (DANISH)	دانمارکی
PARADIS	: (SWEDISH)	سوئدی
PARADIS	: (NORWEGIAN)	نروژی
PARADIJS	: (DUTCH)	هلندی

پادداشت:

- ۱- "فردوس" نیز معرف "هردیس" است.
- ۲- واژه‌ی اوستایی از دو اجریشه درست شده است: PAIR (به چم "دور" و "پیرامون") و DAEZA (به چم "دیوار" (بازگشت به: دیوار))
- ۳- چم، این واژه در همه‌ی زبان‌های غیر ایرانی این فهرست "بهشت"، "فردوس" است و ضمناً همه از زبان فارسی گرفته شده‌اند.

PĀNZDAH	پانزده	فارسی (PERSIAN)
FIFTEEN	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*PĒNKWE + DEKM		هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
QUINZE	: (FRENCH)	اوستایی (:AVESTAN)
QUINCE	: (SPANISH)	پهلوی (:PAHLAVI)
QUINDICI	: (ITALIAN)	PANCDAH, PĀNZDAH .
CINCISPREZECE	: (RUMANIAN) :(PORTUGUESE)	اوستی (:OSSETIC) کردی (:KURDISH)
DĒCIMO QUINTO		بلوچی (:BALUCHI)
FIMFTAIHUN	: (GOTHIC) :(OLD SCANDINAVIAN)	افغانی (پشتو) (:AFGHANI)
FIMTAN		سانسکریت (:SANSKRIT)
FIFTEIN	: (OLD SAXON)	ارمنی (:ARMENIAN)
FIFTINE	: (OLD PRISIAN)	يونانی (:GREEK)
		لاتین (:LATIN)

PATNĀCT	: (CZECH) چک
PATNĀST	: (SLOVAK) اسلواکی
REFERENCES	
POKORNY:	808
BARNHART:	(FIFTEEN) 381
DELAMARRE:	(FIFTEEN) 114
TRAUPMAN:	(FIFTEEN) 529
۳۹۰	برهان قاطع:

PINFZEHAN	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
FÜNFZEHN	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
FIFTĒNE, FIFTYNE	
FIFTEEN	: (ENGLISH) انگلیسی
VIJFTIEN	: (DUTCH) هلندی
PIĘTNAŚCIE	: (POLISH) لهستانی
	یادداشت:
	بازگشت به: پنج، ده.

PĀYDAN	: (PERSIAN) فارسی
GUARD, WATCH OVER	: چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی
*PŌI-, *PĪ-, *PŌ-, *POMĒN, *PAI-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
FODER	دانمارکی : (DANISH) (شاید)
FODER	سوئدی : (SWEDISH) (شاید)
	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC) (شاید)
PASTI	
PIEMUŪ	لیتوانی : (LITHUANIAN) (شاید)
REFERENCES	
POKORNY:	839
BARNHART:	(FOODER) 396
MACKENZIE:	62, (WATCH) 139
ONIONS:	(FODDER) 366
SKEAT:	(FODDER) 220
TRAUPMAN:	297
AMINDAROV:	(GUARD) 232
۳۹۶	برهان قاطع:

PĀTI, PĀ	: (AVESTAN) اوستایی
-PAVĀN	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
PĀDAN, PĀY-	: (PAHLAVI) پهلوی
PAWTANDIN	: (KURDISH) کردی
	санسکریت : (SANSKRIT)
PĀYUS, - PĀ, PĀTRA, PATI	
	: (GREEK) یونانی
POIMĒN, POY, PABULUM	
PASCĒRE, PASCŌ	: (LATIN) لاتین
FODR	: (GOTHIC) گوتیک
	آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN) (شاید)
FōTAR	
FUTTER	: (GERMAN) آلمانی
	انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH) (شاید)
FōDOR	
FODDER	: (ENGLISH) انگلیسی (شاید)
	یادداشت:

۱- این واژه با واجربه هند و اروپایی -PĀ-, *PĀT-, *PET-، به چم "خوراک" و "پوره" خوبی نزدیک

دارد (واژه‌های انگلیسی **FEED**, **FOOD** و واژه‌ی آلمانی **FUTTERN** از این واژه بیش آمده‌اند).

۲- معنی واژه‌های زرمنی و لاتین این فهرست: خوراک دام.

۳- معنی واژه یونانی این فهرست: گله، شبان، گرسنگ‌ها.

POXTAN, POXT	فارسی (PERSIAN): پختن، پخت
COOK, BAKE	چشم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*PEKW-, *POKWO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن	اوستایی (AVESTAN):
CHOH, KOCH, KOCHÖN	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
KOCH, KOCHEN :(<i>GERMAN</i>) آلمانی	پهلوی (PAHLAVI):
انگلیسی کهن (<i>OLD ENGLISH</i>):(از لاتین)	اوستی (OSSETIC):
CÖC	کردی (KURDISH):
COOK :(<i>ENGLISH</i>) انگلیسی	بلوچی (BALUCHI):
KOGE :(<i>DANISH</i>) دانمارکی	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
KOCK :(<i>SWEDISH</i>) سوئدی	تخاری A (TOKHARIAN A):
KOK :(<i>DUTCH</i>) هلندی	تخاری B (TOKHARIAN B):
:(<i>OLD CHURCH SLAVIC</i>) اسلاوی کهن	санسکرت (SANSKRIT):
PEKA	
PIEC :(<i>POLISH</i>) لهستانی	پیرانی (PÉCATI), PACANA-:
PECH, PECHE :(<i>RUSSIAN</i>) روسی	ارمنی (ARMENIAN):
PÉCI :(<i>CZECH</i>) چک	یونانی (GREEK):
PEKO :(<i>BULGARIAN</i>) بلغاری کهن	لاتین (LATIN):
KUHATI :(<i>SERBIAN</i>) صربی	COQUUS, COQUERE, COCUS:
PIECT :(<i>SLOVAK</i>) اسلواکی	فرانسه (FRENCH):
KEPŪ, PÉKTAS :(<i>LITHUANIAN</i>) لیتوانی	اسپانیایی (SPANISH):
ایرلندی کهن (<i>OLD IRISH</i>)	ایتالیایی (ITALIAN):
KWEKW, CUCHTAR	رومانی (RUMANIAN):
POBI, COGINIO :(<i>WELSH</i>) ولزی	پرتغالی (PORTUGUESE):
POAZA :(<i>BRETON</i>) برتونی	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
PJEK :(<i>ALBANIAN</i>) آلبانی	KOKKR
	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
	KOK

BUCK:	336-339	REFERENCES	پسگشت ها
ONIONS:	(COOK) 212	POKORNY:	798
SKEAT:	(COOK) 134	BARNHART:	COOK(218)
۳۷۰	برهان قاطع :	DELAMARRE:	(CUIRE) 273
		MACKENZIE:	(COOK) 108

یادداشت:

معنی این واژه در ارمنی: ران خوک.

PEDAR	: فارسی (PERSIAN) : پدر
FATHER	: چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PETĀR	: هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
	: اوستایی (AVESTAN)
FADHIR	: پارسی باستان (OLD PERSIAN)
FATHIR	: نورس کهن (OLD NORSE)
FADAR	: ساکونی کهن (OLD SAXON)
FEDER	: فریزی کهن (OLD FRISIAN)
	: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
FATER	: آلمانی (GERMAN)
VATER	: آلمانی (GERMAN)
FADER	: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
FATHER	: انگلیسی (ENGLISH)
FADER, FAR	: دانمارکی (DANISH)
FADER, FAR	: سوئدی (SWEDISH)
FADER, FAR	: نروژی (NORWEGIAN)
VADER	: هلندی (DUTCH)
	: ایرلندی کهن (OLD IRISH)
ATHIR, ATHAR	
ATHAIR	: گالیک (GAELIC)
	: پارسی (GREEK)
	: لاتین (LATIN)
	: فرانسه (FRENCH)
	: اسپانیایی (SPANISH)
	: ایتالیایی (ITALIAN)
	: پرتغالی (PORTUGUESE)
	: گوتیک (GOTHIC)

BUCK:	103-104	REFERENCES	پسگشت ها
ONIONS:	(FATHER) 374	POKORNY:	829
SKEAT:	(FATHER) 203	BARNHART:	(FATHER) 371
RAMAT:	42	DELAMARRE:	(PÈRE) 41
۳۷۲	برهان قاطع :	MACKENZIE:	(FATHER) 114

PEDAROMĀDAR, PEDARĀN	پدر و مادر، پدران (به چم "والدین")	فارسی (PERSIAN)	
PARENTS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:		
*PER-, *PERE-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
FADREIN	: (GOTHIC) گوتیک	اوستایی (AVESTAN)	
FEOTHGIN	: (OLD NORSE) نورس کهن	سانسکریت (SANSKRIT)	
PARENTS	انگلیسی (ENGLISH) (از فرانسه)	PITARE	: (LATIN) لاتین
FETHGIN	: (DANISH) دانمارکی	PITARĀU, MĀTARĀU	
PARENTS	: (DUTCH) هلندی	PARENTEM, PARENTĒS	
			فرانسه (FRENCH)
REFERENCES	پسگشت ها	PARENT, PÈRE ET MIÈRE	
BARNHART:	(PARENT) 759		اسپانیایی (SPANISH)
BUCK:	103-104	PARENTES, PADRES	
ONIONS:	(PARENT) 651	PARENTI, PĀRINTE	ایتالیایی (ITALIAN)
SKEAT:	(PARENT) 429	PARINTI	رومانی (RUMANIAN)
		PARENTE	پرتغالی (PORTUGUESE)

POR	پُر	فارسی (PERSIAN)
FULL, FILLED	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*PELE- *PLĒ-, *PLNOS, *PLĒNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
PŪRNĀ, PRĀNAS, PURĀS		اوستایی (AVESTAN)
LI	ارمنی (ARMENIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
	: (GREEK) یونانی	کردی (KURDISH)
PLÉRÈS, PLÉTHEIN, POLUS	لاتین (LATIN)	بلوچی (BALUCHI)
PLĒNUS, PLĒRE	: (FRENCH) فرانسه	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
PLEIN	: (FRENCH) فرانسه	سانسکریت (SANSKRIT)

PLNY, ÚPLNY	: (CZECH) چک	LLENO	: (SPANISH) اسپانیایی
PLNY	: (BOHEMIAN) بوهی	PIENO	: (ITALIAN) ایتالیایی
PLNY	: (SLOVAK) اسلواکی	PLIN	: (RUMANIAN) رومانی
*PILNAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	FULLS	: (GOTHIC) گوتیک
PILNS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
LAN, LIN-	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	FULLR	
LAWN	: (GAULISH) گالی	FULL	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
LAUN	: (WELSH) ولزی	FOLL, FULL	: (OLD FRISIAN) فربزی کهن
PLOT, PLJOT	: (ALBANIAN) آلبانی	FOL	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
		VOLL	: (GERMAN) آلمانی
		FULL	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
		FULL	: (ENGLISH) انگلیسی
		FULD	: (DANISH) دانمارکی
		FULL	: (SWEDISH) سوئدی
		FULL	: (NORWEGIAN) نروژی
		VOL	: (DUTCH) هلندی
			: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
		PLUNU	
		PELNY	: (POLISH) لهستانی
		POLNYJ, POLNUII	: (RUSSIAN) روسی
			بادداشت:

REFERENCES	پسگشت ما
POKorny:	798-799
BARNHART:	(FULL) 413
DELAMARRE:	(PLEIN) 231
MACKENZIE:	(FULL) 228
BUCK:	931
ONIONS:	(FULL) 38
SKEAT:	(PULL) 228
RAMAT:	43
۳۷۵	برهان قاطع:

بازگشت به: فراوان

PAR	: (PERSIAN) پر
FEATHER	: چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی
*PORNOM	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

санскریت : (SANSKRIT)	: (AVESTAN) اوستایی
PARNAM, PURNA	: PARENEM, PAR ∂ NA
FARN : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	: PUR, PURR : (PAHLAVI) پهلوی
FEARN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	: PUR : (KURDISH) کردی
SPARNAS : (LITHUANIAN) لیتوانی	: PUR : (BALUCHI) بلوجی
SPARNS : (LATVIAN) لتونی (لتی)	: PUR : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

DELAMARRE:	(PLUME) 149-150	REFERENCES	پسگشت ها
۳۷۵	برهان قاطع :	POKORNY:	850

یادداشت:

چم این واژه در زبان های لیتوانی و لتونی: بال.

PARDAXTAN	پرداختن (به چم "ادا کردن", "رفع نمودن" و غیره)	فارسی (PERSIAN):
PAY		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*PAĀI-, *PRI		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)
FRI	: (SWEDISH) سوئدی	: (AVESTAN) اوستانی
FRI	: (NORWEGIAN) نروژی	FRAYA-, FRĀY, PARA-, FRYŌ
VRIJ	: (DUTCH) هلندی	: (PAHLAVI) پهلوی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	PARDAZISHN, PARDAXTAN
PRIJATO, PRIJATI		санسکریت (SANSKRIT):
RHYDD	: (GAULISH) گالی	PRINATI, PRĪYĀS
RHYDD	: (WELSH) ولزی	PRAYZ : (GREEK) یونانی
		PRĀYS : (LATIN) لاتین
REFERENCES	پسگشت ها	FREIS, FRIJON : (GOTHIC) گوته‌یک
POKORNY:	844	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
BARNHART:	(FREE) 407	FRIGG, FRJALS ساکسونی کهن
DELAMARRE:		FRI : (OLD SAXON) فریزی کهن
(CHER, BIEN-AIMÉ)	232	FRI : (OLD FRISIAN) آلمانی کهن
MACKENZIE:		FREI : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی
64, (FREE, BEFREE OF)	115	FRĒO : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
ONIONS:	(FREE) 375	FREE : (ENGLISH) انگلیسی
SKEAT:	(FREE) 225	FRI : (DANISH) دانمارکی
۳۸۰	برهان قاطع :	یادداشت:

۱- برای شناخت چم های گوناگون واژه های "پرداختن" پسگشت شود به: برهان قاطع :: ۳۸۰ و لفظ نامه دهخدا: .۵۴۷۴-۵۴۷۸

۲- معنی این واژه در زبان های زرمنی و سانسکریت: گرامی، آزاد.

۳- در زبان پهلوی واژه‌ی PARDAXTAN به چم "آزاد شدن" و "انجام دادن" هم بوده است. واژه‌ی پهلوی (64: MACKENZIE) به چم "آزادی" و "بعهده گیری" بوده است (پسگشت به: PARDAZISHN

PARASTŪ		فارسی (PERSIAN) : پرستو
SPARROW, SWALLOW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SPER-, *SPOR-, *SPR-, *SPARWO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
SPARV	: (SWEDISH) سوئدی	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
SPURV	: (NORWEGIAN) نروژی	پهلوی (PAHLAVI) :
SPERWER	: (DUTCH) هلندی	PARISTŌG, PARISTŌK
	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	: (TOKHARIAN A) A تخاری
SPURGLIS, SPERGLA		SPĀRĀN, SPĀR
FRĀO	: (BRETON) برتونی	: (GREEK) یونانی
REFERENCES		SPARÁSION, SPAROS, SPORGILOS
POKORNÝ:	991	PARRA لاتین (LATIN) :
BARNHART:	(SPARROW) 1040	SPARWA گوتیک (GOTHIC) :
DELAMARRE:	(MOINEAU) 140	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
MACKENZIE:		SPORR
65, (SWALLOW) 135		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
ONIONS:	(SPARROW) 850	SPARO, SPERK
SKEAT:	(SPARROW) 585	SPERLING آلمانی (GERMAN) :
۳۸۴	برهان قاطع :	SPEARWA انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :

یادداشت:

معنی لاتین و تخاری این واژه: هرند.

PORSIDAN		فارسی (PERSIAN) : پرسیدن، پرسش
ASK, QUESTION		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PERK-, *PRK-, *PAKSKŌ, *PREK, *PROK		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
FARSUN, FĀRSIN	: (OSSETIC) اوستی	اوستایی (AVESTAN) :
PIRSIN	: (KURDISH) کردی	PERESA, FRASA, PERESAITI
PURSAGH	: (BALUCHI) بلوجی	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
PUSHT	: (AFGHANI) افغانی (پشتون)	APARSAM
PRAK	: (TOKHARIAN A) A تخاری	PURSITAN پهلوی (PAHLAVI) :

VRAGEN	: (DUTCH) ملندی :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	PREK	: (TOKHARIAN B) ب تخاری PRACCHÁTI, : (SANSKRIT) سانسکریت PRACHH, PRĀS-, PRCCHĀTI
PROSITI			
PROSÍC	: (POLISH) لهستانی		: (ARMENIAN) ارمنی
PROSIT, POZVAT	: (CZECH) چک	HARSN, E-HARCH, HARCHANEM	
PROSIT	: (SLOVAK) اسلواکی :(LITHUANIAN) لیتوانی	POSCŌ, POSCĒRE	: (LATIN) لاتین
PERSHU, PIRSHTI		PREGUNTAR,	: (SPANISH) اسپانیایی
ARCO	: (OLD PERSIAN) ایرانی میان	PREGUNTA	
ARCHAF	: (GAULISH) گالی	PERGUNTAR	: (PORTUGUESE) پرتغالی
		FRAJHNAN	: (GOTHIC) گوتیک
			: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پسکشت ها
POKORNY:	821-822
BARNHART:	(PRAY) 827
DELAMARRE:	(DEMANDER) 275
MACKENZIE:	(ASK) 103
BUCK:	1264-1266
SKEAT:	(PREK) 757
AMINDAROV:	(ASK) 187
MALLORY & ADAMS:	PERK
۳۸۵	برهان قاطع :

FRÉTT, FREGNA	
PROSITI	: (OLD NORSE) نورس کهن
FRÄGÖN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
FRÈGIA	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن آلمانی کهن
FORSCÖN, FRAHEN, FRAGA	
FRAGEN, FRAGE	: (GERMAN) آلمانی
FRIGNAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SPORGE	: (DANISH) دانمارکی
FRAGA	: (SWEDISH) سوئدی
SPORRE	: (NORWEGIAN) نروژی

PARVĀZ	پرواز : (PERSIAN)
FLIGHT, FLYING	چم انگلیسی سرواره‌هی فارسی :
*PER-, *PERI-+WEGH-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
PARWAZ	: (AFGHANI) افغانی (پشتو) :(SANSKRIT) سانسکریت
VÁHATI, VAHANA, VÁHÁYATI, VÁHÁ-	
ÉCHESTHIN	: (GREEK) یونانی
VEHŌ, VEHĒRE	: (LATIN) لاتین
	: (AVESTAN) اوستایی
	PAIRI-VAZAITI, PARA-VAZ
	: (KURDISH) کردی
	FIR, PIRIN, FIRIN, FIRKIRIN
	: (BALUCHI) بلوجی
	PERWAZ

WEGAN	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
UDHI	:(<i>ALBANIAN</i>) آلبانی

WĒGS	:(<i>GOTHIC</i>) گوتنیک
	:(<i>OLD SCANDINAVIAN</i>) ایسلندی کهن

VEGA	:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن
VEGAN	
BEWEGEN	:(<i>GERMAN</i>) آلمانی

REFERENCES	پشتہ ماتحت
POKORNY:	810, 1118-1119
۳۹۱	برهان قاطع :

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی اوستایی این فهرست از دو ریشه‌ی هند و اروپایی درست شده است: -1 PERI- با PER (اوستایی: PARA یا PAIRI) به چم "اطراف"، "پیرامون" -2 VAZAITI یا VAZ (به چم "پریدن")
- ۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: سفر، سفر کردن
چم این واژه در زبان لاتین: بردن، حمل کردن.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: جنبیدن.

PARVĀNĒ	پارسی (PERSIAN) :
BUTTERFLY	چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*PELPEL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
PREPELICA	سلووینی (SLOVENE)
PETELISHKE	لیتوانی (LITHUANIAN)
REFERENCES	پشتہ ماتحت
DELAMARRE:	(PAPILLION) 144
AMINDAROV:	(BUTTERFLY) 195
۳۹۲	برهان قاطع :
۷۶۷	نرم‌نگ معین :

PARVĀNAK	: (PAHLAVI) پهلوی
FEPŪLE, PERWANÉ	: (KURDISH) کردی
PATANG	: (AFGHANI) افغانی (پشتر)
PĀPILIO	: (LATIN) لاتین
PAPILLON	: (FRENCH) فرانسه
	: (<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن
FĪFALTRA	
FIFEALDE	: (<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن

یادداشت:

این واژه‌ی هند و اروپایی "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) است.

PARVARDAN, PARVARIDAN	پاروردن، پروریدن (PERSIAN) :
NURTURE, NOURISH	چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*PĀ-, *PE-, *PĀT-, *PIT-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
PARVARTAN	پهلوی (PAHLAVI) اوستایی (AVESTAN)
PARVARITAN, PARWARDAN	PITUSH, -PITHWA-, PITU-

PASTI, PISHTA	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	PĀS	: (TOKHARIAN A) A تخاری
PASZA	: (POLISH) لهستانی	PĀSK	: (TOKHARIAN B) B تخاری
PISHCHA	: (RUSSIAN) روسی	PITÚS, PITU-	: (SANSKRIT) سانسکریت
PICE	: (BOHEMIAN) بوهمی	HAVRAN, HOVIV	: (ARMENIAN) ارمنی
PIĒTUS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	PATEISTHAI, PANIA	: (GREEK) یونانی
AINCHESS,	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن		: (LATIN) لاتین
ITH		PABULUM, PANIS, PĀSCERE	
PAWR, IT	: (GAULISH) گالی	FÖDEINS, FÖDJAN	: (GOTHIC) گوته‌یک
PEURI	: (BRETON) برتونی		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
PAHHSHI, PAHSH	: (HITTITE) هتب	FÖDHR, FADHA	
		FADHA	: (OLD NORSE) نورس کهن
			: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	787
BARNHART:	(FOOD) 398
DELAMARRE:	
(NOURRITURE, REPAS)	163
MACKENZIE:	(NOURISH) 125
BUCK:	328-331
ONIONS:	(FOOD) 368
SKEAT:	(FOOD) 220
۳۹۲-۳۹۳	برهان قاطع:

FUOTAR, FUOTEN	: (GERMAN) آلمانی
FUTTER	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
FÖDA, FÖDOR, FÖDAN, FÖSTOR	: (ENGLISH) انگلیسی
FOOD, FODDER, FOSTER	
FODE	: (DANISH) دانمارکی
FÖDA	: (SWEDISH) سوئدی
FODE	: (NORWEGIAN) نروژی
VOEDSEL	: (DUTCH) هلندی
	یادداشت:

۱- معنی این واژه در هتب: حفظ و حراست کردن.

معنی این واژه در تخاری A و تخاری B: توجه و پرستاری کردن.

۲- در بیشتر زبان‌های اورمنی و اهلادوی این واژه به چم "علوفه" و "خوراک دام" هم بکار می‌رود.

۳- بازگشت به: پاس.

PARI	پری : (PERSIAN)
FAIRY, PERI	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*PARĪKĀ	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
PARIK, PARĪG	پهلوی : (PAHLAVI)
	PAIRIKĀ اوستایی : (AVESTAN)

ایرلندی میانه (OLD PERSIAN)

ARECH, AIREVH

REFERENCES		پسکشتهای
POKORY:		789
BARNHART:		
(FAIRY) 366, (FAY) 372		
MACKENZIE:	(WITCH)	140
BUCK:		1499
ONIONS:		
(FAIRY) 343, (FAY) 348		
SKEAT:	(FAY)	210

افغانی (پشتون) (AFGHANI)

ارمنی (ARMENIAN)

يونانی (GREEK)

لاتین (LATIN)

FATA, FARÍ, FÁTUM

فرانسه کهن (FRENCH)

اسپانیایی (SPANISH)

ایتالیایی (ITALIAN)

برتغالی (PORTUGUESE)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

فرازه کهن (FAYRYE)

انگلیسی (ENGLISH)

یادداشت:

برخی زبان‌شناسان ریشه‌ی واژه‌های رمانتیک این فهرست را از واژه‌های هند و اروپایی -BHĀ- می‌دانند.

(POKORY: 105)

PARIDAN	فارسی (PERSIAN)	: پریدن
JUMP, FLY, LEAP	چشم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*PER-, *POR-, *PERθ-, *PORTUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	:

FARAN : اوستایی (AVESTAN)

FAHREN : آلمانی (GERMAN)

FARAN : انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

FARE : انگلیسی (ENGLISH)

VAREN : دانمارکی (DANISH)

FARA : سوئدی (SWEDISH)

VARE : نروژی (NORWEGIAN)

VAREN : هلندی (DUTCH)

: اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

PREGA, PRESHTI

PRYGNUT : روسی (RUSSIAN)

SPARNAS : لیتوانی (LITHUANIAN)

SPARNS : لتونی (LATVIAN)

PRUVA, PRURA : آلبانی (ALBANIAN)

PAR-, -PARAYEITI, PARENA-

PARITAN : پهلوی (PAHLAVI)

PIPARTI, PRU-, PR-

HORDAN : ارمنی (ARMENIAN)

PÓPOS, POREÚEIN : یونانی (GREEK)

PORTÓ, PORTĀRE, PORITĀRE : لاتین (LATIN)

FARAN : گوتیک (GOTHIC)

FARA : ساکسونی کهن (OLD SAXON)

BUCK:	(JUMP, LEAP) 345	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(FARE) 345	POKORNY:	816-817, 850
SKEAT:	(FARE) 208	BARNHART:	
۳۱۷	برهان قاطع:	(PORT)	819, (FARE) 369

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت و آلبانی: آوردن.

چم این واژه در زبان‌های ارمنی و ژرمنی: رهسپار شدن، سفر.

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: بال.

PAS, PAS-	فارسی (PERSIAN): پس، پس - (به چم "بعد", "سپس")
AFTER	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*POS-, *POSKO-, *KO-, *POSTI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): هند و اروپایی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	اوستایی (AVESTAN):
PO, Ū POL-DŪ	PASKĀT, PASCA, PASCHA, PASNE
PĀS, PASKUI	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
PASĀ	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
PAS	: (ALBANIAN) آلبانی
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	841
BARNHART:	(POST-) 822
DELAMARRE:	(APRÉS) 301
MACKENZIE:	
65, (AFTERWARD) 101, (LBST) 121	PASCĀT, PASCA, PACCA
ONIONS:	ارمنی (ARMENIAN): EST
AMINDAROV:	يونانی (GREEK): PÓS-
۴۰۳	لاتین (LATIN): POST-, POSTE-
برهان قاطع:	

یادداشت:

در برخی زبان‌های هند و اروپایی این واژه چم "پشت" را هم دارد.

PESTĀN	پستان	فارسی (PERSIAN):
BREAST	چشم انگلیبسی سروازه‌ی فارسی:	
*PESTĒNO-, *PSTĒNO-, *STĒNO-, *SPENO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	اوستایی (AVESTAN)	
PRUSI	PISTĀN, PESTĀN	پهلوی (PAHLAVI)
PIERS	BISTAN, PĒSĪR	کردی (KURDISH)
PRS, PRSA	PISTAN	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
PRSA	STANAS	سانسکریت (SANSKRIT)
PRSIA	STIN	ارمنی (ARMENIAN)
SPENYS	STĒNION	یونانی (GREEK)
PUPS	PECTUS	لاتین (LATIN)
SPENIS	POITRINE, PIS	فرانسه (FRENCH)
SINE	PECHO	اسپانیایی (SPANISH)
	PETTO	ایتالیایی (ITALIAN)
	PIEPT	روماني (RUMANIAN)
	PEITO	پرتغالی (PORTUGUESE)
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
	SPENI	
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
	SPENE, SPUNNI	
	SPAN-FERKEL	آلمانی (GERMAN)
		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
	SPANE, SPANU	
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	990	
DELAMARRE:		
(POITRINE, PIS)	108	
MACKENZIE:	(BREAST)	105
BUCK:		244
AMINDAROV:	(BREAST)	194
۴۰۵	برهان قاطع:	

یادداشت:

معنی واژه‌ی PIS در زبان فرانسه: پستان‌گاو.

معنی واژه‌ی SPAN-FERKEL در زبان آلمانی: خوک شیرخوار.

PESAR, PŪR	پسر، پور	فارسی (PERSIAN):
BOY, SON	چشم انگلیبسی سروازه‌ی فارسی:	
*POU-, *PŪ-, *PUTLOM, *PAU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
پارسی باستان (OLD PERSIAN)	اوستایی (AVESTAN)	

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	PUS, PUSAR	پهلوی (PAHLAVI)
PUTA, PITA		اوستی (OSSETIC)
PITA روسی (RUSSIAN)		
POTYTIS لتوانی (LITHUANIAN)		کردی (KURDISH)
PUISIS لتوانی (LITHUANIAN)		بلوچی (BALUCHI)
PAOTR برتونی (BRETON)		سانسکریت (SANSKRIT)
	PUTRÁS, PUSRÁ	يونانی (GREEK)
	PAÍS, PAUROS	لاتین (LATIN)
	PUER, PUTUS, PAUCI	گرینیک (GOTHIC)
POKORNY: 842		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BARNHART: (FEW) 379		نورس کهن (OLD NORSE)
MACKENZIE: (SON) 133		ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BUCK: 87		فریزی کهن (OLD FRISIAN)
ONIONS: (FEW) 353		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
SKEAT: (PEU) 756		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
RAMAT: 47		سوئدی (SWEDISH)
۴۰۵ برهان قاطع:	POJKE (شابد)	

یادداشت:

معنی این واژه در زبان های ژرمنی: کم، کرچک، محدود.

معنی این واژه در بیشتر زبان های هند و اروپایی علاوه بر "پسر"، "فرزند ذکر": جانور کرچک.

فارسی (PERSIAN)	پشت	POSHT
چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:		BACK, BEHIND, REAR
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)		*PER-, *PRE-, *PR-, *PRSTHIS, *PRSTHA
اوستایی (AVESTAN)		PUSHT افغانی (پشنر) (AFGHANI)
		سانسکریت (SANSKRIT)
پهلوی (PAHLAVI)		PRSHTI, PRSHTHÁ
کردی (KURDISH)		PAOTÁS, PRO-
بلوچی (BALUCHI)		POSTIS, POR-
		لاتین (LATIN)
		PARSHTI, PARSHTA
		PUSHT
		PISHT, PASHDA
		PUT

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	813
SARNHART:	(POST) 822
MACKENZIE:	(BACK) 103
BUCK:	211-212
ONIONS:	(POST) 699
SKEAT:	(POST) 466
AMINDAROV:	(BACK) 188
۴۰۷	برهان قاطع:

FIRST	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
FIRST	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
FIRST	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
FYRST, FIERST	
POST	: (ENGLISH) انگلیسی
VORST	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
PRESTE	
PIRSHTAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی

یادداشت:

- ۱- واژرهای هند و اروپایی - *PER-, *PRE-, *PR- خود از واژرهای هند و اروپایی *STA- (به چم "ایستان") مشتق شده‌اند (بازگشت به: ایستان).
- ۲- معنی واژه‌ی PRSHTI در زبان سانسکریت: دندنه.
- معنی واژه‌ی POSTIS در زبان لاتین: یاهو (هریک از دو تیر عمود چارچوب در).
- معنی واژه‌ی لیتوانی و اسلاوی کهن این فهرست: انگشت.
- معنی این واژه در زبان‌های ژرمنی: تیر زیر شیروانی، دیرگ.

PESHKAM	پشکم (به چم "ایوان و بارگاه") فارسی (PERSIAN):
PORTICO, COURT	چم انگلیسی سروالاهی فارسی:
*SKABH-, *SKAMBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SCABILLUM, SCABELLUM	اوستایی (AVESTAN):

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	916
۷۹۸	فرهنگ معین:
۴۱۰	برهان قاطع:

FRASKΩMBA-, FRASCHIMBANA-

SHK'NP-	: (SOGADIAN) سغدی
SKAMBHÁ-,	: (SANSKRIT) سانسکریت
SKAMBHANA, SKAMBHANAM	
SCAMNUM,	: (LATIN) لاتین

یادداشت:

- چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: ستون، پایه، نگهدار.
- چم این واژه در زبان لاتین: اربیک، تخت، سریر.

PASHM	پشم	فارسی (PERSIAN) :
WOOL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*PEK-, *PÉKU-, *PEKOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
FAT	سوئدی کهن (OLD SWEDISH)	اوستایی (AVESTAN)
VACHT	هلندی (DUTCH)	پهلوی (PAHLAVI)
PESHÚ, PÉSHTI	لیتوانی (LITHUANIAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
PILE	آلبانی (ALBANIAN)	PAKSHMAN, PAKSHMALÁ
REFERENCES	پسگشت‌ها	ارمنی (ARMENIAN)
POKORNÝ:	797	بونانی (GREEK)
MACKEZIE:	(PAŠM) 140	لاتین (LATIN)
۴۱۰	برهان قاطع:	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان سانسکریت: مرو، پشمالو.

چم‌های این واژه در زبان لاتین: پشم شانه کردن و چیدن.

چم‌های این واژه در زبان ایسلندی کهن: یال.

چم‌های این واژه در زبان آلمانی و انگلیسی: موی زبر.

PASHĒ	پشه	فارسی (PERSIAN) :
MOSQUITO	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*PLUS-, *BLUS-, *BLOV-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
FLŌ	گربک (GOTHIC)	پهلوی (PAHLAVI)
FLŌ : (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
FLŌH : (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن	سانسکریت (SANSKRIT)
FLOH	آلمانی (GERMAN)	ارمنی (ARMENIAN)
FLÉAH : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	يونانی (GREEK)
FLEA	انگلیسی (ENGLISH)	لاتین (LATIN)
VLOO	هلندی (DUTCH)	فرانسه (FRENCH)
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	اسپانیایی (SPANISH)
BLŪCHA, BLUSA		ایتالیایی (ITALIAN)
PCHLA	لهستانی (POLISH)	پرتغالی (PORTUGUESE)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	102
BARNHART:	(FLEA) 389
DELAMARRE:	(PUCE) 144
MACKENZIE:	(MOSQUITO) 124
ONIONS:	(FLEA) 361
SHIPLEY:	322
۴۱۱	برهان تاطع :

BLECHA	: (RUSSIAN)
BLECHA	: (CZECH)
BLCHA	: (SLOVAK)
BLUSÁ	: (LITHUANIAN)
BLUSA	: (LATVIAN)
PLESHT	: (ALBANIAN)

یادداشت:

معنی این واژه در زبان های غیر ایرانی و هندی: کک.

فارسی (PERSIAN)	پف (به چم "فوت"). پک (به چم "درون دمیدن دود سیگار و غیره")
POF, POK	
PUFF, BLOW	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:

*PUK-, *PAUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
PLCHATI	
PÝKAC, PUSZEK	لهستانی (POLISH)
PÝCHÁTU	روسی (RUSSIAN)
PÝSK	چک (CZECH)
PUSLÈ	لیتوانی (LITHUANIAN)
PUSLIS	لتونی (LATVIAN)

PŪ, PŪK	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
PUPPUTA-	санسکریت (SANSKRIT)
	ارمنی (ARMENIAN)
PUCHEL, PUCHOUN	
PHŪDA	يونانی (GREEK)
PŪSLA, PUSSULA	لاتین (LATIN)
PUSTULF, BOUFÉE	فرانسه (FRENCH)
PUFFE, PUFFEN	آلمانی (GERMAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	849
ONIONS:	(PUFF) 721
SKEAT:	(PUFF) 483
۸۰۳ و ۸۰۲	نرهنگ معین :

PYFFAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
PUFF	انگلیسی (ENGLISH)
PUST, PUFFE	دانمارکی (DANISH)
PUFFA	سوئدی (SWEDISH)
POYSA	نروژی (NORWEGIAN)
POF, POFFEN	هلندی (DUTCH)

POK, PAK	پک (به چم "برجستن و فروجستن")، پک (به چم "غوک")	فارسی (PERSIAN): پک (به چم "برجستن و فروجستن")، پک (به چم "غوک")
LEAP, HOP, SPRING, JUMP, FROG		چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*PREU-, *PLOUO-, *PRUG-SKO-, *PROUG-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
FROG	: (ENGLISH) انگلیسی	санسکریت (SANSKRIT): PRÁVATE,
PRYTŪ, PRYGNUTŪ	: (RUSSIAN) روسی	PRAVĀ-, PLAVA-, PLAVA-GA-
PRÝGATŪ, PRÝGAT		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
REFERENCES	پسگشت‌ها	FRAUKI, FROSKR
POKORNY: ۸۴۵-۸۴۶		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
۵۶۶۵	لخت نامه دهخدا:	FRAO, FREWIDA, FROSK
۸۰۳	فرهنگ معین:	FREUDE, FROSCH : (GERMAN) آلمانی
		: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
		FROGGA, FROSC, FORSC

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های این فهرست: جست و خیز، شادی، ورجه و رجه، غوک، وزغ، تند.

POL		فارسی (PERSIAN): پل
BRIDGE, FORD		چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*PER-, *PR-, *POR-, *PÖR-, *PRTUS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
PONTE	: (ITALIAN) ایتالیایی	: (AVESTAN) اوستایی
POD	: (RUMANIAN) رومانی	PERETU, PECHU, PERETUSH
PONTE	: (PORTUGUESE) پرتغالی	PUHL, PUHR : (PAHLAVI) پهلوی
FÖR, FORAN,	: (GOTHIC) گوتیک	: (KURDISH) کردی
FARJAN		PEL, PURD, PIRD, PIR
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
FIDORDHHR, FIORD, FARA		: (SANSKRIT) سانسکریت
FJORTHR	: (OLD NORSE) نورس کهن	PÍPARTI, PARÁYATI : (ARMENIAN) ارمنی
FORD	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	HORD, HORDAN : (ARMENIAN) ارمنی
FORDA	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	PÓROS : (GREEK) یونانی
FURT	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	: (LATIN) لاتین
FURT	: (GERMAN) آلمانی	PONTUS, PONTIS, PORTA
FORD	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	PONT : (FRENCH) فرانسه
FORD	: (ENGLISH) انگلیسی	PUENTE : (SPANISH) اسپانیایی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	816
BARNHART:	(FORD) 399
MACKENZIE:	(BRIDGE) 105
BUCK:	721-722
ONIONS:	(FORD) 369
SKEAT:	(FORD) 221
۴۱۴	برهان قاطع :

VOORDE	: (DUTCH)
PARITI	: (OLD CHURCH)
PORÓM	: (RUSSIAN)
RITU	: (GAULISH)
RIT	: (WELSH)
RIT	: (BRETON)
RID	: (OLD CORNISH)
PRUVA, PRURA	: (ALBANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و پهلوی: پل، گدار.
چم این واژه در سایر زبان‌ها: گدار، معتبر، بندر، پایاب.

PANJ	پنج	فارسی (PERSIAN) :
FIVE		چم انگلیسی سروواله‌ی فارسی:
*PEMPE, *PENKWE		هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
FIMF	گوبک (:GOTHIC)	اوستایی (:AVESTAN)
	ایسلندی کهن (:OLD SCANDINAVIAN)	پهلوی (:PAHLAVI)
FIMM		اوستی (:OSSETIC)
FIMM	نورس کهن (:OLD NORSE)	کردی (:KURDISH)
FÍF	ساکونی کهن (:OLD SAXON)	افغانی (پشتو) (:AFGHANI)
FÍF	فریزی کهن (:OLD FRISIAN)	تخاری A (:TOKHARIAN A)
FINF	آلمانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)	تخاری B (:TOKHARIAN B)
FUNF	آلمانی (:GERMAN)	санسکریت (:SANSKRIT)
FÍF	انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)	ارمنی (:ARMENIAN)
FIVE	انگلیسی (:ENGLISH)	یونانی (:GREEK)
FEM	دانمارکی (:DANISH)	لاتین (:LATIN)
FEM	سوئدی (:SWEDISH)	فرانسه (:FRENCH)
FEM	نروژی (:NORWEGIAN)	اسپانیایی (:SPANISH)
VÍF	هلندی (:DUTCH)	ایتالیایی (:ITALIAN)
	اسلاوی کهن (:OLD CHURCH SLAVIC)	رومانی (:RUMANIAN)
PETÍ PESTI		پرتغالی (:PORTUGUESE)

REFERENCES	بُگشت ما
POKORNY:	808
BARNHART:	(FIVE) 386
DELAMARRE:	(CINQ) 212
MACKENZIE:	(FIVE) 114
BUCK:	941-952
ONIONS:	(FIVE) 358
SKEAT:	(FIVE) 215
AMINDAROV:	225
۴۱۹	برهان قاطع :

PIEĆ, PIECIORO	: (POLISH) لهستانی
PYAT	: (RUSSIAN) روسی
PĚT	: (CZECH) چک
PÄT	: (SLOVAK) اسلواکی
PENKI	: (LITHUANIAN) لیتوانی
CÓIC	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
PEMPE	: (GAULISH) گالی
PIMPE, PUMP	: (WELSH) ولزی
PEMPAT, PEMP	: (BRETON) برتونی
PYMP	: (CORNISH) کورن والی
PESË	: (ALBANIAN) آلبانی
PANTA	: (HITTITE) هنت

یادداشت:

۱- بازگشت به: پانزده.

۲- بازگشت به: پنجم.

PANJĀH	پنجاه	فارسی (PERSIAN):
FIFTY		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PENKWE-DEKM, *PEMPE-DEKM, *PENKWE		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
.KONTA		

CINQUENTA	: (PORTUGUESE) برتغالی (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	PANCĀSATA	: (AVESTAN) اوستایی (OLD PERSIAN) پارسی باستان
FIMTIGE		PANCĀTHAT	
FÍFTICH	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	PANJĀH	: (PAHLAVI) پهلوی
FIMFZUG		PINJA	: (KURDISH) کردی
FUNFZIG	: (GERMAN) آلمانی	PANJŌS	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
FIFTIG	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	PANCĀSAT	: (SANSKRIT) санسکریت
FIFTY	: (ENGLISH) انگلیسی	YISUN	: (ARMENIAN) ارمنی
VLIJFTIG	: (DUTCH) هلندی	PENTĒ-CHONTA	: (GREEK) یونانی
PIECDZIESIAT	: (POLISH) لهستانی	QUINQUAGINTA	: (LATIN) لاتین
PADESÁT	: (CZECH) چک	CINQUANTE	: (FRENCH) فرانسه
PÄTDÉSIAT	: (SLOVAK) اسلواکی	CINCUENTA	: (SPANISH) اسپانیایی
		CINQUANTA	: (ITALIAN) ایتالیایی

MACKENZIE:	(FIFTY 114)	REFERENCES	پسگشت ها
۴۲۰	برهان قاطع :	POKORNY: 808 BARNHART: (FIFTY) 381	

یادداشت:

بازگشت به: پنج و ده.

PANJOM	پنجم	فارسی (PERSIAN):
FIFTH	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*PENKWE-TOS, *PEMPE-TOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
FIFTA : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	پهلوی (PAHLAVI)
FIFTH : (ENGLISH)	انگلیسی	تخاری A (TOKHARIAN A)
FEMTE, FEMTEDEL: (DANISH)	دانسارکی	تخاری B (TOKHARIAN B)
FEMDEL, : (NORWEGIAN)	نروژی	سانسکریت (SANSKRIT)
FEMTE		PAKTHÁS, PANCAUTH, PANCAMÁ
VIJFDE : (DUTCH)	هلندی	ارمنی (ARMENIAN)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	یونانی (GREEK)
PETŪ		لاتین (LATIN)
PENKTAS : (LITHUANIAN)	لیتوانی	فرانسه (FRENCH)
	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	اسپانیایی (SPANISH)
COICED, COICER		ایتالیایی (ITALIAN)
PINPETUS : (GAULISH)	گالی	رومانی (RUMANIAN)
PIMPHEF : (GAELIC)	گالیک	پرتغالی (PORTUGUESE)
IPESÈTE : (ALBANIAN)	آلبانی	گوتیک (GOTHIC)
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت ها	
POKORNY:	808	FIMMTI
BARNHART:	(FIFTH) 381	نورس کهن (OLD NORSE)
BUCK:	941-952	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
ONIONS:	(FIFTH) 358	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
۴۲۱	برهان قاطع :	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

FIMFTO
FUNFTE : (GERMAN)

یادداشت:

بازگشت به: پنجه.

PANJÉ		فارسی (PERSIAN): پنجه
FIST, PAW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PENKSTI, *PENKSTIS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
POTE	: (DANISH) دانمارکی	پهلوی (PAHLAVI):
VUIST	: (DUTCH) هلندی	لاتین (LATIN): (شاید)
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	فرانسه (FRENCH): (شاید)
PESTI		اسپانیایی (SPANISH): (شاید)
PIASTE	: (RUSSIAN) روسی	ایتالیایی (ITALIAN): (شاید)
REFERENCES		پسگشت‌ها
POKORNY:		839
BARNHART:	(FIST)	385
MACKENZIE:	(PAW)	126
ONIONS:	(FIST)	358
F21	برهان قاطع:	

پهلوی (PAHLAVI):

لاتین (LATIN): (شاید)

فرانسه (FRENCH): (شاید)

اسپانیایی (SPANISH): (شاید)

ایتالیایی (ITALIAN): (شاید)

پرتغالی (PORTUGUESE): (شاید)

ساکسونی کهن (OLD SAXON):

فریزی کهن (OLD FRISIAN):

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):

آلمانی (GERMAN):

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

انگلیسی (ENGLISH):

یادداشت:

این واجریشه با واجریشه‌ای که واژه FINGER از آن آمده خوبی نزدیک دارد (پسگشت: POKORNY: 808) (BARNHART: (FINGER) 383-384,

PAND		فارسی (PERSIAN): پند (به چم "رهنمود", "تصیحت")
ADVICE, COUNSEL		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PENT, *PONT-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
PAND	: (BALUCHI) بلوچی	اومنای (AVESTAN):
PATHÁS	: (SANSKRIT) سانسکریت	PATHĀ, PANTĀ, PATH
HUN, HUNÍ	: (ARMENIAN) ارمنی	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
PÁTOS	: (GREEK) یونانی	PANTI, PATHI
PONS, PONTIS	: (LATIN) لاتین	پهلوی (PAHLAVI):
FINTHAN	: (GOTHIC) گریتیک	اومنی (OSSETIC):
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	کردی (KURDISH):

REFERENCES	پشت ها
POKORNY:	808-809
BARNHART:	(PATH) 764, (FIND) 383
MACKENZIE:	(PAND) 64, (ADVICE) 101
BUCK:	(PATH) 719-720
ONIONS:	(PATH) 657, (FIND) 356
SKEAT:	(PATH) 434
AMINDAROV:	(ADVICE) 182
۴۲۲	برهان قاطع :

FINNA

PATH, PAD	: (OLD FRISIAN) آلمانی کهن
PFAD, PHAD	
PFAD	: (GERMAN) آلمانی
PÆLD	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
PATH	: (ENGLISH) انگلیسی
PAD	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
POTŪ, PATĪ	
PINTIS	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن

یادداشت:

چم این واژه در زبان اوستی: آرزو، میل.

چم این واژه در زبان لاتین: پل.

چم این واژه در زبان های گرتیک و ایسلندی کهن: بافن.

چم این واژه در زبان های دیگر وازگان این فهرست: راه.

-۲- برخی واجریشه شناسان معتقدند که این واژه از یک زبان ایرانی به زبان های اروپایی راه یافته است. تغییر معنی این واژه از "راه" به "رهنمود" در زبان های فارسی و کردی و بلوجی منطقی بنظر می رسد.

PŪPŪ, PŪPAK	پوپو، پک (به چم "پُرپُر" یا "شانه سر")	فارسی (PERSIAN):
HOOPOE		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*EPOP, *OPOP		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
PUPUKIS	: (LATVIAN) لونی (لتی)	کردی (KURDISH):
REFERENCES	پشت ها	
POKORNY:	325	ارمنی (ARMENIAN):
DELAMARRE:	(HUPPE) 140	یونانی (GREEK):
SKEAT:	(HOOPOE) 276	لاتین (LATIN):
AMINDAROV:	(CUCKOO) 135	فرانسه (FRENCH):
۴۲۵	برهان قاطع :	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
		HOPPE
		HOPPA
		HUPEK
		HUPATI

یادداشت:

این واژه نوعی "نام آوا" (ONOMATOPOEIA) است.

PŪST	پوست	فارسی (PERSIAN)
SKIN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*PEL-, *PLĒ-, *PELMEN-, *PELNO-, *PELLO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
FILMEN, FELL, FEL		اوستایی (AVESTAN)
FELL, FILM	: (ENGLISH) انگلیسی	: (PAHLAVI) پهلوی
FOLGA	: (NORWEGIAN) نروژی	: (KURDISH) کردي
VEL	: (DUTCH) هلندی	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	: (GREEK) یونانی
PELENA		: (LATIN) لاتین
PLENÁ	: (RUSSIAN) روسی	: (FRENCH) فرانسه
PLÉNA, PLINA	: (CZECH) چک	: (SPANISH) اسپانیایی
PLINKA	: (SLOVAK) اسلواکی	: (ITALIAN) ایتالیایی
PLEVĖ	: (LITHUANIAN) لیتوانی	: (RUMANIAN) رومانی
PLEYNIS	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن	: (PORTUGUESE) پرتغالی
		: (GOTHIC) گوتیک
REFERENCES	پسگشت ها	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
POKORNÝ:	803	
BARNHART:	(FELL) 375, (FILM) 382	: (OLD NORSE) نورس کهن
DELAMARRE:	(PEAU) 149	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
MACKENZIE:	(SKIN) 133	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
ONIONS:	(FELL) 349, (FILM) 356	
SKEAT:	(FELL) 210, (FILM) 214	
۴۲۷	برهان قاطع:	

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اسلامی: دستمال، کنه‌ی بچه.
چم این واژه در زبان‌های ژرمونی: پوست جانور، پوستین.

PŪSIDAN, PŪDÉ	پوسیدن، پوده (به چم "پوسیده")	فارسی (PERSIAN) :
ROT, FOUL		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PŪ-, *PEU-, *PŪDHŌ-, *PŪTRO		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
FŪL : (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن	اوستایی (AVESTAN) :
FAUL	آلمانی (GERMAN)	پهلوی (PAHLAVI) :
FŪL : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	PUSINITAN, PŪDAG
FOUL	انگلیسی (ENGLISH)	اوستی (OSSETIC) :
FUUL	: (DANISH)	کردی (KURDISH) :
FUUL	: (SWEDISH)	سانسکریت (SANSKRIT) :
FOYR	: (NORWEGIAN)	ارمنی (ARMENIAN) :
VUIL	: (DUTCH)	یونانی (GREEK) :
	: (LITHUANIAN)	PŪTHO, PŪOS, PŪON, PŪON, PŪTHIN
PŪDAU, PŪVU, PŪTI		لاتین (LATIN) :
PŪNIS	: (LATVIAN)	PŪTEŌ, PŪTĒRE, PŪS, PUTRIDUS
REFERENCES	پسگشت ما	فرانسه (FRENCH) :
POKORNÝ:	848-849	PUTRID, PUTRIFIER : (SPANISH) :
BARNHART:	(FOUL) 403	PUTRIDO, PUDRIR : (ITALIAN) :
DELAMARRE:	(PUER) 275	پرتغالی (PORTUGUESE) :
MACKENZIE:	(FOUL) 115, 69	PŪTRIDO, PUTRIFICAR
ONIONS:	(FOUL) 373	گوتیک (GOTHIC) :
SKEAT:	(FOUL) 223-224	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
۴۲۵ و ۴۲۹	برهان قاطع :	FŪLL, FŪKI
		ساکسونی کهن (OLD SAXON) :
		FŪL : (OLD FRISIAN) :
		فریزی کهن (OLD FRISIAN) :

بادداشت:

به احتمال زیاد واژه‌ی "پوده" (برهان قاطع :: ۴۲۵) هم از همین واحریث است.

POK, POF	پک، پف (به چم "فوت"؛ "باد که از دهان بیرون شود")	فارسی (PERSIAN) :
PUFF, BLOW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*P(H)U-K-, *PŪ-, *POU-, *PHU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
	санسکریت (SANSKRIT)	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :

PYSK, PYKAĆ	: (POLISH) لهستانی
PÝCHATÙ	: (RUSSIAN) روسی
PYSK	: (CZECH) چک
	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)
PÙSLÈ, PUJKHLÈ	
PÚSLIS	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن

PUSTI-, PUSKALÁ-	
PUK, PUKK	: (ARMENIAN) ارمنی
PHÙDA, PHÙDAŌ	: (GREEK) یونانی
PUSSULA, PUSTULA	: (LATIN) لاتین
PAFFEN	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

PUF, PUFFE

PUFF	: (ENGLISH) انگلیسی
PUST	: (DANISH) دانمارکی
PUST	: (SWEDISH) سوئدی
POYSA	: (NORWEGIAN) نروژی
POF, POFFEN	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
*PUCHATI	

پادداشت:

چم کلی واژه‌های این فهرست: دمیدن، دم آنگری، بادرگردی، بادرگردن، تاول.

PÜY, PÜYIDAN	پارسی (PERSIAN) : پوی، پوییدن (به چم "دویدن" "شتابیدن"، "عجله")
HASTEN, HASTE, RUN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SPEVD	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

FOYSA	: (NORWEGIAN) نروژی :(LITHUANIAN) لیتوانی
SPAUDÁ, SPĀUSTI	
PUNË	: (ALBANIAN) آلبانی

PÖY, PÖYISHNIG	: (PAHLAVI) پهلوی :(SANSKRIT) سانسکریت
----------------	-------------------------------------------

SPHĀVAYATI, SPHŪY	
P'ÖYT	: (ARMENIAN) ارمنی
SPEYDO, SPEUDO	: (GREEK) یونانی
SPATIVM	: (LATIN) لاتین :(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
SPJOT, SPÝTA	
SPJOT	: (OLD NORSE) نورس کهن
SPIOT	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
SPIOZ	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
SPIESS	: (GERMAN) آلمانی
SPÖWAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKorny:	998-999
MACKENZIE:	(RUN) 131, 69
SKEAT:	(SPE) 758
MALLORY & ADAMS:	SPEUD
۴۲۹	برهان قاطع:
۸۴۳-۸۴۴	فرهنگ معین:
۵۸۲۵ و ۵۸۲۲	لغت نامه دخدا:

یادداشت:

- ۱ معتقد است که واژه‌های **SPACE, PROSPER, SPEED** هم از همین واژه‌یش آمدند.
 -۲ چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: موقن شدن، تغذیه کردن.

PAHLŪ		فارسی (PERSIAN) : پهلو
SIDE, FLANK		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*PERK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
PIRSHYS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	اوستایی (AVESTAN) : پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES	پسگشت‌ها	FARS
POKORNY:	820	اوستی (OSSETIC) : PARƏSU-, PƏRƏSU-
MACKENZIE:	(SIDE) 132	کردی (KURDISH) : PARŞU, PARXAN
۴۳۰	برهان قاطع :	افغانی (پشنو) (AFGHANI) : شابد (PUSHTEY)
۸۴۰	فرهنگ معین :	سانسکریت (SANSKRIT) : PÁRSU-, PÁRSVÁ-
		اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) : PERŪSI

یادداشت:

چم این واژه در زبان لیتوانی: سینه.

PAHN		فارسی (PERSIAN) : پهن
WIDE		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*PET-, *PLTUS-, *PETE-, *POT-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
LLED	: (GAULISH) گالی	اوستایی (AVESTAN) : PATHANA
PATTAR, PADDANI	: (HITTITE) هتب	پهلوی (PAHLAVI) : PAHAN
REFERENCES	پسگشت‌ها	اوستی (OSSETIC) : FATAN
POKORNY:	824	کردی (KURDISH) : PEHN, PĀN
BARNHART:	(FATHOM) 371	افغانی (پشنو) (AFGHANI) : PLAN
MACKENZIE:	(WIDE) 140	یونانی (GREEK) : PETANNÝANI
BUCK:	884-885	لاتین (LATIN) : PATĒRE, PANDĒRE
AMINDAROV:	(WIDE) 310	لیتوانی (LITHUANIAN) : PETÝS
۴۳۳	برهان قاطع :	لتونی (LATIVE) : PATTAR
		بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) : PETTIS

یادداشت:

- ۱- **BARNHART , POKORWY** معتقدند که واژه‌ی انگلیسی **FATHOM** (و واژه‌های همیشه آن در زبان‌های ژرمنی) نیز از همین واژه‌ی اند.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لترنی و بررسی کهن: شانه، کف.

PEY	پی (به چم "رد پا", "نشان پا", "دنیال", "پس و عقب")	فارسی (<i>PERSIAN</i>):
FOOTPRINT, SPOOR, FOOTSTEP, TRACK, FOLLOWING;	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
AFTER		
*PEDO-M		هند و اروپایی (<i>INDO-EUROPEAN</i>):
FET : (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن	اوستایی (<i>AVESTAN</i>)
PEDÁ	لیتوانی (LITHUANIAN)	پارسی باستان (<i>OLD PERSIAN</i>)
PĒDA	لتونی (LATVIAN)	PATI- PADAM
PEDAN	هیبت (HITTITE)	PÉY
REFERENCES	پیشنهاد	پهلوی (<i>PAHLAVI</i>)
MACKENZIE:	(FOOTSTEP) 115,	PEY
(TRACK) 137		کردي (<i>KURDISH</i>)
AMINDAROV:	(AFTER) 131	انغاني (<i>AFGHANI</i>)
		SANSKRIT (<i>SANSKRIT</i>)
		ارمني (<i>ARMENIAN</i>)
		يوناني (<i>GREEK</i>)
		لاتين (<i>LATIN</i>)

یادداشت:

چم واژه‌ی پارسی باستان در این فهرست: روی پاشت چرخیدن.

PIRŪZ, FIRŪZ, PIRŪZI	پیروز، فیروز، پیروزی	فارسی (<i>PERSIAN</i>):
VICTOR, TRIUMPHANT, VICTORIOUS, VICTORY	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*PAITI-LUKI, *PAITI-LUKO-		هند و اروپایی (<i>INDO-EUROPEAN</i>):
REFERENCES	پیشنهاد	اوستایی (<i>AVESTAN</i>)
POKORNÝ:		پهلوی (<i>PAHLAVI</i>)
(PAITI) 150, (LEUGH) 687		PĒRŌZ, PĒRŌZGAR
MACKENZIE:	(VICTORIOVS) 139	کردي (<i>KURDISH</i>)
AMINDAROV:	(TRIUMPH) 302	ارمني (<i>ARMENIAN</i>)
RAMAT:	138	يوناني (<i>GREEK</i>)
۴۳۹	برهان قاطع:	لاتين (<i>LATIN</i>)

یادداشت:

دکتر محمد معین (به پیروی از نیرگ) ریشه‌ی اوستایی این واژه را PAITI-PAOCAH پیروی ریشه‌ی بهلری آنرا PARI-AUZHAH (به چم "قرت" و "زور") می‌داند (برهان قاطع: ۴۳۹)

PĒRĀ, PĒRĀMŪN, PARA-		فارسی (PERSIAN) : پرا-، پرامون، پرا
*PER-, *PERI-		
PER-	: (OLD PRUSSIAN)	پروسی کهن (اوستایی)
IR-, ER-	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن (پارسی باستان)
ERI-	: (GAULISH)	گالی (سانسکریت)
ER-	: (WELSH)	ولزی (يونانی)
ER-	: (BRETON)	برتونی (لاتین)
PEJ-, PE-, PĒR	: (ALBANIAN)	آلبانی (گرتیک)
REFERENCES		پسگشت ها
POKORNÝ:		810
BARNHART:	(PERI-)	777
DELAMARRE:		
(ENAVANT, AUTOUR)		300
PAIRI-	: (AVESTAN)	آوستایی
PARTY-	: (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
PĀRI-	: (SANSKRIT)	سانسکریت
PERI-, PĒR-	: (GREEK)	يونانی
PER-	: (LATIN)	لاتین
FAIR-, FRA-, FAUR	: (GOTHIC)	گرتیک
FON-: (OLD SCANDINAVIAN)		ایسلندی کهن
FIR- : (OLD HIGH GERMAN)		آلمانی کهن
VER-	: (GERMAN)	آلمانی
FYR- : (OLD ENGLISH)		انگلیسی کهن
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
PRĒ		
PEŘ-, PER-	: (LITHUANIAN)	لیتوانی

PĒSH		فارسی (PERSIAN) : پیش - (پیشوند به چم "قبل از")
چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:		
*PRAI-, *PERAI-, *PƏRI-, *PERES-, *PEROS-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
PRAE-, PRĒ-, PRĪ-	: (LATIN)	لاتین (اوستایی)
PRE-, PRI-	: (FRENCH)	فرانسه (پارسی باستان)
FRI- FIR-	: (GOTHIC)	گرتیک (بهلری)
FYR : (OLD SCANDINAVIAN)		ایسلندی کهن (کردی)
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن (بلوچی)
FURI-, FRIST		
	: (OLD ENGLISH)	
PARÉ-, PURÁH	: (SANSKRIT)	سانسکریت
PARA-, PARAI-, PÁROS	: (GREEK)	يونانی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	811-812
BARNHART:	(PRE-) 828
DELAMARRE:	
(EN AVANT DE) 301	
MACKENZIE:	68, (BEFORE) 104
ONIONS:	(PRE-) 703
SKEAT:	(PRE-) 470
۴۴۰	برهان قاطع :

PRE-	(از فرانسه‌ی کهن)
PRE-	: (ENGLISH)
PRIE-	: (LITHUANIAN)
PREI	: (OLD PRUSSIAN)
AIR-, AR-	: (OLD IRISH)
ARE-	: (GAULISH)
PA	: (ALBANIAN)

یادداشت:

واژه‌ی انگلیسی FIRST فم از همین ریشه است (POKOANY:812).

PINŪ, PINŪK	فارسی (PERSIAN) : پینو، پینوک (به چم "کشک" و "ماست چکیده")
DRIED WHEY	چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*PI-, *PIMO-, *POIMEN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

PIENAS : لیتوانی (LITHUANIAN) : (AVESTAN) اوستایی

PAYAH-, PAEMAN, PAYAH-

санسکریت : (SANSKRIT)

PAYATE, PINVATI, PYÁYATE, PINÁ

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

FEIMA

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

FEL : (NORWEGIAN) نروژی

یادداشت:

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	793
SKEAT:	(FEI) 756
۴۴۹	برهان قاطع :
۹۶۹-۹۷۰	فرهنگ معین :
۶۰۴۳	لغت نامه دنخه‌ها:

۱- به احتمال زیاد واژه‌ی "پیر" (پهلوی: PANIR) کردی: (PENĒR) نیز از همین ریشه است.

۲- چم این واژه در سانسکریت: ورم کردن، یاد کردن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: خامه، سرشیر.

چم این واژه در زبان لیتوانی: شیر.

PĒH		فارسی (PERSIAN) : په
FAT		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PEI-, *POI-, *PI-, *POID-, *PIWOS, *PEITU-, *PÍTU-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی
*FATT	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	: (AVESTAN) اوستایی
FAT	: (ENGLISH) انگلیسی	PITU, POITHWA, PīVAH-
FED	: (DANISH) دانمارکی	PITHU : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
FET	: (SWEDISH) سوئدی	PIH : (PAHLAVI) پهلوی
FEIT	: (NORWEGIAN) نروژی	FIW, FIU : (OSSETIC) اوستی
VET	: (DUTCH) هلندی	PIÚ : (KURDISH) کردی
PIENAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	PIG : (BALUCHI) بلوچی
IRIU	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	: (SANSKRIT) سانسکریت
		PÍVAS, PITÚ, PĒTVA
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKorny: 793		PIAR, PIMELĒ : (GREEK) یونانی
BARNHART: (FAT) 371		OPIMUS, PINGUIS : (LATIN) لاتین
DELAMARRE: (GRAISSE) 149		اولنندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
MACKENZIE: (FAT) 114		FEITR
ONIONS: (FAT) 346-347		FEITA : (OLD NORSE) نورس کهن
SKEAT: (FAT) 209		FEIT : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
۴۵۰	برهان قاطع	FATT : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
		FEIZ : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
		FEIST, FETT : (GERMAN) آلمانی

TĀBID, TĀFTAN, TĀB	فارسی (PERSIAN) : تابیدن، تافتن، تاب (به چم "گرداندن" و "پیچیدن")
TUPN, SPIN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TEMP-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
TEMPUS, TEMPORIS, TEMPLUM	: (LATIN) لاتین
TEMPE	: (FRENCH) فرانسه
TEMPIA	: (ITALIAN) ایتالیایی
TEMPULA	: (RUMANIAN) رومانی
TEMPORA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
*TAPAYATI	: (AVESTAN) اوستایی
TĀBIDAN, TĀFTAN	: (PAHLAVI) پهلوی
TAMPE	: (TOKHARIAN A) A تخاری
CAMP	: (TOKHARIAN B) B تخاری
TAMB	: (ARMENIAN) ارمنی
TAPĒS	: (GREEK) یونانی

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNÝ:	1064
BARNHART:	(TEMPLE) 1123
DELAMARRE:	81
BUCK:	71
برهان قاطع (تافتن) : (تاب) ۴۶۰ و (تاب) ۴۵۲ (تاییدن) ۴۵۴	

ایسلندی کهن	: (OLD SCANDINAVIAN)
انگلیسی	: (ENGLISH)
اسلاوی کهن	: (OLD CHURCH SLAVIC)
TETIVA	
لیتوانی	: (LITHUANIAN)
TAMPAS	: (LATVIAN)

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی انگلیسی TAFFETA (از فرانسی کهن TAFFETAS ← ایتالیایی TAFFETA ← ترکی TAFTA). از واژه‌ی فارسی "ناقه" آمده است.
- ۲- چم این واژه در تخاری A : نیرو.
چم این واژه در تخاری B : دانستن.
چم این واژه در لاتین و زبان‌های رومانسی: گیجگاه، شقبه.
چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: ورم کرده، تاب خورده.

TAXTAN, TAXT, TĀZ, TĀZIDAN	فارسی (PERSIAN): تاختن، تاخت، تاز، تازیدن
PUN, HASTEN, GALLOP	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*TEKW-, *TEKWŌMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
TOXON	یونانی : (GREEK)
TAXUS	لاتین : (LATIN)
TEKO	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)
TEKŪ	لیتوانی : (LITHUANIAN)
TEKU	لترنی (لتی) : (LATVIAN)
TACKELIS	پروسی کهن : (OLD PRUSSIAN)
TECHIM, TECHID	ایرلندی کهن : (OLD IRISH)
TEBET	گالی : (GAULISH)
TE'CHET	برتونی : (BRETON)
NDJEK	آلбанی : (ALBANIAN)
	اوستایی (AVESTAN) :
	تاخایتی, TAC, TAXTA
	اوستایی (PAHLAVI) :
	TĀXTAN, TĀZIDAN, TĀZ
	اوستی (OSSETIC) :
	TAGHT, TASHAL
	بلوچی (BALUCHI) :
	TACAG, TASHAG, TĀVAG
	افغانی (پشتر) : (AFGHANI)
	TASHT-, TSAHAL
	خواری B (TOKHARIAN B) :
	CAKE
	سانسکریت (SANSKRIT) :
	TAKTI, TAKATI, TAK

MACKENZIE:	(RUN) 131	REFERENCES	پسگشت‌ها
۴۰۵	: برهان قاطع	POKORYN:	1059-1060
		DELAMARRE:	288

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: درخت سرخدار.
 چم این واژه در زبان‌های ایرانی کهن و برتوانی و گالی: فرار کردن، فرار.
 چم این واژه در زبان تخاری **B**: رودخانه.
 ۲- بازگشت به: تک، تخش.

TĀR	فارسی (PERSIAN): تار (به چم "موی" و "ریسمان")
THREAD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TEN-, *TEND-, *TENTPLOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
-TINCLO	: (LATVIAN) لونی (لتی)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORYN:	1065
SKEAT:	(TEN) 759
AMINDAROV:	(HAIR) 233, (THREAD) 299
۴۶۵	: برهان قاطع
*TATHRA	: (AVESTAN) اوستایی
TA, TĒ, TĒL	: (KURDISH) کردی
TŌR, TĀR	: (AFGHANI) افغانی (پشتونی)
TANTA-, TATA-,	: (SANSKRIT) سانسکریت
TÁNTRA-, TANTU-, TANTRAM, TAN-	
TANOS	: (GREEK) یونانی
TENTUS	: (LATIN) لاتین
TINKLAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی

یادداشت:

- ۱- به احتمال زیاد واژه‌ی "تور" نیز از همین واجريشه است.
 ۲- معنی این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: کشیده، کشیدگی.
 ۳- به عقیده‌ی SKEAT واژه‌ی انگلیسی THIN (و واژه‌های همر بشی آن در زبان‌های ژرمنی) هم از همین واجریشه‌اند.
 ۴- بازگشت به: تنیدن و تار.

TĀR, TĀRIK	فارسی (PERSIAN) :	تار، تاریک
DARK, MURKY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*TEM-, *TEMSROS, *TEMES	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
T'MA, TEMNOTA	: (RUSSIAN)	اوستایی (AVESTAN) :
TEMNÝ, TMAVÝ	: (CZECH)	پهلوی (PAHLAVI) :
TAMA, TMINA	: (SERBIAN)	TĀR, TĀRAG, TĀRĪG, TUM, TUMIK
TMA, TEMNOTA	: (BOHEMIAN)	اوستی (OSSETIC) :
TEMNÝ, TMAVÝ	: (SLOVAK) لیترانی (LITHUANIAN)	کردی (KURDISH) : بلرجی (BALUCHI) :
TIMSRAS, TÉMTI		افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
TUMSA, TIMSA	: (LATVIAN)	تخاری (TOKHARIAN B) B :
TEMEL	: (OLD IRISH)	سانسکریت (SANSKRIT) :
TYWYLLWCH, TYWLL	: (WELSH) برتونی (BRETON)	TAMRAS, TAMISRĀ, TAMAS
TENVALIENN, TENVAL		لاتین (LATIN) :
REFERENCES	پسکشت‌ها	فرانسی (FRENCH) :
POKORNY:	1063-1064	اسپانیایی (SPANISH) :
BARNHART:	(TEMERITY) 1122	ایتالیایی (ITALIAN) :
DELAMARRE:	(SOMBRE) 236	رومانی (RUMANIAN) :
MACKENZIE:		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
(DARK, DARKNESS) 109.		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
BUCK:	61	DINSTAR
ONIONS:	(TENEBRAE) 903	آلمانی (GERMAN) :
SKEAT:	(TEM) 759	نروژی (NORWEGIAN) :
AMINDAROV:	(DARKNESS) 209	هلندی (DUTCH) :
۴۵۶	برهان قاطع :	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :
		THAM
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
		FINSTER
		آلمانی (GERMAN) :
		TAMM
		نروژی (NORWEGIAN) :
		DUISTER
		هلندی (DUTCH) :
		اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :
		TIMA
		لهستانی (POLISH) :
		ÉMA

یادداشت:

واژه‌ی فارسی "تم" (به چم "تاری چشم" یا "آب مروارید") نیز از همین واجریشه است (1063) و POKORNY: 511 برهان قاطع:

TAXSH	تخش (به چم "کمان،" "تیر") فارسی (PERSIAN):
BOW, ARROW	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TEKW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
DEHSA	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DEOX	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1059
BUCK:	1388
۴۷۵-۴۷۶	برهان قاطع:

*TAHSHA	: (OLD PERSIAN)
TAKSH-	санسکریت (SANSKRIT): (شاید)
TOXON	یونانی (GREEK):
TAXUS	لاتین (LATIN):
	: (OLD SCANDINAVIAN)
THEXLA	ایسلندی کهن (OLD HIGH GERMAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
	یادداشت:

۱- بازگشت به: تک و تاختن.

۲- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: درخت سرخدار (که از آن تیر و کمان می‌ساختند).

چم این واژه در زبان ژرمی: نیزه، تبر زین.

TAXSH, TAXSHIDAN, TAXSHĀĒ	تخش، تخشیدن، تخشایی (به چم "صنعت و کوشایی") فارسی (PERSIAN):
INDUSTRY, EFFORT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TEKTH-, *TĒKMI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
TESE	رومانی (RUMANIAN): رومانی (OLD CHURCH SLAVIC): اسلامی کهن
TESATI, TUKATI, TESHO	لهستانی (POLISH): لهستانی (LITHUANIAN): لیتوانی
TKAC, TKACTWO	پهلوی (PAHLAVI): پهلوی
TESLA, TKAT	روسی (RUSSIAN): روسی
TKÁT	چک (CZECH): چک
TKATI	سربی (SERBIAN): صربی
TKÁTI, TKAT	بوهی (BOHEMIAN): بوهی
TASHYTI	لیتوانی (LITHUANIAN): لیتوانی
TESHU	لتوانی (LITVIAN): لتوانی (لتی)
TASHAII, TWAXSHA, TWAXSH, TUXSHĀ	اوستایی (AVESTAN): اوستایی
	پارسی باستان (OLD PERSIAN): پارسی باستان
	HAMATAKSHTĀ, HAMATAKSHAIY
	TUDSHĀK, TĀSH-
	TUXSHIH, TUXSHIDAN, TUXSHISHN
	سانسکریت (SANSKRIT): سانسکریت
	TAKSHATI
	TASHTI, TAKSHAN-, TAKSH
	یونانی (GREEK): یونانی
	TEXŌ, TEXERE
	لاتین (LATIN): لاتین
	TISSE
	فرانسه (FRENCH): فرانسه
	TEJER
	اسپانیایی (SPANISH): اسپانیایی
	SESERE
	ایتالیایی (ITALIAN): ایتالیایی

BUCK:	410	REFERENCES	پسکشت ها
SKEAT:		POKORNY:	1058-1059
(TEKTH) 759, (TECHNICAL) 633		DELAMARRE:	(TRAVAILLE
۴۷۶	برهان قاطع:	EN BOIS, ASSEMBLER)	288
۶۵۲۳-۶۵۲۴	لغت نامه دهخدا:	MACKENZIE:	
		84, (ENDEAVOUR)	112

یادداشت:

چم این واژه در زبان های رمانس (ناشی از لاتین) و اسلامی: ناجی، بافتگی.
چم این واژه در زبان های دیگر: با نوری و هنرمندی ساختن (به ویژه از چوب).

TOXM	تخم	فارسی (PERSIAN)
SEED, EGG, DESCENDENT, OFFSPRING		چم انگلیسی سروالزه فارسی:
*TEUK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
DIEHTER		اوستایی (AVESTAN)
REFERENCES	پسکشت ها	TAUMĀ : (OLD PERSIAN)
POKORNY:	1083	پارسی باستان (PAHLAVI)
MACKENZIE:	(SEED) 132	تōHM, TOM, TōXM, TōHMĀG
BUCK:	(SEED) 505-506	TōM, TOV, TOXIM : (KURDISH)
AMOMDAROV:	(SEED) 283	TōMA : (AFGHANI)
۴۷۶	برهان قاطع:	افغانی (پشتو) : (SANSKRIT)
		санскрит (SANSKRIT)
		TOKĀM, TOXMAN, TOHM
		آلانی مانه (MIDDLE HIGH GERMAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان آله‌ای میانه: نو.

TAZARV, TŪRANG	تذرو، تورنگ (به چم "قرقاول")	فارسی (PERSIAN)
PHEASANT		چم انگلیسی سروالزه فارسی:
*TERTER		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
	سانسکرت (SANSKRIT)	پهلوی (PAHLAVI)
TITTIRAS, TITTIRI		TITAR, TADAR,
		TADARW

TATARVIS : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
TETHRA : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1079
MACKENZIE:	(PHEASANT) 127
MALLORY & ADAMS:	TETER
FVA	برهان قاطع :
۱۰۰۷	فرهنگ معین :

TATRAK : (ARMENIAN) ارمنی
TÉTAROS, TETRÁON : (GREEK) یونانی
ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
THIDHURR
THIOTHUR : (OLD NORSE) نورس کهن
اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)
TETREVI
TETEREN : (RUSSIAN) روسی
TETERVAS : (LITHUANIAN) لیتوانی
TETERIS : (LATVIAN) لتونی (لتی)

TAR	تر (به چم "خیس") : (PERSIAN)
WET, MOIST	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*TAD(H)-, *TĀI-, *TĀBH-, *TĀK-, *TĀ-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

TO	نروژی : (NORWEGIAN)	TURUNA	اوستایی : (AVESTAN)
DOOEIN	هلندی : (DUTCH)	TARR	پهلوی : (PAHLAVI)
	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)	THAYUN	اوستی : (OSSETIC)
TAJETŪ, TINA		TER	کردی : (KURDISH)
TLJA	روسی : (RUSSIAN)	TĀRUNA	санسکریت : (SANSKRIT)
TÝRAS, TÝRE	لیتوانی : (LITHUANIAN)	TĀNAM	ارمنی : (ARMENIAN)
TIRELIS	لتونی (لتی) : (LATVIAN)	TEKEIN	یونانی : (GREEK)
TAWDD	ولزی : (WELSH)	TĀBEŌ, TĀBĒRE	لاتین : (LATIN)
TÓRZ	برتونی : (BRETON)		ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
		THEYJA	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1053
BARNHART:	(THAW) 1131
MACKENZIE:	(TARR) 82
SKEAT:	636
MALLORY & ADAMS:	TEHA-
AMINDAROV:	(WET) 309
FVA-FV9	برهان قاطع :

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
DOUWEN, DÖAN
TAUEN : (GERMAN) آلمانی
انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)
THĀWIAN, THĀN
THAW : (ENGLISH) انگلیسی
TO : (DANISH) دانمارکی
TÖA : (SWEDISH) سوئدی

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: آب کردن، ذوب کردن.

چم این واژه در زبان ارمنی: تر کردن.

چم این واژه در زبان‌های اوستایی و سانسکریت: جوان، تر و نازه.

TARĀ, FARĀ-	فارسی (PERSIAN): ترا-، فرا- (مثلاً در "تروابری")
THROUGH	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*TER-, *TERES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
THROUGH	اوستایی (AVESTAN): انگلیسی (ENGLISH)
DOOR	هلندی (DUTCH): ایرلندی کهن (OLD IRISH)
TRE-, TRI-, TAR-	اوستی (OSSETIC):
TRA-	سانسکریت (SANSKRIT): گالی (GAULISH)
TREU-	پهلوی (PAHLAVI): برتونی (BRETON)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1074-1076
BARNHART:	(THROUGH) 1138
DELAMARRE:	301
MACKENZIE:	(THROUGH) 136
ONIONS:	(THROUGH) 920, (TRANS-) 936
SKEAT:	(THROUGH) 644
TAXMA	اوستایی (AVESTAN):
TAT	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
TANKI	تخاری (TOKHARIAN A) A:

TAXMA	فارسی (PERSIAN): ترخینه، تلخینه، ترخنه (به چم "آب کشک")
TAXMA	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
TAXMA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SANSKRIT	اوستایی (AVESTAN): سانسکریت (SANSKRIT)
TANČ, TANÁKTI, TANAW, TAKRÁM	افغانی (پشتو) (AFGHANI):
THEIHAN	تخاری (TOKHARIAN A) A: گوتیک (GOTHIC):

TONKET

برتونی (BRETON)

REFERENCES

POKORNY: 1068

MALLORY & ADAMS: TRENK

فاف: برهان قاطع

۶۶۱۰ لفت نامه دهخدا:

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

THETTI

نورس کهن (OLD NORSE)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

TINKU, TANKUS (LITHUANIAN)

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH)

TĒCHT, TĒCAR

TEITHI گالی (GAULISH)

پادواشت:

چم این واژه در اوستایی: پرقدرت، مقرب.

TARS, TARSIDAN

فارسی (PERSIAN): ترس، ترسیدن

FEAR, DREAD

چم انگلیسی سرووازهی فارسی:

***TRES-, *TERS-, *TREG-, *TFRES-**

هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

TERROR: برهانی (PORTUGUESE)

DRAES: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

TRIAST: روسی (RUSSIAN)

TRISHÚ: لیتوانی (LITHUANIAN)

TRÍSAS, TRISÉT: لترنی (لتی) (LATVIAN)

TARRACH: ایرلندی کهن (OLD IRISH)

اوستایی (AVESTAN)

TARSHTA, TƏRƏSAITI

پارسی باستان (OLD PERSIAN)

TARSATIY: پهلوی (PAHLAVI)

TARSIN, TIRSN: اوستی (OSSETIC)

TARS, TIRSN: کردی (KURDISH)

TRUSAG, TRUSAGH: بلوجی (BALUCHI)

TARH-, DĀR: افغانی (پشتو) (AFGHANI)

سانسکریت (SANSKRIT)

TÁRJATI, TRÁSATI, TRASA-

ERER: ارمنی (ARMENIAN): (شاید شاید)

برناني (GREEK)

TARBEŌ, TRĒŌ, TREIN

TORVUS: لاتین (LATIN)

TERREŌ, TERRĒRE, TERROR

TERREUR: فرانسه (FRENCH)

TERROR: اسپانیایی (SPANISH)

TERRORE: ایتالیایی (ITALIAN)

REFERENCES

POKORNY: 1095

BARNHART: (TERROR) 1127

DELAMARRE: (EFFRAYER) 289

MACKENZIE: (FEAR) 114

BUCK: (FEAR) 1153-1155

ONIONS:

(TERRIBLE, TERROR) 912

SKEAT: (TERROR) 637

AMINDAROV: (FEAR) 223

فاف-فاب: برهان قاطع

پسگشت ها

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت و لیتوانی و لتوانی و یونانی: لر زیدن، به لرزه افتادن

TOPSH, TOROSH	فارسی (PERSIAN): ترش
SOUR	چم انگلیسی سرو واژه فارسی:
*(S)TERP-, *TERP-, *STERBH-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

TOROPÉTU, TERPKIJ	روسی (RUSSIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
TRÁPITI, TRRKÝ	:(CZECH) چک	کردی (KURDISH)
UTRUPÉTI	:(SERBIAN) صربی	بلوچی (BALUCHI)
TRÁP, TRPKÝ	:(SLOVAK) اسلواکی	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
	:(LITHUANIAN) لیتوانی	لاتین (LATIN)
STIRPTI, TIRPTI		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
TIRPT	:(LATVIAN) لتوانی (لتی)	STJARFI
SERRACH	:(IRISH) ایرلندی	STERBAN :(OLD SAXON) ساکسونی کهن
SHTERPË	:(ALBANIAN) آلبانی	STERVA :(OLD FRISIAN) فریزی کهن

REFERENCES	پسکت ها
POKORNY:	1024-1025
BARNHART:	1061
MACKENZIE:	(SOUR) 134
ONIONS:	864
SKEAT:	599
AMINDAROV:	(SOUR) 290
۴۸۵	برهان قاطع:

TERPKIJ	TURUSH, TRUSH, TRUFSH
TIRSH, TAL	کردی (KURDISH)
TRUSHP, TRUPSH:	(BALUCHI)
TRÍV, TRIW	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
TORPEÓ, TORPÈRE	لاتین (LATIN)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
STERBAN	ستارفی
STERBAN	STERBAN :(OLD SAXON) ساکسونی کهن
STERVA	STERVA :(OLD FRISIAN) فریزی کهن
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
STERBAN	ستارفی
DERB, STERBEN	آلمانی (GERMAN)
STEORFAN:	(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
STARVE	انگلیسی (ENGLISH)
STERVEN	هلندی (DUTCH)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
TERPKIJ	لهستانی کهن (OLD POLISH)
TROPIC, CIERPKI	

یادداشت:

-1- ONIONS و SKEAT ریشه هند و اروپایی این واژه ها را ذکر نمی کنند.

-2- چم این واژه در زبان های ژرمی: از گرسنگی یا سرما مردن، گرسنگی خوردن

چم این واژه در زبان آلبانی: بی حاصل، بیهوده.

چم این واژه در زبان ایرلندی: کرمه.

چم این واژه در زبان لاتین و برخی زبان های اسلامی: بی حس، گیج و بی حال.

TARĒ		فارسی (PERSIAN) : ترہ
LEEK		چم انگلیسی سروواڑہی فارسی:
*-TRNU-, *TRNU-, *(S)TER-N-		ہند و اروپائی (INDO-EUROPEAN)
TORN	: (DANISH) دانمارکی	پھلوی (PAHLAVI)
TORN	: (SWEDISH) سوندی	افغانی (بشتو) (AFGHANI)
TORN	: (NORWEGIAN) نروژی	سانسکریت (SANSKRIT)
DOORN	: (DUTCH) هلندی	TRNA-M, TARNAN
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	یونانی (GREEK)
TRUNU		گوتیک (GOTHIC)
		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
REFERENCES	پسکت ها	THORN
POKORNY:	1031	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BARNHART:	1136	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
MACKENZIE:	(TARRAG) 82	آلمنی کهن (OLD HIGH GERMAN)
MALLORY & ADAMS:	TRN-	آلمنی (GERMAN)
۴۹۲	برہان قاطع:	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
		انگلیسی (ENGLISH)
		یادداشت:
		چم این واڑہ در سانسکریت: برگ علف
		چم این واڑہ در زبان های ژرمنی: غار

TORIDAN	فارسی (PERSIAN) : تریدن، توریدن (به چم "رمیدن" و "گریختن" و "غل خوردن")
ROLL, TURN	چم انگلیسی سروواڑہی فارسی:
*TER-, *TERI-, *TERU-, *TOROS-	ہند و اروپائی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
DRAEN	تخاری A (TOKHARIAN A)
DREHEN	تخاری B (TOKHARIAN B)
	پونانی (GREEK)
	لاتین (LATIN)
THRAWAN, TURNIAN	اسپانیا (SPANISH)
THROW, TURN	ایتالیا (ITALIAN)
	پرتغالی (PORTUGUESE)
TRĒTI	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
TRINTY	آلمنی (OLD HIGH GERMAN)
TARATHAR	

SKEAT: (THROW) 654, (TURN) 673 ۰۳۲ و ۴۹۵ ۶۶۹۶ ۱۱۶۴	برهان قاطع: لخت نامه دهخدا: فرهنگ معین:	REFERENCES POKORNY: BARNHART: (THROW) 1139, (TURN) 1176 ONIONS: (TIROW) 920, (TURN) 949	پسگشت‌ها 1071
-------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------

بادداشت:

- ۱- چم پیشین این واژه در زبان‌های ژرمنی: چرخیدن، غلتبیدن، افکدن.
 چم این واژه در زبان‌های تخاری: گمراه شدن، از مسیر چرخیدن.
 چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: مته.
 ۲- واژه‌ی (شاید) شامل همه‌ی واژه‌های این فهرست می‌شود.

TESHNÉ, TESHNEGI	فارسی (PERSIAN): تشنه، تشنگی
THIRSTY, THIRST	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TERS-, *TORS-, *TERSŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	اوستایی (AVESTAN)
THORSTI : (OLD NORSE) نورس کهن	پهلوی (PAHLAVI)
THORSTI, THYRSTA : (OLD SAXON) ساکسونی کهن	TISHNAK, TISHNAKIK, TISHN, TISHNAGIH
THURST : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	کردی (KURDISH): افغانی (پشتو)
DERREN, DŪRST	санسکریت (SANSKRIT)
DURST, DURSTEN : (GERMAN) آلمانی	TRSHNA, TRSHYATI, TARSHAYATI
: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	ارمنی (ARMENIAN)
THURST, THURSTIG	TARSHAMIM, TAIRAMIM
THIRST, THIRSTY : (ENGLISH) انگلیسی	يونانی (GREEK)
TORS : (DANISH) دانمارکی	TER SOMAI, TER SESTHAR
TÖRST, TÖRSTA : (SWEDISH) سوئدی	TORREŌ, TORRÈRE : (LATIN)
TORST : (NORWEGIAN) نروژی	TORRIDE : (FRENCH)
DORST, DORSTEN : (DUTCH) هلندی	TÖRRIDO : (SPANISH)
TIRSHTAS : (LITHUANIAN) لیتوانی	TORRIDO : (PORTUGUESE)
TART : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	هرنگالی (GOTHIC)
TER : (ALBANIAN) آلبانی	گوتیک (GOTHIC)

BUCK:	333	REFERENCES	پسگشت ها
ONIONS:	(THIRST) 917	POKORNY:	1078
SKEAT:	(THIRST) 642	BARNHART:	(THIRST) 1135
MINDAROV:	(THIRST) 298	DELAMARRE:	(AVOIR SOIF) 289
۴۹۷ و ۴۹۸	برهان قاطع :	MACKENZIE:	
			(THIRST, THIRSTY) 136

پادداشت:

چم این واژه در زبان های یونانی و رومانس (لاتین و زبان های ناشی از آن): خشک، خشکیدن.

TOF, FOFŪ, TOF KARDAN	تف، تفو، تف کردن	فارسی (PERSIAN)
SPIT		چم انگلیسی سروازه دی فارسی:
*(S)PIEU-, *(S)PIWŌ-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

: <i>(OLD ENGLISH)</i> انگلیسی کهن	SPĀMA	: <i>(AVESTAN)</i> اوستایی
SPIWAN, SPITAN	TŪF, TŪFEK	: <i>(PAHLAVI)</i> پهلوی
SPIT, SPITTLE	TU	: <i>(OSSETIC)</i> اوستی
SPYTTE	TEF, TUK, TIFŪ	: <i>(KURDISH)</i> کردی
SPOTTA		: <i>(AFGHANI)</i> افغانی (پشتو)
SPYTTE	TU, TUK, TUKAL	
SPUWEN		: <i>(SANSKRIT)</i> سانسکریت
: <i>(OLD CHURCH SLAVIC)</i> اسلاوی کهن	SHTIV, SHTIVAIT, TUHVATI	
PLJUJO	TUK, TKANEM	: <i>(ARMENIAN)</i> ارمنی
PLUC'	PTUŌ	: <i>(GREEK)</i> یونانی
PLEVAT	SPUŌ, SPUERE	: <i>(LATIN)</i> لاتین
PLIVAT	SPEIWAN	: <i>(GOTHIC)</i> گوتیک
PLJWATI		: <i>(OLD SCANDINAVIAN)</i> ایسلندی کهن
PLIVATI	SPÝJA	
PLUVAT	SPYTA	: <i>(OLD NORSE)</i> نورس کهن
	SPOTTIA	: <i>(OLD FRISIAN)</i> فریزی کهن
SPIÁUJU, SPIÁUTI		: <i>(OLD HIGH GERMAN)</i> آلمانی کهن
SPLAUT	SPIWAN	
	SPUCKE, SPUCKEN	: <i>(GERMAN)</i> آلمانی

<i>ONIONS:</i>	(SPIT) 588	<i>REFERENCES</i>	پسکشت‌ها
<i>SKEAT:</i>	(SPIT) 589	<i>POKORNY:</i>	999-100
<i>AMINDAROV:</i>	291	<i>BARNHART:</i>	(SPIT) 1047
۵۰۲ و ۵۰۰	برهان قاطع :	<i>DELAMARRE:</i>	(CRACHER) 284
۶۸۳۷	لغت نامه دهخدا:	<i>BUCK:</i>	264-265

یادداشت:

- ۱- **ONIONS** و **BARNHART** فقط ریشه‌های ژرمنی این واژه را می‌دهند.
 ۲- رابطه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را با سایر واژه‌ها "احتمالی" می‌داند.

فارسی (PERSIAN): تف، تفت، تفتان، تافتن، تفسیدن	
TAF, TAFT, TAFTAN, TĀFTAN, TAFSIDAN	
WARM, HEAT	چم انگلیسی سزووازه‌ی فارسی:
* TEP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)	اوستایی (AVESTAN)
THEFIAN	TAFSAITI, TAPTA-, TĀPAYEITI, TAFNU
TEPID	پهلوی (PAHLAVI)
انگلیسی (ENGLISH)	
TEVA	نروژی (NORWEGIAN)
نروژی (NORWEGIAN)	TAB-, TĀFTAN, TĀFTISHN, TAPISHN
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	کردی (KURDISH)
TEPLŪ	санسکریت (SANSKRIT)
CIEPLY	TĀPATI, TAPTÁ-
لهستانی (POLISH)	TĀPAS-, TAP-, TĀPÁYATI
روسی (RUSSIAN)	ارمنی (ARMENIAN)
TEPLIJ, TOPITU, TOPITÍ	لاتین (LATIN)
چک (CZECH)	TEPIDUS, TEPEŘE, TEPEÓ
TOPITI	فرانسه (FRENCH)
صربی (SERBIAN)	TIÉD
TEPLÝ	اسپانیایی (SPANISH)
بومی (BOHEMIAN)	TIBIO
ایرلندی کهن (OLD IRISH)	TIEPID
آلبانی (ALBANIAN)	ایتالیایی (ITALIAN)
آلبانی (ALBANIAN)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
THPASSA	THEFR, THEFA
هنبت (HITTITE)	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)
	DOWEN
	(VER)DAUEN آلمانی (GERMAN) (شاید)

پسگشت‌ها	REFERENCES	(TEPID) 910	ONIONS:
1069-1070	POKORNY:	(TEPID) 636, (TEP) 759	SKEAT:
(TEPID) 1126	BARNHART:	(FEVER) 224	ZMINDAROW:
(CHAUFFER) 289	DELAMARRE:	برهان قاطع:	۴۶۰ و ۵۰۰-۵۰۱
(HEAT) 117	MACKENZIE:		
1077	BUCK:		

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "تب" نیز از همین ریشه است.
- ۲- این واژه‌ی در واژه‌های "تابستان" و "تابخانه" و "تاوه" و "تون تاب" (و غیره) هم دیده می‌شود.

TAK	فارسی (PERSIAN): تک (به چم "یو", "یویدن", "بورش بردن")
RUN, PUSH, ATTACK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TEKW-, *TEKWÔMI	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
TAKŪ	: (AVESTAN) اوستایی
TEKINAS, TĀKAS: (LITHUANIAN)	لیتوانی ·TACHINŌ, TACHAR, TAKA
TEKSINIS : (LATVIAN)	لتونی (لتی) پهلوی (PAHLAVI)
REFLECTIONS	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
POKORNY: 1059	санскریت (SANSKRIT)
DELAMARRE:	THIUS : (GOTHIC)
(RAPID, QUI COUR) 235	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
MACKENZIE: (RUNNING) 131,	DED, DIONĒN
(ATTACK) 103	DIENEN : (GERMAN) آلمانی (GERMAN)
برهان قاطع:	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
۵۱۷ و ۵۰۳	DĒO, DEOWU
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و لیتوانی و افغانی: دویدن، جاری شدن.
چم این واژه در لیتوانی و لتونی و زبان‌های زرمنی: خدمتکار، هادو.

TAN	تن : (PERSIAN)
BODY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*TENU-, *TENUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1069
MACKENZIE:	(BODY) 104
BUCK:	198-199
AMINDAROV:	(BODY) 192
515	برهان قاطع :
TANŪ	اوستایی (AVESTAN) :
TAN	پهلوی (PAHLAVI) :
DGAN	کردي (KURDISH) :
TAN	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
TANŪ	санскربت (SANSKRIT) :
TEINO	برونانی (GREEK) :

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "تُنک" هم از همین ریشه است.
- ۲- بازگشت به "تُنک".
- ۳- واژه‌هایی مانند "تومند" و "تهمنت" و "تن پرور" همه دارای این واجریشه‌اند.

REFLECTION, TUNING (BE CH "BY OWN PRACTICING" AND DRAHM FURNISHED SHEDEN")	فارسی (PERSIAN) :
TANJIDAN	
CONTORT, COMPRESS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*TANK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	اوستایی (AVESTAN) :
POKORNÝ:	1068-1069
516	برهان قاطع :
TASHYAH-, TANCHISHTA	
TINJIN, ITINJUN	اوستی (OSSETIC) :
TAJENAG	بلوچی (BALUCHI) :
TANJ-, TANC-	سانسکربت (SANSKRIT) :

یادداشت:

این واژه و واژه‌ی "تُنک" هم‌ریشه‌اند.

TONDAR	قدر : (PERSIAN)
THUNDER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*(S)TEN-, *(S)TON-, *(S)TN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
STÁNATI, : (SANSKRIT)	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
TÁNYATI, TANAYITÚ	TANDAR, TANĀ, TĀLANDA

TORDEN	:SWEDISH	سوندی	STÉNEIN, STÉNÓ	:GREEK	برنانی
TORDNE	:(NORWEGIAN)	نروژی	TONÄRE, TONÓ	:(LATIN)	لاتین
DONDER	:(DUTCH)	هلندی			فرانسه
	:(OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	TONNER, TONNERRE		
STENATI			TRUENO	:(SPANISH)	اسپانیایی
STENAT, STONAT	:(RUSSIAN)	روسی	TUONO	:(ITALIAN)	ایتالیایی
DUNIET	:(SLOVAK)	اسلواکی	TENET	:(RUMANIAN)	رومانی
STENĒTL, STENŪ	:(LITHUANIAN)	لیتوانی	TROVÃO	:(PORTUGUESE)	پرتغالی
STINONS	:(OLD PRUSSIAN)	بروسی کهن			ابلندی کهن
	:(OLD IRISH)	ایرلندی کهن	THÖRR, THONARR		
TORAINT, STEŪ			STYNJA	:(OLD NORSE)	نورس کهن
			THUNAR	:(OLD SAXON)	ساکسونی کهن
			THUNER	:(OLD FRISIAN)	فریزی کهن
				:(OLD HIGH GERMAN)	آلسانی کهن
			DONAR		آلمانی
			DONNER, DONNERN		
				:(OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
			THUNOR, DUNIAN		
			THUNDER	:(ENGLISH)	انگلیسی
			TORDEN	:(DANISH)	دانمارکی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1021
BARNHART:	(THUNDER) 1139
DELAMARRE:	(TONNER) 285
BUCK:	57-58
ONIONS:	(THUNDER) 921
SKEAT:	(THUNDER) 645
017	برهان قاطع:

TONOK, TANOK	تنک	:PERSIAN
THIN, SPARSE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TENŌS-, *TENS-		هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
TANY, TANAÓS	برنانی	:GREEK
TENUIS, TENERE	لاتین	:(LATIN)
TÉNU	فرانسه	:(FRENCH)
TENUE	اسپانیایی	:(SPANISH)
UFTHANJAN	گریک	:(GOTHIC)
	ایسلندی کهن	:(OLD SCANDINAVIAN)
TANUK	پهلوی	:(PAHLAVI)
TÄNÄG	اوستی	:(OSSETIC)
TENIK	کردی	:(KURDISH)
TANAK,	بلوچی	:(BALUCHI)
TANÚ,	санسکریت	:(SANSKRIT)
TANÚS, TANVI, TANUKA, TANI-MAN		

تنگ (در برابر / ۲۰۳

TENK, TENKY	: (SLOVAK) اسلواکی	THUNNR	
TEVAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	THUNNI	: (OLD NORSE) نورس کهن
TIĒV, TIĒVS	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)	THENNE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
TANAЕ,	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
TANE		DUNNI	
TENEU	: (GAULISH) گالی	DÜNN	: (GERMAN) آلمانی
TENEU	: (WELSH) ولزی	THYNNE	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
TANAŌ, TANO	: (BRETON) برتونی	THIN	: (ENGLISH) انگلیسی
REFERENCES		TYND	: (DANISH) دانمارکی
POKORNY:	1069	TUNN	: (SWEDISH) سوئدی
BARNHART:	(THIN) 1134	TYNN	: (NORWEGIAN) نروژی
MACKENZIE:	(THIN) 136	DUN	: (DUTCH) هلندی
BUCK:	889	TINUKŪ, TANAK	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
ONIONS:	(THIN) 917	CIENKY	: (POLISH) لهستانی
SKEAT:	(THIN) 641	TÓNKIJ	: (RUSSIAN) روسی
AMINDAROV:	298	TENKY	: (CZECH) چک
519	برهان قاطع:	TENKY	: (BOHEMIAN) بوهمی
			یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: باریک، نازک.

چم این واژه در زبان یونانی: دراز.

TANG		فارسی (PERSIAN): تنگ (در برابر "گشاد")
TIGHT		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*TENGH-, *TENK		هند و ایوپایی (INDO-EUROPEAN):
TÄNK	: (TOKHARIAN A) A	اوستایی (AVESTAN):
TANK	: (TOKHARIAN B) B	پهلوی (PAHLAVI):
TANAKTI, TANC	: (SANSKRIT) سانسکریت	اوستی (OSSETIC):
TANJIR, TANJR	: (ARMENIAN) ارمنی	کردی (KURDISH):
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	بلوچی (BALUCHI):
THĒTTR	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	افغانی (پشتو) (AFGHANI):

TĚSNÝ	: (CZECH)	چک
TÓGA, TESNÝ	: (SLOVAK)	اسلاوکی کهن
TANKUS	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)
TEVHT	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن

REFERENCES	پشت‌ها
POKORNY:	1067-1068
BARNHART:	(TIGHT) 1142
MACKENZIE:	(TIGHT) 137
ONIONS:	(TIGHT) 923
SKEAT:	
	(TIGHT) 647, (TENQ) 759
519	برهان قاطع:

TACHT, TICHT	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
DÍHTE		
DICHT	: (GERMAN)	آلمانی
TYGHT	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
TIGHT	: (ENGLISH)	انگلیسی
TAT	: (DANISH)	دانمارکی
TÄT	: (SWEDISH)	سوئدی
TETT	: (NORWEGIAN)	نروژی
DIGT	: (DUTCH)	هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
TEGNOTI		
TEGI	: (POLISH)	لهستانی
TUGØJ	: (RUSSIAN)	روسی

بادداشت:

چم این واژه در اوستایی: نیر و مند

چم این واژه در تخاری A, B, C: جلوگیری.

TANIDAN	فارسی (PERSIAN):	تینیدن
SPIN (A WEB)	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*TEN, *TEND, *TENTO-, *TONO-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی

انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)

DEENNAN, DENIAN

TINTL, TANAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

تینیدن

اوستایی (AVESTAN):

پهلوی (PAHLAVI):

санسکریت (SANSKRIT):

TAN, TANÓTL, TÁNA-, TÁNAS-

يونانی (GREEK): TONÓS, TATOZ

لاتین (LATIN): TENUS, TENORIS

گونیک (GOTHIC): -THANJAN

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): DEN(N)EN

REFERENCES	پشت‌ها
POKORNY:	1065
SKEAT:	(TEN) 759
522	برهان قاطع:
7076	لغت‌نامه دوغد:

یادداشت:

- ۱- واژه‌های "تار" و "تور" و "تفگ" هم از همین واجریشه هند و اروپایی هستند.
- ۲- چم این واژه در زبان لاتین: دام، نله.
- ۳- واژه‌های "تندو" و "تنده" و غیره نیز از همین واجریشه‌اند.

TO	فارسی (PERSIAN)	تو (مخاطب مفرد)
THOU, YOU	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*TU, *TUO, *TEUO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
DŪ	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	: (AVESTAN) اوستانی
DU	: (GERMAN) آلمانی	TŪ, TAVA, TŪM, TVAM
THŪ	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
THOU	: (ENGLISH) انگلیسی	TAVA, TUVAM
DU	: (DANISH) دانمارکی	TŌ
DU	: (SWEDISH) سوئدی	DU, DI, DAE
DU	: (NORWEGIAN) نروژی	TU, TAVA
TY	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	TA, TI
TY	: (POLISH) لهستانی	TU
TUI	: (RUSSIAN) روسی	TUWE
TY, VY	: (CZECH) چک	
TY, VY	: (SLOVAK) اسلواکی	TŪ, TAVA, TUAM, TVĀM
TŪ	: (LITHUANIAN) لیتوانی	DU
TŪ	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	TU, SÝ, TY
TI	: (ALBANIAN) آلبانی	TU, SÚ
TUK, ZIK	: (HITTITE) هیتی	TU, TOI
REFERENCES	پسگشت ها	
POKORNÝ:	1097-1098	TŪ
BARNHART:	(THOU) 1136	TU
MACKENZIE:	(THOU) 136	TU
ONIONS:	(THOU) 918	TU
SKEAT:	(THOU) 643	THU
AMINDAROV:	312	THŪ : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
برهان قاطع:	۵۲۵	THU : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
		THU : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

TAVĀN, TAVĀNĀ, TAVĀNESTAN	توان، توانا، توانستن	فارسی (PERSIAN)
POWER, ABILITY, ABLE, POWERFUL, CAN, MIGHT,	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
MIGHTY		
*TEU-, *TUO-, *TUMO-, *TŪRO-, *TŪRO-, *TU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
TIUSTÝ, TUCHNÝ	: (CZECH) چک	: (AVESTAN) اوستایی
TÓV	: (SERBIAN) صربی	TAVĀ, TAV-, TAVAH-, TAUMAN-
TISTY, TUCHNÝ	: (SLOVAK) اسلواکی	: (PAHLAVI) پهلوی
TAUKAS, TUKTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی	TUWĀN, TUWĀNIG, TUWĀVĀG
TŪAIMM	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	سانسکریت (SANSKRIT)
TOM	: (WELSH) ولزی	TAV-, TAVITI-, TÁVASVANT-
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	1080-1082	
BARNHART:	(TUMOR) 1174, (THUMB) 1139, (TOMB) 1149	
MACKENZIE:		
	(CAN) 106, (POWER) 128, (ABLE) 101	
BUCK:	648	
ONIONS:		
	(THIGH) 917, (THUMB) 921	
SKEAT:	(TEU) 759-760	
۵۲۶	برهان قاطع:	

- ۱- چم این واژه در زبان لاتین: چاندن، پرگردن
چم این واژه در زبان ایسلندی کهن و ایرلندی کهن و ولزی: ته، بلندی، اعتلا.
چم این واژه در زبان انگلیسی کهن: شاخ و برگ، برگ دادن.
چم این واژه در زبان‌های اسلاوی و زبان لیتوانی: چاق، چاق شدن
- ۲- واژه‌ی انگلیسی THIGH (انگلیسی کهن: THIH, THEOH; آلمانی کهن: DIOH; فریزی کهن: THIĀCH) نیز از همین واژه است.

TUDÉ		توده	: فارسی (PERSIAN)
MASS(ES)		چم انگلیسی سروالهای فارسی:	
*TĒU-, *TUŌ-, *TEUTĀ-, *TOUTĀ-, *TEUTONO		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
TUD	: (BRETON) برتنی	TŪDE	: کردی (KURDISH)
TUZZI-	: (HITTITE) هتیت	TŌTUS, TŌTUM	: لاتین (LATIN)
		THIUDA, THIOD	: گوتهک (GOTHIC)
			: ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	THJÖD	: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
POKORNÝ:	1084	DIOT, DIOTA	
RAMAT:	14	THÉOD	: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
MALLORY & ADAMS:	TEUTÈH	TAUTÀ	: لیتوانی (LITHUANIAN)
AMINDAROV:	(PARTY) 163	TÀUTA	: لتونی (LTDVIAN)
MALLORY:	124	TAUTO	: (OLD PRUSSIAN)
۵۳۰	برهان قاطع:	TŪATH	: ایرلندی کهن (OLD IRISH)
۷۱۱۴	لغت‌نامه دهخدا:	TŪD	: گالی (GAULISH)
۱۱۶۰	فرهنگ معین:		یادداشت:

۱- پسگشت‌های ایرانی ریشه‌های این واژه را نمی‌دهند.

۲- واژه‌های DEUTSCH, TEUTONIC, TEUTON هم از همین واژه ایجاد شده‌اند.

۳- چم این واژه در ایرلندی کهن: تبار، قبیله.

چم این واژه در زبان‌های دیگر این فهرست: مردم، عame.

TŪLÉ TŪRÉ		توله، توره (به چم "بچه‌ی جانور، "شغال")	: فارسی (PERSIAN)
CUB, JACKAL, WHELP		چم انگلیسی سروالهای فارسی:	
*TER-, *TERU-, *TORNO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
TARM	: (ARMENIAN) ارمنی	TAURUNA	: اوستایی (AVESTIAN)
TÉREN, TÉRENOS	: (GREEK) یونانی	TŌRAG,	: پهلوی (PAHLAVI)
TENER, TENEREM	: (LATIN) لاتین	TŪRAK, TŌRAK, TARUK, TURUK	
	: (OLD FRENCH) فرانسه کهن	TÄRIN	: اوستی (OSSETIC)
TENRE, TENDRE		TŪLE	: کردی (KURDISH)
TIERNO	: (SPANISH) اسپانیایی	TŌLAG, TŌLAGH	: بلوجی (BALUCHI)
TENERO	: (ITALIAN) ایتالیایی	TÁRUNA	: سانسکریت (SANSKRIT)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1070
BARNHART:	1124
MACKENZIE:	(JACKAL) 120
ONIONS:	909
SKEAT:	635
۵۳۰ و ۵۳۲	برهان قاطع:

TENRO	: (PORTUGUESE)	پرتغالی
THARIHS	: (GOTHIC)	گوپک
	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
THYRMA		انگلیسی (ENGLISH) (از فرانسه کهن)
TENDER		
TARNAS	: (LITHUANIAN)	لیتوانی
TRIM	: (ALBANIAN)	آلбанی
		یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان اوستایی: چه.

۲- چم این واژه در زبان پهلوی و زبان بلوجی: شفال.

۳- این واژه در زبان های رومانس و انگلیسی به چم "تازه" و "لطیف" و "تور سیده" هم بکار می رود.

TOHI		فارسی (PERSIAN) : تهی
EMPTY		چم انگلیسی سرووالهی فارسی:
*TEUS-, *TUSSKO-, *TUSSKYOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
TOM	: (DANISH) دانمارکی	: (AVESTAN) اوستایی
TOM	: (SWEDISH) سوئدی	TAOSH, TAOSHAEITI
TOM	: (NORWEGIAN) نروژی	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	TUTHYA, TUSSYA
TŪSHTI		: (PAHLAVI) پهلوی
TUSHCHIJ	: (RUSSIAN) روسی	TUHIK, TIHK, TUHIG
TUSHCHIAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	TĀSH : (AFGHANI) افغانی (هشت)
REFERENCES	پسگشت ها	TUSEM : (SANSKRIT) سانسکریت
POKORNY:	1085	TESCA : (ARMENIAN) ارمنی
DELAMARRE:	236	TESQUA-, TESCA : (LATIN) لاتین
MACKENZIE:	(EMPTY) 112	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
BUCK:	932-933	TOMR
MALLORY & ADAMS:	TUSSKJOS	TĀM : (OLD SAXON) ساکسونی کهن (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
۵۳۹	برهان قاطع:	

بادداشت:

چم این واژه در زبان ساسکریت: آنها از دست می‌دهند، بی‌حاصل.

TIR	فارسی (PERSIAN) : تیر
ARROW, DART, SHAFT	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(S)TEIG-, *(S)TIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
STICK	انگلیسی (ENGLISH) :(شاید)
STEK	هلندی (DUTCH) :(شاید)
TIGOM	: (GAULISH) گالی
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1016
BARNHART:	(STIK) 1067
MACKENZIE:	(ARROW) 102
BUCK:	1389-1390
ONIONS:	(STICK) 869
SKEAT:	
(STICK) 607-608, (STEG) 759	
AMINDAROV:	(ARROW) 186
۰۴۰-۰۴۱	برهان قاطع:
TIRIK	اوستایی (AVESTAN) :
TIGHRA, TIGHRI	پهلوی (PAHLAVI) :
TIR, TĒR, TIGR, TĒSH	کردی (KURDISH) :
TIGMA-, TIGITA	سنسکریت (SANSKRIT) :
TĒG	ارمنی (ARMENIAN) :
STIZŌ	لاتین (LATIN) :
STIK, STIKA	ابسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :(شاید)
STECKEN	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :(شاید)
STEHHO, STECKO	آلمانی (GERMAN) :(شاید)
STICCA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :(شاید)

بادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های ژرمی: چویدستی.
- ۲- بازگشت به: تیز و تیخ.

TIZ	فارسی (PERSIAN) : تیز
SHARP	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*(S)TEIG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
TĒZ, TĒJ	پهلوی (PAHLAVI) :
TIZH	اوستایی (AVESTAN) : کردی (KURDISH) :
TĒZ	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : بلوجی (BALUCHI) :
	TAËZA-, TAEZHA, TIZI-
	TIGRA-:(OLD PERSIAN)

TISTEL	: (SWEDISH)	سوئدی	TERĒ, TĒZ : (AFGHANI)	افغانی (پشتون)
TISTEL	: (NORWEGIAN)	نروژی		санسکریت (SANSKRIT)
DISTEL	: (DUTCH)	هلندی	TĒJATE, TIGMĀ-	
STINGŪ, STIGAU : (LITHUANIAN)	لیتوانی		TĒJ-, TĒJAS.	
STIGT	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)	TĒZ, TĒJ : (ARMENIAN)	ارمنی
TIGOM	: (GAULISH)	گالی	STIZEIN : (GREEK)	یونانی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1016
BARNHART:	(THISTLE) 1135
DELAMARRE:	286
MACKENZIE:	(SHARP) 132
SKEAT:	(STEIG) 759
RAMAT:	143
۵۴۴	برهان قاطع :

THISTILL	
DĪSSEL	: (OLD FRISIAN)
	فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)
	آلمانی کهن
DISTIL	
SISTEL	: (GERMAN)
	آلمانی
DISTEL	: (OLD ENGLISH)
	انگلیسی کهن
THISTLE	: (ENGLISH)
	انگلیسی
TIDSEL	: (DANISH)
	دانمارکی

یادداشت:

۱- بازگشت به: نیز، تیغ، سنجق.

۲- **ONIONS** معتقد است که واژه های ژرمنی این فهرست از ریشه تا معلومی هستند.

TIGH, TĒGH	تیغ : (PERSIAN)
THORN, BLADE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*(S)TIG-, *(S)TEIG-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

STIH : (OLD HIGH GERMAN)	آسانی کهن	TAEGHA : (AVESTAN)	اوستایی
STICE : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	TĒGH, TĒX : (PAHLAVI)	پهلوی
		TĒGH, TĒGHÄ : (OSSETIC)	اوستی
		TĒG : (BALUCHI)	بلوچی
		TEJA, TEJATÉ : (SANSKRIT)	санسکریت (SANSKRIT)
		TĒG : (ARMENIAN)	ارمنی
		INSTIGō, INSTIGARE : (LATIN)	لاتین
		STIKS : (GOTHIC)	گوتیک

یادداشت:

بازگشت به: نیز.

TIRÉ, TIREGI		فارسی (PERSIAN) :
DARK		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TEM-, *TEMESRO		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DONKER	ملندی (DUTCH) (شاید)	اوستایی (AVESTAN) :
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) (شاید)	
TEMINU		پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
CIEMNY	لهستانی (POLISH) (شاید) روسی (RUSSIAN) (شاید)	پهلوی (PAHLAVI) :
TÉMPRIVO, TEMNYJ		بلوچی (BALUCHI) :
TAMAN	صربی (SERBIAN) (شاید)	افغانی (پشتون) (AFGHANI) :
TEMNÝ	بوهمی (BOHEMIAN) (شاید)	
TIMSA	لیتوانی (LITHUANIAN) (شاید)	
TIMA	لتونی (لتی) (LATVIAN) (شاید) ایرلندی کهن (OLD IRISH) (شاید)	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)
TEMEN		
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	1063-1064	
MACKENZIE:	(DARK) 109	
BUCK:	61, 1052	
۵۴۴	برهان قاطع :	

یادداشت:
بازگشت به: تار، تاریک.

JĀ,- GĀH	جا، -گاه	فارسی (PERSIAN) :
PLACE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GWA-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
JĀE, GHĀLAI	افغانی (پشتون) (AFGHANI)	اوستایی (AVESTAN) :
GATŪ, GATŪH	санسکریت (SANSKRIT)	
GAH	ارمنی (ARMENIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
		پهلوی (PAHLAVI) :
		کردی (KURDISH) :
		بلوچی (BALUCHI) :

BUCK:	830-831	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۷۷۱ و ۵۰۱	برهان قاطع :	POKORNY:	163
		MACKENZIE:	(PLACE) 127

یادداشت:

بازگشت به: گام، آمدن.

JĀDŪ	جادو	فارسی (PERSIAN)
SORCERY, MAGIC, WIZARD(RY)	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*IA, *IŌ, *IALOS, *IAROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
JARU, JAROSTU, ZAVISTÚ	YĀTU	اوستایی (AVESTAN)
ZAWISC	: (POLISH)	لهستانی : (PAHLAVI)
JÁRYJ, ZAVIST	: (RUSSIAN)	روسی JATUK, YĀTUK, JĀDŪG, JĀDUGĪH
ZÁVIST	: (BOHEMIAN)	بومی کردی (KURDISH)
Á(I)LID	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن CEDU, JEDU, JEDUGARY
IAWL	: (WELSH)	ولزی (YĀTÚ) سانسکریت (SANSKRIT)
REFERENCES	پسگشت‌ها	ارمنی (ARMENIAN)
POKORNY:	501	یونانی (GREEK)
BARNHART:	(ZEAL) 1256	لاتین (LATIN)
MACKENZIE:	(JADUG) 46	فرانسه (FRENCH)
BUCK:		اسپانیایی (SPANISH)
(MAGIC...) 1494-1496		ایتالیایی (ITALIAN)
AMINDAROV:	(SORCERY) 289	رومانی (RUMANIAN)
RAMAT:	142	انگلیسی (ENGLISH) (از فرانسه)
۵۳۳	برهان قاطع :	JEALOUS, JEALOUSY اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانی و انگلیسی: حسود، حادث.

چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: خشن، سخت‌گیر، حسود.

چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و گالی: خواستار شدن، درخواست (کردن).

JĀVID, JĀVDAN		فارسی (PERSIAN) : جاودان
* هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)		
JE, EWIG	: (GERMAN) آلمانی :(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	ĀYŪ, YAOSH اوستایی (AVESTAN)
Ā, Ē, AI		YAVOI, JĀVĀ, YAVAĒTAT, YAVE
AYE, AY, EVER	: (ENGLISH) انگلیسی	JĀVĪTĀN, JĀWĒD, پهلوی (PAHLAVI)
ASHË	: (ALBANIAN) آلبانی	JĀWĒDĀN, JĀVĒDĀNAG
REFERENCES		کردی (KURDISH)
POKORNY:	17	JĀVED بلوجی (BALUCHI)
BARNHART:	(AY, AYE)	ĀYM- تخاری (TOKHARIAN A) A
69, (EVER)	345	ĀYU, ĀYUSHAH سانسکریت (SANSKRIT)
MACKENZIE:		ĀYUNI, ĀYUNĀ
(ETERNAL, ETERNITY)	113	YAVĒT, YAVITEAN ارمنی (ARMENIAN)
ONIONS:	(AY) 66	ĀJEN, ĀDIOS یونانی (GREEK)
SKEAT:	(EVER) 201-202	AEVUS, AVEUM لاتین (LATIN)
۵۶۲	برهان قاطع :	AOWS گوتیک (GOTHIC)

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: توانایی، بنه.

JEGAR, JIGAR		فارسی (PERSIAN) : جگر، جیگر
LIVER		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
* YÉKWR, * YÉKWRT هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)		
HĒPAR, HĒPATOS	: (GREEK) یونانی	ĀTAKARE اوستایی (AVESTAN)
JECUR, JECORIS	: (LATIN) لاتین	JAGAR, JIKAR پهلوی (PAHLAVI)
FOIE	: (FRENCH) فرانسه	IGÄR, IGER اوستی (OSSETIC)
HIGADO	: (SPANISH) اسپانیایی	JERK کردی (KURDISH)
FEGATO	: (ITALIAN) ایتالیایی	JAGAR بلوجی (BALUCHI)
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن		AFGHANI (افغانی) (پشتو)
IKRA		JIGAR, DZIGAR
IKRA	: (RUSSIAN) روسی	YĀKRT, YAKNÁS: (SANSKRIT) سانسکریت (SANSKRIT)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	504
BARNHART:	(HEPATIC) 477
DELAMARRE:	100
MACKENZIE:	(LIVER) 122
BUCK:	251-252
ONIONS:	(HEPATIC) 437
SKEAT:	(HEPATIC) 268
MALLORY & ADAMS:	JĒKWR(T)
۵۷۹	برهان قاطع:

لیتوانی	:(LITHUANIAN)
لتونی (لتی)	:(LATVIAN)
پروسی کهن	:(OLD PRUSSIAN)
ایرلندی کهن	:(OLD IRISH)

JOV	جو (گونه‌ای غله) فارسی (PERSIAN)
BARLEY	چشم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*JEWO-, *YEWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها	فارسی (PERSIAN)
POKORNY:	512	اوستاری (AVESTAN)
DELAMARRE:	(CÉRÉALE) 160	پهلوی (PAHLAVI)
MACKENZIE:	(BARLEY) 103	اوستنی (OSSETIC)
BUCK:	516	کردی (KURDISH)
MALLORY & ADAMS:	JEUOS	بلوچی (BALUCHI)
۵۱۳	برهان قاطع:	تخاری B (TOKHARIAN B)

REFERENCES	پسگشت‌ها	فارسی (PERSIAN)
POKORNY:	512	санسکریت (SANSKRIT)
DELAMARRE:	(CÉRÉALE) 160	يونانی (GREEK)
MACKENZIE:	(BARLEY) 103	لهستانی (POLISH)
BUCK:	516	روسی (RUSSIAN)
MALLORY & ADAMS:	JEUOS	اسلواکی (SLOVAK)
۵۱۳	برهان قاطع:	یادداشت:

این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی به غله‌های گوناگون اطلاق می‌شود.

JAVĀN	جوان فارسی (PERSIAN)
YOUNG	چشم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*YEU-, *YUWEN-, *YUWNKÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

JUVĀN, YUVĀN پهلوی (PAHLAVI) YUVAN, YŪNŌ اوستاری (AVESTAN)

UNG	سوئدی :(<i>SWEDISH</i>)	JIWAN, JUVĀN	کردي :(<i>KURDISH</i>)
UNG	نروژي :(<i>NORWEGIAN</i>)	JAVĀN	بلوچي :(<i>BALUCHI</i>)
JONG	هلندی :(<i>DUTCH</i>)	ZWĀN, JAVĀN	افغانی (پشتون) :(<i>AFGHANI</i>)
	اسلاوي کهن :(<i>OLD CHURCH SLAVIC</i>)	YUVASÁ,	سانسکрит :(<i>SANSKRIT</i>)
JUNŪ		YUVASÁS, YÚVAN, YŪNAS, JUVACÁS	
JUNYJ	روسي :(<i>RUSSIAN</i>) لیتوانی :(<i>LITHUANIAN</i>)		ارمنی :(<i>ARMENIAN</i>)
JÁUNAS, JAUNIKIS		YAVANAK, YOVANAK	
JAŪNS	لتونی (لتی) :(<i>LATVIAN</i>) ایرلندي کهن :(<i>OLD IRISH</i>)	JUVENCUS, JUVENIS	لاتین :(<i>LATIN</i>)
ŌA, ŌAM, ŌAC, ŌITIU		JEUNE	فرانسه :(<i>FRENCH</i>)
JEUANE, IAU, IEUF	ولزی :(<i>WELSH</i>)	JOVEN	اسپانیا اي :(<i>SPANISH</i>)
YAOUANK	برتونی :(<i>BRETON</i>)	GIOVANE	ایطالیا اي :(<i>ITALIAN</i>)
		JUNE	روماني :(<i>RUMANIAN</i>)
			پرتغالی :(<i>PORTUGUESE</i>)
		JOVEM, JOVENS	
REFERENCES	پشكشتمان	JUNGS, JUGGS	گورنيک :(<i>GOTHIC</i>)
POKORNY:	510		ایسلندی کهن :(<i>OLD SCANDINAVIAN</i>)
BARNHART:	(YOUNG) 1255	UNGR	
DELAMARRE:	(JEUNE) 224	UNGER	نورس کهن :(<i>OLD NORSE</i>)
MACKENZIE:	(YOUNG) 141	JUNG	ساکسونی کهن :(<i>OLD SAXON</i>)
BUCK:	957-958	JUNG	فریزی کهن :(<i>OLD FRISIAN</i>)
ONIONS:	(YOUNG) 1021	JUNG	آلماني کهن :(<i>OLD HIGH GERMAN</i>)
SKEAT:	(YOUNG) 729	JUNG	آلماني :(<i>GERMAN</i>)
AMINDAROV:	(YOUNG) 312	GEONG	انگلیسي کهن :(<i>OLD ENGLISH</i>)
510	برهان قاطع :	YOUNG	انگلیسي :(<i>ENGLISH</i>)
		UNG	دانمارکي :(<i>DANISH</i>)

JŪSHĒDAN, JŪSH	فارسي :(<i>PERSIAN</i>)
BOIL	چشم انگلیسي سروازه هی فارسي :
*IES-, *YRSŌ-, *JES-, *YES-, *JERO-	هند و اروپايي :(<i>INDO-EUROPEAN</i>)

JUSHANIN, JUSHVERDIN	اوستاني :(<i>AVESTAN</i>)
JOSHENAG	کردي :(<i>KURDISH</i>)

بلوچي :(*BALUCHI*)

JÄST	: (SWEDISH)
GIST	: (DUTCH)
IAS	: (GAULISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	506
BARNHART:	(YEAST) 1252
DELAMARRE:	
	(BOUILLIR, BOUILLONNER) 261
BUCK:	676
ONIONS:	(YEAST) 1019
SKEAT:	(YEAST) 728
۶۰۰	برهان قاطع:

YESHA-	: (AFGHANI)
YÄS	: (TOKHARIAN A) A
YĀS	: (TOKHARIAN B) B
YAS-, YESATI	: (SANSKRIT)
YÁSATI, YŪSH, YŪSHĀN	
ZĒŌ, ZEIN	: (GREEK)
	: (OLD SCANDINAVIAN)
JOSTR	
JOSTR	: (OLD NORSE)
JESAN:	(OLD HIGH GERMAN)
GÄREN, GISCHT	: (GERMAN)
GIEST	: (OLD ENGLISH)
YEAST	: (ENGLISH)
	یادداشت:

چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی (به ویژه زبان‌های ژرمنی) بوزه، مُخر.

JAVIDAN	فارسی (PERSIAN) :	جویدن، جاویدن
CHEW	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*GEU-, *GIEU-, *GYEUW(Y)Ā	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
KIUWAN	پهلوی (PAHLAVI) :	
KAUEN	آلمانی (GERMAN) :	
CĒOWAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :	
CHEW	انگلیسی (ENGLISH) :	
KAUWEN	هلندی (DUTCH) :	
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :	
ZHIVATI, ZHUJU		
ZHUCIA	لهستانی (POLISH) :	
ZHIVÁT, ZHUJŪ	روسی (RUSSIAN) :	
ZHLI	چک (CZECH) :	
ZHÚNA	بلغاری (BULGARIAN) :	
ZHUVAT	سلواکی (SLOVAK) :	
ZHIÁUNOS	لیتوانی (LITHUANIAN) :	
ZHAUNAS	لتونی (LATVIAN) :	
JŪDAN, JŌYITAN	پهلوی (PAHLAVI) :	
JUTIN, JŪN, JŪIN	کردی (KURDISH) :	
ZHIYAG	بلوچی (BALUCHI) :	
	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :	
ZHOVAL, ZHOYAL		
ZWĀTSI	تخاری A (TOKHARIAN A) A :	
ZWATSI, SWĀ	تخاری B (TOKHARIAN B) B :	
KIV, KVENI	ارمنی (ARMENIAN) :	
GINGĪVA	لاتین (LATIN) :	
	ابنلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :	
TYGGVA		
TYGGVA	نورس کهن (OLD NORSE) :	
ZIĀKE, KĒSE	فریزی کهن (OLD FRISIAN) :	
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :	

ONIONS:	(CHEW) 168	REFERENCES	پسگشت ها
SKEAT:	(CHEW) 106	POKORNY:	400
AMINDAROV:	(CHEW) 199	BARNHART:	(CHEW) 164
۵۶۲	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(MÂCHER) 256
		MACKENZIE:	(CHEW) 106

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: لته.

چم این واژه در فریزی کهن: دندان کرسی.

CHARÉ, CHĀR	فارسی (PERSIAN): چاره، چار
REMEDY	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*KWER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت ها	
POKORNY:	641	AVESTAN (اوستایی)
MACKENZIE:		پارسی باستان (OLD PERSIAN)
(ABILITY) 101, (REMEDY) 130, 21		پهلوی (PAHLAVI)
AMINDAROV:	(HELP) 235	KURDISH (کردی)
۶۰۸-۶۰۹ و ۶۱۲-۶۱۱	برهان قاطع:	SANSKRIT (санскрит)
		KARÁ-, KARMA, KARÓTI (BULGARIAN) (بلغاری)
		LITUANIAN (لیتوانی)
		IRISH (OLD IRISH) (ایرلندی کهن)

CHANÉ, ZANAKH	فارسی (PERSIAN): چانه، زنخ
CHIN	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*G^ENU, *G^ONEDH- *G^NEDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

CNAUT	ارمنی (ARMENIAN): (شابد)	ZĀNU, GHĀNU (AVESTAN): (اوستایی)
GÉNYS, GNÁTHOS	يونانی (GREEK):	CHENE, CHENG (KURDISH): (کردی)
GENA, GENAE	لاتین (LATIN):	ZĒNA (AFGHANI): (افغانی (پشتو))
KINNUS	گویک (GOTHIC):	SÁNWEM (TOKHARIAN A) A (تخاری): (تخاری)
	(OLD SCANDINAVIAN) کهن	HÁNU, HÁNUS (SANSKRIT): (سانسکرت)

GEN	: (GAULISH) گالی
GEN, GENEU	: (WELSH) ولزی
GENOU	: (BRETON) برتونی

KINN	: (OLD NORSE) نورس کهن
KINNI	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
ZIN, KIN	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	381
BARNHART:	(CHIN) 166
DELAMARRE:	99
BUCK:	220-224
ONIONS:	(CHIN) 170
SKEAT:	(CHIN) 107
AMINDAROV:	(CHIN) 199
۶۱۶	برهان قاطع :
۸۰۳۰	لفت نامه دهخدا :
۱۲۹۹	فرهنگ معین :

KINN, CHINNI	: (GERMAN) آلمانی
KINN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
CHIN	: (ENGLISH) انگلیسی
KIND	: (DANISH) دانمارکی
KIND	: (SWEDISH) سوئدی
KIND	: (NORWEGIAN) نروژی
KIN	: (DUTCH) هلندی
ZHÁNDAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
ZUŌDS	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)
GIN, GEN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

بادداشت:

- ۱- ممچیک از پسگشت های فارسی ذکری از ریشه ای این واژه نمی کنند.
- ۲- این واژه در برخی از زبان های هند و اروپایی دارای چم های دبگری نیز بوده است: آرواره، گونه، دهان.

CHAP	: فارسی (PERSIAN)
LEFF	: چم انگلیسی سروواله هی فارسی
*KAMP-, *KAM-, *KAMPOS-	: هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

KAMPAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

ETKUMPS : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

REPERENCES

پارسی باستان (OLD PERSIAN)

DELAMARRE:

کردی (KURDISH)

(COUBURE, COIN) 201

افغانی (بشنتر) (AFGHANI)

AMINDAROV: (LEFT) 248

سانسکریت (SANSKRIT)

۶۲۱ برهان قاطع :

یونانی (GREEK)

۱۲۷۱ فرهنگ معین :

لاتین (LATIN)

۸۰۰۰ لفت نامه دهخدا :

گوتیک (GOTHIC)

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

REFERENCES	پسگشت ها
DELAMARRE:	
(COUBURE, COIN) 201	
AMINDAROV: (LEFT) 248	
۶۲۱ برهان قاطع :	
۱۲۷۱ فرهنگ معین :	
۸۰۰۰ لفت نامه دهخدا :	

روسی (RUSSIAN)

یادداشت:

- ۱- میچیک از پسگشتهای فارسی ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.
- ۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: انحنا.
- چم این واژه در زبان لیتوانی: گوشہ، کنج.
- چم این واژه در زبان لاتین: دشت.
- چم این واژه در زبان بونانی: کج کردن، دارای انحنا کردن.
- ۳- واژه‌های انگلیسی CAMP و آلمانی KAMPE از همین واجریشه آمدند.

CHARĀ, CHARIDAN, CHRĀNDAN	فارسی (PERSIAN) :	چرا، چریدن، چراندن
GRAZE, GRAZING, PASTURE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*KWEL-, *KWELð-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
REFERENCES	پسگشتهای	اوستایی (AVESTAN)
POKORNÝ:	639	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
MACKENZIE:		CARAK, CHARAG : (PAHLAVI)
(GRAZING) 116, (PASTURE) 126		پهلوی (KURDISH)
BUCK:		کردی
(PASTURE, GRAZE) 146-147		CHĒRANDIN, CHĒRAN
۱۲۸۳	فرهنگ معین:	AFGHANI (پشتو)
۶۳۵ و ۶۲۶	برهان قاطع:	SANSKRIT (SANSKRIT)
		CÁRATI, CALATI, CÁRA
		PÉLOW, PÉLOMAI : (GREEK)
		بونانی (LATIN)
		لاتین

یادداشت:

- چم این واژه در زبان‌های سانسکریت: حرکت کردن، جنبیدن، چرخیدن.
- چم این واژه در زبان لاتین: کشید و کار کردن.

CHARB, CHARBI	فارسی (PERSIAN) :	چرب، چربی
OIL, OILY	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*SELP-, *SOLP-, *SOLPĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
CHARB, CHARBI	پهلوی (PAHLAVI)	
SÄLYP : (TOKHARIAN A) A	اوستی (OSSETIC)	
Tخاری A	افغانی (پشتو) (AFGHANI)	
SALYPE : (TOKHARIAN B) B		
Tخاری B		

ZALF	: (DUTCH)	هلندی
CJALPË	: (ALBANIAN)	آلбанی

RÉFÉRENCES	پسگشت ما
POKORNY:	901
BARNHART:	(SALVE) 954
DELAMARRE:	150
MACKENZIE:	(OIL, OILY) 125
BUCK:	452
ONIONS:	(SALVE) 758
SKEAT:	(SALVE) 533
۹۲۸	برهان قاطع:
۸۰۹۲	لغت نامه دهخدا:

SARPIS, SRPRAS:	(SANSKRIT)	санскріт
CARP	: (ARMENIAN)	ارمنی
ÉLPOS, ÓLPĒ	: (GREEK)	یونانی
SALBONS	: (GOTHIC)	گوته‌یک
SALBA	: (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
SALBA		
SALBE	: (GERMAN)	آلمانی
SEALF	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
SALVE	: (ENGLISH)	انگلیسی
SALVE	: (DANISH)	دانمارکی
SALVA	: (SWEDISH)	سوئدی
SALVE	: (NORWEGIAN)	نروژی

یادداشت:

- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: ژرم، ضماد.
چم این واژه در زبان ہولوی: ملایم، نرم، لیز.

CHARX	چرخ	: (PERSIAN)
WHEEL	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*KWEL-, *KWOL-, *KWEKWLO	هند و اروپایی	: (INDO-EUROPEAN)
HWĒL	: (OLD FRISIAN) انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	اوستایی
HWEOWOL, HWĒOL		
WHEEL	: (ENGLISH)	کردی
HJUL	: (DANISH)	تخاری A
HJUL	: (SWEDISH)	تخاری B
HJUL	: (NORWEGIAN)	سانسکریت
WIEL	: (DUTCH) هلندی (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	CAKRÁS, CHAKRAS
KOLO		ARMENIAN
KOLO, KÓLKÓ	: (POLISH) لهستانی	پونانی
KOLESO	: (RUSSIAN) روسی	گریک
		لاتین
		ایسلندی کهن
HVĒL, HJOL		
HVEL, HJOL		OLD NORSE

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	639-640
BARNHART:	(WHEEL) 1230
DELAMARRE:	
(ROUE DE CHAR)	125
BUCK:	724-725
ONIONS:	(WHCEL) 1001
SKEAT:	(WHEE) 709
AMINDAROV:	(WHEEL) 309
۶۲۹	برهان قاطع :

KOLO	: (CZECH)
KOLO	: (SERBIAN)
KOLO	: (BOHEMIAN)
KOLESO	: (SLOVAK)
KĀKLAS	: (LITHUANIAN)
KELAN	: (OLD PRUSSIAN)
CUL-	: (OLD IRISH)
SJEL	: (ALBANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: گرددش، دَرَان.

چم این واژه در زبان یونانی و لیتوانی: دایر.

چم این واژه در زبان لاتین: کشت کردن.

CHARD, CHARDE	فارسی (PERSIAN) : چرده، چرده (به چم "فام" متأثر "سیاه چرده")
COLOR, COMPLEXION	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KER, *KORMEN	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	پهلوی (PAHLAVI) :
SRĒNU	سنسکریت (SANSKRIT) :
SRĒNU	: (RUSSIAN) روسی
SHIRVAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
SIRMS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	573
۶۳۱	برهان قاطع :
۸۱۱۲	لفت نامه دخدا :
۱۲۸۱	فرهنگ معین :

KARIC	: (PAHLAVI)
SANSKRIT	: (SANSKRIT)
KARATA, KIRMIRA	
SARN, SARIN	- : (ARMENIAN)
CHORUNAI	: (GREEK)
CARBŌ, CARBŌNIS	: (LATIN)
: (OLD SCANDINAVIAN)	ابسندی کهن
HORR	
: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
HORO, HORG	
: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
HROT, HORH	

یادداشت:

- ۱- هیچکدام از پسگشت‌های فارسی ریشه‌ی این واژه را نمی‌دهند.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: زغال.
چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: خاکستر.
چم این واژه در زبان‌های اسلامی: سپید.
چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: کافت.
چم این واژه در زبان ارمنی: برف.

CHARM	چرم	فارسی (PERSIAN):
LEATHER	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*(S)KER-, *KRT-TO-, *KR.NO-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی
SHEAR	: (ENGLISH) انگلیسی	اوستایی : (AVESTAN)
SK&RE	: (DANISH) دانمارکی	پهلوی : (PAHLAVI)
SKÄRA	: (SWEDISH) سوئدی	اوستی : (OSSETIC)
SKJARE	: (NORWEGIAN) نروژی	کردی : (KURDISH)
SCHEREN	: (DUTCH) هلندی :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	بلوچی : (BALUCHI) افغانی (پشتو) : (AFGHANI)
OKRŪNITI		санسکریت : (SANSKRIT)
SKÓRA	: (POLISH) لهستانی	ارمنی : (ARMENIAN)
SHKURA	: (RUSSIAN) روسی	یونانی : (GREEK)
SKIRTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی	لاتین : (LATIN)
SCARAIM	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	فرانسه : (FRENCH)
SHKJER	: (ALBANIAN) آلبانی	اسپانیایی : (SPANISH) ایتالیایی : (ITALIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	838-840	پرتغالی : (PORTUGUESE) ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
BARNHART:	(SHEAR) 994	SKERA
MACKENZIE: (HIDE) 118,1 (LEATHER) 12		فریزی کهن : (OLD FRISIAN) آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)
BUCK:	200-201, 407-408	SCERAN
SKEAT:	(SHEAR) 555	SCHEREN
۶۳۴	برهان قاطع :	انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)

یادداشت:

چم این واژه در یونانی و ابرلندی کهن و لتوانی و زبان‌های ژرمنی: (پشم گوشتند را) بریدن، قطع کردن، خراشیدن.

CHARMÉ	چرمه (به چم "اسب سپید") (PERSIAN)
WHITE HORSE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*KEL-, *KĀL-, *KELMO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
	لیتوانی (LITHUANIAN)
KALÝBAS, KALÝVAS	کردی (KURDISH)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	547-548
٦٣٤	برهان قاطع:
٨١٢٢	لغت‌نامه دهخدا:
	سanskrit (SANSKRIT)
	یونانی (GREEK)
	لاتین (LATIN)
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
	آلمانی (GERMAN) (سویس)

CHASPIDAN	چسبیدن (به چم "اتصال یافتن" و "محکم گرفتن") (PERSIAN)
STICK TO, HOLD FAST	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*KAP-, *LEP-, *KOP-, *KAPNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
HEFFEN	*CIFSATI : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
HEBEN	: (GERMAN) آلمانی افغانی (پشتو)
HEBBAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
HEAVE	: (ENGLISH) انگلیسی
HAEVE	: (DANISH) دانمارکی
HÄFVA	: (SWEDISH) سوئدی
HAEVE	: (NORWEGIAN) نروژی
HEFFEN	: (DUTCH) هلندی
KÙOPA	: (LITHUANIAN) لیتوانی
KÀMPT	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
CACHT	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
CAETH	: (WELSH) ولزی
KAP, KAPASE	: (ALBANIAN) آلبانی
	*CIFSATI : (OLD PERSIAN) پارسی باستان
	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	CHASP, CHASPAÑ
	Sanskrit (SANSKRIT)
	بونانی (GREEK)
	لاتین (LATIN)
	گوتیک (GOTHIC)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
	نورس کهن (OLD NORSE)
	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

ONIONS:	(HEAVE) 433	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(HEAVE) 266	POKORNY:	527
۶۳۷	برهان قاطع:	BARNHART:	(HEAVE) 472

یادداشت:

- ۱- واژه‌های "چب" و "چباندن" و غیره هم از همین ریشه‌اند.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی کهن "گرفتن" بوده ولی در زبان‌های ژرمنی نوبن چم آن "با زور بلند کردن" است.
- ۳- چم این واژه در زبان‌های لاتین و سلی: اسیر گرفتن.

CHOST	چُست (به چم "چالاک، "کارآمد")	فارسی (PERSIAN):
NIMBLE, EFFICIENT		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*(S)KEUD		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SCĒOTAN, SCĒOT		پهلوی (PAHLAVI):
KIDĀTU, KIDIJ	: (RUSSIAN) روسی	کردی (KURDISH):
	: (LITHUANIAN) لیتوانی	سانسکریت (SANSKRIT):
SKUDRÙS, SKAUDRÙS		COĀDAYATI, SKUNDATĒ
SKAUDRS	: (LATVIAN) لونی (لئی)	گوته‌ک (GOTHIC):
HETH	: (ALBANIAN) آلبانی	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
		SKJÓTA, SKJÓTR
REFERENCES	پسگشت‌ها	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
POKORNY:	955-956	SCIOZAN, SCHIESSEN
AMINDAROV:	(FAST) 223	آلمانی (GERMAN):
۶۳۶	برهان قاطع:	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):

یادداشت:

- چم این واژه در زبان سانسکریت: راندن، شتابیدن.
 چم این واژه در زبان پهلوی: دویدن، شتابیدن.
 چم این واژه در زبان آلمانی: حفظ و حراست کردن.

CHESHM, CHASHM	چشم	: (PERSIAN)
EYE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KWEK-, *KWOK-, *KWEKS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	CASHM	: (AVESTAN) اوستایی
KAZHO		: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
	CHASHMAN	
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	638	بهلوی (PAHLAVI)
DELAMARRE:	105	کردنی (KURDISH)
MACKENZIE:	(EYE) 113	بلوچی (BALUCHI)
BUCK:	225	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
AMINDAROV:	(EYES) 222	санسکریت (SANSKRIT)
۶۳۸	برهان قاطع :	يونانی (GREEK)

یادداشت:
چم این واژه در اسلامی کهن، نشان دادن.
چم این واژه در یونانی: نشان.

CHESHIDAN	چشیدن	: (PERSIAN)
TASTE, EXPERIENCE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KWEKS-, *KWOK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)	
REFERENCES	پسگشت‌ها	: (AVESTAN) اوستایی
POKORNY:	638	CĀSH-, KASH-, CHASH-
MACKENZIE:		پهلوی (PAHLAVI)
(TEACH, TASTE) 136		CASHTAN, CHAXDHISHN, CHASHNIG
BUCK:	(TEACH) 1224	
۶۴۳ و (جاشت) ۶۱۲	برهان قاطع :	

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان پهلوی: آموختن، مزه کردن.
- ۲- بازگشت به: چشم، آگاه، نگاه.
- ۳- احتمال کمتری وجود دارد که "چشیدن" از واژه‌ی هند و اروپایی *GUES (لانین: GUSTARE) باشد. برای بررسی بیشتر پسگشت به: POKORNY, BARNHART: (CHOOSE) 168

CHAKKOSH	چکش	فارسی (PERSIAN):
HAMMER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KEKU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
QUEKE : (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن		اوستایی (AVESTAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY: 543		پهلوی (PAHLAVI):
MACKENZIE: (HAMMER) 117		کردی (KURDISH):
BUCK: 596-597		رومانی (RUMANIAN): (شاید)
٦٥١ برهان قاطع :		روسی (RUSSIAN): (شاید)
		بلغاری (BULGARIAN): (شاید)
		صربی (SERBIAN): (شاید)
		لتونی (لتی) (LATVIAN): (شاید)

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی رومانی CIOCAN و واژه‌های اسلاوی این فهرست از ترکی CHAKAN (از فارسی "چکش" یا "چوکان" گرفته شده‌اند).
- ۲- پسگشت‌های فارسی ریشه‌ی این واژه را پیگیری نکرده‌اند.

CHAM, CHMIDAN	چم، چمیدن (به چم "خوردن و آشامیدن")	فارسی (PERSIAN):
SLURP, GUZZLE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KWEM-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY: 640		اوستی (OSSETIC):
٨٢٨٧ لغت‌نامه دمحدا:		افغانی (پشتو) (AFGHANI):
		санسکریت (SANSKRIT):
		CÁMATI, CAMATI, CAMASÁ
		KIMK : (ARMENIAN): ارمنی

CHAND	چند	فارسی (PERSIAN):
HOW MUCH, HOW MANY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KWOTI		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
CAND, CHAND : (PAHLAVI) پهلوی		اوستایی (AVESTAN):
CHEND : (KURDISH) کردی	CHAITI, CAVANT, CVANT	

KUWATTA	: (HITTITE)	هفت (HITTITE)	KATI	: (SANSKRIT)
PÓSSOS	: (GREEK)	پوئانی (GREEK)	POSSUM	: (LATIN)
QUOT	: (LATIN)	لاتین (LATIN)	QUAND	: (FRENCH)
QUAND	: (FRENCH)	فرانسی (FRENCH)	CUAN, CUANTO	: (SPANISH)
CUAN, CUANTO	: (SPANISH)	اسپانیایی (SPANISH)	QUANTO	: (ITALIAN)
QUANTO	: (ITALIAN)	ایتالیایی (ITALIAN)	QUANTO	: (PORTUGUESE)
QUANTO	: (PORTUGUESE)	پرتغالی (PORTUGUESE)	CUIT	: (OLD IRISH)
CUIT	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	PET	: (BRETON)
PET	: (BRETON)	برتونی (BRETON)		یادداشت:

واژه‌های "چندان" و "چندمین" و "چندی" (کمیت) نیز از همین رشته‌اند.

CHANG, CHANGAL	فارسی (PERSIAN) :	چنگ، چنگال
CLAW	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KEG-, *KENG-, *KENK-, *KENK-, *KEK-, *KANK-,	: (INDO-EUROPEAN)	هندو اروپایی
HEKLA	: (NORWEGIAN)	نروژی (PAHLAVI)
HOEK, HAAK	: (DUTCH)	هلندی (OSSETIC)
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن (KURDISH)
KOGETE		کردی (AFGHANI) (پشتو)
HAK	: (POLISH)	لهستانی (AFGHANI) (پشتو)
KÓGOT	: (RUSSIAN)	روسی (AFGHANI) (پشتو)
HÁK, HÁCHEK	: (CZECH)	چک (AFGHANI) (پشتو)
	: (BULGARIAN)	بلغاری (AFGHANI) (پشتو)
KÁCHO, KACHVAM		CHANG, CHANGAK
ZÀKACHITI	: (SERBIAN)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
KACHITI, HÁK	: (BOHEMIAN)	
HÁK	: (SLOVAK)	HAKA
KÉNGE	: (LITHUANIAN)	HACO
-CHENG	: (MIDDLE IRISH)	هاکسونی کهن (OLD SAXON)
		HÖK
		فریزی کهن (OLD FRISIAN)
		HÄKO
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
		HAKEN
		آلمانی (GERMAN)
		HOK
		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
		HOOK
		انگلیسی (ENGLISH)
		HAGE
		دانمارکی (DANISH)
		HAKE
		سوئدی (SWEDISH)

پسکشت ها	REFERENCES		ONIONS:	(HOOK) 447
	POKORNY:	537	SKEAT:	(HOOK) 276
	BARNHART:	(HOOK) 490	۶۶۴	برهان قاطع :
	BUCK:	809-810		

پادداشت:

- ۱- چم این واژه در برهان قاطع : چنین است: قلاب، کجک (قلابی که با آن فیل را رانند)، پنجه و انگشtan مردم، چنگال مرغان و جانوران دیگر (برهان قاطع :: ۶۶۴)
- ۲- چم این واژه در اوستی: بازو.
- چم این واژه در کردنی: دست.
- چم این واژه در ایسلندی کهن: خانه.
- چم این واژه در لاتین زبان های ژرمنی: قلاب.

فارسی (PERSIAN):	چه، چی (به چم "چه چیزی")	CHE, CHI
چم انگلیسی سروواهی فارسی:	WHAT	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	*KWEI-, *KWID-	

HVI, KVI, HVA	: (NORWEGIAN)	نروژی	CIT, CHI	: (AVESTAN)	اوستایی
CZY	: (POLISH)	لهستانی		: (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
CHI	: (RUSSIAN)	روسی	CHIY, CHISH-CHIY		
CHI, CHU-TO	: (CZECH)	چک	CHĒ	: (PAHLAVI)	پهلوی
CHI	: (SLOVAK)	اسلواکی	KUS	: (TOKHARIAN A) A	تخاری
CIA	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن	KUSE	: (TOKHARIAN B) B	تخاری
PWY	: (WELSH)	ولزی	CIT, CID	: (SANSKRIT)	санسکریت
PIOU	: (BRETON)	برتونی	·CH (IN-CH)	: (ARMENIAN)	ارمنی
KUISH, KUISH-KI	: (HITTITE)	هتبت	TIS, TĒ, CHIS, PEI	: (GREEK)	یونانی
			QUISQUE, QUIS, QUID	: (LATIN)	لاتین
			HVĒ	: (GOTHIC)	گوته‌یک

پسکشت ها	REFERENCES
646-647	POKORNY:
(WHY) 1235	BARNHART:
(WHAT) 140	MACKENZIE:
(WHY) 1005	ONIONS:
7/4	SKEAT:
برهان قاطع :	۶۶۴

یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی و دیگر زبان‌های ژرمنی: چرا.
چم این واژه در یونانی و لهستانی: کجا.

CHĀHĀR	فارسی (PERSIAN) : چهار
FOUR	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*KWETWŌR-, *KWETUR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
فریزی کهن (OLD FRISIAN) :	اوستایی (AVESTAN) :
FIŪWER, FIOR	CHATHWĀRŌ, CHATHRO-
FIOR :(OLD HIGH GERMAN)	بهلوی (PAHLAVI) :
آلمانی کهن	اوستی (OSSETIC) :
VIER	کردی (KURDISH) :
آلمانی (GERMAN) :	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
FĒOWER :(OLD ENGLISH)	CALŌR, TSALOR
انگلیسی کهن	تخاری (TOKHARIAN A) A :
FOUR :	تخاری (TOKHARIAN B) B :
انگلیسی (ENGLISH) :	STWAR, SWĀR
FIRE	санسکریت (SANSKRIT) :
دانمارکی (DANISH) :	CATVĀRAS, CÁTASRAS, CATVĀRI
FYRA	ارمنی (ARMENIAN) :
سوئدی (SWEDISH) :	TÉSSARES, PÉTARES :(GREEK) :
FIRE	لاتین (LATIN) :
نروژی (NORWEGIAN) :	فرانسه (FRENCH) :
VIER	اسپانیایی (SPANISH) :
هلندی (DUTCH) :	ایتالیایی (ITALIAN) :
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :	رومانی (ROMAÑIAN) :
KETYRE, CHETYRE	پرتغالی (PORTUGUESE) :
CZTERY	گوتیک (GOTHIC) :
لهستانی (POLISH) :	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
CHELVERO	FLJŌRIR
روسی (RUSSIAN) :	نورس کهن (OLD NORSE) :
CHTERY, CHWORO	FLIWAR
چک (CZECH) :	ساکسونی کهن (OLD SAXON) :
SHTYRI	
اسلواکی (SLOVAK) :	
KETURI	
لیتوانی (LITHUANIAN) :	
CHETRI	
لتونی (LATVIAN) :	
ایرلندی کهن (OLD IRISH) :	
CETHAIR, CETHIR	
PETOR, PEDWAR	
گالی (GAULISH) :	
PETGUAR, PEDWAR	
ولزی (WELSH) :	
PEVAR	
برتونی (BRETON) :	

ONIONS:	(FOUR) 373	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(FOUR) 224	POKORNY:	642
AMINDAROV:	(FOUR) 227	BARNHART:	(FOUR) 404
۶۷۴	برهان قاطع :	DELAMARRE:	(QUATRE) 211
		MACKENZIE:	(FOUR) 115

CHAHĀROM	چهارم	فارسی (PERSIAN)
FOURTH	چهارم	چهارم انگلیسی سروازه‌ی فارسی
*KWTURYOS, *KWETWRTOS, *QWETURTO		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
VIERT, VIERTEL	: (GERMAN)	اوستایی (AVESTAN)
FĒORTHA	: (OLD ENGLISH)	پهلوی (PAHLAVI)
FOURTH	: (ENGLISH)	کردی (KURDISH)
FJERDE	: (DANISH)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
FJERDE	: (NORWEGIAN)	TSALORAM, CHALORAM
VIERDE	: (DUTCH)	تخاری A (TOKHARIAN A)
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	تخاری B (TOKHARIAN B)
CHERVRI		санسکریت (SANSKRIT)
CZWARTY	: (POLISH)	TURĪYAS, CATURTHÁS
KETVIRTAS	: (LITHUANIAN)	ارمنی (ARMENIAN)
CETURTAIS	: (LATVIAN)	بونانی (GREEK)
PETUARIOS	: (GAULISH)	لانین (LATIN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	فرانسه (FRENCH)
POKORNY:	642-644	اسپانیایی (SPANISH)
BARNHART:	(FOURTH) 404	ایتالیایی (ITALIAN)
DELAMARRE:	(QUATRIÈME) 212	رومانی (RUMANIAN)
MACKENZIE:	(FOURTH) 115	AL PATRUEA, A PATRA
ONIONS:	(FOURTH) 373	پرتغالی (PORTUGUESE)
AMINDAROV:	(FOURTH) 227	نورس کهن (OLD NORSE)
۶۷۴	برهان قاطع :	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
		FIORDO

CHEHEL		فارسی (PERSIAN) : چهل
FORTY		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KWETWORI, *KWTRIG		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
FIORZUG		اوستایی (AVESTAN) :
VIERZIG	: (GERMAN) آلمانی	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	
FĒOWRTIC		CATHWARESAT
FORTY	: (ENGLISH) انگلیسی	: (PAHLAVI) پهلوی
FYRRE	: (DANISH) دانمارکی	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
FYRATIO	: (SWEDISH) سوئدی	: (SANSKRIT) سانسکریت
FORTI	: (NORWEGIAN) نروژی	: (LATIN) لاتین
VEERTIG	: (DUTCH) هلندی	: (FRENCH) فرانسه
CZERDZIESCI	: (POLISH) لهستانی	: (SPANISH) اسپانیایی
CHTYRICET	: (CZECH) چک	: (ITALIAN) ایتالیایی
SHTYRIDSAT	: (SLOVAK) اسلواکی	: (RUMANIAN) رومانی
REFERENCES	پسگشت‌ها	برخالی (PORTUGUESE)
POKorny:	642-644	: (GOTHIC) گوتیک
BARNHART:	(FORTY) 403	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
MACKENZIE:	(FORTY) 115	FJÓRIR TIGIR
ONIONS:	(FORTY) 372	FJORIR TIGIR : (OLD NORSE) نورس کهن
SKEAT:	(FORTY) 223	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
۶۷۴	برهان قاطع:	FIWARTIG, FIARTIG
		: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
		FEUWERTICH
		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

CHIDAN		فارسی (PERSIAN) : چیدن
PICK, ARRANGE, CLIP		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KWEI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
CHIVANDIN	: (KURDISH) کردی	اوستایی (AVESTAN) :
CINAG	: (BALUCHI) بلوچی	CHAYEITI, CHINVAITI, CHINITI
	: (SANSKRIT) سانسکریت	CITAN, CHIDAN : (PAHLAVI) پهلوی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	637-638
MACKENZIE:	(GATHER) 116
AMINDAROV:	229
۹۷۶	برهان قاطع:

CINÓTI, CÁYATI, CITÁ

- پونانی (GREEK):
لهستانی (محلی) (POLISH):
بلغاری کهن (OLD BULGARIAN):

XĀR, XAS, HASĒKÉ	فارسی (PERSIAN): خار، خس، خسیکه (خارپشت)
THIRN, PRICKLE, URCHIN, HEDGEHOG	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHĒRS-, *GHER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
GARB	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
GARW	ولزی (WELSH):
XĀR, XĀRPŪSHT	پهلوی (PAHLAVI):
HÁRSATE, HRSYATI	سانسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	445
BARNHART:	(URCHIN) 1188
DELAMARRE:	(HÉRISSON) 133
MACKENZIE:	(THORN) 136, (HEDGEHOG) 163
ONIONS:	(URCHIN) 964, (CHARACTER) 163
SKEAT:	(GHERS) 754, (URCHIN) 681
(CHARACTER) 103	
۹۲۸۱	لخت نامه دهخدا:
۷۴۷ و ۶۹۷	برهان قاطع:

CHĒRÓS, CHĒR, KHĒR	يونانی (GREEK):
HORREŌ, HORRĒRE, HĒR, ĒRECİUS	لاتین (LATIN):
HÉRISSON	فرانسه (FRENCH):
ERIZO	اسپانیایی (SPANISH):
RICCIO	ایتالیایی (ITALIAN):
ARICIU	رومانی (RUMANIAN):
OURICO	برتغالی (PORTUGUESE):
YRICHON	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (از فرانسه)
URCHIN	انگلیسی (ENGLISH):
GERS	سوئدی (SWEDISH):
GJORS	نروژی (NORWEGIAN):

چم این واژه در زبان سانسکریت و لاتین و یونانی و ایرلندی کهن و ولزی: هر چیز سخت و تیز و خشن، خارپشت.
چم این واژه در زبان سوئدی و نروژی: نوعی ماهی خاردار.

XĀM	فارسی (PERSIAN): خام
RAW, UNRIPE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*OM-, *ÖMÖS-, *HÖMOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

AMARGO	پرتغالی (PORTUGUESE)
OM	ایرلندی کهن (OLD IRISH)
OF	گالی (GAULISH)
AMBÈLË, ËMBLË	آلبانی (ALBANIAN)

REFERENCES	برگشت ها
POKORNÝ:	777
DELAMARRE:	163, 230
MACKENZIE:	
(CRUDE) 109, (RAW) 129	
MALLPRY & ADAMS:	HOMOS
AMINDAROV:	
(RAW) 275, (UNRIPE) 305	
۷۰۴	برهان قاطع :

*ĀMĀD	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
XĀM	پهلوی (PAHLAVI)
XĀV, XAVI, XAM	کردی (KURDISH)
HAMAG	بلوچی (BALUCHI)
ŌM, ūM	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
HĀMA	খন্তি (KHOTANESE)
ĀMĀ,ĀMAS	санسکریت (SANSKRIT)
HUM	ارمنی (ARMENIAN)
ŌMÓS	يونانی (GREEK)
AMARUS	لاتین (LATIN)
AMER	فرانسه (FRENCH)
AMARGO	اسپانیایی (SPANISH)
AMARO	ایتالیایی (ITALIAN)
AMAR	رومانی (RUMANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان های رومانی (برگرفته از لاتین): تلخ
چم این واژه در زبان آلبانی: تلخی.

XAYÉ	خایه	فارسی (PERSIAN)
TESTICLE		چم انگلیسی سزووازه دار فارسی:
*Ō(W)ÝOM, *ŌYO-, *ŌWO-, *AUEI-		هند و اوپایی (INDO-EUROPEAN)
UOVO	ایتالیایی (ITALIAN)	اوستایی (AVESTAN)
OU	رومانی (RUMANIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
OVO	پرتغالی (PORTUGUESE)	پهلوی (PAHLAVI)
ADA, *ADDJA	گوتیک (GOTHIC)	کردی (KURDISH)
EGG	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	بلوچی (BALUCHI)
EGG	نورس کهن (OLD NORSE)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
EI	ساکسونی کهن (OLD SAXON)	ارمنی (ARMENIAN)
EI	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	يونانی (GREEK)
EI	آلمانی (GERMAN)	لاتین (LATIN)
EGGE,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	فرانسه (FRENCH)
AEG		اسپانیایی (SPANISH)
EGG	انگلیسی (ENGLISH)	

WY	: (WELSH) ولزی
VI	: (BRETON) برتونی
UBH	: (GAELIC) گالیک

AEG	: (DANISH) دانمارکی
ÄGG	: (SWEDISH) سوئدی
EGG	: (NORWEGIAN) نروژی
EI	: (DUTCH) هلندی
	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	783-784
BARNHART:	(EGG) 317
DELAMARRE:	149
MACKENZIE:	(EGG) 112
BUCK:	256
ONIONS:	(EGG) 303
SKEAT:	(EGG) 180
۷۱۱	برهان قاطع :

AJICE	
JAJE, JAJO	: (POLISH) لهستانی
JAJCO, YAITSÓ	: (RUSSIAN) روسی
VAJCE, VEJCE	: (CZECH) چک
JAJIE	: (SERBIAN) صربی
VEJCE	: (BOHEMIAN) بوهمی
OG	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
WY	: (GAULISH) گالی

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در اوستایی و پارسی باستان و پهلوی و همه زبان‌های هند و اروپایی دیگر: تخم (مرغ).
- ۲- واژه‌های "خاویار" و "خاک" و "خاگنه" نیز همراهی واژه‌ی "خایه" هستند.

XAIDAN	فارسی (PERSIAN) : خاییدن، -خای (به چم "جویدن")
CHEW	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KHA-, *KAK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	634
BUCK:	809
۷۱۲ و ۷۱۰	برهان قاطع :

XĀ-, KANI-, KANN-	: (AVESTAN) اوستایی
KANN-	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
	: (SANSKRIT) سانسکریت
KHADATI, KHANATI, KHAD-	
XACANEM	: (ARMENIAN) ارمنی
XOMÒS	: (GREEK) یونانی
HĀMUS	: (LATIN) لاتین
KĀNDU	: (LITHUANIAN) لیتوانی

یادداشت:

- چم این واژه در زبان یونانی: خمیده.
چم این واژه در زبان لاتین: کجک، قلاب.

XARCHANG	خرچنگ	فارسی (PERSIAN)
CRAB	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KER-, *KARKAR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
R&KE نروزی (NORWEGIAN)	پهلوی (PAHLAVI)	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن
RAKU	KARCANG, KARZANG	SANSKRIT (SANSKRIT)
RAK لهستانی (POLISH)	KARKATA	ارمنی (ARMENIAN)
RAKO(VINA) چک (CZECH)	KHCHAPAR	یونانی (GREEK)
PAK اسلواکی (SLOVAK)	XARKINOS, KARKINOS	LATIN (LATIN)
REFERENCES پسگشت‌ها	CANCER	فرانسه (FRENCH)
POKORNÝ: 531	CANCER, CANCRE	اسپانیایی (SPANISH)
BARNHART: (CANCER) 139	CANGREJO, CÁNCER	ایتالیایی (ITALIAN)
MACKENZIE: (CRAB) 109, (CANCER) 106	CANCRO, GRANCHIO	رومانی (RUMANIAN)
ONIONS: (CANCER) 140	CANCER	پرتغالی (PORTUGUESE)
SKEAT: (CANCER) 88	CARANGUEJO, CÁNCER	برهان قاطع :
۷۲۸		بادداشت:

در برخی از زبان‌های هند و اروپایی این واژه چم "سرطان" را هم دارد.

KHERAD	خرد	فارسی (PERSIAN)
INTELLECT, WISDOM, REASON	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KAR-, *KARKAR-, *KARTŪS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
HERD فریزی کهن (OLD FRISIAN)	XRATUSH, XRATE	اوستایی (AVESTAN)
HART آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	XRAT, XVART, XRAD	پهلوی (PAHLAVI)
HART آلمانی (GERMAN)		سanskrit (SANSKRIT)
HEARD انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	KRATU-, KATHINÁ	ارمنی (ARMENIAN)
HARD انگلیسی (ENGLISH)	KHELK	یونانی (GREEK)
HAARD دانمارکی (DANISH)	KRATUS	گوته (GOTHIC)
HÅRD سوئدی (SWEDISH)	HARDUS	ابتلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
HAARD نروزی (NORWEGIAN)		ساکونی کهن (OLD SAXON)
HARD هلندی (DUTCH)	HARDHR	

BUCK:	REFERENCES	پسگشت‌ها
1200-1202, 1064-1065	BARNHART: (HARD) 465	
۷۲۹ برهان قاطع:	MACKENZIE: (WISDOM) 140, (REASON) 129	

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: محکم، سخت.

XORD	فارسی (PERSIAN): خرد (به چم "کوچک", "ناچیز")
SMALL, LITTLE, PALTRY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*(S)KERDH-, *(S)KORDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	اوستایی (AVESTAN)
POKORNÝ: 949	پهلوی (PAHLAVI)
MACKENZIE: (LITTLE) 122, (SMALL) 133	کردي (KURDISH)
AMINDAROV: (XORT) 83	санскربت (SANSKRIT)
۷۲۹ برهان قاطع:	KRADHIYAMS, KRADHISTA
۱۴۰۸ فرهنگ معین:	یونانی (GREEK)
	KHURSION, KHRSANIOS
	لیتوانی (LITHUANIAN)
	SKURSTÙ, SKURDAU, SKURSTI

XERS	فارسی (PERSIAN): خرس
BEAR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*RKTOS, *RKSOS, *RKPOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
URSUS : (LATIN) لاتین	اوستایی (AVESTAN)
OURS : (FRENCH) فرانسه	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
OSO : (SPANISH) اسپانیایی	پهلوی (PAHLAVI)
ORSO : (ITALIAN) ایتالیایی	اوستی (OSSETIC)
URS : (RUMANIAN) رومانی	کردي (KURDISH)
URSO : (PORTUGUESE) پرتغالی	سانسکربت (SANSKRIT)
OURZ : (BOHEMIAN) بوهمی	ارمنی (ARMENIAN)
ART : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	یونانی (GREEK)

خرفستر، خستر (به چم "حشره‌ی موزی") / ۲۳۷

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNY:	875
BARNHART:	(ARCTIC) 49
DELAMARRE:	(OURS) 104
MACKENZIE:	(BEAR) 104
BUCK:	186
ONIONS:	(ARCTIC) 48
SKEAT:	(ARCTIC) 29
۷۳۳	برهان قاطع:

ARTH	: (GAULISH) گالی
ORS	: (WELSH) ولزی
OURZ	: (BRETON) برتونی
ARI	: (ALBANIAN) آلبانی
HARTAGGA	: (HITTITE) هیتیت

XARFSTAR, XASTAR	خرفستر، خستر (به چم "حشره‌ی موزی") (PERSIAN)
INSECT, REPTILE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KREP-, *KRP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNY:	620
BARNHART:	
(MIDRIFF) 660, (CORPSE) 222	
DELAMARRE:	(CORPS) 102
MACKENZIE:	(MIDRIFF) 130
SKEAT:	(MIDRIFF) 374-375
۹۶۹۴	لغت‌نامه دهخدا:
۷۲۳ و ۷۲۵	برهان قاطع:
۱۴۱۱	فرهنگ معین:

XRAFSTRA	: (AVESTAN) اوستایی
XRAFSTAR	: (PAHLAVI) پهلوی
KRPA	: (SANSKRIT) санскریت
CORPUS, CORPORIS	: (LATIN) لاتین
CORPS	: (FRENCH) فرانسه
CUERPO	: (SPANISH) اسپانیایی
CORPO	: (ITALIAN) ایتالیایی
CORP	: (RUMANIAN) رومانی
CORPO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
HREF, HRIF	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
(H)REF	
HRIF	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
· RIFF (MIDRIFF)	: (ENGLISH) انگلیسی

یادداشت:

۱- واژه‌ی "خرفستر" (اوستایی: XRAFSTRA) از دو بخش ساخته شده است: اوستایی KREP به چم "تن" و اوستایی -ED- (E)D-TRO- یا -ED- به چم "خوردن" (POKORNY: 620). در زبان پهلوی نیز واژه‌ی KIRB به چم "تن" یا "بدن" را داشت (104: MACKENZIE).

-۲ **ONIONS** ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را "نامعلوم" می‌نامد (575 (MIDRIFT):ONIONS) .
 -۳ چم این واژه در همه‌ی واژه‌های این فهرست (به جز اوستایی و پهلوی): "تن" ، "بدن"

XORŪS		فارسی (PERSIAN): خروش
ROOSTER, COCK		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KERKOS, *KER-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
OROZ, KOKOT	: (SERBIAN) صربی	: (AVESTAN) اوستایی
KOHOUT	: (BOHEMIAN) بوهمی	XRAOS, KAHRKATAT, KAHRKATAS
KRAUKILYS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	XRŌS پهلوی (PAHLAVI)
KERKO	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن :(OLD IRISH) ایرلندی کهن	XOROS کردی (KURDISH)
KOKR, CERCC		KRŌS بلوچی (BALUCHI)
KOG, KILHOG	: (BRETON) برتونی	KRKA-, KUKKUTA سانسکریت (SANSKRIT)
REFERENCES	پسگشت	
POKORNÝ:	571	KEKAX, KEKKO یونانی (GREEK)
BARNHART:	(COCK) 185	COCCUM : (MIDDLE LATIN) لاتین میانه
DELAMARRE:	(COQ) 140	COQ فرانسه (FRENCH)
MACKENZIE:	(COCK) 107	COCOS رومانی (RUMANIAN)
BUCK:	174-176	KOKKR نورس کهن (OLD NORSE)
ONIONS:	(COCK) 186	COCC انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
SKEAT:	(COCK) 118	COCK انگلیسی (ENGLISH)
VFI	برهان قاطع:	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
		KOKOTŪ
		KOGUT لهستانی (POLISH)
		KURITZA روسی (RUSSIAN)
		یادداشت:
-۱ ONIONS ، SKEAT معتقدند که این واژه نوعی "تام آوا" (ONOMATOPOEIA) است.		
-۲ چم این واژه در زبان یونانی: شاهین.		
-۳ بازگشت به: خروش		

XORŪSH, XORŪSHIDAN	فارسی (PERSIAN): خروش، خروشیدن
CPY, SHOUT	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KOR, *KR, *KER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KRZYCZEC	: (POLISH) لهستانی	XRAOSAITI, XRAOS: (AVESTAN) اوستاگی
KRICHAT	: (RUSSIAN) روسی	XROSTAN: (PAHLAVI) بهلوری
KRICHET	: (CZECH) چک	
KRICHATI	: (SERBIAN) صربی	
KRICHETI	: (BOHEMIAN) بوهمی	
KRICHAT, KRIK	: (SLOVAK) اسلواکی	KRÖSA, KRÖSATI, KRÖSA- گرنیک (GOTHIC)
KRAUKTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی	KRUK, KRUJKAN
KRAUKAT	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	571
MACKENZIE:	(CRY) 109
BUCK:	1250-1252
Vf1	برهان قاطع:

KRÄCHZEN	: (GERMAN) آلمانی
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)
CRACIAN	
CROAK	: (ENGLISH) انگلیسی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاموی کهن
KRICHATI	

پادداشت:

بازگشت به: خروج

XARID XARIDAN	فارسی (PERSIAN) : خرید، خریدن
BUY, PURCHASE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KWREI, *KWRINAMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
KAUP, KAUPA	بهلوری (PAHLAVI)
	ساکسونی کهن (OLD SAXON) (شاید)
KÖP, KÖPIAN	KERIN, XERIDAN : (KURDISH) کردی
KÄP	KURYAR : (TOKHARIAN A) A تخاری
	فریزی کهن (OLD FRISIAN) (شاید)
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)
KOUF, KOUFÖN	KAYOR : (TOKHARIAN B) B تخاری
	آلمانی (GERMAN) (شاید)
KAUF, KAUFEN	
	سنسکریت (SANSKRIT) (شاید)
CĒAP, CĒAPIAN	KRI-, KRINATI, KRAY
CHEAP	PRIASTHAI : (GREEK) یونانی
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)
	LAETIN : (LATIN) لاتین
	گرنیک (GOTHIC) (شاید)
	KAUTH, KATHON
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)

CRENAI	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
PRINIT	: (GAULISH)	گالی

KIOBE	: (DANISH)	دانمارکی
KÖPA	: (SWEDISH)	سوئدی
KOOPEN, KOOP	: (DUTCH)	هلندی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	648
BARNHART:	(CHEAP) 162
DELAMARRE:	(ACHETER) 265
MACKENZIE:	(BUY) 105
BUCK:	817-818
ONIONS:	(CHEAP) 166
MALLORY & ADAMS:	KWREI
۷۴۳	برهان قاطع:

KUPITI, KRINUTI	: (OLD CHURCH SLAVIC)
KUPIC	: (POLISH)
KUPIT	: (RUSSIAN)
KOUPIT, KOUPĒ	: (CZECH)
KUPITI	: (SERBIAN)
KUPIT	: (SLOVAK)
KRIENO, KRAITIS	: (LITHUANIAN)
KRIENS	: (LATVIAN)

یادداشت:

- ۱- برخی معتقدند که واژه‌های ژرمنی این فهرست از واژه‌ی لاتین CAUPŌ (به چم "دستفروش") مشتق شده‌اند.
- ۲- چم این واژه در انگلیسی: ارزان.
- ۳- برخی معتقدند که واژه‌های اسلامی این فهرست از زبان‌های ایرانی مشتق شده‌اند.

XAST, XASTAN	فارسی (PERSIAN): خست (به چم "زخم")، خستن (به چم "آزدند، مجروح کردن")
WOUND	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*SWER-, *SWEROS	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
SWEORD : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
SWORD : (ENGLISH)	انگلیسی
SVERD : (DANISH)	دانمارکی
SVÄRD : (SWEDISH)	سوئدی
SVERD : (NORWEGIAN)	نروژی
SWARD : (DUTCH)	هلندی
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلامی کهن
CHURYA	
CHVORYJ : (RUSSIAN)	روسی
CHVORY	چک : (CZECH)
XVARA	: (AVESTAN)
XASTAN, XVASTAN	: (PAHLAVI)
	اپسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
SVERD	
SWERD : (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
SWERD : (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
	آلمنی کهن : (OLD HIGH GERMAN)
SWERO, SWERAN, SWERT	
	آلمنی (GERMAN)
SCHWÄRE, SCHWÄREN, SCHWERT	

(BLESSURE, DOULEUR) 110	
MACKENZIE:	(WOUND) 141
BUCK:	306
ONIONS:	(SWORD)
SKEAT:	(SWORD) 623
۷۴۷	برهان قاطع:
۱۴۱۹	فرهنگ معین:

SERB	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
CHWARREN	: (GAULISH) گالی
CHWERW	: (WELSH) ولزی

REFERENCES	پسکشت ها
POKORNÝ:	1050
BARNHART:	(SWORD) 1103
DELAMARRE:	

یادداشت:

۱- بکی از چم های این واژه در زبان های ژرمنی: شمشیر، درد.

۲- معتقدند که ریشه ای از چم های ژرمنی این نهرست نامعلوم است.

فارسی (PERSIAN):	خسر، خشرو (به چم "پدرزن یا پدرشوهر", "مادرزن یا مادرشوهر")
	OSOR, OSORŪ

FATHER-IN-LAW, MOTHER-IN-LAW	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SWEKRŪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

ایسلندی کهن (OLD SCNDINAVBN)	XUASURA	: (AVESTAN) اوستانی
SWĀERA		افغانی (پشتر) : (AFGHANI)
SWEGER : (OLD FRISIAN) آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	KHOSER, KHWĀSHE	санسکریت (SANSKRIT)
SWEHUR, SWIGAR : (GERMAN) آلمانی	SVĀSURA, SVASRŪ, CHVAKURA, CHVAKRŪ	ارمنی (ARMENIAN)
SCHÄHER, SCHWIEGER- : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	SKESUR, KVEKURA	يونانی (GREEK)
SWĒOR, SWEGER : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	ECHUROS	لاتین (LATIN)
SVEKRY, SVEKRO	SOCER, SOCERI, SOCRUS	اسپانیایی (SPANISH)
SWIEKIER : (POLISH) لهستانی	SUEGRO, SUEGRA	ایتالیایی (ITALIAN)
SVEKRŌVI, SVEKOR : (RUSSIAN) روسی	SUOCERO, SUOCERA	
SUEKAR : (SERBIAN) صربی	SOCRU, SOCRA	رومانی (RUMANIAN)
SVOKOR, SVOKRA : (SLOVAK) اسلواکی	SWAIHRŌ, SWAIHRA	گوتیک (GOTHIC)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1043-1044
DELAMARRE:	43
BUCK:	122
MOLLORY & ADAMS:	
SUEKRUHAS	
VFA	برهان قاطع:
1420	فرهنگ معین:

لیتوانی (LITHUANIAN)	: UOSHVIS, SHĒSHURAS , SHĒSHIURE
گالی (GAULISH)	: CHWEGR, CHWEGRWN
آلبانی (ALBANIAN)	: VJEHËRR

XOSRŌ	فارسی (PERSIAN) خسرو
KING, SOVEREIGN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SU+KLEU-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

SLAVA	HU-SRAVAH	اوستایی (AVESTAN)
		: (PAHLAVI) پهلوی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	
(SU) 1037, (KLEU-) 605	
MACKENZIE:	(FAMOUS) 113
ONIONS:	(CAESAR) 134
VFA	برهان قاطع:

HUSRŪV, XUSRAV, HUSRAW	فارسی (PERSIAN) خسرو
XOSRŌ	: (KURDISH) کردی
SUSHRAVAS	: (SANSKRIT) سانسکریت
LU	: (ARMENIAN) ارمنی
KLUTÓS	: (GREEK) یونانی
INCLTUS	: (LATIN) لاتین
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

یادداشت:

۱- مغرب این واژه "کری" است. احتمال دارد که واژه‌ی لاتین CAESAR (یونانی KAISAR) فرانسه‌ی کهن CESAR، لهستانی TSAR، روسی KISAR، آلمانی KAISER، انگلیسی CAESAR نیز با از همین واجریشه باشد و یا از پارسی اخذ شده باشد.

۲- بازگشت به: سرود

۳- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین، ارمنی، اسلاوی کهن: نامدار، مفتخر

XESHT	خشت	فارسی (PERSIAN)
ADOBE, SUN-DRIED BRICK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*AIDH-, *IDH	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی	

ISHTI- : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

ISHTYA : (AVESTAN) اوستایی

AED	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	XISHT	: (PAHLAVI) پهلوی
REFERENCES	پسگشت‌ها		: (AFGHANI) افغانی (پشتون)
POKORNY:	12	XASHTA, XESHTA	: (SANSKRIT) سانسکریت
MACKENZIE:	(BRICK) 105	ISHTAKĀ, ISHTYA-	: (GREEK) یونانی
BUCK:	(BRICK) 603-604	AĪTHOS	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
ONIONS:	(ETHER) 329	EISA	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
SKEAT:	(AIDH) 752	ESSA	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
٧٥٠	برهان قاطع :	ESSE	: (GERMAN) آلمانی

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان یونانی و ایسلندی کهن و ایرلندی کهن: شعله، آلو، آتش.
- چم این واژه در زبان آلمانی کهن و آلمانی: دودکش بخاری، بخاری.
- ۲- واژه‌ی فارسی "هیزم" نیز از همین واجریشه است.

XOSHK	خشک	: (PERSIAN) فارسی
DRY	چم انگلیسی سروالازه‌ی فارسی:	
*SUS-, *SAUS-, *SAUSO-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی	
SEĀR, SĒARIAN		: (AVESTAN) اوستایی
SERE, SEAR	: (ENGLISH) انگلیسی	HAOS-, HUSHKA-, HUSH-
SOYR	: (NORWEGIAN) نروژی	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
ZOOR	: (DUTCH) هلندی	HUSHK, XUSHK
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاموی کهن	: (PAHLAVI) پهلوی
SUCHŪ, SUSHITI		HISHK
SUXOI	: (RUSSIAN) روسی	: (SANSKRIT) سانسکریت
SAŪSAS, SAŪSTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی	SŪSYATI, SOSA-, SŪSKA, SŪSAS
SUST, SAUSS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	: (GREEK) یونانی
THANJ	: (ALBANIAN) آلبانی	HAŪOS, AŪOS, HAŪEIN
		SŪDUS
		: (LATIN) لاتین
		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
		SŪRĒN
		: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

MACKENZIE:	(DRY) 111	REFERENCES	پسکشت ها
BUCK:	1075-1076	POKORNY:	880-881
ONIONS:	(SERE) 811	BARNHART:	
SKEAT:	(SEAR) 545		(SERE) 989, (SEAR) 976
AMINDAROV:	(DRY) 215	DELAMARRE:	(SEC) 233

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: (هوا) صاف و آفاتای و خشک.

XASHM, XASHMGIN	فارسی (PERSIAN): خشم، خشمگین
ANGER, ANGRY, IRATE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*EIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
IÁRN	ابرلندی کهن (OLD IRISH) اوستایی (AVESTAN)
HAIARN	ولزی (WELSH) پهلوی (PAHLAVI)
HOUARN	برتونی (BRETON) HISHM, HĒSHM, XESHM
ISHIRA, IS-	санسکریت (SANSKRIT) : (GREEK)
*OISMA, ORÍNEIN	یونانی (LATIN)
IRA, EIRA, IRRIRE	لاتین (SPANISH)
IRA	اسپانیایی (ITALIAN)
IRA	برتغالی (PORTUGUESE)
EISA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
OFOST, OBAST	
AISTRA	لیتوانی (LITHUANIAN)

REFERENCES	پسکشت ها
POKORNY:	299-300
BARNHART:	(IRE) 544
MACKENZIE:	(ANGER) 102
BUCK:	1134-1137
ONIONS:	(IRE) 485
SKEAT:	(IRE) 308
VØF	برهان قاطع:
۱۴۲۴	نمره‌نگ معین:

XOFTAN, XOFTIDAN	فارسی (PERSIAN): خفتن، خفتیدن
SLEEP	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SWEP-, *SWOP-, *SWEPMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
KHOB	افغانی (پشتو) اوستایی (AVESTAN)
SVAP-, SVAPITI	санسکریت (SANSKRIT) پهلوی (PAHLAVI)
XVAP-	
XUFTAN, XUAFTAN	(PAHLAVI)
XEW	(KURDISH) کردی

خم، خمّب، خمّبه، خنّب (به چم "خمره"، "کوزه") / ۲۴۵

MACKENZIE:	(SLEEP) 133	REFERENCES	پسگشت‌ها
۷۶۱	برهان قاطع :	POKORNY: DELAMARRE:	1048-1049 (DORMIR) 287

یادداشت:
بازگشت به "خواب" و "خوابیدن".

XOM, XOMB, XOMBÈ, XONB	فارسی (PERSIAN) : خم، خفّب، خفّبه، خنّب (به چم "خمره"، "کوزه")
JUG, PITCHER	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*KUMB-, *KUMBH-, *KUMBOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
COMM : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	اوستایی (AVESTAN) : XUMBŌ, XUMBA
KOMM : (BRETON) برتونی	پهلوی (PAHLAVI) : پهلوی
	XUMB, XUNBAK, XUMBAC
REFERENCES	санسکریت (SANSKRIT) :
POKORNY: 592	KUMBHÁS, KUMBA
DELAMARRE: (POT, RECIPIENT) 120	يونانی (GREEK) : KÚMBOS, CHUMBĒ
MACKENZIE: (JUG) 120	لاتین (LATIN) : -CUMBŌ
ONIONS: (COMBE, COOMB) 213	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : KUMME
SKEAT: (COMBE, COOMB) 122	آلمانی (GERMAN) : CUMB
THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY: (COOMB) 505-506	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : (ENGLISH) : COOMB, COMBE, COMB
۷۶۱	برهان قاطع :
	هلندی (DUTCH) : KOM
	لهستانی (POLISH) : KUBEK

یادداشت:
این واژه در آلمانی و انگلیسی نوین کم کاربرد است و چم آن: خمره‌ی بزرگ.

XANDÉ, XANDIDAN	فارسی (PERSIAN) : خنده، خنیدن
LAUGH, LAUGHTER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KHA KHA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید): هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
	انگلیسی (ENGLISH) :
CACHINNATION, CACHINNATE	پهلوی (PAHLAVI) :
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :	XANDAK, XANDIDAN, XAND-
CHOCHOTATI, XOXOTATI	کردی (KURDISH) :
CHICHTAĆ	افغانی (پشتون) (AFGHANI) :
لیتوانی (LITHUANIAN) :	KHANUĒL, KANDĀ
KIKÉNT, KIKNOTI	санسکریت (SANSKRIT) :
	ارمنی (ARMENIAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	634
BARNHART:	
(CACHINNATION) 133	
DELAMARRE:	265
MACKENZIE:	(LAUGH) 121
AMINDAROV:	(LAUGHING) 247
۷۷۴-۷۷۵	برهان قاطع :

یادداشت:

واژه‌ی (شاید) در جلو "هند و اروپایی" همیشه به این معنی است که رابطه‌ی واژه‌های ایرانی فهرست با واجریشه‌ی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های فهرست "احتمالی" است و هیچکدام از پسگشت‌های من به این رابطه اشاره نکرده‌اند.

XĀB, XĀBIDAN	فارسی (PERSIAN) : خواب، خوابیدن
SLEEP, DREAM	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SWEP-, *SUP-, *SWEPNOS, *SŪPNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
SPE	(TOKHARIAN A) A تخاری (TOKHARIAN A) A
SÄNE	(TOKHARIAN B) B تخاری (TOKHARIAN B) B
	санسکریت (SANSKRIT) :
SVÁPITI, SVĀPAYATI, SVĀPATI,	XEV, XEVIN, XEVN کردی (KURDISH) :
SVÁPNA-, SVÄPA	VĀB بلوجی (BALUCHI) :
	KHOB افغانی (پشتون) (AFGHANI) :

SĀPNAS, SAPNYS	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	KUN, KNOY	: (ARMENIAN)
SAPNIS	: (LATVIAN)	لتوانی (لتی)	HŪPNOS, HÝPNOS	: (GREEK)
SŪAN	: (OLD IRISH)	ابرلنگی کهن		: (LATIN)
HUN	: (GAULISH)	گالی	SŌPIŌ, SŌPOR, SŌPŌRIS, SOMNUS	
HUN	: (WELSH)	ولزی	SOMMEIL	: (FRENCH)
HUN, HUNI	: (BRETON)	برتونی	SUEÑO	: (SPANISH)
SJUMË	: (ALBANIAN)	آلبانی	SOMNO	: (ITALIAN)
SUP-	: (HITTITE)	هبت	SOMN	: (RUMANIAN)
			SONHO, SON	: (PORTUGUESE)
				: (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	1048-1049
BARNHART:	
(SOMNOLENT) 1034, (HYPNOTIC) 501	
DELAMARRE:	287
MACKENZIE:	
(SLEEP) 133, (DAEAM) 111	
BUCK:	268-270
ONIONS:	(SOMNI- 848
SKEAT:	(SOMNOLENCE) 581
AMINDAROV:	
	(DREAM) 215, (SLEEP) 287
۷۸۰	برهان قاطع :

SOFÁ, SVEFJA, SVEFN	ساکسونی کهن
SWEBBIAN	: (OLD SAXON)
	: (OLD FRISIAN)
SUFFEN, SWEFN	فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)
ANSWEBBFN	آلمانی کهن
	: (OLD ENGLISH)
SWEFAN, SWEFN	انگلیسی کهن
	: (OLD CHURCH SLAVIC)
SŪPATI, SŪNŪ	اسلاوی کهن
SEN, SPAC	: (POLISH)
SON, SPAT	: (RUSSIAN)
SAN, SPAVATI	: (SERBIAN)
SEN, SPATI	: (BOHEMIAN)

یادداشت:

در زبان های ایرانی برای "خواب" (به چم "خفتن") و "خواب" (به چم "آنجه در خواب دیده می شود") یک واژه واحد بکار می رود ولی در اکثر زبان های اروپایی برای این دو حالت دو واژه هی متبايز بکار می رزد. گاهی این دو واژه همراه و گاهی ناهمراهند. در این فهرست واژه های همراه وابسته به هر دو حالت داده شده است.

XASTAN, XAST	خواستن، خواست	فارسی (PERSIAN):
DESIRE, WISH, WANT		چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*SWĀD-, *SWĀDAL, *SWADONOM		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SUDYTI: : (LITHUANIAN)	لیتوانی	اوستایی (AVESTAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ: 1039-1040		
DELAMARRE: 286		
MACKENZIE: (WANT) 139		
SKEAT: (SWAD) 759		
AMINDAROV: (DESIRE) 311		
۷۸۳ و ۷۸۲	برهان قاطع:	
XWASTO		پهلوی (PAHLAVI):
XWASTAN		کردی (KURDISH):
XVASTIN, XUSTIN, XWESTEK		санسکریت (SANSKRIT):
SVAD-, SVÁDATI, SVÁDATE		
XOSTAG		ارمنی (ARMENIAN):
HÉDOMAI, ÉDOMAI		یونانی (GREEK):
SVADEŌ, SVADĒRE		لاتین (LATIN):
		بادداشت:
		۱- بازگشت به: شیرین.

XUAL	خوال (به چم دوده‌ای که برای ساختن مرکب از دود چراغ‌می‌گیرند)	فارسی (PERSIAN):
LAMPBLACK, BLACKING		چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*SUER, *SWORDOS,		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SORT	: (DANISH) دانمارکی	اوستی (OSSETIC):
SVART	: (SWEDISH) سوئدی	سغدی (SOGADIAN):
SVART	: (NORWEGIAN) نروژی	خُتنی (KHOTANESE):
ZWART	: (DUTCH) هلندی	لاتین (LATIN):
REFERENCES	پسگشت‌ها	گُربَك (GOTHIC):
POKORNÝ: 1052		نورس کهن (OLD NORSE):
BARNHART: (SWART) 1100		ساکسونی کهن (OLD SAXON):
MALLORY & ADAMS: SUER		فریزی کهن (OLD FRISIAN):
۷۸۲	برهان قاطع:	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
۱۰۰۳۷	لخت نامه دهخدا:	SWARZ
۱۴۴۹	فرهنگ معین:	آلمانی (GERMAN):
		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
		انگلیسی (ENGLISH):

خوان (به چم "خوردنی" و سینی یا طبق "مواد خوراکی") / ۲۴۹

یادداشت:

- بازگشت به: سیاه.
- چم این واژه در زبان لاتین: کبیف و چرکین.
- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سیاه.

XĀN	خوان (به چم "خوردنی" و سینی یا طبق "مواد خوراکی") فارسی (PERSIAN)
PLATTTER, TRAY, FOOD	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*SWĀD-, *SWĀDONOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
(PER)SUADIR	برتغالی (PORTUGUESE) : اوستایی (AVESTAN)
SUTIS	گوتیک (GOTHIC) : پهلوی (PAHLAVI)
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : (شاید)
SWATAN	کردی (KURDISH) : (XWASTŌ, XWANDRA-
SÚDYTI	بلوچی (BALUCHI) : (XWĀN, XWĀN)
	افغانی (پشتو) (XWĀN, XWĀNDRA-
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1039-1040
BARNHART:	(SUASION) 1082
MACKENZIE:	
(XWĀN) 95, (TABLE)	136
AMINDAROV:	(TRAY) 301
۷۸۳	برهان قاطع:
۱۴۴۹	فرهنگ معین:
SVĀDATE, SUADEĀ, SUADĒRE	санسکریت (SANSKRIT) : (SVĀTTĀ-, SVĀDA-, SVĀDĀYATI)
HADEIN	یونانی (GREEK) : (LAȚIN)
(PER)SUASION	فرانسه (FRENCH) : (LAȚIN)
(PER)SUADIR	اسپانیایی (SPANISH) : (LAȚIN)
(PER)SUADERE	ایتالیایی (ITALIAN) : (LAȚIN)

یادداشت:

- چم این واژه در زبان لاتین و دیگر زبان‌های رومانس: وادار کردن، قبولاندن، مقاعده کردن.
- واژه‌ی "خوانچه" یا "خوانچه" نیز از همین ریشه است.

XĀNDAN	خواندن فارسی (PERSIAN)
READ, SING, CALL	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*SWEN-, *SWON-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
XWANDAN, XVANTAN	اوستایی (AVESTAN) : (XVAN-, XVANAT-)
XÖNUN, XÖNIN	پهلوی (PAHLAVI) : (OSSETIC)

ایرلندی کهن (OLD IRISH)

SENIM, SON

SON برتوئی (BRETON)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1046-1047
BARNHART:	(SOUND) 1034
MACKENZIE:	(CALL) 106
BUCK:	1035-1036
ONIONS:	(SOUND3) 848
SKEAT:	(SOUND3) 583
SHIPLEY:	(SUEN) 395
AMINDAROV:	(READ) 275
۷۸۴	برهان قاطع :

کردی (KURDISH)

افغانی (پشتر) (AFGHANI)

LWEST, SWASTËL

سانسکریت (SANSKRIT)

LĀNIN (LATIN)

FRAНSE (FRENCH)

ASIANIي (SPANISH)

ITALIAN (ITALIAN)

ROMANIAN (ROMANIAN)

PORTUGUESE (PORTUGUESE)

ÆSLNDI كهن (OLD SCANDINAVIAN)

SVANR

ANGLISI كهن (OLD ENGLISH)

SWINSIAN, SWAN

ENGLISH (ENGLISH)

LITERIAN (LITHUANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانی (زبان‌های ناشی از لاتین): صدا.

XĀHAR	خواهر (PERSIAN)
SISTER	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*SWESOR	هند و اووپایی (INDO-EUROPEAN)
SOROR	لاتین (LATIN)
SæUR	فرانسه (FRENCH)
SORELLA	ایتالیا (ITALIAN)
SORA	روماني (ROMANIAN)
SWISTAR	گوتبک (GOTHIC) ÆSLNDI كهن (OLD SCANDINAVIAN)
SYSTIR	
SWESTER	فریزی کهن (OLD FRISIAN) آلسانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
SWESTER	
SCHWESTER	آلمانی (GERMAN)
XVAHAR, XVANHAR	اوستایی (AVESTAN)
XVĀHAR, XAH	پهلوی (PAHLAVI)
XO, XORE	اوستی (OSSETIC)
XOH, XŪHA	کردی (KURDISH)
GVAHĀR, GVĀR	بلوچی (BALUCHI)
KHOR, XOR	افغانی (پشتر) (AFGHANI)
SAR	تخاری A (TOKHARIAN A)
SER	تخاری B (TOKHARIAN B)
SVĀSAR	سانسکریت (SANSKRIT)
K'OIR	ارمنی (ARMENIAN)
ĒOR	یونانی (GREEK)

SESUŌ, SESERS	: (LITHUANIAN)
SWESTRO	: (OLD PRUSSIAN)
SIUR	: (OLD IRISH)
SHWAER	: (WELSH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1051
BARNHART:	(SISTER) 1010-1011
DELAMARRE:	43
MACKENZIE:	(SISTER) 133
BUCK:	107
ONIONS:	(SISTER) 830
SKEAT:	(SISTER) 565
V&F	برهان قاطع :

انگلیسی کهن	: (OLD ENGLISH)
SWEOSTOR	
SISTER	: (ENGLISH)
SOSTER	: (DANISH)
SYSTER	: (SWEDISH)
SOSTER	: (NORWEGIAN)
ZUSTER	: (DUTCH)
	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)
SESTRA	
SIOSTRA	: (POLISH)
SETRÁ	: (RUSSIAN)
SESTRA	: (CZECH)
SESTRA	: (SERBIAN)
SESTRA	: (BOHEMIAN)
SESTRA	: (SLOVAK)

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: دختر

XŪB		خوب	: (PERSIAN)
GOOD		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*SŪ-, *SŪE-, *SU-		هند و اروپایی	: (INDO-EUROPEAN)
ZDRAVY, ZBOZI	: (CZECH)	اوستایی	: (AVESTAN)
ZDRAVÝ	: (SLOVAK)	پارسی باستان	: (OLD PERSIAN)
SU-, SU-DRUS	: (LITHUANIAN)	پهلوی	: (PAHLAVI)
SO-, SU-	: (OLD IRISH)	افغانی (پشتو)	: (AFGHANI)
SU-	: (GAULISH)	XŪB	: (AFGHANI)
HY-	: (WELSH)	SU-, SUVAPUS	: (SANSKRIT)
HE-	: (BRETON)	HU-, EÚS	: (GREEK)
ASSUS	: (HITTITE)	EU-	: (LATIN)
		SŪ-	: (OLD SCANDINAVIAN)
			اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)
		SED-, SEDRAVE	

MACKENZIE:	(GOOD) 116	REFERENCES	پسگشت ها
۸۷۴	برهان قاطع :	POKORNÝ:	1037-1038
		DELAMARRE:	235

بادداشت:

۱- بازگشت به: هو

۲- این واجریشه بیشتر بعنوان پیشوند بکار رفته است.

XOD, XISH, XISHTAN	فارسی (PERSIAN) : خود، خویش، خویشن
SELEF	چنم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*S(W)E-, *SWEDH-, *SUE-, *SEUE-, *SE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
SELF, SELVA:(OLD FRISIAN)	اوستایی (AVESTAN) :
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	HAVA-, XVATŌ, (H)UVA
SELBO, SELB, SIH	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
SELBST, SICH	آلمانی (GERMAN) : XWAT, XVAI
: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	پهلوی (PAHLAVI) :
SELF, SELOF, SYLF	XWAT, XWAD, XWESH-TAN
SELF	انگلیسی (ENGLISH) : XUD-, کردی (KURDISH) :
SELV	دانمارکی (DANISH) : KHOD-, KHUD-، افغانی (پشتون) (AFGHANI) :
SJÄLV	سوئدی (SWEDISH) : SVÁ-، سانسکریت (SANSKRIT) :
SJOL	نروژی (NORWEGIAN) : ارمنی (ARMENIAN) :
ZELF	هلندی (DUTCH) : IUR, IN-KEN, IN-KEAN
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	برونانی (GREEK) : É-, EE-, HOS-
SVOJU	لاتین (LATIN) : SUI-, SU-, SUUS, SĒ-
SAVĒS, SEVĒS	لیتوانی (LITHUANIAN) : SILBA, SWĒS, SIK گوتیک (GOTHIC) :
: (OLD PRUSSIAN) هروسی کهن	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن (OLD SAXON) :
VE-TE	آلبانی (ALBANIAN) : SJĀLFR ساکسونی کهن (OLD SAXON) :
	SELF, SELBO

SKEAT:	REFERENCES	پیشنهاد
(SUICIDE) 614, (SELF) 548	POKORNY: 882-884	
THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE: ۷۸۴ و ۷۸۵	BARNHART: (SELF) 981, (SUICIDE) 1089	
برهان قاطع:	MACKENZIE: (SELF) 132	
	ONIONS: (SUICIDE) 884, (SELF) 807	

بادداشت:

ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را ناشناخته می‌دانند.

XOR, XORSID, HŪR	فارسی (PERSIAN): خور، خورشید، هور
SUN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SĀWEL, *SĀSWOL, *SŪL, *SWEN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (INDO-EUROPEAN)
SUNNA, SŌL	اوستنی (AVESTAN):
SUNNA : (OLD SAXON) ساکونی کهن	XWENG, HVARð, HŪRÓ, HUUARE
: (OLD FRISIAN) فربیزی کهن	XVARSGĒTM XWAR : (PAHLAVI) پهلوی
SUNNE, SONNE	اوستنی (OSSETIC): HOR
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	XEWER, HUR : (KURDISH) کردی
SUNNA	санскریت (SANSKRIT):
SONNE آلمانی : (GERMAN)	SÚRAS, SVAR, SÚVAR, SURYA
: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	AREU : (ARMENIAN) ارمنی
SUNNE, SŌL	بونانی (GREEK): HĒLIOS, ĒÉLIOS
SUN انگلیسی : (ENGLISH)	SŌL : (LATIN) لاتین
SOL دانمارکی : (DANISH)	SOLEIL : (FRENCH) فرانسه
SOL سوئدی : (SWEDISH)	SOL : (SPANISH) اسپانیایی
SOL نروژی : (NORWEGIAN)	SOLE : (ITALIAN) ایتالیایی
ZON هلندی : (DUTCH)	SOARE : (RUMANIAN) رومانی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	SOL : (PORTUGUESE) پرتغالی
SLŪNICE	گُرنیک (GOTHIC):
SLONCE لهستانی : (POLISH)	SUNNO, SAUIL, SUNEL
SLONCE روسی : (RUSSIAN)	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	881
BARNHART:	
	(SUN) 1091, (SOLAR) 1031
DELAMARRE:	(LE SOLEIL) 189
MACKENZIE:	(SUN) 135
BUCK:	54
ONIONS:	(SUN) 885
SKEAT:	
	(SUN) 616, (SLOAR) 579
RAMAT:	43
AMINDAROV:	(SUN) 295
۲۳۸۹ و ۷۸۷	برهان قاطع:

SUNCE	: (SERBIAN) صربی
SLunce	: (BOHEMIAN) بوهمی
SLNCE	: (SLOVAK) اسلواکی
SÁULE	: (LITHUANIAN) لیتوانی
SÁULE	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
SÚIL, SÚL	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
HAUL	: (GAULISH) گالی
HAUL	: (WELSH) ولزی
HAUL, HEOL	: (BRETON) برتونی
HÜL	: (ALBANIAN) آلبانی
PANHUR	: (HITTITE) هتیت

XORDAN	خوردن : (PERSIAN)
EAT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SWEL-, *SWELK-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

SAKSONI کهن	: (OLD SAXON) اوستایی (AVESTAN)
FARSWEL GAN	XWAR, XVARAITI, XWARETHA- پهلوی (PAHLAVI)
:(OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
SWELGAN	XVARTAN, XWARDAN, XWĀRIDAN
SCHWELGEN	XÄRIN, XVÄRUN : (OSSETIC) اوستنی
:(OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
SWILLAN, SWELGAN	XŪRIN, XVĀRIN, XWERIN بلوجی (BALUCHI)
SWILL, SWALLOW	:(ENGLISH)
انگلیسی	XÖRAL
SVELGE	:(DANISH)
دانمارکی	KHWARĒL
SVÄLJA	:(SWEDISH)
سوئدی	XORTIC, XOR
SOLL, SVELGIE	:(NORWEGIAN)
نروژی	:(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
ZWELGEN	:(DUTCH)
هلندی	SOLLR, SVELGA, SVELGR

ONIONS:	(SWALLOW) 891	REFERENCES	پیگشت ها
SKEAT:		POKORNY:	1045
	(SWALLOW) 621, (SWILL) 622	BARNHART:	
AMINDAROV:		(SWALLOW) 1099, (SWILL) 1102	
	(DRINK) 215, (EAT) 216	MACKENZIE:	
۷۸۸	برهان قاطع :	(EAT) 112, (DRINK) 111	
		BUCK:	328 , 331

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی: بزم برها کردن.

چم این واژه در زبان انگلیسی: با حرص و شتاب خوردن، بلعیدن.

XŪK	فارسی (PERSIAN): خوک
SWINE, SOW, PIG, HOG	چم انگلیسی سروواله‌ی فارسی:
*SŪS-, *SUW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SŪ, SWIN	اوستایی (AVESTAN):
SAV, SVHWEIN	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SU, SWIN, SUGU	: (DANISH) دانمارکی
SOW, SWINE, HOG	: (ENGLISH) انگلیسی
SO, SVIN	: (SWEDISH) سوئدی
SUGGA, SO, SVIN	: (NORWEGIAN) نروژی
SUGGA, SVIN	: (DUTCH) هلندی
ZEUG, SWIJN	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
SVINŪ, SVINIJA	: (POLISH) لهستانی
SVINIA	: (RUSSIAN) روسی
SVIN'JA, SVINOI	: (CZECH) چک
SVINĒ	: (SERBIAN) صربی
SVINJA	: (BOHEMIAN) بوهمی
SVINĒ	: (SLOVAK) اسلواکی
SVINA	
	HŪ
	XŪG
	XU, XUI
	XŪ
	HIK, HIX
	KHUK, XUG
	SUWO, SWĀN-: (TOKHARIAN B) B
	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	: (BALUCHI) بلوچی
	: (OSSETIC) اوستنی
	: (KURDISH) کردی
	: (GREEK) یونانی
	: (LATIN) لاتین
	SŪKARÁ, SŪKARI
	HŪS, HÝS, HUĒNÓS
	SŪS, SUIS, SUÍNUS, SUCULA
	SWEIN
	SYR, SVIN
	SUGA, SWĀN-: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1038
BARNHART:	(SOW) 1038, (SWINE) 1102
DELAMARRE:	(PORC, TRUIE) 137
MACKENZIE:	(PIG) 127
BUCK:	160-164
ONIONS:	(SWIWE) 894, (SOW) 849
SKEAT:	(SWINE) 622, (SOW) 584
۷۹۴	برهان قاطع :

KIAULE	: (LITHUANIAN) لیتوانی (لی)
SEWE-	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن (لی)
SOCC, HUKK	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن (لی)
*SUKKO-	: (CELTIC) سلنی (کلنی)
SU-	: (GAULISH) گالی
HOCH, HWCH	: (WELSH) ولزی
HOUC'H, HOCH	: (BRETON) برتونی
THI	: (ALBANIAN) آلبانی

یادداشت:

در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی برای "خوک نر" و "خوک ماده" واژه‌های متفاوت دارند و این واژه با هم در این فهرست داده شده‌اند.

XŪN	خون	: (PERSIAN)
BLOOD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی	
*WES-, *WOS-	هند و اروپایی	: (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1172
BARNHART:	(OOZE) 729
MACKENZIE:	(BLOOD) 104
BUCK:	(BLOOD) 206
ONIONS:	(OOZE) 628
SKEAT:	(OOZE) 412
AMINDAROV:	(BLOOD) 192
۷۹۵	برهان قاطع :
۱۴۶۲	فرهنگ معین :

VOHUNI-, VOHUNA	: (AVESTAN)
XŌN, XŪN	: (PAHLAVI)
KĒN, KWAN	: (KURDISH)
HŌN, HŪN	: (BALUCHI)
VĪNĒ, WINA	: (AFGHANI)
VĀSĀ, VASĀ	: (SANSKRIT)
	: (OLD SCANDINAVIAN)
VĀS, VEISA	
WĀSE	: (OLD FRISIAN)
	: (OLD HIGH GERMAN)
WASAL	
WASEN	: (GERMAN)
WōS	: (OLD ENGLISH)

پادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: چربی.

چم این واژه در زبان انگلیسی کهن: شهد، شی ندار، گل، گل و لای.

چم این واژه در زبان انگلیسی امروز: آهته جاری شدن، (خون) آمدن، گل و لای، خون نیه لخه.

چم این واژه در زبان آلمانی کهن، ایسلندی کهن و فربزی کهن: باران، آب راکد.

چم این واژه در زبان آلمانی امروز: چمن، مرغ.

خوی (به چم "عرق بدن")	فارسی (PERSIAN)
چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*SWEID-, *SWOID, *SWID-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
SWĒT : (OLD FRISIAN) آلمانی کهن	فریزی کهن اوستایی (AVESTAN)
SWEIZ, SWIZZWN : (GERMAN)	آلمانی (OLD HIGH GERMAN) پهلوی (PAHLAVI)
SCHWEISS, SCHWITZEN	
SWĀT : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
SWEAT : (ENGLISH)	انگلیسی
SVED : (DANISH)	دانمارکی
SVETT : (SWEDISH)	سوئدی
SVED : (NORWEGIAN)	نروژی
ZWEET : (DUTCH)	هلندی
SVÍST, SVIDĒT : (LATVIAN)	لتوانی (لتی)
SREOD : (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
CHWYS : (WELSH)	ولزی
DIRSE, DJERSE : (ALBANIAN)	آلбанی
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1043
BARNHART:	(SWEAT) 1101
DELAMARRE:	287
MACKENZIE:	(SWEAT) 135
BUCK:	454-455
XVAĒDHA	: (PAHLAVI)
XWĒY, XVĀI, XWISTAN	
XED	اوستی (OSSETIC)
XŪDAN, XWEYDAN, XŪ, XŌH	کردی (KURDISH)
HED	بلوچی (BALUCHI)
KHWALA	افغانی (پشتر) (AFGHANI)
SVIDYATI,	سانسکریت (SANSKRIT)
SVEDATE, SVEDÁYATI, SVEDA-	
K'IRTN	ارمنی (ARMENIAN)
HIDRÓS, ÍDIO	یونانی (GREEK)
SUDOR, SUDARE, SŪDŌ	لاتین (LATIN)
SUER, SUEUR	فرانسه (FRENCH)
SUDOR, SUDAR	اسپانیایی (SPANISH)
SUDORE, SUDARE	ایتالیایی (ITALIAN)
SUDOARE	رومانی (RUMANIAN)
SUOR, SUAR	برتغالی (PORTUGUESE)
SVEITI	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
SWĒT	ساکسونی کهن (OLD SAXON)

۷۹۷	برهان قاطع:	ONIONS:	(SWEAT) 893
۱۴۶۴	فرهنگ معین:	SKEAT:	(SWEAT) 622
۱۰۱۵۹-۱۰۱۶۰	لخت نامه دخنده:	AMINDAROV:	(SWEAT) 295

یادداشت:

در برخی زبان‌های هند و اروپایی (مثلًاً زبان‌های رومانس و آلمانی) واژه‌های "عرق" و "عرق کردن" با هم فرق دارند ولی در برخی دیگر (مثلًاً انگلیسی) اسم و فعل واژه یکی است.

DĀD	داد (به چم "عدل")	فارسی (PERSIAN):
JUSTICE		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*DHĒ-, *DHĒTU-, *DHĒTIS-, *DHŌ-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	: (AVESTAN) اوستایی
DĒD, DĒDE, DUĀ		DATHAII, DĀTA, DATHA
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
TETA, TĀT, TUON		ADADĀ, DĀTA
TAT, TUN	: (GERMAN) آلمانی	DĀD, DAT
DAD, DŌN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	DĀD, DAD
DEED, DO	: (ENGLISH) انگلیسی	DĀD
DAAD	: (DANISH) دانمارکی	
DĀD	: (SWEDISH) سوئدی	TĀ-, TĀS-, TAS-
DAAD	: (NORWEGIAN) نروژی	TES-
DAAD, DOEN	: (DUTCH) هلندی	DAD HĀTI, DHĀ-
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	: (SANSKRIT) سانسکرت
DĒTŪ, DĒTI		HITAH,-DHITAH, DHĀTUM, DHAMAN
DĒNU, DĒVĀTŪ	: (RUSSIAN) روسی	ED, DNEM
	: (LITHUANIAN) لیتوانی	: (ARMENIAN) ارمنی
DĒTAS, DĒTU, DĒTI		: (GREEK) یونانی
-DITANS	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	THETÓS, THĒTÓN, TITHÉNAI
DEDE	: (GAULISH) گالی	-DITUS,-DIDÍ,-DERE
DA-AISH, DA-AI, DĀI-	: (HITTITE) هفت	: (LATIN) لاتین
		GA-DĒTHS,- DA
		: (GOTHIC) گوتیک
		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
		DĀDH
		DAĀD, DŪAN
		: (OLD SAXON) ساکسونی کهن

	(DEED) 250, (DO) 279-280	REFERENCES	پسگشت ها
SKEAT:		POKORNY:	235-239
	(DEED) 159, (CO) 177	BARNHART:	
AMINDAROV:	(DAD) 41		(DEED) 258, (DO) 292
A·V	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(JUSTICE) 120
		ONIONS:	

باده اشت:

چم آغازین این واژه در بیشتر زبان های این فهرست: فرار دادن، مقرر کردن.
چم این واژه در زبان های ژرمنی: انجام، انجام دادن، عمل.

DĀDAN	فارسی (PERSIAN) : دادن
GIVE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*DŌ-, *DŌU-, *DIDŌMI, *DŌTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DAT', DHRPE, DATŪ : (RUSSIAN) روسي	اوستایی (AVESTAN) :
DÁT چک (CZECH)	DADAITI, DADHAMÍ, DĀ-
DATI صربی (SERBIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
DÁTI بوهمی (BOHEMIAN)	پهلوی (PAHLAVI) :
DAT اسلواکی (SLOVAK)	DĀDAN, DAHISHN, DĀTAN
DÚOMI, DUOTI لیتوانی (LITHUANIAN)	اوستی (OSSETIC) :
DUOT لتونی (لتی) (LATVIAN)	DAN, DAIN کردی (KURDISH) :
DO-BIUR ایرلندی کهن (OLD IRISH)	DĒAG, DEĀGH بلوجی (BALUCHI) :
DĀ- آلبانی (ALBANIAN)	DÁDĀTI, DĀ- سانسکریت (SANSKRIT) :
DĀ- هفت (HITTITE)	TAM ارمنی (ARMENIAN) :
REFERENCES پسگشت ها	
POKORNY: 223-226	DIDOMI, DIDÓNAI یونانی (GREEK) :
BARNHART: (DATE) 252	DŌ, DEDET, DARE لاتین (LATIN) :
DELAMARRE: (DONNER) 252	DONNER فرانسه (FRENCH) :
MACKENZIE: (GIVE, GIVING) 116	DAR اسپانیایی (SPANISH) :
BUCK: 749	DARE, DONARE ایتالیایی (ITALIAN) :
SKEAT: (DATE) 155, (DONATION) 179	DA رومانی (RUMANIAN) :
A·V برهان قاطع:	DAR پرتغالی (PORTUGUESE) :
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :
	DAMI, DATI
	DAC لهستانی (POLISH) :

DĀR, DORŪD	دار، درود (به چم "درخت"، "چوب")	فارسی (PERSIAN)
TREE, WOOD	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*DERU-, *DŌRU-, *DREU-, *DRŪ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
DRZEWO	: (POLISH) لهستانی	اوستایی (AVESTAN)
DEREVO	: (RUSSIAN) روسی	پهلوی (PAHLAVI)
DREVO	: (CZECH) چک	کردی (KURDISH)
DRVО	: (SERBIAN) صربی	بلوچی (BALUCHI)
DREVO	: (BOHEMIAN) بومی	تخاری (TOKHARIAN B)
DREVO	: (SLOVAK) اسلواکی	санسکریت (SANSKRIT)
DERVA	: (LITHUANIAN) لیتوانی	ارمنی (ARMENIAN)
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	
DAUR, DARAG		TRAM, DAR(ASTAN)
DERWEN	: (WELSH) ولزی	برونانی (GREEK)
DRU	: (ALBANIAN) آلبانی	DRYS, DÓRU, DOŪRA
TARU	: (HITTITE) هتب	گوینک (GOTHIC)
REFERENCES	پسگشت ها	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
POKORNÝ:	214	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BARNHART:	(TREE) 1164	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
DELAMARRE:	(ARBRE, BOIS) 168	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
MACKENZIE:	(WOOD) 140	TRĒO, TRĒOW
BUCK:	48-50	TREE : (ENGLISH)
ONIONS:	(TREE) 939	TRA : (DANISH)
SKEAT:	(TREE) 662	TRÄD, TRÄ : (SWEDISH)
۸۰۹	برهان قاطع :	TRE : (NORWEGIAN)
		اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
		DRĒVO, DRŪVA

یادداشت:

- ۱- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی این واژه هم به چم "درخت" و هم به چم "چوب" بکار می‌رفته.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و گالی: درخت بلوط.
- ۳- چم واژه‌ی TRAM در زبان ارمنی: محکم.

DĀS, DĀSÉ	پسگشت‌ها	فارسی (PERSIAN) : داس، داسه
SICKLE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*D̥ə-, *DĀI-, *DI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES		
POKORNY:	175	DĀS : پهلوی (PAHLAVI)
MACKENZIE:	(SISKLE) 132	سانسکریت (SANSKRIT) :
BUCK:	507	DĀTRAM, (DĀTRA, OATI, DAYATI) : اسپانیایی (SPANISH) (شاید)
۸۱۴ و ۸۱۳	برهان قاطع :	DALLE : لیتوانی (LITHUANIAN) (شاید)
		DALGIS : لترنی (LATVIAN) (شاید)
		DOALGIS : لترنی (LATVIAN) (شاید)

DĀSHTAN	پسگشت‌ها	فارسی (PERSIAN) : داشتن
HAVE, HOLD		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*DHER-, *DHER̥-, *DHR-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

TARNI, TARNEN		DAR-, DĀRAYEITI : (AVESTAN) اوستایی (AVESTAN)
DARIAN : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
FIRM : (ENGLISH)	انگلیسی (از لاتین)	DAR-, DĀRĀYAMIY
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	DĀSHTAN : پهلوی (PAHLAVI)
DRUZHATI		DARIN, DARUN : (OSSETIC) اوستی (OSSETIC)
DRZHET	چک (CZECH)	DĀR : کردی (KURDISH)
DRZHAT	سلواکی (SLOVAK)	DĀRAGH, DĀRAG : (BALUCHI) بلوجی (BALUCHI)
DERIŪ, DERĒTI : (LITHUANIAN)	لیتوانی	سانسکریت (SANSKRIT) :
DERU, DERĒT : (LATVIAN)	لتونی (لتی)	DHAR- DHĀRĀYATI
DRYD	ولزی (WELSH)	DADAR : ارمنی (ARMENIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	252-254
BARNHART:	(FIRM) 384
MACKENZIE:	
	(HOLD) 118, (HAVE) 117
۸۱۵	برهان قاطع :

FIRMUS	لاتین (LATIN) :
FERME	فرانسه (FRENCH) :
FIRME	اسپانیایی (SPANISH) :
FERMO	ایتالیایی (ITALIAN) :
FERM	رومانی (RUMANIAN) :
FIRME	برتغالی (PORTUGUESE) :
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: نشتن، خود را شن نگهداشتن.

چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتوانی: اجیر کردن.

چم این واژه در زبان ولزی: صرفه جو.

چم این واژه در زبان‌های رومانس: محکم.

DĀGH	فارسی (PERSIAN) : داغ
HOT, BRAND	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*DHEGWH-, *DHEGWHO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
: (LITHUANIAN) لیتوانی	اوستایی (AVESTAN)
DĒGU, DĒGTI, DIGTAS, DAHĀ	پهلوی (PAHLAVI)
: (LATVIAN) لتوانی (لتی)	کردی (KURDISH)
DAGLAS, DAGLIS	DĀGH, DAX, DAXKIRIN
DAGIS : (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن	بلوچی (BALUCHI)
: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	افغانی (پشتون) (AFGHANI)
DED-ÓL, DAIG	تخاری A (TOKHARIAN A)
DEFIO : (WELSH) ولزی	تخاری B (TOKHARIAN B)
DJEK : (ALBANIAN) آلبانی	санسکریت (SANSKRIT)
REFERENCES	بسگشت ها
POKORNÝ:	240-241
DELAMARRE:	(BRÜLER) 253
AMINDAROV:	(BRAND) 193
۸۱۰	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان روسی: قیر.

چم این واژه در زبان گوتیک: روز.

۲- واژه‌ی انگلیسی DAY و آلمانی TAG (هر ذو به چم "روز") نیز از همین واجریشه‌اند.

DĀM	دام (به چم "جانور اهلی") فارسی (PERSIAN) :
TAME (ANIMAL), LIVESTOCK	چم انگلیبسی سروازه‌ی فارسی:
*DOM^θ-, *DEMH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
TAME	انگلیبسی (ENGLISH) : آوستایی (AVESTAN)
TAM	دانمارکی (DANISH) : پهلوی (PAHLAVI)
TAM	سوئدی (SWEDISH) : اوستی (OSSETIC)
TAM	نروژی (NORWEGIAN) : سانسکریت (SANSKRIT)
TAM	هلندی (DUTCH) : DAMYÁTI, DHĀMAN, DAM , DAMYA-
DAMNAID	ایرلندی کهن (OLD IRISH) : یونانی (GREEK)
GODDEF, ADDEF	ولزی (WELSH) : DAMĀN, DAMNĀNAI, ANĀTHĒMA
ANSAU, DANVAT	برتونی (BRETON) : لاتین (LATIN)
DAMASZI	هیتی (HITTITE) : DOMĀRE, DOMITĀR, DOMŌ
REFERENCES	
POKORNÝ:	پسگشت‌ها 199-200
BARNHART:	(TAME) 1113
MACKENZIE:	(ANIMAL, IAME) 102
ONIONS:	(TAME) 901
SKEAT:	(TAME) 628
MALLORY & ADAMS:	DEM ^θ -
AIV	برهان قاطع :

یادداشت:
چم این واژه در زبان ولزی: تاب آوردن.

DĀMĀD	داماد (PERSIAN) فارسی :
BRIDEGROOM, GROOM	چم انگلیبسی سروازه‌ی فارسی:
*GEM-, *GÉMEROS, *GÉMETÉR	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
JĀMĀTAR	سانسکریت (SANSKRIT) : آوستایی (AVESTAN)
GAM, GAMEŌ	یونانی (GREEK) : پهلوی (PAHLAVI)
GENER	لاتین (LATIN) : کردی (KURDISH)
GENORE	فرانسه (FRENCH) : بلوجی (BALUCHI)
YERNO	اسپانیایی (SPANISH) : افغانی (پشتو) (AFGHANI)

MACKENZIE:	REFERENCES	پسگشت‌ها
(BRIDEGROOM) 105	POKORNÝ: 369-370	
۸۱۷ برهان قاطع :	DELAMARRE: (GENDRE) 39	

DĀNESTAN	فارسی (PERSIAN)	: دانستن
KNOW	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*GEN-, *GEN _θ -, *GNŌ-, *GNOTI-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی
KAN, KUNNA: (OLD FRISIAN) فریزی کهن :(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن		: (AVESTAN) اوستایی
KAN, KUNNA	ZAN-, ZĀNATĀ-, ZANĀT	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
KAN, KÖNNEN آلمانی (GERMAN)	ADĀNĀ, DAN-	: (PAHLAVI)
CUNNAN آنگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	DĀNASTAN, DĀNISTAN	: (OSSETIC)
CAN انگلیسی (ENGLISH)	ZĀNIN, ZĀNUN, ZĀNUM	: (KURDISH)
KANDE, KAN دانمارکی (DANISH)	ZĀNIN	: (BALUCHI)
KAN سوئدی (SWEDISH)	ZANAG, ZANAGH	: (AFGHANI) بلوجی
KUNNE نروژی (NORWEGIAN)		: تخاری A
KUNNEN, KAN هلندی (DUTCH) اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)		: تخاری B
ZNATI	PĒZHANAN, -ZANI	: (SANSKRIT)
ZHINÓTI لیتوانی (LITHUANIAN)	KNAID, KNĀ	: (TOKHARIAN A)
ZINÁT لتونی (LATVIAN)	KNĀ	: (TOKHARIAN B)
ابرلندی کهن (OLD IRISH)		: (ARMENIAN)
.GNINIM, .GNINAIM	JANDMI, JANIMAS	: (ARMENIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ: 376-377	
BARNHART: (CAN 138)	
DELAMARRE: (CONNATIRE) 257	
MACKENZIE: (KNOW) 121	
BUCK: (CAN) 646-648	
۸۱۹ برهان قاطع :	

CANEAY, KIDNAL, DZANOT	لاتین (LATIN)
NŌSCERE	
KANN, KUNNAN	: (GOTHIC)
	: (OLD SCANDINAVIAN)
KAN, KUNNA	
	: (OLD SAXON)
CAN, CUNNAN	

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "دانه" نیز از همین واژه‌ی است.
- ۲- بازگشت به: شناختن.

DĀNÉ		دانه	فارسی (PERSIAN)	
SEED, GRAIN		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:		
*DHĒ-, *DHĒI-, *DHŌNA-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)		
DUŌNA	: (LATVIAN)	DANŌ, DĀNA	: (AVESTAN)	
REFERENCES			اوستایی (PAHLAVI)	
POKORNÝ:	242	پهلوی		
MACKENZIE:	(SEED) 132	DĀNAK, DĀN, DĀNAG		
BUCK:	515	DĀNÉ, DĀNEKI	: (KURDISH)	
MALLORY & ADAMS:	DHOH NEH	DAN, DANAG	: (BALUCHI)	
۸۲۰	برهان قاطع:	DĀNE	: (AFGHANI)	
			санسکریت (SANSKRIT)	
			DHANÁS, DHĀNAH, DHĀNYĀ	
			DÚONA	
			: (LITHUANIAN)	

DĀNIDAN	دانیدن (به چم غلطاندن؛ جاری شدن)	فارسی (PERSIAN)
ROLL, FLOW		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*DHEN-, *DHON-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)		: (OLD PERSIAN)
DOGG		پارسی باستان (OLD PERSIAN)
ساکسونی کهن (OLD SAXON) (شاید)		DANUVATIY
DOU	ساقی کهن (OLD FRISIAN) (شاید)	تخاری A : (TOKHARIAN A) A
DĀW	فریزی کهن (OLD FRISIAN) (شاید)	تخاری B : (TOKHARIAN B) B
	آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN) (شاید)	سانسکریت (SANSKRIT)
TOU, TOUWES		DHĀVATI, DHĀVATIY
آلانی (GERMAN) (شاید)		DHANAYTI, DHĀNUTAR, DHAUTIS
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) (شاید)		يونانی (GREEK) (شاید)
DEU, DĒAW		لاتین (LATIN)
انگلیسی (ENGLISH) (شاید)		فرانسه (FRENCH)
DEW	دانمارکی (DANISH) (شاید)	اسپانیایی (SPANISH)
DUG	سوئدی (SWEDISH) (شاید)	ایتالیایی (ITALIAN)
DAGG	هلندی (DUTCH) (شاید)	رومانی (RUMANIAN)
DAUW		پرتغالی (PORTUGUESE)

SKEAT:	REFERENCES	پسگشت ها
(DHEU) 753, (DEW) 167	POKORNY:	249
MALLORY & ADAMS 1.٤٢١	DHEN	BARNHART: (FOUNTAIN) 404, (DEW) 273
	لخت نامه دخدا:	ONIONS: (DEW) 263

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین و زبان های ناشی از آن (زبان های رومانس): فواره، چشم.

چم این واژه در زبان های ژرمنی: ڈاله، شبنم.

DĀYÉ	فارسی (PERSIAN): دایه
WET NURSE, NANNY	چم انگلیسی سرو واژه هی فارسی:
*DHĒ-, *DHĒNĀ, *DHEDHN-, *DHĒLU-, *DHEI-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

DOJITI	اوستایی (AVESTAN)
DENAID	: (LITHUANIAN) پلتوانی
DEJU	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
DADAN	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
DYNU	: (WELSH) ولزی
DENAFF	: (BRETON) برتونی
DJATHĒ	: (ALBANIAN) آلبانی
DAENO-, DAĒNU-	: (PAHLAVI) پهلوی
DĀYAK, DĀYAG	: (OSSETIC) اوستی
DĀIN, DĀYUN	: (KURDISH) کردی
DĀIN, DĀYE, DĀĒ	: (BALUCHI) بلوچی
DĀI	: (AFGHANI) افغانی (پشتر)
DĀYI	: (SANSKRIT) سانسکریت
DHA- DHĀTRĪ	: (ARMENIAN) ارمنی
DAYEAK	: (GREEK) یونانی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	241-242
MACKENZIE:	TIGĒNĒ, GĒLŌ, GĒLAMON
(NURSE, WET NURSE) 125	لاتین (LATIN)
SKEAT:	FĒLŌ, FĒLARE
753	D?GGJA
۸۲۲	DIE
برهان قاطع:	: (NORWEGIAN) نروژی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاماوی کهن

یادداشت:

چم واژریشه هی هند و اروپایی این واژه: مکبدن، شیردادن.

چم این واژه در اوستایی: ماده، مادینه.

چم این واژه در زبان های لپتوانی و پروس کهن و ولزی و برتونی و سانسکریت و لاتین و گوتیک و نروژی و

اسلاوی کهن: شیردادن.

چم این واژه در زبان آلبانی: شیرترش.

DOXT, DOXTAR	فارسی (PERSIAN) :	دخت، دختر	
DAUGHTER	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:		
*DAUG(H)TER, *DHUGHTER	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی	
DATTER	: (DANISH)	دانمارکی اوستایی (AVESTAN)	
DOTTER	: (SWEDISH)	سوئدی	
DATTER	: (NORWEGIAN)	نروژی پهلوی (PAHLAVI)	
DOCHTER	: (DUTCH)	هلندی کردی (KURDISH)	
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن تخاری A (TOKHARIAN A)	
DŪSHTI, DŪSHTERE		TKĀCAR : (TOKHARIAN B) B	
DZIWCZYNA	: (POLISH)	لهستانی سانسکریت (SANSKRIT)	
DOCH, DŌCHERI	: (RUSSIAN)	روسی DUHITĀRAM, DUHITA	
DCERA, DĒVČE	: (CZECH)	چک ارمنی (ARMENIAN)	
	: (LITHUANIAN)	لیتوانی (GREEK) یونانی	
DECĒRA, DIEVCHA		THYGĀTĒR, THYGATĒRA	
DUKTĒ	: (LATVIAN)	لتوانی (لتی) گوتیک (GOTHIC)	
		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	
REFERENCES	سگشت‌ها		
POKORNÝ:	277	DŌTTIR	نورس کهن (OLD NORSE)
BARNHART:	(DAUGHTER) 252	DOHTA	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
DELAMARRE:	(FILLE) 38	DOCHTER	فریزی کهن (OLD FRISIAN) آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
MACKENZIE:	(DAUGHTER) 109	TOHTER	آلمانی (GERMAN)
BUCK:	105-106	TOCHTER	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
ONIONS:	(DAUGHTER) 245	DOHTOR	
SKEAT:	(DAUGHTER) 155	DAUGHTER	انگلیسی (ENGLISH)
۸۲۶	برهان قاطع :		

DAXSH, DASHT	فارسی (PERSIAN) : دخش، دشت (به چم "تکلیف"، "شغل"، "آغاز کار"، "معامله‌ی اول")
JOB, TRANSACTION, MARK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*DEK-, *DEKOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : هند و اروپایی
DISCŌ, DISCĒRE, DOCEŌ, DOCĒRE	اوستایی (AVESTAN) :
DECH	ایرلندی کهن (OLD-IRISH) : DASEM, DAXSH-, DĀSHTA-, DAXSHTA
NDIEH, NDESH	آلانی (ALBANIAN) : پهلوی (PAHLAVI)
DAXSHAK, DAXSHAG	
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	189-190
MACKENZIE:	
(CHARACTERISTIC) 106, (MARK) 123	
۸۲۷	برهان قاطع :
۱۴۹۸	فرهنگ معین :
۱۰۴۹۵	لخت نامه دهخدا:
TĀK	تخاری (TOKHARIAN A) A : ختنی (KHOOTANESE)
	مانکریت (SANSKRIT) :
	DASASYĀTI, DASĀ, DĀSNOTI, DĀSHTI
ՃNCA, TESANEM	ارمنی (ARMENIAN) :
DECHOMAI	يونانی (GREEK) :
	لاتین (LATIN) :

یادداشت:

چم این و اجریشه در زبان مانکریت: وضع، سرنوشت.

چم این و اجریشه در زبان لاتین: آموختن، آموزاندن.

چم این و اجریشه در زبان ایرلندی کهن: بهترین.

چم این و اجریشه در زبان آلانی: برخورد کردن، ملاقات کردن.

چم این و اجریشه در زبان یونانی: پذیرفت.

DAR, DARVĀZE	فارسی (PERSIAN) : در، دروازه
DOOR, GATE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*DHWOR-, *DHUR-, *DHWER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DARN, DAR	اوستایی (AVESTAN) : پهلوی (PAHLAVI)
DVAR	اوستایی (OSSETIC) : دوار
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :

DEUR	: (DUTCH) هولندی	DER, DERI, BAR : (KURDISH) کردي
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامي کهن	: (AFGHANI) افغانی (پشتون)
DVIRI		VAR, DARA, DĒRWĀZA
DRZWI	: (POLISH) لهستانی	DVĀRAS : (SANSKRIT) سانسکریت
DVER	: (RUSSIAN) روسی	DÚRAS, DVĀRĀU, DVAR, DURÁS
DVERE	: (CZECH) چک	DURN : (ARMENIAN) ارمنی
DVERE	: (BOHEMIAN) بوهمی	THÝRĀ, THÚRĀ : (GREEK) یونانی
DVERE	: (SLOVAK) اسلواکی	FORĒS, FORIS, PORTA : (LATIN) لاتین
DŪRYS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	PORTE : (FRENCH) فرانسه
DURIS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	PUERTA : (SPANISH) اسپانیا
DORUS	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	PORTA : (ITALIAN) ایتالیا
DOR, DRWS, PORTH	: (WELSH) ولزی	POARTA : (RUMANIAN) رومانی
DOR	: (BRETON) برتونی	PORTA : (PORTUGUESE) پرتغالی
DERE	: (ALBANIAN) آلبانی	DAUR, TOR : (GOTHIC) گوتیک
		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پگشتهای
POKORNÝ:	278
BARNHART:	(DOOR) 296
DELAMARRE:	(PORTE) 60
MACKENZIE:	(DOOR) 111
BUCK:	465-467
ONIONS:	(DOOR) 284
SKEAT:	(DOOR) 176
AMINDAROV:	(DOOR) 214
۸۲۸	برهان قاطع :

DYRR	
DOR	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
TOR	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
TOR, TÜR	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
DOR, DŪRU	
DOOR	: (ENGLISH) انگلیسی
DOR	: (DANISH) دانمارکی
DÖR	: (SWEDISH) سوئدی
DOR	: (NORWEGIAN) نروژی

DERĀZ, DRRĀZ	فارسی (PERSIAN) : دراز
LONG	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی :
*DELEGH-, *DIGHO.	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DLLOUHY , DLHO, DLHÝ	اوستایی (AVESTAN) :
ILGAG	لیترانی (LITHUANIAN) : پارسی باستان (OLD PERSIAN)
ILGS	لتونی (LATVIAN) : پهلوی (PAHLAVI)
ILGA,ILGI	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN) : اوستی (OSSETIC)
DALA, DALY	ولزی (WELSH) : کردی (KURDISH)
DALCH, DERCH'HEL	برتونی (BRETON) : بلوچی (BALUCHI)
GLATË	آلбанی (ALBANIAN) : افغانی (پشتون) (AFGHANI)
TALUGAES,	هتبت (HITTITE) : سانسکریت (SANSKRIT)
DALUGAES, DALUKI	بونانی (GREEK) : لاتین (LATIN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	197
DELAMARRE:	(LONG) 221
MACKENZIE:	(LONG) 122
BUCK:	882-883
MROLLORY & ADAMS:	DIHGHS
DIHGHSADAMS;	DLÜHÝ
۸۲۹	برهان قاطع :
TULGE	گوتیک (GOTHIC) : اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
DLÜGÜ	لهستانی (POLISH) : دلیج (DOLGIJ)
DLUGI	روسی (RUSSIAN) : چک (CZECH)
DÜG	صربی (SERBIAN) : بوهمی (BOHEMIAN)

یادداشت:

۱- بازگشت به: دراز، درنگ.

۲- چم این واژه در زبان گوتیک: دراز مدت، پایا، محکم

DERAZĀ, DARAZĀ	فارسی (PERSIAN) : درازا
LENGTH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی :
DELEGH- *DIGHO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
SANSKRIT (SANSKRIT)	اوستایی (AVESTAN) :
DRÄGIHMÁN, DRÄGHMÁN, DIRGATÁ	پهلوی (PAHLAVI) :

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	197
DELAMARRE:	(LONGUEUR) 200
MACKENZIE:	(LENGTH) 121
BUCK:	882-883
۸۲۹	برهان قاطع:

اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)

DLŪGOTA

لهستانی : (POLISH)

DLINA

روسی : (RUSSIAN)

DÉLKA

چک : (CZECH)

DÜJH

صربی : (SERBIAN)

DIZHKA

اسلواکی : (SLOVAK)

DALUGASTIC

هیبت : (HITTITE)

بادداشت:

بازگشت به: دراز، درنگ

DARD	فارسی : (PERSIAN)
PAIN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
DER-, DRĒ-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	207
MACKENZIE:	(PAIN) 126
AMINDAROV	44
۸۳۴	برهان قاطع:

پهلوی : (PAHLAVI)

کردی : (KURDISH)

بلوچی : (BALUCHI)

افغانی (پشتو) : (AFGHANI)

تخاری : (TOKHARIAN A) A

بادداشت:

بازگشت به: درین

DARZ, DARZMĀN	فارسی : (PERSIAN)
SLIT, CLEAVAGE, SEAM	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DHEREGH-, *DHRGHNA-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
CARKA	: (TOKHARIAN B) B
DARH-	санسکریت : (SANSKRIT)
DEJAK, DERJAN	ارمنی : (ARMENIAN)
DRETH	آلбанی : (ALBANIAN)
TARNAHI	هیبت : (HITTITE)
DEREZA, DAREZ-	اوستایی : (AVESTAN)
DARZ	پهلوی : (PAHLAVI)
DARES	اوستی : (OSSETIC)
DEZI	کردی : (KURDISH)
TÄRNÄ, TÄRK, CÄRK	تخاری : (TOKHARIAN A) A

MACKENZIE:	(SEAM) 131	REFERENCES	پگشتهای
۸۳۵	برهان قاطع:	POKORNY: .	258

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: محکم گردن

چم این واژه در ارمنی: خیاط، ریسمان

چم این واژه در اوستی: جامه

چم این واژه در زبانهای تخاری: اجازه دادن، رخصت دادن.

چم این واژه در گردی: ریسمان

۲- در زبان پهلوی واژه DARZIG به چم «خیاط» بکار می‌رفته است.

DOROST	فارسی (PERSIAN) :	درست
RIGHT, WELL, CORRECT	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*DREU-, *DRU, *DREW ^ð -	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
GETROUW	: (DUTCH)	اوستایی (AVESTAN)
DRŪTAS	: (LITHUANIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
DRUWIS	: (OLD PRUSSIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
DERB	: (OLD IRISH)	کردی (KURDISH)
REFERENCES	پگشتهای	سانسکریت (SANSKRIT)
POKORNY:	214-216	گریگ (GOTHIC)
BARNHART:	(TRUE) 1171-1172	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
MACKENZIE:		فریزی کهن (OLD FRISIAN)
	(RIGHT) 1, (WELL) 140	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ONIONS:	(TRUE) 946	آلمانی (GERMAN)
SKEAT:	(TRUE) 669	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
AMINDAROV:		انگلیسی (ENGLISH)
	(CORRECT) 205, (RIGHT) 279	دانمارکی (DANISH)
۸۳۶	برهان قاطع:	سوئندی (SWEDISH)
		نروژی (NORWEGIAN)

پادداشت:

- ۱- بازگشت به: دار، درشت
 ۲- چم این واژه در زبان لیتوانی: قوی
 ۳- چم این واژه در زبان های ژرمونی: باوفا، راستین، راست

DOROSHT	فارسی (PERSIAN) :	درشت
ROUGH, HARSH, LARGE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
ĀDRU-, *DREV-, *DREWð-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	(OLD PERSIAN) پارسی باستان

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNÝ:	216
MACKENZIE:	
(HARSH) 117, (ROUGH) 131	
۸۳۷	برهان قاطع:

*DRUSHTA	
DURUSHT, DRUSHT :	(PAHLAVI) بهلوی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
TROS	
TRUS	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
TRYSJJA	: (NORWEGIAN) نروژی

پادداشت:

بازگشت به: دار، درست

DERANG, DERANGIDAN	فارسی (PERSIAN) :	درنگ، درنگیدن
DELAY, PAUSE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*(D)LONGHO-, *DELEGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
LARGO	: (SPANISH) اسپانیایی	ADAREGHŌ اوستایی (AVESTAN)
LUNGO	: (ITALIAN) ایتالیایی	DIRANG, DĒRANG, DRANG بهلوی (PAHLAVI)
LUNG	: (RUMANIAN) رومانی	DERENG کردی (KURDISH)
LONGO	: (PORTUGUESE) پرتغالی	LONGUS, LONGA لاتین (LATIN)
LAGGRS	: (GOTHIC) گریک	LONG فرانسه (FRENCH)

LONGO- گالی (GAULISH) : ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES		پسگشت ها
POKORNÝ:	197	
BARNHART:		
	(LONG) 608, (LINGER) 599	
MACKENZIE:	(DURATION) 112	
BUCK:	882-883	
ONIONS:	(LONG) 536	
SKEAT:		
	(LONG) 347, (LINGER) 342	
MALLOR & ADAMS:	DLONGHOS	
۸۴۱	برهان قاطع :	

LANGR, LENGJA

LANG ساکسونی کهن (OLD SAXON) : فریزی کهن (OLD FRISIAN)

LANG, LENDZA

LANG, **LENGA** آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

LANG, LENGAN

LANG آلمانی (GERMAN) : انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

LONG, LINGAN

LONG, LINGER انگلیسی (ENGLISH) :

LANG دانمارکی (DANISH) :

LÄNG سوئدی (SWEDISH) :

LANG نروژی (NORWEGIAN) :

LANG, LENGEN هلندی (DUTCH) :

LONG ایرلندی کهن (OLD IRISH) :

یادداشت:

۱- واجریشه‌ی هند و اروپایی این ریشه در اصل همان واجریشه‌ای است که واژه «دراز» از آن ناشی شده است.

۲- بازگشت به: دراز

۳- چم این واژه در زبانهای اوستایی و پهلوی: طولانی، پایدار.

۴- چم این واژه در زبانهای رومانس (ناشی از لاتین) و ژرمونی: دراز، طولانی

DERŌ, DORUDAN, DERAVIDAN	فارسی (PERSIAN) : درو، درودن، درویدن
REAP, HARVEST	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی :
*DER-, *DERU-, *DEDRU-, *DRUĀ-, *DRWA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
لیتوانی (LITHUANIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
DERU, DRLJIM, DRLJITI	کردي (KURDISH)
TSRORYE	تخاري (TOKHARIAN A) A
REFERENCES	санскربت (SANSKRIT)
POKORNÝ:	208
BARNHART:	(TARE) 1116
MACKENZIE:	(REAP) 129
BUCK:	507
۸۴۱	برهان قاطع :
۱۰۶۹۵ و ۱۰۶۸۲	لفت نامه دمخدا :
DĀ-, DATI, DYATI	يوناني (GREEK)
DERŌ, DĒRHIS	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
DERŌ, DJRA	
DERNŪ	rossi (RYSSIAN)
DRU	چک (CZECH)
ZĀDRĒM	صربي (SERBIAN)

یادداشت:

۱- این واژه با واژه‌ی "دریدن" همراه است. بازگشت به: دریدن.

۲- چم بیشتر واژه‌های غیر ایرانی این فهرست: بریدن، تراشیدن.

DORŪGH	فارسی (PERSIAN) : دروغ
LIE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی :
*DHREUGH-, *DHROUGH-, *DHRUGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DARŌG, DRŌG, DRŌGH	اوستایی (AVESTAN) :
افغانی (پشتو) (AFGHANI)	
DARŌGH, DARWĀGH	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
санскربت (SANSKRIT)	
DRŪHYATI, DROGHAS, DRUH-	پهلوی (PAHLAVI)
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	
DRAUGR	کردي (KURDISH)
SAKSONI کهن (OLD SAXON)	بلوچی (BALUCHI)

<u>REFERENCES</u>	<u>پسکشت ما</u>
POKORNY:	276
BARNHART:	(DREAM) 300
MACKENZIE:	(LIE) 121
DELAMARRE:	(MAIN) 100
BUCK:	1169-1171
MALLORY & ADAMS:	DHROUGHOS
AFF-AFF	برهان قاطع:

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

TRIOGAN

آلمانی (GERMAN)

ارمنی (ARMENIAN)

ایرلندی کهن (OLD IRISH)

ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH)

AURDDRACH

بادداشت:

- ۱- به احتمال زیاد واژه‌ی انگلیسی DREAM (انگلیسی کهن: DRĒAM) نیز از همین واجریشه است.
- ۲- چم این واژه در زبان ایرلندی میانه: شبح.
چم این واژه در زبان آلمانی: گول زدن، گمراه کردن.

DARYĀ	فارسی (PERSIAN) : دریا
SEA	چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*GLEI-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

санскریت (SANSKRIT)

JRĀYATI, JRĀYAS

DZOV ارمنی (ARMENIAN) : (شابد)

ZRAYAH, ZRĒH- : (AVESTAN)

پارسی باستان (OLD PERSIAN)

DRAYAHĀB, ZRĒH

: (PAHLAVI)

ZRAY, DRAYĀB, ZRĒH

کردی (KURDISH)

: (BALUCHI)

ZIRIH, ZIRĀ

افغانی (بشنتر) (AFGHANI)

DARYAB, -DARGAY

<u>REFERENCES</u>	<u>پسکشت ما</u>
POKORNY:	401
MACKENZIE:	(SEA) 131
BUCK:	36-37
AFF	برهان قاطع:

DARIDAN	فارسی (PERSIAN) : دریدن
TEAR, RIP	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DER-, *DRĒ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
اسلاوی کهن (:OLD CHURCH SLAVIC)	اوستایی (:AVESTAN)
DIRATI, DERO	پهلوی (:PAHLAVI)
DRZEC	لهستانی (:POLISH) روسی (:RUSSIAN)
DRAT, DRATE, DIRAT	DARITAN, DARRIDAN
DÍRA	چک (:CZECH)
DRATI	بوهمی (:BOHEMIAN)
DIERA	اسلواکی (:SLOVAK)
DIRTI	لیتوانی (:LITHUANIAN)
NUÓDARAS	لیتونی (لتی) (:LETTIC)
DAR-, DRNĀTI, DĀRSHI, DŪRAYA	DIRAG, DIRAGH, DIRRAG
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	206
BARNHART:	(TEAR) 1119
DELAMARRE:	(ÉCORCHER) 251
MACKENZIE:	(TEAR) 136
BUCK:	565-567
ONIONS:	(TEAR) 906
SKEAT:	(TEAR) 633
۸۴۸	برهان قاطع :
DEREIN	یونانی (:GREEK)
-TAIRAN, -TAURNAN	گوتیک (:GOTIC)
TaRA (:OLD SCANDINAVIAN)	ابسلندي کهن
TERIAN (:OLD SAXON)	ساکسونی کهن
TERIAN (:OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
ZERAN	آلمانی (:GERMAN)
ZEHREN, ZERREN	انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)
TERAN	انگلیسی (:ENGLISH)
TEREN	هلندی (:DUTCH)

یادداشت:

در برخی از زبان‌های هند و اروپایی این واژه این چم‌ها را هم دارد: پوست کندن (از حیوان).

DEJH, DEZ	فارسی (PERSIAN) : دز، دز
FORTRESS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DHEIGH-, *DHIGHIOS-, *DHOIGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
DIDĀ . (:OLD PERSIAN)	اوستایی (:AVESTAN)

DEG	: (SWEDISH) سوئندی	DIZ	: (PAHLAVI) پهلوی
DEIG	: (NOREGLIAN) نروژی	FECHO	: (OSSETIC) اوستی
DEEG	: (DUTCH) هلندی	TSEKE	: (TOKHARIAN A) تخاری A :(SANSKRIT) سانسکریت
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن		
ZĪDŪ, DĒZA		DIH-, DEHI-, DIHMI, DĒHA	
	: (LITHUANIAN) لیتوانی	DĒZ	: (ARMENIAN) ارمنی
DYJHTI, DIEZHTI		TEIKHOS, TOIKHOS	: (GREEK) یونانی
DIDĀ	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	FIG-	: (LATIN) لاتین
			: (GOTIC) گوتیک

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	244
BARNHART:	(DOUGH) 297
MACKENZIE:	(FORTRESS) 115
BUCK:	472
ONIONS:	(DOUGH) 286
SKEAT:	
	(DOUGH) 180, (DHEIGH) 753
MALLORY & ADAMS:	DIGHS, DIGHÓS
AD.	برهان قاطع :

DAIGS, DEIGAN, DEGAN	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
DEIG, DEIGR	
DEEG	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
HEIG, DAG	
TEIG	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
DĀGES, DĀH, DĀG	
DOUGH	: (ENGLISH) انگلیسی
DEIG	: (DANISH) دانمارکی
	یادداشت:

۱- بازگشت به: دیوار.

۲- چم این واژه در زبان های ایرانی باستان و یونانی: دیوار.

چم این واژه در زبان های اسلامی و ژرمنی: گل، خسیر.

چم این واژه در زبان تخاری A: مجسمه کوچک.

DAST	فارسی : (PERSIAN)	دست
HAND, ARM	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*GHESTO-, *GHESR-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی
DAST,	: (PAHLAVI) پهلوی	اوستایی : (AVESTAN)
DEST, DASK	: (KURDISH) کردی	پارسی باستان : (OLD PERSIAN)
DAST	: (BALUCHI) بلوجی	DASTA-, HÁSTA-

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	447
DELAMARRE:	(MAIN) 100
MACKENZIE:	(HAND) 117
۸۰۴-۸۰۵	برهان قاطع:

DASTA, LĀS	: (AFGHANI)
HÁSTA, HASTAS	: (SANSKRIT)
DASTAK	: (ARMENIAN)
PRAESTÓ	: (LATIN)
PA-JHASTE, -JHASTIS	: (LITHUANIAN)
DORË	: (ALBANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: بند، مفصل.

چم این واژه در زبان لاتین: در دسترس.

DOSH-, DEZH-	فارسی (PERSIAN) : دش - دز-، (به چم "بد" مثلاً در "دشوار" یا "دژخیم")
BAD, ILL-, EVIL, MAL-	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*DUS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

TOR-	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	DUSH-	: (AVESTAN) اوستایی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن		: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
DUZHDU		DUSH-, DUZH, (DUZH-VARA)	: (PAHLAVI) پهلوی
DESZCZ	: (POLISH) لهستانی		DUSH-, DUZH-, DUSH-VĀR
DOZHDU	: (RUSSIAN) روسی		اوستی (OSSETIC)
DSHCHĒ, DESHTI	: (CZECH) چک	DIJ-, (DIJMIN)	کردی (KURDISH)
DÁZHD	: (SLOVAK) اسلواکی	DIJ-, (DIJMIN)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
DO-, DU-	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	DUSH-, (DUSHMAN)	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	227
MACKENZIE:	
(DUJ-, DUSH-) 28	
BUCK:	
(DIFFICULT) 650-652	
AMINDAROV:	(ENEMY) 218
۸۰۷ و ۸۶۵ و ۱۰۱	برهان قاطع:

DUSH-, DUR-, DZH-	DUS-	: (SANSKRIT) شانسکریت
DZH-, (DZHVAR)		: (ARMENIAN) ارمنی
DYS-, DUS-		: (GREEK) یونانی
DIF-, (DIFFICILIS)		: (LATIN) لاتین
TUZ-		: (GOTHIC) گوئنیک
TOR-:(OLD SCANDINAVIAN)		ایسلندی کهن
ZUR-:(OLD HIGH GERMAN)		آلمانی کهن

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اسلامی: هواي بد و بارانی، باران.

DUSHMAN	فارسی (PERSIAN): دشمن
ENEMY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DUS-MENES, *DUS-MEN	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
DUSHMANIN صربی (SERBIAN)	اوستایی (AVESTAN):

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNÝ:	700
MACKENZIE:	(ENEMY) 112
BUCK:	1344-1346
AMINDAROV:	(ENEMY) 218
۸۶۹	برهان قاطع:

DUSHMANAH, DUSHMAINYU

DUSHMANAH, DUSHMAINYU	: (PAHLAVI) پهلوی
DUSHMAN, DUSHMEN	
DIJMIN	: (KURDISH) کردی
DUSHMAN	: (AFGHANI) افغانی (پشنو)
DURMANĀS	: (SANSKRIT) سانسکریت
DSMENÉS	: (GREEK) یونانی
DUSHMAN	: (RUMANIAN) رومانی

یادداشت:

به احتمال زیاد علت وجود این واژه در زبان‌های آنچه‌ست سانه‌ی یا لکان این است: واژه‌ی "دشمن" از فارسی به ترکی و از ترکی به این زبان‌های انتقال یافته است.

DASHN, DASHT	فارسی (PERSIAN): دشمن، دشت (به چم دستلاف یا سودای اول)
SALE, (FIRST) DEAL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DEKS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	اوستایی (AVESTAN):
DESNU, DESN	پهلوی (PAHLAVI):
DESNITSA	سانسکریت (SANSKRIT):
روسی (RUSSIAN)	
لیتوانی (LITHUANIAN)	دکس - DÁKSINA-, DAKSIND-
DĒSINAS, DESINĒ	یونانی (GREEK): DEXITERÓS, DEXIÓS
DESS	لاتین (LATIN): لاتین
DEHEU	گوتیک (GOTHIC):
DEAS	TÁIHSWA, TAÍHSWÔ
DJATHTÉ	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): ZESO, ZESWA

پسگشت‌ها	REFERENCES		
190	POKORNY:		
274	BARNHART: (DEXTERITY)		
	MACKENZIE:		
25	(RIGHT-HAND) 130, (DASHN) 25		
	فرهنگ معین:		
	برهان قاطع:		
	و ۱۰۳۶ ۱۰۳۸		
	۱۸۹		
	SKEAT:	(DEXTER) 167	
	MALLORY:	140	
	ONIONS:	(DEXTER) 263	

یادداشت:

چم این واژه در همهٔ زبان‌های این فهرست (به جز فارسی امروزی): دست راست یا سمت راست، مهارت، ماهر. برخی معتقدند که واژهٔ "دشت" (با "دشن") با واژهٔ "دخش" به چم آغاز و "ابدا" و "تیره و تاریک" (لغت‌نامه دمکدا: ۱۰۴۹۵) یکی است. حتی اگر "دشن" با واژهٔ پهلوی DASHN رابطه‌ای نداشته باشد رابطهٔ واژه‌های اوستایی و پهلوی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست مورد تایید همهٔ پسگشت‌های در دسترس من است.

فارسی (PERSIAN)	دلیر	
چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	BRAVE	
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	*DHERS-, *DHRSÚS-, *DHORS-	
اوستایی (AVESTAN)	DURVEN	: (DUTCH)
		: (OLD CHURCH SLAVIC)
		اسلاوی کهن
پارسی باستان (OLD PERSIAN)	DRÜZÜ, DRÜZATE	
ADARSH-DARSHAM, DARSHITA,	DZIELNY	: (POLISH)
DADARSI, DARSH-	DERZAT'	: (RUSSIAN)
پهلوی (PAHLAVI)	DRASÙS	: (LITHUANIAN)
KURDISH (KURDISH)	DRUOSHS	: (LATVIAN)
تخاری (TOKHARIAN A)	DYRSUS	: (OLD PRUSSIAN)
TSÄRA, TSRASI		

پسگشت‌ها	REFERENCES
259	POKORNY:
251	BARNHART: (DARE) 251
105	MACKENZIE: (BRAVE) 105
1148-1152	BUCK: 1148-1152
244	ONIONS: (DARE) 244
154-155	SKEAT: (DARE) 154-155
194	AMINDAROV: (BRAVE) 194

سanskrit (SANSKRIT)	
DHRSÚS, DHRSNÖTL, DHÁRSATI	
برنانی (GREEK)	THARSUS, THARSEIN
گوتیک (GOTHIC)	GADARS
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	GITURRAN
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	DEAR, DAR, DURRAN
انگلیسی (ENGLISH)	DARE

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های زرمنی: جرئت کردن.

DOM, DOMB	فارسی (PERSIAN): دُم، دُمب
TAIL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DUMB-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ZHMPFO	اوستایی (AVESTAN):
DUBA	: (LATVIAN) لترنی (لتی)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	227
MACKENZIE:	(TAILI) 136
BUCK:	209-210
۸۷۶	برهان قاطع:
DUMA	: (PAHLAVI) پهلوی
DUM, DUMB	: (OSSETIC) اوستی
DUMAG, DIMÄG	: (KURDISH) کردی
DUNK, DŪW	: (BALUCHI) بلوچی
DUNB, DUMB, DUNBAG	افغانی (بشنور)
LAM	: (AFGHANI) سانسکریت
DHUMBHMA	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
	یادداشت:

- ۱- در حاشیه برهان قاطع (۸۷۶) آمده است که شابد ریشه‌ی هند و اروپایی این واژه DHUMBHMA باشد.
 ۲- چم این واژه در آلمانی کهن: آلت مردی.
 ۳- احتمال دارد که واژه‌ی انگلیسی DOCK (به چم "بخش گوشتن دُم جانور") نیز از همین واجربشه باشد (فریزی کهن: DOK با آلمانی کهن: TOCKA؛ ایسلندی کهن: DOKKA).

DAM, DAMA	فارسی (PERSIAN): دُم، دَمَا (به چم "نفس")
BREATH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*DHEM-, *DHOMBOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	پهلوی (PAHLAVI)
DAMPH	: (OSSETIC) اوستی
DAMPF	: (GERMAN) آلمانی
*DAMP	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
DAMP, DANK	: (ENGLISH) انگلیسی
DYNG, DAMP	: (DANISH) دانمارکی
DUNKEN	: (SWEDISH) سوئدی
DUNKEN	: (NORWEGIAN) نروژی
DAM, DAMISHN	: (BALUCHI) بلوچی
DIMIN, DUMUN	: (KURDISH) کردی
DEM	: (SANSKRIT) سانسکریت
DAM	: (BALUCHI) بلوچی
DHAM-, DHAMITI	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
DUMBA	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	248
BARNHART:	(DAMP) 250
MACKENZIE:	(BREATH) 105
SKEAT:	(DAMP) 153, (DUMPS) 185
۸۷۶	برهان قاطع :

DOMPIG	: (DUTCH)
DUMPIU	: (LITHUANIAN)
DANGA	: (LATVIAN)
DUMSLE	: (OLD PRUSSIAN)

یادداشت:

۱- بازگشت به: دمیدن.

۲- واژه‌ی "دما" به چم "گرم‌ما" هم بکار می‌رود (مثلاً در "دما‌سنج").

۳- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: بخار، رطوبت، دود و ذم.

چم این واژه در ایسلندی کهن: غبار، گرد و خاک.

DAMIDAN	فارسی (PERSIAN) : دمیدن (به چم "نفس کشیدن" و "فوت کردن یا ورزیدن")
BREATHE, BLOW	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*DHEM-, *DHENGUO-, *DHEMBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

DIMMIG : دانمارکی (DANISH)

DAAM : نروژی (NORWEGIAN)

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن

DUMŌ, DOTI

DUMIŪ, DŪMTI : لیتوانی (LITHUANIAN)

DEIM, DEM : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

DANKUISH : هفت (HITTITE)

DAMIDAN, DAFTAN : پهلوی (PAHLAVI)

DUMUN, DIMIN : اوستی (OSSETIC)

DEM- : کردی (KURDISH)

: (SANSKRIT) سانسکریت

DHĀMATI, DHAMYATĒ, DHMĀYATĒ

THEMERÓS : یونانی (GREEK)

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

DĀMR, DIMMR

: (OLD FRISIAN) فریزی کهن

DIUNK, DIMM : آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

TIMBER, TUNKAL

DUNKEL : آلمانی (GERMAN)

DIMM : انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

DIM : انگلیسی (ENGLISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	247
BARNHART:	(DIM) 279
MACKENZIE:	(BREATHE) 105
ONIONS:	(DIM) 268
SKEAT:	(DIM) 170
۸۸۱	برهان قاطع :

یادداشت:

۱- بازگشت به: **دَم**.

۲- چم این واژه در زبان یونانی: اخْمَ آلود، عبوس.

چم این واژه در زبان‌های دیگر (به جز زبان‌های ایرانی) تیره، تاریک.

DANDĀN	فارسی (PERSIAN): دندان
TOOTH	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DONT-, *DNT-, *DENT-, *EDONT-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ZAHN	: (GERMAN) آلمانی
TÓTH	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
TOOTH	: (ENGLISH) انگلیسی
TAND	: (DANISH) دانمارکی
TAND	: (SWEDISH) سوئدی
TAND	: (NORWEGIAN) نروژی
TAND	: (DUTCH) هلندی
DZIEGNA	: (POLISH) لهستانی
DANTIS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
DET	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
DANT	: (WELSH) ولزی
DANT	: (BRETON) برتونی
DANTA, DANTAN	: (AVESTAN) اوستایی
DANTAN	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
DĀD, DANDĀN	: (PAHLAVI) پهلوی
DĀNDAG	: (OSSETIC) اوستی
DIDĀN, DINDĀN	: (KURDISH) کردی
DANTĀN, DATAN	: (BALUCHI) بلوجی
DÁN,	: (SANSKRIT) سانسکریت
DÁNT-, DÁNTAM, DATÁS, DÁNTA	
ATAMN	: (ARMENIAN) ارمنی
ODŌN, ODOÚS, ODÓNTOS	: (GREEK) یونانی
DĒNS, DENTIS	: (LATIN) لاتین
DENT	: (FRENCH) فرانسه
DIENTE	: (SPANISH) اسپانیایی
DENTE	: (ITALIAN) ایتالیایی
DINTE	: (RUMANIAN) رومانی
DENTE	: (PORTUGUESE) پرتغالی
TUNTHUS	: (GOTHIC) گوتبک
TONN	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
TAND	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
TÓTH	: (OLD FRISIAN) فربزی کهن
ZAND	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	289
BARNHART:	(TOOTH) 1150
DELAMARRE:	(DENT) 97
MACKENZIE:	(TOOTH) 137
BUCK:	231
ONIONS:	(TOOTH) 931
SKEAT:	(TOOTH) 654
AAF	برهان قاطع:

DÓ		فارسی (PERSIAN) : دو، ۲
TWO		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DUWÓ, *DUWÓU, *DWÓ, *DUWOI, *DWOI		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ZWEI	: (GERMAN) آلمانی	اوستایی (AVESTAN)
TWĀ	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
TWO	: (ENGLISH) انگلیسی	پهلوی (PAHLAVI)
TO	: (DANISH) دانمارکی	اوستی (OSSETIC)
TVĀ	: (SWEDISH) سوئدی	کردی (KURDISH)
TVO	: (NORWEGIAN) نروژی	بلوچی (BALUCHI)
TWEE	: (DUTCH) هلندی	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	تخاری A (TOKHARIAN A)
DŪVA, DŪVĒ		تخاری B (TOKHARIAN B)
DWA, DWÓJKA	: (POLISH) لهستانی	санسکریت (SANSKRIT)
DVA, DVE	: (RUSSIAN) روسی	ارمنی (ARMENIAN)
DVA, DVĒ	: (CZECH) چک	يونانی (GREEK)
DVA, DVEI-	: (SLOVAK) اسلواکی	لاتین (LATIN)
DÚ, DVI	: (LITHUANIAN) لیتوانی	فرانسی (FRENCH)
DÁU, DÓ	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	اسپانیایی (SPANISH)
DOU, DWY	: (GAULISH) گالی	ایتالیایی (ITALIAN)
DY, DYJ, DÜ	: (ALBANIAN) آلبانی	رومانی (RUMANIAN)
TA, TĀN	: (HITTITE) هیتیت	پرتغالی (PORTUGUESE)
REFERENCES	پسخت ها	گونیک (GOTHIC)
POKORNÝ:	228	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BARNHART:	(TWO) 1179	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
DELAMARRE:	(DEUX) 211	TWĒNE, TWĀ
MACKENZIE:	(TWO) 138	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
ONIONS:	(TWO) 952	TWĒNE, TWĀ
SKEAT:	(TWO) 676	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
AAA	برهان قاطع :	ZWĒNE, ZWÓ

DŪD	فارسی (PERSIAN) :	دود
SMOKE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*DHŪMOS-, *DHEUH-, *DHUH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
DYM	: (RUSSIAN)	روسی
DIM	: (SERBIAN)	صری
DÝM	: (BOHEMIAN)	بوهمی
DŪMAI	: (LITHUANIAN)	لیتوانی
DUMI	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)
DUMIS	: (OLD PRUSSIAN)	پروسی کهن
	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
DUMACHA, DĒ		
TUHH, TUHHIMA	: (HITTITE)	هبت
REFERENCES پسگشت‌ها		
POKORNY:	261	
BARNHART:	(FUME) 413	
DELAMARRE:	(FUMÉE) 182	
MACKENZIE:	(SMOKE) 133	
BUCK:	73	
RAMAT:	34	
AMINDAROV:		
	(FOG) 225, (STEAM) 291	
۸۹۲	برهان قاطع :	

یادداشت:

چم این واژه در برخی از زبان‌های هند و اروپایی: بخار، روح.

DŪR	فارسی (PERSIAN) :	دور
FAR, DISTANT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*DUHAROS, *DUEHAROS, *DEU-, *DUA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
پارسی باستان (OLD PERSIAN)	اوستایی (AVESTAN) :	
DŪRA, DŪRAIY	DŪIRE, DURAĒ, DŪRĀT	

DURA	: (RUMANIAN)	روماني
DURAR	: (PORTUGUESE)	برتغالی
TŪWA	: (HITTITE)	هتبت

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	219
BARNHART:	(DURABLE) 307
BUCK:	(FAR) 868-869
MALLORY & ADAMS:	DUHAROS
۱۹۴	برهان قاطع :

DŪR	: (PAHLAVI)	پهلوی
DŪR	: (KURDISH)	کردي
DŪR, DĪR	: (BALUCHI)	بلوچي
LIRI, LERI	: (AFGHANI)	افغاني (پشتو)
DŪRÁ	: (SANSKRIT)	санскريت
ERKAR, YERGAR	: (ARMENIAN)	ارمني
DĒRHOS, DĒRÓN	: (GREEK)	يوناني
DŪRARE, DŪRABILIS	: (LATIN)	لاتين
DURER	: (FRENCH)	فرانسه
DURAR	: (SPANISH)	اسپانيابي
DURARE	: (ITALIAN)	ابطالابي

يادداشت:

چم اين واژه در زبان هاي رمانس (لاتين و فرانسه و غيره): دوام آوردن، طول کشیدن، به درازا کشیدن.

چم اين واژه در زبان هاي ارمني و يوناني: دراز.

DŪZAX	فارسي (PERSIAN) :	دوزخ
HELL	چم انگليسى سرووازه هي فارسي:	
*DUS-, *DWEI-	هند و اروپايى (INDO-EUROPEAN) :	
DUHOX	ارمني (ARMENIAN)	: (AVESTAN)
DEDEIKHELOS,	يوناني (GREEK)	DAOZAHVA, DVAĒSH-, DVAĒSHAH-
DEIDĒMON, DEIMÓS, DEILOS	لاتين (LATIN)	هارسي باستان (OLD PERSIAN)
DIRUS	لاتين (LATIN)	DUSHAHU : (OLD PERSIAN)
REFERENCES	پسگشت ها	DUZHĒ, DUSHOX : (PAHLAVI)
POKORNÝ:	227-228	DŪGHAX, DŪJE : (KURDISH)
MACKENZIE:	(HELL) 117	بلوچي (BALUCHI)
AMINDAROV:	(HELL) 235	DŌZAK, DŌZĒ, DŌZAX : (AFGHANI)
۱۹۶	برهان قاطع :	افغانی (پشتو)
		DŌGHAX, DŌZAX : (SANSKRIT)
		DVĒSTI, DVĒSAS : (SANSKRIT)

يادداشت:

۱- چم اصلی اين واژه: دهشتناک، بسیار بد، تنفرانگیز، مهلك

۲- ریشه‌های اوستایی و پارسی کهن این واژه: DŪSH (به چم "بد"، "وحشناک") و ANHŪ (به چم "جهان")

DŪST, DŪST DĀSHTAN	فارسی (PERSIAN) : دوست، دوست داشتن
FRIEND, LIKE, LOVE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GEUS-, *GUS-, *GUSTIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KIASA, ZIASA	اوستایی (AVESTAN) :
:(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	ZAOSH, ZAOSHO, ZUSHTŌ
KIOSAN	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
KIESEN	آلمانی (GERMAN) :
CĒOSAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
CHOOSE	انگلیسی (ENGLISH) :
KIEZEN	هلندی (DUTCH) :
ASAGŪ, DOGOA, TOGU	لیتوانی (LITHUANIAN) :
-GUSSIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :
DESHA	آلбанی (ALBANIAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	399
BARNHART:	(CHOOSE) 168
DELAMARRE:	(GOUT) 88
MACKENZIE:	
(LIKE) 121, (FRIEND) 115, (LOVE) 122	
ONIONS:	(CHOOSE) 172
۸۹۷	برهان قاطع :

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های هند و اروپایی کهن: خوشایند بودن، مزه دادن، لذت بردن، مزه.

چم این واژه در زبان‌های رمانی: مزه، میل.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی نوین: پسندیدن، گزیدن.

چم این واژه در زبان‌های یونانی: مورد پنده، ارزشمند.

DŪSH	فارسی (PERSIAN) : دوش (به چم "کنف")
SHOULDER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DOUS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DOE, DOAT, DRUIMM	اوستایی (AVESTAN) :
TRUM	ولزی (WELSH) : دوش
REFERENCES	پسلوی (PAHLAVI) :
POKORNÝ: 226	OSHA, OZHA : (AFGHANI) (پشن) سانسکریت (SANSKRIT) :
DELAMARRE: (DOS) 98	DŌSH, DÓS-, DŌSHÁN, DOSNÁS لاتین (LATIN) :
MACKENZIE: (SHOULDER) 132	DORSUM فرانسه (FRENCH) :
BUCK: 236	DOSSO ایتالیایی (ITALIAN) :
SKEAT: (DORSAL) 180	-DUSE لیتوانی (LITHUANIAN) :
۱۹۸	ابرلندی کهن (OLD IRISH) (باشد) :
برهان قاطع :	پادداشت:

چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی: بازو، ساعد.

DŪSH	فارسی (PERSIAN) : دوش (به چم دیشب)
LAST NIGHT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DEU	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DEIELOS	اوستایی (AVESTAN) :
یونانی (GREEK) :	پسلوی (PAHLAVI) :
REFERENCES	اوستی (OSSETIC) :
POKORNÝ: 217	کردی (KURDISH) :
MACKENZIE: (LAST NIGHT) 27	بلوچی (BALUCHI) :
۱۹۸	افغانی (پشن) (AFGHANI) :
برهان قاطع :	

DŪSHIDAN, DOXTAN, DŪXTAN	فارسی (PERSIAN) : دوشیدن، دُختن، دوختن
MILK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DHEUGH-, *DHAUGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DŪCHIN, DOCHUN	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
اوستی (OSSETIC) :	پسلوی (PAHLAVI) :
کردی (KURDISH) :	
DŌTIN, DŪSHIN, DŌSHIM	DŌSHITAN, DŌXTAN, DŌSHIDAN

DOJO		DOSHAGH	: <i>(BALUCHI)</i>
DOÍC	: <i>(POLISH)</i> لهستانی	DAVASHAL	: <i>(AFGHANI)</i> افغانی (پشتو)
DOJIT	: <i>(RUSSIAN)</i> روسی	DUHÁTI,	: <i>(SANSKRIT)</i> سانسکریت
*DOJIT	: <i>(CZECH)</i> چک	DÓGDHI, DÓH-	
DOJIT	: <i>(SLOVAK)</i> اسلواکی	DIEM	: <i>(ARMENIAN)</i> ارمنی
DĒJU	: <i>(LATVIAN)</i> لتونی (لتی)	THESTAI	: <i>(GREEK)</i> یونانی
DENIM	: <i>(OLD IRISH)</i> ایرلندی کهن	FĒLŌ	: <i>(LATIN)</i> لاتین
		DAUG, DADDJAN	: <i>(GOTHIC)</i> گوتیک
REFERENCES		پسگشت ها	
POKORNY:		271	: <i>(OLD SCANDINAVIAN)</i> ایسلندی کهن
MACKENZIE:	(MILK)	271	: <i>(OLD HIGH GERMAN)</i> آلمانی کهن
BUCK:		386	TUHT, TĀJU
۸۹۲	برهان قاطع:		DEAG : <i>(OLD ENGLISH)</i> انگلیسی کهن
			: <i>(OLD CHURCH SLAVIC)</i> اسلاوی کهن

DOVVOM, DOYYOM	فارسی (PERSIAN) دوم، دویم
SECOND	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DUI-IOS, *DUI-TOS	: <i>(INDO-EUROPEAN)</i> هند و اروپایی

TWEED	: <i>(DUTCH)</i> هلندی	DAIBITYA	: <i>(AVESTAN)</i> اوستایی
DRUJI	: <i>(POLISH)</i> لهستانی	DUITIIA	: <i>(OLD PERSIAN)</i> پارسی باستان
DEUHÝ	: <i>(CZECH)</i> چک	DIDOM, DUDIGAR	: <i>(PAHLAVI)</i> پهلوی
DRUHÝ	: <i>(SLOVAK)</i> اسلواکی	DWAYAM,	: <i>(AFGHANI)</i> افغانی (پشتو)
DYTE	: <i>(ALBANIAN)</i> آلبانی	DOHAM	
DUYANALLI	: <i>(HITTITE)</i> هفت	WÄT	: <i>(TOKHARIAN A)</i> A تخاری
		WATE	: <i>(TOKHARIAN B)</i> B تخاری
REFERENCES		SĀTA	: <i>(KHOTANESE)</i> ختنی
POKORNY:	228	DVIAT, DVITIYA	: <i>(SANSKRIT)</i> سانسکریت
MACKENZIE:	(SECOND) 131		: <i>(RUMANIAN)</i> رومانی
MALLORY & ADAMS:		AL DOILEA, A DOUA	
DUI-IOS, DUI-TOS		ZWEIT	: <i>(GERMAN)</i> آلمانی

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلبانی: دوما"
چم این واژه در زبان هیت: ستوان دوم

DAVIDAN, DOV	فارسی (PERSIAN) : دویدن، دو
RUN	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*DHEU-, *DHOU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : (شاید)	اوستایی (AVESTAN) :
DEAW, DAU	DRAVATI
DEW	پهلوی (PAHLAVI) : انگلیسی (ENGLISH) : (شاید)
DUG	DAVATAN, DAVISTAN, دانمارکی (DANISH) : (شاید)
DAGG	DAVIDAN, DWĀRIDAN, DWĀRISTAN سوئدی (SWEDISH) : (شاید)
DAUW	سانسکریت (SANSKRIT) : هلندی (DUTCH) : (شاید)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	259-260
BARNHART:	(DEW) 273
DELAMARRE:	253
MACKENZIE:	(RUN) 131
BUCK:	694
ONIONS:	(DEW) 263
SKEAT:	(DEW) 167
MALLORY & ADAMS:	DHEU
۹۰۲	برهان قاطع :

DHÁVATĒ, DHAV, DRATI

ارمنی (ARMENIAN) : DURGAN
يونانی (GREEK) :

THÉŌ, THEIN, TRÉKHO

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : (شاید)

DÖGG

نورس کهن (OLD NORSE) : (شاید)

DOGG, DOGGUAR

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : (شاید)

TOU

آلمانی (GERMAN) : (شاید)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های نفته و اروپایی کهن: دویدن، جاری شدن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمونی نوبن: ژاله.

DEH	فارسی (PERSIAN) : ده (مثلأ در دهکده)
VILLAGE, HAMLET	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*DHEU-, *DHUĒ-, *DHŪNO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

: (OLD PERSIAN) پارسی باستان

DAXYU, DAHYU : (AVESTAN) اوستایی

DOWN, TOWN	: انگلیسی (ENGLISH)	DAHYU, DAHYA	
TUIN	: هولندی (DUTCH)	DĒH	: پهلوی (PAHLAVI)
	: اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	DAU	: کردي (KURDISH)
DU MO		DĒH, DīH	: بلوجی (BALUCHI)
DUJ	: روسی (RUSSIAN) : لیتوانی (LITHUANIAN)	DIH	: افغانی (پشتو) (AFGHANI)
DUJÁ, DUJE	: ایرلندی کهن (OLD IRISH)	TWE	: تخاری A (TOKHARIAN A)
DÚ, DUMAE, DŪN		TWEYE	: تخاری B (TOKHARIAN B)
DŪNOM	: سلتی (کلتی) (CELTIC)	ZTYW	: سغدی (SOGHDIAN)
DINAS, DIN	: ولزی (WELSH)	DÁSYU, DÁSÁ	: سانسکریت (SANSKRIT)
DEJ	: آلبانی (ALBANIAN)	DOȲLOS, DOŪLOS	: یونانی (GREEK)
		DUNUM	: لاتین (LATIN)
			: اسلاندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	263
BARNHART:	(DOWN) 298
MACKENZIE:	(VILLAGE) 139
MALLORY & ADAMS:	DES-
۹۰۲	برهان قاطع :

TŪN	
DYJA	: نورس کهن (OLD NORSE)
TŪN	: فریزی کهن (OLD FRISIAN)
	: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ZŪN	
ZAUN	: آلمانی (GERMAN)
DŪN, TO᷑N	: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

پادداشت:

چم های برخی از واژه های این فهرست: دز، تهی شنی، ته، وزیدن، شهر، ناحیه

چم واژه ای انگلیسی DOWN: تهی پوشیده از علف.

چم واژه ای زبان سغدی: تبعید شده، از دعکنده رانده شده.

چم واژه ای زبان سانسکریت و اجریشه هند و اروپایی: دشمن.

DAH	(۱۰۵)	فارسی (PERSIAN) :
TEN		چم انگلیسی سروواژه فارسی :
*DEKM, *DEKU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DEH	: کردي (KURDISH)	اوستایی (AVESTAN)
DĀH, DEH	: بلوجی (BALUCHI)	پهلوی (PAHLAVI)
LAS	: افغانی (پشتو) (AFGHANI)	اوستی (OSSETIC)

TIO	: (NORWEGIAN) نروژی	SÄK	: (TOKHARIAN A) A تخاری
TIEN	: (DUTCH) هلندی	ŚAK	: (TOKHARIAN B) B تخاری
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن		: (SANSKRIT) سانسکریت
DESETI		DÁSA, DÁCHA, DACA	
DZIESIEĆ	: (POLISH) لهستانی	TASN	: (ARMENIAN) ارمنی
DESIAT, DESIATE	: (RUSSIAN) روسی	DÉKA	: (GREEK) یونانی
DESET	: (CZECH) چک	DECEM	: (LATIN) لاتین
DESAT	: (SLOVAK) اسلواکی	DIX	: (FRENCH) فرانسه
DĒSHIMT	: (LITHUANIAN) لیتوانی	DIEZ	: (SPANISH) اسپانیایی
DEICH	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	DIECI	: (ITALIAN) ایتالیایی
DEICH	: (GAULISH) گالی	ZEĆE	: (RUMANIAN) رومانی
DEG	: (WELSH) ولزی	DEZ	: (PORTUGUESE) پرتغالی
		TÁIHUN	: (GOTHIC) گوئیک
			: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پنجه‌ها
POKORNÝ:	191
BARNHART:	(TEN) 1124
DELAMARRE:	(DIX) 214
MACKENZIE:	(TEN) 136
ONIONS:	(TEN) 909
SKEAT:	(TEN) 634
RAMAT:	34
AMINDAROV:	(TEN) 297
۹۰۲	برهان قاطع:

TIU	
TEHAN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
TIĀN	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
ZEHAN	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
ZEHN	: (GERMAN) آلمانی
TĒN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
TEN	: (ENGLISH) انگلیسی
TIO	: (DANISH) دانمارکی
TIO	: (SWEDISH) سوئدی

بادداشت:

بازگشت به: دهم.

DAHOM	فارسی (PERSIAN) : دهم
TENTH	چشم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*DEKMOS, *DEKMTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
DAHOM	پهلوی (PAHLAVI)
	DAS ∂ MA
	اوستایی (AVESTAN)

ZEHNT	: (GERMAN) آلمانی :(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	DÄSAM	: (OSSETIC) اوستی
TEOTHA, TEOGOTHA		LASAM	: (AFGHANI) افغانی (بشن)
TENTH	: (ENGLISH) انگلیسی	SKÄNT	: (TOKHARIAN A) A تخاری
TIENDE	: (DUTCH) هلندی	SKANTE, SKANCE	: (TOKHARIAN B) B تخاری
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن		санسکریت : (SANSKRIT)
DESETŪ		DASAMÁ, DASAMÁH	
DZIESIATY	: (POLISH) لهستانی : (LITHUANIAN) لیتوانی	TASM-ERORD	: (ARMENIAN) ارمنی
DECHMAD, DESHIMTAS		DÉCATOS	: (GREEK) یونانی
DESMITAIS	: (LATVIAN) لتونی (لئی)	DECIMUS	: (LATIN) لاتین
DESSIMTS	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن	DIXIÉME	: (FRENCH) فرانسه
DECAMETOS	: (GAULISH) گالی	DÉCIMO	: (SPANISH) اسپانیایی
DECVET	: (WELSH) ولزی	DECIMO	: (ITALIAN) ایتالیایی
I-DHJETÈ	: (GAELIC) گالیک	AL ZECELEA, A, ZECEA	: (RUMANIAN) رومانی
REFERENCES		DECIMO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
POKORNÝ:	192-193	TAIHUNDA	: (GOTHIC) گوتیک
BARNHART:	(TEN) 1124	TIUNDA	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
MACKENZIE:	(TENTH) 136		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
ONIONS:	(TEN) 909	ZEHANTO, ZEHENDO	

یادداشت:

بازگشت به: ذه.

DEY, DIRÜZ	فارسی (PERSIAN) : دی، دیروز
YESTER(DAY)	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :
*GHDÉS, *GHYÉS, *GHÉS, *GHDYÉS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ÄZINÄ, AZHINE,	اوستی (OSSETIC) :
ZINON	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
-DI	کردی (KURDISH) :
ZĒ, ZĪK	بلوچی (BALUCHI) :
ZYŌ	اوستایی (AVESTAN) :
DIY,	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
DIYAKA	
DÍK	پهلوی (PAHLAVI) :

I GAAR	: (DANISH)	دانمارکی
I GÄR	: (SWEDISH)	سوئدی
IGÅR	: (NORWEGIAN)	نروژی
GISTER, GISTEREN	: (DUTCH)	هلندی
INDHÉ, IN-DÉ	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
DOE	: (GAULISH)	گالی
DJE	: (ALBANIAN)	آلبانی

HYÁS	: (SANSKRIT)	санскріт
CHITHÉS, KHTHÉS	: (GREEK)	يونانی
HERI	: (LATIN)	لاتین
HIER	: (FRENCH)	فرانسہ
AYER	: (SPANISH)	اسپانیا
IERI	: (ITALIAN)	ایتالیا
IERI	: (RUMANIAN)	رومانی
GISTER(DAGIS)	: (GOTHIC)	گرتیک

REFERENCES	پسکشت ما
POKORNÝ:	416
BARNHART:	(YESTERDAY) 1253
DELAMARRE:	(HIER) 297
BUCK:	100
ONIONS:	(YESTER-) 1019
SKEAT:	(YESTERDAY) 729
۴۰۷-۴۰۸	برهان قاطع :

IGAR	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
GESTARON, GESTREN		
GESTERN	: (GERMAN)	آلمانی
	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
GEOSTRAN(DAG)		
YESTERDAY,	: (ENGLISH)	انگلیسی
YESTER		

DIDAN	فارسی (PERSIAN) :	دیدن
SEE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :	
*DHEI-, *DHÍĀ-, *DHI-, *DEDO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	

GA-TARHJAN	: (GOTHIC)	گرتیک
.DARC	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
EDRYCH	: (WELSH)	ولزی
DITURË, DITME	: (ALBANIAN)	آلبانی

REFERENCES	پسکشت ما
POKORNÝ:	243
DELAMARRE:	(VOIR) 251
MACKENZIE:	(SEE) 132
BUCK:	1042, 1045
۹۱۰	برهان قاطع :

DĀDARESA,	: (AVESTAN)	اوستاني
DERES, DĀ(Y)		
DĀL-,	: (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
DIDIY		
DIDAN, DITAN-	: (PAHLAVI)	پهلوی
DITIN	: (KURDISH)	کردي
DIDH, DIDOX	: (BALUCHI)	بلوچي
LIDAL, LIDĒL	: (AFGHANI)	افغانی(پشتو)
DADÁRŠA, DRC-	: (SANSKRIT)	санسکریت
DARSÁYATI, DIDHYE		
DÉDORKA, IDEIN	: (GREEK)	يونانی

یادداشت:

آشکار است که واژه‌های فارسی "دیده" و "دیدگان" و "دبدار" نیز از همین واجربشاند.

DĒM	فارسی (PERSIAN): دیم (به چم "روی", "رخسار")
FACE, LOOKS, ASPECT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DHEIθ-, *DHIĀ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	243
۹۱۰	برهان قاطع:
۱۱۴۱۴	لغت‌نامه دهخدا:

DAEMAN	اوستایی (AVESTAN)
ANDĒMĀN (KAR)	پهلوی (PAHLAVI)
DĒM	کردی (KURDISH)
LĒMA	افغانی (پشتون) (AFGHANI)
DĒM	ارمنی (ARMENIAN)

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان پهلوی: پذیرفته، برده.
- ۲- بازگشت به: دیدن

DĪV	فارسی (PERSIAN): دیو
DEMON	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DEJWOS-, *DEIWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

:(OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن DAĒUUA, DAĒVA	اوستایی (AVESTAN)
ZIO	DAIVA	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
: (OLD ENGLISH)	DEV, DĒW	پهلوی (PAHLAVI)
TIG, TIWES	DEÍVAÍ	اوستی (OSSETIC)
: (OLD CHURCH SLAVIC)	DĒW	کردی (KURDISH)
DIVŪ	DEVĀ	санسکریت (SANSKRIT)
DIEVAS	ZEUS	یونانی (GREEK)
DIEVS	DEUS	لاتین (LATIN)
: (OLD PRUSSIAN)	DIEU	فرانسه (FRENCH)
DEIWAS, DEIWS	DIOS	اسپانیایی (SPANISH)
DIA	DIO	ایتالیایی (ITALIAN)
DĒVO-	ZEU	رومانی (RUMANIAN)
DUW	DEUS	پرتغالی (PORTUGUESE)
DOU	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن (BRETON)
	TĪVAR	

SKEAT:	(DEIW) 753	REFERENCES	پسگشت ها
RAMAT:	50	POKORNY:	185-186
AMINDAROV:	(DEMON) 210	DELAMARRE:	(DIEU) 72
۹۱۷	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(DEMON) 110
		BUCK:	1464-1465

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در همه زبان های این فهرست: خدا.
- ۲- علت دگرگونی چم این واژه در زبان های ایرانی این است که پس از ظهور زرتشت و آئین او "اهورامزدا" مورد پرسش فوارگرفت و واژه "دیو" چم کنونی خود را به دست آورد.

DIVĀR	فارسی (PERSIAN) دیوار
WALL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DHEIGH-, *DHEIGHOS-, *DHEIGMI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ZED	: (CZECH) چک اوستانی (AVESTAN)
ZID	: (SERBIAN) صربی هارسی باستان (OLD PERSIAN)
ZED	: (BOHEMIAN) بوهمی بهلوی (PAHLAVI)
ZHIEDZHIU	: (LITHUANIAN) لیتوانی کردی (KURDISH)
	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن افغانی (پشتون) (AFGHANI)
SEYDIS	
COMOD-DING	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن تخاری A (TOKHARIAN A)
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	244-245
DELAMARRE:	
(FAÇONNER LA TERRE)	253
MACKENZIE:	(WALL) 139
BUCK:	472-473
AMINDAROV:	(WALL) 307

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: دڑ

۲- چم این واژه در تخاری و لاتین: شکل دادن، (از گل) ساختن.

۳- واژه‌ی انگلیسی DOUGH و آلمانی TEIG (به چم "خیر") نیز از همین واژه‌ی اند.

RAST	فارسی (PERSIAN)	راست
STRAIGHT, TRUE, RIGHT	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*REG-, *RĒGTOS-, *ROG-, *RG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
RECHT	: (GERMAN) آلمانی	RAZAYEITI, RAZ- : (AVESTAN)
RIHT	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	RASTA- : (OLD PERSIAN)
RIGHT	: (ENGLISH) انگلیسی	RĀST : (PAHLAVI)
RET	: (DANISH) دانمارکی	RAS : (OSSETIC)
RÄT	: (SWEDISH) سوئدی	RĀST : (KURDISH)
RETT	: (NORWEGIAN) نروژی	RĀST : (BALUCHI)
RECHT	: (DUTCH) هلندی	RĀST : (AFGHANI) افغانی (پشتون)
REZHTIS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	RÄK : (TOKHARIAN B) تخاری
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	PJYATI, RAT- : (SANSKRIT) سانسکریت
RIGIM,	RECHT	RAJIS, RADDHÁ :
RHAITH	: (WELSH) ولزی	ORÉGŌ, OREKTÓS : (GREEK) یونانی
REIZ	: (BRETON) برتونی	REGŌ, RĒCTUS : (LATIN) لاتین
		RECT- : (FRENCH) فرانسه
REFERENCES	پسکشتهای	
POKORYN:	854	RECT- : (SPANISH) اسپانیایی
BARNHART:	(RIGHT) 926	RETT- : (ITALIAN) ایتالیایی
DELAMARRE:		RECT- : (RUMANIAN) رومانی
(DIRIGER EN DROITE LIGNE)	276	RET- : (PORTUGUESE) پرتغالی
MACKENZIE:		GOETIK : (GOTHIC) گوتیک
(STRAIGHT) 135, (TRUE) 137		UF- RAKJAN, RAIHTS : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
BUCK:	1180-1181	REKJA, RĒTTR : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
AMINDAROV:	(STRAIGHT) 292	RIUCHT : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
MALLORY:	125	REHT : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
۹۲۷	برهان قاطع :	REHT

یادداشت:

چم "راست" در برابر "کج" و "راست" در برابر "دروغ" و "راست" در برابر "چپ" در اکثر زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد.

RĀSŪ	فارسی (PERSIAN): راسو
WEASEL	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*LOHRK	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	(WEASEL) 140
MALLORY & ADAMS:	LOHRK
۹۲۹	برهان قاطع:
RASUG	پهلوی (PAHLAVI)
LUÖSS	لانین (LATIN)
LASICA	لهستانی (POLISH)
LÄSKA	روسی (RUSSIAN)
VLASICA, LASIKA	بلغاری (BULGARIAN)
LUOSS	لتوانی (لتی) (LATVIAN)

RĀN, RŪN	فارسی (PERSIAN): ران، رون
THIGH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SRĒNO-, *SRĒNA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
RUMPE	اوستایی (AVESTAN)
RUMP	انگلیسی (ENGLISH): (شاید)
RUMPE	دانمارکی (DANISH): (شاید)
RUMPA	سوئدی (SWEDISH): (شاید)
RUMPE	نروژی (NORWEGIAN): (شاید)
ROMP	هلندی (DUTCH): (شاید)
STRENOS	لیتوانی (LITHUANIAN): (شاید)
RĀNA	پهلوی (PAHLAVI)
RĀN	کردی (KURDISH)
RĀN	بلوچی (BALUCHI)
VRŪN	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
ERAN	ارمنی (ARMENIAN)
RUMPR	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): (شاید)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1002
DELAMARRE:	109
۹۳۲	برهان قاطع:
RUMPE	آلمانی میانه (MIDDLE HIGH): (شاید)
RUMPE	آلمانی (GERMAN): (شاید)
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): (شاید)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمی: کپل، کفل.

RĀN, RAH	راه، رَه	فارسی (PERSIAN)
ROAD, WAY		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*RET(H)-, *ROTO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
RĀD, RAT		اوستایی (AVESTAN)
RAD	آلمنی (GERMAN) انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
RADOR, RODOR		*RATHYA
RAT	دانمارکی (DANISH)	RĀH بهلوی (PAHLAVI)
RATT	سوئدی (SWEDISH)	RĒ, RĪ کردی (KURDISH)
RATT	نروژی (NORWEGIAN)	RĀ, RĀH بلوچی (BALUCHI)
RAD	هلندی (DUTCH)	LĀR, RĀH افغانی (پشتون) (AFGHANI)
RĀTAS	لیتوانی (LITHUANIAN)	R'DH سغدی (SOGHDIAN)
RATS	لتونی (LATVIAN)	
ROTH	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	RÁTHA-, RATHYA سانسکریت (SANSKRIT)
RHOD	ولزی (WELSH)	RAH ارمنی (ARMENIAN)
-RET, ROD	برتونی (BRETON)	ROTA لاتین (LATIN)
REFERENCES		ROUE فرانسه (FRENCH)
POKORNÝ:	866	RUEDA اسپانیایی (SPANISH)
DELAMARRE:	(ROUE) 126	RUOTA ایتالیایی (ITALIAN)
MACKENZIE:	(RĀH) 70	ROATĀ رومانی (RUMANIAN)
BUCK:	(WHEEL) 724-725	RODA پرتغالی (PORTUGUESE)
SKEAT:	(RET) 757	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
۹۳۴	برهان قاطع:	RODULL

یادداشت:
 چم این واژه در زبان سانسکریت: ارابه.
 چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی این فهرست: چرخ.
 چم این واژه در زبان انگلیسی کهن: آسمان، فلک.

RĀY	رای (به چم "تدبیر و داوری و مقتضای عقل")	فارسی (PERSIAN) :
WISDOM, TACT		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*REI-, *RĒI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پشت ها	اوستایی (AVESTAN) :
POKORNÝ:	860	RĀY, RAYI, RAĒVANT
MACKENZIE:	(RICH) 130	پهلوی (PAHLAVI) :
THE AMERICAN HERITAGE:		کردی (KURDISH) :
DICTIONARY OF THE ENGLISH:		سانسکریت (SANSKRIT) :
LANGUAGE:	(RE-) 2044	RAYIVANT, RAYÁS, RAYIS
AMINDAROV:	(OPINION) 263	RĒS, REI
۱۹۳	برهان قاطع :	لاتین (LATIN) :

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی REAL در زبان‌های انگلیسی و فرانسه نیز از این واژه‌ی مشاه است: BARNHART:(REAL) 891
- ۲- چم این واژه در زبان‌های ایرانی پیشین: چیزدار، دارا.
- چم این واژه در زبان لاتین: چیز، شبیه، دارائی.

RĀY	رای (به چم پادشاه، سلطان هندی)	فارسی (PERSIAN) :
KING, RULER		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*REG-, *ROGI-, *RĒGIO-, *RĒGS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REIKS, REIKI	گرنک (GOTHIC) : آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	اوستایی (AVESTAN) :
RĪHHI		سانسکریت (SANSKRIT) :
REICH	آلمانی (GERMAN) :	ارمنی (ARMENIAN) :
RIGE	دانمارکی (DANISH) :	بزنی (GREEK) :
RIGE	نروژی (NORWEGIAN) :	لاتین (LATIN) :
RIJK	هلندی (DUTCH) :	فرانسه (FRENCH) :
RĪ, RīG	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :	اسپانیایی (SPANISH) :
-RIX	گالی (GAULISH) :	ایتالیایی (ITALIAN) :
RHI	ولزی (WELSH) :	رومانی (RUMANIAN) :
ROUE, ROE	برتونی (BRETON) :	پرتغالی (PORTUGUESE) :
RASTAR		
RĀJ-, RAJYÁ-,		SANSKRIT (SANSKRIT) :
RAJNI-, RĀJATI, RĀY, RANJ, RĀJAN		
ARCVI		ارمنی (ARMENIAN) :
DRÉGŌ, DREGNÓS		بزنی (GREEK) :
RĒX, RĒGIUS, RĒGIS		لاتین (LATIN) :
ROI		فرانسه (FRENCH) :
REY		اسپانیایی (SPANISH) :
RE		ایتالیایی (ITALIAN) :
REGE		رومانی (RUMANIAN) :
REI		پرتغالی (PORTUGUESE) :

(REGAL) 750, (REGICIDE)		REFERENCES	پسگشت ها
ONIONS:	751	POKORNY:	855
SKEAT:	(REGAL) 507	BARNHART:	(REGAL) 903
۹۴۶	برهان قاطع :	DELAMARRE:	(ROI) 79
		BUCK:	(KING) 1321-1322

یادداشت:

این واژه در کلیله و دمنه بسیار به کار رفته است.

RADĒ	فارسی (PERSIAN) :	رده
SERIES, ORDER, ROW	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*ROTHO-, *RET	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
RUND	دانمارکی (DANISH)	اوستایی (AVESTAN)
RUND	سوئدی (SWEDISH)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
RUND	نروژی (NORWEGIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
RON	هلندی (DUTCH)	کردی (KURDISH)
RĀTAS	لیتوانی (LITHUANIAN)	تخاری A (TOKHARIAN A)
RATS	لتونی (LATVIAN)	تخاری B (TOKHARIAN B)
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	санسکریت (SANSKRIT)
-RITUM	: (GAULISH) گالی	لاتین (LATIN)
RHOD	: (WELSH) ولزی	فرانسه (FRENCH)
-RITUM	: (GAELIC) گالیک	اسپانیایی (SPANISH)
RRETH	: (ALBANIAN) آلبانی	ایتالیایی (ITALIAN)
		رومانی (RUMANIAN)
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	866
BARNHART:	(ROUND) 939
MACKENZIE:	(ROW) 131
BUCK:	(ROUND) 904
ONIONS:	(ROUND) 774
AMINDAROV:	(RĒZIK) 139
۹۴۴	برهان قاطع :

RADULL فریزی کهن (OLD FRISIAN)
RAD آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
RAD آلمانی (GERMAN)
RETH انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
RADOR, ROND
ROUND, ROTUND انگلیسی (ENGLISH)

AMINDAROV:	(BATTLE) 189	REFERENCES	پسگشت‌ها
۹۴۵	برهان قاطع :	POKORNY:	855
		MACKENZIE:	(BATTLE) 103

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: راست، رای
- ۲- چم این واژه در زبان لاتین: کترل، مهار، راهبری، اداره، حکومت کردن.
- ۳- چم این واژه در سانسکریت و اوستایی و هارسی کهن: رُد، صف، صف رزمندگان.

ROSTAN, RÜEDAN	فارسی (PERSIAN): رُستن، روییدن
GROW	چم انگلیسی سروالزهی فارسی:
*LEUDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
LJUDI	: (RUSSIAN) روسی اوستایی (AVESTAN)
LID, LJUDINŪ	: (CZECK) چک RAOTHAITI, RUD-, RAOTHENTI
LIÁUDIS	: (LITHUANIAN) لیتوانی پهلوی
LÁUDIS	: (LATVIAN) لتونی (لتی) بلوچی (PAHLAVI)
LUSS	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن سانسکریت (SANSKRIT)
LLYSIAU	: (WELSH) ولزی RÖDHATI, RÖHATI, RÖHA-, RUDH-, RODHANTI
LOUZOU	: (BRETON) برتونی (GREEK) ELEÚTHEROS
LENJ	: (ALBANIAN) آلبانی لاتین (LATIN)
REFERENCES	LIBRE فرانسه (FRENCH)
POKORNY:	LIBRE اسپانیایی (SPANISH)
BARNHART:	LIBRE گوتیک (GOTHIC)
DELAMARRE:	(LIBRE) 226 ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
MACKENZIE:	(GROW) 117 LODHENN آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ONIONS:	LIOTAN, LIODAN, LIUT انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
	LEODAN, LEOD اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
BUCK:	(GROW) 876-877 LJUDŪ بود.
SKEAT:	(LIBERATE, LIBERTY) 338
۹۴۹	برهان قاطع :

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های یونانی و لاتین: آزاد، وارسته (ضمناً نام خدای وفور و رشد و نمو نیز در زبان لاتین بود).
- چم این واژه در زبان‌های اسلامی و گالی و ولزی و آلبانی: مردم.

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های فریزی کهن، آلمانی کهن، ایرلندي کهن و گالی: چرخ.

چم این واژه در زبان‌های ژرمی و آلبانی: حلقوی، گرد.

چم این واژه در زبان‌های اوستایی و سانسکریت: ارابه

چم این واژه در زبان تخاری: قشون.

چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: حلقه‌ی نور.

RAZ	فارسی (PERSIAN): رژ (به چم درخت انگور)
GRAPEVINE, VINE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*HYLOC-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ALKISTA-, ALKISTAN : (HITTITE)	اوستایی (AVESTAN): هبت
REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	VINE 139
MALLORY & ADAMS:	HYLOC
۹۴۴	برهان قاطع:

RAZURA : (PAHLAVI)

RAZ : (OSSETIC)

RAZA : (GREEK)

ÓLÓGINOS : (OLD CHURCH SLAVIC)

LOZAC : (RUSSIAN)

LOZA : (KURDISH)

یادداشت:

چم این واژه در زبان اوستی: میوه‌ها

چم این واژه در زبان یونانی: انشعاب.

چم این واژه در زبان هبت: شاخه.

RAZM	فارسی (PERSIAN): رزم
BATTLE, FIGHTING	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*RĒG	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
RAJI : (SANSKRIT)	اوستایی (AVESTAN): سانسکریت
PATERAZM, RAZM : (ARMENIAN)	ارمنی (PAHLAVI):
OREGMA : (GREEK)	پارسی باستان (OLD PERSIAN): یونانی
REGIMEN, REGERE : (LATIN)	پهلوی (KURDISH): لاتین

چم این واژه در ایرلندی کهن: گیاه.

۲- واژه‌ی آلمانی LEUTE (به چم "مردم") نیز از همین واجریشه است.

RASTAN	فارسی (PERSIAN) : رَسْتَن (به چم رِبِيدَن، نجات یافتن)
ESCAPE, RELEASE, EMANCIPATE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*RĒ-, *RĒWA-, *RŌWA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

RESTE, RESTAN	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
REST	انگلیسی (ENGLISH) :
REST	دانمارکی (DANISH) :
RAST	سوئدی (SWEDISH) :
RAST	نروژی (NORWEGIAN) :
RUSTE	هلندی (DUTCH) :
ROVA	لیتوانی (LITHUANIAN) :
RĀWA	لتونی (لتی) (LATVIAN) :
ARAF	ولزی (WELSH) :
RADH, AV-RAD	پهلوی (PAHLAVI) :
RASTAN, RASTĀRIH	بلوچی (BALUCHI) :
RASTEGAR	سانکریت (SANSKRIT) :
AIRIME, RÁMATE	یونانی (GREEK) :
ĒRŌS, ERAMAI	گوتیک (GOTHIC) :
RASTA	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	338
BARNHART:	(REST) 918
MACKENZIE:	(ESCAPE) 112
ONIONS:	(REST) 760
SKEAT:	(REST) 513-514, (EROTIC) 199
۹۴۹	برهان قاطع :

ROST	ساکسونی کهن (OLD SAXON) :
RESTA, RAST, RESTIAN	فریزی کهن (OLD FRISIAN) :
REST, REST	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
RESTA, RASTON	آلمانی (GERMAN) :
RAST, RASTEN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
	یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: حشق.

چم این واژه در زبان‌های رُمنی: واحد مسافت، (در سفر) استراحتگاه، بستر، استراحت، غنومند.

RESIDAN, RASIDAN	فارسی (PERSIAN) : رسیدن
REACH, ARRIVE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*ER-, *ERE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

RASA-, پارسی باستان (OLD PERSIAN) : اوستایی (AVESTAN)

ÓRNUMI, ÓRNÝMI	: (GREEK) یونانی
ORIOR	: (LATIN) لاتین

REFERENCES	پشت ما
POKORNY:	327
MACKENZIE:	(ARRIVE) 102
90.	برهان قاطع:

RASATIY	
RASÍTAN, RASIDAN, : (PAHLAVI)	پهلوی
RAS-	
RASAG	: (BALUCHI) بلوجی
RASÉDAL	: (AFGHANI) افغانی (پشتر)
RECHATI,	: (SANSKRIT) سانسکریت
-ARA, -ĀRANA	
Y-ARNEM	: (ARMENIAN) ارمنی

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: بلند شدن، بالا رفتن.

RASHK	فارسی (PERSIAN) : رُشك (به چم "حسادت")
JEALOUSY, ENVY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*RES-, *ERES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
IRRI	ساکسونی کهن : (OLD SAXON) (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
IRRE	انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)
ARSHUS	لیتوانی : (LITHUANIAN)
*ARSANA, ARSANIYA	هفت : (HITTITE)
REFERENCES	پشت ما
POKORNY:	337
MACKENZIE:	(JEAKOUSY) 120
BUCK:	1138-1140
902 و ۱۰۵	برهان قاطع:

ARASKA,	: (AVESTAN) اوستایی
AR̥SHYANT, IRSHYĀ, ARASKA	پهلوی
ARESHK, RASHK	: (PAHLAVI)
ARISHK, RASHK	: (BALUCHI) بلوجی
ARSAL	: (TOKHARIAN A) تخاری
ARSĀKLAI	: (TOKHARIAN B) تخاری
IRASYATI,	: (SANSKRIT) سانسکریت
IRSYATI, IRSYĀ, ARESYANT	
HER	: (ARMENIAN) ارمنی
AROZ, AREIĒ	: (GREEK) یونانی
IRA	: (LATIN) لاتین (شاید)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمی و زبان لاتین: خشگین؛ خشم.

چم این واژه در زبان‌های تخاری: مار، کرم.

RESHK	رِشك (به چم "تخم شپش")	فارسی (PERSIAN): رِشك (به چم "تخم شپش")
NIT		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*RIK		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
RICINUS	: (LATIN) لاتین	پارسی باستان (OLD PERSIAN): *RISHKA
REFERENCES	پسگشت‌ها	اوستی (OSSETIC): LISKA
MALLORY & ADAMS:	RIK	کردی (KURDISH): RISHK
۹۵۲	برهان قاطع:	بلوچی (BALUCHI): RISHK, RASHK
		افغانی (پشتو) (AFGHANI): RICA, RIXA
		سانسکریت (SANSKRIT): LIKSÁ, LIKSHÁ

RAGHZE	رغزه (به چم جامه‌ی پشمین)	فارسی (PERSIAN): رغزه (به چم جامه‌ی پشمین)
WOOLEN(CLOTH)		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*REZG-, *RESG-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ROZGA	: (BULGARIAN) بلغاری	سانسکریت (SANSKRIT): RAJJUS
REZGIU, REZGU	: (LITHUANIAN) لیتوانی	لاتین (LATIN): RESTIS
	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	فریزی کهن (OLD FRISIAN): RÜSKE
REZHGIS, REJHGET		آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN): (MIDDLE HIGH GERMAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	RUSCHE, ROSCHE
POKORNÝ:	874	آلمانی (GERMAN): RUSCH
BARNHART:	(RUSH) 946	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH): : (OLD ENGLISH)
ONIONS:	778	انگلیسی (ENGLISH): RUSH
SKEAT:	529	نروژی (NORWEGIAN): RUSK, RYSKJE
MALLORY & ADAM:	RESG	هلندی (DUTCH): RUSCH, RISCH
۹۵۴	برهان قاطع:	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC): ROZGA
۱۲۱۵۰	لخت نامه دهخدا:	

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: نی، چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و لتونی: سبد (ساخته شده از نی)، یافن، چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و لاتین: طناب (ساخته شده از ساقه‌ی گباء). چم این واژه در زبان اسلامی کهن: ریشه.

RAFTAN	رفتن	فارسی (PERSIAN)
GO, LEAVE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*REBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
REBEN	RAP-	اوستایی (AVESTAN)
REB	: (MIDDLE IRISH)	ایرلندی میانه
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	853	
۹۵۵	برهان قاطع:	
RAF-, RAFTAN	: (PAHLAVI)	پهلوی
RÄVÄG	: (OSSETIC)	اوستی
REWİN	: (KURDISH)	کردی
ROAG	: (BALUCHI)	بلوچی
	: (MIDDLE HIGH GERMAN)	آلمانی میانه

یادداشت:

مرحوم معین در پانوشت برهان قاطع: (و به پیروی از "نیرگ" و "هوبشان") واژه‌ی رفتن را از واجریشه‌ی هند و اروپایی REP- می‌داند و آن را با واژه‌ی لاتین RĒPŌ همراهی می‌پندارد (برهان قاطع: ۹۵۵).

ROM	رُم، روم (به چم موی زهار)	فارسی (PERSIAN)
RUBIC HAIR	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*REUMM-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
RUNÓ	: (RUSSIAN)	روسی
RAUJU	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)
RÖN	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
RHAWN	: (WELSH)	ولزی
REFERENCES	پسگشت‌ها	
MALLORY & ADAMS:	REUMN-	
۹۲۰ و ۹۷۹	برهان قاطع:	
۱۲۲۸ و ۱۲۴۰	لخت نامه دم خدا:	
RU	: (TOKHARIAN B)	تخاری
RYJO	: (SANSKRIT)	سانسکریت
RÁZA	: (OSSETIC)	اوستی
RUWA	: (OLD SCANDINAVIAN)	اسلاندی کهن
RÓMAN, LÖMN, LÖMAN	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
ROGG-, ROGGR	: (NORWEGIAN)	نروژی
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: موی بدن انسان و حیوان.

چم این واژه در تخاری B و لتوانی و اسلاوی کهن: کندن.

چم این واژه در ایرلندی کهن: یال اسب.

چم این واژه در روسی و نروژی و اسلاندی کهن: موی نرم، پشم نرم.

RANG		رنگ : (PERSIAN)
COLOR		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*REG-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
RÉZO, RÉHMA,	: (GREEK) یونانی	RANG بهلوی (PAHLAVI) :
RAHÉUS		کردي (KURDISH) :
REFERENCES	پشكش ها	بلرجي (BALUCHI) :
POKORNÝ:	854	افغانی (پشتون) (AFGHANI) :
MALLORY & ADAMS:	REG-	санскربت (SANSKRIT) :
۹۶۴	برهان قاطع :	RAJYATE, RANJAYATI, RANGA
		ERANG ارمنی (ARMENIAN) :

RUBAH		روباء : (PERSIAN)
FOX		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*LUP-, *ULP-, *LŪPĒKOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REV	: (NORWEGIAN) نروژی	اوستاني (AVESTAN) :
LĀPE,	: (LITHUANIAN) لیتوانی	بهلوی (PAHLAVI) :
VILPISHYS		کردي (KURDISH) :
LAPSA, RUADH	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	بلرجي (BALUCHI) :
RUADH	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	سانسکربت (SANSKRIT) :
LOUARN	: (BRETON) برترنی	LOPĀKA, LOPĀSAS ارمنی (ARMENIAN) :
REFERENCES	پشكش ها	ALUES برانانی (GREEK) :
POKORNÝ:	1179	ALŪPĒKS لاتین (LATIN) :
DELAMARRE:	(RENARD) 135	VOLPĒS اسپانیایی (SPANISH) :
MACKENZIE:	(FOX) 115	RAPOSA پرتغالی (PORTUGUESE) :
۹۶۸	برهان قاطع :	RAV دانمارکی (DANISH) :
		RÄV سوئدی (SWEDISH) :

RŪD, RŪDXANE		فارسی (PERSIAN) : رود، رودخانه
RIVER, STREAM		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SREU-, *SROU-, *SRŪ-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
STROOM	هلندی (DUTCH) : (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	RAODHAITI, اوستایی (AVESTAN) :
STRUJA		RAVAN
STRUMIEN	لهستانی (POLISH) :	RAUTA پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
STRUIA	روسی (RUSSIAN) :	RŌT, RŌD بهلوی (PAHLAVI) :
REKA	چک (CZECH) :	RŌ, RŪBAR کردی (KURDISH) :
RIEKA	سلواکی (SLOVAK) :	RŌT بلوجچی (BALUCHI) :
SRAVĒTI, SRUTH	لیتوانی (LITHUANIAN) :	-RUD افغانی (پشتون) (AFGHANI) :
STRAVA,	لتونی (LATVIAN) :	SRĀVATI, SRU, سانسکریت (SANSKRIT) :
STRAUME		SROTAS
SRUAIMM	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :	ROT ارمنی (ARMENIAN) :
SSRWD	ولزی (WELSH) :	RHEIN, REŪM یونانی (GREEK) :
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
STRAUMR		

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1003
BARNHART:	(STREAM) 1075
MACKENZIE:	(RIVER) 131
BUCK:	41-42
ONIONS:	(STREAM) 874
SKEAT:	(STREAM) 706
RAMAT:	130
AMINDAROV:	279
۹۶۹	برهان قاطع :

STRŌM	ساکسونی کهن (OLD SAXON) :
STRĀM	فریزی کهن (OLD FRISIAN) :
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
STROUM	
STROM	آلمانی (GERMAN) :
STRĒAM	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
STREAM	انگلیسی (ENGLISH) :
STROM	دانمارکی (DANISH) :
STRÖM	سوئدی (SWEDISH) :
STRAUM	نروژی (NORWEGIAN) :

یادداشت:

این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی (مثلاً یونانی) چم جاری بودن را نیز دارد.

RŪDĒ	روده : (PERSIAN)
INTESTINE, BOWEL(S)	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*RUT-, *REUTO-, *ROUTO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ROODE	ملندی کهن (OLD DUTCH) پسگشت‌ها
REFERENCES	
POKORNÝ:	873-874
MACKENZIE:	(INTESTINE) 120
٩٧٠	برهان قاطع :

RÖDIG, RŌ, RÖTIG	پهلوی (PAHLAVI)
RUWI	کردی (KURDISH)
RÖTH, RÖS	بلوچی (BALUCHI)
RÜDA	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
RĒADA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
READ	انگلیسی (ENGLISH)

یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی نوین: شکم جانور

THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY: 2491

RŪZ	روز : (PERSIAN)
DAY	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*LEUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
LEUKÓS	يونانی (GREEK) پسگشت‌ها
LUX, LUCIS	لاتین (LATIN)
REFERENCES	
POKORNÝ:	687-690
MACKENZIE:	(DAY) 109
BUCK:	60, 991
٩٧١	برهان قاطع :

RAOCHA	اوستایی (AVESTAN)
RAUCHA,	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
RAUCAH	
ROC, RÖZ	پهلوی (PAHLAVI)
RUZH-, RÖJ	کردی (KURDISH)
VRAJ	بلوچی (BALUCHI)
RÖSH, RÖC	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
RUC-, RÖCISH	санسکریت (SANSKRIT)
LOIS	ارمنی (ARMENIAN)

یادداشت:

۱- بازگشت به: روشن.

۲- چم واژه‌های سانسکریت و ارمنی و یونانی و لاتین این فهرست: روشنایی.

RŌSHAN, RŌSHANI, RŌSHANĀI	فارسی (PERSIAN) : روشن، روشنی، روشنایی
LIGHT, BRIGHTNESS, LUCIDITY	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی :
*LEUK-, *LOUK-, *LUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
LEHT, : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
LĒOHT	
LIGHT : (ENGLISH)	انگلیسی (ENGLISH) :
LYS : (DANISH)	دانمارکی (DANISH) :
LJUS : (SWEDISH)	سوئدی (SWEDISH) :
LYS : (NORWEGIAN)	نروژی (NORWEGIAN) :
LICHT : (DUTCH)	هلندی (DUTCH) :
LUCHI : (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :
LEKKI, LEKKO : (POLISH)	لهستانی (POLISH) :
LEHKI : (CZECH)	چک (CZECH) :
L'AHKÝ : (SLOVAK)	اسلواکی (SLOVAK) :
LAŪKAS : (LITHUANIAN)	لیتوانی (LITHUANIAN) :
LUCKIS : (OLD PRUSSIAN)	بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) :
LUCHIR : (OLD IRISH)	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :
LUK, LUKK- : (HITTITE)	پیت (HITTITE) :
RAOCHAYATI, : (AVESTAN)	اوستایی (AVESTAN) :
RAOCHANT, RAOKHSHANA,	
RAOSHNA	
RAOXSHNA, RAUCHA	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
RŌSHN, RŌSHNIH : (PAHLAVI)	پهلوی (PAHLAVI) :
RŌNI : (KURDISH)	کردی (KURDISH) :
RŌSHANJ : (BALUCHI)	بلوچی (BALUCHI) :
RŌKHAN : (AFGHANI)	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
LUK : (TOKHARIAN A) A	تخاری (TOKHARIAN A) A :
LYUKE, LUK : (TOKHARIAN B) B	تخاری (TOKHARIAN B) B :
ROCIS, : (SANSKRIT)	سانسکریت (SANSKRIT) :
RÓCATE, ROCAYATI, RUSH	
LOIS, LOYS : (ARMENIAN)	ارمنی (ARMENIAN) :
LEUKÓS : (GREEK)	یونانی (GREEK) :
LUX, LUCEŌ, LUMEN, : (LATIN)	لاتین (LATIN) :
LÜCERE	
LUMIER : (FRENCH)	فرانسه (FRENCH) :
LUZ : (SPANISH)	اسپانیایی (SPANISH) :
LUCE : (ITALIAN)	ایتالیایی (ITALIAN) :
LUMINA : (RUMANIAN)	رومانی (RUMANIAN) :
LIUHATH : (GOTHIC)	گوتیک (GOTHIC) :
BUCK: 60, 991, 55	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
BARNHART: (LIGHT) 594	
DELAMARRE: 185, 267	
MACKENZIE: (BRIGH) 105, (LIGHT) 121	
ONIONS: (LIGHT) 527	
SKEAT: (LIGHT) 340	
AMINDAROV: (LIGHT) 249	
۹۷۶-۹۷۷ برهان قاطع :	

REFERENCES	پیگشتهای
POKORNÝ:	687-690
BARNHART:	(LIGHT) 594
DELAMARRE:	185, 267
MACKENZIE:	(BRIGH) 105, (LIGHT) 121
BUCK:	60, 991, 55
ONIONS:	(LIGHT) 527
SKEAT:	(LIGHT) 340
AMINDAROV:	(LIGHT) 249
۹۷۶-۹۷۷	برهان قاطع :

یادداشت:

واژه‌های فارسی "رخش" و "درخش" و "درخشیدن" و "رخشیدن" نیز از همین واژه‌هاند.

RŌGHAN	روغن	فارسی (PERSIAN) :
OIL	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*REUGH-MEN-, *REUGH-MN	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
ROUM	RAOGHNA,	اوستایی (AVESTAN)
RAHM	RAOGAN	
REAM	RŌGHAN, RŌVN,	پهلوی (PAHLAVI)
	RŌGHN	
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	873	
MACKENZIE:	(OIL) 125	
AMINDAROV:	(BUTTER) 195	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
RAV	برهان قاطع:	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

یادداشت:

چم این واژه در آلمانی: خامه، سرشار.

RIXTAN	ریختن	فارسی (PERSIAN) :
POUR, SPILL	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*LIEKW-, *LOIKW-, *LIKW-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
LIA	ایرلندی کهن (OLD IRISH): (شاید)	اوستایی (AVESTAN)
LLIANT	ولزی (WELSH): (شاید)	پهلوی (PAHLAVI)
LUM	آلбанی (ALBANIAN): (شاید)	RĒXTAN, WĒXTAN, RĒZ-, RĒZISHN
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	669-670	LIJIN, LĒJUN : (OSSTIC)
MACKENZIE:		RETIN : (KURDISH)
(RĒXTAN) 72, (POUR) 127		RĒCAG, RISHAGH : (BALUCHI)
BUCK:	577	RĒC- : (SANSKRIT)
RAV	برهان قاطع:	IKANEM : (ARMENIAN)

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: گریختن.
- ۲- چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: سیل.
- چم این واژه در زبان های ولزی و آلبانی: رود.
- چم این واژه در زبان لاتین: آب شدن.
- ۳- واژه "ریدن" نیز از همین واجربه است.

RISIDAN, RISHTAN, RESHTAN	فارسی (PERSIAN) : ریسیدن، ریشتن، رشتن
SPIN (TO MAKE YARN)	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*REIK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پهلوی (PAHLAVI) :
POKORNY:	اوستی (OSSETIC) :
MACKENZIE:	کردی (KURDISH) :
AMINDAROV:	بلوچی (BALUCHI) :
برهان قاطع : ۹۸۸ و ۱۹۵۱	санسکریت (SANSKRIT) :
	یونانی (GREEK) :
POKORNÝ: 858	ALWIESSUN,
MACKENZIE: (STRING) 135	ALVIJSSIN
AMINDAROV: (RIST) 139	RIST, RISTIN
برهان قاطع :	RĒSAGH, RĒSAG
.	RÍSATI
.	EREICHŌ

یادداشت:

- چم این واژه در زبان پهلوی: ریسان، رشته‌ی نخ.
- چم این واژه در زبان یونانی: ریز ریز با پاره پاره کردن.

RĒSH	فارسی (PERSIAN) : ریش (به چم زخم)
WOUND, SORE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*REIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
RISTA	اوستایی (AVESTAN) :
: (MIDDLE HIGH GERMAN) آلمانی میانه	RAĒSH-, RAĒSHYETI, RAĒSHAH
RISTEN, RIST	پهلوی (PAHLAVI) :
RITZEN, RISS : (OLD CHURCH SLAVIC) آلمانی (GERMAN) اسلاوی کهن	کردی (KURDISH) :
RISHITI	بلوچی (BALUCHI) :
REISUMS, : (LATVIAN) لترنی (لتی)	санسکریت (SANSKRIT) :
RISIĒNS	RESATI, RISTA-, RĒSHAYATI
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :

		REFERENCES	پگشت‌ها
۹۸۸	برهان قاطع :	POKORNY: MACKENZIE.	859

یادداشت:

- ۱- در زبان پهلوی واژه RĒSHIDAN چم "خشم کردن" را داشت.
- ۲- چم این واژه در آلمانی: شکاف، خراش، خراشیدن.
- ۳- چم این واژه در لترنی: شکاف.

RĒSH	فارسی (PERSIAN) : ریش (به چم "موی صورت")
BEARD	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*WRĀD-, *WRED-, *WRD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پگشت‌ها
POKORNY:	RĒSH : (PAHLAVI)
	1167
MACKENZIE:	RISHI : (KURDISH)
(BEARD) 104	ZHIRA : (AFGHANI) (پشتو)
AMINDAROV:	(BEARD) 190
۹۸۸	برهان قاطع :

یادداشت:

بازگشت به: ریشه

RĒSHÉ	فارسی (PERSIAN) : ریشه
ROOT	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*WRĀD-, *WA _d D-, *WRD-, *WERED-, *WRED-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
RHIZA	اوستایی (AVESTAN) : (آوستایی)
YONANI (GREEK)	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : (پارسی باستان)
RĀDIX	لاتین (LATIN) : (پهلوی (PAHLAVI))
FRANCHE (FRENCH)	فرانسه (PAHLAVI) : (پهلوی (PAHLAVI))
RAIS	اسپانیایی (SPANISH) : (اوستی (OSSETIC))
ITALIANI (ITALIAN)	ایتالیایی (ITALIAN) : (کردی (KURDISH))
RUMANIAN (RUMANIAN)	رومانی (RUMANIAN) : (افغانی (پشتو (AFGHANI)))
PORTUGESE (PORTUGESE)	پرتغالی (PORTUGESE) : (تخاری (TOKHARIAN B)) B
VARESHAJI	اوستایی (AVESTAN) : (اوستایی)
RESK	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : (پارسی باستان)
RĒSHAG, RĒSHAK	پهلوی (PAHLAVI) : (پهلوی (PAHLAVI))
RIXI, RĒXĒ	اوستی (OSSETIC) : (اوستی (OSSETIC))
RA, REH	کردی (KURDISH) : (کردی (KURDISH))
RISHA	افغانی (پشتو (AFGHANI)) : (افغانی (پشتو (AFGHANI)))
WITSAKO	تخاری (TOKHARIAN B) B : (تخاری (TOKHARIAN B)) B

GWRAIDD	: (WELSH) ولزی
RRĀNZE	: (ALBANIAN) آلبانی

WAURTS	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
URT, RÖT	
WURT	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
WURZ	
WURZEL	: (GERMAN) آلمانی
WYRT	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
WORT	: (ENGLISH) انگلیسی
URT	: (DANISH) دانمارکی
ÖRT	: (SWEDISH) سوئدی
URT	: (NORWEGIAN) نروژی
WORTEL	: (DUTCH) هلندی
FRÉN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

REFERENCES		پشت ها
POKORNY:		1167
BARNHART: (ROOT)	937, (WORT)	1246
DELAMARRE:	(RACINE)	158
MACKENZIE:	(ROOT)	131
BUCK:		522-523
ONIONS:	(ROOT)	773
SKEAT:	(WORT)	724, (ROOT)
AMINDAROV:	(ROOT)	524
۹۸۸-۹۸۹	برهان قاطع:	

یادداشت:

- ۱- واژه ای انگلیسی ROOT نیز از همین واجریشه است (انگلیسی کهن: ROT؛ ایسلندی کهن: RÖT).
- ۲- چم این واژه در زبان انگلیسی: گیاه.
- ۳- بازگشت به: ریش

ZĀDAN, ZĀĒDAN	فارسی (PERSIAN): زادن، زاییدن
GENERATE, BEAR (CHILDREN)	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GEN-, *GON-, *GNE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
GENEÁ, GIGNESTHAI, : (GREEK)	يونانی
GÓNOS	
NĀSCOR, GIGNĒRE, : (LATIN)	لاتین
NATUS, GENERĀRE	
NAITRE, : (FRENCH)	فرانسه
ENGENDRER	
NACER, : (SPANISH)	اسپانیایی
ENGENDRAR	
NASCERE : (ITALIAN)	ایتالیایی
	اوستایی
ZAYEITI, ZIZENTI, : (AVESTAN)	
ZĀTA-	
ZĀDAN, ZAY- : (PAHLAVI)	پهلوی
ZAYI, ZĀNĀC, ZÄNAG : (OSSETIC)	اوستی
ZAIN, ZAYI : (KURDISH)	کردی
ZAGH, ZĀYAG : (BALUCHI)	بلوچی
ZEZH, ZOVUL : (AFGHANI)	افغانی (پشنز)
JĀYATE, JANATI : (SANSKRIT)	سانسکرت
CIN, CINANIM : (ARMENIAN)	ارمنی

GENTIS	:LITHUANIAN ایرلندی کهن (OLD IRISH)
GAINIUR, GEINIM	
GENI	:WELSH ولزی

NASTE	:RUMANIAN پرتغالی
NASCER, GERAR	:POTUGUESE
KUNI	:GOTHIC گوتیک

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	373-375
BARNHART:	(KIN) 565
DELAMARRE:	(NAITRE) 256
MACKENZIE:	(BEAR, BE BORN) 104
BUCK:	280-282
ONIONS:	(KIN) 505
SKEAT:	(KIN) 322
AMINDAROV:	(BORN) 193
برهان قاطع:	۱۰۰۲ و ۹۹۵
فرهنگ معین:	۱۷۱۸ و ۱۷۱۰

KYN	
KUNNI	:OLD SAXON ساکسونی کهن
KENN	:OLD FRISIAN فریزی کهن
~	:OLD HIGH GERMAN آلمانی کهن
CHUNNI, KIND	
KIND	:GERMAN آلمانی
	:OLD ENGLISH انگلیسی کهن
CENNAN, CYN	
KIN	:ENGLISH انگلیسی
KÖN	:SWEDISH سوئدی
KUNNE	:DUTCH هلندی
	:OLD CHURCH SLAVIC اسلاوی کهن
ZETT	

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمی کهن و انگلیسی: همزاد، خویشاوند.

چم این واژه در زبان آلمانی: کودک.

چم این واژه در زبان اسلامی کهن: شوهر دختر والدین، داماد.

ZĀR, ZĀL	فارسی (PERSIAN): زار (به چم تحیف و ضعیف، "پیر")، زال
*GER-, *GERONT-, *GRĒ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
JAR-, JARATI,	:SANSKRIT سانسکریت
JARANT	
GER	:ARMENIAN ارمنی
GÉRÖN, GERAS	:GREEK یونانی
	:OLD SCANDINAVIAN ایسلندی کهن
KARL	
ZERL	:OLD FRISIAN فریزی کهن
ZAIRINA, ZAURVAN, AZARØSHANT	اوستایی (WESTERN OSSETIC)
ZĀR, ZARWĀN,	:PAHLAVI پهلوی
ZARMĀN	
ZARIN, ZARŪN	:OSSETIC اوستی
ZAL	:BALUCHI بلوجی
ZŌR, ZHARAL	:AFGHANI افغانی (پشتون)

آلسانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	390-391
BARNHART:	(CHURL) 171
MACKENZIE:	(ZARWĀN) 98
BUCK:	958-959
ONIONS:	(CHURL) 175
SKEAT:	(CHURL) 109
MALLORY & ADAMS:	GERHA-O-S
۹۹۸ و ۹۹۵	برهان قاطع:

KARL	
LERL	: (GERMAN)
CEORL	: (OLD ENGLISH)
CHURL	: (ENGLISH)
KARL	: (DANISH)
KARL	: (SWEDISH)
KEREL	: (DUTCH)
	: (OLD CHURCH SLAVIC)
ZURETI, ZIRETI	
GRUA	: (ALBANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: مرد دهانی، دهگان.

ZĀGH	زاغ (به چم پرنده‌ای سیاه و کلاخ مانند)	فارسی (:PERSIAN)
RAVEN		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GHĀGWH-, *GHAG-		هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	409	JAG : (ARMENIAN)
۹۹۷	برهان قاطع:	ZOK, ZOGU : (ALBANIAN)

ZĀLŪ	زالو، زلو	فارسی (:PERSIAN)
LEECH		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GELU		هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)

GIL	: (OLD IRISH)	اولنده‌ی کهن	ZALUG	: (PAHLAVI)	پهلوی
GELU	: (CELTIC)	سلتی (کلتی)	ZALŪ, ZALŪG,	: (KURDISH)	کردی

REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	(LEECH) 121
MALLORY & ADAMS:	GELU-
۱۰۲۷ و ۹۹۹	برهان قاطع:

ZARĀGH	: (BALUCHI)
ZALLU	: (AFGHANI)
JALUKA	: (SANSKRIT)
JALIKA	

ZĀNU	فارسی (PERSIAN) : زانو
KNEE	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GENU-, *GONU-, *GNEU-	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
KNEO	اوستایی (:AVESTAN)
KNIE آلمانی (:GERMAN)	پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
GNĒO انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)	پهلوی (:PAHLAVI)
KNEE انگلیسی (:ENGLISH)	(U)SHNŪG
KNĀ دانسارکی (:DANISH)	کردی (:KURDISH)
KNĀ سوئدی (:SWEDISH)	بلوچی (:BALUCHI)
KNĀ نروژی (:NORWEGIAN)	افغانی (پشتو) (:AFGHANI)
KNIE هلندی (:DUTCH)	تخاری A (:TOKHARIAN A)
GLIN برتونی (:BRETON)	تخاری B (:TOKHARIAN B)
GENU هفت (:HITTITE)	санسکریت (:SANSKRIT)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	381
BARNHART:	(KNEE) 568
DELAMARRE:	(GENOU) 99
MACKENZIE:	(KNEE) 120
BUCK:	243
ONIONS:	(KNEE) 507
SKEAT:	(KNEE) 324
1000	برهان قاطع :

ZĀVOSH	فارسی (PERSIAN) : زاوشن
ZEUS	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DEI-, *DIĒUS	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	184
RAMAT:	46
1001	برهان قاطع :

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: دیو.
- ۲- (به روابط مرحوم معین) مرحوم پوردادود معتقد بود که شکل ایرانی این واژه آن‌^{تیپاً} یونانی گرفته شده است.
- ۳- چم این واژه در سانسکریت: آسمان، عرش.

ZEBĀN		فارسی (PERSIAN): زبان
TONGUE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DNGHŪ, *DNGHWĀ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
TUNGE	: (OLD FRISIAN) آلسانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	اوستایی (AVESTAN) پارسی باستان (OLD PERSIAN)
ZUNGA		HIZVĀH, HIZŪ : (PAHLAVI)
ZUNGE	: (GERMAN)	HIZBANA, HUZVĀN
TUNGE	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (ENGLISH)	UZWĀN, ZUWĀN, : (BALUCHI)
TONGUE	: (DANISH) دانمارکی	ÄWZAG : (OSSETIC)
TUNGA	: (SWEDISH) سوئدی	AZMĀN, ZIMAN : (KURDISH)
TUNGE	: (NORWEGIAN) نروژی	ZAVĀN, ZUVĀN : (AFGHANI)
TONG	: (DUTCH) هلندی	ZHABR, ZHIBA : (TOKHARIAN A) A
JEZYKŪ	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	TOKHARIAN A) B
JEZYK	: (POLISH) لهستانی	KÄNTU : (TOKHARIAN B) B
JAZÝK	: (RUSSIAN) روسی	KÄNTWO : (SANSKRIT)
JAZYK	: (CZECH) چک	JIVĀ, JUHŪ,
JAZYK	: (BOHEMIAN) بوهمی	JIHVĀ : (ARMENIAN)
JAZYK	: (SLOVAK) اسلواکی	LEZU : (LATIN)
LIEZHÚVIS	: (LITHUANIAN) لیترانی	DINGUA, LINGUA : (FRENCH)
IN SUWIS	: (OLD PRUSSIAN) ایرلندی کهن (OLD IRISH)	LANGUE : (SPANISH)
TENG, TENGAE		LENGUA : (ITALIAN)
TAFOD	: (WELSH) ولزی	LINGUA : (RUMANIAN)
TEOD, TEAUT	: (BRETON) برتونی	LIMBA : (PORTUGUESE)
		TUNGO, TUGGŌ : (GOTHIC)
		گوتیک
		: (OLD SCANDINAVIAN)
		TUNGA : (OLD SAXON)
		ساکسونی کهن

BUCK:	230	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(TONGUE) 930	POKORNY:	223
SKEAT:	(TONGUE) 653	BARNHART:	(TONGUE) 1149-1150
١٠٠٣	برهان تاطع :	DELAMARRE:	(LANGUE) 97
		MACKENZIE:	(TONGUE) 137

ZADAN	فارسی (PERSIAN): زدن
HIT, STRIKE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GWHEN-, *GWHÉNMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
GUTHÉA : (OLD SAXON) ساکسونی کهن	اوستاین (AVESTAN):
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	GAN-, JAN-, JHAINTI
GUND-	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	JATA-, JAN-, AJANAM
JHENTH, ZHENO	پهلوی (PAHLAVI): ZADAN, ZATAN,
GENÚ : (LITHUANIAN) لیتوانی	ZHATAN
GONIM : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	ZHENIN : (KURDISH)
GJANJ : (ALBANIAN) آلبانی	JANAG, JANAGH, بلوجی (BALUCHI):
KUENZI, KUEN- : (HITTITE) هتیت	ZADAG, ZADHAGH
	-ZHAN-, افغانی (پشتر) (AFGHANI):
REFERENCES	VAZHAN
POKORNY: 491-492	санسکریت (SANSKRIT): HAN-, HANTI,
BARNHART: (DEFEND) 259	ارمنی (ARMENIAN): GAN, GANEM,
DELAMARRE: (FRAPPER) 260	JNEM
MACKENZIE: (HIT) 118	يونانی (GREEK): THEINO
BUCK: 552-555, 288-289	لاتین (LATIN): -FENDŌ, OFFENDŌ,
SKEAT: (GWHEN) 420	OFFENDĒRE
١٠٠٧	اسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): GUTHR, GUNNR

یادداشت:

- ۱- ریشه‌ی لاتین این واژه در واژه‌های OFFEND, DEFEND دیده می‌شود.
- ۲- چم این واژه در زبان هتیت: کشته شده، مقتول.

ZAR		فارسی (PERSIAN) : زر
GOLD		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHEL-, *GHLŌ-, *GHLTOM, *GHOLTOM		هندو اروپایی (INDO-EUROPEAN)
GULD	: (SWEDISH) سوئدی	اوستایی (AVESTAN)
GULL	: (NORWEGIAN) نروژی	ZARENA, ZARNAINA
GOUD	: (DUTCH) هلندی	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	DARANYA
ZLATO, ZÉLTS		ZARR : (PAHLAVI) پهلوی
ZLATO	: (POLISH) لهستانی	ZÄRINÄ : (OSSTIC) اوستی
ZOLATO	: (RUSSIAN) روسی	ZĒR : (KURDISH) کردی
ZLATO	: (CZECH) چک	ZAR : (BALUCHI) بلوچی
ZLATO	: (SERBIAN) صربی	ZAR, SRË : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
ZLATO	: (BOHEMIAN) بوهمی	SYRN : (SOGHDIAN) سندی
ZLATO	: (SLOVAK) اسلواکی	ZYRAR : (KHOTANESE) ختنی
ZELTS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	HIRANYAM, HIRANYAM : (SANSKRIT) سانسکریت
		HÁRI-, HĀTAKA-
REFERENCES	پسگشت ها	يونانی (GREEK)
POKORNY:	429	گرینیک (GOTHIC)
BARNHART:	(GOLD) 440-441	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
DELAMARRE:	(L'OR) 182	GULL, GOLL
MACKENZIE:	(GOLD) 116	GOLD : (OLD SAXON) ساکرنسی کهن
BUCK:	610	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
ONIONS:	(GOLD) 405	GOLD : (GERMAN) آلمانی
SKEAT:	(GOLD) 244	GOLD : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
AMINDARÓV:	(GOLD) 231	GOLD : (ENGLISH) انگلیسی
1008	برهان قاطع :	GULD : (DANISH) دانمارکی

یادداشت:

بازگشت به: زرد

ZARD, ZARIN		فارسی (PERSIAN) : زرد، زرین
YELLOW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*GHEL-, *GHLŌ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
GEEL	: (DUTCH) هلندی :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	اوستایی (AVESTAN) :
ZHLŪTŪ, ZELENŪ, ZHLITŪ		ZARI-, ZARETA, ZARISH
ZHOLTI	: (POLISH) لهستانی	*ZARTA : (OLD PERSIAN)
ZELENUII, ZHELTIIJ	: (RUSSIAN) روسی	ZART, ZARD : (PAHLAVI) پهلوی
ZHLUTÝ	: (CZECH) چک	ZERD : (OSSTIC) اوستی
ZHUT	: (SERBIAN) صربی	ZER, ZERIN : (KURDISH) کردی
ZHLTY	: (SLOVAK) اسلواکی	ZARD : (BALUCHI) بلوجی
ZHEIVAS,	: (LITHUANIAN) لیتوانی	ZIYAR, ZHER : (AFGHANI) افغانی (پشتو)
ZAIVAS, ZHELVAS, GELSVAS		HÁRIS, HARITA : (SANSKRIT) سانسکریت
DZELTĀNS	: (LATVIAN) لترنی (لتی)	ZARTAGOIN : (ARMENIAN) ارمنی
GELA	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن	KHLOOS, CHLŌRÓS : (GREEK) یونانی
GELATYNAN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	HELVUS : (LATIN) لاتین
GILVUS	: (GAULISH) گالی	JAUNE : (FRENCH) فرانسه
GELL	: (GAELIC) گالیک	GIALLO : (ITALIAN) ایتالیایی
DHELPĒRE	: (ALBANIAN) آلبانی	GALBEN, GLALLO : (RUMANIAN) رومانی
		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
REFERENCES	پسگشت ما	GULR
POKORNY:	429	GELO : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
BARNHART:	(YELLOW) 1253	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
DELAMARRE:	(JAUNE, VERT) 238	GELO
MACKENZIE:	(YELLOW) 141	GELB : آلمانی (GERMAN)
BUCK:	1059	GEOLU, GEOLWE : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
ONIONS:	(YELLOW) 1019	YELLOW : انگلیسی (ENGLISH)
SKEAT:	(YELLOW) 728	GUL : دانمارکی (DANISH)
AMINDAROV:	(ZER) 174, (ZERIN) 175	GUL : سوئدی (SWEDISH)
برهان قاطع :	۱۰۱۲	GUL : نروژی (NORWEGIAN)

۱- بازگشت به: زر.

۲- چم این واژه در برخی زبان‌های اسلامی سبز مایل به زرد.

ZEREH	زره	فارسی (PERSIAN)
ARMOR, ARMOUR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*GHLĀD	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
CHALAZŌ, CHÉLADA : (GREEK) یونانی	ZRADA, ZRĀDHA : (AVESTAN) اوستایی	
AD-GLADUR : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	ZRĒH, ZEREH : (PAHLAVI) پهلوی	
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY: 451		
MACKENZIE: (ARMOUR) 102		
برهان قاطع: ۱۰۱۹		

ZIRX, ZIRĪ	کردی (KURDISH)
ZIRIH	بلوچی (BALUCHI)
ZIRA	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
HRĀDATE	سانسکریت (SANSKRIT)
HRADĀ.	

یادداشت:

واژه‌ی "زراد" و "زرادخانه" نیز از همین واژه‌ی اند.

ZESHT	زشت	فارسی (PERSIAN)
UGLY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*GHEIS-, *GHEIZD-, *GHEIZDHOS, *GHEIZDH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
GEIST آلمانی (GERMAN)	ZAĒSHA-, اوستایی (AVESTAN)	
GĀST انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	ZŌISHNU-, ZŌIZHDISHTA- پهلوی	
GHOST انگلیسی (ENGLISH)	ZISHT, ZESHT : (PAHLAVI) افغانی (AFGHANI)	
GEEST هلندی (DUTCH)	ZIXT سانسکریت (SANSKRIT)	
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY: 427		
BARNHART: (GHOST) 431		
MACKENZIE: (UGLY) 138		
ONIONS: (GHOST) 396		
SKEAT: (GHOST) 238		
برهان قاطع: ۱۰۲۱		

ZAĒSHA-, اوستایی (AVESTAN)	
ZŌISHNU-, ZŌIZHDISHTA- پهلوی	
ZISHT, ZESHT : (PAHLAVI) افغانی (AFGHANI)	
ZIXT سانسکریت (SANSKRIT)	
HĒDĀS گوتیک (GOTHIC)	
US-GEISNAN, ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	
US-GAISJAN GEISKA ساکسونی کهن (OLD SAXON)	
JĒST, GĀST فریزی کهن (OLD FRISIAN)	
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	
HĒD, HEDAH, GEIST	

یادداشت:

چم آغازین این واژه: وحشت انگیز، خشم آور، دهشت، غصب.
چم این واژه در آلمانی و انگلیسی: روح، شبح.

ZEMESTAN		فارسی (PERSIAN) : زمستان
WINTER		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHEI-, *GHEIM-, *GHIOM-, *GHEIMON		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ZIMA	: (RUSSIAN) روسی	اوستایی (AVESTAN) : ZYĀ, ZYĀM, ZĀEM
ZIMA	: (CZECH) چک	پهلوی (PAHLAVI) : ZAM-, ZAMESTAÑ
ZIMA	: (SERBIAN) صربی	اوستی (OSSETIC) : ZIMAG, ZUMÄG
ZIMA	: (BOHEMIAN) بوهمی	کردی (KURDISH) : ZIVISTAN
ZIMA	: (SLOVAK) اسلواکی	افغانی (پشتو) (AFGHANI) : ZHĒMAY
ZHIEMA	: (LITHUANIAN) لیتوانی	سanskrit (SANSKRIT) : HĒMAN,
ZIEMA	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	HEMANTĀS, HĒMA-
GIAMONIOS	: (GAULISH) گالی	ارمنی (ARMENIAN) : JIUN, ZMERN
DIMĒN	: (ALBANIAN) آلبانی	بوనانی (GREEK) : KHEIMŌN
KIMANZA	: (HITTITE) هبخت	لاتین (LATIN) : HIEMS
REFERENCES	پسگشت‌ها	فرانسه (FRENCH) : HIVER
POKORNY:	425-426	اسپانیایی (SPANISH) : INVERNO
DELAMARRE:	(HIVER) 194	ایتالیایی (ITALIAN) : INVERNO
MACKENZIE:	(WINTER) 140	رومانی (RUMANIAN) : IARNĀ
BUCK:	1013-1016	پرتغالی (PORTUGUESE) : INVERNO
AMINDAROV:	(WINTER) 310	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) : ZIMA
برهان قاطع:	۱۰۲۸ و ۱۰۳۱	لهستانی (POLISH) : ZIMA

یادداشت:

چم واژه‌ی JIUN در زبان ارمنی: برف.
چم این واژه در زبان گالی: نام یکی از ماه‌های زمستان.

ZAMIN		فارسی (PERSIAN) : زمین
EARTH, LAND		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHEM-, *GHOM-, *DHEGHŌM		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ZAMIK, ZAMĪG	: (BALUCHI) بلوجی	اوستایی (AVESTAN) : ZĀM-
JMAKA	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)	پهلوی (PAHLAVI) : ZAMĪK
TKAM	: (TOKHARIAN A) A تخاری	اوستی (OSSETIC) : ZÄX, ZÄNXÄ

SEMMIN, : <i>(OLD PRUSSIAN)</i>	پروسی کهن	تخاری
SAME		санскрит
DÚ, DQN , : <i>(OLD IRISH)</i>	ایرلندی کهن	يونانی
DHE	: <i>(ALBANIAN)</i>	لاتین
TEKAN	: <i>(HITTITE)</i> هفت	اسلاوی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	414-415
DELAMARRE:	(LA TERRE) 181
MACKENZIE:	(EARTH) 112
BUCK:	16-17
SKEAT:	(GHEL-, GHEM) 757
۱۰۴۲	برهان قاطع :

KEM	: <i>(TOKHARIAN B)</i> B	تخاری
KSAM, JMÁ	: <i>(SANSKRIT)</i>	санскрит
KHTHON	: <i>(GREEK)</i>	يونانی
HUMUS	: <i>(LATIN)</i>	لاتین
	: <i>(OLD CHURCH SLAVIC)</i>	اسلاوی کهن
ZEMLJA		
ZIEMIA	: <i>(POLISH)</i>	لهستانی
SEMLYA	: <i>(RUSSIAN)</i>	روسی
ZÉMÉ	: <i>(CZECH)</i>	چک
ZEMLJA	: <i>(SERBIAN)</i>	صربی
ZEMĚ	: <i>(BOHEMIAN)</i>	بوهمی
ZEM	: <i>(SLOVAK)</i>	اسلواکی
ZHĒME	: <i>(LITHUANIAN)</i>	لیتوانی
ZEME	: <i>(LATVIAN)</i> (لتی)	لتوانی (لتی)

ZAN		فارسی (: <i>PERSIAN</i>) : زن
WOMAN		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*GWĒNA, *GWNAS, *GWEN-, *GWĒNIS		هند و اروپایی (: <i>INDO-EUROPEAN</i>)
KONA, KVĀN		اوستایی (: <i>AVESTAN</i>)
QVENA, : <i>(OLD SAXON)</i>	ساکسونی کهن	پهلوی (: <i>PAHLAVI</i>)
QVĀN		کردی (: <i>KURDISH</i>)
	آلسانی کهن (: <i>OLD HIGH GERMAN</i>)	بلوچی (: <i>BALUCHI</i>)
QUENA, GUENA		افغانی (پشتو) (: <i>AFGHANI</i>)
CWENE, : <i>(OLD ENGLISH)</i>	انگلیسی کهن	نخاری A (: <i>TOKHARIAN A</i>) A
CWĒN		نخاری B (: <i>TOKHARIAN B</i>) B
QUEAN, QUEEN	انگلیسی (: <i>ENGLISH</i>)	санسکرت
KVINDE, KONE	دانمارکی (: <i>DANISH</i>)	ارمنی (: <i>ARMENIAN</i>)
KVINNA, KONA	سوئدی (: <i>SWEDISH</i>)	يونانی (: <i>GREEK</i>)
KVINNE	نروژی (: <i>NORWEGIAN</i>)	گوتیک (: <i>GOTHIC</i>)
QUENE	هلندی (: <i>DUTCH</i>)	
	اسلاوی کهن (: <i>OLD CHURCH SLAVIC</i>)	ابسلندی کهن (: <i>OLD SCANDINAVIAN</i>)

ZONJË

:*ALBANIAN* آلبانی

REFERENCES

پسگشت ها

POKORNÝ:	473
BARNHART:	(QUEAN, QUEEN) 874
DELAMARRE:	(FEMME) 49
MACKENZIE:	(WOMAN) 140
BUCK:	82-83
ONIONS:	(QUEAN, QUEEN) 731
SKEAT:	(QUEAN) 491, (QUEEN) 492
۱۰۳۳	برهان قاطع :

ZHENA

:*POLISH* لهستانی

ZENA, ZENSHCHINA :*RUSSIAN* روسی

ZHĚNA :*CZECH* چک

ZHENA :*SERBIAN* صربی

ZHĒNA :*SLOVAK* اسلواکی

ZHENA :*BOHEMIAN* بوهمی

ZHMONA :*LITHUANIAN* لیتوانی

SIEVA :*LATVIAN* لتونی (لتی)

GENNA :*OLD PRUSSIAN* پروسی کهن

GÉN, BEN :*OLD IRISH* ایرلندی کهن

BENYW :*WELSH* ولزی

یادداشت:

در انگلیسی نوین چم QUEAN "زن پُررو، سلطنه" است و چم QUEEN "ملکه" است.

Zanax, Zanaxdān

:*PERSIAN* فارسی

CHIN

چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:

*GÉNW-, *GONEDH-, *GNEDH

:*INDO-EUROPEAN* هند و اروپایی

ZIN, KIN :*OLD FRISIAN* فربزی کهن

ZANVA :*AVESTAN* اوستایی

KINNI :*OLD HIGH GERMAN* آلمانی کهن

:*KURDISH* کردی

KINN :*GERMAN* آلمانی

CHENE, CHENG, ZAND افغانی (پشتو)

CIN :*OLD ENGLISH* انگلیسی کهن

ZĚNA :*AFGHANI* افغانی (پشتو)

CHIN :*ENGLISH* انگلیسی

ŠANWEM :*TOKHARIAN A* A تخاری

KIND :*DANISH* دانمارکی

HANUS :*SANSKRIT* سانسکریت

KIND :*SWEDISH* سوئدی

CNAUT :*ARMENIAN* ارمنی

KIND :*NORWEGIAN* نروژی

GÉNY :*GREEK* یونانی

KIN :*DUTCH* هلندی

GENA, GENAE :*LATIN* لاتین

ZÁNDAS :*LITHUANIAN* لیتوانی

KINNUS :*GOTHIC* گوتیک

GIN :*OLD IRISH* ایرلندی کهن

:*OLD SCANDINAVIAN* ایسلندی کهن

GEN :*WELSH* ولزی

KINN :*OLD SAXON* ساکسونی کهن

ONIONS:	(CHIN) 170	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(CHIN) 107	POKORNÝ:	381
AMINDAROV:	(CHIN) 199	BARNHART:	(CHIN) 166
برهان قاطع:		BUCK:	220-224

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ارمنی و لاتین و گوتیک و زبان‌های اسکاندیناوی: گونه.
 چم این واژه در زبان‌های لیتوانی و تخاری: آرواره.
 چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: دهان.

ZENDÉ, ZĒVĀ	فارسی (PERSIAN): زنده، زیوا
LIVE, ALIVE	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GWĪWOS, *GWĪ, *GWIŌW-, *GWEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KVIKR	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	اوستایی (AVESTAN)
QUIK	ساکسونی کهن (OLD SAXON)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
QUIK	فریزی کهن (OLD FRISIAN)	JIVANT, JIV-
QUEC	آلسانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	ZINDAK, پهلوی (PAHLAVI)
KECK	آلسانی (GERMAN)	ZHVANDAK,
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	ZINDAG, ZWISHNOMAND
CWICU, CUIC		ZINDI, JINDAR کردی (KURDISH)
QUICK	انگلیسی (ENGLISH)	ZHWANDAY افغانی (پشتو) (AFGHANI)
KVIK	دانمارکی (DANISH)	SANSKRIT سانسکریت (SANSKRIT)
QVICK	سوئدی (SWEDISH)	JĪVAS, JĪWANA, JIV بونانی (GREEK)
KVIKK	نروژی (NORWEGIAN)	BIOS, ZŌĒ لاتین (LATIN)
KWIK	هلندی (DUTCH)	VĪVUS فرانس (FRENCH)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	VIVANT اسپانیایی (SPANISH)
ZHIVŪ		VIVO ایتالیایی (ITALIAN)
ZHIJACI	لهستانی (POLISH)	VIU رومانی (RUMANIAN)
	روسی (RUSSIAN)	VIVO پرتغالی (PORTUGUESE)
ZHIVAJ, ZHIT, JIVOTI		QIUS, QIWAI گوتیک (GOTHIC)
	چک (CZECH)	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	467-469
BARNHART:	(QUICK) 875
DELAMARRE:	223
MACKENZIE:	
(ALIVE) 102, (LIVING) 122	
BUCK:	285-286
ONIOS:	(QUICK) 731
SKEAT:	(QUICK) 492
AMINDAROV:	(ALIVE) 183
۱۰۸۴	برهان قاطع:

NAZHIVU, ZHIJICI	
ZHIV, ZHVJETI	: (SERBIAN)
ZHIVOUCHI	: (BOHEMIAN)
NAJHIVE, ZHIVÝ	: (SLOVAK)
GÝVAS, GYVENTI	: (LITHUANIAN)
DZIVS, DZIGA	: (LATVIAN)
BEO, BIU	: (OLD IRISH)
BIW	: (WELSH)
BEVA	: (BRETON)
BIW	: (GAELIC)

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان آلمانی نوین: سرزنده.
- چم این واژه در زبان هلندی: جبره.
- یکی از چم‌های واژه‌ی انگلیسی QUICK: زنده.
- بازگشت به: زیستن.

فارسی (PERSIAN): زوت، زوتر، زاوتر (به چم "موبد زرتشتی مامور تهیه کردن آب مقدس")	
ZOT, ZAOTAR, ZAVTAR	
(ZOROASTRIAN) PRIEST	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GHEW-, *GHEWD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
JATA	فریزی کهن (OLD FRISIAN) : (AVESTAN)
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : (PAHLAVI)
GIOZZAN, GUSSA	
GIESSEN	آلمانی (GERMAN) : (SANSKRIT)
GÉOTAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : (JUHOTI, JUHUTE, ZOTAR)
GUSH	انگلیسی (ENGLISH) : (ARMENIAN)
GYDE	دانمارکی (DANISH) : (GREEK)
GIOTA	سوئدی (SWEDISH) : (LATIN)
GOTA	نروژی (NORWEGIAN) : (GOTHIC)
GOOT, GUDSEN	هلندی (DUTCH) : (OLD SCANDINAVIAN)
	لیتوانی (LITHUANIAN) : (GÓTA, GUSTR, GUSA)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	447-448
MACKENZIE:	(ZOT) 99
SKEAT:	(GUSH) 255
۱۳۰۹ و ۱۳۰۰۲	لغت‌نامه دخدا:

VAUSÚS, GAUSÉTI

GAUSS : (LATVIAN) لتونی (لتی)

یادداشت:

۱- واژه‌ی "زور" به چم "آب مقدس که در مراسم زرتشتی پاشیده می‌شد" نیز از همین واجریشه است (اوستایی: ZAOTHRA، پهلوی: ZŌHR).

۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و زبان لاتین: جاری شدن، آبگزنه شدن.

۳- چم این واژه در زبان ارمنی: آبکد، دره.

ZOOD	زود : (PERSIAN)
SOON, QUICK, QUICKLY	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*GEW-, *GEWð-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)	اوستایی (AVESTAN) ZŌT, JAVA
KEYRA	پارسی باستان (OLD PERSIAN) ZŪTA
	پهلوی (PAHLAVI) ZŌT, ZŪD
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	399
MACKENZIE:	(QUICK) 129
۱۰۴۳	برهان قاطع:

کردی (KURDISH) ZŪ, ZŪT, ZIT, ZITH
بلوچی (BALUCHI) ZŪT, ZIT, ZITH
افغانی (پشتو) ZHĒR
سانسکریت (SANSKRIT) JUTA, ZHURITI

یادداشت:

شاید این واژه‌ها هم از همین واجریشه باشند: گوتیک: SĀN، انگلیسی کهن: SÔNA، انگلیسی: SOON

ZŪR, ZŪRMAN	زور، زرومند : (PERSIAN)
FORCE, POWER, MIGHT, STRENGTH	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*GEW-, *GEWE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SURAH, JUNĀTI, SÁVIRAS	اوستایی (AVESTAN) ZĀVAR
ZAUR	پهلوی (PAHLAVI) ZŌR, ZORIG
KUROS	کردی (KURDISH) ZORBE
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) (شاید)	سانسکریت (SANSKRIT) :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	399
AMINDAROV:	(STRONG) 178
۱۰۴۳	برهان قاطع:

CAUR
کالی (GAULISH) (شاید)
CAWR

ZÜR	زور (به چم "نادرست و دروغ") (PERSIAN)	فارسی (PERSIAN)
FALSE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*GWEL-, *GHWEL-, *GWELOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
FALSE	انگلیسی (ENGLISH)	اوستایی (AVESTAN)
FALSK	دانمارکی (DANISH)	ZBARAH, ZBAREMNA, ZĀWAR
FALSK	سوئدی (SWEDISH)	ZŪR
FALSK	نروژی (NORWEGIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
VALS	هلندی (DUTCH)	سانسکریت (SANSKRIT)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	HVÁLATI, HVÁRATE
ZŪLŪ		يونانی (GREEK)
ZOL	روسی (RUSSIAN)	لاتین (LATIN)
	لیتوانی (LITHUANIAN)	
ZHALÚS, NUOZHVELNUS		FALSUS, FALLŌ, FALLERE
ZVEL'U, ZVALNS : (LATVIAN)	لتونی (لتی)	فرانسه (FRENCH)
		اسپانیایی (SPANISH)
		ایتالیایی (ITALIAN)
		رومانی (RUMANIAN)
		پرتغالی (PORTUGUESE)
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
		FALSKUR
		FALSCH
		فربیزی کهن (OLD FRISIAN)
		آلمانی میانه (MIDDLE HIGH GERMAN)
		VALSCH
		FALSCH
		آلمانی (GERMAN)
		انگلیسی میانه (MIDDLE ENGLISH) (از فرانسه)
		FALS

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	489
BARNHART:	(FALSE) 367
MACKENZIE:	(FALSE) 113
ONIONS:	(FALSE) 344
SKEAT:	(FALSE) 208
۱۳۰۰۹	لغت‌نامه دهخدا:
۱۷۶۰	فرهنگ معین:

بادداشت:

این واژه عربی نیست و شکل عربی آن از فارسی گرفته شده است.

ZEH	زه (به چم "چلهی کمان") : (PERSIAN)
BOW- STRING	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*GWIJA-, *GVIOS, *GWIHÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
GIJÁ	لیتوانی (LITHUANIAN) :
REFERENCES	پشت‌ها
POKORNY:	481
DELAMARRE:	
(CORDE D'ARC)	115
MACKENZIE:	(BOW-STRING) 105
MALLORY & ADAMS:	GW (I)IEH-
1046	برهان قاطع :
JHYĀ	اوستایی (AVESTAN) :
ZĪH	پهلوی (PAHLAVI) :
ZHIH	کردی (KURDISH) :
JIGH	بلوچی (BALUCHI) :
ZHAI	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
JYĀ	سانسکریت (SANSKRIT) :
BIÓS	یونانی (GREEK) :
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن
ZHICA	

بادداشت:

در پازند این واژه بدین صورت است: JIK

ZAHR	زهر : (PERSIAN)
POISON	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*GWHN-TRO, *GWHEN	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پشت‌ها
POKORNY:	491-493
MACKENZIE:	(POISON) 127
THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE:	
(GWHEN)	2031
AMINDAROV:	(POISON) 269
1074	برهان قاطع :
JATHRA	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
ZAHR	پهلوی (PAHLAVI) :
	کردی (KURDISH) :
JEHR, ZHĀHR, ZHĀHR, ZHĀIR	
ZAHR	بلوچی (BALUCHI) :
ZAHR	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
ZHAHR, ZAHUR	ارمنی (ARMENIAN) :
ZATRUC	لهستانی (POLISH) : (شاید)

بادداشت:

واژه‌ی انگلیسی BEZOAR (فرانسه: BEZARD) پرتغالی: BEZOAR؛ اسپانیایی: BEZÁR؛ عربی

(58-59: SKEAT) بادزه "BADZAH" نیز از واژه‌ی فارسی "پادزه" گرفته شده است

ZIYĀN		فارسی (PERSIAN) : زیان
LOSS, DAMAGE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*GWEI-, *GWI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
BIAŌ	: (GREEK) یونانی	اوستایی (AVESTAN) :
REPERENCES	پسگشت‌ها	پهلوی (PAHLAVI) :
POKORNÝ:	469	اوستی (OSSETIC) :
MACKENZIE:		کردی (KURDISH) :
(DAMAGE) 109, (LOSS) 122		بلوچی (BALUCHI) :
BUCK:	760-762	افغانی (پشتو) (APGHANI) :
AMINDAROV:	(DAMAGE) 208	санسکریت (SANSKRIT) :
برهان قاطع : ۱۰۵۰		ارمنی (ARMENIAN) :

ZIR		فارسی (PERSIAN) : زیر
UNDER		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*NDHEROS, *NDHOS, *NDHERI		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
INFRA, INFÉRUS	: (LATIN) لاتین	اوستایی (AVESTAN) :
INFERIEUR	: (FRENCH) فرانسه	ADHARŌ, ADARō, ADHAIRI
INFERIOR	: (SPANISH) اسپانیایی	پهلوی (PAHLAVI) :
IFERIORE	: (ITALIAN) ایتالیایی	ĒR, RZHĒR, AZIR, AZISHKEH
INFERIOR	: (PORTUGUESE) پرتغالی	کردی (KURDISH) :
UNDAR	: (GOTHIC) گوتیک	بلوچی (BALUCHI) :
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	CĒRĀ
UNDIR		تخاری A (TOKHARIAN A) :
UNDAR	: (OLD SAXON) ساکونی کهن	تخاری B (TOKHARIAN B) :
UNDER	: (OLD FRISIAN) فربیزی کهن	سانسکریت (SANSKRIT) :
	(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	ADHÁS, ÁDHARAS
UNTAR		ارمنی (ARMENIAN) :
UNTER	: (GERMAN) آلمانی	ATHEROS (GREEK) (شاید) یونانی :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	771
BARNHART:	(UNDER) 1184
DELAMARRE:	
(SOUS, AU-DESSOUS)	300
MACKENZIE:	(UNDER) 138
ONIONS:	(UNDER) 958
SKEAT:	(UNDER) 679
۱۰۵۱	برهان قاطع:

UNDER	: (OLD ENGLISH)
UNDER	: (ENGLISH)
UNDER	: (DANISH)
UNDER	: (SWEDISH)
UNDER	: (NORWEGIAN)
ONDER, UNDER	: (DUTCH)

پادداشت:

چم این واژه در زبان‌های رومانس: هست.

ZISTAN, ZIST, ZI	فارسی (PERSIAN): زیستن، زیست، زی
LIVE, LIFE, BIO-	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GWIWÔ, *GWEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	اوستایی (AVESTAN):
ZHIVÔ, ZHITI	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
ZHIC	لهستانی (POLISH): لهستانی
ZHIT	روسی (RUSSIAN): روسی
ZHIVOT, ZHIVÝ	چک (CZECH): چک
ZHITI	بوهمی (BOHEMIAN): بوهمی
ZHIVOT, ZHIVÝ	اسلواکی (SLOVAK): اسلواکی
GYVAS	لیتوانی (LITHUANIAN): لیتوانی
DZĪVOUT	لتونی (LATVIAN): لتونی (لتی)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	467-468
DELAMARRE:	(VIVRE) 260
MACKENZIE:	
(LIVE) 122, (LIFE) 121	
۱۰۳۸ و ۱۰۵۳	برهان قاطع:
۱۷۷۱	فرهنگ معین:

ZIVISHN, JIV	کردی (KURDISH): کردی
ZISTAN, SIWISTAN, : (PAHLAVI)	افغانی (پشتو) (AFGHANI): افغانی (پشتو)
ZITISHN, ZIWISHNIH	تخاری A (TOKHARIAN A): تخاری A
JIYIN	تخاری B (TOKHARIAN B): تخاری B
ZHWEND	санسکریت (SANSKRIT): سانسکریت
SO-	يونانی (GREEK): یونانی
SAU-	لاتین (LATIN): لاتین
JIVATI	فرانسه (FRENCH): فرانسه
EBIÖN	اسپانیایی (SPANISH): اسپانیایی
VIVÔ, VIVERE	ایتالیایی (ITALIAN): ایتالیایی
VIVRE	رومانی (RUMANIAN): رومانی
VIVIR	پرتغالی (PORTUGUESE): پرتغالی
VIVERE	
VIETUI	
VIVER	

یادداشت:

بازگشت به: زنده.

ZIN, ZĒN	فارسی (PERSIAN) : زین
SADDLE, WEAPON	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GHEI-, *GHĒI-, *GHI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ZHAIZDÀ, ZHEIDZHIÙ, ZHEIDZHUAU	اوستایی (AVESTAN) :
GŌITE, GAI : (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	424
BARNHART:	(GOAD) 439
MACKENZIE:	(ZĒN) 99
BUCK:	
(WEAPONS) 1383-1384	
ONIONS:	(GOAD) 403
SKEAT:	(GOAD) 243-244
۱۷۷۲	فرهنگ معین:
۱۰۵۷	برهان قاطع:
ZĒNAWAND	ZĒNAWAND (زره اسب)
ZINDON	ZINDON (مشیار، بیدار)
ZINHĀR	ZINHĀR (پهلوی: زندان)
ZINYH	ZINYH (سغدی: زندان)
ZĒNABZĀR	ZĒNABZĀR (آرمنی: ZĒNABZĀR)
ZNDAN	ZNDAN (آرمنی: ZNDAN)
ZYNYH	ZYNYH (لیتوانی: ZYNYH)
GAIDO	GAIDO
GĀD	GĀD (انگلیسی کهن: GĀD)
GOAD	GOAD (انگلیسی: GOAD)
GEDDA	GEDDA (آلمانی کهن: GEDDA)
GAIDO	GAIDO (انگلیسی: GAIDO)
GĀD	GĀD (انگلیسی کهن: GĀD)
GOAD	GOAD (انگلیسی: GOAD)
LITHUANIAN	LITHUANIAN (لیتوانی: LITHUANIAN)

یادداشت:

۱- این واژه در زبان پهلوی دارای دو چم بود: سلاح، زین (در پهلوی این واژه‌های هم‌ریشه هم وجود داشتند: Z(I)NDAN: زندان، زندان) و ZĒNAWAND (مشیار، بیدار). به پندار من واژه‌ی "زنده" (پهلوی: زندان) (ZNDAN: آرمنی: ZNDAN) و واژه‌ی "زنهار" یا "زنhar" (پهلوی: ZINHĀR: سغدی ZINYH: لیتوانی: ZYNYH) نیز از همین واجریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان انگلیسی (Zyndan: نیزه، سکه).

۳- چم این واژه در زبان‌های ایرلندی کهن و لیتوانی: زخم، زخمی کردن

ZHĀLÈ	فارسی (PERSIAN) : زاله
DEW	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GHELD-, *GHELƏD-, *GHELƏDĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ZHĀLA	پهلوی (PAHLAVI) :
ZHĀLA	افغانی (پشتو) (Afghan)

(SANSKRIT) سانسکریت

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	435
MALLORY & ADAMS:	GHELD
١٠٥٧	برهان قاطع :
١٧٧٥	فرهنگ معین :
١٣١٣٤	لخت نامه دخدا :

JADA, *JHARDAK	(SANSKRIT) سانسکریت
KHÁLASA	یونانی (GREEK) یونانی
ZHTODŹ, ZRASZAĆ	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
ZHLÉDICA	لهستانی (POLISH) لهستانی
ZHLÉDICA	روسی (RUSSIAN) روسی
ZHLÉD	اسلوین (SLOVENE) اسلوین

ZGARF	زرف (PERSIAN)
DEEP	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*DHEUB-, *DHUB-, *DHOUB-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
DYB	: (DANISH) دانمارکی
DJUP	: (SWEDISH) سوئدی
DYP	: (NORWEGIAN) نروژی
DIEP	: (DUTCH) هلندی
DUBŪS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
DUŌBS	: (LATVIAN) لٹونی (لتی)
DOMAIN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
DWFN	: (GAULISH) گالی
DWFN	: (WELSH) ولزی
DOUN	: (BRETON) برتونی
ZHAFRA, JAIWA-	: (AVESTAN) اوستایی
ZOFĀY, ZOFR, ZUFAR, ZAFR, AWP'Y	: (PAHLAVI) پهلوی
ARF	: (OSSETIC) اوستی
ZHIOR	: (KURDISH) کردی
JUHL, JAHL	: (BALUCHI) بلوجی
ZHAVAR, ZHAWĒR	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
TOP	: (TOKHARIAN A) A تخاری A
TAUPE	: (TOKHARIAN B) B تخاری B
BUTHÓS	: (GREEK) یونانی
DIUPS	: (GOTHIC) گوتیک
DJŪPR	: (OLD SVANDINAULAN) ایسلندی کهن
DIOP, DIAP	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
DIAP	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
TIUF, TIOF	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
TIEF	: (GERMAN) آلمانی
DĒOP	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
DEEP	: (ENGLISH) انگلیسی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	264
BARNHART:	(DEEP) 258
DELAMARRE:	
(FOSS, PROFONDEUR)	181
MACKENZIE:	(DEEP) 110
BUCK:	891-892
ONIONS:	(DEEP) 250
SKEAT:	(DEEP) 159
١٠٥٩	برهان قاطع :

DIOP, DIAP	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
DIAP	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
TIEF	: (GERMAN) آلمانی
DĒOP	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
DEEP	: (ENGLISH) انگلیسی

یادداشت:

وابستگی واژه‌های ایرانی این فهرست با واجریشه‌ی هند و اروپایی و سایر واژه‌های این فهرست که از آن واجریشه ناشی شده‌اند قطعی نیست و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی واژه‌ی (شاید) آمده است.

SĀR	سار (به چم "گونه‌ای پرنده") فارسی (PERSIAN):
STARLING	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی: هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
*STOROS, *STORNOS, *STRNOS	: (INDO-EUROPEAN)
STARE	سوئدی : (SWEDISH)
STAR	نروژی : (NORWEGIAN)
STRENÁTKA	روسی : (RUSSIAN)
STRNAD	چک : (CZECH)
SHARKA	لیتوانی : (LITHUANIAN)
STARNITE	بروسی کهن : (OLD PRUSSIAN)
SĀR	پهلوی : (PAHLAVI)
SARIK	ارمنی : (ARMENIAN)
STURNUS	لاتین : (LATIN)
ÉTOURNEAU	فرانسه : (FRENCH)
ESTORNINO	اسپانیایی : (SPANISH)
ESTORNINHO	پرتغالی : (PORTUGUESE)
	ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKorny:	1036
BARNHART:	(STARLING) 1061
ONIONS:	(STARLING) 864
SKEAT:	(STARLING) 599
MALLORY & ADAMS:	KARHKHEHA
1068	برهان قاطع :
STAR	آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)
ATAR, STARA	
STAR	آلمانی : (GERMAN)
	انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)
STAR, STEARN	
STARLING	انگلیسی : (ENGLISH)
STAR	دانمارکی : (DANISH)

SĀSTA	ساستا (به چم "حکمران، حاکم مستبد") فارسی (PERSIAN):
RULER, TYRANT	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی: هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
*KĀS-, *KƏS-	: (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKorny:	533
MACKENZIE:	
(COMMANDER) 107, (TYRANT) 138	
۱۳۲۹۴-۱۳۲۹۵	لغت‌نامه دهدزا:
۱۰۷۲	برهان قاطع :
۱۸۹۶	فرهنگ معین:
SĀSTA-, SĀSTI-, SĀSTAR	اوستایی : (AVESTAN)
SĀSTĀR	پهلوی : (PAHLAVI)
SĀSTI, SĀSTAR-	санسکریت : (SANSKRIT)
SAST, SASTEM	ارمنی : (ARMENIAN)

SĀL	سال	فارسی (PERSIAN):
YEAR		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*KEL		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	اوستایی (AVESTAN):
LAŌ, LĀWĒR		پارسی باستان (OLD PERSIAN):
LAU	: (GERMAN) آلمانی	SARDHA-, THARD-
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	SĀL
HLĒOWE, HLEO		: (PAHLAVI) پهلوی
LUKE(WARM)	: (ENGLISH) انگلیسی	SÄRD, SÄRDÄ
LUM, LUMMER	: (DANISH) دانمارکی	: (OSSETIC) اوستی
LUM,LUMMER	: (NORWEGIAN) نروژی	SĀL
LEUK	: (DUTCH) هلندی	: (KURDISH) کردی
	: (LITHUANIAN) لیتوانی	SĀL
SHILUS, SHILTAS, SHYLÚ		: (BALUCHI) بلوچی
CLYD, CLAEAR	: (WELSH) ولزی	SĀL
KLOUAR	: (BRETON) برتونی	: (AFGHANI) افغانی (بشترا)
REFERENCES	پسگشت‌ها	SARÁD, SARD-
POKORNÝ:	551-552	-SARD
BARNHART:	(LUKEWARM) 614	: (SANSKRIT) سانسکریت
MACKENZIE:	(YEAR) 141	: (ARMENIAN) ارمنی
BUCK:		: (LATIN) لاتین
1011-1012, (HOT)	1077	CALEŌ, CALĒRE, CALDUS
RAMAT:	134	CHAUD, CHALEUR
۱۰۷۳	برهان قاطع:	: (FRENCH) فرانسه

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	551-552
BARNHART:	(LUKEWARM) 614
MACKENZIE:	(YEAR) 141
BUCK:	
1011-1012, (HOT)	1077
RAMAT:	134
۱۰۷۳	برهان قاطع:

یادداشت:

۱- بازگشت به: سرد.

۲- واژه‌ی "کالری" (CALORIE) نیز از همین واژه‌ی است.

۳- چم این واژه در زبان ساکسونی کهن: سوختن.

چم این واژه در زبان‌های رومانس و زبان ولزی: گرم، گرما.

چم این واژه در زبان ژرمنی: نیم‌گرم، ولرم، ملایم.

چم این واژه در زبان سانسکریت: پائیز.

SĀN, SOHĀN, FASĀN	سان، سوهان، فسان	فارسی (PERSIAN) :
WHETSTONE, HONE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KŌ(I), *KĒ(I), *KOHNOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	541-542	SAĒNI : (AVESTAN)
BARNHART:	(HONE) 489	KANTAS : (TOKHARIAN B) B
ONIONS:	(HONE) 446	SĀNA, SHANAS : (SANSKRIT)
SKEAT:	(HONE) 276	KŌNOS : (GREEK)
MALLORY & ADAMS:	KOH, NOS	CŌS, CŌTIS : (LATIN)
۱۰۷۶-۱۰۷۷	برهان قاطع :	COTE : (ITALIAN)
۱۸۱۰	فرهنگ معین :	HEIN : (OLD SCANDINAVIAN)
۱۳۳۶۶	لغت‌نامه دهخدا :	HĀN : (OLD ENGLISH)

AVESTANI	: (AVESTAN)
TAXARI	: (TOKHARIAN B) B
SANSKRIBT	: (SANSKRIT)
YONANI	: (GREEK)
LĀTIN	: (LATIN)
ITALIAN	: (ITALIAN)
ÆSLENDEI KHEN	: (OLD SCANDINAVIAN)
ANGLISCHI KHEN	: (OLD ENGLISH)
ENGLISH	: (ENGLISH)
DANISH	: (DANISH)
SWEDISH	: (SWEDISH)

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان یونانی: مخروط درخت کاج.

۲- واژه‌های فارسی "سایدن" و "سودن" نیز از همین واژه شده‌اند (542: POKORNY)

SĀYÉ	سایه	فارسی (PERSIAN) :
SHADE, SHADOW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*SKAI-, *SKEI-, *SKI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
SKĪNA		ASĀYĀ, SAYA- : (AVESTAN)
SKĪNAN : (OLD SAXON)	ساکسونی کهن	SĀYAG : (PAHLAVI)
SKĪNA : (OLD FRISIAN)	فریزی کهن	SĪ, SÉ : (KURDISH)
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	SĀI, SĀIG : (BALUCHI)
SKĪNAN		SIYURAY : (AFGHANI)
SCHEINEN	آلمانی (GERMAN)	SKIYO : (TOKHARIAN B) B
SCĪNAN : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	CHĀYĀ : (SANSKRIT)
SHINE	انگلیسی (ENGLISH)	SKIĀ : (GREEK)
SKINNE	دانمارکی (DANISH)	SEJA : (LATIN)
SKINA	سوئدی (SWEDISH)	SKEINAN : (GOTHIC)
SKINNE	نروژی (NORWEGIAN)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پیگشت ها
POKORNY:	917-918
DELAMARRE:	(L'OMBRE) 190
MACKENZIE:	(SHADE, SHADOW) 132
BUCK:	62-63
MALLORY & ADAMS:	SKÓIHA
1079	برهان قاطع :

SCHIJNEN	: (DUTCH)
	: (OLD CHURCH SLAVIC)
SENÍ	: (CZECH)
CIEN	: (POLISH)
SEN	: (RUSSIAN)
STÍN	: (CZECH)
SJENA	: (SERBIAN)
SIÑ	: (BOHEMIAN)
SEJA, SEJS	: (LATVIAN)
HĒ, HIE	: (ALBANIAN)

داده اشت:

- واژه های انگلیسی SHADE و آلمانی SCHATTEN از یک واژه ای نزدیک به این واژه ای هند و اروپایی ناشی شده اند (POKORNY:957). به عقیده BUCK این دو واژه ای احتمالاً یکی هستند.
- چم واژه های ژرمنی این فهرست: نور دادن، درخشیدن، تاریکی را روشن کردن. چم این واژه در زبان سانسکریت: نور کم، سایه.

SEPĀRDAN, ESPĀRDAN, SEPORDAN	فارسی (PERSIAN): سپاردن، اسپاردن، سپردن
ENTRUST, GIVE	چم انگلیسی سروازه هی فارسی:
*SP(H)ER-, *SPRINAMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
APSPAREM, SPARNAL	اوستایی (AVESTAN):
SPAİRŌ, SPAÍREIN	پارسی باستان (OLD PERSIAN): بونانی (GREEK)
SPERNŌ, SPERNERE	پهلوی (PAHLAVI): لاتین (LATIN)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
SPERNA, SPORNA	پهلوی (PAHLAVI):
SPURNAN	پارسی باستان (OLD PERSIAN): ساکونی کهن (OLD SAXON)
SPURNA	کردی (KURDISH): فریزی کهن (OLD FRISIAN)
	افغانی (پشتو) (AFGHANI): آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
SPURNAN	پهلوی (PAHLAVI): سانسکریت (SANSKRIT)
	ارمنی (ARMENIAN): انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
SPEORNAN, SPURNAN	ارمنی (ARMENIAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	992-993
BARNHART:	(SPURN) 1053
DELAMARRE:	
	(HEURTER DU PIED) 284
MACKENZIE:	(TRAMPLE) 137
ONIONS:	(SPURN) 858
SKEAT:	(SPURN) 593
۱۰۸۷ و ۱۰۸۶	برهان قاطع :
۱۳۴۳۲ و ۱۳۲۴۶	لغت‌نامه دهخدا :
۹۸۲۲	فرهنگ معین :

SPURN	: (ENGLISH)	انگلیسی
SPJÄRNA	: (SWEDISH)	سوئدی
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
SPERNA		
SPIRIÙ, SPIRTI	: (LITHUANIAN)	لیتوانی
SPERT	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)
SEIR	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
ISPAR	: (HITTITE)	هفتی

یادداشت:

چم آغازین این واژه "گام برداشتن" بوده است (مثلاً واژه‌ی فارسی "رهسار") ولی در برخی زبان‌ها (به ویژه یونانی و زبان‌های رومانس و زرمنی) چم آن ابتدا "لگد زدن" و "پاگذاردن روی چیزی" بوده ولی امروزه در انگلیسی و زبان‌های اسکاندیناوی نوین) چم آن "بالگد بیرون کردن" و "با تحریر رکوردن" شده است. ضمناً چم واژه‌ی SPURDAN در پهلوی "زیر پاله کردن" بوده است.

SEPAR	فارسی (PERSIAN) :	سپر
SHIELD	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :	
*SPE(H)EL-, *SP(H)ELTĀ	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اوپوایی
: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن	پهلوی (PAHLAVI)
SPILDAN, SPALTAN		تخاری A (TOKHARIAN A)
SPALTEN	: (GERMAN)	تخاری B (TOKHARIAN B)
	آلمانی	санسکریت (SANSKRIT)
: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	
SPILLAN, SPELD	.	PHALAKAM, SPHARAM, PHARAM
SPILL	: (ENGLISH)	ارمنی (ARMENIAN)
SPILDE	: (DANISH)	یونانی (GREEK)
SPILLA	: (SWEDISH)	گوتیک (GOTHIC)
SPILLE	: (NORWEGIAN)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
SPILLEN	: (DUTCH)	SPILLA, SPJALD
		ساکسونی کهن (OLD SAXON)

MACKENZIE:	(SHIELD) 132	REFERENCES	پسگشت ها
۱۰۸V	برهان قاطع :	POKORNY:	985-986
		BARNHART:	(SPILL) 1045-1046

بادداشت:

- ۱- چم این واژه در تخاری A و B: چالش کردن، سخت کوشیدن.
 چم این واژه در گوتیک و بونانی: لوحه یا صفحه‌ای چوبی، سهر چوبی.
- ۲- چم اصلی این واژه "شکافن" و "شقه کردن" بوده است که در زبان‌های ژرمنی نوین تبدیل به "خونریزی" و "ریختن" و "نابود کردن" شده است.

SEPORZ	فارسی (PERSIAN) : سپرژ (به چم "طحال")
SPLEEN	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*SP(H)ELGH(EN), *SP(H)ELGHĀ, *SPLENGH-,	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
*SPLĒGH-	

SELG	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	SPEREZAN	: (AVESTAN) اوستایی
FELCH	: (GAELIC) گالیک	SPĀRZ, SPURZ	: (PAHLAVI) پهلوی
DELAMARRE:	(RATE) 109	PALIÁN	: (SANSKRIT) سانسکرت
MACKENZIE:	(SPLEEN) 134	P'AICALN	: (ARMENIAN) ارمنی
ONIONS:	(SPLEEN) 855	SPIĒN	: (GREEK) بونانی
SKEAT:	(SPLEEN) 589	LIĒN, LIĒNIS, SPLĒN	: (LATIN) لاتین
۱۸۲۴	فرهنگ معین :	ESPLEN	: (OLD FRENCH) فرانسه‌ی کهن
۱۳۴۳۳	لغت نامه دهخدا:	SPLEN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (از فرانسه کهن)
		SPLEEN	: (ENGLISH) انگلیسی
			: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاماوی کهن
		SLĒZENA	

SEPANTĀ, ESPANTĀ	فارسی (PERSIAN) : سپنتا، اسپنتا
HOLY	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*KWEN-, *KWENTO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
SPENĀG	: (PAHLAVI) پهلوی (AVESTAN) اوستایی
HUNSL	: (GOTHIC) گونیک SPENTA-, SPĀNAH, SPANYAH

SWENTA, SWINTS

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	630
DELAMARRE:	(SAINT) 78
MACKENZIE:	(HOLY) 118
BUCK:	(HOLY) 1475-1476
۱۳۴۴ و ۱۰۷۴	لخت نامه دهخدا:

انگلیسی کهن (*OLD ENGLISH*)

اسلاوی کهن (*OLD CHURCH SLAVIC*)

SVETÙ

لهستانی (*POLISH*)

چک (*CZECH*)

اسلواکی (*SLOVAK*)

لیتوانی (*LITHUANIAN*)

لٹونی (لتی) (*LATVIAN*)

پروسی کهن (*OLD PRUSSIAN*)

SEPEHR

فارسی (*PERSIAN*): سپهر

SPHERE, FIRMAMENT

چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:

***KWEI-, *KWEIT-, *KWEITIO-**

هند و اروپایی (*INDO-EUROPEAN*)

ESFERA

:*(PORTUGUESE)* پرتغالی

SPITRÁ :(OLD PERSIAN)* پارسی باستان

REFERENCES

پسگشت‌ها

POKORNÝ:

629

SPIHR, HUSPITR :(PAHLAVI)* پهلوی

MACKENZIE:

(SPHERE) 76

CHVITRA :*(SANSKRIT)* سانسکریت

ONIONS:

(SPHERE) 825

SPHAIRA :*(GREEK)* یونانی

SKEAT:

(SPHERE) 587

SPHÈRE, SPHAERA :*(LATIN)* لاتین

۱۰۹۲

برهان قاطع:

SPHÈRE :*(FRENCH)* فرانسه

ÉSFERA :*(SPANISH)* اسپانیایی

SFERA :*(ITALIAN)* ایتالیایی

SFERA :*(RUMANIAN)* رومانی

یادداشت:

۱- بازگشت به: سپید.

۲- واژه‌های رومانس (برگرفته از لاتین) در این فهرست در آغاز چم "گری" و "فلک" را داشتند و بعداً چم آنها "کره‌ی سماوی یا جفرافیانی" تغییر شد.

SEPĒD, SEFĒD, ESPĒD

فارسی (*PERSIAN*): سپید، سفید، اسپید

WHITE

چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:

***KWEI-, *KWEID-, *KWID-, *KWITNO-**

هند و اروپایی (*INDO-EUROPEAN*)

SIPÍ

:*(KURDISH)* کردی

SPAETA

اوستانی (*AVESTAN*)

ISPĒT, SAFĒTH

:*(BALUCHI)* بلوجی

SPĒT, SPĒD

پهلوی (*PAHLAVI*)

WIT	: (DUTCH) هولندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن
SVĒTŪ	
SVŪNUTI	: (RUSSIAN) روسی
	: (LITHUANIAN) لیتوانی
SHVIECHIV, SHVISTI	
KVITU	: (LATVIAN) لتونی (لتی)

SPIN	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	: (SANSKRIT) سانسکریت
SVĒTA, SVET-, CHEVETA, SVINDATE	
SPITAK	: (ARMENIAN) ارمنی
WHEITS, HWEITS	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
HWEITI, HWITR	
HWIT	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
HWIT	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
HWIZ	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
WEISS	: (GERMAN) آلمانی
HWIT	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
WHITE	: (ENGLISH) انگلیسی
HVID	: (DANISH) دانمارکی
HVIT	: (SWEDISH) سوئدی
HVID, KVIT	: (NORWEGIAN) نروژی

REFERENCES	پیگشت ما
POKORNÝ:	628-629
BARNHART:	(WHITE) 1233
MACKENZIE:	(WHITE) 140
BUCK:	1054
ONIONS:	(WHITE) 1004
SKEAT:	(WHITE) 712
۱۰۹۳	برهان قاطع :

SETĀRÈ	فارسی (PERSIAN) : ستاره
STAR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*STER-, *STĒR-, *STR-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اووبایی
ASTER	: (GREEK) یونانی
STĒLLA, STĒRLĀ	: (LATIN) لاتین
ÉTOILE	: (FRENCH) فرانسه
ESTRELLA	: (SPANISH) اسپانیایی
STELLA	: (ITALIAN) ایتالیایی
STEA	: (RUMANIAN) رومانی
ESTRELA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
STAIRNō	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
STJARNA	
STERRO	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
STAR-, STARō, STĀREM	: (AVESTAN) اوستایی
STĀRAK, STĀRAG, STAR	: (PAHLAVI) پهلوی
STALI	: (OSSETIC) اوستی
ISTIRK	: (KURDISH) کردی
STORAI, STORI	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
SREN	: (TOKHARIAN A) A تخاری
SCIRYE	: (TOKHARIAN B) B تخاری
STĀR-, TĀRAS	: (SANSKRIT) سانسکریت
ASTE	: (ARMENIAN) ارمنی

STERENN	: <i>(BRETON)</i>	برتونی
HASHTER	: <i>(HITTITE)</i>	هبت

STĒRA	: <i>(OLD FRISIAN)</i>	فریزی کهن
	: <i>(OLD HIGH GERMAN)</i>	آلمانی کهن

STERRO, STERNO

STERN	: <i>(GERMAN)</i>	آلمانی
	: <i>(OLD ENGLISH)</i>	انگلیسی کهن

STEORA

STAR	: <i>(ENGLISH)</i>	انگلیسی
STJERNE	: <i>(DANISH)</i>	دانمارکی

STJÄRNA	: <i>(SWEDISH)</i>	سوئدی
STJERNE	: <i>(NORWEGIAN)</i>	نروژی

STER	: <i>(DUTCH)</i>	هلندی
SER	: <i>(OLD IRISH)</i>	ایرلندی کهن

SEREN	: <i>(WELSH)</i>	ولزی
-------	------------------	------

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNÝ:	1027-1028
BARNHART:	(STAR) 1060
DELAMARRE:	(ÉTOILE) 191
MACKENZIE:	(STAR) 134
BUCK:	55-56
ONIONS:	(STAR) 863
SKEAT:	(STAR) 598
RAMAT:	39
۱۰۹۶	برهان قاطع :

SETĀYESH	ستایش	: <i>(PERSIAN)</i>
PRAISE (NOUN), COMMENDATION, ACCLAIM	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*STEU-, *STĒUMI		: <i>(INDO-EUROPEAN)</i>
REFERENCES	پسگشت ما	
POKORNÝ:	1035	اوستایی
MACKENZIE:	(PRAISE) 128	پهلوی
۱۰۹۸	برهان قاطع :	افغانی (پشتونی)
		санسکریت

STAV-, STUBH	: <i>(AVESTAN)</i>	
STAY, STAYISHN	: <i>(PAHLAVI)</i>	
STAYËL	: <i>(AFGHANI)</i>	
STAU-, STUTI-	: <i>(SANSKRIT)</i>	

بادداشت:

بازگشت به: متودن.

SETĀK, ESTĀK	ستاک، استاک	: <i>(PERSIAN)</i>
STOCK, STEM		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*STEUG-, *STUGNÓS, *STOBHOS		: <i>(INDO-EUROPEAN)</i>
ESTOC	: <i>(OLD FRENCH)</i>	فرانسه کهن
STOCCHIO	: <i>(ITALIAN)</i>	ایتالیایی
	: <i>(OLD SCANDINAVIAN)</i>	ابنلندی کهن
STUFR, STAFR, STOKKR, STYKKI		
SETĀ	: <i>(AFGHANI)</i>	افغانی (پشتونی)
STOP	: <i>(TOKHARIAN A) A</i>	تخاری A
STAMBHAS	: <i>(SANSKRIT)</i>	سانسکریت
STUPOS	: <i>(GREEK)</i>	بونانی

STUKTI, STĀBAS

STŪPS	: (LATVIAN) لونی (لنی)
SAB	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1033
BARNHART:	(STOCK) 1070
DELAMARRE:	(SOUCHE) 123
ONIONS:	(STOCK) 871
SKEAT:	(STOCK) 605
۱۲۴ و ۱۰۹۷	برهان قاطع:
۲۱۰۵ و ۱۳۵۸	لخت نامه دخدا:
۱۸۳۱	فرهنگ معین:

ساکسونی کهن (:OLD SAXON)

فریزی کهن (:OLD FRISIAN)

آلمانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)

STOC, STUKI

آلمانی (:GERMAN)

انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)

STOCKE, STOCC

انگلیسی (:ENGLISH)

دانمارکی (:DANISH)

سوئدی (:SWEDISH)

نروژی (:NORWEGIAN)

هلندی (:DUTCH)

لیتوانی (:LITHUANIAN)

یادداشت:

۱- به احتمال زیاد واژه‌های فارس "ساق" و "ساقه" هم از همین واژه‌شاند.

۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: فشار آوردن، فشردن، (ضربه) زدن.

چم این واژه در زبان ایتالیایی: شمشیر.

چم این واژه در زبان یونانی: چوبیدستی، عصا.

۳- هشدار: خویشی واژه‌های ایرانی این فهرست با واژه‌شانی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست مورد تأثیر همهی خبرگان نیست به ویژه برای اینکه شکل اوستایی و پهلوی آن هم در دست نمی‌باشد.

SETABR, ESTABR	فارسی (:PERSIAN): ستر، استبر
-----------------------	------------------------------

BIG, STRONG	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
--------------------	-----------------------------

*STEB(H), *STĒB(H)	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
---------------------------	--------------------------------

STABH,	сансскріт (:SANSKRIT)	: اوстайи (:AVESTAN)
---------------	-----------------------	----------------------

ASTEMPHĒS	یونانی (:GREEK)	STAWRA, STMBHRA
------------------	-----------------	------------------------

STAFS	گوتیک (:GOTHIC)	: پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
--------------	-----------------	-------------------------------

STAFR, STEFJA	ایسلندی کهن (:OLD SCANDINAVIAN)	STAMBAVA
----------------------	---------------------------------	-----------------

STAFR, STEFJA	آلمانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)	: پهلوی (:PAHLAVI)
----------------------	-------------------------------	--------------------

STABEN		STABR, STAPR, STAWR
---------------	--	----------------------------

STAB	آلمانی (:GERMAN)	: اوستی (:OSSETIC)
-------------	------------------	--------------------

STŪR		: کردی (:KURDISH)
-------------	--	-------------------

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1012
BARNHART:	(STAFF) 1056
MACKENZIE:	
(BIG) 104, (STRONG) 134	
ONIONS:	(STAFF) 860-861
SKEAT:	
(STAFF) 595, (STEMBH, STEBH) 759	
AMINDAROV:	(THICK) 298
۱۰۹۸	برهان قاطع :

STAF	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
STAFF	:(<i>ENGLISH</i>) انگلیسی
STAB, STAV	:(<i>DANISH</i>) دانمارکی
STAV	:(<i>SWEDISH</i>) سوئدی
STAV	:(<i>NORWEGIAN</i>) نروژی
STAV	:(<i>DUTCH</i>) هلندی
STEBÁTE	:(<i>RUSSIAN</i>) روسی
STAMBÚS, STABAS	:(<i>LITHUANIAN</i>) لیتوانی
STUBROS	:(<i>LATVIAN</i>) لتونی (لتی)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: چوبدستی.

SATARVAN, ASTARVAN	سترون، استرون فارسی (PERSIAN):
STERILE, BARREN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*STER-, *STERI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شابد):

STIERC	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
STERILE	:(<i>ENGLISH</i>) (از فرانس) انگلیسی
STERICA	:(<i>BULGARIAN</i>) بلغاری
SHTJERRË	:(<i>ALBANIAN</i>) آلبانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1031
BARNHART:	(STERILE) 1066
DELAMARRE:	(STÉRILE) 235
ONIONS:	(STERILE) 868
SKEAT:	(STERILE) 602
۱۱۰۰	برهان قاطع :
۱۳۴۶ و ۱۴۴۸	لخت‌نامه دهخدا:
۱۸۲۳	فرهنگ معین:

ASTAR-VUND	یهودی - فارسی
STARÍS	санسکریت (SANSKRIT)
STERJ	ارمنی (ARMENIAN)
STÉRESTHAI, STEIRA	یونانی (GREEK)
STERILIS	لاتین (LATIN)
STÉRILE	فرانس (FRENCH)
ESTÉRIL	اسپانیایی (SPANISH)
STERIL	ایتالیایی (ITALIAN)
ESTÉRIL	پرتغالی (PORTUGUESE)
STÁIRÓ	گوتیک (GOTHIC)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
STIRTLA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
STERO	

بادداشت:

- ۱- فقدان واژه‌های همراه در زبان‌های اوستایی و پهلوی و دیگر زبان‌های ایرانی و استگی "سترون" یا واجریشه‌ی هند و اروپایی -STER را نامسجّل می‌کند و بهمن دلیل در جلو واجریشه‌ی هند لی اوپهایی (شاید) آورده‌ام.
- ۲- به احتمال زیاد واژه‌های "استر" (به چم "فاطر" که جانوری "مقطع‌السل است) و "سترون" (به چم "هاک کردنی" نراشیدن" نیز از همین واجریشه‌اند.

SETAMBÉ	ستنه، ستمبه (به چم "مرد درشت و قوی و دلیر") : (PERSIAN)
SETANBÉ,	
BURLY, HUSKY	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*STEB(H)-, *STOMB(H)OS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
STAMBAK	اوستایی (ARMENIAN) : (AVESTAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1012
1100-1101	برهان قاطع:
PRAISE (VERB), COMMEND	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
*STEU-, *STĒUMI-	санскربت (SANSKRIT) :
STEUTAL, STEUTI	STAMBANA
STEUTAL, STEUTI	STAMBAKA
STEUTAL, STEUTI	STAMBHA, STABDHA-

بازگشت به: ستبر

SOTŪDAN, SETAĒDAN	ستودن، ستاییدن : (PERSIAN)
PRAISE (VERB), COMMEND	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*STEU-, *STĒUMI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
STEUTAL, STEUTI	اوستایی (GREEK) : (AVESTAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1035
DELAMARRE:	287
MACKENZIE: (PRAISE)	128
1101	برهان قاطع:
STAV-, STAOMI, STAOTI, STAOTAR	
STŪDAN, STĀYIDAN	: (PAHLAVI)
STUO, STID, STAUN	: (OSSETIC)
STĀYAL	: (AFGHANI)
STU-, STAU-, STĀVATĒ, STAUTI	: (SANSKRIT)

بازگشت به: ستایش

بازگشت به: ستایش.

SOTŪR	ستور	فارسی (PERSIAN)
CATTLE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*STEUROS, *STEW _θ ROS, *(S)TAUROS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
TJOR, TYR	: (NORWEGIAN) نروژی	اوستایی (AVESTAN)
STIE	: (DUTCH) هلندی	پهلوی (PAHLAVI)
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	اوستی (OSSETIC)
TURŪ		کردی (KURDISH)
TAŪRAS	لیتوانی (LITHUANIAN) : (شاید)	افغانی (پشتون) (AFGHANI)
	بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) : (شاید)	سانسکریت (SANSKRIT)
TAURIS		ارمنی (ARMENIAN)
TARB	ابرلندی کهن (OLD IRISH) : (شاید)	یونانی (GREEK) : (شاید)
TARVOS	گالی (GAULISH) : (شاید)	لاتین (LATIN) : (شاید)
TARW	ولزی (WELSH) : (شاید)	فرانسه (FRENCH) : (شاید)
TARO	برتونی (BRETON) : (شاید)	اسپانیایی (SPANISH) : (شاید)
TAROK	آلбанی (ALBANIAN) : (شاید)	ایتالیایی (ITALIAN) : (شاید)
		رومانی (RUMANIAN) : (شاید)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	1010	
BARNHART:	(STEER) 1064	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
DELAMARRE:	(TAUREAU) 137	STJÖRR, THJÖRR
MACKENZIE:		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
(CATTLE) 106, (HORSE) 118		STIER : (GERMAN)
BUCK:	152-155, 145	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
ONINOS:	(STEER) 866	STEOR, STÖR
SKEAT:	(STEER) 601	STEER : (ENGLISH)
۱۱۰۲	برهان قاطع :	TYR, STOR : (DANISH)
۱۳۴۷۲	لغت‌نامه دمندنا :	TJUR, STOR : (SWEDISH)

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: قوی و سترگ.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی و رومانس و سلتی: گاونر، گوساله‌ی نر.

SETŪSÉ, SHENŪSÉ, ESHNŪSÉ, SENUSÉ		ستوسه، شنوسه، اشنوسه، ستوسه (به چم "عطسه") فارسی (PERSIAN) :
SNEEZE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PNEU-, *SKEU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
VYSA	: (SWEDISH)	پهلوی (PAHLAVI)
NYSE	: (NORWEGIAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
NIEZEN	: (DUTCH)	ارمنی (ARMENIAN)
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	یونانی (GREEK)
STREOD, SREOD		لاتین (LATIN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	فرانسه (FRENCH)
POKORNÝ:	838-839	اسپانیایی (SPANISH)
BARNHART:	(SNEEZE) 1026	ایتالیایی (ITALIAN)
DELAMARRE:	(ÉTERNUER) 275	رومانی (RUMANIAN)
MACKENZIE:	(SNEEZE) 133	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BUCK:	263-264	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ONINOS:	(SNEEZE) 840	NIOSAN
SKEAT:	(SNEEZE) 576	آلمانی (GERMAN)
۱۱۰۲ و ۱۴۱	برهان قاطع:	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
۱۴۵۳۲ و ۱۳۴۷۲	لفت نامه دخدا:	FNESAN, FNÉOSAN
۲۸۹ و ۲۰۸۴	فرهنگ معین:	انگلیسی (ENGLISH)
		دانمارکی (DANISH)
		یادداشت:
۱- واژه‌های ژرمنی وابسته به "دمزدن" نیز از این واژه‌یاند: آلمانی کهن (FNEHAN) ایسلندی کهن (HNJÓSA, FNÖSA) همچنین واژه‌های یونانی PNEIN (به چم "دمزدن") و PNEUMA (به چم "دمزدنی یا تنفس") نیز از همین واژه‌یاند.		
۲- BUCK واژه‌های این فهرست را از واژه‌یاند: KSEU- با SKEU- می‌داند.		

SOTŪN	ستون	فارسی (PERSIAN) :
COLUMN, PILLAR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*STŌU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
STŪN, STŪNAG	پهلوی (PAHLAVI)	اوستایی (AVESTAN)

STEOR	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
STEER	:(<i>ENGLISH</i>) انگلیسی
STUUR	:(<i>DUTCH</i>) هلندی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1008-1009
BARNHART:	
(<i>STYLOS</i>) 1081, (<i>STEER</i>) 1065	
MACKENZIE:	
(<i>COLUMN</i>) 107, (<i>PILLAR</i>) 127	
ONINOS:	(<i>STEER</i>) 866
SKEAT:	(<i>STEU</i>) 789
110۲	برهان قاطع:

STŪN, ISTUN	:(<i>KURDISH</i>) کردي
STAN	:(<i>AFGHANI</i>) افغانی (پشتو)
STHŪNĀ	:(<i>SANSKRIT</i>) سانسکریت
SIUN, SIUNAG	:(<i>ARMENIAN</i>) ارمنی
STÝLOS, STAURÓS	:(<i>GREEK</i>) یونانی
-STAU-, (IN-STAU-RARE):	(<i>LATIN</i>) لاتین
STIU-RJAN	:(<i>GOTHIC</i>) گوته‌یک
	ایسلندی کهن
STÝRI	
STIURE	:(<i>OLD FRISIAN</i>) فربزی کهن
	:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن
STIU-RA	
STEUR	:(<i>GERMAN</i>) آلمانی

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سکان، (باسکان یا فرمان) راندن، برقرار کردن

SETIGH, SETIKH	فارسی (PERSIAN) : ستیغ، ستیخ
CREST(OF MOUNTAIN)	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*(S)TEI-, *ST(O)I-	:(<i>INDO-EUROPEAN</i>) هند و اروپایی
STIL	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1015
MACKENZIE:	(<i>ERECT</i>) 112
SKEAT:	(<i>STEIG</i>) 759
110۴	برهان قاطع:

STIJA, STAERA-, TAERA	
STÉGH	:(<i>PAHLAVI</i>) پهلوی
STÝGH, STÉGH	:(<i>SOGDIAN</i>) سغدی
TIVRÁ-	:(<i>SANSKRIT</i>) سانسکریت
STILUS, STIVA-	:(<i>LATIN</i>) لاتین
STIL	:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن

یادداشت:

- بازگشت به: تیغ، تیر.
- چم این واژه در زبان لاتین: قلم حکاکی.

SAXT		فارسی (PERSIAN) :	سخت
HARD		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KAK-, *KEK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
HATCH	: (ENGLISH) انگلیسی	SACHAITI	: (AVESTAN) اوستایی
HAKKE	: (DANISH) دانمارکی	SAXT	: (PAHLAVI) پهلوی
HÄCKA	: (SWEDISH) سوئدی	SAK, SUKT	: (BALUCHI) بلوجی
CÉCHT	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	KĀKMART	: (TOKHARIAN A) A تخاری A
		KAMART	: (TOKHARIAN B) B تخاری B
REFERENCES	پسگشت‌ها		санسکریت (SANSKRIT)
POKORNY:	522	SAKNÖTI, SAKTA	
BARNHART:	(HATCH) 468		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
MACKENZIE:	(HARD) 117	HAGR	
ONINOS:	(HATCH) 430		: (MIDDLE HIGH GERMAN) آلمانی میانه
SKEAT:	(HATCH) 263	HAGEN	
1106	برهان قاطع:	HECKEN	: (GERMAN) آلمانی
		HAGAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

- ۱- واژه‌های ژرمنی این فهرست را با دیگر واژه‌های این فهرست همراهی می‌داند ولی ONIONS و POKORNY ریشه‌ی واژه‌های ژرمنی را ناشناخته می‌دانند.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: روی تخم خوابیدن، به وجود آوردن.
- چم این واژه در زبان سانسکریت: توانستن، قدرت داشتن.
- ۳- واژه انگلیسی HARD (انگلیسی کهن: HARTH) از ریشه‌ی هند و اروپایی KAR^{*} آمده‌اند (POKORNY:531)

SOXAN		فارسی (PERSIAN) :	سخن
SPEECH		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*SEKW-, *SOKW-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	(شاید)
CHANS, SÁCATE		SAXVAR	: (AVESTAN) اوستایی
ASEM, AGEM	: (ARMENIAN) ارمنی	SAX-, SOX- : (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
ENNEPE	: (GREEK) یونانی	SAXWAN, SOXVAN	: (PAHLAVI) پهلوی
INSEQU	: (LATIN) لاتین		سانسکریت (SANSKRIT)

	: <i>LITHUANIAN</i> لیتوانی	: <i>OLD SCANDINAVIAN</i> ایسلندی کهن
SAKÝTI, SEKÙ, SAKAÙ		SEGJA
INSCE	: <i>OLD IRISH</i> ایرلندی کهن	SEGGIAN : <i>OLD SAXON</i> ساکسونی کهن
HEPP	: <i>GAULISH</i> گالی	SEDZA : <i>OLD FRISIAN</i> فریزی کهن
EB, EBR, HEB	: <i>WELSH</i> ولزی	: <i>OLD HIGH GERMAN</i> آلمانی کهن
THOM	: <i>ALBANIAN</i> آلبانی	SAGÈN

REFERENCES	پسگشتهای
POKORNÝ:	897
BARNHART:	(SAY) 961
DELAMARRE:	(DIRE) 279
MACKENZIE:	(SPEECH) 134
BUCK:	1256-1258
ONINOS:	(SAY) 792
SKEAT:	(SAY) 536
1106	برهان قاطع:

SAGEN	: <i>GERMAN</i> آلمانی
SECGAN	: <i>OLD ENGLISH</i> انگلیسی کهن
SAY	: <i>ENGLISH</i> انگلیسی
SIGE	: <i>DANISH</i> دانمارکی
SÄGA	: <i>SWEDISH</i> سوئدی
SEGGEN, ZEGGEN	: <i>DUTCH</i> هلندی
	: <i>OLD CHURCH SLAVIC</i> اسلامی کهن
SOCHITI	
OSOKA	: <i>POLISH</i> لهستانی
SKAZAT	: <i>RUSSIAN</i> روسی

یادداشت:

- واژه‌ی فارسی "پاسخ" از واژه‌های "پاد" و "سخن" تشکیل شده است، (بهلی آن: **PĀSOX, PASSOX**, **PATASXANI**: بردی، ارمنی).
- چم این واژه در لاتین: به ترتیب گفتن.
- ONIONS معتقد است که واژه‌های این فهرست با واژه‌های ایرانی - هندی این فهرست رابطه‌ای ندارد. سایر پسگشتهای هم واژه‌های ایرانی - هندی این فهرست را مورد بررسی قرار نداده‌اند، لذا جلو واژه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

SAR	فارسی (<i>PERSIAN</i>)	سر
HEAD	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KER-, *KER ^θ -, *KRA-, *KEREI-, *KEREU-, *KRS-	: <i>INDO-EUROPEAN</i>	هند و اروپایی
SAR	: <i>BALUCHI</i> بلوجی	اوستایی (<i>AVESTAN</i>)
SAR	: <i>APGHANI</i> (پشتو)	بهلوي (<i>PAHLAVI</i>)
SIRAS, CHIRAS	: <i>SANSKRIT</i> سانسکریت	اوستی (<i>OSSETIC</i>)
SAR	: <i>ARMENIAN</i> ارمنی	کردی (<i>KURDISH</i>)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	574
DELAMARRE:	(JÈTE) 101
MACKENZIE:	(HEAD) 117
BUCK:	212-213
AMINDAROV:	(HEAD) 234
1111	برهان قاطع:

KERAS, KARA	: (GREEK)
CERE(BRUM)	: (LATIN)
HIRNI: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
STIRN	: (GERMAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان ارمنی: بلندی.

چم این واژه در زبان آلمانی: پستانی.

SARĀ, SARĀY	فارسی (PERSIAN): سرا، سرای
HOUSE, PLACE, HALL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KEL, *KOL, *KĒL	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

HEAL	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
HALL	: (ENGLISH)	انگلیسی
HAL	: (DUTCH)	هلندی
CUILE,	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
CELIM		

SRĀDHA	: (AVESTAN)
*SRĀDA	: (OLD PERSIAN)
SRĀY	: (PAHLAVI)
SĀLĀ, SARANĀ	: (SANSKRIT)
SRAH, SRAHAK	: (ARMENIAN)
KALIĀ	: (GREEK)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	553
BARNHART:	(HALL) 462
MACKENZIE:	(HALL) 117
SKEAT:	(HALL) 258
MALLORY & ADAMS: KELS, K(L)LOS	
1112	برهان قاطع:

CELLA	: (LATIN)
	: (OLD SCANDINAVIAN)
HOLL	
HALLA	: (OLD SAXON)
	: (OLD HIGH GERMAN)
HALLA	
HALLE	: (GERMAN)

یادداشت:

۱- واژه‌های CELLULE, CELLAR, CELL نیز از همین واجریشه‌اند.

۲- چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و یونانی: کلبه، خانه‌ی کوچک.

SARD	فارسی (PERSIAN) :	سرد	
COLD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:		
*KEL, *KELTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)		
SLANA	: (BULGARIAN)	اوستایی	
ŠALTAS, SHALŪ	: (LITHUANIAN)	پهلوی	
SALTS	: (LATVIAN)	اوستی	
PASSALIS	: (OLD PRUSSIAN)	کردی	
CLYD	: (GAULISH)	بلوچی	
REFERENCES		افغانی (پشتو)	
POKORNY:	551	SISIRA	: (SANSKRIT)
DELAMARRE:		SARN, SAR	: (ARMENIAN)
(GELÉ, FROID) 225		CALIDUS	: (LATIN)
MACKENZIE:	(COLD) 107	HÉLA	
AMINDAROV:	(COLD) 201	HĀLI	: (OLD HIGH GERMAN)
۱۱۲۱	برهان قاطع	HĀLIG	: (OLD ENGLISH)
		یادداشت:	

۱- چم این واژه در زبان‌های لاتین و گالی: گرم (تفییر معنی این واژه در این زبان‌ها بسیار جالب است).

۲- واژه "سرما" نیز از همین واژه است.

SARDÉ	فارسی (PERSIAN) :	سرده (به چم نوع، قسم)
KIND, SORT, GENUS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KERDHĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
: (OLD HIGH GERMAN)	اوستایی	
HERTA	: (GERMAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
HERDE	: (OLD ENGLISH)	پهلوی (PAHLAVI)
HEORD	: (ENGLISH)	سانسکریت (SANSKRIT)
HERD	: (DANISH)	یونانی (GREEK)
HJORD	: (SWEDISH)	KÓRTHYS, CHÓRTHYS
HJORD	: (NORWEGIAN)	گوتیک (GOTHIC)
HERDER	: (DUTCH)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
		HJORDH

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	579
BARNHART:	(HERD) 477
MACKENZIE:	(KIND) 120, (SORT) 134
ONINOS:	(HERD) 437
SKEAT:	(HERD) 269
۱۸۹۰	مرهنگ معین:
۱۱۲۲	برهان قاطع:

اسلاوی کهن :(*OLD CHURCH SLAVIC*)

CHRÉDA

لهستانی :(*POLISH*)

CHRÉDA :(*OLD BULGARIAN*)

لیتوانی :(*LITHUANIAN*)

KĒRDAN :(*OLD PRUSSIAN*)

CROD :(*OLD IRISH*)

CORDD :(*WELSH*)

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: *τούδε*، ابانته، تل

چم این واژه در زبان ایرلندي کهن و ولزی: گروه، گروه سربازان.

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: گله، دسته‌ی گرسنه‌ند یا گاو، گروه.

SERESHK	فارسی (<i>PERSIAN</i>): سرشک (به چم "اشک چشم، "نطره")
TEAR(S), DROP	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SRESK	هند و اروپایی :(<i>INDO-EUROPEAN</i>)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1002
MACKENZIE:	(DROP) 111, (TEAR) 136
AMINDAROV:	297
۱۱۲۲	برهان قاطع:

اوستایی :(*AVESTAN*)

پهلوی :(*PAHLAVI*)

SRASKA, SRIXT, SRESHK

SIRISHK :(*KURDISH*)

SRSKEL :(*ARMENIAN*)

لیتوانی :(*LITHUANIAN*)

SHLĀKAS, SHLAKĒTI

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: نگرگ.

SARGIN	فارسی (<i>PERSIAN</i>): سرگین
DUNG, FECES	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SKER-, *SKWER-, *KOKWR-, *SKOR-, *SKEN-	هند و اروپایی :(<i>INDO-EUROPEAN</i>)

SARGÖN, SARGIN, SARGÈN

SAIRYA

اوستایی :(*AVESTAN*)

SERA

افغانی (پشتو) :(*AFGHANI*)

پهلوی :(*PAHLAVI*)

SRÁTI	بوهی (:BOHEMIAN)	SÁKRT	санскربت (:SANSKRIT)
	لیتوانی (:LITHUANIAN)		يونانی (:GREEK)
SHARWAI, SHIKŪ		SKŌR, SKATÓS, KOPROS	
SARNI	لترنی (لتی) (:LATVIAN)	CERDA, STERCUS	لاتین (:LATIN)
SHAKKAR, SAKNAS	هفت (HITTITE) (:OLD SCANDINAVIAN)		ایسلندی کهن
REFERENCES	پسگشت‌ها	SKARN	
POKORNÝ:	947-948	SKERN	فریزی کهن (:OLD FRISIAN)
BARNHART:	(SCATOLOGY) 965	SCEÁRN	انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)
MACKENZIE:	(DUNG) 111		اسلاوی کهن (:OLD CHURCH SLAVIC)
BUCK:	275-278	SKAREDŪ	
MALLORY & ADAMS:	KÓKWR	SRAĆ	لهستانی (:POLISH)
1128	برهان قاطع :	SÓR, SRAT	روسی (:RUSSIAN)
		SRATI	صربی (:SERBIAN)

SORŪD, SORŪDAN	فارسی (:PERSIAN)
SONG, SING	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی
*KLEU-, *KLEUð-, *KLEU-TROM	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)

HLUSTA, HLUST	اوستایی (:AVESTAN)
HLUST	ساکسونی کهن (:OLD SAXON)
	آلمانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)
HLOSĒN	
	انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)
HYLSNAN, HLYSTAN, HLYST	
LISTEN	انگلیسی (:ENGLISH)
LYSSNA	سوئدی (:SWEDISH)
	اسلاوی کهن (:OLD CHURCH SLAVIC)
SLYSHATI	
SLYSHATI	بلغاری (:BULGARIAN)
SLUSHATI	صربی (:SERBIAN)
KLAUSAŪ	لیتوانی (:LITHUANIAN)
KLÁUSIT	لترنی (لتی) (:LATVIAN)
SRAOTHRA, SRAOTA	پهلوی (:PAHLAVI)
SRŌT, SRŪT, SRŌD, SRŪDAN	
SARŌDH	بلوچی (:BALUCHI)
SAROD	افغانی (پشتو) (:AFGHANI)
KLYOS	تخاری A (:TOKHARIAN A)
KLYAUS	تخاری B (:TOKHARIAN B)
	санسکربت (:SANSKRIT)
SRUDHI, SRUTA, CRU	
LUR	ارمنی (:ARMENIAN)
ÉCHLUON, KLUEIN	يونانی (:GREEK)
CLUEŌ, CLUÈRE	لاتین (:LATIN)
	ایسلندی کهن (:OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	605-607
BARNHART:	(LISTEN) 601
*MACKENZIE:	(SONG) 133, (SING) 133
ONINOS:	(LISTEN) 531, (LOUD) 538
SKEAT:	(KLEU) 755, (LISTEN) 344, (LOUD) 348
۱۱۳۲	برهان قاطع:

پروسی کهن	:(OLD PRUSSIAN)
KLAUSITON	
CLUAS	: (OLD IRISH)
CLUST	: (WELSH)
CLEVOUT	: (BRETON)

یادداشت:

۱- واژه‌ی انگلیسی LOUD (آلمانی کهن **HLV** آلمانی **LAUT** یونانی **KLUTOS** لاتین **CULTUS**، ملتی **LUID**، فریزی کهن، **HLUD**) نیز از همین واژه‌ی شده است. ضمناً احتمال دارد که واژه‌ی فارسی "شیدن" نیز از همین واژه‌ی شده باشد (فارسی باستان **XSHNAVĀMIY**، پهلوی **SHNAVĀSHN** و **ĀSHNŪTAN** و بلورچی **SANAGH**).

۲- چم این واژه در همه‌ی زبان‌های این فهرست به جز پهلوی و فارسی و بلورچی و افغانی: شترانی، شمور، شیدن، گوش، گوش کردن و واژه‌های وابسته به فهمیدن با شترانی.

SORÙN, SORÙ	فارسی (PERSIAN): سُرون، سُرو (به چم "شاخ")
HORN	چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*KER-, *KER ^ə S-, *KORNO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
CORNO	: (ITALIAN) ایتالیایی
CORN	: (RUMANIAN) رومانی
HAURN	: (GOTHIC) گرتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
HORN	اوستایی (AVESTAN)
HORN	: (PAHLAVI) پهلوی
HORN	: (BALUCHI) بلورچی
HORN	: (SANSKRIT) سانسکریت
CHIRAS, CHRNGA	یونانی (GREEK)
KÉRAS	: (LATIN) لاتین
CIRNU	: (FRENCH) فرانسه
CORNE	: (SPANISH) اسپانیایی
CUERNO	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	574
BARNHART:	(HORN) 491
MACKENZIE:	(HORN) 118
BUCK:	208-209
ONINOS:	(HORN) 448
SKEAT:	(HORN) 277
۱۱۳۰ و ۱۱۳۴	برهان قاطع:
۱۸۷۶ و ۱۸۷۸	فرهنگ معین:

HORN	: DANISH
HORN	: SWEDISH
HORN	: NORWEGIAN
HOORN	: DUTCH
CORN	: OLD IRISH
CORN	: CELTIC
CORN	: WELSH
KORN	: BRETON

SORİN, SORÜN	فارسی (PERSIAN): سرین، سرون (به چم "کبل"، "نشستگاه"، "تحت")
BUTTOCK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KLOUNI, *KLOUNIS	: INDO-EUROPEAN هند و اروپایی

CLUAIN	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	اوستایی (AVESTAN)
CLUN	ولزی (WELSH)	SRAONI, SRAONISH
KLUN	برتونی (BRETON)	پهلوی (PAHLAVI)
CLUN	گالیک (GAELIC)	بلوچی (BALUCHI)
REFERENCES		پرنانی (GREEK)
POKORNY:	607-608	لاتین (LATIN)
DELAMARRE:	102	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
۱۱۳۷	برهان قاطع:	KLAUN
۱۸۸۱ و ۱۸۷۸	فرهنگ معین:	SHLAUNIS : LITHUANIAN
REFERENCES		پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)
POKORNY:	607-608	
DELAMARRE:	102	
۱۱۳۷	برهان قاطع:	
۱۸۸۱ و ۱۸۷۸	فرهنگ معین:	

SOFT	فارسی (PERSIAN): سفت (به چم "شانه" و "كتف")
SHOULDER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KUP, *(S)KUPT-	: INDO-EUROPEAN هند و اروپایی
SUFT	اوستایی (AVESTAN) پهلوی (PAHLAVI)
SUPTI	: OLD PERSIAN سانسکریت (SANSKRIT)
SUP	: ARMENIAN ارمنی (ARMENIAN) CÚTI-, SUPTI

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	627
DELAMARRE:	(LEPAULE) 109
MACKENZIE:	(SHOULDER) 132
BUCK:	238
۱۱۴۳	برهان قاطع:

SCHOFT	: (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی میانه
SCHUFT		
SCHOFT	: (DUTCH)	هلندی
SUPË, SUP	: (ALBANIAN)	آلбанی

یادداشت:

چم این واژه در هلندی: شانه‌ی اسب.

SAG		فارسی (PERSIAN) : سک
DOG		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KWÖN, *K(U)WO(N), *KUNÓS		هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
HUNDS	گوئیک (:GOTHIC)	اوستایی (:AVESTAN)
	: (OLD SCANDINAVIAN)	پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
HUNDR		*SAKA, *SPAКА, SPAXA
HUND	ساکونی کهن (:OLD SAXON)	پهلوی (:PAHLAVI)
HUND	فریزی کهن (:OLD FRISIAN)	کردی (:KURDISH)
HUNT	آلمانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)	SEH, SAH, SACH, SEG
HUND	آلمانی (:GERMAN)	الفانی (پشتر) (:AFGHANI)
HUND	انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)	تخاری A (:TOKHARIAN A)
HUND	انگلیسی (:ENGLISH)	تخاری B (:TOKHARIAN B)
HUND	دانمارکی (:DANISH)	KU, SHUWANA
HUND	سوئدی (:SWEDISH)	SVA, SUÑAS (:SANSKRIT)
HUND	نروژی (:NORWEGIAN)	SHUN (:ARMENIAN)
HOND	هلندی (:DUTCH)	KÚÖN, KÝON, KYNÓS (:GREEK)
SAMIEC	لهستانی (:POLISH)	لاتین (:LATIN)
SUKA, SOBAKA	روسی (:RUSSIAN)	فرانسه (:FRENCH)
SHUÖ, SHUNS	لیتوانی (:LITHUANIAN)	اسپانیایی (:SPANISH)
CŪ, CON	ایرلندی کهن (:OLD IRISH)	ایتالیایی (:ITALIAN)
CI, CWN	ولزی (:WELSH)	رومانی (:RUMANIAN)
KI	برتونی (:BRETON)	پرتغالی (:PORTUGUESE)

BUCK:	178-179	REFERENCES	پیگشت‌ها
ONINOS:	(HOUND) 449	POKORNY:	633
SKEAT:	(HOUND) 279	BARNHART:	(HOUND) 493
١١٥٥	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(CHIEN) 135
		MACKENZIE:	(DOG) 111

SOM	پشم	فارسی (PERSIAN)
HOOF	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KAPHO-, *KOPHO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
HOV	دانمارکی (DANISH)	اوستایی (AVESTAN)
HOV	سوئدی (SWEDISH)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
HOV	نروژی (NORWEGIAN)	*SUMBA, *SUMPA
HOEF	هلندی (DUTCH)	پهلوی (PAHLAVI)
KOPYTO	لهستانی (POLISH)	کردی (KURDISH)
KOPYTO	روسی (RUSSIAN)	افغانی (بشن) (AFGHANI)
KOPYTO	اسلواکی (SLOVAK)	санسکریت (SANSKRIT)
		ارمنی (ARMENIAN)
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پیگشت‌ها	
POKORNY:	530	
BARNHART:	(HOOF) 489	HÖFR
DELAMARRE:	(SABOT) 147	HÖF
MACKENZIE:	(HOOF) 118	SAKERNI کهن (OLD SAXON)
ONINOS:	(HOOF) 447	HÖF
١١٦٣	برهان قاطع:	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
		HUOF : (OLD HIGH GERMAN)
		HUF
		HÖF : (OLD ENGLISH)
		HOOF

SAMŪR	سمور	فارسی (PERSIAN)
ERMINE, SABLE (MARTEN)	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KORMŌN, KORMEN, KER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)	
HERMINE, HERMELINE	SAMŪR, SIMŪR	پهلوی (PAHLAVI)
: (SPANISH)		: (FRENCH)
اسپانیایی		فرانسه

SERMULIS : (LATVIAN) لتونی (لتی)

REFERENCES	پسکشت ها
POKORYN:	573, 615
BARNHART:	(ERMINE) 340
DELAMARRE:	(HERMINE) 135
MACKENZIE:	(SABLE) 131
ONINOS:	(ERMINE) 324
SKEAT:	(ERMINE) 199
برهان قاطع :	
۱۱۹۸	
۱۳۷۶۶	لخت نامه دمغدان

ARMELINA, ARMIÑO

ابطالی (ITALIAN) : (ITALIAN)

ARMINHO : (PORTUGUESE) برتغالی

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

HARMO, HARMIN آلمانی (GERMAN)

HARME, HERMELIN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : (OLD ENGLISH)

ERMINE انگلیسی (ENGLISH) : (ENGLISH)

لیتوانی (LITHUANIAN) : (LITHUANIAN)

SARMUŪ, SHZERUŪ

یادداشت:

در مورد پیگیری مسیر تطور این واژه میان داشمندان اختلاف عقیده وجود دارد (340-341: BARNHART).

SANG	فارسی (PERSIAN) : سنگ
STONE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*AKEN, *AK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : هند و اروپایی

EGENU, AGNAN	اوستایی (AVESTAN) : اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
KAMY	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : پارسی باستان
KAMEN	بهلوی (PAHLAVI) : روسی (RUSSIAN)
AKMUŪ, ASHNIS	کردی (KURDISH) : لیتوانی (LITHUANIAN)
ASNS	بلوچی (BALUCHI) : لتونی (LATVIAN)

ASጀNGA	افغانی (پشتو) (AFGHANI) : افغانی (پشتو) (AFGHANI)
ATHANGA	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : پارسی باستان
SANG, SAG	بهلوی (PAHLAVI) : بهلوی
SENK, SENG	کردی (KURDISH) : کردی
SING	بلوچی (BALUCHI) : بلوچی
SANG	افغانی (پشتو) (AFGHANI) : افغانی (پشتو) (AFGHANI)
ASĀNIH, ĀSMAN	санسکریت (SANSKRIT) : سانسکریت

REFERENCES	پسکشت ها
POKORYN:	19-20
BARNHART:	(HAMMER) 463
DELAMARRE:	
(PIERRE, CIEL) 178	
MACKENZIE:	(STONE) 135
1170	برهان قاطع :

AKONĒ, ÁKMŌN	یونانی (GREEK) : ایونی (GREEK)
ACUNA, AGNA	لاتین (LATIN) : لاتین
AHANA	گوتیک (GOTHIC) : گوتیک
OGN	ابسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : ابساندی کهن
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : آلمانی کهن
AGANA	
AHNE	آلمانی (GERMAN) : آلمانی
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : انگلیسی کهن

یادداشت:

- ۱- برخی پسته‌ها و ازهی انگلیسی HAMMER و همیشه‌های ژرمنی آنرا نبر از همین واجریشه می‌دانند.
 ۲- بازگشت به: آس، آسان.

SŪT	سوت (به چم "صفیر") فارسی (PERSIAN):
WHISTLE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SWEI-, *SWEIGHL-, *SWEIZDŌ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
لیتوانی (LITHUANIAN)	санскربت (SANSKRIT):
SHVIRKSHTI, SHVILPTI	SVÉDATI, KSVEDATI
SIKT	لترنی (لتی) (LATVIAN):
SÉTIM, SÉT	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
CHWYTHEL, CHWYTH	ولزی (WELSH):
C'HOUËZA	برتونی (BRETON):
REFERENCES	پسته‌ها
POKORNY:	1040-1041, 632
DELAMARRE:	(SIFFLER) 287
۱۳۸۲۲	لخت نامه دهخدا:
۱۹۴۴	فرهنگ معین:

یادداشت:

POKORNY (صفحه‌ی ۱۰۴-۴۱) می‌گوید واژه‌ی فارسی نوین "سفلیدن" یا "سفلیدن" (SIFLIDEN) نیز از همین واجریشه است ولی این واژه را در هیچ کدام از فرهنگ‌ها نیافدم. شاید منظورش "سرفیدن" به چم "سرفه کردن" باشد (لخت نامه دهخدا: ۱۳۶۰، ۸)

SŪXTAN	سوختن فارسی (PERSIAN):
BURN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KFUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SUCAG, SUSHAGH	بلچی (BALUCHI):
SĒZAL, SĒJAL	افغانی (پشتر) (AFGHANI):
	санскربت (SANSKRIT):
SŌCATI, SŪCYATI	اوستایی (AVESTAN):
	پهلوی (PAHLAVI):
	اوستی (OSSETIC):
	کردی (KURDISH):

(BURN, BURNING) 105	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۱۸۳ برهان قاطع:	POKORNY: MACKENZIE:	597
		پادداشت:

۱- واژه‌ی فارسی "سرخ" (اوستایی: SUXRA) پهلوی: (SUXRA) نیز از معین ریشه است.

۲- بازگشت به: سوگ

SŪR	سور (به چم جشن و مهمانی، "خوراک")	فارسی (PERSIAN):
FEAST, BANQUET, MEAL		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KEU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	595
MACKENZIE:	
(MEAL) 123, (FEAST) 114	
AMINDAR: (FEAST)	223
۱۹۷۹ فرهنگ معین:	
۱۱۸۵ برهان قاطع:	

SŪRĀM, SUIRYA	اوستایی (AVESTAN):
SŪR	پهلوی (PAHLAVI):
SŪR	کردي (KURDISH):
SIR	بلوچی (BALUCHI):
*SAVAH, ŠVAH	санسکریت (SANSKRIT):
SHUKH	ارمنی (ARMENIAN):
KIÁUNE	لیتوانی (LITHUANIAN):
CAŪNA, CAŪNE	لتونی (LATVIAN):
CAUNE	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN):

پادداشت:

چم این واژه در زبان اوستایی: سحر

چم این واژه در زبان بلوچی: جشن مرقسی

چم این واژه در زبان ارمنی: درخشش

SŪRĀX	فارسی (PERSIAN): سوراخ
HOLE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KEU-, *KUWR-, *KOWOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SÁVIRA, SU-ÁYATI	اوستایی (AVESTAN):
SOR, SUN	ارمنی (ARMENIAN):
KUAR, KOILOS	یونانی (GREEK):
CAVUS, CAVA, CAVERNA	لاتین (LATIN):
CAVERN	فرانسه (FRENCH):

SURĀ-, SISPIMNA	اوستایی (AVESTAN):
SŪRĀG, SŪRĀX	پهلوی (PAHLAVI):
SURAX	کردي (KURDISH):
SŪRAI	افغانی (پشتونی) (AFGHANI):
	санسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پشت ما
POKORNÝ:	592-594
BARNHART:	(CAVE) 152
DELAMARRE:	(TROU) 185
MACKENZIE:	(HOLE) 118
ONINOS:	
(CAVE, CAVERN)	155
SKEAT:	(CAVE) 98
1185	برهان قاطع:

CAVERNA	: (SPANISH) اپنایی (SPANISH)
CAVERNA, CAVA	: (ITALIAN) پرتغالی (PORTUGUESE)
CAVERNA	: (PORTUGUESE) ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
HUNA	
CAVE, CAVERN	انگلیسی (ENGLISH) (از لاتین)
SHAŪNAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی (LATVIAN)
SHĀVA	: (LATVIAN) لتوانی (LATVIAN)
CUA, CŪASS	ایرلندی مان (MIDDLE IRISH)

SŪZAN	سوزن : (PERSIAN) فارسی (PERSIAN)
NEEDLE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی: چم اروپایی (INDO-EUROPEAN)
*KŪ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

SŪCŁ, SŪLA-, SŪKA-	SŪKA	: (AVESTAN) اوستایی (AVESTAN)
SLAK		: (PAHLAVI) پهلوی (PAHLAVI)
CUNEUS		: (LATIN) لاتین (LATIN)
CUIL		: (OLD IRISH) ایرلندی کهن (OLD IRISH)
CYLION-EN		: (WELSH) ولزی (WELSH)
	SHŪZHIN, BEZHUZHIN	: (BALUCHI) بلوچی (BALUCHI)
	SŪCIN, SISHIN, SICIN	
	STĒN	: (AFGHANI) افغانی (شتر) (AFGHANI)
		: (SANSKRIT) санسکریت (SANSKRIT)
		: (YAWADASHTE) یادداشت (YAWADASHTE)

REFERENCES	پشت ما
POKORNÝ:	626
MACKENZIE:	(NEEDLE) 124
1187	برهان قاطع:

- ۱- چم کلی این واژه در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی نیز
چم این واژه در زبان لاتین: گوه
۲- واژه‌های فارسی "سُك" و "سُکه" هم از همین ریشه‌اند.

SŪG	سوگ (به چم "عزا")	فارسی (PERSIAN) :
SORROW, MOURNING, BEREAVEMENT		چم انگلیبسی سروازه‌ی فارسی:
*KEUK-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پنجه‌ت ها	
POKORNÝ:	597	اوستایی (AVESTAN)
MACKENZIE:	(2 SŪG) 75	پهلوی (PAHLAVI)
1189-1191	برهان قاطع:	سانسکریت (SANSKRIT)
		ارمنی (ARMENIAN)

بادداشت:

بازگشت به: سوختن

SEVOM, SAYOM	سوم، سیم	فارسی (PERSIAN) :
THIRD		چم انگلیبسی سروازه‌ی فارسی:
*TRITYOS, *TRTYOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
THREDDA : (OLD FRISIAN)	فریزی کهن	اوستایی (AVESTAN)
: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن	پارسی باستان
DRITTO		پهلوی (PAHLAVI)
DRITTE	آلمانی (GERMAN)	افغانی (پشتر)
THRIDDA : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	تخاری (TOKHARIAN B) B
THIRD	انگلیسی (ENGLISH)	سانسکریت (SANSKRIT)
TREDJE	دانمارکی (DANISH)	ارمنی (ARMENIAN)
TREDJE	سوئدی (SWEDISH)	یونانی (GREEK)
TREDJE	نروژی (NORWEGIAN)	لاتین (LATIN)
DERDE	هلندی (DUTCH)	فرانسه (FRENCH)
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	اسپانیایی (SPANISH)
TRETIJI		ایتالیایی (ITALIAN)
TRCEZI	لهستانی (POLISH)	رومانی (RUMANIAN)
TRETIJ	روسی (RUSSIAN)	برتغالی (PORTUGUESE)
TREC'I	صربی (SERBIAN)	گوته‌یک (GOTHIC)
TRETI	بوهی (BOHEMIAN)	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
TRĒCHIAS	لیتوانی (LITHUANIAN)	THRIDHI
TRESHIAS	لتونی (LATVIAN)	ساکسونی کهن (OLD SAXON)

REFERENCES	پیگشت ها
POKORNÝ:	1091
BARNHART:	(THIRD) 1135
DELAMARRE:	(TROISIÈME) 211
MACKENZIE:	(THIRD) 136
BUCK:	941
1191	برهان قاطع:

TIRTS	: (OLD PRUSSLAN)
TRESS	: (OLD IRISH)
TRYDYDD	: (WELSH)
TREDE, TRIVET	: (BRETON)
TRETË	: (ALBANIAN)
TARRIANALLI.	: (HITTITE)
هفت	

SŌHĀN, SĀV, SĀN	فارسی (PERSIAN) :
FILE	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KE(I)-, *KĒ-NO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
HEN	: (SWEDISH) سوئدی
HEN	: (NORWEGIAN) نروژی
HEN	: (DUTCH) هلندی
REFERENCES	پیگشت ها
POKORNÝ:	542
BARNHART:	(HONE) 489
ONINOS:	(HONE) 446
SKEAT:	(HONE) 276
1193 و ۱۰۷۷	برهان قاطع:

KĀNOS	: (GREEK) یونانی
CŌS, CŌTIS, CATAS	: (LATIN) لاتین
HEIN:	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
HĀR	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی باخانه
HAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
HONE	: (ENGLISH) انگلیسی
HEN	: (DANISH) دانمارکی

SÉ	فارسی (PERSIAN) :
THREE	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*TREI-, *TREYES, *TISORES,	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
DRE	: (AFGHANI) افغانی (بخت)
TRE, TRI-	: (TOKHARIAN A) A تخاری
TRAI, TARYA	: (TOKHARIAN B) B تخاری
	санسکریت (SANSKRIT)
TRÁYAS, TISRÁS, TRI	
EREKH, SE	: (ARMENIAN) ارمنی
THRAY, THRI-	: (AVESTAN) اوستایی
	پهلوی (PAHLAVI)
SÍ	: (OLD PERSIAN) پهلوی باستان
SAYA, THRAYAM	
SÉ, SĒ	: (PAHLAVI)
SAI	: (KURDISH) کردی
	بلوچی (BALUCHI)

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	TREIS, TRIA	: (GREEK)
TRIE, TRI	TRÈS	: (LATIN)
TRZY	TROIS	: (FRENCH)
TRI	TRES	: (SPANISH)
TRI	TRE	: (ITALIAN)
TRI	TREI	: (RUMANIAN)
TRI	TRÈS	: (PORTUGUESE)
TRI	THREIS, THRIJA	: (GOTHIC)
DRYS, TRYS	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
TRIS	THRIR, THRJU	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
TRÍ, TEOIR	: (OLD IRISH)	TRIA, THRIU
TRI	: (WELSH)	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
TRI	: (BRETON)	THRÈ
TRE, TRI	: (ALBANIAN)	DRÍ : (OLD HIGH GERMAN)
TRI-	: (HITTITE)	DREI : (GERMAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1090
BARNHART:	(THREE) 1137
DELAMARRE:	211
MACKENZIE:	(THREE) 136
BUCK:	941
1112	برهان قاطع :

THRI, THREO	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
THREE	: (ENGLISH)
TRE	: (DANISH)
TRE	: (SWEDISH)
TRE	: (NORWEGIAN)
DRIE	: (DUTCH)

SIYĀH, SIYAH	فارسی سیاه، سیه : (PERSIAN)
BLACK	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KIE-, *KI-, *KIEMO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SAU	: (OSSETIC) اوستایی (AVESTAN)
SIYĀH	: (KURDISH) کردی SYĀVA, SĀMŌ, SAMA.
SIYĀH	: (BALUCHI) بلوجی پارسی باستان (OLD PERSIAN)
	: (SANSKRIT) سانسکریت SYĀVAH, SĀ.
SYĀVĀ, SYĀ, SYĀMAS	: (PAHLAVI) پهلوی SYAK, SYAH, SYĀ

SIJWAN : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	541
DELAMARRE:	
(GRIS SOMBRE)	239
MACKENZIE:	(BLACK) 104
1199	برهان قاطع :

SEAV : (ARMENIAN) ارمنی

KIMON : (GREEK) یونانی (اسم خاص)

CIMEX : (LATIN) لاتین (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن

SIVÓ

SÍVYJ : (RUSSIAN) روسی

SIV : (SERBIAN) صربی (LITHUANIAN) لیتوانی

SHYVAS, SHEMAS

SIZDAH

فارسی (PERSIAN) : سیزده

THIRTEEN

چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :

*TREI+DEKM

هندو اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

THRETTEN : (OLD FRISIAN) فربزی کهن
(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

THRIDASA : (AVESTAN) اوستایی
(OLD PERSIAN) پارسی باستان

DRÍZEHAN

THRAYADATH

DREIZEHN : (GERMAN) آلمانی
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

SÍCDAK, SÉZDAH : (PAHLAVI) پهلوی
SIZDEH, SÉZDÉ : (KURDISH) کردی (AFGHANI) افغانی (پشتو)

THRÉOTÉNE

DYĀRLAS, DYĀRLÈS : مانکریت (SANSKRIT)

THIRTEEN

TRÁYODASA, THRYODACA

TRETEN : (ENGLISH) انگلیسی

TREDECIM : (LATIN) لاتین

TRETTEN : (DUTCH) دانمارکی

TREIZE : (FRENCH) فرانسه

TRETTON : (SWEDISH) سوئدی

TRECE : (SPANISH) اسپانیایی

TRETTON : (NORWEGIAN) نروژی

TREDICI : (ITALIAN) ایتالیایی

DERTIEN : (DUTCH) هلندی

TREIDPREZECE : (RUMANIAN) رومانی

TRZYNAŚIE : (POLISH) لهستانی

TREZE : (PORTUGUESE) پرتغالی

TRINÁCT : (CZECH) چک

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

TRINÁST : (SLOVAK) اسلواکی

THRETTĀN : ساکسونی کهن (OLD SAXON)

TRYDYDD : (WELSH) ولزی

THRIUTEIN, THRUTEIN

SKEAT:	(THIRTEEN) 642	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۲۰۵	برهان قاطع:	BARNHART:	(THIRTEEN) 1135
		MACKENZIE:	(THIRTEEN) 136

SĒM	سیم (به چم "بخشی از یوغ")	فارسی (PERSIAN):
(THE NECKPIECE OF A) YOKE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KEM-, *KAM-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
HAMMEL	: (SWEDISH) سوئدی	اوستایی (AVESTAN)
HUMUL	: (NORWEGIAN) نروژی (محلی)	پهلوی (PAHLAVI)
REFLECTIONS	پسگشت‌ها	سانسکریت (SANSKRIT)
POKORNY:	556	ارمنی (ARMENIAN)
۱۲۰۹	برهان قاطع:	یونانی (GREEK)
۱۹۸۳	فرهنگ معین:	آلمانی مبانه (MIDDLE HIGH GERMAN)
۱۳۸۹۶	لغت‌نامه دهخدا:	هانمارکی (DANISH)
		یادداشت:

چم‌های این واژه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی این فهرست: تیر چوبی، ستون چوبی، دیرگ

SHĀXÉ, SHĀX	شاخه، شاخ	فارسی (PERSIAN):
BRANCH, HORN		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KĀK-, *KĀKHĀ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
HĀR	: (OLD NORSE) نورس کهن	اوستایی (AVESTAN)
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	پهلوی (PAHLAVI)
HUOHILI	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	کردی (KURDISH)
SOCHA		بلوچی (BALUCHI)
ROZSOCHA	: (POLISH) لهستانی	افغانی (بشنتر) (AFGHANI)
SUK-, SOCHA	: (RUSSIAN) روسی	سانسکریت (SANSKRIT)
SHAKA	: (LITHUANIAN) لیتوانی	SĀXĀ, SĀKHĀ, SAKTI
SAKNE	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	ارمنی (ARMENIAN)
SAGNIS	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	گوتیک (GOTHIC)

ابرلندی کهن (*OLD IRISH*)

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNÝ:	523
DELAMARRE:	(BRANCH) 170
۱۲۱۹	برهان قاطع :

GĒSCAE, CĒCHT

گالی (:GAULISH)

ولزی (:WELSH)

آلбанی (:ALBANIAN)

یادداشت:

در فارسی شاخ دارای دو چم است: سرودن یا شاخ جانور و شاخه‌ی گیاه.

SHĀD	شاد	فارسی (:PERSIAN)
HAPPY, JOYFUL	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:	
*KWEI ^θ -, *KWI ^H Ē-, *KWILO-, *KWIY ^Ē	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)	

:*(OLD SCANDINAVIAN)* ایسلندی کهن (:*AVESTAN*)

HVILA

SHAYĀTŌ, SHĀTA-, SHĀTI

HVILD (:*OLD NORSE*) نورس کهن

پارسی باستان (:*OLD PERSIAN*)

HWIL (:*OLD SAXON*) ساکسونی کهن

پهلوی (:PAHLAVI)

HWILE (:*OLD FRISIAN*) فریزی کهن

اوستی (:OSSETIC)

(:*OLD HIGH GERMAN*) آلمانی کهن

ANCAYUM, ĀNCHAD, ANCÄIN

HWILA, WILA

کردی (:KURDISH)

WEILE (:GERMAN) آلمانی

بلوچی (:BALUCHI)

HWIL (:*OLD ENGLISH*) انگلیسی کهن

تخاری (:TOKHARIAN B) B

WHILE (:ENGLISH) انگلیسی

سدی (:SOGDIAN)

HVILE (:*DANISH*) دانمارکی

санسکرت (:SANSKRIT)

VILA (:*SWEDISH*) سوئدی

ارمنی (:ARMENIAN)

HVILE, KVILE (:*NORWEGIAN*) نروژی

HANGCHIM, HANGIST

(:*OLD CHURCH SLAVIC*) اسلاوی کهن

لاتین (:LATIN)

POKOJ, POCHITI

فرانسه کهن (:*OLD FRENCH*)

QUIETO, QUEDO (:*SPANISH*) اسپانیایی

QUIETO, CHETO (:*ITALIAN*) ایتالیایی

QUIETO (:*PORTUGUESE*) پرتغالی

HVEILA گوینک (:*GOTHIC*)

BUCK:	1104, 840	REFERENCES	پنجهای
ONIONS:	(WHILE) 1002	POKORNÝ:	638
SKEAT:	(WHILE) 711	BARNHART:	(WHILE) 1232
MANDAROW:	234	DELAMARRE:	
برهان قاطع:		(PAISIBLE, HEUREUX)	226
۱۲۲۲		MACKENZIE:	(HAPPY) 117

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در اوستایی و پارسی باستان: استراحت.
 چم این واژه در زبان‌های رومانس: آرام، آرامش.
 چم این واژه در زبان ایسلندی کهن: بستر، استراحت‌گاه.
 چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: استراحت، مدت، هنگام.
- ۲- واژه‌ی انگلیسی QUIET نیز از همین واجریشه است (از لاتین به فرانسه کهن و سپس به انگلیسی).

SHĀNZDAH	شانزده	فارسی (PERSIAN)
SIXTEEN		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*SWEKS+DEKM		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SAISPREZECE	رومانی (RUMANIAN)	اوستایی (AVESTAN)
DEZESSEIS	پرتغالی (PORTUGUESE)	پهلوی (PAHLAVI)
SECHZEHN	آلمانی (GERMAN) انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	SHĀNZDAH, SHĀNZDAH, SHĀZDAH کردی (KURDISH)
SIXTÝNE, SIXTÈNE		SHĀNZDEH, SHĀNZDÉ
SIXTEEN	انگلیسی (ENGLISH)	بلوچی (BALUCHI)
SZESNASTU	لهستانی (POLISH)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
SHESTNADTSAT	روسی (RUSSIAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
SHESTNÁCT	چک (CZECH)	يونانی (GREEK)
SHESTNAYSET	بلغاری (BULGARIAN)	لاتین (LATIN)
SHESTNÁST	سلواکی (SLOVAK) آلбанی (ALBANIAN)	فرانسه (FRENCH) اسپانیایی (SPANISH)
GSHÄTEMBÉDHJETË		ایتالیایی (ITALIAN)
SEDECLM		
SEIZE		
DIECISÉIS		
SEDICI		

MACKENZIE:	(SIXTEEN) 133	REFERENCES	پشت ها
AMINDAROV:	(SIXTEEN) 287	POKORNY:	1044, 191
۱۲۳۰	برهان قاطع:	BARNHART:	(SIXTEEN) 1011

SHANÉ	شانه (به چم "استخوان کتف" و "کثیف") (PERSIAN)
SHOULDER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*(S)KEL-, *(S)KOL-, *SKL-DHRA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
SHOULDER	: (ENGLISH) انگلیسی
SCULDER	: (DANISH) دانمارکی
SCULDRA	: (SWEDISH) سوئدی
SCULDER	: (NORWEGIAN) نروژی
SCHOUDER	: (DUTCH) هلندی
REFERENCES	پشت ها
POKORNY:	925
BARNHART:	(SHOULDER) 1000
DELAMARRE:	(ÉPAUL) 109
MACKENZIE:	
(SHOULDER-BLADE) 132	
ONIONS:	(SHOULDER) 823
SKEAT:	(SHOULDER) 558
۱۲۳۰	برهان قاطع:
۲۰۰۳	فرهنگ معین:
۱۴۰۴۷	لخت نامه دهد:

SHANAG, SHANAK	: (PAHLAVI) پهلوی
SHAK, SHĀNUG	: (BALUCHI) بلوجی
OSHA	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
SKÁLLEIN, SKALIS	: (GREEK) یونانی
CULTER, SCAPULA	: (LATIN) لاتین
ÉPAULE	: (FRENCH) فرانسه
ESPALDA	: (SPANISH) اسپانیایی
SPALLA	: (ITALIAN) ایتالیایی
FSPADUA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
SKILDUS	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
SCULDRA	
SCULDERE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
SCULTRA, SCULTERRA	
SCHULTER	: (GERMAN) آلمانی
SCULDOR	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
	: یادداشت

۱- رابطه‌ی میان واژه‌های ایرانی و دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین دلیل در جلو و اجریشه‌ی هند و اروپایی نشان (شاید) آورده شده است. ضمناً این احتمال هم وجود دارد که "شانه" از هند و اروپایی- *KUP- (سانسکریت: -SUPTI اوستایی: -SUPTI آلبانی: SUP) باشد (624:POKOANY (624:POKOANY

-RISHMI واژه‌ی زرمنی این فهرست را "ناشناخته" می‌داند.

۲- چم این واژه در یونانی: κρίς بیل، بیل با غبانی.

۳- چم این واژه در زبان لاتین: چاقور.

چم این واژه در زبان لاتین: چاقور.

چم این واژه در زبان گوته‌ک: شهر.

۴- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی این واژه به چم "استخوان کف" بکار می‌رفته و شکل و کاربرد این استخوان برای کندن و ضربه زدن منجر به پیدایش واژه‌ها و چم‌های دیگر شده است.^{۱۴۰}

SHĀH	شاه : (PERSIAN)
KING	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KTHĒ(I)-, *KTHƏ(I)-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
KSI-, KSÁYATI, KSATRÁ	اوستایی : (AVESTAN)
	: (GREEK) یونانی
KHTÁOMAI, KHTĒNA	XSHAYATI, XSHAYŌ, XSHI- پارسی باستان : (OLD PERSIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	626
MACKENZIE:	(KING) 120
BUCK:	(RULE) 1319-1321, (KING) 1321-1322
۱۲۳۱	برهان قاطع :

SHĀH, SHATHR	پهلوی : (PAHLAVI)
SHAH, PADSHAH	کردی : (KURDISH)
SHAH	افغانی : (BALUCHI)
	افغانی (پشتو) : (AFGHANI)
PĀCHA, PĀCHAH, CHAH	санسکریت : (SANSKRIT)
	پادشاه :

چم این واژه در سانسکریت و یونانی: استبل، ندرت، تحریر سازی.

SHAB	شب : (PERSIAN)
NIGHT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KWSEP-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	649
DELAMARRE:	195
MACKENZIE:	(NIGHT) 125
BUCK:	992
AMINDAROV:	(NIGHT) 259
RAMAT:	132
۱۲۳۹	برهان قاطع :

XSHAP, XSHAPAN	اوستایی : (AVESTAN)
XSHAP	پارسی باستان : (OLD PERSIAN)
SHAB, SHAWĀX	پهلوی : (PAHLAVI)
ĀXSĀW	اوستی : (OSSETIC)
SHEW	کردی : (KURDISH)
SHAP	بلوچی : (BALUCHI)
SHPA	افغانی (پشتو) : (AFGHANI)
KSÁP, KSAPÁ	سانسکریت : (SANSKRIT)
PSÉPHAS	یونانی : (GREEK)

SHABĀN	شبان	فارسی (PERSIAN) :
SHEPHERD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*PEK-, *PEKU-, *PEKOS-, *PEKT-(+PŌI-)	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
FAIHU گوتیک : (GOTHIC)		اوستایی (AVESTAN) :
FĒ ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)	*FSHU-PAITI, PASU-	
FIHU آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)		پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)		
FEOH, FEHU		*FSHU-PĀVAN
PEKUS لیتوانی : (LITHUANIAN)	SHUPĀN, SHUBĀN : (PAHLAVI)	پهلوی (PAHLAVI) :
PECKU پروسی کهن : (OLD PRUSSIAN)	SHIWAN : (KURDISH)	کردي (KURDISH) :
	SHAWĀNK, SHIPĀNK	بلوچی (BALUCHI) :
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	797	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
DELAMARRE:	(BERGER) 52	سانسکریت (SANSKRIT) :
MACKENZIE:	(SHEPHERD) 132	
BUCK:	160-164	PASVĀH, PASU-, FSŪ-,
برهان قاطع : ۱۲۴۰		ارمنی (ARMENIAN) :
		يونانی (TÒ)PÉCHOS : (GREEK)
		لاتین (LATIN) : PECŪ, PECUS, PECORIS
		ایتالیایی (ITALIAN) : PECORA

یادداشت:

- ۱- واژه‌ی "شبان" از دو واژه‌ی درست شده است: FSHU به چم "رمه" یا "گوسفت" (هند و اروپایی: PEK و پوند PAITI به چم "پاییدن" (هند و اروپایی: PŌI) بازگشت به: پاییدن)
- ۲- به احتمال زیاد واژه‌ی "چوہان" هم از همین واژه‌ی است.
- ۳- آیا رابطه‌ای میان اوستایی - FSHŪ و انگلیسی SHEEP (انگلیسی کهن: SCEAP) آلمانی کهن: SCHAF آلمانی (SCHAFF) وجود دارد؟
- ۴- بازگشت به: پشم

SHOTOR, OSHTOR	شتر، اشتر	فارسی (PERSIAN) :
CAMEL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*WES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
USTRA سانسکریت (SANSKRIT) :	ŪSHRŌ, USHTRA : (AVESTAN)	اوستایی (AVESTAN) :
VERRĒS, VERRIS لاتین (LATIN) :		پهلوی (PAHLAVI) :
VERRAT فرانسه (FRENCH) :	USHTAR, USHTR, USTR	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	1172
MACKENZIE:	(CAMEL) 106
BUCK:	(CAMEL) 189-190
۱۳۸ و ۱۲۵۲	برهان قاطع:
۲۰۲۵ و ۲۷۸	فرهنگ معین:

VERRACO	: (SPANISH)
VERRO	: (ITALIAN)
BARRÃO	: (PORTUGUESE)

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین و دیگر زبان های رومانی: گراز، خوک و حشی

SHARM	شرم
SHAME, MODESTY	چم انگلیسی سروواله هی فارسی:
*KORMOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

HARM	: (SWEDISH) سوئدی	FSHARØMA	: (AVESTAN) اوستایی
HARME	: (NORWEGIAN) نروژی	SHARM	: (PAHLAVI) پهلوی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	ÄFSÁRM, ÄFSÁRMI	: (OSSETIC) اوستی
SRAMÙ		SHERM	: (KURDISH) کردی
SRAME	: (RUSSIAN) روسی	SHARM	: (BALUCHI) بلوچی
SRAMU	: (BULGARIAN) بلغاری		: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

SHARM, SHARAM

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	615
BARNHART:	(HARM) 466
MACKENZIE:	(SHAME) 132
BUCK:	(SHAME) 1141, (HARM) 760
ONIONS:	(HARM) 428
SKEAT:	(HARM) 262
AMINDAROV:	(SHAME) 284
۱۲۹۴	برهان قاطع:

HARMR	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
HARM	: (OLD FRISIAN) فربزی کهن
HERM	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
	: (GERMAN) آلمانی
HEARM	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
HARM	: (ENGLISH) انگلیسی
HARME	: (DANISH) دانمارکی

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان های ژرمنی: غم، خشم، صدمه، آسیب.

- شاید واژه‌ی انگلیسی SHAME و واژه‌های هم‌ریشه‌ی آن در زبان‌های ژرمنی هم از همین ریشه باشند.

SHOSTAN	شستن	فارسی (PERSIAN):
WASH, RINSE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*GHEU-	هنذ و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)	
GIOTA	SHISTAN	: پهلوی (PAHLAVI)
GIOTAN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن	SHUSHTIN	: کردی (KURDISH)
:(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن		: بلوچی (BALUCHI)
GIOZZAN	SHŌZAG, SHŌDAG	سانسکریت (SANSKRIT)
GIESSEN آلمانی (GERMAN)	JUHÓTI, AHUTIS	ارمنی (ARMENIAN)
FOUNDEN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	JOYL	: یونانی (GREEK)
FOUND انگلیسی (ENGLISH)	CHEIN, KHÉEIN	
GIETEN نروژی (NORWEGIAN)	FUNDERE لاتین (LATIN)	
REFERENCES پسگشت‌ها	FONDRE فرانسه (FRENCH)	
POKORNY: 447	FUDIR اسپانیایی (SPANISH)	
BARNHART: (FOUND) 404	FODERE ایتالیایی (ITALIAN)	
MACKENZIE: (WASH) 139	FONDRE پرتغالی (PORTUGUESE)	
ONIONS: (FOUND) 373	GIUTAN گوتیک (GOTHIC)	
SKEAT: (FOUND) 224	(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	
۱۲۶۷ برهان قاطع :		یادداشت:

۱- هیچکدام از پسگشت‌های من اشاره‌ای به خوبی واژه‌های ایرانی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست نکرده‌اند و بهمین دلیل جلو و اجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

۲- چم این واژه در زبان‌های رومانی و یونانی و انگلیسی ذوب کردن، آسان کردن.

چم این واژه در زبان‌های آذرمنی: جاری شدن.

SHESH	شش	فارسی (PERSIAN):
SIX	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*SEKS, *SWEKS	هنذ و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
ÄXSÄZ اوستی (OSSETIC)	XSHVASH اوستایی (AVESTAN)	
SHESH کردی (KURDISH)	SHASH پهلوی (PAHLAVI)	

SEX	: (SWEDISH)	سوندی	Afghanی (پشتون) : (AFGHANI)
SEKS	: (NORWEGIAN)	نروژی	Tokharی A : (TOKHARIAN A)
ZES	: (DUTCH)	هلندی	Tokharی B : (TOKHARIAN B)
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	Sanskrit : (SANSKRIT)
SHESTI			SHASH, SHAT, SAS-, SAT
CZESEIU	: (POLISH)	لهستانی	Armenian : (ARMENIAN)
SHEST	: (RUSSIAN)	روسی	HÉKS, WÉKS, HÉX : (GREEK)
SHEST	: (CZECH)	چک	لاتین : (LATIN)
SHEST	: (BULGARIAN)	بلغاری	Français : (FRENCH)
SHEST	: (SLOVAK)	اسلواکی	اسپانیایی : (SPANISH)
SHEŠI	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	ایتالیایی : (ITALIAN)
SÉ	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن	Romanian : (RUMANIAN)
CHWECH	: (GAULISH)	گالی	برتغالی : (PORTUGUESE)
GJASHTE, GASHTË	: (ALBANIAN)	آلبانی	گوئنک : (GOTHIC)
			ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
REFERRENCES		پسگشت ها	Saxerne کهن : (OLD SAXON)
POKorny:	1044		فریزی کهن : (OLD FRISIAN)
BARNHART:	(SIX) 1011		آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)
DELAMARRE:	212-213		آلمانی : (GERMAN)
MACKENZIE:	(SIX) 133		انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)
برهان قاطع :	۱۲۶۶		انگلیسی : (ENGLISH)
			دانمارکی : (DANISH)

SHOSH	پسگشت ها
LUNG	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :
*KUESH, *KUS, *KWES-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

SHOSH	پسگشت ها	فارسی (PERSIAN) : شش
LUNG		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :
*KUESH, *KUS, *KWES-		هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
	الفانی (پشتون) : (AFGHANI)	اوستایی : (AVESTAN)
SAZHAI, SAGHÁI		پهلوی : (PAHLAVI)
KWÄS	تخاری A : (TOKHARIAN A)	کردی : (KURDISH)

HVASE	: (DUTCH) هولندی
SHUSHINTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	631-632
BARNHART:	(WHEEZE) 1230
MACKENZIE:	(LUNG) 122
MALLORY & ADAMS:	KUESH
۱۲۹۷	برهان قاطع:

CVAS, SHVĀSITI	: (SANSKRIT) سانسکریت
SHUNCH	: (ARMENIAN) ارمنی
QUEROR, QUERI	: (LATIN) لاتین
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
HVASA	انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)
HWÓSAN, HWAST	انگلیسی : (ENGLISH)
WHEEZE	سوئدی : (SWEDISH)
VÄSA	نروژی : (NORWEGIAN)
HVESE, KVESE	یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی: نفس نفس زدن، با صدا با به سخن نفس گشیدن.
 چم این واژه در زبان لیتوانی: دمزنی، نَفَس.
 چم این واژه در زبان لاتین: غروند کردن، شکایت.

SHESHOM, SHISHOM		فارسی (PERSIAN) : ششم
SIXTH		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*SEKS+DEKM		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SEXTOTA, SEXTO		اوستایی (AVESTAN)
SAIHSTA	: (GOTHIC) گوگک	پهلوی (PAHLAVI)
SENSTO	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن :(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	افغانی (پشتون) (AFGHANI)
SENSTO		تخاری A (TOKHARIAN A)
SECHSTE	: (GERMAN) آلمانی (GERMAN) :(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	تخاری B (TOKHARIAN B)
SIEXTA, SYXTE		سانسکریت (SANSKRIT)
SIXTH	: (ENGLISH) انگلیسی (ENGLISH)	یونانی (GREEK)
ZESDE	: (DUTCH) هولندی (DUTCH) :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	لاتین (LATIN)
SHESTŪ		فرانسه (FRENCH)
SZÓSTY, SZÓSTA	: (POLISH) لهستانی (POLISH) :(LITHUANIAN) لیتوانی	اسپانیایی (SPANISH)
		ایتالیایی (ITALIAN)
		رومانی (RUMANIAN)
		برتغالی (PORTUGUESE)
AS SASELEA, A SASEA		

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	1044
BARNHART:	(SIXTH) 1011
DELAMARRE:	(SIXIÈME) 213
۱۷۶۸	برهان قاطع :

SHISHTAS, SHESTÝ

- پروسی کهن :(*OLD PRUSSIAN*)
 ایرلندی کهن :(*OLD IRISH*)
 گالی :(*GAULISH*)

SHAST	فارسی (<i>PERSIAN</i>) :	شصت، شست
SIXTY	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :	
*SEKS, *SWEKS+DEKM	هند و اروپایی :(<i>INDO-EUROPEAN</i>)	
SIXTY	انگلیسی :(<i>ENGLISH</i>)	اوستایی :(<i>AVESTAN</i>)
SEKSTI	نروژی :(<i>NORWEGIAN</i>)	پهلوی :(<i>PAHLAVI</i>)
ZESTIG	هلندی :(<i>DUTCH</i>)	کردی :(<i>KURDISH</i>)
SZEŚCDZIESIECIU	لهستانی :(<i>POLISH</i>)	افغانی (بشن) :(<i>AFGHANI</i>)
SHESTDESyat	روسی :(<i>RUSSIAN</i>)	
SHEDESÁT	چک :(<i>CZECH</i>)	
SHEYSET	بلغاری :(<i>BULGARIAN</i>)	
SHEST'DESIAT	سلواکی :(<i>SLOVAK</i>)	
GJASHTËDHJETË	آلبانی :(<i>ALBANIAN</i>)	
REFERENCES	پسگشت ها	
POKORNÝ:	1044, 191	
BARNHART:	(SIXTY) 1011	
MACKENZIE:	(SIXTY) 133	
۱۷۶۸	برهان قاطع :	

- SHASTI, SASTI :(*SANSKRIT*)
 VATSOUN :(*ARMENIAN*)
 EXHNTA :(*GREEK*)
 SEXAGINTA :(*LATIN*)
 SOIXANTE :(*FRENCH*)
 SESENTA :(*SPANISH*)
 SESSANTA :(*ITALIAN*)
 SAIZECI :(*RUMANIAN*)
 SESSENTA :(*PORTUGUESE*)
 SECHZIZ :(*GERMAN*)
 SIXTIG :(*OLD ENGLISH*)

SHEKÄFTAN, SHEKÄF	فارسی (<i>PERSIAN</i>) :	شکافتن، شکاف
SPLIT, SLIT, CUT, RIP, CLEAVE, CLEAVAGE	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :	
*(S) KEL-, *SKEL(E)P-, *SKOL(E)P-	هند و اروپایی :(<i>INDO-EUROPEAN</i>)	
SHIKÄFTIN	کردی :(<i>KURDISH</i>)	اوستایی :(<i>AVESTAN</i>)
	санسکریت :(<i>SANSKRIT</i>)	پهلوی :(<i>PAHLAVI</i>)

SHELF	: (ENGLISH) انگلیسی
SCHELF	: (DUTCH) هلندی
KÁLPA	: (LITHUANIAN) لیتوانی
KALPUS	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

KÁLPATE, KALPÁYATI	: (GREEK) یونانی
SKÁLOPS, SCHIALOP, SKHOLOP	: (LATIN) لاتین
SCALPÓ, SCALPERE	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
SKJOLF	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	923-927
BARNHART:	(SHELF) 995-996
MACKENZIE:	(SHKAFTAN) 80
۱۲۷۵	برهان تاطع :

یادداشت:

چم این واژه در ایسلندی کهن: نیمکت، پاره سنگ.

چم این واژه در آلمانی کهن و آلمانی نوین: (گردو و ذرت و غیره) پوست، پوست کدن.

چم این واژه در انگلیسی کهن و انگلیسی نوین: تاقچه، شکاف دیوار.

چم این واژه در هروسی کهن: بدنه‌ی ستون یا تیر.

SHEKASTAN, SHEKAST	فارسی (PERSIAN): شکستن، شکست
BREAK, SMASH	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*SKEI-, *SKAITO-, *SKEID-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SCIZAN	اوستایی (AVESTAN)
SCHEISSEN	آلمانی (GERMAN)
SCITAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SHIT	: (ENGLISH) انگلیسی
SKID, SKIDE	: (DANISH) دانمارکی
SCIJITEN	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن
CREDITI	
	: (LITHUANIAN) لیتوانی
SK'AIDYATL, SKIEDZIU	
SHKIEDU	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
CHWYDU	: (WELSH) ولزی
CHOUEDA	: (BRETON) برتونی
SAED-, SĀNEM	: (PAHLAVI)
SHKASTAN	پهلوی (PAHLAVI)
SHIKANDIN	کردی (KURDISH)
	: (SANSKRIT) سانسکریت
CHINÁTTI, CHYÁTI	
CHTEM	ارمنی (ARMENIAN)
SKHIZÓ, SKHAÓ	: (GREEK) یونانی
	: (LATIN) لاتین
SCINDÓ, SCIO, SCINDĒRE	
SKAIDAN	گوتیک (GOTHIC)
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
SKITA	
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

MACKENZIE:	(BREAK) 105	REFERENCES	پسگشت ها
ONIONS:	(SHIT) 821	POKORNY:	919-920
AMINDAROV:	(BREAK) 194	DELAMARRE:	

(COUPER, SÉARER) 281

یادداشت:

چم اصلی این واژه: شکافتن، جدا کردن، خرد کردن، قطع کردن.

چم این واژه در زبان های ژرمنی نوین: ریدن (ترکیدن)، ترکمان.

SHOKŪH	شکوه	فارسی (PERSIAN)
CLORY, MAJESTY, DIGNITY		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KEUS-, *SKEU-, *(S)KOU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SKUE	: (DANISH)	پهلوی (PAHLAVI)
SKYGN	: (NORWEGIAN)	افغانی (پشنو) (AFGHANI)
SCHOUWEN	: (DUTCH)	سانسکریت (SANSKRIT)
CHŪCHATU	: (RUSSIAN) (Russi)	ارمنی (ARMENIAN)
CHICH	: (CZECH)	يونانی (GREEK)
CHUHAM	: (SLOVAK)	THYOSKÓOS, -SKÓWOS, KOÉO
	: (OLD PRUSSIAN)	لاتین (LATIN)
AU- SCAUDITWEI		گوئیک (GOTHIC)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	587-588
BARNHART:	(SHOW) 1000
MACKENZIE:	
	(DIGNITY) 110, (MAJESTY) 122
ONIONS:	(SHOW) 823
SKEAT:	(SHOW) 559
۱۲۸۳	برهان قاطع:

SKYGN	اسکونی کهن (OLD SAXON)
SKAUWON	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
SKĀWIA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
SCOUWÔN	آلمانی (GERMAN)
SCHAUEN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
SCEAWIAN	انگلیسی (ENGLISH)
SHOW	

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: بینا، دارای بصیرت

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: نسایاندن، به نظر رسیدن یا رساندن، جلوه کردن
 چم این واژه در زبان لاتین: اختیاط کردن
 چم این واژه در زبان‌های چک و روسی: احساس، شعور

SHEMORDAN, SHOMĀR	فارسی (PERSIAN) :	شمردن، شمار
COUNT, ENUMERATE	چم انگلیسی سروalaزی فارسی:	
*(S)MER-, *(S)MEMOR	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	اوستایی (AVESTAN)	MAR-, MARAITI,
MURNAN, MORNEN		HISHMARAITI, HISHMAR-
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	بهلوي (PAHLAVI)	MAR-, MARAG,
MURNAN		OSHMĀR, ŌSHMARTAN,
MOURN	انگلیسی (ENGLISH)	ŌSHMURDAN, SHUMAR
MERETI	لیتوانی (LITHUANIAN)	کردی (KURDISH)
		SHIMARTIN, ASHMARDIN,
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	969-970	ISHMĀR, ZHIMARTIN
BARNHART:		افغانی (پشتو) (AFGHANI)
(MEMORY) 650, (MOURN) 682		SHUMAR, SHMERĒL
DELAMARRE:		санسکریت (SANSKRIT)
(SE SOUVENIR) 282		SMAR-, SMARATI
BUCK:	1228-1229	بونانی (GREEK)
ONIONS:	(MOURN) 593	MÉRIMNA, MÉRMÉRA, MERMAIREIN
SKEAT:	(MOURN) 388	MEMOR, MEMORIA (LATIN)
AMINDAROV:	(COUNT) 205	MAURNAN (GOthic)
۱۲۹۱ و ۱۲۹۳	برهان قاطع:	(OLD SCANDINAVIAN)

یادداشت:
 چم آغازین این واژه: در اندیشه بودن، برشمردن، نگران بودن
 چم این واژه در زبان لاتین: در اندیشه بودن، بیاد آوردن، بادبود.
 چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: (به بادبودکشی) سوگواری کردن.

SHENĀ	شنا	: فارسی (PERSIAN)
SWIM	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*SNĀ, *SNĀMI, *SNĀU-, *SNET-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
INOTA	: (RUMANIAN) رومانی	: اوستایی (AVESTAN)
NADAR	: (PORTUGUESE) پرتغالی	SANAYEITĒ, SNĀTA-, SNĀ-
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	SNĀZ, SNĀCIDAN : (PAHLAVI)
SNÁID, SNĀM		: (OSSETIC) اوستی
NAWF	: (WELSH) ولزی	NAIN, AXSNIN, AXSNUN
NEUNVI, NEUI	: (BRETON) برتونی	NĀSK : (TOKHARIAN B) بخاری
REFERENCES		SNĀTI, SNĀYATI : (SANSKRIT) سانسکریت
POKORNÝ:	971-972	NAY : (ARMENIAN) ارمنی
DELAMARRE:	(NAGER) 282	NĒKHŌ, NĒO : (GREEK) یونانی
MACKENZIE:	(SWIM) 136	NŌ, NĀRE, NATŌ, NATARE : (LATIN) لاتین
BUCK:	681-682	NAGER : (FRENCH) فرانسه
۱۷۹۸	برهان قاطع :	NADAR : (SPANISH) اسپانیا
		NUOTARE : (ITALIAN) ایتالیا

بادهائیت:

چم این واژه در ارمنی: ندار.

SHENĀXTAN	شناختن	: فارسی (PERSIAN)
KNOW, RECOGNIZE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*GEN-, *GEN ^θ -, *GNO-, *GNĒ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
KNĀ-	: (TOKHARIAN A) A تخاری	: اوستایی (AVESTAN)
KNĀ-	: (TOKHARIAN B) B تخاری	-ZĀNENTI, -ZĀNATI, XSHNĀSATY
	: (SANSKRIT) سانسکریت	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
JĀNĀMI, JANATI, JNĀ-, JANDTI		XSHNĀSATIY, XSHNA-
CANEAY	: (ARMENIAN) ارمنی	SHENĀXTAN : (PAHLAVI) پهلوی
	: (GREEK) یونانی	NĀSIN : (KURDISH) کردی
-GNĀSKŌ, GIGNOSKEIN		: (AFGHANI) افغانی (پشتون)
	: (LATIN) لاتین	PĒ-ZHANI

ZNATE	: (RUSSIAN) روسی	(G) NOSCÔ, NOCERE, COGNOSCERE
ZNÁT	: (CZECH) چک	FRANSE (FRENCH)
(PO) ZNAT	: (SLOVAK) اسلواکی	اسپانیایی (SPANISH)
	: (LITHUANIAN) لیتوانی	ایتالیایی (ITALIAN)
PA-ZHISU, ZHINÖTI		رومانی (RUMANIAN)
ZNATI	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	پرتغالی (PORTUGUESE)
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	گوتیک (GOTHIC)
-GNINAIM, GNATH, GNINIM		اولندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
NJOH	: (ALBANIAN) آلبانی	KUNNA, KNÄ
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	376
BARNHART:	(KNOW) 569
DELAMARRE:	(CONNAÎTRE) 257
MACKENZIE:	
	(KNOW) 121, (RECOGNIZE) 129
BUCK:	1208-1210
ONIONS:	(KNOW) 508
SKEAT:	(KNOW) 325
AMINDAROV:	(RECOGNIZE) 276
۱۲۹۸	برهان قاطع :

CUNNEN, CHNĀAN	آلمانی (GERMAN)
KENNEN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
CNĀWAN, CNĒOW	انگلیسی (ENGLISH)
KNOW	دانمارکی (DANISH)
KENDE	سوئدی (SWEDISH)
KÄNNA	نروژی (NORWEGIAN)
KENDE	هلندی (DUTCH)
KENNEN	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
ZNATI	
ZNÁČ	لهستانی (POLISH)

یادداشت:

واژه‌ی انگلیسی CAN (انگلیسی کهن: CUNNAN) نیز از همین واجریشه است. بازگشت به دانستن

SHŪR	فارسی (PERSIAN)
SALTY	شور
*KSEU-	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی
SKUTÚ, SKÚSTI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SKUVU, SKŪT	لیتوانی (LITHUANIAN)
	لترنی (لتی) (LATVIAN)
SÖR, SÖRAG	پهلوی (PAHLAVI)
SHŪR, SHOR	کردی (KURDISH)
KSURÁ	санسکریت (SANSKRIT)
XVŌ, XYDTRA	یونانی (GREEK)

AMINDAROV:	(SALTY) 281	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۳۰۷	برهان قاطع:	POKORNÝ:	586
		MACKENZIE:	(SALTY) 131

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی این فهرست: ابزار بریدن یا خراشیدن.

SAD	فارسی (PERSIAN): صد
HUNDRED	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KMTOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	اوستایی (AVESTAN)
HUNDERT, HUNT	: (PAHLAVI) پهلوی
HUNDERT	: (GERMAN) آلمانی
HUND	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
HUNDRED	: (ENGLISH) انگلیسی
HUNDRA	: (DANISH) دانمارکی
HUNDRA	: (SWEDISH) سوئدی
HUNDRE	: (NORWEGIAN) نروژی
HONDERD	: (DUTCH) هلندی
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	سanskrit (SATÁM, SHATÁ)
SUTO	: (GREEK) یونانی (HEKATÒN, EKATO)
STU, SETKA	: (FRENCH) فرانسه (CENT)
STO	: (RUSSIAN) روسی (CIENTO)
STO	: (CZECH) چک (CENTO)
STO	: (BULGARIAN) بلغاری (SUTÁ)
STO	: (SLOVAK) اسلواکی (CEM)
SHIMTAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی (HUNDA)
SIMTS	: (LATVIAN) لتونی (لتی) (HUNDRADH)
CET	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن (HUNDROD, HUND)
CANT	: (GAULISH) گالی (OLD SAXON)
CANT	: (WELSH) ولزی (OLD FRISIAN)
CANT	: (BRETON) برتونی (HUNDRED, HUND)

<i>DELAMARRE:</i>	(CENT) 216	<i>REFERENCES</i>	پسگشت‌ها
<i>MACKENZIE:</i>	(HUNDRED) 118	<i>POKORNY:</i>	192
۱۳۲۲	برهان قاطع:	<i>BARNHART:</i>	(HUNDRED) 497

ANN	عن (به چم نیاز، "نگه")	فارسی (PERSIAN):
SHIT		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*ĀNO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)
<i>REFERENCES</i>	پسگشت‌ها	
<i>POKORNY:</i>	47	ARMENIAN : (ARMENIAN)
<i>BARNHART:</i>	(ANUS) 40	LATIN : (LATIN)
<i>DELAMARRE:</i>	(ANNEAU) 117	فرانسه‌کهن (OLD FRENCH) :
۱۶۳۸۲	لخت‌نامه دهخدا:	انگلیسی (ENGLISH) : (از فرانسه‌کهن) ANUS
		ایرلندی کهن (OLD IRISH) :
		AINN, ĀNNE

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های غیر از فارسی: متعدد، دایره، گردی.
- ۲- رابطه‌ی این واژه فارسی با واژه‌های هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین دلیل در جلو واژه‌ی هند و اروپایی (شاید) آمده است.

GHORRESH,	غوش، غربه، غرمبه، غرفبیدن، غریدن	فارسی (PERSIAN):
GHORONB'E, GHOROMBÉ, GHORONBIDAN, GHORRIDAN		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
ROAR, THUNDER, GRUMBLE		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
*GHREM-		
GRIM	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	اوستایی (AVESTAN) :
GRIM	: (OLD FRISIAN) فربزی کهن	پهلوی (PAHLAVI) :
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	GHARRĀNIDAN, GHARRĀNĀG
GRIM, GREMMAN		کردی (KURDISH) :
GRIMM,	: (GERMAN) آلمانی	افغانی (پشن) (AFGHANI) :
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	يونانی (GREEK) :
GRIMM, GREMIAN		گوتیک (GOTHIC) :
GRIM	: (ENGLISH) انگلیسی	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
GRUM	: (DANISH) دانمارکی	GRIMMR

GREMJU : (LATVIAN) لتوانی (لتی)
GRUMINS : (OLD PRUSSIAN) هروسی کهن

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNÝ:	458-459
BARNHART:	(GRIM) 449-450
MACKENZIE:	
(ROAR)	131, (THUNDER) 136
BUCK:	57-58
CNIONS:	(GRIM) 414
AMINDAROV:	(THUNDER) 299
برهان قاطع :	۱۴۰۴ و ۱۴۰۷ و ۱۴۰۹
فرهنگ معین :	۲۰۴۵ و ۲۰۴۴

GRYMTA : (NORWEGIAN) نروژی
GRIMMIG : (DUTCH) هلندی
اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)
GRÜMITI, GROMŪ : (LITHUANIAN) لهستانی
GREMET, GROM : (POLISH) لهستانی
GREMETU, GROM : (RUSSIAN) روسی
چک : (CZECH)
HRMÍTI, HRIMATI, HRMIT : (SLOVAK) اسلواکی
GROM : (SERBIAN) صربی
HROM : (BOHEMIAN) بوهمی
HRMENIE, HROM : (LITHUANIAN) لیتوانی
GRUMIÙ, GRUMĒTI : (CZECH)

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های هند و اروپایی گوناگون: غریدن، آسمان غربه، خشمگین.
چم این واژه در زبان یونانی: شبه کشیدن.

FAR, FARĀ-	فارسی (PERSIAN) : فرا-، فرا- (به چم "پیش"؛ به سوی جلو")
FORWARD, PRO-	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*PER, *PERI, *PRO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
FYR : (OLD ENGLISH)	اوستایی (AVESTAN) :
انگلیسی کهن	
: (OLD CHURCH SLAVIC)	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
اسلاوی کهن	
PER, PRE-	PARY, PARI-, PER- : (PAHLAVI) پهلوی
PRO-	: (SANSKRIT) سانسکریت
ROSSI (RUSSIAN)	
PRO-	: (ARMENIAN) ارمنی
ČEK (CZECH)	
PRĀ-	: (GREEK) یونانی
SERBIAN (SERBIAN)	
PER-	: (BOHEMIAN) لاتین
برهمنی	
PER-, PRA- : (OLD PRUSSIAN)	: (GOTHIC) گوتیک
هروسی کهن	
IR-, RO-	: (OLD IRISH) آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ایرلندی کهن	
ER-, ERI-	: (GAULISH) گالی
ولزی (WELSH)	
RY-	: (FIR-) PARY, VER-, FIR-

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	810
۱۴۴۴	برهان قاطع :
۱۷۰۰۱-۱۷۰۰۲	لغت نامه دخدا:

ER-, RO-	: (BRETON)
PĒR-	: (ALBANIAN)
PRA-	: (HITTITE)

FARĀX	فراخ : (PERSIAN)
LARGE, AMPLE, SPACIOUS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PLĀT, *PLĒT, *PLŪT, *PLTU-	: (INDO-EUROPEAN)

LETH	لترانی (:LITHUANIAN)	اوستایی (:AVESTAN)
PLANDIT	لترنی (لتی) (:LATVIAN)	پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
LLED	پروسی کهن (:OLD PRUSSIAN)	*FRĀ(H)UVA-
PLASMENO		پهلوی (:PAHLAVI)
LET, LED	ایرلندی کهن (:OLD IRISH)	کردي (:KURDISH)
	ولزی (:WELSH)	بلوچي (:BALUCHI)
	برتونی (:BRETON)	санسکریت (:SANSKRIT)
		PARTHVI, PRÁTHAS, PRÁTHATI
		ارمنی (:ARMENIAN)
		پرنانی (:GREEK)
		لاتین (:LATIN)
		اسلاوی کهن (:OLD CHURCH SLAVIC)
		PLESNA

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	833
MACKENZIE:	(LARGE) 121
۱۴۴۴	برهان قاطع :

یادداشت:
چم این واژه در لاتین: کاشتن، نهال.

FARĀMŪSH, FARĀMŪSHIDAN	فارسی (:PERSIAN)
FORGET, FORGOTTEN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MRS-, *MER-, *MORSEYŌ	: (INDO-EUROPEAN)

SHAMUSHAG, SHAMŪSHAGH	بلوچی (:BALUCHI)	پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
HERAWĒL	افغانی (پشتو) (:AFGHANI)	*FRAMURSH
MÄRS	تخاری B (:TOCHAIAAN B)	پهلوی (:PAHLAVI)

-MARSHA : لتوانی (لتی) (LATVIAN)

: سانسکریت (SANSKRIT)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	737-738
DELAMARRE:	(OUBLIER) 269
MACKENZIE:	
(FORGET, FORGOTTEN)	115
BUCK:	1230-1231
۱۴۴۸	برهان قاطع:

MRS., PRAMARSH,

MARSHAYATI, MARSHYATE, MRSYAT

MORANAM : (ARMENIAN) ارمنی

MARZJAN : (GOTHIC) گوتیک آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

MERREN

MIERRAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

MIRSHTI : (LITHUANIAN) لیتوانی (LITHUANIAN) یادداشت:

چم این واژه در زبان های ژرمنی: آزردن، دردسر و نگرانی.

FARĀVĀN	فارسی (PERSIAN) :
MUCH, LOTS, MANY	چم انگلیسی سرووازه فارسی:
*PELU, *LLEIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

FELA, FEOLA

اوستایی (AVESTAN) :

VEEL ملندي (DUTCH)

پارسی باستان (OLD PERSIAN) :

PILOS لیتوانی (LITHUANIAN)

پهلوی (PAHLAVI) :

IL, LÍA ایرلندی کهن (OLD IRISH)

کردی (KURDISH) :

LIAUS, LLIAWS ولزی (WELSH)

سانسکریت (SANSKRIT) :

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	800
MACKENZIE:	(MUCH) 124
BUCK:	922
۱۴۴۸	برهان قاطع:

POLÚS, PLEIADES : (GREEK) یونانی :

FILU : (GOTHIC) گوتیک :

FIOL : (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن :

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :

FILO, FILU

VIEL آلمانی (GERMAN) :

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :

یادداشت:

بازگشت به: پُر

FERESHTÉ		فارسی (PERSIAN) :
ANGEL		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PÉLU-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	800
MACKENZIE:	(ANGEL) 102
۱۴۶۳	برهان قاطع:

FRAĒSHTA	اوستایی (AVESTAN) :
FRAISHTA	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
FRĒSHTAG	بهلوی (PAHLAVI) :
PERISHTA	سانسکریت (SANSKRIT) :
HRESHTAK	ارمنی (ARMENIAN) :

FAR-, FARĀ-	فار- فرا- (به چم پیش، به سوی جلو)	فارسی (PERSIAN) :
FORWARD, PRO		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*PRO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

PRA-, PRO-	لیتوانی (LITHUANIAN) :
PRA-, PRO- :	(OLD PRUSSIAN) :
RO-	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :
RO-, RU-	برتونی (BRETON) :
PRA	هفت (HITTITE) :

FRA-, FRĀ-	اوستایی (AVESTAN) :
FRA-	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
FRA	بهلوی (PAHLAVI) :
HIL, HAL	کردی (KURDISH) :
PRA-	سانسکریت (SANSKRIT) :
HRA	ارمنی (ARMENIAN) :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	813-814
BARNHART:	(PRO-) 841
DELAMARRE:	
(DEVANT, AVANT) 300	
ONIONS:	(PRO-) 711
SKEAT:	(PRO-) 476
۱۴۶۳	برهان قاطع:

PRO-	يونانی (GREEK) :
PRŌ-	لاتین (LATIN) :
FRA-	گوتیک (GOTHIC) :
FIR-	آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
VER-	آلانی (GERMAN) :
PRO-, PRĀ-	روسی (RUSSIAN) :
PRO-	چک (CZECH) :
PRĀ-	صربی (SERBIAN) :

FARMĀN, FARMŪDAN	فرمان، فرمودن	فارسی (PERSIAN) :
COMMAND, ORDER, SAY, SPEAK		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*WER-, *VERDHO-, *URDHO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

FRAMĀNĀ, FRAMĀ	URVĀTA	اوستایی (AVESTAN) :
: (PAHLAVI)		پارسی باستان (OLD PERSIAN) :

WORD	: (ENGLISH)	انگلیسی	FRAMĀN, FRAMŪTAN, FRAMŪDAN
ORD	: (DANISH)	دانمارکی	FERMUN, FERMAN : (KURDISH)
ORD	: (SWEDISH)	سوئدی	FARMĀYIL : (AFGHANI)
WORD	: (NORWEGIAN)	نروژی	VRATĀ-, سانسکریت : (SANSKRIT)
WOORD	: (DUTCH)	هلندی	VRÁTAM, FRAMÁNAM
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	: (ARMENIAN)
ROTA, RESHTI			HRAMAN, HRAMAYEL
URÁKA	: (RUSSIAN)	روسی	EIRO, IERÉŌ : (GREEK)
RĒKIŪ, RĒKTI	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	VERBUM : (LATIN)
RĒKT	: (LATVIAN) (لتونی)	لتوانی (لتونی)	VERBE, VERBAL : (FRENCH)
	: (OLD PRUSSIAN)	بروسی کهن	: (SPANISH) اسپانیایی
WERTEMMAI, WIRDS			VERBO, VERBAL
UERIIA, WERIYA	: (HITTITE)	هبت	VÉRBO, VERBAL : (ITALIAN)
			VERB, VERBAL : (RUMANIAN)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	1162-1163
BARNHART:	(WORD) 1244
MACKENZIE:	(COMMAND) 107
BUCK:	1259
ONIONS:	
(WORD) 1012, (FIRMAN) 357	
SKEAT:	(WORD) 722
AMINDAROV:	(COMMAND) 202
۱۴۷۰ و ۱۴۶۹	برهان قاطع :

WAÚRD	: (GOTHIC)	گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
ORDH		
WORD	: (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
WORD	: (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
WORT		
WORT	: (GERMAN)	آلمانی
WOR	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن

بادداشت:

- واژه‌ی پارسی باستان **FRAMĀTAR** (فرماندار) نیز از همین ریشه است.
- واژه‌ی فرمان **FIRMAN** به زبان انگلیسی هم وارد شده و چم "دستور" و "اجازه" و "حکم" را دارد.
- چم این واژه در زبان‌های رومانی و ژرمنی: سخن، واژه، گفتار.
- چم این واژه در زبان‌های اسلامی کهن و روسی: سوگند.
- چم این واژه در زبان لیتوانی و لتوانی: فریاد زدن.

FARIFTAN, FARIB	فارسی (PERSIAN): فریفت، فریب
CHEAT, DECEIVE	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*LEI-, *LIBH-, *LEIP-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
LIHF, LEVEN	ملندی : (DUTCH) هلندی اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)
LÉPITY	: (LITHUANIAN) لیتوانی
LIPNUS, LIPÙS, LIPTI	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)
LÍPU, LIPT	: (ALBANIAN) آلبانی (البانی)
LEPARÓS, LEPÉRDHI	
LIP	هبت (HITTITE)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	670
BARNHART:	(LIVE) 603, (LIFE) 594
MACKENZIE:	(DECEIVE, DECEPTION) 107
ONIONS:	(LIFE) 527, (LEAVE) 521
SKEAT:	(LIFE) 340, (LIVE) 345
۱۴۸۴	برهان قاطع :

فارسی (PERSIAN): فریفت، فریب

چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:

هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

بهلری (PAHLAVI)

تخاری A : (TOKHARIAN A)

سانسکریت (SANSKRIT)

LIP-, LIPÁTI, LIPYÁTÉ

یونانی (GREEK)

LIPPOS, LIPA : (LATIN)

لانین (GOTHIC)

LAIBA, LIBAN, BILEIBAN, BILAIBJAN

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

LEIFA, LEIF, LIF

ساکسونی کهن (OLD SAXON)

فریزی کهن (OLD FRISIAN)

آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

BELIBAN, LEIBEN, LEIPA, LEIP, LÍB

آلانی (GERMAN)

BLEIBEN, LEIB, LEBEN

انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

BELIFAN, LIF, LAF

انگلیسی (ENGLISH)

LIV, LEVE : (DANISH)

LIF, LEFVA : (SWEDISH)

LIV : (NORWEGIAN)

یادداشت:

۱- واژه‌ی انگلیسی LIVE نیز از همین واجریشه است: انگلیسی کهن: LIFIAN؛ فریزی کهن: LIBBA؛ ساکسونی

کهن: LIBBIAN؛ ملندی: LEVEN؛ آلانی کهن: LEBÉN؛ ایسلندی کهن: LIFA؛ گوتیک:

۲- چم این واژه در زبان لاتین: دارای چشم تار.

چم این واژه در زبان‌های زرمنی و زبان تخاری: ماندن، بجا ماندن، رفتن.

چم این واژه در زبان آلبانی و هبت: کیف (کردن).

چم این واژه در زبان لیتوانی و لتوانی: پیروی کردن، رهبری کردن.

چم این واژه در زبان یونانی: چربی.

FAH, FIH	فه، فیه (به چم "پارو" و "سکان")	فارسی (PERSIAN)
OAR, PADDLE	چم انگلیسی سروواهی فارسی:	
*SP(H)Ē-, *SPHEN-, *SPHI-, *SPHA-		: (INDO-EUROPEAN)
SPAAK	هلندی (DUTCH)	هند و اروپایی (SANSKRIT)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	санسکریت (GREEK)
SOND		بوనانی (SPHĒN, SPÁTHĒ, SPHĒNÓS)
SOND	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	لاتین (LATIN)
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت ها	SPĀNN, SPÖNN
POKORNÝ:	980	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BARNHART:	(SPOON) 1050	آلمانی (GERMAN)
DELAMARRE:	123	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
1580	برهان قاطع :	انگلیسی (ENGLISH)
		نروژی (NORWEGIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: گروه.

چم این واژه در زبان لاتین: چهارچوب تختخواب.

چم این واژه در زبان های ژرمنی: فاشن، (در آغاز) فاشن چوبی، تراشهی چوب.

GHĀZ	فاز، غاز	فارسی (PERSIAN)
GOOSE	چم انگلیسی سروواهی فارسی:	
*GHANS-		: (INDO-EUROPEAN)
GÄS : (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	اوستایی (AVESTAN)
GÖS, GÖZ : (OLD FRISIAN)	فریزی کهن (OLD FRISIAN)	بلوچی (BALUCHI)
GANS : (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
GANS	آلمانی (GERMAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
GÖS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	بوనانی (GREEK)
GOOSE	انگلیسی (ENGLISH)	لاتین (LATIN)
GAAS	دانمارکی (DANISH)	اسپانیایی (SPANISH)
GAS	سوئدی (SWEDISH)	رومانتی (RUMANIAN)

GEISS, GĒD	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
GWYDD	: (WELSH) ولزی
GWAZ	: (BRETON) برتونی

GAAS	: (NORWEGIAN) نروژی
GANZ	: (DUTCH) هلندی
GOSI, GUSI	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	412
BARNHART:	(GOOSE) 442
DELAMARRE:	(OIE) 139
BUCK:	177
ONIONS:	(GOOSE) 406
RAMAT:	47
۱۰۱۴	برهان قاطع :

GES	: (POLISH) لهستانی
GUS, GUSI	: (RUSSIAN) روسی
HUSA	: (CZECH) چک
GUSKA	: (SERBIAN) صربی
HUSA	: (BOHEMIAN) بوهمی
HUS	: (SLOVAK) اسلواکی
ZHASIS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
ZASS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
SANSY	: (OLD PRUSSIAN) هروسی کهن

یادداشت:

این واژه در اصل ترکی نیست و از بک زبان هند و اروپایی (شاید ایرانی) به ترکی راه یافته است.

GHŪZAK	فووزک، غوزک، (کوژک)	: (PERSIAN)	
MALLEOLUS, ANKLE	چم انگلیسی سروواله‌ی فارسی:		
*GUT-, *GUET-, *GUPĀ	هند و اروپایی	: (INDO-EUROPEAN)	
GIDZHA	صربی (SERBIAN)	: (GREEK) یونانی	
GUZA	اسلواکی (SLOVAK)	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	
GŪZAS, GŪZYS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	
GŪZA, GUZA	: (LATVIAN) (لتونی (لتی))	KUBISI	
REFERENCES	پسگشت ها		
POKORNÝ:	395	KOBEN	: (GERMAN) آلمانی
BARNHART:	(COVE) 228	COFA	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
ONIONS:	(COVE) 222	COVE	: (ENGLISH) انگلیسی
SKEAT:	(COVE) 140	KOVE	: (NORWEGIAN) نروژی
۲۴۰۱	فرهنگ معین :	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	
۱۶۸۰۷	لخت نامه دمغدان	GYZHA	
		GIZHA, GIZA, GUZ	: (POLISH) لهستانی
		HYZĒ	: (CZECH) چک

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: گو، گوی
- ۲- چم این واژه در زبان‌های غیراز فارسی: اناقک، خوک دونی، غار، کله، قلچه‌فلاگی.
- ۳- واژه‌های "کرُز" و "قوز" نیز از همین ریشه‌اند.

KĀR-, KĀRZĀR	فارسی (PERSIAN) : کار (به چم "ارتش" و "جنگ")، کارزار
WAR, BATTLE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KOROS, *KORIOS, *KYOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KRIG	: (SWEDISH) سوئندی
KRIG	: (NORWEGIAN) نروژی
KRIJG	: (DUTCH) هلندی
	: (LITHUANIAN) لیتوانی
KARAS, KARIAS, KARE	
KARSH	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
KARGIS	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
CUIR	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	615-616
DELAMARRE:	84
MACKENZIE:	49
AMINDAROV:	(WORK) 311
۱۵۰۸	برهان قاطع :
۲۷۸۹	فرمنگ معین :
HERR	
HERI	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
HERE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
HARI, HERI	
HEER	: (GERMAN) آلمانی
HERE	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
KRIG	: (DANISH) دانمارکی

یادداشت:

- ۱- امروزه بیشتر دانشمندان معتقدند که واژه‌های انگلیسی WAR و فرانسه‌ی GUERRE از این واجریشه مشتق شده‌اند بلکه از واجریشه‌ی هند و اروپایی *WERS هستند.
- ۲- در فارسی واژه‌ی "کارزار" یعنی " محل نبرد": "کار" = نبرد و یا جنگ و "زار" = محل (مانند "گزار").
- ۳- البته این واژه در فارسی امروز به چم "عمل" و "بیشه" و "کردار" بکار می‌رود.

KĀRD	کارد	فارسی (PERSIAN) :
KNIFE	چم انگلیبسی سروازه‌ی فارسی:	
*K(O)RT, *S(KERT, *S(KRET	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
-CHRUSHTA : (CZECH)	چک	اوستایی (AVESTAN) :
KERTU, KIRSTI : (LITHUANIAN)	لیتوانی	
CĒRTU, CIRST : (LATVIAN)	لتونی (لتی)	
KIRTIS : (OLD PRUSSIAN)	روسی کهن	اوستی
KJĒTH : (ALBANIAN)	آلбанی	کردی
KARTAI : (HITTITE)	هفتت	بلوچی (BALUCHI)
REFERENCES	پگشتما	تخاری (TOKHARIAN B) B سانسکریت (SANSKRIT) :
POKORNY:	941-942	KRNĀTI, KART-, KRNŌTI, KRTIS
DELAMARRE:	115	CORTEX, CURTUS : (LATIN) لاتین
MACKENZIE:	(KNIFE) 120	HAIRUS : (GOTHIC) گوتیک
BUCK:	556-557	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
AMINDAROV:	(KNIFE) 246	CHRUTU, CHRĒSTI
1009	برهان قاطع :	KRAJAĆ : (POLISH) لهستانی

چم این واژه در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی: آلت بُرنده
چم این واژه در زبان لاتین: بریدن و کوتاه کردن، پوسته، رویه.

KĀM, KĀMÉ	کام، کامه (به چم میل، آرزو، خواست)	فارسی (PERSIAN) :-
DESIRE, LONGING		چم انگلیبسی سروازه‌ی فارسی:
*KĀ, *KĀMO-, *KARO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
CHER : (FRENCH)	فرانسه	اوستایی (AVESTAN) :
CARO, QUERIDO : (SPANISH)	امپانیایی	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
CARO : (ITALIAN)	ایتالیایی	بهلوی (PAHLAVI) :
	پرتغالی (PORTUGUESE)	اوستی (OSSETIC) :
CARO, QUERIDO		سانسکریت (SANSKRIT) :
HORS : (GOTHIC)	گوتیک	ارمنی (ARMENIAN) :
	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	لاتین (LATIN) :
		لاتین

KARS : (LATVIAN) لتوانی (لتی)
:(OLD IRISH) ایرلندی کهن

CARAE, CARAIM

KAEZ : (GAELIC) گالیک

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	515
BARNHART:	
(WHORE) 1234, (CHARITY) 160	
DELAMARRE:	(CHER) 224
MACKENZIE:	48
1079 و 1078	برهان قاطع :

HÓRR, HÓRA

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

HOURRA

HURE آلمانی (GERMAN)

WHORE انگلیسی (ENGLISH)

HORE, HÓRR دانمارکی (DANISH)

HORA, HÓRR سوئدی (SWEDISH)

HORE, HÓRR نروژی (NORWEGIAN)

HOER, HÓRR هلندی (DUTCH)

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

KOXATI

KURWA لهستانی (POLISH)

KURVA لیتوانی (LITHUANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در لاتین و زبان های رومانی: گرامی، عزیز، گران.

چم این واژه در زبان های ژرمی و اسلاوی: فاحشه، روسيه.

KĀVIDAN, KĀVESH, KĀFTAN		فارسی (PERSIAN) : کاویدن، کاوش، کافتن
EXCAVATE, DIG		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*(S)KĒP-, *(S)KŌP-, *(S)KAPA		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KOPAT	: (CZECH) چک	AOUSTANI (AVESTAN) :
KOPÁ	: (BULGARIAN) بلغاری	BEHLURI (PAHLAVI)
KOPA	: (SERBIAN) صربی	BYRANI (GREEK)
KOPAT	: (SLOVAK) اسلواکی	LAATIN (LATIN)
KAPÓTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
KAPÁT	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)	HÜBBA, HÄPPA
CAPANNA	: (GAULISH) گالی	آلمانی (GERMAN)
	: (ALBANIAN) آلبانی	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
KEP, KMESÉ, KAMÉS		KAPAJO, KOPATI
		KOPAC (POLISH)
		LEHMANI (RUSSIAN)
		SHCHEPÁTU, SHCHEPÍTU

کپ (به چم "دهان", "دهانه", "ظرف شیشه‌ای بزرگ", "قرابه") / ۳۹۹

پسگشت‌ها 931-932	REFERENCES POKORNY:	برهان قاطع:	۱۵۷۰ و ۱۵۸۳
---------------------	------------------------	-------------	-------------

بادداشت:

- ۱- واژه‌ی "شکافتن" نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی است (بهلوی: SHIKFTIN کردی SXAPTO اوستایی: SCAPTI) یونانی:
- ۲- چم این واژه در زبان لاتین: خرد کردن، کرفتن.
چم این واژه در زبان‌های آلمانی و لیتوانی و لترنی: دام دسته بلند، داس

KOP	کپ (به چم "دهان", "دهانه", "ظرف شیشه‌ای بزرگ", "قرابه") (PERSIAN)	فارسی (PERSIAN):
OPENING, CARBOY, JEROBOAM		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KŪPĀ, *KEUP-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
CUPPE	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	کردی (KURDISH): GHĒP, KAS
CUP	: (ENGLISH) انگلیسی	سانسکریت (SANSKRIT): KŪPAS
KOPJE	: (DUTCH) هلندی	یونانی (GREEK): KŪPE
CWPAN	: (WELSH) ولزی	لاتین (LATIN): CŪPA, CUPPA
KOP	: (BRETON) برتونی	فرانسه (FRENCH): COUPE
REFERENCES	پسگشت‌ها	اسپانیایی (SPANISH): COPA
POKORNY:	591	ایتالیایی (ITALIAN): COPPA
BARNHART:	(CUP) 242	رومانی (RUMANIAN): CUPĀ
DELAMARRE:	(CUVE) 120	پرتغالی (PORTUGUESE): COPA
BUCK:	348-349	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN): HŪFR
AMINDAROV:	(GOBLET) 231	نورس کهن (OLD NORSE): KOPPR
۱۵۹۲	برهان قاطع:	فریزی کهن (OLD FRISIAN): KOPP
۱۸۱۵۶	لخت نامه دهخدا:	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN): KOPF

بادداشت:

- چم این واژه در برخی زبان‌های هند و اروپایی امروزین: کاپ، فنجان، گنجانه بزرگ.
- چم این واژه در کردی: گونه، لپ.
- چم این واژه در سانسکریت: چاه، سوراخ.
- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: قرابه، سر، کله.

KAD,- KADÉ		فارسی (PERSIAN) : کد،-کده (به چم "خانه")
HOUSE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KED-, *KOT, *KOTOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KOTULU	: (BULGARIAN)	اوستایی (AVESTAN)
KĀTILAS	: (LITHUANIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES	پسگشت‌ها	مالانی (پشتو) (APGHANI)
POKORNÝ:	586-587	سانسکریت (SANSKRIT)
DELAMARRE:	62	یونانی (GREEK)
MACKENZIE:	(HOUSE) 118	گوتیک (GOTHIC)
MALLORY & ADAMS:	KET-	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
1904	برهان قاطع :	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

کاد،-کده (به چم "خانه")

یادداشت:

چم این واژه در گوتیک و اسلاوی کهن و اوستایی: آناء.

چم این واژه در انگلیسی کهن: محوطه، حصار.

چم این واژه در سانسکریت: نهفت، پنهان.

چم این واژه در روسی: سد رودخانه (برای ماهی گیری).

KODĀM		فارسی (PERSIAN) : کدام
WHICH		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KWO-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
UTER	: (LATIN) لاتین	اوستایی (AVESTAN)
HWATHAR	: (GOTHIC) گوتیک	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	پهلوی (PAHLAVI)
HVADHARR		کردی (KURDISH)
HWETHAR	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	سانسکریت (SANSKRIT)
HWEDER, HWEDDER		HATARÁ, KATARÁS
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	یونانی (GREEK) (PÓTEROS, KÓTEROS)

KOTERYJU, KOTORYJU

KTORÝ	: (SLOVAK)
KATRĀS	: (LITHUANIAN)

REFERENCES

POKORNÝ:	645-646
MACKENZIE:	(WHICH) 140
ONIONS:	(WHETHER) 1002
SKEAT:	(WHETHER) 7/0
۱۶۰۴	برهان قاطع:

HWEDAR, WEDAR

WEDER	: (GERMAN)
	: (OLD ENGLISH)

HWATHER, HWETHER

WHETHER	: (ENGLISH)
HVER	: (DANISH)
VAR	: (SWEDISH)
HVER, KVAR	: (NORWEGIAN)
KTÓRY	: (POLISH)
KTERÝ	: (CZECH)
	: (BULGARIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های زرمنی: آیا، که.

KARDAN

DO

***KWER-**

KURIŪ, KURTI : (LITHUANIAN) لیتوانی

KURT : (LATVIAN) لتونی (لتی)

KURA : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

REFERENCES

POKORNÝ:	641
MACKENZIE:	
	(DO) 111, (MAKE) 122
BUCK:	537-539
۱۶۱۷	برهان قاطع:

فارسی (PERSIAN) : کردن

چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:

هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

اوستایی (AVESTAN) پارسی باستان

: (OLD PERSIAN)

KAR-, KUNĀVAHY

KARTAN, KARDAN : (PAHLAVI) پهلوی

KÄNIN, KÄNUN : (OSSETIC) اوستی

KIRIN : (KURDISH) کردی

KANAG, KANAGH : (BALUCHI) بلوجی

KAWËL : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

: (SANSKRIT) سانسکریت

KAR-, KRNOTI, KRTA-

یادداشت:

چم این واژه در گذشته "ساختن" هم بوده است.

KARK	کرک (به چم "مرغ خانگی") : (PERSIAN)
HEN, POULTRY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KERK-, *KRQK-, *KREK-, *KRENK-, *KRONK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KRÈCHETU, KRÈK	روسی (RUSSIAN) : روسی
SHKERK	چک (CZECH) : چک
KROKON	بلغاری (BULGARIAN) : بلغاری
KRÈKA	صربی (SERBIAN) : صربی
KRAKATI	اسلواکی (SLOVAK) : اسلواکی
	لیتوانی (LITHUANIAN) : لیتوانی
KROKIÙ, KARKIÙ	لتونی (LATVIAN) : لتوانی
KRĀCU, KRECĒT	
KACTO	بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) : بروسی کهن
CRAIN	ایرلندی کهن (OLD IRISH) : ایرلندی کهن
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	568
BARNHART:	(RING) 930
MACKENZIE:	(KARRK) 49
ONIONS:	(RING) 768
SKEAT:	(RING) 520
۱۸۷۷	لغت‌نامه دمحد:
۱۶۲۲	برهان قاطع:
KAHRKASA	اوستایی (AVESTAN) : اوستایی
KARK	پهلوی (PAHLAVI) : پهلوی
KARK	اوستی (OSSETIC) : اوستی
KURK	کردی (KURDISH) : کردی
CIRG	افغانی (پشتو) (AFGHANI) : افغانی
KRANKO	تخاری A (TOKHARIAN A) : تخاری A
	санسکریت (SANSKRIT) : سانسکریت
KRKARA-, KRAKARA-, KARKA-VĀKU-	
KARKACH	ارمنی (ARMENIAN) : ارمنی
CHERKAS	بونانی (GREEK) : بونانی
CRÖCIÖ, CROCARE	لانین (LATIN) : لانین
	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : ابسلندی کهن
HRANG, HRINGJA	
HRINGAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : انگلیسی کهن
RING	انگلیسی (ENGLISH) : انگلیسی
RINGE	دانمارکی (DANISH) : دانمارکی
RINGA	سوئدی (SWEDISH) : سوئدی
RINGE, RINGIE	نروژی (NORWEGIAN) : نروژی
RINGEN	هلندی (DUTCH) : هلندی
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) : اسلاوی کهن
KRUKNOTI	

یادداشت:

- واژه‌های فارسی "کرکس" و اوستایی KAHRKASA و سانسکریت KRKASA نیز از همین واژه‌ی آمدند.
 - چم این واژه در زبان پهلوی: فرقاول
- چم این واژه در زبان‌های غیرایرانی و غیرهندي: غرييد، غددگردن، صدای فورباخه ایجاد کردن.

KERM	کرم	فارسی (PERSIAN) :
WORM	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KWRMI-, *KWRMIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
GIRMIS : (OLD PRUSSIAN)	بروسی کهن	اوستایی (AVESTAN)
CRUIM : (OLD IRISH)	ایرلندی کهن	پهلوی (PAHLAVI)
PRÉNU : (WELSH)	ولزی	اوستی (OSSETIC)
KRIMP : (ALBANIAN)	آلبانی	کردی (KURDISH)
REFERENCES	پسگشت‌ها	بلوچی (BALUCHI)
POKORNÝ:	649	افغانی (پشتو) (AFGAANI)
BARNHART:	(CRIMSON) 235	سانسکریت (SANSKRIT)
MACKENZIE:	(WORM)	KRMI-, KRMIS, KRIMI
SKEAT:	(CRIMSON) 144	لهستانی (POLISH)
AMINDAROV:	(WORM) 311	روسی (RUSSIAN)
MALLORY & ADAMS:	(KWRMIS)	اسلواکی (SLOVAK)
۱۶۲۵	برهان قاطع :	لیتوانی (LITHUANIAN)
		لتونی (لتی) (LATVIAN)
		CIRMIN, CÉRME

یادداشت:

واژه‌ی "قرمز" نیز از همین واژه‌یش است. صمأً واژه‌های انگلیسی CRIMSON و فرانسه‌ی CRAMOISI و اسپانیایی CARMESI و ایتالیایی کهن CREMESINO و لاتین CREMESINUS از ریشه‌ی سانسکریت با ایرانی این واژه ناشی شده‌اند.

KORRÉ	کُرَه (به چم بجهی اسب و خر و غیره)	فارسی (PERSIAN) :
COLT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*GELT-, *GLET-, *GEL-, *GLDOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
KULD : (DANISH)	دانمارکی	پهلوی (PAHLAVI)
KULT : (SWEDISH)	سوئدی (محلى)	اوستی (OSSETIC)
KULT : (DUTCH)	هلندی	کردی (KURDISH)
KÚRVOS : (SERBIAN)	صربی	سانسکریت (SANSKRIT)
KURKA : (HITTITE)	هتیت	یونانی (GREEK)
KURRAG		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
KUR		انگلیسی (ENGLISH)
KOR, KUR		انگلیسی (ENGLISH)
KULA		
KÓR(R)OS		
COLT : (OLD ENGLISH)		
COLT : (ENGLISH)		

MACKENZIE:	(COLT) 107	REFERENCES	پسگشت ها
MALLORY & ADAMS:	KORUS	POKORNY:	358
۱۶۳۲	برهان قاطع :	BARNHART:	(COLT) 191

یادداشت:

چم این واژه در کردی و برخی گویش های محلی ایرانی: فرزند ذکور، پسر.

چم این واژه در زبان هلندی: تنومند، گردن کلفت.

چم این واژه در زبان صربی: حرامزاده.

KAS	فارسی (PERSIAN) : کس
PERSON, SOMEONE, ONE (PERSON)	چم انگلیسی سرووازه هی فارسی:
*KWOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KÁS	اوستایی (AVESTAN) : سانسکریت (SANSKRIT) : پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
REFERENCES	پسگشت ها
MACKENZIE:	(KAS) 50
RAMAT:	137
۱۹۴	برهان قاطع :
KASH-, (KASHCHI)	KASH-, (KASHCHI)
KAS	پهلوی (PAHLAVI) :
KES, KESEK	کردی (KURDISH) :
KAS	بلوچی (BALUCHI) :
KAS	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :

KOS	فارسی (PERSIAN) : کس
CUNT	چم انگلیسی سرووازه هی فارسی:
*(S)KEUK-, *KUKSIS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن (KURDISH) :
KUPU	بلوچی (BALUCHI) :
KIEP	لهستانی (POLISH) : (AFGHANI) :
KEP	چک (CZECH) : (SANSKRIT) :
KUSHYS	لیتوانی (LITHUANIAN) : (LATIN) :
KŪSIS, KŪSA	لتونی (LTDVIAN) : (OLD ENGLISH) :
	انگلیسی میانه (ENGLISH) :
	دانمارکی (DANISH) :
	هلندی (DUTCH) :
QUZ	کردی (KURDISH) :
KUS	بلوچی (BALUCHI) :
KUS	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
KUKSIS	سانسکریت (SANSKRIT) :
CUNNUS	لاتین (LATIN) :
CUNTE	انگلیسی میانه (OLD ENGLISH) :
CUNT	انگلیسی (ENGLISH) :
KUSSE	دانمارکی (DANISH) :
KUT	هلندی (DUTCH) :

DELAMARRE:	108	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۶۴۲	برهان قاطع:	POKORNY:	953

فارسی (PERSIAN): کش، کشال، کشاله (به چم "بغل"، "آغوش"، "سینه"، "زیربغل"، "کشاله")	
KASH, KASHAL, KASHALÉ	
چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KOKSĀ, *HOKSA	: (INDO-EUROPEAN)
COSS	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
COES	: (WELSH) ولزی
REFEENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	611
MACKENZIE:	(ARMPIT) 50
۱۶۴۶	برهان قاطع:
۱۸۳۴۷-۸	لخت نامه دهداد:
۲۹۷۶	فرهنگ معین:

KASHA	: (AVESTAN) اوستایی
KASH	: (PAHLAVI) پهلوی
KASH	: (BALUCHI) بلوچی
	: (SANSKRIT) سانسکریت
KAKSĀ, KAKSHA	
COXA	: (LATIN) لاتین
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
HĀHSINA	
HACHSE	: (GERMAN) آلمانی
	: پاداشت

چم این واژه در زبان لاتین: کهل، سرین، باسن.
چم این واژه در زبان آلمانی: بند انگشت.
چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: پا.

KOSHTAN	فارسی (PERSIAN): کشتن
چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*GWHEN-, *GWHNTÓS-, *GWHENTEL-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
	: (SANSKRIT) سانسکریت
KUSHNATI, KUSH-	: (AVESTAN) اوستایی
THEINEIN	: (GREEK) یونانی
KUENZI	: (HITTITE) هتب
KUSHNATI, KUSH-	KAOSH, KUSHAITI, KUSHÁTI
THEINEIN	: (PAHLAVI) پهلوی
KUENZI	KUSHTAN, KOXSHITAN
	KUSHTIN : (KURDISH) کردی
	KUSHAG, KUSHAGH : (BALUCHI) بلوچی

BUCK:	(KILL) 288-290	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(GWHEN) 754	POKORNY:	291-293
۱۶۴۸-۱۶۴۹	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(KILL) 120

یادداشت:

۱- اصل این واژه‌ی هند و ایرانی را "ناشناخته" می‌داند.

۲- چم این واژه در زبان سانسکریت: کشیدن، دریدن

۳- واژه‌ی "کشتن" با واژه‌های "زدن" و "زمر" همراه است.

KESHTAN, KĀSHTAN	فارسی (PERSIAN): کشتن، کاشتن
CULTIVATE, TILL,	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KWEL-, *KWELE-	هند و اروپائی (INDO-EUROPEAN): هند و اروپائی
CULTIVAR	برنگالی (PORTUGUESE): اورستایی (AVESTAN)
	انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه)
CULTIVATE	کشیدن (PAHLAVI): پهلوی
	کشیدن (BALUCHI): بلوچی
	: (AFGHANI) (پشتو): افغانی (پشتو)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	639
BARNHART:	
(COLONY) 190, (CULTIVATE) 241	
MACKENZIE:	(TILL) 137
BUCK:	
(CULTIVATE, TILL) 493-494	
SKEAT:	(COLONY) 122
۱۵۶۷	برهان قاطع:

KĀRAL, KARËL	
CĀRATI,	سانسکریت (SANSKRIT):
CALATI, KARSŪS, CHAR	
TELOS, PÓLOS	یونانی (GREEK):
COLERE	لاتین (LATIN):
CULTIVER	فرانسه (FRENCH):
CULTIVAR	اسپانیایی (SPANISH):
COLTIVARE	ایتالیایی (ITALIAN):
CULTIVA	رومانی (RUMANIAN):

یادداشت:

۱- بازگشت به: کشیدن، چرخ.

۲- چم این واژه در زبان یونانی: هایان، محور.

KASHIDAN, KESHIDAN		فارسی (PERSIAN) : کشیدن
DRAW, PULL, DRAG		جم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KWEL-, *KWOL-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KJEL	آلانی (ALBANIAN)	اوستایی (AVESTAN) : پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	639	KASHITAN, KESHIDAN, KESH.
MACKENZIE:		کردی (KURDISH)
(DRAM) 111, (PULL) 129		بلوچی (BALUCHI) الفانی (پشتر) (AFGHANI)
BUCK:		KXÁL, KASHAWÉL санскربت (SANSKRIT)
(DRAW, PULL) 571-572		KARSH-, KRSH- : (ARMENIAN)
۱۶۵۷	برهان قاطع :	ارمنی (ARMENIAN) یادداشت:
		بازگشت به: کشتن، چرخ.

KAM		فارسی (PERSIAN) : کم
LITTLE, SMALL (AMOUNT), FEW		جم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*(S) KREMB-, *(S)KRMB-, *(S)KERB(H)-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
SKARP, SKERP		اوستایی (AVESTAN) :
آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : (شاید)		KAMNA, KAMBISHTEM
SCARF		هارسی باستان (OLD PERSIAN) :
SCHARF	آلانی (GERMAN) : (شاید)	KAMNA, *KANBIYAH, KANBISHTA
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : (شاید)	پهلوی (PAHLAVI)
SCEARP		کردی (KURDISH)
SHARP	انگلیسی (ENGLISH) : (شاید)	بلوچی (BALUCHI)
SHARP	دانمارکی (DANISH) : (شاید)	الفانی (پشتر) (AFGHANI)
SKARP	سوئدی (SWEDISH) : (شاید)	یونانی (GREEK)
SKARP	نروژی (NORWEGIAN) : (شاید)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : (شاید)
SCHERP	هلندی (DUTCH) : (شاید)	SKARPR
		ساکسونی کهن (OLD SAXON) : (شاید)
		فریزی کهن (OLD FRISIAN) : (شاید)

		پسگشت ها
		REFERENCES
ONIONS:	(SCRAPE) 811	POKORNY: 943, 948, 938
SKEAT:	(SHARP) 554, (SCRAPE) 542, (SHRIMP) 559	BARNHART: (SHARP) 994, (SCRIMP) 972, (SHRIMP) 1001
AMINDAROV:	(LITTLE) 249	MACKENZIE:
۱۶۸۹	برهان تاطع :	FEW) 114, (LITTLE) 122, (SMALL) 133 BUCK:

یادداشت:

- ۱- چون خوبی و ازهای ژرمنی این فهرست با ازهای ایرانی آن مسجل نیست، در جلو ازهای ژرمنی (شاید) آورده‌ام.
- ۲- BUCK معتقد است که ازهای فارسی این فهرست احتمالاً با ازهای آلمانی کهن HAMMĀR و ایسلندی کهن SKAMR همراه‌اند. (926: BUCK)

KAMAR	فارسی (PERSIAN) :	کمر
BACK, WAIST	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KAMER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	

ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	KAMARĀ	: (AVESTAN)
HAMR	KAMAR	: (PAHLAVI)
KAMIĒSIS : (LATVIAN)	KAMĀRI	: (OSSETIC)
CAYMOIS : (OLD PRUSSIAN)	KEMER, KEMBER	: (KURDISH)
پروسی کهن	KAMAR	: (AFGHANI) افغانی (بشن) :(SANSKRIT) санскربت

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	524-525
BARNHART:	
(CAMERA) 137, (CHAMBER) 158	
MACKENZIE:	(WAIST) 139
ONIONS:	(CHAMBER) 161
SKEAT:	(CHAMBER) 101
AMINDAROV:	(BELT) 191
۱۶۹۴	برهان تاطع :

KAMARATI, KMAR	ارمنی (ARMENIAN) :
K'AMAK	يونانی (GREEK) :
KAMĀRĀ	لاتین (LATIN) :
KAMERA	فرانسه (FRENCH) :
CHAMBRE	اسپانیایی (SPANISH) :
CÁMARA	ایتالیایی (ITALIAN) :
CAMERA	رومانی (RUMANIAN) :
CAMERÁ	پرتغالی (PORTUGUESE) :
CÁMARA	

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی و اوستی و کردي: کمربند، تسمه.

چم این واژه در سانسکریت: خمیده، قوسدار.

چم این واژه در زبان های بونانی و رومانس: هرچیز دارای سرپوش یا تاق قوسدار، تاق ضربی، اتفاق.

KEKÉ, KEKA	که، که که، ککا(به چم "سرگین" ، "براز" ، "گه")	فارسی (PERSIAN)
FECES, SHIT, EXCREMENT		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KAKKA-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
KAKATI		санسکریت (SANSKRIT)
KAKAC	: (POLISH) لهستانی	ارمنی (ARMENIAN)
KAKAT	: (RUSSIAN) روسی	بونانی (GREEK)
KAKATI, KAKITI	: (SERBIAN) صربی	لاین (LATIN)
KAKATI	: (BOHEMIAN) بوهمی :(MIDDLE PERSIAN) ایرانی میانه	فرانسه (FRENCH) اسپانیایی (SPANISH)
CACCAIM, COCC		ایتالیایی (ITALIAN)
CACH	: (WELSH) ولزی	رومانی (RUMANIAN)
CACH	: (BRETON) برتونی	پرتغالی (PORTUGUESE) ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت ها	
POKORNÝ:	521	KUKA
DELAMARRE:	(CHIER) 262	KACKEN, GEGGA : (GERMAN)
BUCK:	275	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY:	314	CAC-, CACKEN
MALLORY:	32	CACK : (ENGLISH) (محلی)
برهان قاطع :		KAKKE : (DANISH)
۱۶۶۵		KAKKEN : (DUTCH)
		اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

KAL, KACHAL		فارسی (PERSIAN) : کل، کچل
BALD		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KELEWO-, *KLWOS-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
KAAL	: (DUTCH) هندی :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	اوستایی (AVESTAN)
COLŪ		کردی (KURDISH)
HOLÝ	: (CZECH) چک	سانسکرت (SANSKRIT)
HOLÝ	: (SLOVAK) اسلواکی	لاتین (LATIN)
KAILS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	فرانسه (FRENCH)
REFERENCES	پسگشت‌ها	اسپانیایی (SPANISH)
POKORNÝ:	554	ایتالیایی (ITALIAN)
BARNHART:	(CALLOW) 136	رومانی (RUMANIAN)
DELAMARRE:	(CHAUVE) 316	پرتغالی (PORTUGUESE)
BUCK:	317-318	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ONIONS:	(CALLOW) 137	آلمانی (GERMAN)
برهان قاطع :		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
۱۶۰۰ و ۱۹۹۵		انگلیسی (ENGLISH)
		سوئدی (SWEDISH)
		یادداشت:

چم این واژه در انگلیسی نوین: جوجه، بی تجربه.

KALĀGH		فارسی (PERSIAN) : کلاح
CROW		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KER-, *KOR-, *KR-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
CORBEAU	: (FRENCH) فرانسه	اوستایی (AVESTAN)
CUERVO	: (SPANISH) اسپانیایی	پهلوی (PAHLAVI)
CORNACCHIA	: (ITALIAN) ایتالیایی	کردی (KURDISH)
CORVO	: (PORTUGUESE) پرتغالی :(OLD NORSE) نورس کهن	بلوچی (BALUCHI) افغانی (پشتو) (AFGHANI)
SKRAUMI, SKRUM		KĀRGHA, KĀRGHĒ
SKRUMMEL : (OLD FRISIAN) فریزی کهن		تخاری (TOKHARIAN B) B
SCHRUMMLN : (GERMAN) آلمانی		یونانی (GREEK)
نروژی (NORWEGIAN)		لاتین (LATIN)
CORVUS		

REFERENCES	پشت ما
POKORNÝ:	567, 570
MACKENZIE:	(CROW) 109
۱۹۹۹	برهان تاطع :
۲۰۱۶	فرهنگ معین :

SKAAT, SKRATE, SKRATLE

KARKAC	: (POLISH)	لهستانی
KRÁKORATI	: (CZECH)	چک
KRAKORITI	: (SERBIAN)	صربی
SKRIUNÚ	: (LITHUANIAN)	لیتوانی
CRŪ	: (MIDDLE IRISH)	ایرلندی میانه

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های اسلامی این فهرست: غار غار کردن
 چم این واژه در زبان‌های ژرمنی این فهرست: جبع و داد کردن، صدای گوشخراش
 ۲- شاید واژه‌های انگلیسی CROW و آلمانی KRÄHE نیز از همین واجریشه باشد.

KALLÉ	کله	فارسی : (PERSIAN)
HEAD		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :
*KAPUT, *KAPOLÓ		هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
HOUBIT	KAMERƏTHA	اوستایی : (AVESTAN)
HAUPT	KELLE	کردی : (KURDISH)
HĒFOD	KAPŪCCHALAM	سانسکریت : (SANSKRIT)
HEAD	KULOUKH	ارمنی : (ARMENIAN)
HOVED	KÁPĀ, KEPHALĒ	یونانی : (GREEK) (شاید)
HOVUD	CAPUT, CAPITIUM	لاتین : (LATIN)
HOVED	CAP	فرانسه : (FRENCH)
HOOFD	CABEZA	اسپانیایی : (SPANISH)
	CAPO	ایتالیایی : (ITALIAN)
: (OLD CHURCH SLAVIC) کهن	CAP	رومانی : (RUMANIAN)
GLAWA	CABECA	پرتغالی : (PORTUGUESE)
GLOWA	HAUBITH	گوتیک : (GOTHIC)
GOLOVA		ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
HLAVA	HOFUDH	
GLAVA	HOBID	ساکسونی کهن : (OLD SAXON)
HLAVA		فریزی کهن : (OLD FRISIAN)
HLAVA	HĀVED, HĀFD	
GALVA		آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)
GALVA		

BUCK:	212-213	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(HEAD) 432	POKORNY:	529
AMINDAROV:	(HEAD) 234	BARNHART:	(HEAD) 470
برهان قاطع:		DELAMARRE:	(TETE) 100

KANDAN	کندن	فارسی (PERSIAN):
DIG, CARVE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KH-, *KHAN-, *KHNθ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
KHAN-, KHĀNATI	KAN-	اوستایی (AVESTAN)
AKAN	: (ARMENIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
	ارمنی	پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNY:	634	اوستی (OSSETIC)
MACKENZIE:	(DIG) 110	KENĀN, CHIKANDIN: (KURDISH)
AMINDAROV:	(DIG) 212	افغانی (پشنو) (AFGHANI)
برهان قاطع:		KANDAL, KINDĒL
		санскریت (SANSKRIT)
		یادداشت:

۱- واژه‌های این فهرست با واژه‌های انگلیسی CARVE و آلمانی KERBEN و واژه‌های اسکاندیناوی هریشه آنها شباهت دارند ولی ظاهراً این واژه‌ها از یک واژه‌ی هند و اجریشه‌ی هند و اروپایی دیگر (*GERBH) آمدند (147:BARNHART).

۲- بازگشت به پانزدهمین فهرست در صفحه ۶۳۶.

۳- رابطه‌ی واژه‌های هند و ایرانی این فهرست با واژه‌ی هند و اروپایی نرق احتمالی است و بهمین دلیل در جلو آن (شاید) بکار رفته است.

KŪ, KOJĀ	کو، کجا	فارسی (PERSIAN):
WHERE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KWō-, *KWŪ-, *KWUR-, *KWER-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
KIDERĒ, KUDER, KUDA, KUVA		اوستایی (AVESTAN)
KUM	: (AFGHANI)	KŪ, KŪTHRA, KUDĀ
	افغانی (پشنو)	پهلوی (PAHLAVI)
	: (SANSKRIT)	کردی (KURDISH)
KŪ, KŪVA, KVĀ, KŪTRA, KUHĀ		

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	UR, OUR	ارمنی (ARMENIAN)	
KÜDE	PU-	يونانی (GREEK)	
GDZIE	UBI	لاتین (LATIN)	
KDE, KAM	OÙ	فرانسی (FRENCH)	
KDE, KAM	DONDE	اسپانیایی (SPANISH)	
KDE, KAM	DOVE	ایتالیایی (ITALIAN)	
KURĒ, KUR	UNDE	رومانی (RUMANIAN)	
QUEI	ONDE	برتغالی (PORTUGUESE)	
CW, CWD	HWAR	گوتیک (GOTHIC)	
CW, CWD		ابلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	
KU, KUR	HVAR		
KUWABI	HWĀR	ساکسونی کهن (OLD SAXON)	
	HWĒR	فریزی کهن (OLD FRISIAN)	
REFERENCES	HWĀR	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	
POKORNY:	647-648	WO	آلمانی (GERMAN)
BARNHART:	(WHERE) 1231		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
DELAMARRE:	OÙ	HWAR, HWAR	انگلیسی (ENGLISH)
MACKENZIE:	(WHERE) 140	WHERE	انگلیسی (ENGLISH)
SKEAT:	(WHERE) 710	HVOR	دانمارکی (DANISH)
AMINDAROV:	(WHERE) 309	VAR	سوئدی (SWEDISH)
۱۵۹۷ و ۱۷۱۶	برهان قاطع :	HVOR, KVAR	نروژی (NORWEGIAN)

POKORNY:	647-648
BARNHART:	(WHERE) 1231
DELAMARRE:	OÙ
MACKENZIE:	(WHERE) 140
SKEAT:	(WHERE) 710
AMINDAROV:	(WHERE) 309
۱۵۹۷ و ۱۷۱۶	برهان قاطع :

KŪTĀH, KŪTAH	کوتاه، کوتاه (PERSIAN)
SHORT	چم بلکلیبسی سرووازه‌ی فارسی :
*(S)KER-, *(S)KORTU-, *(S)KRTĀ-, *KRTOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : (شاید)
KATU-	санскریت (SANSKRIT) : (AVESTAN)
KOTAK	ارمنی (ARMENIAN)
KIERŌ	يونانی (GREEK)
CURTUS	لاتین (LATIN)
COURT	فرانسی (FRENCH)
CORTO	اسپانیایی (SPANISH)
	KUTAKA, KAUTAKA
	پهلوی (PAHLAVI)
	KOTAK, KÔTĀH, KUK
	کردی (KURDISH)
	الغاني (پشتون) (AFGHANI)

KORTKIJ	: (RUSSIAN) روسی	CORTO	: (ITALIAN) ایتالیایی
KRÁTKÝ	: (CZECH) چک	SCURT	: (RUMANIAN) رومانی
KRATAK	: (SERBIAN) صربی	CURTO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
*KRÁTKY	: (BOHEMIAN) بوهمی		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
KRÁTKY	: (SLOVAK) اسلواکی	SKORT, SKORTR	
KARTUS	: (LITHUANIAN) لیتوانی		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
KURTAI-	: (HITTITE) هفت	SCURZ	
REFERENCES		KURZ	: (GERMAN) آلمانی
POKORNY:	938-941		: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
BARNHART:	(CURT) 254, (SHORT) 941	SCEORT, SCORT	
MACKENZIE:	(SHORT) 132	SHORT	: (ENGLISH) انگلیسی
BUCK:	883-889	KORT	: (DANISH) دانمارکی
SKEAT:	(SHORT) 558	KORT	: (SWEDISH) سوئدی
AMINDAROV:	(SHORT) 285	KORT	: (NORWEGIAN) نروژی
۱۷۲۴ و ۱۷۲۱	برهان قاطع:	KORT	: (DUTCH) هلندی

یادداشت:

- واژه‌های فارسی "کودک" و "کوچک" هم از همین ریشه‌اند.
- رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگر واژه‌های آن احتمالی است و لذا جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

KŪD, KŪT	فارسی (PERSIAN): کوند، کوت
FERTILIZER, DUNG, MANURE	چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*KŪDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
CWĒAD	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) اوستایی (AVESTAN)
	: (OLD CHURCH SLAVIC) سانسکریت (SANSKRIT)
GONVO	
SHÚDAS	لیتوانی (LITHUANIAN) بونانی (GREEK)
SŪDS	لتونی (LATVIAN) آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
	KOT آلمانی (GERMAN)

BUCK:	276	REFERENCES	پسگشت‌ها
۱۷۲۳	برهان قاطع:	POKORNY:	627

KŪR	کور	فارسی (PERSIAN):
BLIND	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KAJKO-, *KĀJD-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
CAECH	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	KŌR پهلوی (PAHLAVI):
COEG	: (WELSH) ولزی	KOR, KUR, KURI کردی (KURDISH):
		KEKARA سانسکریت (SANSKRIT):
REFERENCES	پسگشت‌ها	GOUYR ارمنی (ARMENIAN):
POKORNY:	519-520	CAECUS لاتین (LATIN):
MACKENZIE:	(BLIND) 104	CIEGO اسپانیایی (SPANISH):
BUCK:	322-323	CIECO ایتالیایی (ITALIAN):
AMINDAROV:	(BILND) 192	CEGO پرتغالی (PORTUGUESE):
۱۷۲۴	برهان قاطع:	HAIHS گوتیک (GOTHIC):
		KEIKTI لیتوانی (LITHUANIAN):

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: چپ چشم.

چم این واژه در گوتیک و ایرلندی کهن و ولزی: بک چشمی.

چم این واژه در لیتوانی: با سو "ب" نگاه کردن.

KŪZH, KŪZ, GHŪZ	کوز، کوز، قوز	فارسی (PERSIAN):
HUMP, HUNCH, CONVEX	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KEUK-, *KOUK, *KUK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
HĀCH	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	KŌF پهلوی (PAHLAVI):
HŌH	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	KŪZ کردی (KURDISH):
HOCH	: (GERMAN) آلمانی	KUCAS سانسکریت (SANSKRIT):
HĒAH	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	HAUHS گوتیک (GOTHIC):
HIGH	: (ENGLISH) انگلیسی	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
HOI	: (DANISH) دانمارکی	HŌR, HĀR
HÖG	: (SWEDISH) سوئدی	HŌH ساکسونی کهن (OLD SAXON):

CUAR : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
KORNY:	589
BARNHART:	(HIGH) 481
MACKENZIE:	(HUMP) 118
ONIONS:	(HIGH) 440
SKEAT:	(HIGH) 271
۱۷۲۷	برهان قاطع:
۱۷۴۵	فرهنگ معین:

HOY : (NORWEGIAN) نروژی

HOOG : (DUTCH) هلندی

KUEZKI : (POLISH) لهستانی

KUCHA : (RUSSIAN) روسی

KUCHE : (CZECH) چک

KUKA : (BULGARIAN) بلغاری

KAŪKAS : (LITHUANIAN) لیتوانی

لترنی (لن): (LATVIAN)

KUKURS, KUKUMS

CAWX : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن

یادداشت:

چم این واژه در سانسکریت: پستان زن

چم این واژه در زبان های ژرمنی: بر جسته، بلند

چم این واژه در زبان لیتوانی: ورم، برآمدگی

چم این واژه در زبان بلغاری: قلاب

چم این واژه در زبان روسی: اباشه.

KŪFTAN, KŪBIDAN, KŪSTAN : کوفتن، کوبیدن، کوستن فارسی (PERSIAN):

POUND, SMASH, CRUSH, : چم انگلیسی سروواله‌ی فارسی:

*KĀU-, *KƏU- : هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

HAWA, HOWA : پارتی (اوراق مانوی)

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

HOUWAN : KWBG, KWSTN : پهلوی (PAHLAVI)

HOUWAN : KÖFTAN, KÖSTAN, KÖB : پهلوی (PAHLAVI)

HAVEN : آلمانی (GERMAN)

KUTAN : (KURDISH) کردی

HĒAWAN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

KO : (TOKHARIAN A) A تخاری

HEW : (ENGLISH) انگلیسی

KAU : (TOKHARIAN B) B تخاری

HUGGE : (DANISH) دانمارکی

CŪDŌ, CŪDERE : (LATIN) لاتین

HUGGA : (SWEDISH) سوئدی

HAWI : (GOTHIC) گوتیک

HOGGE : (NORWEGIAN) نروژی

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

HOUWEN : (DUTCH) هلندی

HUGGVA : ساکسونی کهن

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

HAUWAN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن

KUJU : (OLD FRISIAN) فریزی کهن

کوکو (به چم "فاخته") / ۴۱۷

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	535
BARNHART:	(HEW) 479
DELAMARRE:	
	(BATTRE, FORGER) 262
MACKENZIE:	(POUND) 127
۱۷۳۲ و ۱۷۲۹	برهان قاطع:

KUZNO, KOVATE	: (RUSSIAN)
KOVATI	: (BULGARIAN)
KŪJĒM	: (SERBIAN)
KÁUJU, KÁUTI	: (LITHUANIAN)
-KAUT	: (LATVIAN) (لتونی)
CUGIS	: (OLD PRUSSIAN) (بروسی کهن)

بادداشت:

چم این واژه در زبان‌های تخاری: کشن.

چم این واژه در زبان‌های ژرمی: (با ضربه‌ی ششیر و غیره) بریدن، ضربت زدن.

KŪKŪ	کوکو (به چم "فاخته")	فارسی (PERSIAN):
CUCKOO		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KAW-, *KAUK β LOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
	: (RUSSIAN) روسی	санскریت (SANSKRIT)
KUKUSHKA, KUKUSA		بونانی (GREEK)
	: (LITHUANIAN) لیتوانی	LAȚIN (LATIN)
KAUKALE, KUKUOTI		COUCOU فرانسه (FRENCH)
CUACH	: (MIDDLE IRISH) ایرلندی میانه	CUKO اسپانیایی (SPANISH)
		CUCULO ایتالیایی (ITALIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	536	COGUL پرتغالی (PORTUGUESE)
BARNHART:	(CUCKOO) 240	KUCKUCK آلمانی (GERMAN)
DELAMARRE:	(COUCOU) 140	CUCKOO انگلیسی (ENGLISH)
MALLORY:	116	KOEKOEK هلندی (DUTCH)
۱۷۳۴	برهان قاطع:	
۳۱۳۰	فرهنگ معین:	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

بادداشت:

نام این ہرنده یک واژه‌ی آوای (نام آوا ONOMATOPOEIA) است که در بسیاری از زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد. کاربرد آن توسط شاعران فارسی (مثلًا خیام و امیر خسرو) نشان می‌دهد که این واژه از دیرباز در زبان فارسی وجود داشته است.

KŪN		کون	: فارسی (PERSIAN)
RECTUM, ANUS		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KUL-, *KAUL-, *KUTSÓS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
HOLE	: (ENGLISH) انگلیسی	KŪN	: پهلوی (PAHLAVI)
HUL	: (DANISH) دانمارکی	KUN, QING, KIN	: کردی (KURDISH)
HÄL	: (SWEDISH) سوئدی	KŪN, KIN	: بلوجی (BALUCHI)
HUL, HOL	: (NORWEGIAN) نروژی	KULYĀ	: سانسکریت (SANSKRIT)
HOL	: (DUTCH) هلندی	KAULÓS	: یونانی (GREEK)
KÁULAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	CŪLUS, CAULIS	: لاتین (LATIN)
KAÜLS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	CUL	: فرانسه (FRENCH)
CAULAN	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	CULO	: اسپانیایی (SPANISH)
		CULO	: ایتالیایی (ITALIAN)
		CULO	: پرتغالی (PORTUGUESE)
		HULUNDI	: گوتیک (GOTHIC)
			: ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
		HOLR	
		HOL	: ساکسونی کهن (OLD SAXON)
		HOL	: فریزی کهن (OLD FRISIAN)
		HOL	: آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
		HOHL	: آلمانی (GERMAN)
		HOL	: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
			: یادداشت
REFERENCES	پسگشت‌ها		
POKORNÝ:	537		
BARNHART:	(HOLE) 486		
MACKENZIE:	(ANUS) 102		
ONIONS:	(HOLE) 444		
SKEAT:	(HOLE) 274		
MALLORY & ADAMB:			
KUTSÓS			
IVVÁ	برهان قاطع:		

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سوراخ.

KŪH		کوه	: فارسی (PERSIAN)
MOUNTAIN		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KEUP-, *KEUB-, *KOU-, *KOUB		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
KVAB	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)	KAQFA	: اوستایی (AVESTAN)
KOC	: (TOKHARIAN A) A تخاری	KAUFA	: پارسی باستان (OLD PERSIAN)
KAUC	: (TOKHARIAN B) B تخاری	KŌF, KOFAK	: پهلوی (PAHLAVI)
KOHAK	: (ARMENIAN) ارمنی	KŪWI	: کردی (KURDISH)
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	KŌPAK, KOFAGH	: بلوجی (BALUCHI)

KUPU	: (BULGARIAN) بلغاری
HUP	: (SERBIAN) صربی
KOPEC	: (SLOVAK) اسلواکی
KAUPAS, KUPRA	: (LITHUANIAN) لیتوانی
KURS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
CŪAN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
KJIPÍ	: (ALBANIAN) آلبانی

HOF, HOPR	
HÖP	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
HÄP	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
HOVAR, HUBIL	
HÜGEL, HAUFE	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
HOFER, HĒAP	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	589-591
BARNHART:	(HEAP) 470-471
MACKENZIE:	(MOUNTAIN) 124
BUCK:	25, 852
۱۷۳۹	برهان قاطع:

HEAP	: (ENGLISH) انگلیسی
HOP	: (DANISH) دانمارکی
HOV	: (NORWEGIAN) نروژی
HEUVEL, HOOP	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
KUPŪ	
KOPIEC, KUPA	: (POLISH) لهستانی
	یادداشت:

چم برخی از واژه های این فهرست: کوهان، ته، توده یا انباشته بند.

KI	کی (به چم "چه کسی")	فارسی (PERSIAN):
WHO		چم انگلیسی سروازه دی فارسی:
*KWE-, *KWA-, *KWI-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
QUI	: (FRENCH) فرانسه	اوستایی (AVESTAN)
QUE, QUIEN	: (SPANISH) اسپانیایی	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
CHI	: (ITALIAN) ایتالیایی	پهلوی (PAHLAVI)
CINE	: (RUMANIAN) رومانی	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
QUE, QUEM	: (PORTUGUESE) پرتغالی	تخاری A (TOKHARIAN A)
HWAS, HWŌ	: (GOTHIC) گوتیک	تخاری B (TOKHARIAN B)
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن	санسکریت (SANSKRIT)
HVERR		KAS, KĀ, KIS
HWĒ	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن	ارمنی (ARMENIAN)
HWĀ	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن	يونانی (GREEK)
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	لاتین (LATIN)

KAS	لیتوانی :(<i>LITHUANIAN</i>)
	ایرلندی کهن :(<i>OLD IRISH</i>)
NECH, CĒ, CIA	
GWY	ولزی :(<i>WELSH</i>)
KUIS, KUIT	هفت :(<i>HITTITE</i>)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	644-648
BARNHART:	(WHO) 1234
DELAMARRE:	(QUI) 303
MACKENZIE:	(WHO) 140
ONIONS:	(WHO) 1004
SKEAT:	(WHO) 718
۳۱۴۶	فرهنگ معین :

HWER, WER	آلمانی :(<i>GERMAN</i>)
WER	انگلیسی کهن :(<i>OLD ENGLISH</i>)
HWA	انگلیسی :(<i>ENGLISH</i>)
WHO	دانمارکی :(<i>DANISH</i>)
HVO	سوئدی :(<i>SWEDISH</i>)
HVAR, HVEM	نروژی :(<i>NORWEGIAN</i>)
HVO	هلندی :(<i>DUTCH</i>)
WIE	اسلاوی کهن :(<i>OLD CHURCH SLAVIC</i>)
KŪTO, CHITO	لهستانی :(<i>POLISH</i>)
KTO, KTORY	روسی :(<i>RUSSIAN</i>)
KTO, CHTO	چک :(<i>CZECH</i>)
KDO, KTERÝ	اسلواکی :(<i>SLOVAK</i>)
KTO, KTORY	یادداشت:

واژه‌های اوستایی KAS و پارسی باستان KASH (به چم "کس"، "شخص") نیز از همین واژه‌بودند. همچنین واژه‌های اوستایی KASH-CHI و پارسی باستان KASH-CHIT نیز از همین واژه‌بودند (RAMA: 137).

KAY	فارسی :(<i>PERSIAN</i>)
WHEN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KWA-, *KWO-, *KWE-	:(<i>INDO-EUROPEAN</i>)
QUOM, CUM, QUAND	اوستایی :(<i>AVESTAN</i>)
QUAND	پارسی باستان :(<i>OLD PERSIAN</i>)
CUANDO	KADHA, KEM, KO :(<i>AVESTAN</i>)
QUANDO	پهلوی :(<i>PAHLAVI</i>)
CIND	اوستی :(<i>OSSETIC</i>)
QUANDQ	کردی :(<i>KURDISH</i>)
HWAN	بلوچی :(<i>BALUCHI</i>)
HWAN	افغانی (پشتو) :(<i>AFGHANI</i>)
HWENNE	سانسکریت :(<i>SANSKRIT</i>)
HWENNE	ارمنی :(<i>ARMENIAN</i>)
WANNE, WENNI	یونانی :(<i>GREEK</i>)

CAN	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
PON	: (WELSH)	ولزی
KË	: (ALBANIAN)	آلبانی

WANN	: (GERMAN)	آلمانی
	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
HWANNE, HWENNE		
WHEN	: (ENGLISH)	انگلیسی
WANNEER	: (DUTCH)	هلندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
KOGDA		
KIEDY, KIEDYZ	: (POLISH)	لهستانی
KDY, KDYZH	: (RUSSIAN)	روسی
KED, KEDY	: (SLOVAK)	اسلواکی
KA, KUR, KADA	: (LITHUANIAN)	لیتوانی
KAN	: (OLD PRUSSIAN)	پروسی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	644-648
BARNHART:	(WHEN) 1230
DELAMARRE:	303
MACKENZIE:	(WHEN) 140
ONIONS:	(WHEN) 1001
۱۷۴۸	برهان قاطع :

KIN, KINÉ	فارسی (PERSIAN) :
HATE, MALICE, HATRED	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KWEI, *KWOINA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KAJATU	: (RUSSIAN) روسی
CÉNA	: (BULGARIAN) بلغاری
KÁINA	: (LITHUANIAN) لیتوانی
ER-KININT	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن
CIN, CINAD	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	637
MACKENZIE:	
(HATE) 117, (MALICE) 122	
۱۷۵۹	برهان قاطع :

KAĒNĀ, KĀY	: (AVESTAN) اوستایی
KĒN	: (PAHLAVI) پهلوی
CHITHÄ	: (OSSETIC) اوستی
KIN	: (KURDISH) کردی
KINAGH	: (BALUCHI) بلوچی
KINA	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
KĀY, CĀYATI	: (SANSKRIT) سانسکریت
KĒN	: (ARMENIAN) ارمنی
KEDOS, KEDEIN	: (GREEK) یونانی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
CĒNA	

یادداشت:

- ۱- شاید واژه‌ها انگلیسی HATE و آلمانی HASS و فرانسه‌ی HATIS و گوتیک HATIS هم از همین ریشه باشند.
- ۲- چم این واژه در اوستی و بلغاری: شرف.
- چم این واژه در روسی و ایرلندی کهن: تقدیر.
- چم این واژه در پروسی کهن: خلاص از شر شیطان.

چم این واژه در لیتوانی و اسلاوی کهن: بها، قیمت.

چم این واژه در زبان‌های اوستایی و سانسکریت: تناصر، دیه، جریمه‌ی فتل.

GAEDAN, GADAN	فارسی (PERSIAN): گائیدن، گاییدن، گادن
COPULATE, FUCK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GWEI-, *GWI-, *GWEYð-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
KVEISA	: (NORWEGIAN) نروژی
REFERENCES	پگشتهای
POKORNÝ:	470
BARNHART:	(QUENCH) 874
MACKENZIE:	(COPULATE) 108
SKEAT:	(QUENCH) 492
۱۸۸۷ و ۱۸۸۶	لغت‌نامه دهخدا:
۳۱۹۲	فرهنگ معین:
GĀDAN	: (PAHLAVI) پهلوی
JINAS	: (SANSKRIT) سانسکریت
QUISTJAN	: (GOTHIC) گوتیک
KVEITA	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
QUINKA	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
QUIST:	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
-CWENCAN:	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
QUENCH	: (ENGLISH) انگلیسی

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: پیری

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: فرونشاندن، ضایع کردن

GĀZ	فارسی (PERSIAN): گاز (به چم علف)
GRASS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHRØS-, *CHRØS-, *GHRĒ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شابد)
GRAS	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
GRAS, GARS	: (DANISH) دانمارکی
GRASS	: (ENGLISH) انگلیسی
GRÄS	: (SWEDISH) سوئدی
GRESS	: (NORWEGIAN) نروژی
GRAS	: (DUTCH) هلندی
GIHA	: (KURDISH) کردی
GHAS	: (SANSKRIT) سانسکریت
GRAS	: (GOTHIC) گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
GRAS	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
GRES	: (OLD PRISIAN) فریزی کهن
GRAS	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

SKEAT:	(GRASS) 248	REFERENCES	پسکشت‌ها
AMINDAROV:	(GRASS) 231	POKORNY:	454
۳۱۶۵	فرمنگ معین:	BARNHART:	(GRASS) 447
۱۷۶۳	برهان قاطع:	ONIONS:	(GRASS) 410

یادداشت:

میچکدام از پسکشت‌ها (مراجع) من به رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست اشاره‌ای نمی‌کنند. بهمین دلیل در جلو و اجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

GĀM	فارسی (PERSIAN): گام
STEP, PACE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*GWĀ-, *GWEM-, *GWAMN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KOMMEN	: (GERMAN) آلمانی	: (AVESTAN) اوستایی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	GĀMAN, GĀYA-, GATISH
CUMAN, COMEN	: (ENGLISH)	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
COME	: (DANISH) انگلیسی	بهلوی (PAHLAVI):
KOMME	: (SWEDISH) دانمارکی	کردی (KURDISH):
KOMMA	: (NORWEGIAN) سوئدی	افغانی (بشنتر) (AFGHANI):
KOMME	: (DUTCH) نروژی	تخاری A (TOKHARIAN A):
KOMEN	: (LITHUANIAN) هلندی	تخاری B (TOKHRIAN B):
GÖTI	: (LATVIAN) لیتوانی	سانسکریت (SANSKRIT):
GĀJU	: (IRISH) لتونی (لتی)	GĀYAM, -GAMAN, GÁTIS
GĀTRAM	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	ارمنی (ARMENIAN):
NGĀ	: (ALBANIAN) آلبانی	بونانی (GREEK):

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNY:	463-464
BARNHART:	(COME) 192
DELAMARRE:	(PAS) 84
MACKENZIE:	(STEP) 134
۱۷۶۳	برهان قاطع:

KOMA	ساکسونی کهن (OLD SAXON):
CUMAN	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
KUMA	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
QUEMAN, COMAN	

GĀV	گاو	: (PERSIAN)
COW	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*GWŌUS, *GWŌM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	GAUSH, GAO-	: (AVESTAN)
KRAVA, GOVEDO	GAV	: (OLD PERSIAN)
KROWA	GĀW	: (PAHLAVI)
KOROVA, GOVIADO	QŪG, YOG	: (OSSETIC)
KRÁVA	GA-	: (KURDISH)
KRAVA	GŌK, GŌX	: (BALUCHI)
KRÁVA	GHWĀ	: (AFGHANI)
KRAVA	KO	: (TOKHARIAN A) A
KARVE	KAU	: (TOKHARIAN B) B
GŪOVS	GAŪS, GO-	: (SANSKRIT)
BÓ	KOV, GOV	: (ARMENIAN)
BUW	BOŪS	: (GREEK)
BUCH	BŌS	: (LATIN)
BÓ	BAUF	: (FRENCH)
	BUEY	: (SPANISH)
	BUE, BOVE	: (ITALIAN)
	KÝR	: (OLD SCANDINAVIAN)
POKORNÝ:	482	
BARNHART:	(COW) 229	
DELAMARRE:	133-134	
MACKENZIE:	(COW) 109	
BUCK:	152-155	
ONIONS:	(COW) 223	
SKEAT:	(COW) 140	
RAMAT:	34	
AMINDAROV:	(BULL) 195	
برهان قاطع	:	
۱۷۹۶		

REFERENCES	پسکشتهای
POKORNÝ:	482
BARNHART:	(COW) 229
DELAMARRE:	133-134
MACKENZIE:	(COW) 109
BUCK:	152-155
ONIONS:	(COW) 223
SKEAT:	(COW) 140
RAMAT:	34
AMINDAROV:	(BULL) 195
برهان قاطع	:
۱۷۹۶	

اوستایی (AVESTAN)	GAUSH, GAO-	: (AVESTAN)
پارسی باستان (OLD PERSIAN)	GAV	: (OLD PERSIAN)
پهلوی (PAHLAVI)	GĀW	: (PAHLAVI)
اوستی (OSSETIC)	QŪG, YOG	: (OSSETIC)
کردی (KURDISH)	GA-	: (KURDISH)
بلوچی (BALUCHI)	GŌK, GŌX	: (BALUCHI)
افغانی (پشتو) (AFGHANI)	GHWĀ	: (AFGHANI)
نخاری (TOKHARIAN A) A	KO	: (TOKHARIAN A) A
تخاری (TOKHARIAN B) B	KAU	: (TOKHARIAN B) B
سانسکریت (SANSKRIT)	GAŪS, GO-	: (SANSKRIT)
ارمنی (ARMENIAN)	KOV, GOV	: (ARMENIAN)
يونانی (GREEK)	BOŪS	: (GREEK)
لاتین (LATIN)	BŌS	: (LATIN)
فرانسه (FRENCH)	BAUF	: (FRENCH)
اسپانیایی (SPANISH)	BUEY	: (SPANISH)
ایتالیایی (ITALIAN)	BUE, BOVE	: (ITALIAN)
ایسلندی کهن (OLD NORDIC)	KÝR	: (OLD SCANDINAVIAN)
ساکونی کهن (OLD SAXON)	KŌ	: (OLD SAXON)
فريزی کهن (OLD FRISIAN)	KŪ	: (OLD FRISIAN)
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	KUO	: (OLD HIGH GERMAN)
آلمانی (GERMAN)	KUH	: (GERMAN)
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	CŪ	: (OLD ENGLISH)
انگلیسی (ENGLISH)	COW	: (ENGLISH)
دانمارکی (DANISH)	KO	: (DANISH)
سوئدی (SWEDISH)	KO	: (SWEDISH)
نروژی (NORWEGIAN)	KU	: (NORWEGIAN)
هلندی (DUTCH)	KOE	: (DUTCH)

GORĀZ	فارسی (PERSIAN) : گراز
BOAR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*WER-, *WEROΣ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : (شاید)
VIER رومانی : (RUMANIAN)	اوستایی (AVESTAN)
VERVEX لتوانی (لتی) : (LATVIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
VIRSES بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) : (OLD PRUSSIAN)	کردی (KURDISH)
REFERENCES پسگشت‌ها	санسکریت (SANSKRIT)
MACKENZIE: (BOAR) 104	ارمنی (ARMENIAN)
BUCK: 160-164	لاتین (LATIN)
AMINDAROV: (BOAR) 192	فرانسه (FRENCH)
1779 برهان قاطع :	اسپانیایی (SPANISH)
	ایتالیایی (ITALIAN)
	یادداشت:

رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت و ارمنی این نهرست با واجریشه‌ی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این نهرست احتمالی است و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

GERĀMI, GERĀM	فارسی (PERSIAN) : گرامی، گرام
DEAR, TREASURED, VALUABLE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*GWER-, GWERð-, GWRTÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : (شاید)
GRACA پرتغالی : (PORTUGUESE)	اوستایی (AVESTAN)
GRACE انگلیسی (ENGLISH) : (از فرانسه)	پهلوی (PAHLAVI)
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :	سانسکریت (SANSKRIT)
GRANU لیتوانی (LITHUANIAN) :	GRĀMIG, GARĀMIK, GARĀM,
GIRIÙ, GIRTI, GĒRAS	GRĀMIH, GRĀMAG
DZIRTIĒS لتوانی (لتی) : (LATVIAN)	GŪRTÁS, GIRÁS, GRNATI, GIRÁH
GIRTWEI بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) :	GRĀTIA, GRĀTUS
GRISH, GĒRSHÁ آلبانی (ALBANIAN) :	GRACE
	فرانسه (FRENCH)
	اسپانیایی (SPANISH)
	ایتالیایی (ITALIAN)
	رومانی (RUMANIAN)

ONIONS:	REFERENCES	پسگشت ها
(GRACE) 408, (GRATEFUL) 411	POKORNY:	478
SKEAT:	BARNHART:	
۳۲۱۴ فرمونگ معین:	(GRACE) 444, (GRATEFUL) 447	
۱۷۸۱ برهان قاطع:	MACKENZIE:	
	37, (DRAR) 109, (TREASURED) 137	

بادداشت:

- ۱- چم های گوناگون این واژه در زبان های این فهرست: خوشایند، تعریف، تحسین، لطف، سهاس، عزیز
 ۲- چون رابطه ای و ارائه ای فارسی و پهلوی این فهرست با دیگر واژه های آن در میجکدام از پسگشت هایم ذکر شده برای احتیاط جلو و اجریشه های هند و اروپایی (شاید) گذاشته ام.

GERĀN-	گران	فارسی (PERSIAN):
HEAVY, SERIOUS, GRAVE, DIFFICULT, EXPENSIVE		چم انگلیسی سرو اژه هی فارسی:
*GWER-, *GWR-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

KYRR, KUIRR	GOURO, GARU	: (AVESTAN)
GRAVE انگلیسی (ENGLISH) : (از فرانسه)	*GRANA	: (OLD PERSIAN)
GŪRSTU, GŪRTI : (LITHUANIAN) بیترانی	GARĀN	: (PAHLAVI)
GRŪTS : (LATVIAN) لتونی (لتی)	GHIRAN, GIRAN	: (KURDISH)
BAIR : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	GRĀN	: (AFGHANI) افغانی (پشتون)
BRYW : (WELSH) ولزی	KRAMARTS	: (TOKHARIAN A) A تخاری
	GURŪH, GURÚS	: (SANSKRIT) سانسکریت

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	476-477
BARNHART:	(GRAVE) 447
DELAMARRE:	(LOURD) 223
MACKENZIE:	(HEAVY) 117
ONIONS:	(GRAVE) 411
SKEAT:	(GRAVE) 248
AMINDAROV:	(HEAVY) 235
۱۷۸۱	برهان قاطع:

BARYS, BÁROS	: (GREEK)
GRAVIS	: (LATIN)
GRAVE	: (FRENCH)
GRAVE	: (SPANISH)
GRAVE	: (ITALIAN)
GREU	: (RUMANIAN)
GRAVE	: (PORTUGUESE)
KAÚRUS	: (GOTHIC)
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

یادداشت:

چم این واژه در ایسلندی کهن: آرام، باوقار.

چم این واژه در لیتوانی: غردن، درازکشیدن.

GORBÉ	فارسی (PERSIAN) : گربه
CAT	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*WLP-, *LUP-, *ULPOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
REFERENCES	پهلوی (PAHLAVI)
POKORNÝ:	санسکریت (SANSKRIT)
1179	ارمنی (ARMENIAN)
1784	برهان قاطع :

یادداشت:

شاید واژه‌های انگلیسی CAT و آلمانی KATZE و لاتین CATUS و فرانسه CHAT و اسپانیایی GATO نیز از همین واج‌ریشه آمده باشند ولی برخی واج‌ریشه‌شناسان معتقدند که اصل این واژه از آفریقا یا آسیا می‌باشد.

(BARNHART: 149)

GERD	فارسی (PERSIAN) : -گرد (به چم شهر مثلاً در دستگرد یا بروجرد)
CITY, FORTRESS	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GHER-, *GHORDHOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
GARDHR	اوستایی (AVESTAN) :
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
	پهلوی (PAHLAVI)
GARDÍ, GARDO	اوستی (OSSETIC) :
GARDA	تخاری B (TOKHARIAN B) :
	سانسکریت (SANSKRIT) :
	ارمنی (ARMENIAN) :
GARTO, GART	یرنایی (GREEK) :
GARRTEN	لاتین (LATIN) :
GEARD	فرانسه (FRENCH) :
YARD, GARDEN	اسپانیایی (SPANISH) :
GĀRD	گوته‌ک (GOTHIC) :
GĀRD	ابلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
GĀRD	آلمانی (GERMAN) :
GAARD	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
	انگلیسی (ENGLISH) :
	دانمارکی (DANISH) :
	سوئدی (SWEDISH) :
	نروژی (NORWEGIAN) :
	هلندی (DUTCH) :

GURTAS

: (HITTITE) هتب

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	444
BARNHART:	(YARD) 1251
BUCK:	1307-1309
ONIONS:	(YARD) 1018
SKEAT:	(YARD) 727
۱۷۸۷	برهان قاطع :

اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)

GRADŪ

GRÓD	: (POLISH) لهستانی
-GRAD, GÓROD	: (RUSSIAN) روسی
HRAD	: (CZECH) چک
GRADU	: (BULGARIAN) بلغاری
HRAD	: (BOHEMIAN) بوهمی
GRAD	: (SLOVAK) اسلواکی
GARDAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
GORT	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

چم این واژه در اکثر واژه‌های این فهرست: شهر، قلعه، حصار، محوطه، باع.

GARDAN, GORM

فارسی : (PERSIAN) گردن، گرم

NECK

چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:

*GUER, *GUERð-, *GWRIWĀ

هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

KRAGEN : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

GRIVA

GRIVA : (LATVIAN) لتونی (لتی)

اوستایی : (AVESTAN)

بهلوری : (PAHLAVI)

کردی : (KURDISH)

بلوچی : (BALUCHI)

: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

REFERENCES

پسگشت‌ها

POKORNÝ: 474-475

DELAMARRE: 100

MACKENZIE: (NECK) 124

BUCK: 231-233

۱۷۹۰ برهان قاطع :

GARDAN, GHĀRA

санسکریت : (SANSKRIT)

دیرنی : (GREEK)

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

KRAGE

آلمانی : (GERMAN)

گُرده (به چم "کلیه" یا "قلوه") / ۴۲۹

GORDÉ	گُرده (به چم "کلیه" یا "قلوه") فارسی (PERSIAN) :
KIDNEY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*WERT-, *WORTO-, *WRTI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
VRKKÁ	санскрит (SANSKRIT) اوستایی (AVESTAN) :
VRITI	لیتوانی (LITHUANIAN) VEREDHKA, VERETKA پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1157
MACKENZIE:	(KIDNEY) 120
۱۷۹۲	برهان قاطع :
GURTAK, GURDAK	پهلوی (PAHLAVI) :
GURDALE, GURDILE	کردی (KURDISH) :
GUTTIGH	بلوچی (BALUCHI) :
.WĒRGAY	افغانی (پشتر) (AFGHANI) :

GORS	گُرس (به چم "کیسوی بافته") فارسی (PERSIAN) :
BRAIDED HAIR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*WEL-, *WLNA-, *WOLKO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
VOLOKNÓ, VOLOS	روسی (RUSSIAN) اوستایی (AVESTAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1139
BARNHART:	(WOOL) 1243-1244
۱۷۹۴	برهان قاطع :
۱۹۰۶۲	لفت نامه دمحدا:
۳۲۵۸	فرهنگ معین :
VARJSA	سانسکریت (SANSKRIT) :
VALKA	بونانی (GREEK) :
LAXNM	ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
LAGTHR	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
WLOH	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :
VALKNO, VALSU	یادداشت:

- ۱- بازگشت به: وَبَر.
- ۲- چم این واژه در بیشتر زبان‌های این لهرست: نخ پشمی، ویسمان (از الایف گبامی).
- ۳- واژه‌های انگلیسی WOOL و آلمانی URNA (همه به چم "پشم") نیز از همین واژریشه‌اند (POKORNÝ: 1139).

		فارسی (PERSIAN) : گرسنه، گشنه، گرسنگی، گشنگی
GOROSNÉ, GOSHNÉ, GOROSNEGI, GOSHNEGI		
HUNGRY, HUNGER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KENK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
HUNGER	: (SWEDISH) سوئدی	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
HUNGER	: (NORWEGIAN) نروژی	*VRSA, *VRSNA
HONGER	: (DUTCH) هلندی	: (PAHLAVI) پهلوی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	GURSAG, GURSAGIH, GUSHNAG
GLADŪ		GORSNEH : (KURDISH) کردی
GLÓD, GLODNY	: (POLISH) لهستانی	GUSHNAG : (BALUCHI) بلوچی
GOLOD, GOLODNY	: (RUSSIAN) روسی	: (AFGHANI) (پشتون) افغانی (پشتون)
HLAD, HLADOVÝ	: (CZECH) چک	WĒSHAY, WĒZHA
GLAD, GLADNY	: (SERBIAN) صربی	GHASATI, : (SANSKRIT) سانسکریت
HLAD, HLADOVÝ	: (BOHEMIAN) بولنی	KĀNKSATI, KAKATĒ, KAKAT
HLAD, HLADNÝ	: (SLOVAK) اسلواکی	KÉNKEI, KÉGKEIN : (GREEK) یونانی
KENKTI, KANKÁ	: (LITHUANIAN) لیتوانی	HŪHRUS : (GOTHIC) گوتیک
		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
REFERENCES		پسگشت‌ها
POKORNÝ:		565
BARNHART:	(HUNGER)	497
MACKENZIE:		
	(HUNGER, HUNGRY)	118
BUCK:		332
ONIONS:	(HUNGER):	453
KEAT:	(HUNGER):	282
۱۷۹۴-۱۷۹۵	برهان قاطع:	

GERFTAN	فارسی (PERSIAN) : گرفتن
GRAB, HOLD , TAKE, SEIZE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHREBH-, *GHROBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
: (OLD PERSIAN) پارسی باستان	: (AVESTAN) اوستایی
GRAB-, GARBAYAITI	GRAB-, GEREPTA-, GERIWNAITI

	: <i>(OLD CHURCH SLAVIC)</i>	اسلاوی کهن		: <i>(PAHLAVI)</i>	پهلوی
GRABITI, GREBT			GRIFTAN,		
GRABIC	: <i>(POLISH)</i>	لهستانی	GARAFTAN		
GREBŪ	: <i>(RUSSIAN)</i>	روسی	GIRTIN	: <i>(KURDISH)</i>	کردی
HRABATI	: <i>(CZECH)</i>	چک	GIRAG	: <i>(BALUCHI)</i>	بلوچی
ZGRABITI	: <i>(SERBIAN)</i>	صربی	GRABH-,	: <i>(SANSKRIT)</i>	سانسکریت
GRABUS	: <i>(LITHUANIAN)</i>	لیتوانی	GRAH-, GRBHNATI, AGRABHAT		
	: <i>(LATVIAN)</i>	لتونی (لنی)	GRABÚS	: <i>(LATIN)</i>	لاتین
GRABJU-, GREBT			GREIPAN	: <i>(GOTHIC)</i>	گوتیک

REFERENCES	پسگشت ها
<i>POKORNY:</i>	455
<i>BARNHART:</i>	(GRAB) 443
<i>DELAMARRE:</i>	(SAISIR) 258
<i>MACKENZIE:</i>	
	(TAKE) 136, (HOLD) 118
<i>BUCK:</i>	744-746
۱۷۹۷	برهان قاطع :

GRAPSEN	: <i>(OLD FRISIAN)</i>	فریزی کهن
	: <i>(OLD HIGH GERMAN)</i>	آلمانی کهن
GRABBELN	.	
GREIFEN	: <i>(GERMAN)</i>	آلمانی
GRAPPIAN	: <i>(OLD ENGLISH)</i>	انگلیسی کهن
GRAB	: <i>(ENGLISH)</i>	انگلیسی
GRABBA	: <i>(SWEDISH)</i>	سوئدی
GRAFSA	: <i>(NORWEGIAN)</i>	نروژی
GRABELL	: <i>(DUTCH)</i>	هلندی

GORG		فارسی : <i>(PERSIAN)</i>
WOLF		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*WLKWOS		هند و اروپایی : <i>(INDO-EUROPEAN)</i>
LUPUS	: <i>(LATIN)</i>	اوستایی : <i>(AVESTAN)</i>
LOUP	: <i>(FRENCH)</i>	پارسی باستان : <i>(OLD PERSIAN)</i>
LOBO	: <i>(SPANISH)</i>	پهلوی : <i>(PAHLAVI)</i>
Lupo	: <i>(ITALIAN)</i>	کردی : <i>(KURDISH)</i>
LUP	: <i>(RUMANIAN)</i>	بلوچی : <i>(BALUCHI)</i>
LOBO	: <i>(PORTUGUESE)</i>	افغانی (پشتر) : <i>(AFGHANI)</i>
WULFS	: <i>(GOTHIC)</i>	تخاری : <i>(TOKHARIAN B)</i>
	: <i>(OLD SCANDINAVIAN)</i>	سانسکریت : <i>(SANSKRIT)</i>
ULFR		ارمنی : <i>(ARMENIAN)</i>
WULF	: <i>(OLD SAXON)</i>	یونانی : <i>(GREEK)</i>
	ساکسونی کهن	

VLK	برهمنی (BOHEMIAN)	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
VLK	اسلواکی (SLOVAK)	آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
VILKAS, VILKE	لیتوانی (LITHUANIAN)	آلانی (GERMAN)
VILKS	لتونی (لئی) (LATVIAN)	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
VLK	آلبانی (ALBANIAN)	WEARG, WULF
ULIPPAÑ	هیبت (HITTITE)	انگلیسی (ENGLISH)
REFERENCES		پسگشت ها
POKORNÝ:	1178	
BARNHART:	(WOLF) 1242	دانمارکی (DANISH)
DELAMARRE:	138	سوئدی (SWEDISH)
MACKENZIE:	(WOLF) 140	نروژی (NORWEGIAN)
BUCK:	185	هلندی (DUTCH)
MALLORY & ADAMS:	ULKWOS	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
AMINDAROV:	(WOLF) 311	VLIKŪ, VLŪKU
۱۹۰۰	برهان قاطع :	WILK (POLISH)

GARM, GARMĀ, GARMI	فارسی (PERSIAN)
WARM, HOT	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GWHER-, *GWHORMÓS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
: (ARMENIAN)	اوستایی (AVESTAN)
JERM, CHERM, CHERMOUCIUN	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
THERMOS, THÉRMĒ (GREEK)	بهلوری (PAHLAVI)
FORMUS (LATIN)	اوستی (OSSETIC)
*WARMS, WARMJAN: (GOTHIC)	کردی (KURDISH)
: (OLD SCANDINAVIAN)	GARM, GERM, GERMI
VARMR	بلوچی (BALUCHI)
WARM (OLD FRISIAN)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
: (OLD HIGH GERMAN)	GARAM, GHARMA
WARM	تخاری (TOKHARIAN A) A
WARM (GERMAN)	санسکریت (SANSKRIT)

: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

FOGEIR, GORIM

ZJARM

: (ALBANIAN) آلبانی

REFERENCES

پسگشت ها

POKORNY:	493
BARNHART:	(WARM) 1219
DELAMARRE:	223
MACKENZIE:	
	(WARM) 139, (HOT) 118
BUCK:	1077
AMINDAROV:	(WARM) 308
۱۸۰۰	برهان قاطع :

: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

WARME, WEARM

WARM

: (ENGLISH) انگلیسی

VARM

: (DANISH) دانمارکی

VARM

: (SWEDISH) سوئدی

VARM

: (NORWEGIAN) نروژی

WARM

: (DUTCH) هلندی

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

GORĒTI

GORACO

: (POLISH) لهستانی

GOR&K, HORKY

: (CZECH) چک

HORÚCI

: (SLOVAK) اسلواکی

GARAS

: (LITHUANIAN) لیتوانی

GORME

: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن

GEREH

فارسی : (PERSIAN) گره

KNOT

چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :

***GRETH-, *GROTH-**

هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

CREATHAL

: (GAELIC) گالیک

فارسی باستان : (OLD PERSIAN) گره

CREATHAL

: (GAELIC) گالیک

فارسی باستان : (OLD PERSIAN) گره

REFERENCES

پسگشت ها

POKORNY:	386
BARNHART:	(CRADLE) 230
MACKENZIE:	(KNOT) 121
BUCK:	551
SKEAT:	(CRADLE) 141
۱۸۰۳	برهان قاطع :

GRAH, GRIH

: (PAHLAVI) پهلوی

GHIRI

: (KURDISH) کردی

: (SANSKRIT) سانسکریت

GRATH, GRATHNAS, GRATHNÁMI

آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)

KRATTO, KREZZO

انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)

CRADLE

: (ENGLISH) انگلیسی

CRAJDHAL

: (IRISH) ایرلندی

یادداشت :

چم این واژه در زبان آلمانی کهن: سبد.

چم این واژه در زبان انگلیسی: گهواره (که در آغاز مشکل از یک سبد بوده است).

GORIXTAN, GORIZ	فارسی (PERSIAN) : گریختن، گریز
ESCAPE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*LIEKW-, *LIKWTOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

پارسی باستان (OLD PERSIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	669
MACKENZIE:	(ESCAPE) 112
۱۸۰۹	برهان قاطع :

VIRAIK, VIRAĒK	
WIRĒXTAN, WIRĒG	: (PAHLAVI) بهلوری
FELITĪN	: (KURDISH) کردی
LINGUERE	: (LATIN) لاتین

بادداشت:

بارگشت به: ریختن.

GARIVÉ	فارسی (PERSIAN) : گریوه (به چم تپه، پشته)
HILL, MOUND	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*GWER-, *GWOR-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

GARS	: (LETTIC) لتوانی (لتی)	GAIRIVA, GAIRI	: (AVESTAN) اوستایی
GARIAN	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن	GRIWAG	: (PAHLAVI) بهلوری
GUR	: (ALBANIAN) آلبانی	GIRIS	: (SANSKRIT) سانسکریت
		DEIRÓS	: (GREEK) یونانی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	477
MACKENZIE:	
	(HILL) 118, (NECK) 124
BUCK:	25
MALLORY:	159
۱۸۰۷	برهان قاطع :
۲۲۹۷	فرهنگ معین :
۲۲۹۷	لغت نامه دهخدا:

GORA	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن
GÓRKA	: (POLISH) لهستانی
GORA	: (RUSSIAN) روسی
HORA	: (CZECH) چک
GORA	: (SERBIAN) صربی
HORA	: (BOHEMIAN) بوهمی
HORA	: (SLOVAK) اسلواکی
GIRIA	: (LITHUANIAN) لیترانی

بادداشت:

۱- چم این واژه در زبان آلبانی: سنگ.

۲- این واژه در برخی زبان‌های اسلامی چم "جنگل" و "کوه" را هم دارد.

GERYÉ, GERYÉDAN, GERISTAN	گریه، گرییدن، گریستن	فارسی (PERSIAN)
CRYING, WEEPING, CRY, WEEP	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*GHER-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
GRADE	: (DANISH) دانمارکی	اوستایی (AVESTAN)
GRATA	: (SWEDISH) سوئدی	پهلوی (PAHLAVI)
GRÄTE	: (NORWEGIAN) نروژی	GRIYSTAN, GRISTAN, GRIY-
GROETEN	: (DUTCH) هلندی	کردی (KURDISH)
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	GHIRIĀN, GHIRIN, GIRIN
GERKATI		санскربت (SANSKRIT)
GURKATI	: (RUSSIAN) روسی	GHURGHURĀYATĒ, GHARGHARITA
HERCHETI	: (CZECH) چک	لاتین (LATIN)
		گوتیک (GOTHIC)
REFERENCES	پسکشتهای	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
POKORNY:	439	GRĀTA
BARNHART:	(GREET) 449	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
MACKENZIE:		فریزی کهن (OLD FRISIAN)
	(CRY) 109, (WEEP) 140	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
ONIONS:	(GREET) 413	GRUOZEN
AMINDAROV:	(CRY) 207	آلمانی (GERMAN)
۱۸۰۷ و ۱۸۰۶	برهان قاطع:	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
۳۲۹۸ و ۳۲۹۵	فرهنگ معین:	GRĀTAN, GRĒTAN
		انگلیسی (ENGLISH)
		بادداشت:

۱- در اسکاتلند و شمال انگلستان هنوز هم واژه‌ی GREET چم "گریه کردن" را دارد.

۲- چم این واژه در زبان سانسکربت: خیرخیزکردن، تلن تلن کردن، غر غره کردن
چم این واژه در زبان فارسی، فریزی کهن و آلمانی و انگلیسی و هلندی: سلام کردن، خوش آمد گفتن.
چم این واژه در زبان‌های اسلاوی: صدا، صدای کبرتر، صدا ایجاد کردن.

GOSTARDAN	گستردن	فارسی (PERSIAN)
SPREAD, STREW	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*STER-, *STERU-, *STRTO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
STƏRƏNATI, STAR-, STƏRƏNAOTI	اوستایی (AVESTAN)	

STRÖ	سوئدی (SWEDISH)	: پهلوی (PAHLAVI)
STRO	نروژی (NORWEGIAN)	WISTARDAN, WISTAR-
STROOIJEN	هلندی (DUTCH) اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	سanskrit (SANSKRIT) STRNĀTI, STRNĀTI, STRA-
PROSTRĒTI		: (GREEK) یونانی
PROSTIRAT	روسی (RUSSIAN)	STRONŪMI, STORNÝNAI
PROSTERITI	بوهمی (BOHEMIA)	لاتین (LATIN)
SERNIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	گوتیک (GOTHIC)
YSTRAD	گالی (GAULISH)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
STRAD	برتونی (BRETON)	STRĀ
SHTRINJ	آلбанی (ALBANIAN)	ساکسونی کهن (OLD SAXON)

REFERENCES	پیگشتهای مرتبط
POKORNY:	1029-1030
BARNHART:	(STREW) 1076
DELAMARRE:	286
MACKENZIE:	(SPREAD) 134
BUCK:	573-575
۱۸۱۹	برهان قاطع:

STERWEN	
STREUEN	: آلمانی (GERMAN) انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
STREOWIAN	
STREW	: انگلیسی (ENGLISH)
STRO	: دانمارکی (DANISH) یادداشت:

۱- واژه‌ی فارسی "بستر" (پهلوی WISTAR, WISTARAG, VISTARAK نیز از همین ریشه است (برهان قاطع: (104 (BEDDING): MACKENZIE) (۲۷۸

GAST	فارسی (PERSIAN) : گست (به چم "بد", "زشت", "قبیح")
UGLY, BAD, FOUL	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
STINKAN	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : GASTA
STINKEN	آلمانی (GERMAN) : STIGGWAN, STIGGAN, STINGAN انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : STIGGAN, STINGAN
STINKAN	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : STÖKHVAT
STINKE	انگلیسی (ENGLISH) : STÖKHVAT
STINKE	دانمارکی (DANISH) : (OLD HIGH GERMAN) : STÖKHVAT

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	466-467
BARNHART:	(STINK) 1068-1069
BUCK:	1024
SKEAT:	
	(STENCH) 601, (STINK) 604
۱۸۱۴	برهان قاطع:

STINKA	: (SWEDISH)
STINKEN	: (DUTCH)
GESTI	: (LITHUANIAN)

یادداشت:

۱- BARNHART معتقد است که ریشه اصلی واژه‌های ژرمنی این فهرست ناشناخته است.

۲- بازگشت به: گند.

GOSASTAN, GOSISTAN	گُستن، گسِّتن : (PERSIAN)
BREAK, SPLIT, CUT	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KER-, *KERð-, *KRĒ-	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
CARIES	برتغالی : (PORTUGUESE)
CARIES	انگلیسی (ENGLISH) : (از فرانسه)
	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :
ARACHRIN, CRĪN-	
THER	آلбанی : (ALBANIAN)
-SARðTA-, SARI-	اوستایی : (AVESTAN)
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
	*VIS-DRĀMITY
WISISTAN, WISIN	پهلوی : (PAHLAVI)
KĀRYAP	تخاری A : (TOKHARIAN A)
KAREP	تخاری B : (TOKHARIAN B)
	санскربت : (SANSKRIT)
SANÁTI, SIRYÁTE, SŪRTA-	
CHERĀ-, CHERAIZO	یونانی : (GREEK)
CARIES, CARIÓSUS	لاتین : (LATIN)
Co RIE	فرانسه : (FRENCH)
CARIES	اسپانیایی : (SPANISH)
CARIE	ایتالیایی : (ITALIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	578
BARNHART:	(CRIES) 145
MACKENZIE:	
	(BREAK) 105, (SPLIT) 134
۱۸۱۶	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های کهن این فهرست: فرپاشیدن، صدمه‌ی شدید بدنش.

چم این واژه در زبان‌های رومانس نوبن: فساد دندان.

GESH	گش (به چم "قلب") : (PERSIAN)
HEART	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*KĒRD-, *KRD-, *KRED-, *KERED-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)	: (AVESTAN) اوستایی
SRĪDĪCE, SRŪDĪCE	ZƏRƏD, ZƏRƏTHAYA
SERCE	لهستانی : (POLISH) افغانی (بشت) : (AFGHANI)
SÉRDTSE	روسی : (RUSSIAN) سانسکریت : (SANSKRIT)
SRDCE	چک : (CZECH) ارمنی : (ARMENIAN)
SRCE	صربی : (SERBIAN) یونانی : (GREEK)
SRDCE	اسلواکی : (SLOVAK) لاتین : (LATIN)
SHIRDIS	لیتوانی : (LITHUANIAN) فرانسه : (FRENCH)
SIRDS	لتونی (لتی) : (LATVIAN) اسپانیایی : (SPANISH)
	: (OLD PRUSSIAN) ایتالیایی : (ITALIAN)
SEYR, SIRAN	CUR
CRIDE	ایرلندی کهن : (OLD IRISH) HAIRTŌ
CRAIDD	ولزی : (WELSH) ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
KREIS	برتونی : (BRETON) HJARTA
KARDI, KARDIYASH	هفت : (HITTITE) HERTA
	ساکسونی کهن : (OLD SAXON) فریزی کهن : (OLD FRISIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	579-580
BARNHART:	(HEART) 471
DELAMARRE:	(Co UR) 101
BUCK:	251
ONIONS:	(HEART) 433
SKEAT:	(HEART) 265
۱۸۱۸	برهان قاطع :
۲۳۲۲	فرهنگ معین :
۱۹۱۶۰	لغت نامه دهخدا :
	HERTE, HIRTE
	آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)
	HERZA
	HERZ : (GERMAN)
	HEORTE : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
	HEART : (ENGLISH)
	HJERTE : (DANISH) دانمارکی
	HJÄRTA : (SWEDISH) سوئدی
	HJERTE : (NORWEGIAN) نروژی
	HART : (DUTCH) هلندی
	یادداشت:

واژه‌های انگلیسی و فرانسه (و غیره) CARDIOLOGY و CARDIAC نیز از همین واژه‌ی شفته مشتق شده‌اند.

GASHTAN, GARDIDAN, GASHT	فارسی (PERSIAN) : گشتن، گردیدن، گشت
TURN, REVOLVE, MOVE AROUND	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*WERT, *WORTO, *WRTO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
WEORTHAN	اوستایی (AVESTAN) :
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	پهلوی (PAHLAVI)
VRATITL, VRŪTETI	GARDIDAN, GARDANIDAN,
(OD)WRÓCIC	WASHTAN, GARTTTAN
OBRATIT	GHERUĀN
لہستانی (POLISH)	: (KURDISH)
روسی (RUSSIAN)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
لیتوانی (LITHUANIAN)	تخاری (TOKHARIAN A) A
VARTYTL, VERSTI, VERCHIU	санسکریت (SANSKRIT)
VERST	VARTATE, VART-, VRT-
لتوانی (LATVIAN)	لاتین (LATIN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1156-1157
DELAMARRE:	(TOURNER) 292
MACKENZIE:	(TURN) 137
BUCK:	664-667
۱۷۹۲	برهان قاطع :

یادداشت:

چم این واژه در تخاری A: افکندن؛ گرداندن.

چم این واژه در آلمانی: شدن، گردیدن.

GOFTAN, GOFT, GU	فارسی (PERSIAN) : گفتن، گفت، -گو
SAY, UTTER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GWET-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید):
EŪKTO	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
یونانی (GREEK)	پهلوی (PAHLAVI)
QUITHAN, QATH	گردی (KURDISH)
گوبنک (GOTHIC)	سغدی (SOGADIAN)
ابسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
KVEDHA, KVATH	ارمنی (ARMENIAN)
ساکسونی کهن (OLD SAXON)	
QUETHAN, QUATH	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	480-481
BARNHART:	(QUOTH) 878
DELAMARRE:	(DIRE) 259
MACKENZIE:	(SAY) 131
BUCK:	1257
ONIONS:	(QUOTH) 734
SKEAT:	(QUOTH) 494
RAMAT:	39
۱۸۲۱	برهان قاطع:

QUETHA	:(<i>OLD FRISIAN</i>) فریزی کهن
	:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن
QUETHAN, QUEDAN	
	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
CWETHAN, CWATH	
KVADE	:(<i>DANISH</i>) دانمارکی
KVÄDA	:(<i>SWEDISH</i>) سوئدی
KVADE	:(<i>NORWEGIAN</i>) نروژی

بادداشت:

رابطه‌ی این واژه‌های ایرانی با دیگر واژه‌های این فهرست احتمالی است و بهمین علت جلو واجربشی هند و اروپایی، (شاید) آمده است.

GELŪ	گلو :	:(<i>PERSIAN</i>) فارسی
THROAT	چم :	انگلیسی سروواژه‌ی فارسی
*GWER-, *GWRIWA		:(<i>INDO-EUROPEAN</i>) هند و اروپایی

KELA :(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن	:(<i>AVESTAN</i>) اوستانی
KEHLE :(<i>GERMAN</i>) آلمانی	
CEOL :(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن	
KEEL :(<i>DUTCH</i>) هلندی	
GARDLO :(<i>POLISH</i>) لهستانی	
GORLO :(<i>RUSSIAN</i>) روسی	
HRDLO :(<i>SLOVAK</i>) اسلواکی	
GRKLE :(<i>LITHUANIAN</i>) لیتوانی	
	.GAR, GARAH, GRIW
	GARŪK, GALŪG :(<i>PAHLAVI</i>) پهلوی
	کردی :(<i>KURDISH</i>)
	GERŪ, GHEŪRI, GHEŪRŪ
	افغانی (پشتر) :(<i>AFGHANI</i>)
	GHARAI, GHĀRA
	GALA, GALAH :(<i>SANSKRIT</i>) سانسکریت
	GOGORT, KUL :(<i>ARMENIAN</i>) ارمنی
	GULA :(<i>LATIN</i>) لاتین
	GUEULE :(<i>FRENCH</i>) فرانسه
	GOLA :(<i>SPANISH</i>) اسپانیایی
	GOLA :(<i>ITALIAN</i>) ایتالیایی
	GURA :(<i>RUMANIAN</i>) رومانی
	GOLA :(<i>PORTUGUESE</i>) پرتغالی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	474
DELAMARRE:	99
MACKENZIE:	(THROAT) 136
BUCK:	233-234
۱۸۳۲	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان فرانسه: پوز، فک.

چم این واژه در زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی: بقه.

چم این واژه در زبان رومانی: دهان.

GOLULÉ	فارسی (PERSIAN) :	گلوله
BALL, CLUE, CLEW, SKEIN	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*GLEU-, *GLOU-, *GLU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
KLUWEN	: (DUTCH)	هلندی (KURDISH) :
GRUDA	: (POLISH)	لهستانی (AFGHANI) :
GLUDA	: (RUSSIAN)	روسی (شتر) (GULUR, GULOK, GULULE)
HROUDA	: (CZECH)	چک (GOLÉY, GULÉY)
HRUDA	: (SLOVAK)	سلوواکی (SANSKRIT) :
	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن (GIG-GLU-MOS) (GREEK) :
GLÓ-, GLÁO	اپرلندی کهن	يونانی (KLÓ : (OLD SCANDINAVIAN)
		نورس کهن (OLD NORSE) :
		سکونی کهن (OLD SAXON) :
		فریزی کهن (OLD FRISIAN) :
		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
		KLIUWA
REFERENCES	پسگشت‌ها	آلمانی (GERMAN) :
POKORNÝ:	361-362	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
BARNHART:	(CLUE) 182, (CLUMP) 183	انگلیسی (ENGLISH) :
SKEAT:	(CLEW, CLUE) 114	یادداشت:
۱۸۳۲	برهان قاطع :	

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: گلوله یا گوی نخ

چم این واژه در زبان‌های آنجلیسی‌سکوت و زبان‌های اسلامی: قلبه.

چم این واژه در زبان یونانی: بند استخوان، قوزک.

GELÉ	فارسی (PERSIAN) :	گله (به چم شکوه و شکایت)
COMPLAINT	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*GALGH-, *G(A)LAGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
GAREZ, GRƏZA, GAREZA, GƏRƏZATI	اوستایی (AVESTAN) :	

CLINK	: (ENGLISH)	انگلیسی	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
KLINGA	: (DANISH)	دانمارکی	پهلوی (PAHLAVI)
KLINGA	: (SWEDISH)	سوئدی	GARZIDAN, GARZISHN
KLINGE	: (NORWEGIAN)	نروژی	اوستی (OSSETIC)
KLINKEN	: (DUTCH)	هلندی	GILĪ
GLĀM	: (MIDDLE IRISH)	ایرلندی میانه	کردی (KURDISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	350-351
DELAMARRE:	(SE PLAINDRE) 255
MACKENZIE:	(COMPLAINT, COMPLAIN) 107
SKEAT:	(CLINK) 114
۱۸۳۲	برهان قاطع :

*GRZÁ-	: (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
GLAG, GILAK,	: (PAHLAVI)	پهلوی
GARZIDAN, GARZISHN		
GHARZIN, GHARZUM	: (OSSETIC)	اوستی
GILĪ	: (KURDISH)	کردی
	: (SANSKRIT)	санسکریت
GARH, GARATE, GARHATI		
GHLAGGN	: (GREEK)	يونانی
CLANGOR	: (LATIN)	لاتین
	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
KLING		
KLINKEN	: (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
LAGON		
KLAGE, KLAGEN	: (GERMAN)	آلمانی
KLINKAN	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
		یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: صدا ایجاد کردن، سر و صدا کردن.

GONBAD	گند	فارسی (PERSIAN)
DOME		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*GUPA-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
KUFFA	: (SWEDISH)	پهلوی (PAHLAVI)
KUVEN	: (NORWEGIAN)	کردی (KURDISH)
KUIF, KOM	: (DUTCH)	لاتین (LATIN)
	هلندی (DUTCH) اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	نورس کهن (OLD NORSE)
GOBA		فریزی کهن (OLD FRISIAN)
GUBÁ	: (RUSSIAN)	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
GUMBAS	: (LITHUANIAN)	آلمانی (GERMAN)
GUMBA	: (LATVIAN)	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
		انگلیسی (ENGLISH)

گند، گن (به چم "خایه" و "غده") / ۴۴۳

SKEAT:		REFERENCES	پسگشت‌ها
	(COMB, COOMB) 122	POKORNY:	395-395
۱۸۳۶	برهان قاطع :	MACKENZIE:	(DOME) 111

یادداشت:

چم‌های این واژه در زبان‌های غیرایرانی: کاسه، ظرف گرد و گبند مانند، فروزنگی گرد به شکل کاسه، سر، کله.

GOND, GON	گند، گن (به چم "خایه" و "غده") : (PERSIAN)
TESTICLE, TUMOR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
GON δ -, *GONOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
GONADE	: (ITALIAN) ایتالیایی
GONADA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	373-374
MACKENZIE:	(TESTICLE) 136
۱۸۴۱	برهان قاطع :
GUND	: (PAHLAVI) پهلوی
GUN	: (KURDISH) کردی
GEN \bar{o}	: (SANSKRIT) سانسکریت
GONE, GONOS	: (GREEK) یونانی
GONAS	: (LATIN) لاتین
GONADE	: (FRENCH) فرانسه
GONADA	: (SPANISH) اسپانیایی
یادداشت:	

واژه‌ی انگلیسی GONAD (به چم "گناد" و "خایه" و "خدمدان") نیز از همین واژه‌ی آمده است.

GAND	گند (به چم "بوی بد") : (PERSIAN)
STENCH, FOUL SMELL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GWEDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
GANDHÁ	: (SANSKRIT) سانسکریت
GENDU	: (LITHUANIAN) لیتوانی
GINSTU	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	466-467
MACKENZIE:	(STENCH) 134
BUCK:	1024, 1179
۱۸۴۱	برهان قاطع :
GANTI, GANTI, GANTAY.	: (AVESTAN) اوستایی
GASTA	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
GAND, GANDAGIH, GANDAK	: (PAHLAVI) پهلوی
GAND, GANDAG, GANDAGH	: (BALUCHI) بلوچی
GANDA, GANDAL	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)

یادداشت:

- ۱- به عقیده POKORNY واژه‌های انگلیسی STINK و آلمانی کهن: STINKEN و گرتیک: STINGAN نیز از همین واجریشه‌ی هند و اروپایی هستند.
- ۲- چم این واژه در بلوچی: بد، شرور، فضلہ، چم این واژه در اوستایی و سانسکریت: بد.

GANDOM		فارسی (PERSIAN) : گندم
WHEAT		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GER-, *GRNOM		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KAN	: (HITTITE) هفت	اوستایی (AVESTAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها	بهلوی (PAHLAVI)
POKORNY:	390-391	کردی (KURDISH)
MACKENZIE:	(WHEAT) 140	بلوچی (BALUCHI)
BUCK:	513-516	افغانی (بشن) (AFGHANI)
MALLORY & ADAMS:	GA-ONDH	GHANEM, GHANUM
1842	برهان قاطع:	تخاری (TOKHARIAN B) B
		خنی (KHOTANESE)
		سانسکریت (SANSKRIT)

یادداشت:

شاید واژه‌های انگلیسی CORN و آلمانی KORN (گرتیک: KAURN) نیز از همین واجریشه باشد.

GŪ, GŪY	گو، گوی (به چم توب (بازی))	فارسی (PERSIAN) :
BALL, SPHERE		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*GEULOS, *GUGĀ-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
KJUKA		بهلوی (PAHLAVI)
KŪLA	: (OLD NORSE) نورس کهن	کردی (KURDISH)
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	سانسکریت (SANSKRIT)
KIOL, CLIUWA		GOY
KUGEL	: (GERMAN) آلمانی	GOY
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	: (ARMENIAN)
CĒOL, KLIUWE		KALUM
KOGEL	: (DUTCH) هلندی	GUALON
		CULLEUS
		: (LATIN) لاتین
		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	394-397
MACKENZIE:	(BALL) 103
BUCK:	907-908
۱۸۶۴ و ۱۸۴۶	برهان قاطع:

GUGA	: (POLISH)
GUGLJA	: (RUSSIAN)
GUGA	: (LITHUANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: فرورفتگی، گودی

چم این واژه در زبان لاتین: کیسه‌ی چرمی

GOVARIDAN, GOVARDAN	فارسی (PERSIAN): گواریدن، گواردن
DIGEST	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*GWER, *GWER ^θ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)
ZHERU	: (RUSSIAN) روسی
ZHERU	: (CZECH) چک
GERTI, GERIŪ	: (LITHUANIAN) لیتوانی
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	474-475
BARNHART:	(VORACITY) 1211-1212
DELAMARRE:	(AVALER) 259
MACKENZIE:	(DIGEST) 110
ONIONS:	(VORACIOUS) 986
SKEAT:	(VORACITY) 695
۱۸۴۷	برهان قاطع:
JARAITI	: (AVESTAN) اوستایی
GUKARITAN,	: (PAHLAVI) پهلوی
GUGĀRDAN, GUGĀRIDAN	
GIRÁTI	: (SANSKRIT) سانسکریت
KERAY	: (ARMENIAN) ارمنی
BORĀ, BIBROSKEIN	: (GREEK) یونانی
VORĀRE, VORŌ	: (LATIN) لاتین
VORACE	: (FRENCH) فرانسه
VORAZ	: (SPANISH) اسپانیایی
VORACE	: (ITALIAN) ایتالیایی
VORAZ	: (PORTUGUESE) پرتغالی
ZRĒTI	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاماوی کهن

یادداشت:

۱- هویشمان این واژه‌ی فارسی را با واژه‌ی سانسکریت VI-KAR همراهی می‌داند (برهان قاطع :: ۱۸۴۷)

۲- پسوند -VOROUS (مثلاً در واژه‌ی CARNIVOROUS) نیز از همین واجریشه است.

۳- چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و اوستایی و یونانی و چک: بلییدن.

۴- هیچکدام از پسگشت‌ها (مراجع) من به رابطه‌ی واژه‌های ایرانی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست اشاره نکرده‌اند و بهمین دلیل در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

GŪR	گور (به چم "قبر، آرامگاه") فارسی (PERSIAN) :
TOMB, GARĀVE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GREBH-, *GROBH-, *GRABH-, *GHREBH	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
GROBŪ	گردی (KURDISH) :
GRÓB	لهستانی (POLISH) :
GROB	روسی (RUSSIAN) :
HROB	چک (CZECH) :
HROB	بوهی (BOHEMIAN) :
HROB	اسلواکی (SLOVAK) :
GUR	آلانی (ALBANIAN) :
REFERENCES	
POKORNY:	پشت‌ها 455
BARNHART:	(GRAVE) 447
BUCK:	293, 593
ONIONS:	(GRAVE) 411
SKEAT:	(GRAVE) 248
۱۸۰	برهان قاطع:

GŪR, GŌRN	گردی (KURDISH) :
GOR	افغانی (پشت) (AFGHANI) :
GIRI-H	سانسکریت (SANSKRIT) :
ZRAB, GRABA	گوتیک (GOTHIC) :
	ابنلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
GROF, GRABŌ	
GRAF	ساکونی کهن (OLD SAXON) :
GRAB	آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
GRAB	آلانی (GERMAN) :
GRAF	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
GRAVE	انگلیسی (ENGLISH) :
GRAVE	دانمارکی (DANISH) :
GRAV	سوئدی (SWEDISH) :
GRAVE	نروژی (NORWEGIAN) :
GRAF	هلندی (DUTCH) :
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :

یادداشت:

چم پیشین این واژه در زبان‌های ژرمی: کندن، چال کردن.

GUSH	گوش (PERSIAN) :
EAR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHOUS-, *ŪUS, *ðUS-, *US-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
	اوستایی (AVESTAN) :
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
GHVAGH, GHWAZH	پهلوی (PAHLAVI) :
GHŌSHA	санسکریت (SANSKRIT) :
UNKN	اوستی (OSSETIC) :
ŪUS	گردی (KURDISH) :
AURIS, AURICULA	بلوچی (BALUCHI) :
	اوستایی (AVESTAN) :
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
	پهلوی (PAHLAVI) :
	اوستی (OSSETIC) :
	گردی (KURDISH) :
	بلوچی (BALUCHI) :

OOR	: (DUTCH) هولندی
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
UCHO	
UCHO	: (POLISH) لهستانی
ÚKHO	: (RUSSIAN) روسی
AUSIS, UCHO	: (LITHUANIAN) لیتوانی
AUSS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
AUSIN	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن
ĀU, Ē	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
VESH	: (ALBANIAN) آلبانی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	785
BARNHART:	(EAR) 310
DELAMARRE:	(OREILLE) 106
MACKENZIE:	(EAR) 112
1800	برهان تاطع :

OREILLE	: (FRENCH) فرانسه
OREJA	: (SPANISH) اسپانیایی
ORECCHIO	: (ITALIAN) ایتالیایی
URECHE	: (RUMANIAN) رومانی
OREHA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
AUSÓ	: (GOTHIC) گوتبک
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
EYRA	
ŌRE, ŌRA	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
ARE	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
ŌRA	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
OHR	: (GERMAN) آلمانی
ĒARE	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
EAR	: (ENGLISH) انگلیسی
ORE	: (DANISH) دانمارکی
ÖRA	: (SWEDISH) سوئدی
ORE	: (NORWEGIAN) نروژی

یادداشت:

- بازگشت به: هوش
- در اوستایی "گوش" و "هوش" هم چم بوده‌اند.

GŪSHÉ	گوشه : (PERSIAN)
CORNER, ANGLE	چشم انگلیسی سروالاهی فارسی:
*GEUSOS, *GOUSOS, *GŪSOS	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

KŪS	نروژی (NORWEGIAN) : (محلی)	*GAOSHAKA	: (AVESTAN) اوستایی
KŪSE	هولندی (DUTCH)	GŌSHAG	: (PAHLAVI) پهلوی
		GŪSHE, GUSH	: (KURDISH) کردی
		GŌSHAK	: (BALUCHI) بلوچی
		GŪES	: (GREEK) یونانی
MACKENZIE:	(CORNER) 108	KJŌS	: (OLD NORSE) نورس کهن
1809	برهان تاطع :	KJUSA, KJUS	: (SWEDISH) سوئدی

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: چوب خبده، چوب دستگاه شخم زنی.
 چم این واژه در زبان نورس کهن: سوراخ، خبدگی ساحل، خور.
 چم این واژه در زبان نروژی: قوز، کوزی.
 چم این واژه در زبان هلندی: ته تنگ.

GÜN	گون، گونه (به چم "رنگ"، "رخسار") <i>(PERSIAN)</i>
COLOR, TINT, HUE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*GUT-, *GUET-, *GOUNOM	هند و اروپایی <i>(INDO-EUROPEAN)</i>
GAURAI	: <i>(LITHUANIAN)</i> لیتوانی اوستایی پستو ^(AVESTAN)
REFERENCES	پستو ^(PAHLAVI)
POKORNY:	397 افغانی ^(پشتو)
BUCK:	1050-1051 ارمنی ^(ARMENIAN)
1861	برهان قاطع ^(GOTHIC)
KUNA-	گوتیک ^(KUNA)
KAUN	نورس کهن ^(OLD NORSE)
KOON	هلندی ^(DUTCH)

یادداشت:

چم این واژه در اوستایی: مو، رنگ مر

GOH, GÜH	گه، گوه (به چم "سرگین") <i>(PERSIAN)</i>
SHIT, EXCREMENT	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*GWŪ-, *GWOU-	هند و اروپایی <i>(INDO-EUROPEAN)</i>
KOT	: <i>(GERMAN)</i> آلمانی اوستایی ^(AVESTAN)
CWEAD	: <i>(OLD ENGLISH)</i> انگلیسی کهن ^(PAHLAVI)
	: <i>(OLD CHURCH SLAVIC)</i> اسلامی کهن ^(KURDISH)
GOVNO	
GÓWNO	: <i>(POLISH)</i> لهستانی ^(BALUCHI)
GOVNO	: <i>(RUSSIAN)</i> روسی ^(AFGHANI)
OHAVITI	: <i>(CZECH)</i> چک ^(KURDISH)
GAVITI	: <i>(SERBIAN)</i> صربی ^(SANSKRIT)
OHUDA	: <i>(SLOVAK)</i> اسلواکی ^(GREEK)
GEDA	: <i>(LITHUANIAN)</i> لیتوانی ^(ARMENIAN)
	شاید ^{(IM)BUBINĀRE}
	فریزی کهن ^(OLD FRISIAN)
	آلمانی کهن ^(OLD HIGH GERMAN)

BUCK:	276	REFERENCES	پسکشت‌ها
MALLORY & ADAMS:	GWUH	POKORNY:	483-485
۱۸۶۲	برهان قاطع :	MACKENZIE:	(EXCREMENT) 113

GĒS, GESŪ	گیس، گیسو	: (PERSIAN)
HAIR, LOCKS, TRESS		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*GHAIT-, *GHAES-		هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسکشت‌ها	
POKORNY:	410	اوستایی : (AVESTAN)
MACKENZIE:		پهلوی : (PAHLAVI)
(CURLS) 109, (LOCKS) 122		اوستی : (OSSETIC)
۱۸۶۹	برهان قاطع :	ارمنی : (ARMENIAN)
		يونانی : (GREEK)
		ایرلندی میانه : (MIDDLE IRISH)

LĀBÉ	لابه (به چم سخن و چاپلوسی و عجز و خواهش)	: (PERSIAN)
FLATTERY, ENTREATY, IMPLORATION, SUPPLICATION		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*LEP-		هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

LOPOTIVU	بلغاری : (BULGARIAN)	پهلوی : (PAHLAVI)
LÍAIG	ایرلندی کمن : (OLD IRISH)	
REFERENCES	پسکشت‌ها	
POKORNY:	677-678	LĀBAG, LĀBAKKARIH
MACKENZIE:		LABEHI
(SUPPLICATION) 135		کردی : (KURDISH)
۱۸۷۳	برهان قاطع :	LĀPA, LĀFA
		افغانی (پشتون) : (AFGHANI)
		санسکریت : (SANSKRIT)
		LEWAM, LÓWAM, LÁPATI
		يونانی : (GREEK)
		LEPETÁTU
		روسی : (RUSSIAN)

LĀL	لال (به چم گنج و زبان گرفته)	: (PERSIAN)
DUMB		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*LAL-, *LALLA-, *LUL-, *LEL-		هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
LALALLĀ, LÓLATI		کردی : (KURDISH)
LALÉŌ, LÁLOS	يونانی : (GREEK)	санسکریت : (SANSKRIT)

۴۵۰ / لای لایی، لای لای (به چم "آواز برای خواباندن کودک")

LÁLA	:RUSSIAN	روسی	LALLÓ	:LATIN	لاتین
LALUÓTI	:LITHUANIAN	لیتوانی		:OLD HIGH GERMAN	آلمانی کهن
REFERENCES					
POKORNY:		650	LALLEN	:GERMAN	آلمانی
BARNHART:	(ULL)	614	LULLEN	:OLD ENGLISH	انگلیسی کهن
DELAMARRE:	(BÉGAYER)	266	LULL	:ENGLISH	انگلیسی
ONIONS:	(ULL)	539	LULLE	:DANISH	دانمارکی
SKEAT:	(ULL)	351	LULLA	:SWEDISH	سوئدی
۱۸۷۹	برهان قاطع:		LULLE	:NORWEGIAN	نروژی
			LOLLEN	:DUTCH	هلندی

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: سکوت و آرامش، بی سرو صدایی و سکون، خواباندن.

LĀLĀE	لای لایی (به چم "آواز برای خواباندن کودک")	فارسی (PERSIAN)
LULLABY	چم انگلیسی سروالاهی فارسی:	
*LALLA-, *LĀIŌ-, *LĒIŌ		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES		
POKORNY:	650	LÜRİ
BARNHART:	(ULLABY) 614	:KURDISH
AMINDAROV:	251	لاتین (LATIN)
۳۵۳۶	فرهنگ معین:	آلمانی (GERMAN)
		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
REFERENCES		
POKORNY:	650	LALLUM, LALLĀRE
BARNHART:	(ULLABY) 614	:LATIN
AMINDAROV:	251	(EIN)LULLEN
۳۵۳۶	فرهنگ معین:	آلمانی (GERMAN)
		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
REFERENCES		
POKORNY:	650	LULLEY, LULLEN, LULLAI
BARNHART:	(ULLABY) 614	:ENGLISH
AMINDAROV:	251	LULLABY
۳۵۳۶	فرهنگ معین:	نروژی (NORWEGIAN)

یادداشت:

۱- بازگشت به: لال.

۲- چم این واژه در هلندی: پر حرفی کردن (جالب این است که در برهان قاطع: نیز [صفحه ۱۸۷۹] واژهی "لا" چنین معنی شده است: هرگونی، هرزو چانگی).

۳- واژهی کوکانهی "لا" و "لا لا کردن" نیز از همین واژه است.

LĀNÉ		لانه : (PERSIAN)
NEST, DEN		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*NIZDOS, *NIZDOM		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
GNÉZD		: (AVESTAN) اوستایی
GNIAZDO	لهستانی : (POLISH)	NISHI-, NISHITHAHTI
HNÍZDIT	روسی : (RUSSIAN)	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
HNEZDO	اسلواکی : (SLOVAK)	NIYASHĀ-, NIYASHĀDYAM
LIZDAS	لیتوانی : (LITHUANIAN)	NISHIN-, NISHĒM : (PAHLAVI)
LIGZDA	لتونی (لتی) : (LATVIAN)	: (KURDISH) کردی
NET	ایرلندی کهن : (OLD IRISH)	LAN, LĀNÉ, HILJN, HILUN
NYTH	ولزی : (WELSH)	افغانی (پشتون) : (AFGHANI)
NEIZ	برتونی : (BRETON)	سانسکریت : (SANSKRIT)
NEAD	گالیک : (GAELIC)	ارمنی : (ARMENIAN)
MEID	کورث والی : (CORNISH)	لاتین : (LATIN)
REFERENCES	پسکشتهای	
POKORNY:	887	اسپانیایی : (SPANISH)
BARNHART:	(NEST) 701	ایتالیایی : (ITALIAN)
DELAMARRE:	(NID) 148	پرتغالی : (PORTUGUESE)
MACKENZIE:	(PERCH) 126	آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)
ONIONS:	. (NEST) 607	آلمانی : (GERMAN)
SKEAT:	(NEST) 399	انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)
۱۸۸۲	برهان قاطع :	انگلیسی : (ENGLISH)
		هلندی : (DUTCH)
		اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در سانسکریت: استراحتگاه.
- ۲- برخی واجریشه شناسان معتقدند که ریشه‌ی این واژه " محل نشتن" است و لذاباً واژه‌ی انگلیسی SIT (به چم "نشتن") خوبی دارد.
- ۳- چم این واژه در افغانی: نشسته.

LAB	لپ	فارسی (PERSIAN):
LIP	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*LEB, *LŌB, *LĀB	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
LIP	انگلیسی (ENGLISH)	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
LABE	دانمارکی (DANISH)	پهلوی (PAHLAVI)
LÄPPE	سوئدی (SWEDISH)	کردی (KURDISH)
LEPPE	نروژی (NORWEGIAN)	بلوچی (BALUCHI)
LIP	هلندی (DUTCH)	سانسکریت (SANSKRIT)
LŪPA	لیتوانی (LITHUANIAN)	LAMBATE, RÁMBATE
LŪPA	لتونی (لتی) (LATVIAN)	يونانی (GREEK)
REFERENCES		پسگشت‌ها
POKORNÝ:	655-657	
BARNHART:	(LIP) 600	
MACKENZIE:	(LIP) 122	
BUCK:	229-230	
ONIONS:	(LIP) 530	
SKEAT:	(LIP) 343	
RAMAT:	34	
۱۸۸۵	برهان قاطع:	

یادداشت:

۱- چم این واژه در سانسکریت: آویزان، آویختن.

۲- واژه‌های "لپ" فارسی و "LOBE" انگلیسی نیز از همین واژه‌شی هند و اروپایی آمده‌اند.

LASH	لش (به چم بیکاره و کاهل، بی‌عار، تنبل)	فارسی (PERSIAN):
LAZY, SLACK, LANGUID	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*(S)LĒG, *(S)LEG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
LÂCHE	فرانسه (FRENCH)	نخاری A (TOKHARIAN A)
LASSISTA	ایتالیا (ITALIAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
	: (OLD SCANDINAVIAN)	يونانی (GREEK)
SLAKR		لاتین (LATIN)
SLAKKÄR		
LANGA		
LĒGEIN, LĒHŌ		
LAXUS		

REFERENCES	پسگشت ما
POKORNY:	959-960
BARNHART:	(LAX) 582, (SLACK) 1014
ONIONS:	(SLACK) 833
SKEAT:	(SLACK) 568
۳۵۸۴	برهنه معین:
۱۹۶۸۰	لغت نامه دمغده:

SLAK	:(<i>OLD SAXON</i>) ساکسونی کهن
SLAH	:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن
SLAC	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن
SLACK	:(<i>ENGLISH</i>) انگلیسی
SLAP, SLAKKE	:(<i>DANISH</i>) دانمارکی
SLAK	:(<i>SWEDISH</i>) سوئدی
SLAKK	:(<i>NORWEGIAN</i>) نروژی
LEGĒNS	:(<i>LATVIAN</i>) لتونی (لتی)
LACC	:(<i>OLD IRISH</i>) ایرلندی کهن
LLACC	:(<i>WELSH</i>) ولزی

بادداشت:

۱- واژه های "لاش" و "لاشه" هم از همین واژه هاند.

۲- چم این واژه در زبان تخاری: افسرده

چم این واژه در زبان های لاتین و سانسکریت: شل، لنگ

LANG, LANGIDAN	فارسی (PERSIAN) : لنگ، لنگیدن
LAME, PARALYZED, HALTING, CRIPPLED, MAIM	چم انگلیسی سروازه هی فارسی:
*LEM-, *LOM-, *LM-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید)
LOMITI	سانسکریت (SANSKRIT)
LAMĀC	لهستانی (POLISH) : لهستانی
LOM, LOMATE	روسی (RUSSIAN) : روسی
ZLOMIT	چک (CZECH) : چک
LOMITI	بلغاری (BULGARIAN) : بلغاری
ZLOMIT	اسلواکی (SLOVAK) : اسلواکی
LIMTI	لیتوانی (LITHUANIAN) : لیتوانی
LIMT	لتونی (LATVIAN) : لتونی
LIMTWEI	بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) : بروسی کهن
LEM	ایرلندی میانه (MIDDLE IRISH) : ایرلندی میانه
LLEFRITH	ولزی (WELSH) : ولزی
LIVRIZ	برتونی (BRETON) : برتونی
LEMË, LAMË	آلбанی (ALBANIAN) : آلbanی
LANGA	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : ایسلندی کهن
LAMI	ساکسونی کهن (OLD SAXON) : ساکسونی کهن
LAMO	فریزی کهن (OLD FRISIAN) : فریزی کهن
LAM, LOM	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) : آلمانی کهن
LAHM	آلمانی (GERMAN) : آلمانی
LAMA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) : انگلیسی کهن
LAME	انگلیسی (ENGLISH) : انگلیسی
LAM	دانمارکی (DANISH) : دانمارکی
LAM	سوئدی (SWEDISH) : سوئدی
LAM	نروژی (NORWEGIAN) : نروژی
LAM	هلندی (DUTCH) : هلندی
	اسلامی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :

پسگشت‌ها	REFERENCES	(LAME) 513	(LAME) 327	ONIONS:	SKEAT:
674	POKORNY:				
(LAME) 574	BARNHART:				برهان قاطع:
(LAME) 318-319	BUCK:				فرهنگ معین:

یادداشت:

- رابطه‌ی "لنگ" با این واژه‌ی هند و اروپایی و دیگر واژه‌های این فهرست در میچ یک از مراجع منداده شده، بهمین دلیل برای احتیاط در جلو واژه‌ی هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.
- چم این واژه در زبانهای اسلامی و بالتیک: شکستن
چم این واژه در زبانهای ولزی و ایرلندی میانه و برترنی: ناتران، از کار اخاده.

فارسی (PERSIAN):	لِنگ (مثلاً در لِنگ و پاچه):	LENG
چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:		LEG
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*LEK-, *LOK-, *LK-, *L <small>θ</small> K-
کردی (KURDISH):	LINK, LANK, LINGĒ :	LÄG : (SWEDISH)
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	LENGAY :	LEGG : (NORWEGIAN)
санскریت (SANSKRIT):	RKSĀLĀ :	LAKŪS : (LITHUANIAN)
یونانی (GREEK):	LÁX :	LEZU, LĒKT : (LATVIAN)
لاتین (LATIN):	LACERTUS :	LAGNO : (OLD PRUSSIAN)
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):		
LEGGR:		
آلمانی فرودین میانه (MLDDLE LOW GERMAN):		REFERENCES
آلمانی فرودین (LOW GERMAN):		POKORNY: 673
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):	LECKEN :	BARNHART: (LEG) 587
انگلیسی (ENGLISH):	LÍRA :	ONIONS: (LEG) 522
دانمارکی (DANISH):	LEG :	SKEAT: (LEG) 335
یادداشت:		فرهنگ معین:
چم این واژه در زبان لاتین: بازو		۳۶۳۱
چم این واژه در زبان آلمانی فرودین و لتونی: جست و خیز		۱۹۰۷
چم این واژه در زبان لیتوانی: فراری		برهان قاطع:
چم این واژه در زبان پروسی کهن: شلوار		

- چم این واژه در زبان آلمانی فرودین و لتونی: جست و خیز
 چم این واژه در زبان لیتوانی: فراری
 چم این واژه در زبان پروسی کهن: شلوار

LISIDAN, LESHTAN	فارسی (PERSIAN) : لیسیدن، لشتن
LICK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*LÉIGH-, *LOIGH, *LEIGMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
LICK	انگلیسی (ENGLISH) :
LIKKEN	هلندی (DUTCH) :
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :
LIZATI, LIZHO	
LIZAC, LIZNIECIE	لهستانی (POLISH) :
LIZATE	روسی (RUSSIAN) :
LIZATI	صربی (SERBIAN) :
LIZATI	بوهی (BOHEMIAN) :
LÍZAT	سلواکی (SLOVAK) :
	لیتوانی (LITHUANIAN) :
LIĒSHTI, LIEZHIÙ	
LAIZIT, LIZHO	لتونی (LATVIAN) :
LIGIM	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	668
BARNHART:	(LICK) 593
DELAMARRE:	(LÉCHER) 266
BUCK:	267
ONIONS:	(LICK) 526
SKEAT:	(LICK) 339
۱۸۹۰	برهان قاطع :

RAĒZ-, RAĒZAITE	اوستایی (AVESTAN) :
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
LIZ-, *LISHTANAIY, LAIZĀMIY	
LISHTAN, LISTAN	پهلوی (PAHLAVI) :
ALASTIN, ALISTIN	کردی (KURDISH) :
	санسکرت (SANSKRIT) :
LIHATI, LIH-, LÉDHI, RÉDHI	
LIZUM, LIZEM	ارمنی (ARMENIAN) :
LEICHEIN, LEIKHŌ	يونانی (GREEK) :
	لاتین (LATIN) :
LINGERE, LIGURRIRE, LINGŌ	
LÉCHER	فرانسه (FRENCH) :
LECCARE	ایتالیایی (ITALIAN) :
LINGE	رومانی (RUMANIAN) :
LAMBER	پرتغالی (PORTUGUESE) :
BILAGŌN	گوئنک (GOTHIC) :
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
SLEIKJA	
LIKKŌN	ساکسونی کهن (OLD SAXON) :
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
LECKŌN	
LECKEN	آلمانی (GERMAN) :
LICCIAN	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :

MA	فارسی (PERSIAN) : ما
WE, US, OUR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*NE-, *NŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
AMĀ, AMĀH, ĒMĀ	پهلوی (PAHLAVI) :
MAX	اوستایی (OSSETIC) :
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
AHMAKEM, AHMA	اوستایی (AVESTAN) :
AMĀXAM	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :

US	:(<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن	ME, MĒ, MA	:(<i>KURDISH</i>) کردي
US	:(<i>ENGLISH</i>) انگلیسی		:(<i>AFGHANI</i>) افغاني (پشتر)
OS	:(<i>DANISH</i>) دانمارکي	MUZH, MUNZH	
OSS	:(<i>SWEDISH</i>) سوئدی	NÄSH	:(<i>TOKHARIAN A</i>) A تخاري
OSS	:(<i>NORWEGIAN</i>) نروژي	NASH	:(<i>TOKHARIAN B</i>) B تخاري
ONS	:(<i>DUTCH</i>) هلندی		:(<i>SANSKRIT</i>) سانسکريت
NASŪ:	(<i>OLD CHURCH SLAVIC</i>) اسلامي کهن	ASMAKA, NAS, ASMAN	
NÁS, NÁM	:(<i>CZECH</i>) چک	MENK	:(<i>ARMENIAN</i>) ارمني
NÁS, NÁM	:(<i>SLOVAK</i>) اسلواکي	ĒMAS	:(<i>GREEK</i>) یوناني
NŌUSON	:(<i>OLD PRUSSIAN</i>) پروسی کهن	NŌS	:(<i>LATIN</i>) لاتين
NI, NY	:(<i>WELSH</i>) ولزی	NOUS	:(<i>FRENCH</i>) فرانسه
NE, NA	:(<i>ALBANIAN</i>) آلباني	NOSOTROS, NOS	:(<i>SPANISH</i>) اسپانيان
ANZHASH, NAS	:(<i>HITTITE</i>) هفت	NOI	:(<i>ITALIAN</i>) ايطالي
			:(<i>RUMANIAN</i>) روماني

REFERENCES	پسخندها
POKORNÝ:	758
BARNHART:	(US) 1189
MACKENZIE:	(WE) 139
ONIONS:	(US) 965
SKEAT:	(US) 681
۱۹۳۱	برهان قاطع :

NOI, NOSTRI, NOASTRE	
NÓS	:(<i>PORTUGUESE</i>) پرتغالی
UNS	:(<i>GOTHIC</i>) گوتick
OSS	:(<i>OLD SCANDINAVIAN</i>) ايسلندی کهن
ŪS	:(<i>OLD SAXON</i>) ساکوني کهن
ŪS	:(<i>OLD FRISIAN</i>) فريزي کهن
UNS	:(<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلماني کهن
UNS	:(<i>GERMAN</i>) آلماني

MĀDAR	مادر	فارسي (PERSIAN):	
MOTHER		چم انگلیسی سروازه‌ي فارسي:	
*MĀTER-		هند و اروپايي :(<i>INDO-EUROPEAN</i>)	
MOR	:(<i>AFGHANI</i>) افغاني (پشتر)	*MĀTAR	:(<i>AVESTAN</i>) اوستاني
MĀCAR	:(<i>TOKHARIAN A</i>) A تخاري	*MĀTĀ	:(<i>OLD PERSIAN</i>) پارسي باستان
MĀCER	:(<i>TOKHARIAN B</i>) B تخاري	MĀDAR, MĀD	:(<i>PAHLAVI</i>) پهلواني
MĀTAR, MĀTA	:(<i>SANSKRIT</i>) سانسکريت	MĀDE, MADĀ, MĀD	:(<i>OSSETIC</i>) اوستي
MAYR, MAIR	:(<i>ARMENIAN</i>) ارمني	MĀK	:(<i>KURDISH</i>) کردي
METER	:(<i>GREEK</i>) یوناني	MĀT, MĀTH, MĀS	:(<i>BALUCHI</i>) بلوجي

MAT'	: (RUSSIAN) روسی	MATER	: (LATIN) لاتین
MATKA	: (CZECH) چک	MÈRE	: (FRENCH) فرانسه
MATI	: (SERBIAN) صربی	MADRE	: (SPANISH) اسپانیایی
MĀTKA, MĀTI	: (BOHEMIAN) بوهمی	MADRE	: (ITALIAN) ایتالیایی
MATKA	: (SLOVAK) اسلواکی	MAMĀ	: (RUMANIAN) رومانی
MŌTYNA, MOTÉ	: (LITHUANIAN) لیتوانی	MĀE	: (PORTUGUESE) پرتغالی
MĀTE	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
MĀTHIR	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	MÓTHR	
MATREBO	: (GAULISH) گالی	MŌDAR	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
MAM	: (WELSH) ولزی	MŌDER	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
MAM	: (BRETON) برتونی		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MĀTHAIR	: (GAELIC) گالیک	MOUTAR	
MOTRË	: (ALBANIAN) آلبانی	MUTTER	: (GERMAN) آلمانی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	700-701
BARNHART:	(MOTHER) 680
DELAMARRE:	(MÈRE) 40
MACKENZIE:	(MOTHER) 124
BUCK:	103-104
ONIONS:	(MOTHER) 592
۱۹۳۲	برهان قاطع :

MĀT	: (PERSIAN) ماست
YOGURT	: (ENGLISH) چم انگلیسی سرو (انگلیسی تارسی)
*MAD-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
MACUM, MACUN	: (ARMENIAN) ارمنی
MASTÓS	: (GREEK) یونانی
MADEŌ, MADĒRE	: (LATIN) لاتین
MATS	: (GOTHIC) گوتیک
MĀZD, MĀST	: (KURDISH) کردی
MASTAGH	: (BALUCHI) بلوچی
MĀSTA, MASTE	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
MĀSTU	: (SANSKRIT) سانسکریت

MĀST	: (PERSIAN) ماست
YOGURT	: (ENGLISH) چم انگلیسی سرو (انگلیسی تارسی)
*MAD-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
MACUM, MACUN	: (ARMENIAN) ارمنی
MASTÓS	: (GREEK) یونانی
MADEŌ, MADĒRE	: (LATIN) لاتین
MATS	: (GOTHIC) گوتیک
MĀZD, MĀST	: (KURDISH) کردی
MASTAGH	: (BALUCHI) بلوچی
MĀSTA, MASTE	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
MĀSTU	: (SANSKRIT) سانسکریت

MAT	:SWEDISH
MAT	:NORWEGIAN
MANJ, MAZË	:ALBANIAN

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	694-695
BARNHART:	646
ONIONS:	565
1941-1942	برهان قاطع:

MATR	:OLD SCANDINAVIAN
METI	:OLD SAXON
METI	:OLD FRISIAN
	:OLD HIGH GERMAN
MAST, MAZ	آلمانی کهن
MÄSTUNG	:GERMAN
METE	:OLD ENGLISH
MEAT	:ENGLISH
MAD	:DANISH

یادداشت:

- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: خوراک، چاق‌کننده، گوشت.
- چم این واژه در زبان یونانی: پستان.
- چم این واژه در زبان لاتین: گر، سرشار، خیس بودن.
- واژه‌ی فارسی "مسکه" (به چم "چربی ماست") نیز از همین واجریشه آمده است (694-POKORNY).
- واژه‌ی فارسی "ماسیدن" نیز از همین واجریشه آمده است.

MĀLIDAN	فارسی (PERSIAN): مالیدن
RUB, WIPE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*MELG-, *MELȝG-, *MOLG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MARZ-, MRJ-, MARSHTI, MARJATI	اوستایی (AVESTAN):
AMÉLGŌ, AMÉLGĒIN	یونانی (GREEK):
MULGEŌ, MULGĒRE	لاتین (LATIN):
MUNGERE	ایتالیایی (ITALIAN):
MULGE	رومانی (RUMANIAN):
MILUKS	گوتیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
MJOLKA	
MILUK	ماکسونی کهن (OLD SAXON):
MELOK	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
MELCHAN, MILUH	
MARZ-, MAREZAITI, MƏRƏZAITI	
MĀLIDAN,	پهلوی (PAHLAVI):
MĀL-, MŪSHTAN, MALITAN	
MÄRZIN	اوستی (OSSETIC):
MĀLIN	کردی (KURDISH):
	بلوچی (BALUCHI):
MALAGH, MALĒNAGH	
	تخاری A (TOKHARIAN A):
MALKE, MALKLUNE	
MALK-WER	تخاری B (TOKHARIAN B):
	санسکریت (SANSKRIT):

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	722-723
BARNHART:	
(MILK) 661-662, (MEAL) 645	
DELAMARRE:	269
MACKENZIE:	(RUB) 131
BUCK:	385-386, 569
ONIONS:	(MILK) 576
SKEAT:	(MILK) 375
۱۹۴۸	برهان قاطع:

MELKEN, MILCH	: (GERMAN)
MELCAN	: (OLD ENGLISH)
MILK	: (ENGLISH)
MALKE	: (DANISH)
MJÖLK	: (SWEDISH)
MELK, MJOLK	: (NORWEGIAN)
MELK	: (DUTCH)
	: (OLD CHURCH SLAVIC)
MLUZO, MLESTI	
MÉLZHU	: (LITHUANIAN)
BLIGIM	: (OLD IRISH)
MIEL	: (ALBANIAN)

بادداشت:

۱- چم این واژه در کردی: جاروب گردن.

چم واژه‌های این فهرست (به جز اوستایی و پهلوی و فارسی و کردی و بلوجی و سانسکریت): شیر، شیر دوشیدن (شاید بدین علت که شیر دوشیدن مستلزم "مالش" یا "مالیدن" است).

۲- میان این واژه‌ها و واژه‌های MEL (POKORNY: 716-1717) خوبی نزدیکی وجود دارد.

MĀM, MĀMI, MĀMĀ	فارسی (PERSIAN) :	مام، مامی، ماما (به چم "مادر")
MAMA, MAMMA	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:	
*MĀ, *MĀMĀ, *MAMMĀ, *MAMMĀ, *M-AM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	پهلوی (PAHLAVI)	(پازند)
MŌNA	MĀM	
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	MĀMI	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
MUOMA	MĀ, MĀMA	سانسکریت (SANSKRIT)
MAMA, MŪMME	MAMA, MAM	ارمنی (ARMENIAN)
آلمانی (GERMAN)	MĀMMA, MĀMMĒ	یونانی (GREEK)
MAMMA	MAMMA	لاتین (LATIN)
انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	MAMAN	فرانسه (FRENCH)
انگلیسی (ENGLISH)	MAMĀ	اسپانیایی (SPANISH)
MAMA, MAMMA, MUM, MUMMY, MA	MAMMA	ایتالیایی (ITALIAN)
MAMA	MUMĀ	رومانی (RUMANIAN)
هلندی (DUTCH)		
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)		

MAM	: <i>(CORNISH)</i>	کورن والی	MAMA	
MAMË, MËMË	: <i>(ALBANIAN)</i>	آلباني	MAMA	: <i>(POLISH)</i> لهستانی
MAMMA	: <i>(HITTITE)</i>	هنبت	MÁMA	: <i>(RUSSIAN)</i> روسی
			MÁMA, MAMINKA	: <i>(CZECH)</i> چک
			MAMA	: <i>(SLOVAK)</i> اسلواکی
				: <i>(LITHUANIAN)</i> لیتوانی
REFERENCES		پسگشت‌ها	MA, MAMĀ, MOMĀ	
POKORNÝ:		694	MĀMA	: <i>(LATVIAN)</i> لتونی (ای) (ای)
BARNHART:	(MAMMA)	627		: <i>(OLD IRISH)</i> ایرلندی کهن
DELAMARRE:	(MAMAN)	37	MAMÀ, MAM	
ONIONS:	(MAMMA)	549	MAM	: <i>(WELSH)</i> ولزی
SKEAT:	(MAMMA)	358	MAM	: <i>(BRETON)</i> برتونی
MALLORY & ADAMS:	M-AM			یادداشت:
۱۹۴۸	برهان قاطع:			

- ۱- این واژه‌ی کودکانه تقریباً در تمام زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد و رابطه‌ی آن با "مادر" و پستان "مه" آشکار است ولی واژریشه‌ی آن با واژریشه‌ی "مادر" (*MÄTER*)^{*} فرق دارد. علت نایابی آن در متون زبان‌های کهن شاید این باشد که این واژه بچه گانه است.
- ۲- چم این واژه در افغانی و آلمانی کهن: خاله، عمه.
- ۳- ضناً واژه‌ی **MOMMY** در لاتین به چم "مادر بزرگ" بکار رفته.

MĀN	مان (به چم "خان" و "خانه" مثلاً در "خانومان" یا «خانمان»)	فارسی (<i>PERSIAN</i>):
HOUSE, HOME		چم انگلیسی سروایری فارسی:
*DEM-, *DOMUS, *DÓMOS		هند و اروپایی (<i>INDO-EUROPEAN</i>):
TANU-, (TANU-TĒR)	: <i>(ARMENIAN)</i> ارمنی	اوستایی (<i>AVESTAN</i>):
DOMÓS, DÓMA	: <i>(GREEK)</i> یونانی	پارسی باستان (<i>OLD PERSIAN</i>):
DOMUS, DOMŌ	: <i>(LATIN)</i> لاتین	پهلوی (<i>PAHLAVI</i>):
DÔME	: <i>(FRENCH)</i> فرانسه	MĀN, MANISHN, MĀND
DOMO	: <i>(SPANISH)</i> اسپانیایی	MAL : <i>(KURDISH)</i> کردی
DOMO	: <i>(PORTUGUESE)</i> پرتغالی	TAM-, TÄM- : <i>(TOKHARIAN A) A</i> تخاری A
	: <i>(OLD SCANDINAVIAN)</i> ایسلندی کهن	
TIMBR		TAM-, TÄM- : <i>(TOKHARIAN B) B</i> تخاری B
TIMBAR	: <i>(OLD SAXON)</i> ساکسونی کهن	TEM-, TÄM-, TSÄM-
		DAMŪ, : <i>(SANSKRIT)</i> سانسکربت
		(DAMŪ-NAS), MĀNAH, DÁMAS

DŪM	بوهی (:BOHEMIAN)	TIMBER	فریزی کهن (:OLD FRISIAN)
DOM, DOMA	سلواکی (:SLOVAK)		آلمانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)
NĀMAS	لیتوانی (:LITHUANIAN)	ZIMBER	
NAMS	لتوانی (:LATVIAN)	ZIMMER	آلمانی (:GERMAN)
DAMNAE	ایرلندی کهن (:OLD IRISH)	TIMBER	انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)
DEFNYDD	ولزی (:WELSH)	TIMBER	انگلیسی (:ENGLISH)
DEFFNEZ	برتونی (:BRETON)	TOMMER	دانمارکی (:DANISH)
		TIMMER	سوئدی (:SWEDISH)
REFERENCES	پسگشت‌ها	TOMMER	نروژی (:NORWEGIAN)
POKORNÝ:	198-199	TIMMER	هلندی (:DUTCH)
BARNHART:	(DOME) 294-295		اسلاوی کهن (:OLD CHURCH SLAVIC)
DELAMARRE:	(MAISON) 59	DOMŪ	
MACKENZIE:	(HOUSE) 118	DOM	لهستانی (:POLISH)
BUCK:	(HOUSE) 457-459	DÓMA, DOM	روسی (:RUSSIAN)
۳۷۱۸	فرهنگ معین:	DOMA, DOMÁCÍ	چک (:CZECH)
۲۰۴۲	برهان قاطع:	DOM	صربی (:SERBIAN)

یادداشت:

- ۱- در زبان پهلوی XĀN UD MĀN ("خانسان" یا "خان و مان") هم چم HOUSE AND HOME انگلیسی بود.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی کهن: خانه.
- چم این واژه در زبان آلمانی: اتاق.
- چم این واژه در زبان‌های انگلیسی و هلندی و اسکاندیناوی: هیزم، الار ساختمانی.
- چم این واژه در زبان‌های رومانی امروزی: گنبد.

MĀN	فارسی (:PERSIAN)	- مان (به چم مرد، "هوشمند" - در نام‌ها: هومان، نویمان)
MAN	چم انگلیسی سروواله‌ی فارسی:	
*MANUS, *MONUS	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)	
MAN	ساکونی کهن (:OLD SAXON)	اوستایی (:AVESTAN)
MONN	فریزی کهن (:OLD FRISIAN)	پهلوی (:PAHLAVI)
MAN	آلمانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)	санسکریت (:SANSKRIT)
MANN	آلمانی (:GERMAN)	گوتیک (:GOTHIC)
	انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)	ایسلندی کهن (:OLD SCANDINAVIAN)
MANN, MON, MANNA		MATHA, MANNR

MUZH برهمنی (BOHEMIAN)

REFERENCES		پسگشت‌ها
POKORNÝ:		700
BARNHART:	(MAN)	627
DELAMARRE:	(HOMME)	51, 74
MACKENZIE:	(MAN)	122
ONIONS:	(MAN)	550
SKEAT:	(MAN)	358

MAN	: (ENGLISH)
MAND	: (DANISH)
MAN	: (SWEDISH)
MAND	: (NORWEGIAN)
MAN	: (DUTCH)
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
MOZHI	
MAZH	: (POLISH)
MUZH	: (RUSSIAN)
MUZH	: (SERBIAN)

MANDAN	فارسی (PERSIAN) : ماندن
STAY, REMAIN, WAIT	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*MEN-, *MN-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
RIMANERE	ایتالیایی (ITALIAN) :
RAMINERA	رومایی (RUMANIAN) :
AINMNE	ایرلندی کهن (OLD IRISH) :
MI-IMNA, MI-IMMAI	هیبت (HITTITE) :
	اوستایی (AVESTAN) :
	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
	MAN-, MANAYA
	MAN-, MANAYA
	پهلوی (PAHLAVI) :
	MAN-, MĀNDAN, MANISTAN
	کردی (KURDISH) :
	بلوچی (BALUCHI) :
	ماندا (AFGHANI) :
	تخاری (TOKHARIAN A) :
	تخاری (TOKHARIAN B) :
	санسکریت (SANSKRIT) :
	MAN-, MAMANDHI
	ارمنی (ARMENIAN) :
	یونانی (GREEK) :
	لانین (LATIN) :

REFERENCES		پسگشت‌ها
POKORNÝ:		729
BARNHART:	(MANSION)	631
MACKENZIE:	(REMAIN)	130, (STAY) 134
BUCK:		838
ONIONS:	(MANSION)	533
SKEAT:	(REMAIN)	509
۱۹۵۰	برهان قاطع :	

MAIN, MANDU	: (KURDISH)
MANTA, MĀNAGH	: (BALUCHI)
MANDA	: (AFGHANI) پشتو
MÄSK	: (TOKHARIAN A) تخاری
MÄSK	: (TOKHARIAN B) تخاری
	санسکریت (SANSKRIT) :
	MAN-, MAMANDHI
MNAM, MUNAL	: (ARMENIAN) ارمنی
MENŌ, MÉNEIN	: (GREEK) یونانی
MANEŌ, MANĒRE	: (LATIN) لانین

MAH, MAH	ماه، مه (به چم "قمر")	فارسی (PERSIAN)
MOON	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*MĒNŌT, *MĒNESES, *MĒNES-, *MĒNS-, *MĒS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)		اوستایی (AVESTAN)
MĒSECÍ		MAWNGH, MĀ, MĀH
MĒSÍC	: (CZECH) چک	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
MJESIC	: (SERBIAN) صربی	پهلوی (PAHLAVI)
MĒSIC	: (BOHEMIAN) بوهمی	کردی (KURDISH)
MESIAC	: (SLOVAK) اسلواکی : (LITHUANIAN) لیتوانی	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
MĒNUO, MĒNULIS		تخاری A (TOKHARIAN A)
MĒNESS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	تخاری B (TOKHARIAN B)
MĪ	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	санسکریت (SANSKRIT)
MIS	: (WELSH) ولزی	یونانی (GREEK)
MIZ	: (BRETON) برتونی	گوتیک (GOTHIC)
MUAI	: (ALBANIAN) آلبانی	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پشتہ ما	MĀNI
POKORNÝ:	731	MĀNO : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
BARNHART:	(MOON) 676	MŌNA : (OLD FRISIAN) فربزی کهن
DELAMARRE:	(LUNE) 186	MĀNO : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MACKENZIE:	(MOON) 124	MOND : (GERMAN) آلمانی
BUCK:	54-55	MŌNA : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
AMINDAROV:	(MOON) 256	MOON : (ENGLISH) انگلیسی
برهان قاطع:		MĀNE : (DANISH) دانمارکی
۱۹۰۶		MĀNE : (SWEDISH) سوئدی
		MĀNE : (NORWEGIAN) نروژی
		MAAN : (DUTCH) هلندی

یادداشت:

در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی واژه‌ی "ماه" (به چم "قمر") یا واژه‌ی "ماه" (به چم "شهر" یا "یک دوازدهم سال" فرق دارد. این فهرست حاوی واژه‌هایی است که فقط چم "قمر" را دارند و با هم چم "قمر" و هم چم "شهر" را دارند.

MĀH	ماه (به چه م شهر یا یک دوازدهم سال) (PERSIAN)	فارسی (PERSIAN): ماه (به چه م شهر یا یک دوازدهم سال)
MONTH		چه م انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MENŌT		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): هند و اروپایی
میانی (OLD CHURCH SLAVIC): اسلاوی کهن	MĀH, MĀ	اوستایی (AVESTAN): اوستایی
MISECI	MĀH	پارسی باستان (OLD PERSIAN): پارسی باستان
MIESIAC		پهلوی (PAHLAVI): پهلوی
MESJAC, MIESIATS	MĀH, MAHAK, MĀHIGĀN	(RUSSIAN): روسی
MĚSÍC	MEH	(KURDISH): کردی
MĒSECŪ	MYĀSHT	(BULGARIAN): بلغاری
MJESEC	MĀN	(TOKHARIAN A): تخاری A
MĚSIC	MEÑE	(TOKHARIAN B): تخاری B
MESIAC	MĀS, MASĀ	(SANSKRIT): سانسکریت
	AMIS	(ARMENIAN): ارمنی
MENESIS, MĒNUO	MĒN, MĒS	(GREEK): یونانی
MĒNESIS	MENSIS	(LATIN): لاتین
MENINS	MOIS	(FRENCH): فرانسه
MI	MES	(SPANISH): اسپانیایی
MIS	MESE	(ITALIAN): ایتالیایی
MIZ	MÈS	(PORTUGUESE): پرتغالی
MIOS	MĒNŌTHS	(GOTHIC): گوتیک
MUAJ		(OLD SCANDINAVIAN): ایسلندی کهن
	MŌNATHR	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	731-732
BARNHART:	(MONTH) 675
DELAMARRE:	(MOIS) 186
MACKENZIE:	(MONTH) 124
BUCK:	1010-1011
ONIONS:	(MONTH) 587
SKEAT:	(MONTH) 384
AMINDAROV:	(MONTH) 256
برهان قاطع:	۱۹۰۶

MĀNOTH	(OLD SAXON): ساکسونی کهن
MŌNATH	(OLD FRISIAN): فریزی کهن
	(OLD HIGH GERMAN): آلمانی کهن
MĀNŌT, MĀNŌD	
MONAT	(GERMAN): آلمانی
MŌNATH	(OLD ENGLISH): انگلیسی کهن
MONTH	(ENGLISH): انگلیسی
MANED	(DANISH): دانمارکی
MĀNAD	(SWEDISH): سوئدی
MANED	(NORWEGIAN): نروژی
MAAND	(DUTCH): هلندی

یادداشت:

بازگشت به: ماه (به چم "قمر")

MĀHI	فارسی (PERSIAN) : ماهی
FISH	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MAD-, *MAD- *DO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
MOJADO, MOJAR : (SPANISH) اسپانیایی برتغالی (PORTUGUESE)	اوستایی (AVESTAN) :
MOLHADO, MOLHAR	پهلوی (PAHLAVI) :
	کردی (KURDISH) :
	بلوچی (BALUCHI) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	694-695
MACKENZIE:	(FISH) 114
BUCK:	(FISH) 184
AMINDAROV:	(FISH) 225
1991	برهان قاطع:
<hr/>	
<hr/>	
<hr/>	

MĀHI, MĀHIG, MĀHIGH	
MĀHI	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
MĀTSYA	سانسکریت (SANSKRIT) :
MADAŌ	یونانی (GREEK) :
MADĒRE, MADEŌ	لاتین (LATIN) :
MOUILLER	فرانسی (FRENCH) :

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های یونانی و رومانس: تر، خبیس بودن، خیسیدن.

MĀHICHÉ, MĀYCHÉ	فارسی (PERSIAN) : ماهیچه، مایچه
MUSCLE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*MŪS, *MUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
MŪS : (OLD SCANDINAVIAN) اولندی کهن	سانسکریت (SANSKRIT) :
MŪS : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	ارمنی (ARMENIAN) :
MUSKEL : (GERMAN) آلمانی	يونانی (GREEK) :
MŪS : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	لاتین (LATIN) :
MUSCLE : (ENGLISH) انگلیسی	فرانسی (FRENCH) :
MUSKLE : (DANISH) دانمارکی	اسپانیایی (SPANISH) :
MUSKEL : (SWEDISH) سوئدی	ایتالیایی (ITALIAN) :
MUSKEL : (NORWEGIAN) نروژی	رومانی (RUMANIAN) :
	برتغالی (PORTUGUESE) :

پسگشت ها	REFERENCES	(MUSCLE) 598	(MUSCLE) 391	ONIONS:	SKEAT:
752-753	POKORNY:				
(MUSCLE) 687	BARNHART:				فرهنگ معین: ۳۷۴۵ و ۳۷۴۴
135	DELAMARRE:				

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: موش.
- ۲- چم این واژه در سانسکریت: خایه.
- ۳- واجریشه شناسان معتقدند که واژه "مایجه" (که شاید در اصله "مرشجه" بوده است) با واژه "موش" خویشی دارد و بهمین دلیل واژه ماهیجه در لاتین (**MŪSCULUS**) مصغر واژه "MŪS" به معنی "موش" است. دلیل این خویشی، شباهت شکل ماهیجه‌ی دوسر و "موش" است. ضمناً در زبان‌های ارمنی و بیونانی واژه‌های **MŪS** (یا **MŪSY**) دو چم دارند: موش و عضله.
- ۴- واژه‌های ژرمنی این فهرست همه از لاتین مشتق شده‌اند.

MAYÉ	فارسی (PERSIAN): مایه
MATTER, CAPITAL, ESSENCE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*MĀTER	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN): (شاید)
MATTER	پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	700
BARNHART:	
(MATTER) 642, (MATERIAL) 640	
MACKENZIE:	(MATTER) 123
AMINDAROV:	(CAPITAL) 196
۱۹۳۴ و ۱۹۶۴	برهان قاطع:
۱۹۹۲ و ۲۰۰۶	لغت نامه دمحد:
۳۶۴۸ و ۳۷۳۶	فرهنگ معین:
MĀDISHT, MATAK	: (KURDISH)
MAYE, SERMAYE	کردی
MĀTAR	: (SANSKRIT)
MĒTER	: (GREEK)
MĀTERIA, MĀTER	: (LATIN)
MATIÉTRE	: (FRENCH)
MATERIA	: (SPANISH)
MATERIA	: (ITALIAN)
MATÉRIA	: (PORTUGUESE)
MATERIE	: آلمانی (GERMAN) (از لاتین)
	انگلیسی (ENGLISH): (از فرانسه کهن)

یادداشت:

برخی از واجریشه شناسان معتقدند که واژه فارسی "مایه" با واژه لاتین **MATERIA** خویشی دارد و هر دوی این واژه‌ها (و واژه‌های مشابه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی) همه از واجریشه "مادر" (**MĀT**, **MĀTER**) آمده‌اند. ضمناً واژه "ماده" هم از همین واجریشه است. شاید واژه‌ی عربی "ماده" هم اصلاً از یک زبان هند و اروپایی اخذ

شده باشد (و در این صورت آن هم از واژه‌ی MĀTER آمده است). چون این رابطه مسلم نسبت در جلوی واژه‌ی هند و اروپایی این فهرست (شاید) آورده‌ام.

MARD	فارسی (PERSIAN): مرد
MAN	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MER-, *MERE-, *MORTO	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
	اوستایی (AVESTAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	735
BARNHART:	(MORTAL) 679
DELAMARRE:	(HOMME) 51
MACKENZIE:	(MAN) 122
BUCK:	81, 79
ONIONS:	(MORTAL) 591
AMINDAROV:	(MAN) 253
MALLORY:	49
۱۹۸۲	برهان قاطع :

MARTIYA	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
MART, MARD	پهلوی (PAHLAVI)
MERD, MĒR	کردی (KURDISH)
MAR	بلوچی (BALUCHI) سانکریت (SANSKRIT)
MARTA, MARTYA, MANU-	
MARD	ارمنی (ARMENIAN)
MORTÓS, BROTÓS	یونانی (GREEK)
MORTALIS	لاتین (LATIN)
MORTAL	انگلیسی (ENGLISH) (از لاتین)

یادداشت:

بازگشت به: مرگ.

MORZIDAN, MORZ	فارسی (PERSIAN): مرزیدن (به چشم "جماع کردن")، مرز
COPULATE, COPULATION, INTERCOURSE, FUCK	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MELG-, *MOLGO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	722
MACKENZIE:	(COPULATE) 108
۱۹۸۷	برهان قاطع :
۴۰۱۲	فرهنگ معین :
۲۰۶۵۹-۲۰۶۶۰ و ۲۰۶۵۴	لغت‌نامه دهخدا:

MARZ-, MITHW-	اوستایی (AVESTAN) :
MARZIDAN,	پهلوی (PAHLAVI)
MARZISHN, MARZ, MARZITÁN	سانکریت (SANSKRIT)
MITH-, MARZ-, MÁRSTI	

یادداشت:

بازگشت به: مالیدن.

MARZ	فارسی (PERSIAN) : مرز
BOUNDARY, BORDER, FRONTIER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MORG-, *MERG-, *MROG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
MARK : (DANISH) دانمارکی	اوستایی (AVESTAN)
MARK : (SWEDISH) سوئدی	پهلوی (PAHLAVI)
MARK : (NORWEGIAN) نروژی	سانسکریت (SANSKRIT) (شاید)
MARK : (DUTCH) هلندی	ارمنی (ARMENIAN)
ایرلندی کهن (OLD IRISH) : (OLD IRISH)	لانین (LATIN)
MRUIG, MARUIG	فرانسه (FRENCH)
BROGI- : (GAULISH) گالی	اسپانیایی (SPANISH)
BRO : (WELSH) ولزی	ایتالیایی (ITALIAN)
BRO, BROGAE : (BRETON) برتونی	پرتغالی (PORTUGUESE)
	گوتبک (GOTHIC)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKorny:	738
BARNHART:	(MARK) 634
DELAMARRE:	63
MACKENZIE:	(BOUNDARY) 105
BUCK:	1311-1312
ONIONS:	(MARK) 556
SKEAT:	(MARK) 362
۴۰۰۹	فرهنگ معین :
۱۹۸۶-۱۹۸۷	برهان قاطع :
	یادداشت:

در انگلیسی نوین و برخی زبان‌های ژرمنی دیگر این واژه چم "نشان" و "نشان سرحدی" را دارد.

MARG, MORDAN, MORDÉ	فارسی (PERSIAN) : مرگ، مردن، مرده
DEATH, DIE, DEAD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MER-, *MER$\ddot{\text{o}}$-, *MRTIS, *MORTOS, *MRTOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
A-MARIYATĀ, MAR-	اوستایی (AVESTAN)
: (PAHLAVI) پهلوی	MARIYEITE, M $\ddot{\text{o}}$ R $\ddot{\text{o}}$ TA, MAHRKA
MARG, MURTAN, MURDAN	پارسی باستان (OLD PERSIAN)

MORD	: (<i>OLD ENGLISH</i>) انگلیسی کهن	: (<i>OSSETIC</i>) اوستنی
	: (<i>OLD CHURCH SLAVIC</i>) اسلامی کهن	
MIRQ, MRĒTI, MRŪTVŪ	: (<i>POLISH</i>) لهستانی	: (<i>KURDISH</i>) کردى
SMIERC, MARTWY, UMIERAC	: (<i>RUSSIAN</i>) روسی	: (<i>BALUCHI</i>) بلوچی
UMERET, UMIRAT, SMERT		: (<i>AFGHANI</i>) الفانی (پشتو)
MORITI, MRTAV	: (<i>SERBIAN</i>) صربی	: (<i>SANSKRIT</i>) سانسکریت
	: (<i>BOHEMIAN</i>) بوهمی	
MORTVÝ, (U)MRITI	: (<i>SLOVAK</i>) اسلواکی	AMRTA, MARIYÁTE, MÁRATE
MRTVY, SMERT, ZOMRIET	: (<i>LITHUANIAN</i>) لیتوانی	MARTĀ-, MRTI-, MARAS
MIRSHTU, MARINTL, MIRTI, MIRTIS		MERANIM, : (<i>ARMENIAN</i>) ارمنی
MIRSTU, MIRT	: (<i>LATVIAN</i>) لاتونی	MARH, MAH, MERDZ, MERNIL
MARB	: (<i>OLD IRISH</i>) ایرلندی کهن	: (<i>LATIN</i>) لاتین
MARW	: (<i>WELSH</i>) ولزی	MORIOR, MORS, MORTIS, MORI
MARO, MARVEL	: (<i>BRETON</i>) برتونی	MORT, MOURIR : (<i>FRENCH</i>) فرانسه
MER-, MEIRTA	: (<i>HITTITE</i>) هیتیت	: (<i>SPANISH</i>) اسپانیایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	735
BARNHART:	(MORTAL) 679
DELAMARRE:	89, 270
MACKENZIE:	
	(DEATH) 109, (DIE) 110
BUCK:	286, 290
١٩٨٦ و ١٩٩٥	برهان قاطع :

MORT, MURI, MOARTE	: (<i>RUMANIAN</i>) رومانی
MORTO, MORRER, MORTE	: (<i>PORTUGUESE</i>) پرتغالی
BROTÓS	: (<i>GOTHIC</i>) گوتیک
MORD	: (<i>OLD SCANDINAVIAN</i>) ایسلندی کهن
MORD	: (<i>OLD HIGH GERMAN</i>) آلمانی کهن

MARMAR		فارسی (PERSIAN) :	مَرْمَر
MARBLE		چِم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*MER-, *MER- ₂ , *M- ₂		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
MARBLE	: (ENGLISH) انگلیسی	MERMER	: (KURDISH) کردي
MARMOR	: (DANISH) دانمارکي		: (SANSKRIT) سانسکريت
MARMOR	: (SWEDISH) سوئدی	MŪRNÁS, MRNĀTI	
MARMOR	: (NORWEGIAN) نروژی	MARMAR	: (ARMENIAN) ارمنی
MARMER	: (DUTCH) هلندی	MÁRMAROS	: (GREEK) یونانی
MARMUR	: (POLISH) لهستانی	MARMOR	: (LATIN) لاتین
MRAMUR	: (CZECH) چک	MARBRE	: (FRENCH) فرانسه
MARMOR	: (SLOVAK) اسلواکی	MÁRMOL	: (SPANISH) اسپانیایی
MARIATTARI	: (HITTITE) هبیت	MARMO	: (ITALIAN) ایتالیایی
REFERENCES	پسگشت‌ها	MARMURE	: (RUMANIAN) رومانی
POKORNÝ:	735-736	MÁRMO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
BARNHART:	(MARBLE) 632		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
ONIONS:	(MARBLE) 555	MERJA	
SKEAT:	(MARBLE) 361		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
AMINDAROV:	(MARBLE) 252	MARMUL	
۴۰۴۵	فرهنگ معین:	MARMOR	: (GERMAN) آلمانی
۱۹۹۶	برهان قاطع:		: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
		MARMA, MARMO	
			یادداشت:

- ۱- چم این واژه در سانسکریت و هبیت: کویده، خُرد شده.
- ۲- برخی واژریشه شناسان معتقدند که شکل‌های کتونی این واژه در اکثر زبان‌ها از واژه‌ی یونانی MÁRMAROS مشتق شده‌اند.

MOZD		فارسی (PERSIAN) :	هزد
WAGE(S), PAY		چِم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:	
*MIZDHÓS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
MUZZ	: (KURDISH) کردي	MIZHDA	: (AVESTAN) اوستایی
	: (SANSKRIT) سانسکریت	MIZD, MOZD	: (PAHLAVI) بهلوی
MIDHÁ, MIDHĀMA		MIZD, MYZD	: (OSSETIC) اوستی

MZDA	: (RUSSIAN)	روسی
MZDA	: (CZECH)	چک
MZDA	: (BOHEMIAN)	بوهمی
MZDA	: (SLOVAK)	اسلواکی

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORYN:	746
BARNHART:	(MEED) 648
MACKENZIE: (HIRE) 118, (PAY) 126	
ONIONS:	(MEED) 567
SKEAT:	(MEED) 369
RAMAT:	38
۲۰۰۰	برهان قاطع:

MISTHÓS	: (GREEK)	يونانی
MIZDŌ	: (GOTHIC)	گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
MĒDA, MIEDA		
MĒDA	: (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
MĒDE	: (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
MĒTA, MIATA		
MIETE	: (GERMAN)	آلمانی
	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
MEORD, MĒD, MĒDA		
MEED	: (ENGLISH)	انگلیسی
	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
MŪZDA, MĪZDA		

یادداشت:

واژه "مزده" نیز به احتمال قوی از همین واژه است.

MAZDA	فارسی (PERSIAN) :	مزدا
MAZDA, GOOD	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*MENDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
MODRŪ	: (BULGARIAN)	اوستایی
	: (LITHUANIAN)	پارسی باستان
MANDRAS, MUNTER		پهلوی
	: (LATVIAN)	санسکریت
MUÔDRS, MUOZHS		: (GREEK)
MYNNU	: (WELSH)	مانثانو، MATHEIN
MUND	: (ALBANIAN)	گوتیک

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORYN:	730
MACKENZIE:	(MAZDEAN) 123
BUCK:	1222
۲۰۷۴۶	لغت‌نامه دهخدا:

MUNDA	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
MUNTAR, MUNTER, MENDI,		
MENDEN		

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در سانسکریت و بلغاری: خرد، عاقل.
چم این واژه در یونانی: آموختن.
چم این واژه در گوتبک: هدف، سر منزل مقصود.
چم این واژه در آلمانی کهن و ولزی: اشتباق، خواستن.
چم این واژه در لیتوانی و لتونی: دلیر، دلاور.
چم این واژه در آلبانی: پهروزی.
- ۲- در اوسنایی **MAZDA** به چم "خردمند" و "عاقل" هم بوده است.

MOZHÉ, MOZHGĀN	فارسی (PERSIAN): مژه، مژگان
EYELASH	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*MEIK-, *MEIGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
MUCHUTU	پهلوی (PAHLAVI) :
: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	MICHAK, MIZH, MIZHAG
DE-MECCIM	کردی (KURDISH) :
MYGR	: (WELSH) ولزی MIJGAN, MIZHL, MIZHĀNK, MUJÚAL بلوچی (BALUCHI) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	712-713
MACKENZIE:	(EYELASH) 113
۲۰۰۵ و ۲۰۰۶	برهان قاطع :
NIMISHA	سانسکریت (SANSKRIT) :
MICŌ, MICĀRE	لاتین (LATIN) :
	بلغاری کهن (OLD BULGARIAN) :
	<u>یادداشت:</u>
	چم این واژه در زبان لاتین: سرسزدن، سرسرا.

MOST	فارسی (PERSIAN): مُسْتَ (به چم شکایت و گله)
COMPLAINT, GRIPE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*MĒUDH-, *MŪDH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
MYSLU : (OLD BULGARIAN) بلغاری کهن :(LITHUANIAN) لیتوانی	پارسی باستان (OLD PERSIAN) : *MUSTI پهلوی (PAHLAVI) :
MAUDZHIÚ, MAŪSTI	برنانی (GREEK) : MUTHOS گوتبک (GOTHIC) : MAUDJAN

MACKENZIE:	(COMPLAINT) 107	REFERENCES	پسگشت‌ها
۲۰۰۷	برهان قاطع :	POKORNY:	743

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: سخن، حرف.

MAST	فارسی (PERSIAN) :	مُست
INTOXICATED, DRUNK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*MAD-, *DO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
REFERENCES	پسگشت‌ها	اوستایی (AVESTAN)
POKORNY:	694	پهلوی (PAHLAVI)
AMINDAROV:	(DRUNK) 215	کردي (KURDISH)
۲۰۰۷	برهان قاطع :	سانکریت (SANSKRIT)
		MADHA-, MAD- : (MAMÁTTI, MÁNDATI, MATTÁ.)

MASHK	فارسی (PERSIAN) :	مشك
SHEEPSKIN, MUSSUCK	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*MOISOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	

MĒCH	: (RUSSIAN)	روسی	MARSHA	: (AVESTAN)
MECHŪ	: (BULGARIAN)	بلغاری		پهلوی (PAHLAVI)
MÁISHAS	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	MASHK, MASHKIZAG	
MÁISS	: (LATVIAN)	لتونی (لتی)	MSHK	سفدی (SOGADIAN)
MOASIS	: (OLD PRUSSIAN)	پروسی کهن		سانکریت (SANSKRIT)

REFERENCES	پسگشت‌ها	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
POKORNY:	747	
DELAMARRE:		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
	(SAC EN PEAU) 148	
MACKENZIE:	(MUSSUCK) 124	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
۲۰۱۴	برهان قاطع :	MĒCHŪ
		MIECH
		: (POLISH) لهستانی

MOSHK	فارسی (PERSIAN) : مشک
MUSK	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*MŪS, *MUS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسکشت‌ها
POKORNY:	753
BARNHART:	(MUSK) 688
MACKENZIE:	(MUSK) 124
ONIONS:	(MUSK) 598
SKEAT:	(MUSK) 392
۲۰۱۴	برهان قاطع:

MUSHK	پهلوی (PAHLAVI)
MUSKAH	санسکریت (SANSKRIT)
MOSKHOS	يونانی (GREEK)
MUSCUS	لاتین (LATIN)
MUSC	فرانسه (FRENCH)
MUSCH, MOSCHUS	آلمانی (GERMAN)
MUSK	انگلیسی (ENGLISH)
MUSKUS	هلندی (DUTCH)

یادداشت:

چم این واژه در زبان سانسکریت: خایه.

MOGH, MAJŪS	فارسی (PERSIAN) : مع، مجوس
*MAGUS, MAGI, (ZOROASTRIAN) PRIEST	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*MAGH-, *MĀGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

MAGO	برتغالی (PORTUGUESE) : پرتوالی	MAGU, MAGA	اوستایی (AVESTAN) : پرتوالی
MAGAN, MAHTS	گوتبک (GOTHIC) : ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)		پارسی باستان (OLD PERSIAN) : پرتوالی
MEGA, MAGA, MUGA, MĀ		MAGUSH, MAGUS, MAG	پهلوی (PAHLAVI)
MUGA, MEI	فریزی کهن (OLD FRISIAN) : آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	MAGU, MAGUPAT, MOGHMARD	نخاری (TOKHARIAN A) A : پرتوالی
MAGAN, MUGAN, MAG		MOKATS	سانسکریت (SANSKRIT) : پرتوالی
MAGIE	آلمانی (GERMAN) : انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	MAGHÁ, MAGHÁVAN-	ارمنی (ARMENIAN) : پرتوالی
MAGAN, MAG		MOG, MOGPET, MARTHANX	بونانی (GREEK) : پرتوالی
MIGHT	انگلیسی (ENGLISH) : اسلامی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	MAGIKĒ, MAGIKÓS, MAGOS	يونانی (GREEK) : پرتوالی
MOGŪ, MOSHTI		MAGICĒ, MAGUS	لاتین (LATIN) : پرتوالی
MOSHŪ	روسی (RUSSIAN) : لیتوانی (LITHUANIAN)	MAGE	فرانسه (FRENCH) : پرتوالی
MĀGULAS, MOKETI		MAGO	اسپانیایی (SPANISH) : پرتوالی
		MAGO	ایطالیایی (ITALIAN) : پرتوالی

MACKENZIE-MOGH (MOGHMARD) 56	REFERENCES	پسکشتهای
ONIONS:	POKORNY:	695
MOGH (MOGHMARD) 56	BARNHART:	
۲۰۳۰ برهان قاطع:	(MAGIC, MAGI)	622

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های ایرانی: روحانی زرتشتی.
 چم این واژه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی این فهرست: جادوگر، توانا، دانا.
 چم این واژه در سانسکریت: توانمندی، دارایی.
 ۲- واژه‌های انگلیسی MAGICIAN, MAGIC نیز از همین واجریشه‌اند.

MAGHZ	مفز	فارسی (PERSIAN)
MARROW, PITH, BRAIN, KERNEL		چم انگلیسی سرو واژه‌ی فارسی:
*MOSGH-, *MOZGHO-, *MOSGOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
MARG, MARAG	MAZGA	اوستایی (AVESTAN)
MARK	: (GERMAN) آلمانی :(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
MEARH, MEARG	MAGHZ	اوستی (OSSETIC)
MARROW	MEGZ, MEJU	کردی (KURDISH)
MARV	MAZHГ	بلوچی (BALUCHI)
MERG	MАГHZА	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
MARV	MASSUNT	تخاری A (TOKHARIAN A)
MERG	MAJJÁN	سانسکرت (SANSKRIT)
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	MICHOUГ, MIDK	ارمنی (ARMENIAN)
MOZGУ	MOELLE	فرانسه (FRENCH)
MÓZG	MOELLO	اسپانیایی (SPANISH)
MOZG		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
MOZAK	MERGR	
MOZEG	MARG	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
MOZOG		فریزی کهن (OLD FRISIAN)
SMÄGENES	MERG, MERCH	
MUSGENO : (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

MACKENZIE:		REFERENCES	پیشنهادها
	(BRAIN) 105, (MAROW) 123	POKORNY:	750
BUCK:	215	BARNHART:	
ONIONS:	(MARROW) 557		(MARROW) 635-636
SKEAT:	(MARROW) 363	DELAMARRE:	
۲۰۲۱	برهان قاطع:		(MOELLE, CERVELLE) 148

MAGAS		فارسی (PERSIAN):	مگس
FLY		چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*MUS-, *MUKYON, *MUGHYÖN, *MÜSA		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
MÜCKE	: (GERMAN) آلمانی :(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	MAKHSHI	: (AVESTAN) اوستایی :(PAHLAVI) پهلوی
MYGG, MYCG, MYCGE		MAKHSH, MAGAS, MAKAS	
MIDGE	: (ENGLISH) انگلیسی	MĒSH, MYSH	: (KURDISH) کردی
MYG	: (DANISH) دانمارکی		: (BALUCHI) بلوچی
MYGG	: (SWEDISH) سوئدی	MAGISK, MAKASH, MAHISK	
MYGG	: (NORWEGIAN) نروژی	MËCH, MAC	: (AFGHANI) افغانی (پشتون) :(SANSKRIT) سانسکریت
MUG	: (DUTCH) هلندی :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن		MAKSHIKA, MAKSH-, MAKSHA-
MUCHA		MUN	: (ARMENIAN) ارمنی
MUCHA	: (POLISH) لهستانی	MYIA, MUSYA, MUJA	: (GREEK) یونانی
MUKHA	: (RUSSIAN) روسی	MUSCA	: (LATIN) لاتین
MOUCHA	: (CZECH) چک	MOUCHE	: (FRENCH) فرانسه
MUHA	: (SERBIAN) صربی	MOSCA	: (SPANISH) اسپانیایی
MOUCHA	: (BOHEMIAN) بوهمی	MOSCA	: (ITALIAN) ایتالیایی
MUCHA	: (SLOVAK) اسلواکی	MUSCĀ	: (RUMANIAN) رومانی
MUSHĒ	: (LITHUANIAN) لیتوانی	MOSCA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
MÜSA	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	MY :	(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
MUSO	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن	MUGGIA	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن :(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MÜZĒ	: (ALBANIAN) آلبانی	MUCKA, MUGGA	

BUCK:	193	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(MIDGE) 575	POKORNY:	752
SKEAT:	(MIDGE) 374	BARNHART:	(MIDGE) 659-660
٢٠٢٩	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(MOUSTIQUE) 143
		MACKENZIE:	(FLY) 114

یادداشت:

چم این واژه در ارمنی و زبان‌های ژرمنی: پ شهریزه، انواع حشرات دوباله و کوچک.

MALAS, MALES	(PERSIAN): ملنس، ملیس (به چم ترش و شیرین، نیخوش)	SWEET AND SOUR	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*AMROS, *MRROS	(INDO-EUROPEAN) (شاید): هند و اروپایی		
AMPFER	: (GERMAN) آلمانی	AMLÁS	: (SANSKRIT) سانسکریت
AMPER	: (SWEDISH) سوئدی	AMOKH	: (ARMENIAN) ارمنی
AMUOLS	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)	AMĀRUS	: (LATIN) لاتین
TAMLË, ÉMBLE	: (ALBANIAN) آلبانی	AMER	: (FRENCH) فرانس
		AMARG	: (SPANISH) اسپانیایی
REFERENCES	پسگشت‌ها	AMARO	: (ITALIAN) ایتالیایی
DELAMARRE:	163, 230	AMAR	: (RUMANIAN) رومانی
BUCK:	1033-1035	AMARGO	: (PORTUGUESE) برزیلی
٢١٥١٥ و ٢١٤٧١	لغت‌نامه دهخدا:		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی‌کهن
٤٣٥٥ و ٤٣٤٤	فرهنگ معین:	APR	

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان‌های ناشی از لاتین (زبان‌های رُمانس): ملخ.
 چم این واژه در زبان لتوانی و زبان‌های ژرمنی این فهرست: (گیاه) ترشک، ریواس.
 چم این واژه در زبان آلبانی: شیرترش.
- ۲- چون نتوانسته‌ام برابرهاي "ملس" را در زبان‌های ایرانی به ویژه پهلوی و اوستایی پیدا کنم، جلو واجربیشه‌ی هند و اروپایی این فهرست (شاید) گذاشته‌ام.

MAME	ممه : (PERSIAN)
BREAST	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*MAMMĀ	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
BUCK:	248
ONIONS:	(MAMMA) 549
SKEAT:	(MAMMALIA) 358
۲۱۵۴۱	لغت‌نامه دهخدا :
۴۳۶۴-۴۳۶۵	فرهنگ معین :

MAMMĒ	یونانی : (GREEK)
MAMMA, MAMMILLA	لاتین : (LATIN)
MAMMELLE	فرانسه : (FRENCH)
MAMA	اسپانیایی : (SPANISH)
MAMELLA	ایتالیایی : (ITALIAN)
MAMA	پرتغالی : (PORTUGUESE)
MAMMA	انگلیسی : (ENGLISH)

یادداشت:

- ۱- واژه‌های انگلیسی MAMMARY, MAMMALIAN, MAMMAL نیز از همین واجریشه‌اند.
- ۲- بازگشت به: مادر.
- ۳- واژه‌های مانند "ممه" و "مُلُس" چون کودکانه یا کم کاربرد هستند کمتر در نوشتار به کار می‌روند و شاید به همین علت باشد که در نوشتارهای پهلوی و اوسنای موجود وجود ندارند.

MAN, MA	من، (کاشانی) م : (PERSIAN)
ME, I, MY, MINE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*MĒ, *ME, *MEGE, *MĒM	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
MĒ, MI, MIHI	لاتین : (LATIN) اوسنای : (AVESTAN)
ME, MOI	فرانسه : (FRENCH)
ME, MI	اسپانیایی : (SPANISH)
MI, ME	ایتالیایی : (ITALIAN)
MI, MĀ	رومانی : (RUMANIAN)
ME, MIM	پرتغالی : (PORTUGUESE)
MIK, MIS, MEINS	گوتیک : (GOTHIC)
	: (OLD SCANDINAVIAN)
MIK, MĒR	ایسلندی کهن
MI	ساکسونی کهن : (OLD SAXON)
MI, MIR	فریزی کهن : (OLD FRISIAN)
MĀ, ME, MAM	پارسی باستان : (OLD PERSIAN)
MANĀ	پهلوی : (PAHLAVI)
MIN	کردی : (KURDISH)
MĀTA	افغانی (پشتو) : (AFGHANI)
NI, *MANI	تخاری A : (TOKHARIAN A) A
NI, *MANI	تخاری B : (TOKHARIAN B) B
	санسکریت : (SANSKRIT)
MĀ, ME, MAHYAM	
ME, EME, MOI	یونانی : (GREEK)

منج (به چم "زنبور" یا "زنبور عسل"؛ "عسل") / ۴۷۹

MIEN, چهارمی (OLD PRUSSIAN) کهن

MAIY, MAIS

MĒ ایرلندی کهن (OLD IRISH)

MI ولزی (WELSH)

ME برتونی (BRETON)

MI گالیک (GAELIC)

MUA, MUE, IM آلبانی (ALBANIAN)

AMUG, -MI, -MU هفت (HITTITE)

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

MIH, MIR, MIN

MICH, MIR آلمانی (GERMAN)

MĒ, MEC انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

ME, MY, MINE انگلیسی (ENGLISH)

MIG دانمارکی (DANISH)

MIG سوئدی (SWEDISH)

MIG نروژی (NORWEGIAN)

MIJ هلندی (DUTCH)

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

ME, MENE

ME, MNIE, MNA لهستانی (POLISH)

MNE, MĒ, MNĒ چک (CZECH)

MOJ بلغاری (BULGARIAN)

MI, MAN, MNE اسلواکی (SLOVAK)

MANÉ, MANAS لیتوانی (LITHUANIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	702
BARNHART:	(ME) 644
MACKENZIE:	(I) 119, (MAN) 53
ONIONS:	(ME) 564
SKEAT:	(ME) 368
۲۰۳۹	برهان قاطع:

فارسی (PERSIAN): منج (به چم زنبور یا زنبور عسل؛ "عسل")

چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:

*MELI, *MELIT, *MELNES هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

MILDEU انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

MILDEW انگلیسی (ENGLISH)

: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن

MEDU

MIOD لهستانی (POLISH)

MED روسی (RUSSIAN)

MED چک (CZECH)

MED بوهی (BOHEMIAN)

MED اسلواکی (SLOVAK)

MEDUS لیتوانی (LITHUANIAN)

MIL ایرلندی کهن (OLD IRISH)

اوستایی (AVESTAN)

санسکریت (SANSKRIT)

ارمنی (ARMENIAN)

یونانی (GREEK)

لاتین (LATIN)

فرانسه (FRENCH)

اسپانیایی (SPANISH)

ایتالیایی (ITALIAN)

رومانی (RUMANIAN)

پرتغالی (PORTUGUESE)

گوتیک (GOTHIC)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	723-724
BARNHART:	MILDEW 661
DELAMARRE:	147,149
BUCK:	389
۲۰۳۸	برهان قاطع:
۲۱۰۹۸-۲۱۰۹۹	لغت نامه دمودا:

MEL	: (WELSH)
MEL	: (BRETON)
MJAL, MJALTË	: (ALBANIAN)
MILIT	: (HITTITE)

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: می
 ۲- چم واژه‌های یونانی و ارمنی این فهرست: زنبور.
 چم دیگر واژه‌های این فهرست: عمل.

MANESH	فارسی (PERSIAN): منش
DISPOSITION, THOUGHT, INTENTION	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MEN-, *MNE-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

-MUNDS	گوتیک (GOTHIC)	اوستایی (AVESTAN)
MENTIS	لیتوانی (LITHUANIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
MENTIMAI	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)	(HAKHA)MANESH
MUND, MEND	آلбанی (ALBANIAN)	پهلوی (PAHLAVI)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	724
MACKENZIE:	(THOUGHT) 136, (INTENTION) 120
۲۰۴۲	برهان قاطع:

MANTRA,	: (SANSKRIT)	санسکربت
MANAS-, DURMANAS		
MEMONA	: (GREEK)	یونانی
MĒN, COMMENTOR,	: (LATIN)	لاتین
MENTIS		

یادداشت:

- ۱- بازگشت به: مین،
 ۲- واژه‌ی انگلیسی MENTAL هم از همین واژبیشه است.

MŪR, MŪRCHÉ		فارسی (PERSIAN) :	مور، مورچه
*MORWI, *MORMO, *WORMO		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
MYRA	: (SWEDISH) نروژی (NORWEGIAN)	اوستایی (AVESTAN)	
-MAUR (MIGEMAUR)		پهلوی (PAHLAVI)	
MIERE	: (DUTCH) اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	اوستی (OSSTIC)	
MRAVI		کردی (KURDISH)	
MRÓWKA	: (POLISH) لهستانی (RUSSIAN)	بلوچی (BALUCHI)	
MURAVĚJ	: (CZECH) بلغاری (BULGARIAN)	افغانی (پشتو) (AFGHANI)	
MRAVENEC	: (SLOVAK) سلواکی (OLD IRISH)	MEZHAY	
MRAVI, MRAVIJÁ	: (WELSH)	MARME	: (TOKHARIAN B) B
MRAVEC	: (LATIN)	M'WRCH	: (SOGHDIAN)
MOIRB	: (BRETON)	VARMI-	: (SANSKRIT)
MYRION	: (GAELIC)	VALMIKA	
MERIEN		MURCHIUN	: (ARMENIAN)
MURYON		WORMIKAS, MURMEX	: (GREEK)
REFERENCES		-MICA (FORMICA)	: (LATIN)
POKORNÝ:	749	FOURMI	: (FRENCH)
DELAMARRE:	(FOURMI) 143	HORMIGA	: (SPANISH)
MACKENZIE:	(ANT) 102	FORMICA	: (ITALIAN)
ONIONS:	(PISMIRE) 684	FURMICA	: (RUMANIAN)
SKEAT:	(PISMIRE) 454	FORMIGA	: (PORTUGUESE)
AMINDAROV:	(ANT) 185	MAURR, MYRE	ابسندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
۲۰۴۹	برهان قاطع :	MIRE	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
		MYRE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
		-MIRE (PIS-MIRE)	: (ENGLISH)
		MYRE	: (DANISH)

MŪSH	فارسی (PERSIAN) :	موش
MOUSE	چم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی :	
*MŪS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :	
MŪSHIKĀ	اوستایی (AVESTAN)	MŪSH, MŪSHAKA,

MUS	: (NORWEGIAN) نروژی	MŪSHK	: (PAHLAVI) پهلوی
MUIS	: (DUTCH) هولندی	MIST, MISTE	: (OSSETIC) اوستی
	: (OLD CHURCH GREEK) اسلامی کهن	MISHK	: (KURDISH) کردى
MYSHI		MUSHK, MŪSHK	: (BALUCHI) بلچی
MYSZ	: (POLISH) لهستانی	MOZHAK,	: (AFGHANI) افغانی (پشتون)
MYSH	: (RUSSIAN) روسی	MAGHAK	
MYSH	: (CZECH) چک	MŪS, MŪSH	: (SANSKRIT) سانسکریت
MISH	: (SERBIAN) صربی	MUKN, MOUG,	: (ARMENIAN) ارمنی
MYSH	: (BOHEMIAN) بوهمی	MUGNIG	
MYSH	: (SLOVAK) اسلواکی	MŪS, MYS	: (GREEK) یونانی
MI	: (ALBANIAN) آلبانی	MŪS	: (LATIN) لاتین
			: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	752
BARNHART:	(MOUSE) 682
DELAMARRE:	(SOURIS) 135
MACKENZIE:	(MOUSE) 124
BUCK:	182
ONIONS:	(MOUSE) 593
SKEAT:	(MOUSE) 388
AMINDAROV:	(MOUSE) 254
۲۰۵۳	برهان قاطع:

MŪS	ساکسونی کهن
MŪS	: (OLD SAXON)
MŪS	فریزی کهن
	: (OLD FRISIAN)
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MŪS	آلمانی
MAUS	: (GERMAN)
MŪS	انگلیسی کهن
MOUSE	: (OLD ENGLISH)
MUS	انگلیسی
MUS	: (ENGLISH)
MUS	دانمارکی
MUS	: (DANISH)
MUS	سوئدی
	: (SWEDISH)

يادداشت:

بازگشت به: ماهیجه.

MŪYÉ, MŪEDAN	مويه، موييدن (به چم "گريه و نوحه (كردن)"	فارسي (PERSIAN):
MOAN, LAMENT		چم انگلیسي سرووازه فارسي:
*MŪ-, *MUG-, *MUGYO		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپا يابي
MÓJATI		: (OLD PERSIAN) پارسي باستان
MOIR	: (ARMENIAN) ارمنی	: (PAHLAVI) پهلوی
MUZŌ	: (GREEK) یونانی	: (SANSKRIT) سانسکریت

MUGGA- هبت (HITTITE)

REFERENCES

POKORNÝ:

پسگشت‌ها

751-752

DELAMARRE:

(MUGIR) 270

MACKENZIE:

(LAMENTATIO) 121

۲۰۵۷

برهان قاطع:

MŪGIŌ, MUGIRE لاتین (LATIN)

MUGIR فرانسه (FRENCH)

MUGIR اسپانیایی (SPANISH)

MACHIARRE ایتالیایی (ITALIAN)

آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

MUCKAZZEN

MUCKEN آلمانی (GERMAN)

بادداشت:

چم این واژه در ارمنی: گدامی گردن.

MEH, MEHTAR

فارسی (PERSIAN): مه، مهتر

GREAT, OLD(ER), ELDER

چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:

*MEG-, *MEGH

هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

MIKILS

گریک (GOTHIC)

اوستایی (AVESTAN)

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

MIKILL

MIKIL ساکسونی کهن (OLD SAXON)

MAZ-

پارسی باستان (OLD PERSIAN)

: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

*MATHIYAH, *MASIYAH, MATHISHTA

MIHHIL, MICHIL

پهلوی (PAHLAVI)

MICEL انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

MAHESHT

کردی (KURDISH)

MUCH, MICKLE, انگلیسی (ENGLISH)

MASHAR

افغانی (پشتو) (AFGHANI)

MASTER

MAK

تخاری (TOKHARIAN A) A

MEGET

دانمارکی (DANISH)

MAKĀ

تخاری (TOKHARIAN B) B

MYCKEN

سوئدی (SWEDISH)

MAHĀ-

санسکریت (SANSKRIT)

MYKE, MYE

نروژی (NORWEGIAN)

MAHĀNT

ارمنی (ARMENIAN)

MAG, MAIGE ایرلندی کهن (OLD IRISH)

MEC

بونانی (GREEK)

MAGIO

گالی (GALISH)

MEGAS, MEGÁLOU

لانین (LATIN)

MEISTR

ولزی (WELSH)

MAGNUS, MAGISTER

فرانسه (FRENCH)

MESTR

برتونی (BRETON)

MAITRE

اسپانیایی (SPANISH)

MATH, MADHI

آلбанی (ALBANIAN)

MAESTRO

ایتالیایی (ITALIAN)

MEKKISH

هبت (HITTITE)

MAESTRO

پرتغالی (PORTUGUESE)

DELAMARRE:	(GRAND) 227	REFERENCES	پسگشت‌ها
MACKENZIE:	(GREAT) 116	POKORNY:	708
BUCK:	.1329, 878-880	BARNHART	
Y.OA	برهان قاطع:	(MASTER) 639, (MUCH) 683	

یادداشت:

واژه‌های هندی "مهاراج" و "مهاتما" و "ماهورت" (MAHOUT) نیز از همین ریشه‌اند.

MEH, MĒGH	فارسی (PERSIAN): مه، میغ (به چم "ابر"، "سحاب")
MIST, FOG, CLOUD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MEIGH-, *MEIK-, *MIGHLĀ-, *MOIGH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MGLA	: لهستانی (POLISH)
MGLA, MZHIT	: روسی (RUSSIAN)
MĀGLA	: صربی (SERBIAN)
MHA	: بوهمنی (BOHEMIAN)
MIGLĀ	: لیتوانی (LITHUANIAN)
MIGLA	: لترنی (لتی) (LATVIAN)
MAEGHA	: اوستایی (AVESTAN)
MĒGH, MIZNĒ	: پهلوی (PAHLAVI)
MIGH, MĪGHĀ	: اوستی (OSSETIC)
MIH, MEGHĀ	: سانسکریت (SANSKRIT)
MĒG, MEK	: ارمنی (ARMENIAN)
OMIKHLĒ	: یونانی (GREEK)
	: ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	712
BARNHART:	(MIST) 668
DELAMARRE:	(BROUILLARD) 186
MACKENZIE:	(CLOUD) 107, (MIST) 124
BUCK:	65-66
ONIONS	(MIST) 581
SKEAT:	(MIS) 380
۲۰۵۱-۲۰۵۴ و ۲۰۷۹	برهان قاطع:
MISTR, MISTUR	
MIGGELJE	: فربزی کهن (OLD FRISIAN)
MIST	: انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
MIST	: انگلیسی (ENGLISH)
MIST	: سوئدی (SWEDISH)
MIST	: نروژی (NORWEGIAN)
MIST, MIGGELN	: هلندی (DUTCH)
	: اسلاماوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
MĪGLA	

MOHR	فارسی (PERSIAN): مهر
SEAL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
MUDRÁK, MUDAR	MUHR, MUTRAK, : پهلوی (PAHLAVI)

REFERENCES	پسگشتها
POKORNÝ:	710
MACKENZIE:	(SEAL) 131
۲۰۶۲	برهان قاطع :
۴۴۶۲	فرهنگ معین :

MIXUR	: (OSSETIC)
MUHUR, MOOR, MOHR	: (KURDISH)
MURDĀN, MURDĀNAGH	: (BALUCHI)
MUDRA	: (SANSKRIT)
MURHAK	: (ARMENIAN)

MAY	می (به چم شراب) : (PERSIAN)
WINE	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی :
*MEDHU	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)

:(OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن	MATHU, MADHA, : (AVESTAN)	اوستایی
METU	MET : (GERMAN)	MADHU	پهلوی
MEDU	:(OLD ENGLISH)	MAI, MADH, MAY : (PAHLAVI)	اوستی
MEAD	:(ENGLISH)	MID, MUD : (OSSETIC)	کردي
MJOD	:(DANISH)	MEI, MEYA : (KURDISH)	افغانی (پنځر)
MJÖD	:(SWEDISH)	MEY : (AFGHANI)	سغدی
MJOD	:(NORWEGIAN)	MUDH : (SOGHDIAN)	سانسکریت
MEE, MEDE	:(DUTCH)	MÁDHU, MÁDA : (SANSKRIT)	يونانی
:(OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	MÉTHU, MÉLLI, : (GREEK)	لاتین
MEDŪ		MÉTHY : (LATIN)	فرانسه
MIOD	:(POLISH)	(HYDRO)MEL : (FRENCH)	اسپانیایی
MED	:(RUSSIAN)	(HIDRO)MEL : (SPANISH)	ایتالیایی
MEDUS	:(LITHUANIAN)	(IDRO)MEL : (ITALIAN)	پرتغالی
MEDDO	:(OLD PRUSSIAN)	(HIDRO)MEL : (PORTUGUESE)	گوتیک
MID, MEDO	:(OLD IRISH)	MIDUS : (GOTHIC)	ایسلندی کهن
MEDD	:(WELSH)	MJODHR : (OLD FRISIAN)	فریزی کهن

BUCK:	389	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(MEAD) 564	POKORNY:	707
SKEAT:	(MEAD) 368	BARNHART:	(MEAD) 644
ZAMINDAROV:	(WINE) 310	DELAMARRE:	147,148
۲۰۷۱ و ۲۰۳۰	برهان قاطع:	MACKENZIE:	(WINE) 140

یادداشت:

ریشه‌ی این واژه و ریشه‌ی واژه‌ی "انگین" یا "عل" در زبان هند و اروپایی بکی است و شاید علت این باشد که در دوران باستان نوشابه‌ی الکی مردمان هند و اروپایی عبارت بود از عسل تخمیر شده یا شراب عسل (بعدها ماختن شراب از انگور مرسوم شد). امروزه واژه شراب در اکثر زبان‌های اروپایی از واژه‌ی لاتین VINUM آمده است و اصل این واژه درست معلوم نیست.

MIĀN	فارسی (PERSIAN): میان
MIDDLE, MID-, BETWEEN	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*ME-, *MEDHL-, *MÁDHYA-, *MÉDHYO	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
: (ITALIAN) ایتالیایی	اوستایی (AVESTAN) MAITHA, MAIDHYA:
MEDIO, (NEL) MEZZO	پهلوی (PAHLAVI) MIYĀN, MAYĀN
(DO) MEIO	برنگالی (PORTUGUESE) MIDÄG, MEDÄG,
MIDJIS	گوئیک (GOTHIC) MEFILIO اوستی (OSSETIC)
: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی‌کهن	کردی (KURDISH) MAYĀN (KIRIN)
MEDHAL, MIDHR	بلوچی (BALUCHI) NIYĀMAGH, NIYĀM
MIDDIL	ساکسونی‌کهن (OLD SAXON)
MIDDEL	فریزی‌کهن (OLD FRISIAN)
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی‌کهن
MITTIL, MITTI	ماندز (MANDZ) سانسکرت (SANSKRIT)
MITTEL	آلمانی (GERMAN) MĀDHYA
MIDDEL	انگلیسی‌کهن (OLD ENGLISH) MĒJ, MICHAG, ارمنی (ARMENIAN)
MIDDLE, MID-	انگلیسی (ENGLISH) MICHIN, MECHDEGH
MIDDLE, MIDT-	دانمارکی (DANISH) MÉSOS, MÉTHYOS, یونانی (GREEK)
MEDEL, MID-	سوئدی (SWEDISH) MESO- لاتین (LATIN)
MIDDEL, MIDT-	نروژی (NORWEGIAN) MEDIUS
MIDDEL, MIDDEN-	هلندی (DUTCH) (AU) MILIEU, MI- فرانسه (FRENCH)
	MEDIO اسپانیایی (SPANISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	706
BARNHART:	(MIDDLE) 659
DELAMARRE:	(AU MILIEU) 227
MACKENZIE:	(BETWEEN) 104, (MIDDLE) 124
BUCK:	863
ONIONS	(MIDDLE) 575
SKEAT:	(MIDDLE) 374
RAMAT:	46
۲۰۷۲	برهان قاطع:

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)

MEZHDU

MIEDZY : (POLISH) لهستانی

MEZHÁ : (RUSSIAN) روسی

MEZI : (CZECH) چک

MEZHDA : (BULGARIAN) بلغاری

MEDZI : (SLOVAK) اسلواکی

IMMEDÓN, : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

MIDE, MID.

MEDIO- : (GALISH) گالی

MĒX	فارسی (PERSIAN) میخ :
NAIL, PEG	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MEI-, *MOI-RO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

-MĀRI

MĀRE, : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

GEMĀRE

-TUIDMEN, : (OLD IRISH) ایرلندی کهن

TUIDME

*MAIXA : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

MĒX : (PAHLAVI) پهلوی

MĪX, MĒX : (OSSETIC) اوستی

MĪX : (KURDISH) کردی

MĒH : (BALUCHI) بلوجی

MĒX, MĒXCŪ : (AFGHANI) افغانی (پشتو)

MYGHK : (SOGHDIAN) سغدی

MAYŪKHA : (SANSKRIT) سانسکریت

MOENIA, MOENIUM : (LATIN) لاتین

: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	709
MACKENZIE:	(NAIL) 124
۲۰۷۲	برهان قاطع:

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: استحکامات.

MITRA, MEHR	فارسی (PERSIAN) : میترا، مهر
MITRA (NAME OF A GOD), KINDNESS, AFFECTION; AMITY, FRIENDSHIP, LOVE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MEI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY: 710	
AMINDAROV: (MIHR) 117	
THE AMERICAN HERITAGE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE: (MEI-) 2073	
٢٠٦٠-٢٠٦١	برهان قاطع:
٤٤٦٢	فرهنگ معین:

MITHRA	اوستایی (AVESTAN)
MITHRA	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
MITR, MITHR, MIHR:(PAHLAVI)	بهلوی
MIHR	کردی (KURDISH)
MEHR	افغانی (پشتو) (AFGHANI) санскربت (SANSKRIT)
MITRÁ-, MITRAH	
MITRHÉ	یونانی (GREEK) لتونی (لئی) (LATVIAN)
MIEMURI, MEIMURI	

MĒZ, MĒX, MĒXTAN	فارسی (PERSIAN) : میز، میخ، میختن (به چم شاش: "شاشیدن")
URINE, PISS	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*MEIGH, *MOIGHO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
OMIKHÉO	یونانی (GREEK)
MICTUM, MINGŌ,	لاتین (LATIN)
MINGĒRE	
MEAR	اسپانیایی (SPANISH)
MAIHSTUS	گوتیک (GOTHIC) (OLD SCANDINAVIAN) کهن ایسلندی کهن
MIGA	
MJUKS	فریزی کهن (OLD FRISIAN) (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
MIST	
MIST	آلمانی (GERMAN)
MIGAN,	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
MEOX	
MOCZ	لهستانی (POLISH)

MĒZAIDI, MAEZ,	اوستایی (AVESTAN)
MAĒSMA, MIZ-	
(GŌ-)MIŽ, MISTAN,	بهلوی (PAHLAVI)
MĪZĪTAN	
MĒZUM, MIZIN	اوستی (OSSETIC)
MIZ, MIZTIN,	کردی (KURDISH)
MISTIN	
MĒZAGH,	بلوچی (BALUCHI)
MIZHAGH	
MITAL	افغانی (پشتو) (AFGHANI)
MISO	تخاری (TOKHARIAN B) B
MĒHATI,	سانسکربت (SANSKRIT)
MEHAS, MIH-	
MIZEM, MIZ, MEZ	ارمنی (ARMENIAN)

MŪNAIM

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	713
DELAMARRE:	(URINER) 268
MACKENZIE:	(URINE) 138
BUCK:	273
۲۰۷۶ و ۲۰۷۳	برهان قاطع:

MOCHA, MOCHIT	: (RUSSIAN)
MIZHA, MIZA	: (CZECH)
MIZĀM	: (SERBIAN)
MOCHITI	: (BOHEMIAN)
MOCH	: (SLOVAK)
MĒZHU,	: (LITHUANIAN)
MYSHTI, MINZHU	
MIZHU, MIEZNU	: (LATVIAN)
MŪN,	: (OLD IRISH)

بادوایی:

چم این واژه در زبان آلمانی: کود حیوانی، کافت.

MĒSH	فارسی (PERSIAN) :	میش
EWE, SHEEP	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*MOISO-, *MAISO-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی

MIECH	: (POLISH)	لهستانی	: (AVESTAN)	اوستایی
MĒCH	: (RUSSIAN)	روسی	: (PAHLAVI)	پهلوی
MĒCHU	: (OLD BULGARIAN)	بلغاری کهن	: (KURDISH)	کردی
MÁISHAS,	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	: (BALUCHI)	بلوچی
MÁISHE			: (AFGHANI)	افغانی (بشنو)
MÁISS, MÁIKES	: (LATVIAN)	لتوانی (لتی)	: (MAZH)	
MOASIS	: (OLD PRUSSIAN)	بروسی کهن	: (SANSKRIT)	санسکریت

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	747
MACKENZIE:	(SHEEP) 132
BUCK:	158
AMINDAROV:	(SHEEP)"284
۲۰۷۸	برهان قاطع:

MEISS	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
MEIS	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
MECHU		

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های اسلامی و بالیک و زرمنی: پوست گوستنده، کبه‌ی چرمی، دم آنگری.

MINŪ	فارسی (PERSIAN): مینو
SPIRIT, INTELLECT(UAL), SPIRITUAL	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*MEN-, *MEMONA, *MNYETOI, *MENĒI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
GEMUNT, MINNA	اوستایی (AVESTAN)
GEMIND : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	MAINYEITE
MIND : (ENGLISH) انگلیسی	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	MAINYĀHAY
MINJO, MINETI	MĒNŪK, MĒNOG, : (PAHLAVI)
-MIONE لهستانی : (POLISH)	MEN-, MĒNÖGIG
-MENU چک : (CZECH)	MNU : (TOKHARIAN A) A
MENU, MINTI لیتوانی : (LITHUANIAN)	Tخاری B : (TOKHARIAN B) B
-MOINIUR, ایرلندی کهن : (OLD IRISH)	MANAS, سانسکرت : (SANSKRIT)
MENME	MANATI, MAMNÉ, MANYATI, MANYU
MEMMĀI هفت : (HITTITE)	MAINOMAI, MÉNOS : (GREEK)
	MENEŌ, MEMINI, لاتین : (LATIN)
REFERENCES	پسکت ها
POKORNY:	726-727
BARNHART:	(MIND) 663
DELAMARRE:	270
MACKENZIE:	(MĒNÖG) 55, (SPIRITUAL) 134
BUCK:	1198
ONIONS:	(MIND) 577
SKEAT:	(MIND) 755
۲۰۸۳	برهان قاطع :
	MENS اسپانیایی : (SPANISH)
	MENTE ایتالیایی : (ITALIAN)
	MINTE رومانی : (RUMANIAN)
	MAN, MUNAN, گوئیک : (GOTHIC)
	GEMUNDS ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)
	MUNR, MINI ساکسونی کهن : (OLD SAXON)
	MINNEA فربزی کهن : (OLD FRISIAN)
	MINNE آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)

یادداشت:

چم‌های مختلف این واژه در زبان‌های هند و اروپایی: یاد، حافظه، اندیشه، روح، یادآوری.

- واژه‌های MANIC, MANIA- نیز از همین ریشه‌اند.

NĀXON	ناخن	فارسی (PERSIAN):
NAIL		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*ONOGH-, *ONGH-, *NOGH-, *NGH-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
NAGEL	سوئدی (SWEDISH)	پهلوی (PAHLAVI)
NEGL	نروژی (NORWEGIAN)	کردی (KURDISH)
NAGEL	هلندی (DUTCH) اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	بلوچی (BALUCHI)
NOGŪTI		افغانی (پشتون) (AFGHANI)
NOGOT	روسی (RUSSIAN)	санسکریت (SANSKRIT)
NEHET	چک (CZECH)	
NOGA	بلغاری کهن (OLD BULGARIAN)	یونانی (GREEK)
NOKAT	صریبی (SERBIAN)	لاتین (LATIN)
NEHET	بوهمی (BOHEMIAN)	فرانسه (FRENCH)
NECHT	اسلواکی (SLOVAK)	اسپانیایی (SPANISH)
NĀGAS	لیتوانی (LITHUANIAN)	ایتالیایی (ITALIAN)
NĀGAS	لتونی (LITVANIAN)	رومانی (RUMANIAN)
NAGE	پروسی کهن (OLD PRUSSIAN)	پرتغالی (PORTUGUESE)
INGEN, IONGA	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	گوتیک (GOTHIC)
EGUIN	ولزی (WELSH)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
IVIN	برتونی (BRETON)	
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	780	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BARNHART:	(NAIL) 692	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
DELAMARRE:	(ONGLE) 105	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
MACKENZIE:	(NAIL) 124	آلمانی (GERMAN)
BUCK:	۷۸۵	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
	برهان قاطع:	NEIL, NEGL
۲۰۸۹		انگلیسی (ENGLISH)
		دانمارکی (DANISH)

NASHTĀ	ناشتا(به چم "خوراک نخوردہ")	فارسی (PERSIAN) :
NOT HAVING EATEN, HUNGRY		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*ED-, *OD-, *EDQNO-, *EDMEN-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
ETEN	: (DUTCH) هلندی اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	اوستایی (AVESTAN) :
JASTŪ, ĪSTI		اوستی (OSSETIC) :
ĒSTI, EDU, EMI	: (LITHUANIAN) لیتوانی	کردی (KURDISH) :
ĒST	: (LATVIAN) لتونی (لتی)	تخاری A (TOKHARIAN A) :
ĪST	: (OLD PRUSSIN) پروسی کهن	سانکریت (SANSKRIT) :
ESSE, ITHIM	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	ارمنی (ARMENIAN) :
YS, ITH	: (GALISH) گالی	یونانی (GREEK) :
YSU	: (WELSH) ولزی	EDMENAI, EDŌ, ÉDEIN لانین (LATIN) :
ETMI, ET, ETIR	: (HITTITE) هیتب	گوته‌یک (GOTHIC) :
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	287
BARNHART:	(EAT) 312
DELAMARRE:	(MANGER) 254
BUCK:	327
ONIONS:	(EAT) 298
SKEAT:	(EAT) 187
۲۰۹۹	برهان قاطع:
۴۵۸۳	فرهنگ معین:

ATHAIDI	: (AVESTAN)
EDUM	: (OSSETIC)
NASHTA	: (KURDISH)
NĀTSW	: (TOKHARIAN A) 1
ĀDMI, ACHNATI	: (SANSKRIT)
AD-	
UTEM	: (ARMENIAN)
EDMENAI, EDŌ, ÉDEIN	: (GREEK)
ĒDŌ, ĒSSE, EDERE	: (LATIN)
ITAN, ETUM	: (GOTHIC)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
ETA	
ETAN	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
ĪTA	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :
EZZAN	
ESSEN	: (GERMAN) آلمانی
ETAN	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
EAT	: (ENGLISH) انگلیسی
ÄTA	: (SWEDISH) سوئدی

یادداشت:

- ۱- واژه فارسی "ناشتا" از پیشوند "نا" (نشان منفی) و ریشه‌ی "شتا" (به چم "خوردن") درست شده است.
- ۲- چم این واژه در زبان‌های این لهرست (به جز سانکریت و زبانهای ایرانی): خوردن، خورد.

NAF	ناف	فارسی (PERSIAN) :
NAVEL,		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*NOBH-, *NōBH-, *ONBH-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :

NAPAT : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

NAFA, NABA : (AVESTAN) اوستایی

NABULA, :	(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	NAFAG, NĀF	: (PAHLAVI) پهلوی
NAFELA		NAFFÄ	: (OSSETIC) اوستی
NAVEL	: (ENGLISH) انگلیسی	NAW, NĀV	: (KURDISH) کردي
NAVLE	: (DANISH) دانمارکی	NAFAGH, NĀFAG,	: (BALUCHI) بلوچی
NAVLE	: (SWEDISH) سوئدی	NĀPAG	
NAVLE	: (NORWEGIAN) نروژی	NUM, NU	: (AFGHANI) افغانی (پشتون)
NAVEL	: (DUTCH) هلندی	NĀBHIS,	: (SANSKRIT) سانسکریت
NABA	: (LATVIAN) لتوانی (لتی)	NĀBHYAM	
NABIS	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	OMPHALÓS, NĒUS	: (GREEK) یونانی
IMBLIU	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	UMBILICUS, IMBŌ	: (LATIN) لاتین

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	314
BARNHART:	(NAVEL) 696
DELAMARRE:	(NOMBRIL) 104
MACKENZIE:	(NAVEL) 124
BUCK:	250
ONIONS	(NAVEL) 604
SKEAT:	(NAVEL) 396
۲۱۰۰	برهان قاطع :

NAFLI, NOF, NOR	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
NAVLA	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NABALO, NABA	
NABEL, NABE	: (GERMAN) آلمانی

NĀM	نام	فارسی (PERSIAN) :
NAME		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*EN(ə)MN, *(ə)NOMN, *NōMN		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
NĀM	: (TOKHARIAN B) B	اوستایی (AVESTAN) :
NĀMA	: (KHOTANESE) ختنی	پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
NĀMAN	: (SANSKRIT) سانسکریت	پهلوی (PAHLAVI) :
ANUN, ANOUN	: (ARMENIAN) ارمنی	اوستی (OSSETIC) :
ÓNOMA, ÓNYMA	: (GREEK) یونانی	کردي (KURDISH) :
NOMEN	: (LATIN) لاتین	بلوچی (BALUCHI) :
NOM	: (FRENCH) فرانسه	افغانی (پشتون) (AFGHANI) :
NOMBRE	: (SPANISH) اسپانیایی	تخاری (TOKHARIAN A) A :

IMJA	: (RUSSIAN) روسی	NOME	: (ITALIAN) ایتالیایی
JMĚ	: (CZECH) چک	NUME	: (RUMANIAN) رومانی
MENO, NÁZOV	: (SLOVAK) اسلواکی	NOME	: (PORTUGUESE) پرتغالی
EMNES,	: (OLD PRUSSIN) برودسی کهن	NAMÓ	: (GOTHIC) گریک
EMMENS			: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
AINM	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	NAFN	
ENW	: (WELSH) ولزی	NAMO	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
HANO, ANO	: (BRETON) برتونی	NAMA	: (OLD FRISIAN) فربزی کهن
ÉMÈN	: (ALBANIAN) آلبانی		: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
LĀMAN	: (HITTITE) هتیت	NAMO	
REFERENCES	پسگشت‌ها	NAME	: (GERMAN) آلمانی
POKORNY:	321		: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
BARNHART:	(NAME) 693	NAMA, NOMA	
DELAMARRE:	(NOM) 52	NAME	: (ENGLISH) انگلیسی
MACKENZIE:	(NAME) 124	NAVN	: (DANISH) دانمارکی
BUCK:	1263	NAMN	: (SWEDISH) سوئدی
ONIONS:	(NAME) 602	NAVN	: (NORWEGIAN) نروژی
SKEAT:	(NAME) 395	NAAM	: (DUTCH) هلندی
۲۱۰۶	برهان قاطع		: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن
		IME	
		IMIE, NAZWA	: (POLISH) لهستانی

NĀV	نام : (PERSIAN)
SHIP	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :
*NĀUS	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
NAÚS	اوستایی
NAV, NAVEM	: (ARMENIAN) پارسی باستان (ARMENIAN)
NAŪS, NĒUS	: (GREEK) یونانی
NĀVIS, NAVIGARE	: (LATIN) لاتین
NAVIRE	: (FRENCH) فرانسه
NAVE, NAVIO	: (SPANISH) اسپانیایی
NAVE	: (ITALIAN) ایتالیایی
	NAVĀZA, NAVAYA : (AVESTAN)
	: (OLD PERSIAN)
	NAY-, (NĀYDAG)
	NAYDAG : (PAHLAVI)
	NAU : (OSSETIC)
	NAV : (KURDISH)
	NĀV, NĀVAJĀ, : (SANSKRIT)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	755-756
BARNHART:	(NAVY) 696
DELAMARRE:	(NAVIRE) 126
MACKENZIE:	(NAVIGABLE) 124
BUCK:	1380
ONIONS:	(NAVAL) 604
SKEAT:	(NAVE) 396, (NAVY) 397
MALLORY:	121
۲۱۱۰	برهان قاطع:

NAVĀ	: (RUMANIAN) رومانی
NAVIO	: (PORTUGUESE) برتغالی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی‌کهن
NÓR	
NAVIE,	: (OLD ENGLISH) انگلیسی‌کهن
NÓWEND	
NAVY	: (ENGLISH) انگلیسی
ÑAU, NAUE	: (OLD IRISH) ایرلندی‌کهن
NOE, NĀVĀ	: (GALISH) گالی
NOE	: (WELSH) ولزی
NEO	: (BRETON) برتونی

پادداشت:

چم این واژه در انگلیسی: ناوگان، نیروی دریائی.

NĀY, NEY	: (PERSIAN) فارسی (نای، نی)
CANE, REED, PIPE	: چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی
*NEDO-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

NASHLI, NASLI : (LATVIAN) (لتی) لونی (لتی)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	759
MACKENZIE:	(REED, CANE) 58
MALLORY & ADAMS:	NEDÓS
۲۱۱۳ و ۲۲۲۱	برهان قاطع:

*NADA	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
NĀY, NĀDH, NAI	: (PAHLAVI) پهلوی
NEI	: (KURDISH) کردی
NĀRA	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NADĀ, NADHÁ	: (SANSKRIT) سانسکریت
NET	: (ARMENIAN) ارمنی
NĒNDRE	: (LITHUANIAN) لیتوانی

پادداشت:

- ۱- این واژه با واژه‌ی "بینی" خوبیشی نزدیک دارد.
- ۲- چم این واژه در زبان ارمنی: پیکان.

NAR, NARRÉ, NARINÉ	فارسی (PERSIAN): فره، نره- (مثلاً در "نره خر")، نرینه
MALE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*NER-, *ANER-, *NÓRO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
NRAVE	اوستایی (AVESTAN)
NORIU, NORETI, : (LITHUANIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
NORAS, NARTSAS	MARTIYA, NAR
NERTIEN	: (OLD PRUSSIN) هروسی کهن
NĀR, NERT	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
NER	: (WELSH) ولزی
NERZA	: (BRETON) برتونی
NJER	: (ALBANIAN) آلبانی
REFERENCES	
POKORNÝ:	پسگشت‌ها 765
MACKENZIE:	(MALE) 122
BUCK:	85, 81, 139
AMINDAROV:	(MALE) 251
۲۲۴۰۹	لخت نامه و مخدو!
۲۱۲۶	برهان قاطع:

۱- چم این واژه در زبان لاتین (به ویژه به عنوان اسم خاص یا ویژه نام): نیرومند.

چم این واژه در زبان‌های ولزی و برتونی: قهرمان.

چم این واژه در زبان هروسی کهن: خشم.

چم این واژه در زبان گوتیک: (اسم خاص) نام خدا.

چم این واژه در ایرلندی کهن: شریف، بزرگوار.

۲- بازگشت به: نیرو، نیر.

NAZZ, NAZDIK	فارسی (PERSIAN): نزد، نزدیک
NEAR, NIGH, CLOSE (BY)	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SED-, *SĒD-, *SEDŌ-, *NEDŌ-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
NAZDISHTA, NAZDA-	اوستایی (AVESTAN)
NAZDYŌ, ĀSNA	

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	886
DELAMARRE:	(NEAR) 697, (NIGH) 704
MACKENZIE:	(NEAR) 124
BUCK:	(NEAR) 867-868
۲۱۳۳	برهان قاطع :

NAZD, NAZDIK	: (PAHLAVI) بهلوي
NIZDĒ, NIZUK,	: (KURDISH) کردي
NEZIK	
NAZIK, NAZIX, NAZI	: (BALUCHI) بلوجي
NĒZHDE	: (AFGHANI) افغانی (پشتون)
NĒDĪYAS-,	: (SANSKRIT) سانسکريت
NĒDISTHA-, ÁSANNA-	

یادداشت:

شامت و ازگان این فهرست با واژه های انگلیسی **NIGH**, **NEAR** (و همراه های ژرمنی آنها) چشگیر است ولی واجریشه شناسان ریشه ای این واژه های ژرمنی را "ناشناخته" می دانند.

NOS	فُس (به چم "پوزه"، "اطراف دهان") : (PERSIAN)
SNOUT	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :
*NAS-, *NĀS-, *NES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	755
BARNHART:	(NOSE) 710
۲۱۳۵-۲۱۳۶	برهان قاطع :
۴۷۱۳	فرهنگ معین :
۲۲۴۴۸	لغت نامه دهخدا:

NĀH-	: (AVESTAN) اوستاني
NOS, NS	: (SOGHDIAN) سغدی
NĀS	: (SANSKRIT) سانسکريت
NOSU	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

یادداشت:

۱- بازگشت به: بینی.

۲- چم این واژه به زبان سغدی: بینی.

NASA	ئَسَا (به چم نعش) : (PERSIAN)
CORPSE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی :
*NEK-, *NEKUS-, *NK-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
NASĀ, NASTĀ	: (SANSKRIT) سانسکريت
NASEYATI, NASTI, -NĀS	
NEKROS, NEKUS	: (GREEK) یونانی
	NASUSH, NASHTA, : (AVESTAN) اوستاني
	NASYEITI, NASTĀ
	NASA
	: (PAHLAVI) بهلوي

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	762
BARNHART:	(NECROLOGY) 698
DELAMARRE:	(CADAVRE) 51
MACKENZIE:	(CORPSE) 108
BUCK:	290-291
ONIONS:	(NEKCROSIS) 605
SKEAT:	(NECROMANCY) 397
۲۱۳۶	برهان قاطع:

NOCEO,	: لاتین (<i>LATIN</i>)
NEX, É-NECTUS, NOCERE, NECIS	
ÉC	: ایرلندی کهن (<i>OLD IRISH</i>)
ANGEU	: ولزی (<i>WELSH</i>)
ANKOU	: برتونی (<i>BRETON</i>)

NESHAST, NESHĀNDAN, NESHASTAN		فارسی (:PERSIAN)
SITTING, SETTING		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SED-, *SIZDŌ-		هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
SEDERE	: ایتالیایی (<i>ITALIAN</i>)	اوستایی (:AVESTAN)
SEDEA	: رومانی (<i>RUMANIAN</i>)	NISHASTI, : نیشاستی
SENTAR	: پرتغالی (<i>PORTUGUESE</i>)	پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
SITAN, SAHISA	: گوته‌ک (<i>GOTHIC</i>)	NIYASHADAYAM, (NI)SHASTA
	: ابسلندی کهن (<i>OLD SCANDINAVIAN</i>)	پهلوی (:PAHLAVI)
SITJA, SIT		NISHĒM
SITTIAN	: ساکسونی کهن (<i>OLD SAXON</i>)	NISHIN
SITTA	: فریزی کهن (<i>OLD FRISIAN</i>)	NINDAG, NINDAGH, : بلوجی (<i>BALUCHI</i>)
	: آلمانی کهن (<i>OLD HIGH GERMAN</i>)	NISHTAINAGH
SIZZEN, SIZZU		NĀSTAL, NĀS : افغانی (پشتو) (:AFGHANI)
SITZEN	: آلمانی (<i>GERMAN</i>)	SÍDATI, SATTÁ : سانسکریت (:SANSKRIT)
SITTAN	: انگلیسی کهن (<i>OLD ENGLISH</i>)	NISTIM
SIT	: انگلیسی (<i>ENGLISH</i>)	HEZESTHAI, HÉDARĀ, : یونانی (:GREEK)
SIDDE	: دانمارکی (<i>DANISH</i>)	HÉKTOS
SITTA	: سوئدی (<i>SWEDISH</i>)	SEDĒRE, SĒDĒS, : لاتین (:LATIN)
SITTE	: نروژی (:NORWEGIAN)	SEDEO, SÍDŌ
ZITTEN	: هلندی (<i>DUTCH</i>)	ASSEOIR
		فرانسه (:FRENCH)
		SENTAR
		: اسپانیایی (:SPANISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	884
BARNHART:	(SIT) 1011
DELAMARRE:	(ASSEOIR) 255
MACKENZIE:	(SIT) 133, (SEAT) 131
BUCK:	833-834
ONIONS:	(SIT) 830
SKEAT:	(SIT) 565
۲۱۴۵	برهان قاطع:

اسلاوی کهن	:(OLD CHURCH SLAVIC)
SEDETI, SESTI	
SIEDZIEC	: (POLISH)
SIDIET	: (RUSSIAN)
SEDĚT	: (CZECH)
SEDIET	: (SLOVAK)
SÉDÉTI, SEDU	: (LITHUANIAN)
SEST	: (LATVIAN)
SESS	: (OLD IRISH)

یادداشت:

چم این واژه در ایرلندی کهن: صندلی.

NEKŪHESH, NEKŪHIDAN	نکوهش، نکوهیدن	فارسی (PERSIAN)
BLAME, EXECRATE		چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*KEUðD-, *KŪD-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
HUTA	: (SWEDISH)	پهلوی (PAHLAVI)
HUTA	: (NORWEGIAN) (محلی)	NIKŌHIDAN,
PRZE-, PRZY-	: (POLISH) (محلی)	NIKOHISHN
PROKŪDITU	: (RUSSIAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
	: (OLD BULGARIAN)	KUTSA,
	بلغاری کهن	KUTSÁYATI
KUZHDO, KUDITI		يونانی (GREEK)
UT	: (OLD IRISH)	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
		HÔTA, SKÛTA
		: (OLD HIGH GERMAN)
		آلمانی کهن (GERMAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	595-596
MACKENZIE:	(BLAME) 104
SKEAT:	(HOOT) 276
۲۱۶۱	برهان قاطع:

HOSC	
HUI	: (GERMAN)
HŪSC	: (OLD ENGLISH)
HOOT	: (ENGLISH)
HUJE	: (DANISH)

یادداشت:

۱- چم این واژه در زبان‌های ژرمی و اسلاوی: فرباد، داد زدن.

۴- احتمال دارد که واژه‌ی انگلیسی SHOUT هم از همین ریشه باشد.

NEGĀH	نگاه :	فارسی (PERSIAN)
LOOK, GLANCE	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*KWEK-, *KWOK-, *KWEKS-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	638
MACKENZIE:	(LOOK) 122
۲۱۶۳	برهان قاطع:

AKASAT, *NIKĀSA	اوستایی : (AVESTAN)
NIKĀS, NKĀS,	پهلوی : (PAHLAVI)
NIGĀH, NIGARIDAN	
NEKĀ	کردی : (KURDISH)
NIKĀH	بلوچی : (BALUCHI)
KĀSTE, KĀSATE	سانسکریت : (SANSKRIT)

یادداشت:

بازگشت به: آگاه.

NAM	نم :	فارسی (PERSIAN)	
MOISTURE, DAMPNESS, HUMIDITY	چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:		
*NEBH-, *MBH-, *OMB	هند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)		
NUBÈS	ایتالیایی : (ITALIAN)	اوستایی : (AVESTAN)	
NOR	رومانی : (RUMANIAN)	پارسی باستان : (OLD PERSIAN)	
NUVEM,	پرتغالی : (PORTUGUESE)	NAMNA,	پهلوی : (PAHLAVI)
NEBULOSO	ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)	NABNA-	
NIFLE, NJOL		NAM, NAMB,	کردی : (KURDISH)
NEBLA	ساکسونی کهن : (OLD SAXON)	NAMBĪTAN	بلوچی : (BALUCHI)
	آلمانی کهن : (OLD HIGH GERMAN)	NEMI, NEM	افغانی (پشتو) : (AFGHANI)
NEBULE		NAMB	سانسکریت : (SANSKRIT)
NEBEL	آلمانی : (GERMAN)	NUMD, NŪMD	یونانی : (GREEK)
NIFOL	انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)	NÁBHAS	لاتین : (LATIN)
NEVEL	هلندی : (DUTCH)	NÉPHOS, NEPHÉLÉ	فرانسه : (FRENCH)
	اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)	NEBULA	
NEBO, NEBESA		NEBLEUX, NUE,	
		NUAGE	
		NUBE, NEBULOSO	اسپانیایی : (SPANISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	315-316
BARNHART:	(NEBULA) 637
DELAMARRE:	(NUAGE, NUÉE) 187
MACKENZIE:	(MOISTURE) 124
BUCK:	1074-1075
ONIONS:	(NEBULA) 605
SKEAT:	(NEBULA) 397
MALLORY:	76
۲۱۶۷	برهان قاطع:
۴۸۰۹	فرهنگ معین:

NIEBO	: (POLISH)
NEBO	: (RUSSIAN)
NEBE	: (CZECH)
DEBESIS	: (LITHUANIAN)
NEM, NĒL	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
NEPIS, NEPISAS	: (HITTITE) هتیت

یادداشت:

- چشم این واژه در زبان‌های غیرایرانی: ابر، سحابی، آسمان.
- واژه‌ی فارسی "نفت" نیز از همین واژه‌ی است (санскریت: **NABHĀNŪ**) اوستایی: **NAPTA** بهلوي: **NAFT**. ضمناً واژه‌ی انگلیسی **NAPHTHA** از همین واژه‌ی فارسی گرفته شده است.

NAMĀZ	فارسی (PERSIAN) : نماز
PRAYER	چشم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*NEM-, *NMTO-, *NEMOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

NEMED,	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	NEMAH, NEMAITI	: (AVESTAN) اوستایی
NIMIDAS		NAM-	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
NANTO	: (GALISH) گالی	NAMĀC, NAMAZH,	: (PAHLAVI) بهلوي
NANT	: (WELSH) ولزی	NAMĀZ	

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	764
MACKENZIE:	(PROSTRATION) 128, (REVERENCE) 130
۲۱۶۸	برهان قاطع:

NYMIJ, NYMI	: (KURDISH) کردی
NAMĀŠ, NAWĀŠ	: (BALUCHI) بلوچی
NMŪNJ	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NÁMAS,	: (SANSKRIT) سانسکریت
NAMATI, NATA-	
NÉMOS	: (GREEK) یونانی
NEMOS, NEMORIS	: (LATIN) لاتین

یادداشت:

- ۱- چم اصلی این واژه در هند و اروپایی و پارسی باستان و اوستایی: تعظیم و تکریم، دعا.
- ۲- چم این واژه در یونانی و لاتین: بیشه مقدس، چراگاه.

NEMŪDAN	فارسی (PERSIAN) : نمودن
SHOW, REVEAL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*NEI-, *NEIθ-, *NI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
NIĀTH	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
NAI-	: (HITTITE) هتب
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	760
MACKENZIE:	
(GUIDE) 117, (SHOW) 132	
۲۱۷	برهان قاطع:

NIĀTI	: (AVESTAN) اوستایی
NI-MĀ-,	: (OLD PERSIAN) پارسی باستان
NI-MĀY	
NIĀTAN, NIMŪDAN,	: (PAHLAVI) پهلوی
NIMŪTAN	
NIMAİN, NIMAYUN	: (OSSETIC) اوستی
NĀYATI, NIĀTA-,	: (SANSKRIT) سانسکریت
NITHĀ, NĒTĀR	

یادداشت:

چم این واژه در اوستی: شمردن، حساب نمودن.

NANÉ	فارسی (PERSIAN) : فنه، فه نه (به چم مادر، دایه، مادر بزرگ)
*NANA, *NENA	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
NAIN	: (WELSH) ولزی
NÄNE, NËN	: (ALBANIAN) آلبانی
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	754
MALLORY & ADAMS:	N-HEN, N-AN
۲۴۴۴۴	فرهنگ معین:
۲۲۷۶۳-۲۲۷۶۴	لخت نامه دهخدا:

NANĀ	: (SANSKRIT) سانسکریت
NÁNNA, NINNĒ,	: (GREEK) یونانی
NENNOS	
NONNUS, NONNA	: (LATIN) لاتین
NJANJA	: (RUMANIAN) رومانی
NENNE	: (GERMAN) آلمانی
NANNY, NANA	: (ENGLISH) انگلیسی
NJANJA	: (RUSSIAN) روسی
NENI	: (BULGARAIN) بلغاری

یادداشت:

چم این واژه در زبان آلمانی: (زبان کردکان) شبر.
چم این واژه در زبان بلغاری: ارشد، بزرگتر.

NŌ, NAVIN		فارسی (PERSIAN) : نو، نوین
NEW		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*NEWO, *NEWYOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	NAVŌ, NAVA	اوستایی (AVESTAN) :
NIUWE		پارسی باستان (OLD PERSIAN) :
NEU	آلمانی (GERMAN)	NEUWENEN, NAUNS
NīWE, NīWE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	NōG, NAVAK, NōK, (PAHLAVI)
NēOWE, NīOWE		Nō
NEW	انگلیسی (ENGLISH)	NVOG, NÄVÄG (OSSETIC)
NY	دانمارکی (DANISH)	NŪ, NEŪ (KURDISH)
NY	سوئدی (SWEDISH)	NōK, NōX (BALUCHI)
NY	نروژی (NORWEGIAN)	NAU, NAVAL, (AFGHANI) (پشتو)
NIEUW	هلندی (DUTCH)	NAWE
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)		ŅU (TOKHARIAN A) A تخاری
NOVŪ		ŅUWE, ŅUNE (TOKHARIAN B) B تخاری
NOWY	لهستانی (POLISH)	NĀVAS, NĀYYAS (SANSKRIT) سانسکریت
NOVYJ, NOVIKŪ	روسی (RUSSIAN)	NOR (AREMIAN) ارمنی
NOVÝ	چک (CZECH)	NÉOS, NEIOS (GREEK) یونانی
NOV	صربی (SERBIAN)	NOVUS, NOUVĀRE (LATIN) لاتین
NOVÝ	بوهمی (BOHEMIAN)	NOUVEAU, NEUF (FRENCH) فرانسه
NOVÝ	سلواکی (SLOVAK)	NUEVO, NUEVA (SPANISH) اسپانیایی
NAŪJAS, NAVAS	لیتوانی (LITHUANIAN)	NUOVO (ITALIAN) ایتالیایی
NŪE	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	NOV (RUMANIAN) رومانی
NOVIO	گالی (GALISH)	NOVO, NOVA (PORTUGUESE) پرتغالی
NEWYDD	ولزی (WELSH)	NIUJIS (GOTHIC) گوتیک
NEVEZ	برتونی (BRETON)	(OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
NUADH	گالیک (GAELIC)	ŅYR
NĒWAS	هیت (HITTITE)	NIUWI (OLD SAXON) ساکونی کهن (OLD SAXON)
		ŅIĒ, ŅI (OLD FRISIAN) فریزی کهن

BUCK:	957	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(NEW) 608	POKORNY:	769
SKEAT:	(NEW) 399	BARNHART:	(NEW) 702
۲۱۷۳	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(NOUVEAU) 229
		MACKENZIE:	(NEW) 125

یادداشت:

این واژریشه هند و اروپایی با واژریشه‌ی هند و اروپایی -NEU-، *NEU-، *NEWĀ-، *NEŪMI (به چم "اکنون") خویشی دارد.

فارسی (PERSIAN): نوا، نوانیدن، نویدن (به چم "نفعه"، "خواندن"، "نالیدن")	
NAVĀ, NAVĀNIDAN, NAVIDAN	
SONG, MELODY, SINGING, GROANING, MOANING	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*NEU-, *NEWĀ, *NEŪMI	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
NUALL : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	NAD- : (AVESTAN) اوستایی
NIWAG, : (PAHLAVI) پهلوی	NIWAG, : (PAHLAVI) پهلوی
NIWĒYĒNIDAN, NIWISTAN	NIWĒYĒNIDAN, NIWISTAN
NEWĀ : (KURDISH) کردی	NEWĀ : (KURDISH) کردی
NU : (TOKHARIAN B) B تخاری	NU : (TOKHARIAN B) B تخاری
NĀVATE, NĀUTI : (SANSKRIT) سانسکرت	NĀVATE, NĀUTI : (SANSKRIT) سانسکرت
NUAG, NUAGEM : (AREMAN) ارمنی	NUAG, NUAGEM : (AREMAN) ارمنی
NĒDA, NĒDŌN : (GREEK) یونانی	NĒDA, NĒDŌN : (GREEK) یونانی
NUNTIUS, NUNTIUM : (LATIN) لاتین	NUNTIUS, NUNTIUM : (LATIN) لاتین
NAUJU : (LATVIAN) لتوانی (لتی)	NAUJU : (LATVIAN) لتوانی (لتی)

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: بیام رسان، فرستاده.

NAVAD	فارسی (PERSIAN): نود
NINETY	
*NEUN+DEKEM	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
NAVAT, NAVAD : (PAHLAVI) پهلوی	NAVAITI : (AVESTAN) اوستایی
NUD, NEHVID, : (KURDISH) کردی	NAVATI : (OLD PERSIAN) پارسی باستان

NINETY	: (ENGLISH) انگلیسی
NEGENTIG	: (DUTCH) هلندی
DZIEWIECDZIESIAT	: (POLISH) لهستانی
DEYATDESyat	: (RUSSIAN) روسی
DEVADESÁT	: (CZECH) چک
DEVETSET	: (BULGARIAN) بلغاری
DEVÄTDESIAT	: (SLOVAK) اسلواکی
NÉNTEDHJETË	: (ALBANIAN) آلبانی

NĀWĒ, NEHVED	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
NAVĒ, NAWI	: (SANSKRIT) سانسکریت
INVIT, NAVATI	: (ARMENIAN) ارمنی
INNUSOUN	: (GREEK) یونانی
ENENHTNA	: (LATIN) لاتین
NONAGINTA	: (FRENCH) فرانسه
NOVENTA	: (SPANISH) اسپانیا
NOVANTA	: (ITALIAN) ایتالیا
NOUĀZECI	: (RUMANIAN) رومانی
NOVETA	: (PORTUGUESE) پرتغالی
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NIUNZIG	: (GERMAN) آلمانی
NEUNZIG	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
NIGONTIG	: (KURDISH) کردی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	318,191
BARNHART:	(NINETY) 705
MACKENZIE:	(NINETY) 125
ONIONS:	(NINETY) 611
٢١٨٤	برهان قاطع :

NŪZDAH	نوزده : (PERSIAN)
NINETEEN	چم انگلیسی سروalaہی فارسی :
*NEUN+DEKM	ہند و اروپایی : (INDO-EUROPEAN)
DIX-NEUF	: (FRENCH) فرانسی
DIECINUEVE	: (SPANISH) اسپانیا
DICIANNOVE	: (ITALIAN) ایتالیا
NOUĀSPREZECE	: (RUMANIAN) رومانی
DEZENOVE	: (PORTUGUESE) پرتغالی
	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
NITJAN	
NIGENTEIN:(OLD SAXON)	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
NIOGENTENA	: (SANSKRIT) سانسکریت
	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
NIUNZEHEN	: (ARMENIAN) ارمنی
	: (GREEK) یونانی
	: (LATIN) لاتین

BEVETNAYSET : (BULGARIAN) بلغاری
 DEVÄTNÄST : (SLOVAK) اسلواکی
 NËNTËMËDHJETË : (ALBANIAN) آلبانی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	318, 191
BARNHART	(NINETEEN) 705
MACKENZIE:	(NINETEEN) 125
ONIONS:	(NINETEEN) 611
AMINDAROV:	(NINETEEN) 260
٢١٩٥	برهان قاطع :

NEUNZEHN : (GERMAN) آلمانی
 انگلیسی کهن : (OLD ENGLISH)
 NIGONTÈNE
 NINETEEN : (ENGLISH) انگلیسی
 NITTEN : (DANISH) دانمارکی
 NIOTEN : (SWEDISH) سوئدی
 NITTEN : (NORWEGIAN) نروژی
 NEGENTIEN : (DUTCH) هلندی
 DZIEWIETNASTU : (POLISH) لهستانی
 DEVYATNADTSAT : (RUSSIAN) روسی
 DEVATENÄST : (CZECH) چک

NAVÉ, NAVADÉ	فارسی (PERSIAN)	نواده، نوه
GRANDCHILD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی	
*NÉPÔT-, *NÉPÔTS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)	
NEVO	اوستایی (AVESTAN)	NABĀ-, NAPĀT,
NEVA	فریزی کهن (OLD FRISIAN)	NAPTAR
NEVO : (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن	NAPĀT, پارسی باستان (OLD PERSIAN)
NEFFE	آلمانی (GERMAN)	NAPĀ
NEFA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	NAB پهلوی (PAHLAVI)
NEPHEW	انگلیسی (ENGLISH)	NEVI کردی (KURDISH)
NEVE	دانمارکی (DANISH)	NÁPĀT سانسکریت (SANSKRIT)
NEVO	سوئدی (SWEDISH)	ANEPSIÓS, NEPOUS یونانی (GREEK)
NEVE	نروژی (NORWEGIAN)	NEPOS, NEPOTIS لاتین (LATIN)
NEEF	هلندی (DUTCH)	NEVEU فرانسه (FRENCH)
: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	NIPOTE ایتالیایی (ITALIAN)
NETIJI		NEPOT, NEPOATÁ رومانی (RUMANIAN)
WNUK	لهستانی (POLISH)	NEPOT پرتغالی (PORTUGUESE)
VNUK, VNOUCHE	چک (CZECH)	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
NEĆAK	صربی (SERBIAN)	NEFI
SYNOVEC, VNUK	اسلواکی (SLOVAK)	NEBO, ساکسونی کهن (OLD SAXON)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	764
BARNHART:	(NEPHEW) 700
DELAMARRE:	(NEVEU) 40
MACKENZIE:	(GRANDSON) 116
BUCK:	115, 111
ONIONS:	(NEPHEW) 607
SKEAT:	(NEPHEW) 398
MALLORY	123
۲۱۱۷ و ۲۲۰۸	برهان قاطع :

NIPOTIS	لیتوانی (:LITHUANIAN)
NIAE, NIE	ایرلندی کهن (:OLD IRISH)
NAI, NEI	ولزی (:WELSH)
NIZ, NI	برتونی (:BRETON)
NIP	آلбанی (:ALBANIAN)

یادداشت:

چم این واژه در زبان‌های غیر ایرانی در غیر سانسکرت: هر برادر، هر خواهر.

NOH	فارسی (:PERSIAN)	نامه (عدد ۹)
NINE	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:	
(E)NEWN-	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)	
NIUN	گوتیک (:GOTHIC)	اوستایی (:AVESTAN)
	ایسلندی کهن (:OLD SCANDINAVIAN)	پارسی باستان (:OLD PERSIAN)
NIŪ		پهلوی (:PAHLAVI)
NIGUN	ساکسونی کهن (:OLD SAXON)	کردی (:KURDISH)
NIGUN	فریزی کهن (:OLD FRISIAN)	افغانی (پشتر) (:AFGHANI)
NIUN	آلمانی کهن (:OLD HIGH GERMAN)	تخاری A (:TOKHARIAN A)
NEUN	آلمانی (:GERMAN)	تخاری B (:TOKHARIAN B)
NIGEN	انگلیسی کهن (:OLD ENGLISH)	سانسکرت (:SANSKRIT)
NINE	انگلیسی (:ENGLISH)	آرمنی (:ARMENIAN)
NI	دانمارکی (:DANISH)	یونانی (:GREEK)
NIO	سوئدی (:SWEDISH)	لاتین (:LATIN)
NI	نروژی (:NORWEGIAN)	فرانسه (:FRENCH)
NEGEN	هلندی (:DUTCH)	اسپانیایی (:SPANISH)
	اسلاوی کهن (:OLD CHURCH SLAVIC)	ایتالیایی (:ITALIAN)
DEVETI		رومانی (:RUMANIAN)
DEZIEWIAC	لهستانی (:POLISH)	برتغالی (:PORTUGUESE)

پرسنل	REFERENCES
318	POKORNY:
705	BARNHART:
214	DELAMARRE:
125	MACKENZIE:
611	ONIONS:
401	SKEAT:
برهان قاطع:	۲۲۱۰

DEVYAT	: (RUSSIAN) روسي
DEVĚT	: (CZECH) چک
DEVET	: (BULGARIAN) بلغاری
DEVÄT	: (SLOVAK) اسلواکی
DEVYNI	: (LITHUANIAN) ليتواني
NEWINTS	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن
NÓI	: (OLD IRISH) ايرلندي کهن
NËNDË, NËNTË	: (ALBANIAN) آلبانی

NA, N-	نه، ن (نشان نفی)	فارسی (PERSIAN)
NO, NOT		چشم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*NE, *NĒ, *N-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
NE, NI, NEO, NIO	NA, NAĒ, NOIT	: (AVESTAN) اوستایی
NE, NI, NĀ : (OLD FRISIAN)	*NAIT, NA : (OLD PERSIAN)	پارسی باستان
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	NĒ, NA	: (PAHLAVI) پهلوی
NE, NI, NEO, NIO	NÄ, NE	: (OSSTIC) اوستی
NIE, NEIN, NICHT : (GERMAN)	NE, NA, NAN, NI	: (KURDISH) کردی
NĀ, NE, NŌ : (OLD ENGLISH)	NA, NĒ	: (AFGHANI) افغانی (پشتون)
انگلیسی کهن (ENGLISH)	NÁ, NÉD, NOIT	: (SANSKRIT) سانسکریت
NO, NOT, NAY : (ENGLISH)	NE	: (ARMENIAN) ارمنی
NO, NĀ	NĒ-, NEA, NEAN, NON- : (GREEK)	: (YONANI) یونانی
NEEN, NIET : (DUTCH)	NE-, NĒ, NEI, IN-	: (LATIN) لاتین
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	NE(PAS), NON	: (FRENCH) فرانسه
NE	NO	: (SPANISH) اسپانیایی
NIE : (POLISH)	NON, NO	: (ITALIAN) ایتالیایی
NE, NIET : (RUSSIAN)	NICL, NU	: (RUMANIAN) رومانی
NE : (CZECH)	NĀO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
NIE : (SLOVAK)	NI, NEI-, UN-	: (GOTHIC) گوتیک
NE, NEI : (LITHUANIAN)		: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
NI, NĒ, IN- : (OLD IRISH)	NE, NĒ, NEI	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
NATTA : (HITTITE)		

MACKENZIE:	(NO, NOT) 123	REFERENCES	پسگشت‌ها
ONIONS:	(NO) 612	POKORY:	756
SKEAT:	(NO) 401	BARNHART:	(NO) 706
۲۲۱۱	برهان قاطع:	DELAMARRE:	(NO PAS) 302

NAHĀDAN	نهادن	فارسی (PERSIAN):
PUT, PLACE		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*DHĒ-, *DHŌ-, *DHE-, *DHA-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
TUON, TETA		اوستایی (AVESTAN):
TUN	: (GERMAN) آلمانی	(NI) DADHATI, DĀ
DŌN, DŌM:	(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
DO	: (ENGLISH) انگلیسی	NI-DĀ- : (PAHLAVI) بهلوی
DOEN	: (DUTCH) هلندی	NIHĀDHAN, NIHĀDAN
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	NADIN, DANIN : (KURDISH) کردی
DĒTI		TĀ-, TĀS-, : (TOKHARIAN A) A تخاری
DĒNU, DĒNATU	: (RUSSIAN) روسی	TAS- : (TOKHARIAN B) B تخاری
DĒJU	: (CZECH) چک	TES- : (TOKHARIAN B) B تخاری
DAT	: (SLOVAK) اسلواکی	DĀDHATI, : (SANSKRIT) سانسکریت
DĒTI	: (LITHUANIAN) لیتوانی	DAHĀMI, NIDADHĀTI, DHĀ-
DET, DEJU	: (LATVIAN) لتونی لئی	DNEM : (ARMENIAN) ارمنی
DEDE	: (GAULISH) گالی	TITHENAI, TITHĒMI : (GREEK) یونانی
DĀI-	: (HITTITE) هتیت	FACER, DERE, DITUS : (LATIN) لاتین
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORY:	235	FAIR : (FRENCH) فرانسه
BARNHART:	(DO) 292	HACER : (SPANISH) اسپانیایی
MACKENZIE: (PLACE) 127, (PUT) 129		FARE : (ITALIAN) ایتالیایی
BUCK:	537-539	FACE : (RUMANIAN) رومانی
ONIONS:	(DO) 279-280	FAZER : (PORTUGUESE) پرتغالی
SKEAT:	(DO) 177	DŪAN, : (OLD SAXON) ساکسونی کهن
AMINDAROV:	(PUT) 275	DEDE : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
۲۲۱۱	برهان قاطع:	DUĀ, DEDE : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

بادداشت:

۱- واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست از پیشوند- NIH- و ریشه‌ی DHE- DHA- با چم "قرار دادن" ساخته شده‌اند.

۲- چم واژه‌های رومانس(ناشی از لاتین) و واژه‌های ژرمونی این فهرست: گردن، انجام دادن.

NOHOM	نهم	فارسی (PERSIAN)
NINTH		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*(E)NEWEN		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
NEGONTHE		اوستایی (AVESTAN)
NINTH	: (ENGLISH) انگلیسی	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
NIDEL	: (DANISH) دانمارکی	پهلوی (PAHLAVI)
NIODEL	: (SWEDISH) سوئدی	کردی (KURDISH)
NIDEL	: (NORWEGIAN) نروژی	افغانی (پشتون) (AFGHANI)
NEGENDE	: (DUTCH) هلندی :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	تخاری (TOKHARIAN B)
DEVETU		санسکرت (SANSKRIT)
DZIEWIATY	: (POLISH) لهستانی	یونانی (GREEK)
DEVYATI	: (RUSSIAN) روسی	لاتین (LATIN)
DEVATÝ	: (CZECH) چک	فرانسه (FRENCH)
DEVATY	: (BULGARIAN) بلغاری	رومانی (RUMANIAN)
DEVINTAS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	A NOUA
NEWINTS	: (OLD PRUSSIAN) بروسی کهن	پرتغالی (PORTUGUESE)
ΝΟΜΑΔ	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	گوتیک (GOTHIC)
NAWFED	: (WELSH) ولزی	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
		NIONDE
REFERENCES	پسگشت ها	
POKORNÝ:	319	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
BARNHART:	(NINTH) 705	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
MACKENZIE:	(NINTH) 125	NIUNTO
SKEAT:	(NINE) 401	NEUNT آلمانی (GERMAN) انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	319
BARNHART:	(NINTH) 705
MACKENZIE:	(NINTH) 125
SKEAT:	(NINE) 401

NIRŪ	نیرو : (PERSIAN)
FORCE, POWER, STRENGTH	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*NER, *NERIO-, *NŌRO-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	765
MACKENZIE:	(POWER) 128
۲۲۲۵	برهان قاطع :
NAIRYAVA,	اوستایی (AVESTAN) :
NAIRYA-	
NĒROK, NĒROG	پهلوی (PAHLAVI) :
NĀRYA-	санскریت (SANSKRIT) :

یادداشت:

۱- چم ابن واژه در اوستایی و سانسکریت: مردانگی، رجولت.

۲- بازگشت به: نر

NĒM, NĒMÉ	نیم، فیمه : (PERSIAN)
HALF, DEMI-, HEMI-	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*SĒMI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید) :
SĀM-	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	905-906
BARNHART:	
(HEMI-) 475, (SEMI-) 982	
DELAMARRE:	(DEMI, SEMI-) 233
MACKENZIE:	(HALF) 117
BUCK:	935-936
AMINDAROV:	(HALF) 233
۲۲۳۷ و ۲۲۴۳	برهان قاطع :
NAEMA	اوستایی (AVESTAN) :
NIW, NIVEK	پهلوی (PAHLAVI) :
NĒM, NĒMAK, NĒMAG	
NIW, NIVEK	کردی (KURDISH) :
NĒMAG, NĒRŌC, NĒMOC	بلوچی (BALUCHI) :
NIM, NĒMAI	افغانی (پشتو) (AFGHANI) :
NĒMA	سانسکریت (SANSKRIT) :
HEMI-	یونانی (GREEK) :
SEMI-	لاتین (LATIN) :
SĒMI-, SĀMI-	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :

یادداشت:

رابطه‌ی واژه‌های ایرانی و سانسکریت این فهرست با دیگری واژه‌های این فهرست و واجریشه‌ی هند و اروپایی آنها مشکوک است لذا در جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی (شاید) نوشته شده است.

NEV	نیو (به چم "دلاور، پهلوان، رادمرد، نیک")	فارسی (PERSIAN)
BRAVE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*NEI-, *NI-, *NEITH, *NITU-, *NOIBHO-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
► NOIR, NIA : (OLD IRISH) NWYF, NWYD	ايرلندي کهن (OLD IRISH) ولزي (WELSH)	پارسي باستان (OLD PERSIAN) پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES POKORNY: 760 MACKENZIE: (BRAVE) 105 ۲۲۳۷	پسگشت‌ها برهان قاطع :	LAETIN (LATIN)
NITEŌ, NITĒRE, NITIDUS, NITOR		
NEITH		گوتیک (GOTHIC)
NID : (OLD SCANDINAVIAN)		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
NITH : (OLD SAXON)		ساکسونی کهن (OLD SAXON)
NID : (OLD ENGLISH)		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

یادداشت:

- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: حد، رشک، جنگ و خصوصت.
- چم این واژه در زبان‌های لاتین: چشمگیر، درخشان، برازنده.
- شاید واژه‌های "نیک" و "نیکو" نیز از همین واجریشه باشند.

NIŪSHIDAN	نیوشیدن (به چم "شنیدن و گوش کردن")	فارسی (PERSIAN)
HEAR, LISTEN		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHOUS		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
NGVALAL, NGHVATAL		اوستی (AVESTAN) : (AVESTAN)
SAH	санскрит (SANSKRIT)	GŪSHAYAT-, NI-GAOSH
GHŌSHATI, GHOSAYATI		پارسی باستان (OLD PERSIAN)
HEUS	لاتین (LATIN)	پهلوی (PAHLAVI)
REFERENCES POKORNY: 454 MACKENZIE: (HEAR) 117 ۲۲۳۹	پسگشت‌ها برهان قاطع :	NIGHŌSHITAN, NIOXSHIDHAN QŪSIN, GHOSUN : (OSSETIC) بلوچی (BALUCHI) NIGŌSHAG, NIGHOSHAGH الغاني (پشتو) (AFGHANI)

یادداشت:

چم این واژه در زبان لاتین: گوش بد!

VĀZHÉ, VĀT, VĀJ	فارسی (PERSIAN) : <u>واژه</u> , وات, واج
WORD, SAYING	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی :
*WEKW-, *WOKW-, *WŌKW-	: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)	: (AVESTAN) اوستایی
GIWAHNEN	VĀXSH, VAK-, VACHAH
آلمانی (GERMAN)	: پهلوی (PAHLAVI)
ERWÄHNNEN, GIWAHT	WĀZ, VĀCHAK, WĀZAG, VĀJ,
VOICE	انگلیسی (ENGLISH) : (از فرانسه)
WACKIS	بروسی کهن (OLD PRUSSIAN)
HWEK	هنت (HITTITE)
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1135-1136
BARNHART:	(VOICE) 210
DELAMARRE:	(PARLER) 293
MACKENZIE:	
(WORD) 140, (SAYING) 131	
BUCK:	1248
ONIONS:	(VOICE) 985
SKEAT:	(VOICE) 1248
AMINDAROV:	(WORD) 311
RAMAT:	137
۲۲۴۸ و ۲۲۴۴ و ۲۲۴۳	برهان قاطع :

VÁK, VÁKAS, VÁKTI, VÍVAKTI	ارمنی (ARMENIAN) :
GOCHEM	يونانی (GREEK) :
ÉPOS, É(W)EIPON	
VOX, VÓCEM	لاتین (LATIN) :
VOIX	فرانسه (FRENCH) :
VOS	اسپانیایی (SPANISH) :
VOCE	ایتالیایی (ITALIAN) :
VOCE	رومانی (RUMANIAN) :
VOZ	پرتغالی (PORTUGUESE) :
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
VATTAN, VATTR	

نحوه داشت:

چم این واژه در زبان‌های ارمنی و بروسی کهن: فریاد، داد زدن.

چم این واژه در زبان‌های هیثی و ایسلندی کهن: گواهی، شهادت دادن.

چم این واژه در زبان‌های آلمانی: ذکر کردن، گفتن.

چم این واژه در زبان‌های رومانی: صدا، آوازه.

VĀS, VĀSH	فارسی (PERSIAN) : واس، واش (به چم "علوفه‌ی ستوران"، "خوشه‌ی گندم")
FODDER	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*WES-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : (شاید)
GWEST	: (WELSH) ولزی
-VES (BANVES)	: (BRETON) برتونی
WESHI	: (HITTITE) هیتیت
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1171
۲۳۰۷۹ و ۲۳۰۷۴	لخت نامه دهخدا:
F948	فرهنگ معین:
۲۲۴۸	برهان قاطع:

VASTRØM, VĀSTRA-	(AVESTAN) اوستایی
VĀSTŌH, VAS-	(SANSKRIT) سانسکریت
VESCOR	: (GREEK) یونانی
	: (GOTHIC) گوته‌یک
WISAN (WAILA WISAN)	
VIST : (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
WIST : (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
WIST : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
	: (MIDDLE IRISH) ایرلندی میانه
FESS, FEISS	

یادداشت:

- ۱- چم این واژه در زبان یونانی: خوردن.
- چم این واژه در زبان‌های ژرمنی: خوراک، بزم
- ۲- چون رابطه‌ی واژه‌ی فارسی "واش" (یا "واس") با دیگر واژه‌های این فهرست توسط هیچ‌کدام از پسگشت‌های در دسترس من ذکر نشد، جلو واجریشه‌ی هند و اروپایی آن (شاید) می‌گذارم.
- ۳- در فرهنگ معین این واژه "ترکی" قلمداد شده و در لخت نامه دهخدا، به اصل این واژه اشاره نشده است.

VĀL, BĀL	فارسی (PERSIAN) : وال، بال (به چم "ماهی بزرگ؛ نهنگ")
WHALE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*KWALOS, *(S)KWALOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) : (شاید)
HWĒL : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن (شاید)
WHALE	انگلیسی (LATIN)
HVAL	دانمارکی (FRENCH)
VAL	سوئدی (OLD SCANDINAVIAN)
KVAL, HVAL : (NORWEGIAN)	نروژی (FRENCH)
WALVIS	هلندی (OLD SAXON)
KALIS : (OLD PRUSSIAN)	بروسی کهن (OLD HIGH GERMAN)
	سаксونی کهن (GERMAN)
	آلمانی کهن (GERMAN)
	آلمانی (GERMAN)

۲۳۰۹۹	لغت نامه دهخدا:	REFERENCES	پسگشت‌ها
۲۲۵۲ و ۲۲۴	برهان قاطع :	POKORNY: 958	
		BARNHART: (WHALE) 1229	

یادداشت:

- ۱- SKEAT معتقد است که واژه‌های یونانی و فرانسه‌ی این فهرست با دیگر واژه‌های این فهرست رابطه‌ای ندارند.
- ۲- ONLYS فقط واژه‌های ژرمنی این فهرست را می‌دهد و اجریشه‌ی هند و اروپایی را نمی‌دهد.
- ۳- BARNHART رابطه‌ی واژه‌های ژرمنی این فهرست را اشاره دارد و اجریشه‌ی هند و اروپایی آن را نیز می‌دهد.
- ۴- POKORNY واژه‌های اوستایی- *KOLA, KORA (به چم "ماهی") را نیز از این واژه‌ها می‌داند.
- ۵- شاهدی برای "وال" و "بال" در زبان‌های پهلوی و اوستایی نیافرود و لی این واژه در زمان فرخی سیستانی (وفات ۴۲۹ مجری قمری) و اسدی طوسی (اوخر قرن چهارم مجری قمری) در فارسی کاربرد داشته است. در مورد این واژه در فرهنگ معین تناقض وجود دارد: در (صفحه ۴۹۶) واژه‌ی "بال" با واژه‌های لانین BALAENA و فرانسه‌ی BALEINE مقایسه شده است و لی از سوی دیگر واژه‌ی "وال" با واژه‌ی یونانی PHALAINA مقایسه شده است (صفحه ۴۹۶). چون در ریشه‌یابی این واژه شک وجود دارد جلو واژه‌ها هند و اروپایی (شاید) آورده‌ام.

VĀLĀNÉ, VALĀNÉ	فارسی (PERSIAN): والانه، ولانه (به چم "زخم، "جراحت")
WOUND	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*VEL-, *VOL-, *VŌL-, *WEL-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
WAL : (OLD ENGLISH)	санسکریت (SANSKRIT): VRAVĀ, VRANA- : (GREEK) بونانی
انگلیسی کهن (ENGLISH) : (از فرانسه)	: (LATIN) لاتین
VULNERABLE	ANĀLŪMŌ, ANALMŌ, OULÉ
WAKA, WALCZYC : (POLISH)	VULNERĀRE, : (ITALIAN) ایتالیایی
لهستانی (CZECH) : (چک)	VOLNUS, VULNUS, VULNERIS
VÁLETI, VÁCHIT, VÁLKA	VULNÉRABLE : (FRENCH) فرانسه
VĒLES : (LITHUANIAN)	VULNERABLE : (SPANISH) اسپانیایی
لیتوانی (LATVIAN) : (لتی)	VULNERÁBIL : (ITALIAN) ایتالیایی
VELI : (OLD PRUSSIAN)	VULNERÁVEL : (PORTUGUESE) پرتغالی
بروسی کهن (OLD IRISH) : (ایرلندی کهن)	WIWAN, WULWA : (GOTHIC) گوتیک
FLANN : (WELSH) : (ولزی)	: (OLD SCANDINAVIAN) ایسلندی کهن
GWELI : (BRETON) : (برتونی)	VALR, VALKYRIA
GOULYOW : (HITTITE) : (هیتب)	WLEMMA : (OLD FRISIAN) فریزی کهن
VALHMI, HULLĀI : (HITTITE)	WAL : (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن

SKEAT:	(VULNERBLE) 696	REFERENCES	پسگشت ها
۲۲۹۰ و ۲۲۰۳	برهان قاطع:	POKORNY: 1144-1145	
۴۹۶۶	نرهنگ معین:	BARNHART:	
		(VULNERABLE) 1213	

بادداشت:

چم این واژه در زبان های ژرمنی و اسلامی: جنگبدن، صدمه زدن، نبرد، خونریزی.

چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: خون.

چم این واژه در زبان های رومانی: زخم، زخم پذیر، آسیب پذیر.

VĀY	فارسی (PERSIAN): وای (نشان حسرت و افسوس)
WOE, ALAS, WELLAWAY	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*WAI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
WOE	انگلیسی (ENGLISH): اوستایی (AVESTAN)
VE	دانمارکی (DANISH): VAYŌI, AVŌI, VĀE, ĀVŌYA
VE	سوئدی (SWEDISH): پهلوی (PAHLAVI)
VE	نروژی (NORWEGIAN): کردی (KURDISH)
VEE	هلندی (DUTCH): VAAI, VEI, WAY, WEY-WEY
VAI	لتونی (LATVIAN): ارمنی (ARMENIAN)
FAE	ایرلندی کهن (OLD IRISH): یونانی (GREEK)
GWAE	گالی (GAULISH): لاتین (LATIN)
GWAE	ولزی (WELSH): فرانسه (FRENCH)
VAJ	آلبانی (ALBANIAN): اسپانیایی (SPANISH)
	ایتالیایی (ITALIAN): گوتیک (GOTHIC)
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY: 1110	: ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BARNHART: (WOE) 1242	VEI, VA
DELAMARRE: (MALHEUR) 303	WĒ : ساکسونی کهن (OLD SAXON)
MACKENZIE: (WOE) 140	WĒ : فربزی کهن (OLD FRISIAN)
ONIONS: (WOE) 1011	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
SKEAT: (WOE) 720	WĒ, WEHE
AMINDAROV: (ALAS) 183	WEH : آلمانی (GERMAN)
۲۲۰۵-۲۲۰۶	WĀ : انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

VABAR		فارسی (PERSIAN) :	وَبَرْ (بِهِ چَمْ "پُشْ")
WOOL		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*WLNA-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید):	
VLŪNA		اوستایی (AVESTAN)	
WELNA	: (POLISH) لهستانی	پهلوی (PAHLAVI)	
VOLNA	: (RUSSIAN) روسی	افغانی (پشتون) (AFGHANI)	
VLNA	: (CZECH) چک	санскрит (SANSKRIT)	
VÜNA	: (SERBIAN) صربی	ارمنی (ARMENIAN)	
ULNA	: (SLOVAK) اسلواکی	يونانی (GREEK)	
VILNA, VILNUS	: (LITHUANIAN) لیتوانی	لاتین (LATIN)	
VILNA	: (LATVIAN) لترنی (لتی)	فرانسه (FRENCH)	
WILNA	: (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	اسپانیایی (SPANISH)	
OLANN	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	ایتالیایی (ITALIAN)	
GWLAN	: (GAULISH) گالی	روماني (RUMANIAN)	
GWLAN	: (WELSH) ولزی	پرتغالی (PORTUGUESE)	
GLOAN	: (BRETON) برتونی	گوتبک (GOTHIC)	
HULANA	: (HITTITE) هنبت	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	
		فریزی کهن (OLD FRISIAN)	
REFERENCES	پشتہ ماتا		
POKORNÝ:	1139	WOLLE, ULLE	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BARNHART:	(WOOL) 1244	WOLLA	آلمانی (GERMAN)
DELAMARRE:	(LAINE) 151	WOLLE	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
MACKENZIE:	(WOOL) 140	WOOL	انگلیسی (ENGLISH)
BUCK:	204	ULL	دانمارکی (DANISH)
ONIONS:	(WOOL) 1012	ULL	سوئدی (SWEDISH)
SKEAT:	(WOOL) 722	ULL	نروژی (NORWEGIAN)
۲۲۵۶-۲۲۵۷	برهان قاطع :	WOL	هلندی (DUTCH)
۲۳۱۱۷	لخت نامه دهخدا:		اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)
۴۹۷۷	فرهنگ معین :		

یادداشت:

در واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های فارسی واژه‌ی "وَبَرْ" عربی شناخته شده است ولی به احتمال زیاد این واژه عربی از

فارسی یا بک زبان ایرانی دیگر گرفته شده است. به حال به منظور هشدار به خوانتنده واژه‌ی "شاید" جلو و اجریشه‌ی هند و اروپایی آورده شده است.

VABZ	فارسی (PERSIAN): ویز (به چم "زنبور، منجک")
BEE, WASP	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*WOBHES-, *WOBHSĀ-, *WEBH-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
OSA:(OLD CHURCH SLAVIC) اسلاوی کهن	اوستایی (AVESTAN)
OSA : (POLISH) لهستانی	پهلوی (PAHLAVI)
OSA : (RUSSIAN) روسی	بلوچی (BALUCHI)
VOSA : (CZECH) چک	سانسکریت (SANSKRIT)
OSA : (SLOVAK) اسلواکی	لاتین (LATIN)
VAPSVĀ, VAPSA : (LITHUANIAN) لیتوانی	اسپانیایی (SPANISH)
WOBSE : (OLD PRUSSIAN) پروسی کهن	ایتالیایی (ITALIAN)
FOICH : (OLD IRISH) ایرلندی کهن	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
GUOHI : (BRETON) برتونی	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
	WAFSA, WEWSA
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNÝ:	1179
BARNHART:	(WASP) 1221
DELAMARRE:	(GUÊPE) 144
MACKENZIE:	(WASP) 139
ONIONS:	(WASP) 993
SKEAT:	(WASP) 703
WESPE	آلمانی (GERMAN)
	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
WASP, WAWS	
WASP	انگلیسی (ENGLISH)
HVEPS	دانمارکی (DANISH)
VAFS	سوئدی (SWEDISH)
VEPS	نروژی (NORWEGIAN)
WESP	هلندی (DUTCH)

یادداشت:

- **DELAMARRE** واژه‌ی "ویز" را بعنوان بک واژه‌ی فارسی ذکر می‌کند ولی من این واژه را در هیچ‌کدام از فرهنگ‌های فارسی در دسترس خود نیافتم.
- چم این واژه در اوستایی: کژدم، عقرب.
- چم این واژه در سانسکریت: تندو، عنکبوت.

فارسي (PERSIAN): وخش، وخشیدن (به چم "افزودن"، "تافتن"، "افزايش"، "رشد")	
VAXSH, VAXSH, VAXSHIDAN	
ADD, WAX, GROW, GROWTH	چم انگلبي سروازه‌ي فارسي:
*WEG-, *WOKS-, *UG-, *AWEG-, *WEKS-	هند و اروپايی (INDO-EUROPEAN):
WAX	: (ENGLISH) انگلسي
VOKSE	: (DANISH) دانماركي
VÄXA	: (SWEDISH) سوئدي
VOKSE	: (NORWEGIAN) نروزي
WASSEN	: (DUTCH) هلندی
ÁUGU, AUGTI	: (LITHUANIAN) ليتواني
AUDZET, AUGT	: (LATVIAN) لتوني (لتى) :(OLD PRUSSIAN) هروسی کهن
AUGINNONS	
REFERENCES	
POKORNÝ:	85
BARNHART:	(WAX) 1223
MACKENZIE:	
(GROW)	117, (WAX) 139, (GROWTH)
BUCK:	(GROW) 876-877
ONIONS:	(WAX) 995
SKEAT:	(WAX) 704 ۲۲۵۹ برهان قاطع: لخت نامه دهداد: ۲۳۱۴۲ و ۲۳۱۴۱
پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	85
BARNHART:	(WAX) 1223
MACKENZIE:	(GROW) 117, (WAX) 139, (GROWTH)
BUCK:	(GROW) 876-877
ONIONS:	(WAX) 995
SKEAT:	(WAX) 704 ۲۲۵۹ برهان قاطع: لخت نامه دهداد: ۲۳۱۴۲ و ۲۳۱۴۱
AUGMENTER	: (FRENCH) فرانسه
AUMENTAR	: (SPANISH) اسپانياتي
AUMENTARE	: (ITALIAN) ايطالي
AUMENTAR	: (PORTUGUESE) پرتغالی
WAHSJAN	: (GOTHIC) گونيك ايسلندي کهن (OLD SCANDINAVIAN)
VAXA	: (OLD HIGH GERMAN) آلماني کهن
WAHSEN	: (GERMAN) آلماني
WEAXAN	: (OLD ENGLISH) انگلسي کهن

VATAK	فارسي (PERSIAN): وتك، ورتيج، ورديج (به چم بلدرچين)
*WAT-, VART-	هند و اروپايی (INDO-EUROPEAN):
NAVARAZ	: (AFGHANI) افغاني (پشتون)
VARTIKĀ	: (SANSKRIT) سانسکريت
ORTUX	: (GREEK) برني (برناني)
VARTAK	: (PAHLAVI) بهلوي
VÄRDKA	: (OSSETIC) اوستي
VERDI, HAVARDE	: (KURDISH) كردي
GVARDĀG	: (BALUCHI) بلوجي

پسگشت‌ها	REFERENCES	برهان قاطع:	۲۲۶۸، ۲۲۵۷، ۲۲۶۸
1113	POKORNY:	فرهنگ معین:	۴۹۷۱، ۴۹۹۹، ۴۹۹۸
لغت‌نامه دهخدا:	۲۳۰۳		

فارسی (PERSIAN):	ورزش، بروز، ورزیدن، ورزش	VARZ, BARZ, VARZIDAN, WARZESH
چم انگلیسی سروازه‌ای فارسی:		WORK, SPORT(S)
هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):		*WERG-, *WREG-, *WERGOM

اوستایی (AVESTAN):	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	WEORC
پهلوی (PAHLAVI):	انگلیسی (ENGLISH)	WORK
بهلوي (PAHLAVI):	دانمارکی (DANISH)	VARK
VARZ, VARZISHN, WARZIDAN	سوئدی (SWEDISH)	VERK
کردی (KURDISH):	نروژی (NORWEGIAN)	VERK
افغانی (پشتو) (AFGHANI):	هلندی (DUTCH)	WERK
تخاری (TOKHARIAN A) A	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	OPAIR, FAIRGED
ارمنی (ARMENIAN):		
يونانی (GREEK):		
گوته‌ک (GOTHIC):		
WAURSTW, WAURKJAN		
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):		
VERK, YAKJA, VERKA		
ساکسونی کهن (OLD SAXON):		
WERK, WIRKIAN		
فریزی کهن (OLD FRISIAN):		
WERK, WERKIA		
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):		
WERAH, WERC, WIRCHEN		
WERK, WIRKEN		

پسگشت‌ها	REFERENCES
1168-1170	POKORNY:
(WORK) 1244	BARNHART:
(WORK) 140, (WARZ-) 88	MACKENZIE:
539-542, 537	BUCK:
(WORK) 1012	ONIONS:
(WORK) 732	SKEAT:
برهان قاطع:	۲۲۶۸ و ۲۵۴
لغت‌نامه دهخدا:	۲۳۱۶۰ و ۲۳۱۶۰

یادداشت:

- این واژه‌بیشه در واژه‌های فارسی "برزگر" و "ورزاو" (ورزگار) هم دیده می‌شد.
- چم این واژه در زبان کردی: گاوار نر ویژه‌ی کار و شخمزنی، در کردی WERZ بمعنی "زمین کشت و کار شده".

ورزا، ورزاؤ (به چم "گاو نز") / ۵۲۱

VARZĀ, VARZĀV	فارسی (PERSIAN) : ورزاؤ، ورزاؤ (به چم "گاو نز")
OX	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*VAKĀ, *WAKĀ	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
VOL	صربی (SERBIAN) : (شاید)
VŌL	بوهی (BOHEMIAN) : (شاید)
VERSHIS	: (LITHUANIAN) لیتوانی
VĒRSIS	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
REFERENCES پسگشت‌ها	
POKORNY:	1111
BARNHART:	(VACCINE) 1191
DELAMARRE:	(VACHE) 139
MACKENZIE:	(PLOUGHING OX) 127
BUCK:	(OX) 152-155
۲۲۶۹-۲۲۷۰	برهان قاطع :
VARZĀ, WARZĀG پهلوی (PAHLAVI) :	
WERSA	کردی (KURDISH) :
VASĀ, VRSABHA	سانسکریت (SANSKRIT) :
VACCA	لاتین (LATIN) :
VACHE	فرانسه (FRENCH) :
VACA	اسپانیایی (SPANISH) :
VACCA	ایتالیایی (ITALIAN) :
VACĀ	رومانی (RUMANIAN) :
VACA	برنالی (PORTUGUESE) :
VOLŪ	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :
WÓL	لهستانی (POLISH) : (شاید)
VOL	روسی (RUSSIAN) : (شاید)

VARVARÉ	فارسی (PERSIAN) : وروره (به چم "سنجباب")
SQUIRREL	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی :
*WERWE, *WEWERĀ, *WER-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
WEWARE	بروسی کهن (OLD PRUSSIAN) :
GWIWER	ولزی (WELSH) :
GWIBER	برتونی (BRETON) :
REFERENCES پسگشت‌ها	
POKORNY:	1166
DELAMARRE:	(ECUREIL) 138
۲۳۱۷۲	لغت‌نامه دمحدا:
VĪVERRĀ لاتین (LATIN) :	
.WEORNA	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
NĒVERICA	روسی (RUSSIAN) :
VEVERKA	چک (CZECH) :
VERVERIKA	بلغاری (BULGARIAN) :
VAIVERE, VOVERE	لیتوانی (LITHUANIAN) :
VĀVERE, VĀVERIS	لتونی (لتی) (LATVIAN) :

VAZEDAN, VAZESH	ورزیدن، وزش	: (PERSIAN)
BLOW	چم	انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*WEGH-, *WEGHUS-, *WOGH-		: (INDO-EUROPEAN)
VÄGA	سوئدی	: (SWEDISH)
VEIE	نروژی	: (NORWEGIAN)
WEGEN	هلندی	: (DUTCH)
	اسلاوی کهن	: (OLD CHURCH SLAVIC)
VEZO, VESTI	لیتوانی	: (LITHUANIAN)
VEZHU, VEZO, VÉZHTI		
FÉN	ایرلندی کهن	: (OLD IRISH)
VJZHŪ	آلبانی	: (ALBANIAN)
REFERENCES		
POKORNÝ:	1118-1119	
BARNHART:	(WEIGH) 1226	
DELAMARRE: (ALLER		
	EN CHAR) 291	
MACKENZIE:	(BLOW) 104	
ONIONS:	(WEIGH) 998	
SKEAT:	(WEIGH) 760	
MALLORY & ADAMS:	(WEIGH-)	
۲۲۷۹	برهان قاطع:	
پشت ما		
GAWIGAN	گوتیک	: (GOTHIC)
	ایسلندی کهن	: (OLD SCANDINAVIAN)
VEGA		
WEGAN	ساکونی کهن	: (OLD SAXON)
WEGA, WEIA	فریزی کهن	: (OLD FRISIAN)
	آلمانی کهن	: (OLD HIGH GERMAN)
WEGAN		
BEWEGEN, WÄGEN	آلمانی	: (GERMAN)
WEGAN	انگلیسی کهن	: (OLD ENGLISH)
WEIGH	انگلیسی	: (ENGLISH)
VEJE	دانمارکی	: (DANISH)

یادداشت:

- چم این واژه در زبان‌های سانسکریت و لیتوانی: حمل کردن، بردن، کشیدن.
- چم این واژه در زبان افغانی: هریدن.
- چم این واژه در زبان ایرلندی کهن: ارابه، وسیله‌ی ترابری.
- چم این واژه در زبان زرمی: نکان خوردن، جنبیدن، وزن کردن.

VAMIDAN, VĀMIDAN	فارسی (PERSIAN) : وامیدن، وامیدن (به چم "استفراد کردن")
VOMIT	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*WEM-, *WÈMEMI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC) :	اوستایی (AVESTAN) :
VÁMA	پهلوی (PAHLAVI) :
لهستانی (POLISH) :	سانسکرت (SANSKRIT) :
WOMITOWAĆ, WYMIOTY	يونانی (GREEK) :
VÉMTI	لاتین (LATIN) :
VEMI, VEMT	VOMITUS, VOMŌ, VOMERE
لتوانی (LITHUANIAN) :	فرانسه (FRENCH) :
پسگشت‌ها	اسپانیایی (SPANISH) :
REFERENCES	VOMITAR
POKORNY: 1146-1147	ایتالیایی (ITALIAN) :
BARNHART: (VOMIT) 1211	رومانی (PORTUGUESE) :
DELAMARRE: (VOMIR) 292	VÓMITO, VOMITAR
MACKENZIE: (VOMIT) 139	ابلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :
BUCK: 265-266	VĀMA
ONIONS: (VOMIT) 986	VOMYTE : (OLD ENGLISH) :
SKEAT: (VOMIT) 695	انگلیسی کهن (ENGLISH) :
واژه‌یاب: (استفراد) ۱۱۹-۱۲۰	VIMLA : (NORWEGIAN) (محلی) :

VANG	فارسی (PERSIAN) : وند (به چم "نهی، خالی")
EMPTY, VOID, VACUUM	چم انگلیسی سرواله‌ی فارسی:
*WØK-, *WA-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
VACIO	اوستایی (AVESTAN) :
VACO, VUOTO	پهلوی (PAHLAVI) :
VACANT	سانسکرت (SANSKRIT) :
VÁCUO	ارمنی (ARMENIAN) :
WANS	يونانی (GREEK) :
ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) :	لاتین (LATIN) :
WAN-R	VACUUM, VĀSTUS, VACĀRE, VANUS
آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN) :	فرانسه (FRENCH) :

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	345-346
BARNHART:	(VAST) 1195, (VOID) 1210, (VACUUM) 1191
BUCK:	932
ONIONS:	
(VOID)	985, (WASTE) 994
SKEAT:	
(VACUUM)	683, (VAST) 685, (WASTE) 703
۲۲۹۳	برهان قاطع:
۱۶۰ (ونگ):	فرهنگ بیدوی:
۵۰۶۱	فرهنگ معین:

VAN, WUOSTI	
WÜST	: (GERMAN) آلمانی
	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
WAN, WESTE	
	: (ENGLISH) انگلیسی
VAST, VOID, WASTE	
WOEST	: (DUTCH) هلندی
ĀVĀNS-	: (LITHUANIAN) لیتوانی
ĀVĀN-	: (LATVIAN) لتونی (لتی)
FĀS	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن

یادداشت:

- ۱- واژه‌های انگلیسی VACATION, VACANT هم از همین واجریشه‌اند.
 ۲- ممکن است واژه‌های فارسی "وید" و "ویدا" (برهان قاطع :: ۲۲۹۷) هم از همین واجریشه باشند.

REFERENCES	پسگشت‌ها	فارسی (PERSIAN): ویختن، بیختن، بیزیدن (به چم "غربال کردن")
SIFT		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*WEIK-, *WEIG-		: (INDO-EUROPEAN) هند و اروپایی
WICGA, WAG		: (AVESTAN) اوستایی
VIKTU, VIKNE : (LATVIAN)	لتونی (لتی)	: (PAHLAVI) پهلوی
REFERENCE		: (OSSETIC) اوستی
POKORNY:	1130	: (BALUCHI) بلوچی
MACKENZIE:	(SIFT) 133	: (SANSKRIT) санسکریت
۳۳۳	برهان قاطع:	: (LATIN) لاتین
۵۱۰۴	لغت نامه دهخدا:	: (GOTHIC) گوتیک
		: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن

VĒR, BĒR	فارسی (PERSIAN): ویر، بیر (به چم "هوش"، "حافظه"، "نیرو(مند)")
INTELLECT, INTELLIGENCE, MEMORY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*WIROS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
WIJRS : (OLD PRUSSIAN)	اوستایی (AVESTAN) :
FER : (OLD IRISH)	پهلوی (PAHLAVI) :
	کردی (KURDISH) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	1177-1178
MACKENZIE:	
(MEMORY) 123, (MIND) 124	
BUCK:	81
RAMAT:	46
۳۳۴ و ۲۲۹۸	برهان قاطع:
۲۳۲۶۲	لغت نامه دمحدا:

VĪRA, VĪRŌ	اوستایی (AVESTAN) :
WIR, WIROMANDĪH : (PAHLAVI)	پهلوی (PAHLAVI) :
BIR	کردی (KURDISH) :
GIR	بلوچی (BALUCHI) :
WIR	تخاری (TOKHARIAN A) A :
VIRĀ	سانسکریت (SANSKRIT) :
(W)ĪROS	بونانی (GREEK) :
VIR	لانین (LATIN) :
WAIRS	گوتیک (GOTHIC) :
WER-	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH) :
VYRAS	لیتوانی (LITHUANIAN) :
WĪRS	لتوانی (LITVIAN) :

یادداشت:

در پهلوی این واژه هم به چم "یاد" و "حافظه" و "هوش" بوده و هم به چم "نیرومند"، "قهرمان".

VISH	فارسی (PERSIAN): ویش (به چم "پرنده، "زغن")
BIRD, KITE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*AWEI-, *AWIS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
AVE : (PORTUGUESE)	اوستایی (AVESTAN) :
HWYAD : (GAULISH)	پهلوی (PAHLAVI) :
HOUAD : (BRETON)	.WĪZAG, VĀL, VĀYANDAK
VIDO, VITO : (ALBANIAN)	سانسکریت (SANSKRIT) :
REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	86
DELAMARRE:	(OISEAU) 139
MACKENZIE:	(BIRD) 104
BUCK:	183
۲۳۲۶۷	لغت نامه دمحدا:

VĪSH, VAZ	اوستایی (AVESTAN) :
	پهلوی (PAHLAVI) :
	.WĪZAG, VĀL, VĀYANDAK
	سانسکریت (SANSKRIT) :
VIS, VES, VAYASAጀ	
HAW	ارمنی (ARMENIAN) :
A(W)IETÓS	بونانی (GREEK) :
AVIS	لانین (LATIN) :
OISEA	فرانسه (FRENCH) :
AVE	اسپانیایی (SPANISH) :
UCELLO	ایتالیایی (ITALIAN) :

یادداشت:

چم این واژه در زبان یونانی: عقاب.

چم این واژه در زبان آلبانی: کبوتر.

HĀMŪ, HĀMON	هامون، هامن (به چم "دشت هموار")	فارسی (PERSIAN):
PLAIN, FLAT, LEVEL (LAND)	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*SOM-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی
اسلاوی کهن : (OLD CHURCH SLAVIC)	HĀMA-	اوستایی (AVESTAN):
SAMŪ	HĀMŌN, HĀMŪN	پهلوی (PAHLAVI):
SAM, SŌMI : (OLD IRISH)	SĀMAN-, SĀMANĀ-	санسکریت (SANSKRIT):
ایرلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)		ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN):
REFERENCES	پسگشت‌ها	
POKORNÝ:	904-905	SŌMA
BARNHART:	(SEEM) 979-980	ZIEMEN
MACKENZIE:	(LEVEL) 121	SŌM, SĒMAN
۲۳۱۱	برهان قاطع :	SEEM

یادداشت:

۱- بازگشت به: هم، همه.

۲- چم این واژه در زبان‌های کهن: راحت، دلسته.

چم این واژه در زبان‌های انگلیسی نوبن: برازیدن، نمودن.

HĀMIN, HAMIN	هامین، همین (به چم "تابستان")	فارسی (PERSIAN):
SUMMER	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:	
*SEM-, *SMMER-, *SMA-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی
ایسلندی کهن : (OLD SCANDINAVIAN)		اوستایی (AVESTAN):
SUMAR	HAM-, HAMA-, HAMINA	
SUMAR : (OLD SAXON)		پهلوی (PAHLAVI):
SUMUR : (OLD FRISIAN)	HĀMĪN, HĀMĪNĪG	
فریزی کهن : (OLD HIGH GERMAN)	HAVIN	کردی (KURDISH):
آلمنی کهن : (GERMAN)	SĀMĀ	سانسکریت (SANSKRIT):
SUMAR	AM, AMARN	ارمنی (ARMENIAN):
SOMMER : (GERMAN)		

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	905
BARNHART:	(SUMMER) 1090
DELAMARRE:	(ÉTÉ) 195
MACKENZIE:	(SUMMER) 135
BUCK:	1013-1014
ONIONS:	(SUMMER) 885
SKEAT:	(SUMMER) 615
AMINDAROV:	(SUMMER) 295
۲۳۷۴	برهان قاطع :

SUMOR	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
SUMMER	: (ENGLISH) انگلیسی
SOMMER	: (DANISH) دانمارکی
SOMMAR	: (SWEDISH) سوئدی
SOMMER	: (NORWEGIAN) نروژی
ZOMER	: (DUTCH) هلندی
	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن
SAM, SAMRAD	
SAMONIOS	: (GAULISH) گالی
HAF	: (WELSH) ولزی
HANŪ	: (BRETON) برتونی

HEZĀR	فارسی (PERSIAN) : هزار
THOUSAND	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*GHEСLO-, *GHEСLOM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)

MIL	: (SPANISH) اسپانیایی	: (AVESTAN) اوستایی
MILLE	: (ITALIAN) ایتالیایی	HAZAN(G)RA, HAZANREM
MIE	: (RUMANIAN) رومانی	PAHLAVI (پهلوی)
MIL	: (PORTUGUESE) پرتغالی	KURDI (کردی)
*GHEСLO-, *GHEСLOM		ZAR, ZĒR (AFGHANI) افغانی (پشتو)
REFERENCES	پسگشت‌ها	Z'R (SOGADIAN) سغدی
POKORNY:	446	: (SANSKRIT) سانسکریت
DELAMARRE:	(MILLE) 216	-HĀSRAM, SAHĀSRA
MACKENZIE:	(THOUSAND) 136	HAZAR (ARMENIAN) ارمنی
AMINDAROV:	(THOUSAND) 298	KHÉLLIOI (GREEK) یونانی
۲۳۷۴	برهان قاطع :	MILLE (LATIN) لاتین
		MILLE (FRENCH) فرانسه

HAST, HASTAN	فارسی (PERSIAN): هست، هستن
BE, IS	چم انگلیسی سروالهای فارسی:
*ESO, *ÉSMI, *ESI, *ESTI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SEIN	آلمانی (GERMAN):
IS	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH):
IS	انگلیسی (ENGLISH):
ER	دانمارکی (DANISH):
ÄR	سوئدی (SWEDISH):
IS	هلندی (DUTCH):
	اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC):
JESMÍ, JESTÚ	
JEST	لهستانی (POLISH):
EST	روسی (RUSSIAN):
STÁT	چک (CZECH):
ESMI, ESTI, ESSI	لیتوانی (LITHUANIAN):
ESMŪ	لتونی (LATVIAN):
IS, AM	ایرلندی کهن (OLD IRISH):
JAM	آلбанی (ALBANIAN):
ESMI, ESHZI	هفت (HITTITE):
REFERENCES	بگشت‌ها
POKORNY:	146, 340-342
BARNHART:	(IS) 545
DELAMARRE:	(ÊTRE) 255
MACKENZIE:	(IS) 120
BUCK:	635-636
SKEAT:	(ARE) 29
AMINDAROV:	189

AH-, AHMI, AHL, ASHTI	اوستایی (AVESTAN):
AST	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
AST, HAST	پهلوی (PAHLAVI):
HEYIN, HEBŪN	کردی (KURDISH):
	افغانی (هشتو) (AFGHANI):
DA, DI, DAY, YÄST	
STAR-, STE	تخاری (TOKHARIAN B) B: (SANSKRIT):
ÁSMI, ÁSI, ÁSTI, AS-	санسکریت (SANSKRIT):
EM, Ē	ارمنی (ARMENIAN):
ESTI, EIMI, EÎNAI	يونانی (GREEK):
ESSE, EST, ES, SUM	لاتین (LATIN):
EST, ÊTRE	فرانسه (FRENCH):
ES, SER	اسپانیایی (SPANISH):
ESSERE	ایتالیایی (ITALIAN):
ISTE	روماني (RUMANIAN):
SER	پرتغالی (PORTUGUESE):
IS, IST, IM	گوئیک (GOTHIC):
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN):
EM, ES, ER	
IS	ساکونی کهن (OLD SAXON):
IS	فریزی کهن (OLD FRISIAN):
	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN):
IST, WESEN	

یادداشت:

- ۱- در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی کارواز (فعل) " وجود داشتن " ، با بکارگیری دو ریشه‌ی BH- و ES- صرف می‌شود.
- ۲- بازگشت به: بودن.

HASHT		هشت	: (PERSIAN)
EIGHT			چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*OKTŌ			هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
OTTE	: (DANISH) دانمارکی	ASHTA, ASTA	: (AVESTAN) اوستایی
ĀTTE	: (NORWEGIAN) نروژی	HASHT	: (PAHLAVI) پهلوی
ACHT	: (DUTCH) هلندی :(OLD CHURCH SLAVIC) اسلامی کهن	AST	: (OSSETIC) اوستی
OSMÍ		HEYSHT, HASHT	: (KURDISH) کردی
OSIEM	: (POLISH) لهستانی	ATĒ, ATA	: (AFGHANI) افغانی (پشتو)
VOSEM	: (RUSSIAN) روسی	OKÄT	: (TOKHARIAN A) A تخاری A
OSM	: (CZECH) چک	OKT	: (TOKHARIAN B) B تخاری B
OSEM	: (BULGARIAN) بلغاری		: (SANSKRIT) سانسکریت
OSEM	: (SLOVAK) اسلواکی	ASTĀÚ, ASHTĀÚ, ASTĀ, ASTAN	
ASHTUONI	: (LITHUANIAN) لیتوانی		: (ARMENIAN) ارمنی
OCHT	: (OLD IRISH) ایرلندی کهن	UTH, OUTEH, OU·U	
WYTH	: (GAULISH) گالی	OKTŌ	: (GREEK) یونانی
EIZ, EICH	: (BRETON) برتونی	OCTO	: (LATIN) لاتین
OCHD	: (GAELIC) گالیک	HUIT	: (FRENCH) فرانسه
TETË	: (ALBANIAN) آلبانی	OCHO	: (SPANISH) اسپانیایی
REFERENCES	پشتہ ما	OTTO	: (ITALIAN) ایتالیایی
POKORNÝ:	775	OPT	: (RUMANIAN) رومانی
BARNHART:	(EIGHT) 318	OITO	: (PORTUGUESE) پرتغالی
DELAMARRE:	(HUIT)	AHTAU	: (GOTHIC) گوتیک
MACKENZIE:	(EIGHT) 112		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
ONIONS:	(EIGHT) 304	ĀTTA	
SKEAT:	(EIGHT) 189	AHTO	: (OLD SAXON) ساکسونی کهن
AMINDAROV:	(EIGHT) 217	ACHTA	: (OLD FRISIAN) فریزی کهن
برهان قاطع:		AHTO	: (OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن
۲۳۲۸		ACHT	: (GERMAN) آلمانی
		EAHTA	: (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن
		EIGHT	: (ENGLISH) انگلیسی

یادداشت:

(POKORNY ۷۷۵ در صفحه‌ی همین ریشه است)

HASHTAD	هشتاد	فارسی (PERSIAN):
EIGHTY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*OKTŌ+DEKM	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
EIGHTETI : (OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	ASHTĀTI	اوستایی (AVESTAN):
EIGHTY : (ENGLISH) انگلیسی		پهلوی (PAHLAVI):
ATTI : (NORWEGIAN) نروژی	HASHTAT, ASHTAT, HASHTĀD	
ACHTIG : (DUTCH) هلندی		کردي (KURDISH):
OSIEMDZIESIAT : (POLISH) لهستانی	HESHTI, ASHTE, HASHTEH	
VOSEMDESyat : (RUSSIAN) روسی	ATIĀ, ATYĀ : (AFGHANI)	افغانی (پشتو):
OSMDESÁT : (CZECH) چک	ASHIITÍ : (SANSKRIT)	санскрит (SANSKRIT):
OSEMDESET : (BULGARIAN) بلغاری	OUTSOUN : (ARMENIAN)	ارمنی (ARMENIAN):
OSEMDESİAT : (SLOVAK) اسلواکی	EBDOMHTA : (GREEK)	يونانی (GREEK):
TETËDHJETË : (ALBANIAN) آلبانی	OCTOGINT : (LATIN)	لاتین (LATIN):
REFERENCES پسگشت ها	QUATRE-VINGTS : (FRENCH)	فرانسه (FRENCH):
BARNHART: (EIGHTY) 318	OCHEENTA : (SPANISH)	اسپانیایی (SPANISH):
MACKENZIE: (EIGHT) 112	OTTANTA : (ITALIAN)	ایتالیایی (ITALIAN):
ONIONS: (EIGHTY) 304	OPTZECI : (RUMANIAN)	رومانی (RUMANIAN):
۲۳۳۸ برهان قاطع :	OITENTA : (PORTUGUESE)	پرتغالی (PORTUGUESE):

یادداشت:

بازگشت به: هشت، ده.

HAR	هر (مثلًا در "هرجا" یا "هرگز")	فارسی (PERSIAN):
EACH, EVERY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*SOL, *SEL, *SOLWOS, *SOLNOS	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):	
HER : (KURDISH) کردي	HAURVA : (AVESTAN)	اوستایی (AVESTAN):
HAR : (BALUCHI) بلوچی	HARUVA : (OLD PERSIAN)	پارسی باستان (OLD PERSIAN):
HAR : (AFGHANI) افغانی (پشتو)	HAR, HARW : (PAHLAVI)	پهلوی (PAHLAVI):

HOLL, OLL	: (BRETON)	برتونی
CJALE	: (ALBANIAN)	آلانی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	979-980
BARNHART:	(SAFE) 950-951
MACKENZIE:	
(EACH) 112, (EVERY) 113	
BUCK:	(WHOLE) 918-919
ONIONS:	(SAFE) 781
۲۳۱۸	برهان قاطع :

SALU	: (TOKHARIAN A) A	تخاری
SOLME	: (TOKHARIAN B) B	تخاری
SÁRVA, SÁRVAS	: (SANSKRIT)	санسکریت
OLJ	: (ARMENIAN)	ارمنی
HÓLOS, OLOS	: (GREEK)	یونانی
SALVUS,	SHLŪS: (LATIN)	لاتین
SAUF	: (FRENCH)	فرانسه
SALVO	: (SPANISH)	اسپانیایی
SALVO	: (ITALIAN)	ایتالیایی
SALVO	: (PORTUGUESE)	پرتغالی
OLL	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
		یادداشت:

۱- واژه‌ی "فرام" (پارسی باستان: FRA-HARAVAM) نیز از همین ریشه است.

۲- چم این واژه در زبان‌های رومانی: سالم، بی خطر، بی آسیب.

HESHTAN	هشتاد (به چم "گذاشتن": "رها کردن")	فارسی (PERSIAN):
RELEASE, PUT, PLACE, LET		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*SELG		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):

SULKE	: (ENGLISH)	انگلیسی
SELG	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن
HELA	: (WELSH)	ولزی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	900
BARNHART:	(SULKY) 1089
MACKENZIE:	(HISHTAN) 43
ONIONS:	(SULK) 884
SKEAT:	(SULKY) 614-615
۲۳۲۹	برهان قاطع :

ISHODEL	: (AFGHANI)	افغانی (پشتو)
SRJ-, SRJATI,	: (SANSKRIT)	санسکریت
SRSHTA		
	: (MIDDLE HIGH GERMAN)	آلمانی میانه
SELKEN		
ASOLCEN,	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
SULKE, ĀSEOLCAN, BESYLCAN		
		یادداشت:

چم این واژه در ایرلندی کهن و ولزی: شکار.

چم این واژه در انگلیسی نوین: آخمو، عبوس.

HAFT	هفت	فارسی (PERSIAN)
SEVEN	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:	
*SEPM-		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SEVEN	انگلیسی (ENGLISH)	اوستایی (AVESTAN)
SYV	دانمارکی (DANISH)	پهلوی (PAHLAVI)
SJU	سوئدی (SWEDISH)	اوستی (OSSETIC)
SJU	نروژی (NORWEGIAN)	کردی (KURDISH)
ZEVEN	هلندی (DUTCH) اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	HEFT, HAFT, AHFT, HEVFT افغانی (پشت) (AFGHANI)
SEDMI		تخاری (TOKHARIAN A)
SIEDEM	لهستانی (POLISH)	سانکریت (SANSKRIT)
SEM	روسی (RUSSIAN)	ارمنی (ARMENIAN)
SEDM	چک (CZECH)	EWTHN, YOTEH, YOTU
SEDEM	بلغاری (BULGARIAN)	یونانی (GREEK)
SEDEM	املاکی (SLOVAK)	لاتین (LATIN)
SEPTYNI	لیتوانی (LITHUANIAN)	فرانسه (FRENCH)
SECHT	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	اسپانیایی (SPANISH)
SHTATË	آلбанی (ALBANIAN)	ایتالیایی (ITALIAN)
SIPTA, SIPTAMIA	هبت (HITTITE)	رومانی (RUMANIAN)
<hr/>		پرتغالی (PORTUGUESE)
REFERENCES	پسکشتهای	گوئیک (GOTHIC)
POKORNÝ:	909	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
BARNHART:	(SEVEN) 989	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
DELAMARRE:	(SEPT) 213	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
MACKENZIE:	(SEVEN) 132	SOVEN, SIGUN
ONIONS:	(SEVEN) 813	SIBUN: (OLD HIGH GERMAN)
SKEAT:	(SEVEN) 551	SIEBEN: (GERMAN)
۲۳۴	برهان قاطع:	SEOFRON: (OLD ENGLISH)

HAFTĀD		فارسی (PERSIAN) : هفتاد
SEVENTY		چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*SEPM+TDEKM		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
SEOVENTI : (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	اوستایی (AVESTAN) :
SEVENTY	: (ENGLISH)	پهلوی (PAHLAVI)
SJUTIO	: (SWEDISH)	کردی (KURDISH)
ZEVENTIG	: (DUTCH)	HEFTĒ, HEFTL, AHFTÉ
SIEDEM DZIESIAT	: (POLISH)	افغانی (بشن) (AFGHANI)
SEMDESyat	: (RUSSIAN)	سانسکریت (SANSKRIT)
SEDMDESAT	: (CZECH)	ارمنی (ARMENIAN)
SEDEMDEST	: (BULGARIAN)	یونانی (GREEK)
SEDEMDESIAT	: (SLOVAK)	لاتین (LATIN)
SHTATËDHJETË	: (ALBANIAN)	فرانسه (FRENCH)
REFERENCES		اسپانیایی (SPANISH)
POKORNY:	909	ایتالیایی (ITALIAN)
BARNHART:	(SEVENTY) 989	رومانی (RUMANIAN)
MACKENZIE:	(SEVENTY) 132	پرتغالی (PORTUGUESE)
ONIONS:	(SEVENTY) 813	نورس کهن (OLD NORSE)
۲۳۴۲	برهان قاطع :	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
		SIBUNZUG
		SIEBZIG
		آلمانی (GERMAN)
		یادداشت:
		بازگشت به: هفت، ده.

HAFTOM		فارسی (PERSIAN) : هفتم
SEVENTH		چم انگلیسی سروازه‌ی هشتمی:
*SEPTMOS		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN)
YOTNERORT	: (ARMENIAN)	اوستایی (AVESTAN) :
HÉBDOMOS	: (GREEK)	پهلوی (PAHLAVI)
SEPTIMUS	: (LATIN)	کردی (KURDISH)
SEPTIEM	: (FRENCH)	افغانی (بشن) (AFGHANI)
SEPTIMO	: (SPANISH)	سانسکریت (SANSKRIT)

اسلاوی کهن (OLD CHURCH SLAVIC)	SETTIMO	ایتالیایی (ITALIAN)
SEDMÙ		: (RUMANIAN)
SIODMY	AL SAPTELEA, A SAPTEA	رومانی
	SÉTIMO	پرتغالی (PORTUGUESE)
	SEKMAS, SEPTINTAS	: (OLD SCANDINAVIAN)
SEPMAS	SJAUNDI	ایسلندی کهن
: (OLD PRUSSIAN)	SIVONDO	ساکسونی کهن (OLD SAXON)
: (OLD IRISH)	SIGUNDA	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
SECHTM, SECHTMAD		: (OLD HIGH GERMAN)
SEXTAMETOS	SIEBTE, SIEBENTE	آلمانی (GERMAN)
گالی (GAULISH)		: (OLD ENGLISH)
SEITHFED	SEOFUNDA	انگلیسی کهن
ولزی (WELSH)	SEVENTH	: (ENGLISH)
	SYVENDE	دانمارکی (DANISH)
	SJUENDE	: (NORWEGIAN)
	SEVENDED	: (DUTCH)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	909
BARNHART:	(SEVENTH) 989
DELAMARRE:	(SEPTIEM) 213
ONIONS:	(SEVENTH) 813
۲۳۴۹۹	لغت نامه دهخدا:

HOL	هل (در گویش دهستان ابیانه نزدیک کاشان، به چم "سوراخ")	فارسی (PERSIAN)
HOLE		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*KUL, *KAUL-, *KE-, *KOLIA		هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) (شاید):
HOHL	آلمانی (GERMAN)	санسکریت (SANSKRIT)
HOL	: (OLD ENGLISH)	یونانی (GREEK)
HOLE	: (ENGLISH)	لانین (LATIN)
HUL	: (DANISH)	فرانسه (FRENCH)
HÅL	: (SWEDISH)	گوتیک (GOTHIC)
HUL	: (NORWEGIAN)	: (OLD SCANDINAVIAN)
HOL	: (DUTCH)	ایسلندی کهن
KÁULAS	: (LITHUANIAN)	سаксونی کهن (OLD SAXON)
KAĀLS	: (LATVIAN)	فریزی کهن (OLD FRISIAN)
CAULAN	: (OLD PRUSSIAN)	آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)

ONIONS:	(HOLE) 444	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(HOLE) 274	POKORNY:	537
		BARNHART:	(HOLE) 486

یادداشت:

- ۱- شاید واژه‌ی فارسی "کون" (پهلوی: KUN، KIN) کردی: QING، KUN نیز از همین واجرشه باشد.
- ۲- چم این واژه در سانسکریت: راه آبی، آبراه.
چم این واژه در یونانی: ساقه.

HAM, HAMĀN, HAM-	-هم، همان، -هم، هم-	فارسی (PERSIAN):
TOO, ALSO, SYN-		چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*SOM-, *SEM-, *SM-		: (INDO-EUROPEAN)

SWA	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن	: (AVESTAN)
SAME	: (ENGLISH)	انگلیسی	HAM-, HĀMA-, HAMŌ
SO-	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن	: (OLD PERSIAN)
SAMUII	: (RUSSIAN)	روسی	HAM-, HAMA-, EM-, HA-
SAM-	: (LITHUANIAN)	لیٹوانی	HAMI, HAM-, : (PAHLAVI)
SEN, SAN-	: (OLD PRUSSIAN)	بروسی کهن	HAMĀN
SOM	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن	AM-, ĀN- : (OSSETIC)
			: (KURDISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	903
BARNHART:	(SAME) 954
DELAMARRE:	
	(MĒME) 234, (AVEC) 301
MACKENZIE:	
	(ALSO) 102, (SAME) 131
BUCK:	911
ONIONS:	(SAME) 785
SKEAT:	(SAME) 533
۲۲۶۲	برهان قاطع :

AM, HEM, HIM, HEMR, HEMAN	بلوچی (BALUCHI)
HAM, HAM-, HAW-	: (AFGHANI)
	افغانی (پشتو)
HAMAGHĒ, HAM	
SOMA-	: (TOKHARIAN A) A
ĀM-, SAMĀS-	: (SANSKRIT)
HOMÓS, HOMO-	بونانی (GREEK)
SIMILIS, SIMUL	لاتین (LATIN)
SAMA-	: (GOTHIC)
	گوتیک
	: (OLD SCANDINAVIAN)
SAMR	
SAMA	: (OLD HIGH GERMAN)
	آلسانی کهن

یادداشت:

۱- بازگشت به: همه.

۲- واژه‌های SIMULTANEOUS, SIMILE, SIMILAR نیز از همین رشته‌اند.

HAMÉ		همه	فارسی (PERSIAN):
ALL, EVERYONE			چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*SEM-, *SEMGH-			هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
SUMS	گوتیک (GOTHIC): ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)	HĀMA-, HATHRĀ	اوستایی (AVESTAN): پارسی باستان (OLD PERSIAN)
SUMR		*HAMAKA, HAMA	
SUM	آلانی کهن (OLD HIGH GERMAN)		پهلوی (PAHLAVI)
SUM	انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)	HAMAG, HAMAK, HAMĀK, HAMAGIH	
REFERENCES	پسگشت‌ها	HEMŪ, HIM	کردي (KURDISH): بلوچی (BALUCHI)
POKORNY:	903-904	HAMA, HAMUK, HAMAK	
MACKENZIE:		SAMĀ, SAHĀ, SADHRI	санскربت (SANSKRIT)
	(ALL) 102, (TOTALITY) 137	AMĒN, AMĒN-AIN	يونانی (GREEK):
۲۳۷۳	برهان قاطع:		

یادداشت:

بازگشت به: هم.

HONAR		هنر	فارسی (PERSIAN):
SKILL, ABILITY			چشم انگلیسی سرواژه‌ی فارسی:
*NER-, *ANER			هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
HNAR	ارمنی (ARMENIAN)	HUNARA	اوستایی (AVESTAN):
EU-ĒNŌR	يونانی (GREEK)	HUNAR	پهلوی (PAHLAVI)
SO-NIRT	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	HŪNER	کردي (KURDISH):
HY-NERTH	ولزی (WELSH)	HUNAR	بلوچی (BALUCHI)
NERZ	برتونی (BRETON)	HUNAR	افغانی (پشتو) (AFGHANI): санскربت (SANSKRIT)
		SŪNĀRA, SŪNRITA	

MACKENZIE:	(HUNAR) 44	REFERENCES	پسگشت‌ها
۲۳۸۱	برهان قاطع :	POKORNY:	765

یادداشت:

بازگشت به: نر، نیرو

HŪSH	هوش	فارسی (PERSIAN)
INTELLIGENCE, MEMORY	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی	
*OUS-, *US-, *ðUS-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی

REFERENCES	پسگشت‌ها	اوستایی (AVESTAN)
POKORNY:	785	: (PAHLAVI)
MACKENZIE:		پهلوی
	(INTELLIGENCE) 120	HŪSH, HŌSH, ŌSH, ŌSHIH
۲۳۹۳	برهان قاطع :	کردی (KURDISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها	اوستایی (AVESTAN)
POKORNY:	785	: (PAHLAVI)
MACKENZIE:		پهلوی
	(INTELLIGENCE) 120	HISH
۲۳۹۳	برهان قاطع :	کردی (KURDISH)

REFERENCES	پسگشت‌ها	اوستایی (AVESTAN)
POKORNY:	785	: (PAHLAVI)
MACKENZIE:		پهلوی
	(INTELLIGENCE) 120	WISH
۲۳۹۳	برهان قاطع :	افغانی (پشتو) (AFGHANI)

REFERENCES	پسگشت‌ها	اوستایی (AVESTAN)
POKORNY:	785	: (PAHLAVI)
MACKENZIE:		پهلوی
	(INTELLIGENCE) 120	USH
۲۳۹۳	برهان قاطع :	ارمنی (ARMENIAN)

یادداشت:

بازگشت به: گوش.

*HIZOM	هیزم	فارسی (PERSIAN)
FIREWOOD	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی	
*AIDH-, *IDH-, *INDH-	: (INDO-EUROPEAN)	هند و اروپایی

ID	سوئدی (SWEDISH)	اوستایی (AVESTAN)
ID	نروژی (NORWEGIAN)	پهلوی (PAHLAVI)
NISTIJ	چک (CZECH)	کردی (KURDISH)
ISTEJE	اسلواکی (SLOVAK)	HEZ, HEZINK, HEZING
IESMĖ	لیتوانی (LITHUANIAN)	санسکریت (VEDA, SANSKRIT)
AISTRA	لتونی (LATVIAN)	IDHMĀH, EDHMA, ĒDHAS, IDHMÁS
AED	ایرلندی کهن (OLD IRISH)	یونانی (GREEK)
AEDUI	گالی (GAULISH)	لاتین (LATIN)
		ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)
EIT		آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
AD		انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)

MACKENZIE:	(FIREWOOD) 114	REFERENCES	پشت ها
ONIONS:	(ETHER) 329	POKORNY:	11-12
SKEAT:		BARNHART:	(ETHER) 345
(AIDH) 752, (ESTUARY) 200		DELAMARRE:	
۲۴۰۷	برهان قاطع:	(BOIS A BRULER)	127

یادداشت:

- ۱- واژه ای انگلیسی (لاتین: **AESTUARIUM**) نز از همین ریشه است.
 ۲- چم این واژه در زبان های یونانی و ایسلندی کهن و ایرلندی کهن و گالی: آتش، سرختن.
 چم این واژه در زبان لاتین: گرم، جوش.

YĀZDAH	فارسی (PERSIAN): یازده
ELEVEN	چشم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*OINOS, *OIKOS+DEKM-, *DEKU-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN):
ELLEBAN : (OLD SAXON) ساکسونی کهن :(OLD HIGH GERMAN) آلمانی کهن	اوستایی (AVESTAN) AEVADASA
EINLIF	پهلوی (PAHLAVI) YACDAH, YĀZDAH
ELF آلمانی (GERMAN) :(OLD ENGLISH) انگلیسی کهن	کردی (KURDISH) YĀNZDEH
ENDLEOFAN	افغانی (پشتر) (AFGHANI) YOLAS, YIWOLEŚ
ELEVEN انگلیسی (ENGLISH)	санسکرت (SANSKRIT)
ELLEVE دانمارکی (DANISH)	KADZN, ĒKAADASHAN
ELFVA سوئدی (SWEDISH)	ارمنی (ARMENIAN) DASSNEH MEG
ELLEVE نروژی (NORWEGIAN)	يونانی (GREEK) ENTEKA
ELF هلندی (DUTCH)	لاتین (LATIN) UNDECIM
JEDENASTU لهستانی (POLISH)	فرانسه (FRENCH) ONZE
ODINNADTSAT روسی (RUSSIAN)	اسپانیایی (SPANISH) ONCE
JEDENÁCT چک (CZECH)	ایتالیایی (ITALIAN) UNDICCI
EDYNAYESET بلغاری (BULGARIAN)	رومانی (RUMANIAN) UNSPREZECE
JEDENAST اسلواکی (SLOVAK)	پرتغالی (PORTUGUESE) ONZE
NJĒMBĒDHJETÈ آلبانی (ALVANIAN)	گوتبک (GOTHIC) AINLIF
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) ELLIFU

MACKENZIE:	(ELEVEN) 112	REFERENCES	پسگشت‌ها
SKEAT:	(ELEVEN) 190	POKORNY:	286, 191
۲۴۱۷	برهان قاطع :	BARNHART:	(ELEVEN) 321
		DELAMARRE:	209, 214

YAX	فارسی (PERSIAN) :
ICE	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*EIS-, *EI-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
IS	نروژی (NORWEGIAN) : اوستایی (AVESTAN)
IJC	هلندی (DUTCH) : پهلوی (PAHLAVI) (پازند)
	: (OLD CHURCH SLAVIC) اوستی (OSSETIC)
INEJ, INIJ	اسلاوی کهن (BALUCHI)
ÍNEJ	روسی (RUSSIAN) : کردی (KURDISH)
JÍNIE	چک (CZECH) : بلرچی (AFGHANI)
ÝNIS	لیتوانی (LITHUANIAN) : افغانی (پشنو) (BALUCHI)
	ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN) : ایسلندی کهن (OLD SCANDINAVIAN)

REFERENCES	پسگشت‌ها
POKORNY:	301 ساکسونی کهن (OLD SAXON)
BARNHART:	(ICE) 503 فربزی کهن (OLD FRISIAN)
DELAMARRE:	(GLACE) 182 آلمانی کهن (OLD HIGH GERMAN)
BUCK:	69-70 آلمانی (GERMAN)
ONIONS:	(ICE) 458 انگلیسی کهن (OLD ENGLISH)
SKEAT:	(ICE) 285 انگلیسی (ENGLISH)
MALLORY & ADAMS:	HEIHX دانمارکی (DANISH)
۲۴۲۷	برهان قاطع :
	سوئدی (SWEDISH)

YAZDĀN	فارسی (PERSIAN) :
GOD	چم انگلیسی سرووازه‌ی فارسی:
*IAG-, *IAGOS-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
YAZTĀN, YAZDAN, YAZD	اوستایی (AVESTAN)
ÉZDAN	کردی (KURDISH) : پهلوی (PAHLAVI)

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	501
MACKENZIE:	(GOD) 116
MINDAROV:	(GOD) 231
۲۴۳۲	برهان قاطع:

YEZDĀN	بلوچی (BALUCHI)
	سانسکریت (SANSKRIT)
YAJATI, YASTA-, IJYĀ, YÁJYA-, YAJAS-	
AGIOS, AHIOS	یونانی (GREEK)

بادداشت:

۱- چم این واژه در زبان سانسکریت: قربانی، نیایش، پرسنث.

چم این واژه در زبان یونانی: مقدس

۲- واژه‌ی "یسنا" (اوستایی: YASNA؛ سانسکریت: YAJNĀH؛ یونانی: ἌGNOS) نیز از همین واجریشه است.

YASNA	فارسی (PERSIAN) : یسنا (بخشی از کتاب مقدس اوستا)
YASNA	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*IAG-, *YAG-	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
REFERENCES	پسگشت ها
POKORNÝ:	501
BARNHART:	
(HAGIOLOGY) 460-461	
MACKENZIE:	(WORSHIP) 140
۲۴۳۲	برهان قاطع:

YASNA-, YESNYA-	اوستایی (AVESTAN) :
	پهلوی (PAHLAVI)
YASN, YASHT, YAZISHN	
	سانسکریت (SANSKRIT)
YAJNĀH, IJYĀ, YÁJYA, YÁJATI	
HÁGIOS	یونانی (GREEK) :

YEK, YAK	فارسی (PERSIAN) : یک
ONE	چم انگلیسی سروواژه‌ی فارسی:
*OINOS, *OIKOS,	هند و اروپایی (INDO-EUROPEAN) :
YAW, YĒW, YŌ : (AFGHANI)	اوستایی (AVESTAN) :
ÉKAS, ÉKA : (SANSKRIT)	پارسی باستان (OLD PERSIAN)
AID, ITA, VOK : (ARMENIAN)	
	اوستی (OSSETIC)
	پهلوی (PAHLAVI)
OINOS, OINE, ENA, HEN	
ŪNOS	کردی (KURDISH) :
UN, UNE	بلوچی (BALUCHI)

JEDEN	: (CZECH)	چک	: (SPANISH)	اسپانیایی
EDNO	: (BULGARIAN)	بلغاری	: (ITALIAN)	ایتالیایی
JEDEN	: (BOHEMIAN)	بوهی	: (RUMANIAN)	رومانی
JEDEN	: (SLOVAK)	اسلواکی	: (PORTUGUESE)	پرتغالی
VIENAS	: (LITHUANIAN)	لیتوانی	: (GOTHIC)	گوتیک
VIENS	: (LATVIAN)	لتوانی (لتی)	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
AINS	: (OLD PRUSSIAN)	بروسی کهن	: (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
ÖEN, AON	: (OLD IRISH)	ایرلندی کهن	: (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
UN	: (GAULISH)	گالی	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
UN	: (WELSH)	ولزی	: (GERMAN)	آلمانی
UN, UNAN.	: (BRETON)	برتونی	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
NJË	: (ALBANIAN)	آلبانی	: (ENGLISH)	انگلیسی

REFERENCES	پسگشت ها
POKORNY:	286
BARNHART:	(ONE) 728
DELAMARRE:	(UN) 209
MACKENZIE:	(ONE) 125
BUCK:	937-939
ONIONS:	(ONE) 627
SKEAT:	(ONE) 411
۲۴۴۰	برهان قاطع

UNO, UNA	: (SPANISH)	اسپانیایی
UNO, UNA	: (ITALIAN)	ایتالیایی
UN, UNO, UNA	: (RUMANIAN)	رومانی
UM, UMA	: (PORTUGUESE)	پرتغالی
AINS	: (GOTHIC)	گوتیک
EINN	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
ĒN	: (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
ĀN	: (OLD FRISIAN)	فریزی کهن
EIN, EINZ	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
EIN	: (GERMAN)	آلمانی
ĀN	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن
ONE	: (ENGLISH)	انگلیسی
EN	: (DANISH)	دانمارکی
EN	: (SWEDISH)	سوئدی
EN	: (NORWEGIAN)	نروژی
EEN	: (DUTCH)	هلندی
INŪ, JEDAN	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
JEDEN	: (POLISH)	لهستانی
	: (RUSSIAN)	روسی
ODIN, JEDNA, JEDNO		

YUGH, JUGH	فارسی (PERSIAN)
YOKE	چم انگلیسی سروازه‌ی فارسی:
*YEUG, *YOUG, *YUG-	هند و اروپایی (:INDO-EUROPEAN)
YUGĀ, YUGĀM, YUNAKTI	اوستایی (:AVESTAN)
ZOUYK, ZOUKEL	: (ARMENIAN)
ZYGÓN, ZEUGNÝNAI	: (GREEK)
JUGUM, JUNGERE	: (LATIN)
JOUG	: (FRENCH)
YUGO	: (SPANISH)
	اسپانیایی
YAOG	: (PAHLAVI)
JHUGH, ĀYÓXTAN	: (BALUCHI)
JŪGH	: (AFGHANI)
JUGH	: (TOKHARIAN A) A
YOKAM	: (SANSKRIT)

JŪNGAS, JŪNGTL:	(LITHUANIAN)	لیترانی
JŪGS	:(LATVIAN)	لتوانی (لتی)
CUING	:(OLD FRENCH)	ایراندی کهن
GAU	:(GAULISH)	گالی
IAU	:(WELSH)	ولزی
YEO, IEO	:(BRETON)	برتونی
YUKAN, YUGAN	:(HITTITE)	هتیت

REFERENCES	پشتہ مات
POKORNY:	508
BARNHART:	(YOKE) 1254
DELAMARRE:	(JOUG) 119
MACKENZIE:	(YOKE) 141
BUCK:	726
ONIONS:	(YOKE) 1020
SKEAT:	(YOKE) 729
RAMAT:	45
۲۴۰۸	برہان قاطع :

GIOGO	: (ITALIAN)	ایتالیا بی (ITALIAN)
JUG	: (RUMANIAN)	روماني
JUGO, JUNTA	: (PORTUGUESE)	پرتغالی
JUK	: (GOTHIC)	گوتیک
OK	: (OLD SCANDINAVIAN)	ایسلندی کهن
JUK	: (OLD SAXON)	ساکسونی کهن
JOH	: (OLD HIGH GERMAN)	آلمانی کهن
JOCH	: (GERMAN)	آلمانی
	: (OLD ENGLISH)	انگلیسی کهن

GEOC, GEOHT

YOKE	: (ENGLISH)	انگلیسی
ĀG	: (DANISH)	دانمارکی
OK	: (SWEDISH)	سوئدی
ĀK	: (NORWEGIAN)	نروژی
JUK	: (DUTCH)	هلندی
IGO	: (OLD CHURCH SLAVIC)	اسلاوی کهن
JARZMO	: (POLISH)	لهستانی
JARMO	: (RUSSIAN)	روسی
JHO, JARMO	: (BOHEMIAN)	بöhemi

كتابنامه

- AMINOARDV, AZIZ. *KURDISH-ENGLISH AND ENGLISH-KURDISH DICTIONARY*. NEW YORK: HIPPOCRENE BOOKS, 1994.
- AWDE, NICHOLASE & SARWAN, ASMATULLAH. *PASHTO-ENGLISH, ENGLISH-PASHTO DICTIONARY*. NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.
- BARNHART, ROBERT K., ED. *THE BARNHART DICTIONARY OF ETYMOLOGY*, NEW YORK: THE H. W. WILSON CO., 1988.
- BARTHOLOMAE, CH. *ALTIRANISCHES WORTERBUCH*. STRASSBURG, 1950.
- BASTIDS, J.A.J., VAN KOOTEN, G. *CASSELL'S ENGLISH-DUTCH,DUTCH- ENGLISH DICTIONARY*. NEW YORK: MATMILAN, 1988.
- BENVENISTE, EMIL. *LE VOCABULAIRE DES INSTITUTION INDO- EUROPEEN*. PARIS, LES EDITION DE MINUIT, 1969.
- BROWN, LESLEY, *THE NEW SHORTER OXFORD ENGLISH DICTIONARY*. OXFORD: CLARENDON PARSS, 1993.
- BUCK, CARL DARLING. *A DICTIONARY OF SELCTED SYNONYMS IN THE PRINCIPAL INDO-EUROPEAN LANGUAGES*. CHICAGO, THE UNIVERSITY OF CHICAGO PRESS, 1988.
- CHILDE, V. GORDON. *THE ARYANS: A STUDY OF INDO-EUROPEAN ORIGINS*. DORSET PRESS, 1987.
- COLINS: *DIZIONARIO INGLESE-ITALIANO, ITALIAN-ENGLISH DICTIONARY*. GLASGOW: HARPER COLINS PUBLISHERS, 1995.
- DELAMRRE, X. *LE VOCABULARIE INDO-EUROPEEN*. PARIS: MAISON- NEVVE, 1984.
- GHIRSHMAN, R. *PIRAN ET LA MIGRATION DES INDO-ARYENS ET DES IRANIENS*. LEIDEN, 1977.
- HANNESSIAN, OHANNES. *ENGLISH-ARMENIAN DICTIONARY*. LOS ANGELES: SHIRAK PUBLISHING HOUSE, 1998.
- HAUGEN, EINAR. *NORWEGIAN-ENGLISH DICTIONARY*. MADISON, WICONSIN: UNIVERISTY OF WISCONSIN PRESS, 1974.
- HOLMAN, MARIANNE. *DANISH-ENGLISH, ENGLISH-DANISH DICTIONARY*. NEW YOURK: HIPPOCRENE, 2000.
- KENT, ROLAND. *OLD PERSIAN*. NEW HAVEN: AMERICAN ORIENTAL SOCIETY, 1953.
- LAMB, SYDNEY M. *SPRUNG FROM COMMON SOURCE: INVESTIGATIONINTO THE PREHISTORY OF LANGUAGES*. STANFORD UNIVERSITY PRESS, 1991.
- LAROUSSE. *PORTUGUESE-ENGLISH, ENGLISH-PORTGUESE DICTIONARY*. NEW YORK: LAROUSSE, 2003.
- MACKENZIE, D. N. *A CONISE PAHLAVI DICTIONARY*. LONDON: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 1971.

- MALLORY, J.P.& D.Q. ADAMS. *ENCYCOPHDIA OF INDO-EUVROPEAN CULTURE.* LONDON: FITZROY DEARBORN PUBLISHERS, 1997.
- MALLORY, J. P. *IN SEARCH OF INDO-EUROPEANS.* LONDON: THAMES & HUDSON LTD, 1989.
- MANN, SURAT. *AN INDO-EUROPEAN COMPARATIVE DICTIONARY.* HAMBURG: HELMUT BUSKE VELAG, 1987.
- MANSION, J.E. *HARPER'S NEW COLLEGATE FRENCH AND ENGLISH DICTIONARY.* NATIONAL TEXTBOOK CO., 1980.
- MESSINGER, HEINZ. *LANGENSHEIDT'S NEW COLLEGE DICTIONARY.* BERLIN: LANGENSHEIDT, 1973.
- MIROIU, MIHAI. *ROMANIAN-ENGLISH, ENGLISH-ROMANIAN DICTIONARY.* NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.
- ONIONS, C. T. *THE OXFORD DICTIONARY OF ENGLISH ETYMOLOGY.* OXFORD: CLARENDON PRESS, 1983.
- PERKS, ROBERT S. P. *COMPARATIVE INDO-EUROPEAN LINGUISTICS.* AMSTERDAM: JOHNS BENJAMINS PUBLISHERS, 1995.
- POGONOWSKI, CYPRIAN. *POLISH-ENGLISH, ENGLISH-POLISH DICTIONARY.* NEW YOÜRK: HIPPOCRENE, 1993.
- POKORNY, JULIUS. *INDOGERMANICHES ETYMOLOGISCHES WÖRTE- RBUCH,* MUNCHEN: 1959.
- RAMAT,G.R. &. RAMAT, PAOLO. *THE INDO-EUROPEAN LANGUAGES.* LONDON: ROUTLEDGE, 1993.
- RENFREW, COLIN. *ARCHAEOLOGY AND LANGUAGE: THE PUZZLE OF INDO-EUROPEAN ORIGINS.* CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS, 1990. SHAHZADI, M. F. *KHORDEH AVESTA.* SAN DIEGO: THE COUNCIL OF IRANIAN MOBEDS, 1990.
- SHIPLEY, JOSEPH T. *THE ORIGINS OF ENGLISH WORDS.* BALTIMORE: JOHNS HOPKINS UNIVERSITY PRESS, 1984.
- SMITH, COLIN, ET AL. *COLLINS SPANISH-ENGLISH AND ENGLISH- SPANISH DICTIONARY.* LONDON: COLLINS, 1981.
- SKEAT, W.W. *AN ETYMOLOGICAL DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE,* OXFORD: CLARENDON PRESS, 1983.
- STEVENSON, VICTOR. *WORDS, THE EVOLUTION OF WESTERN LANGUAGES.* VAN NOSTRAND REINHOLD, 1983.
- THE AMERICAN HERIATRCE DICTIONARY OF THE ENGLISH LANGUAGE.* BOSTON: HOUTON MIFFLIN, 2000.
- TRAUPMAN, JOHN. *THE BANTAM NEW COLLEGE LATIN AND ENGLISH DICTIONARY.* NEW YORK: BANTAM BOOKS, 1995.

- TANKA, NINA. CZECH-ENGLISH, ENGLISH-CZECH DICTIONARY. NEW YORK: HIPPOCRENE, 2002.
- TRNKA, NINA. SLOVAK-ENGLISH, ENGLISH-SLOVAK DICTIONARY. NEW YORK: HIPPOCRENE: 2001.
- TURNER, R.L. A COMPARATIVE DICTIONARY OF THE INDO-ARYAN LANGUAGES. LONDON: SCHOOL OF ORIENTAL AND AFRICAN STUDIES, 1985.

پسگشتهای فارسی:

- برهان قاطع تألیف محمد حبین بن خلف تبریزی (زیرنویس‌ها از دکتر محمد معین). تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- غیاث اللغات تألیف غیاث الدین محمد بن جلال الدین رامپوری (به کوشش منصور ثروت). تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- فرهنگ بزرگ سخن به سرپرستی دکتر حسن انوری. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
- فرهنگ یندوی تألیف محمد مزرعه‌تی و علی مزرعه‌تی. تهران: طلوع، ۱۳۷۷.
- فرهنگ فارسی تألیف محمد معین. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- لغت نامه: تألیف علی اکبر دهخدا. تهران: مؤسسه لغت نامه‌ی دهخدا، ۱۳۷۷.

FORWARD

THIS PERSIAN BOOK IS THE FIRST ATTEMPT TO TRACE THE ROOTS OF PERSIAN WORDS (THROUGH PAHLAVI, AVESTAN, AND OLD PERSIAN) TO THEIR INDO-EUROPEAN ROOTS. ITS MAIN FEATURES ARE THE FOLLOWING:

1. ONLY PERSIAN WORDS WITH KNOWN INDO-EUROPEAN ROOTS HAVE BEEN INCLUDED. THIS HAS LED TO THE EXCLUSION OF HUNDREDS OF PERSIAN WORDS WITH KNOWN PAHLAVI OR AVESTAN COGNATES OR ROOTS. SOME OF THESE ARE PROBABLY INDO-EUROPEAN; MANY ARE PROBABLY NOT.
2. WHERE POSSIBLE, I HAVE GIVEN COGNATES OF EACH PERSIAN HEADWORD IN KURDISH, AFGHANI, BALUCHI AND OTHER IRANIAN LANGUAGES.
3. TO DEMONSTRATE THE KINSHIP OF OTHER INDO-EUROPEAN LANGUAGES, I HAVE GIVEN AS MANY COGNATES IN SANSKRIT, GREEK, LATIN, GERMAN, ENGLISH, RUSSIAN, ETC., AS POSSIBLE.
4. MUCH OF WHAT IS PRESENTED IN THIS BOOK HAS BEEN GLEANED FROM THE WORK OF OTHER SCHOLARS (PARTICULARLY J. POKORNY AND M. MOIN); BUT THERE ARE ALSO MANY WORDS WHOSE COGNATION AND ETYMOLOGY HAVE BEEN PRESENTED FOR THE FIRST TIME IN THIS BOOK. FOR THESE AS WELL AS FOR THE OVERALL ACCURACY AND VERACITY OF THIS BOOK, I TAKE FULL RESPONSIBILITY.

M. ARYANPUR KASHANI